متن و ترجمه فروع کتاب نفیس کافی جلد ٤

مشخصات کتاب

سرشناسه: کلینی، محمدبن یعقوب، - ۳۲۹ق.

عنوان قراردادی: الکافی. فروع. فارسی - عربی

عنوان و نام پدیدآور: متن و ترجمه کتاب نفیس فروع کافی [کتاب]/تالیف محمدبن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی؛ ترجمه گروه مترجمان ؛ اشراف و ویرایش محمدحسین رحیمیان.

مشخصات نشر: قم: قدس،۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۰ج.

شابک: ۶۰۰۰۰۰ریال: دوره:۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷۹-٥ ؛ ۸۰۰۰۰۰ ریال (دوره ده جلدی، چاپ چهارم) ؛ ج.۱، چاپ چهارم:۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-٦۹-٦ ؛ ج.۲، چاپ چهارم: ۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷۰-۲ ؛ ج.۳، چاپ چهارم: ۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷۱-۹ ؛ ج.٤، چاپ چهارم:۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷۲-٦ ؛ ج.٥، چاپ چهارم: ۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷۳-۳ ؛ ج.٦، چاپ چهارم: ۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷٤-۰ ؛ ج.۷، چاپ چهارم: ۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷٥-۷ ؛ ج.۸، چاپ چهارم: ۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷٦-٤ ؛ ج.۹، چاپ چهارم: ۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷۷-۱ ؛ ج.۱۰، چاپ چهارم: ۹۷۸-۹٦٤-۲٥٤۹-۷۸-۸

یادداشت: فارسی-عربی.

یادداشت:ج.۱(چاپ سوم).

یادداشت:ج.۲و۳(چاپ سوم:۱۳۹۱).

یادداشت:ج.٦-١٠(چاپ سوم:١٣٩١).

یادداشت:ج.١-١٠ (چاپ چهارم: ١٣٩٣).

یادداشت:ج.٦-١٠(چاپ پنجم:١٣٩٤).

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ٤ق.

شناسه افزوده: رحیمیان،محمدحسین، ١٣٤٥ -، ویراستار

رده بندی کنگره: BP١٢٩/ک٨ک٢٦٠٤١ ١٣٩١

رده بندی دیویی: ٢١٢/٢٩٧

شماره کتابشناسی ملی: ٣١٦٦٣٦٨

متن و ترجمه کتاب نفیس

فروع کافی جلد چهارم

تألیف

محدّث عالی مقام ثقة الاسلام محمّد یعقوب کلینی رازی رحمه الله.

ترجمه: گروه مترجمان

اشراف و ویرایش : محمد حسین رحیمیان

خیر اندیش دیجیتالی: موسسه مددکاری و خیریه ایتام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهرستان بروجن.

ویراستار دیجیتالی: سمانه جاوید

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ٤

فهرست موضوعات

ادامه کتاب حج (۱۹- ٥٦٧)

بخش چهل و نهم

ماه های حج ... ۱۹

بخش پنجاهم

حج اکبر و حج اصغر ... ۲۰

بخش پنجاه و یکم

انواع حج ... ۲۲

بخش پنجاه و دوم

واجبات حج تمتع ... ۳۱

بخش پنجاه و سوم

چگونگی حج قران و واجبات آن ... ۳۳

بخش پنجاه و چهارم

چگونگی علامت گذاری به قربانی ... ۳٤

بخش پنجاه و پنجم

واجبات حج افراد ... ۳۷

بخش پنجاه و ششم

حکم کسی که نیت حج تمتع نمی کند ... ۳۸

بخش پنجاه و هفتم

مجاورین مکه و اهل حرم ... ۳۹

بخش پنجاه و هشتم

حکم حج کودکان و حج بردگان ... ٤۸

بخش پنجاه و نهم

حکم کسی که پیش از انجام حج واجب می میرد یا به انجام حج وصیت می کند ... ۵۲

بخش شصتم

حکم نیابت زن از مرد ... ۵۵

ص: ۵

بخش شصت و یکم

حکم کسی که برای حج افراد اجیر شده به جای آن، حج تمتع انجام می دهد یا به شرط عمل نمی کند ... ۵۷

بخش شصت و دوم

حکم کسی که به حج وصیت می کند، اما از غیر آن جایی که او وصیت نموده بود، برای او حج انجام دهند، یا به چیز اندکی برای انجام حج وصیّت می کند ... ۵۸

بخش شصت و سوم

حکم فردی که انجام حج را به عهده می گیرد، ولی هزینه ای که به او داده اند کفایت نمی کند. یا حج را به عهده می گیرد اما آن را به دیگری واگذار می کند ... ۶۰

بخش شصت و چهارم

حکم نیابت از مخالفان مذهب ... ۶۲

بخش شصت و پنجم ... ۶۳

بخش شصت و ششم

آداب حج نیابتی و نیت آن ... ٦٤

بخش شصت و هفتم

حکم کسی که در اثنای حج نیابتی از حج یا طواف دیگری نایب شود ... ٦٦

بخش شصت و هشتم

حکم کسی که به نیابت از دیگری حج انجام داده و خود درآن شریک بوده است ... ٦٧

بخش شصت و نهم

یک روایت نکته دار ... ٦٨

بخش هفتادم

حکم فردی که هزینه نیابت را در غیر حج مصرف می کند یا از هزینه نیابت مقداری اضافه می آید ... ٦٩

بخش هفتادو یکم

حکم طواف و حج به نیابت از ائمه اطهار علیهم السلام ... ٧١

بخش هفتادو دوم

حکم کسی که خویشان خود را در ثواب حج خود شریک می کند و با آنان صله رحم می نماید ... ٧٤

بخش هفتادو سوم

زیاد کردن موی سر برای کسی که می خواهد حج و عمره انجام دهد ... ۸۰

ص: ٦

بخش هفتادو چهارم

میقات های احرام ... ۸۲

بخش هفتادو پنجم

حکم کسی که در غیر میقات محرم شود ... ۸۷

بخش هفتادو ششم

حکم کسی که از میقات شهر خود بدون احرام عبور کند یا بدون احرام وارد مکه شود ... ۹۱

بخش هفتادو هفتم

واجبات احرام بستن ... ۹٦

بخش هفتادو هشتم

غسلی که برای احرام کفایت می کند و غسلی که کفایت نمی کند ... ۱۰۰

بخش هفتادو نهم

چیزهایی که پس از غسل و قبل از تلبیه گفتن بر محرم جایز است مانند استعمال عطر، شکار کردن و موارد دیگر ... ۱۰۳

بخش هشتادم

نماز احرام، احرام بستن و شرایط آن ... ۱۰۷

بخش هشتادو یکم

لبیک گفتن ... ۱۱۶

بخش هشتادو دوم

خودداری محرم از جدال و موارد مشابه ... ۱۲۰

بخش هشتادو سوم

لباس محرم و آن چه پوشیدنش بر او مکروه است ... ۱۲٤

بخش هشتادو چهارم

حکم محرمی که بر کمر خود همیان و کمربند می بندد ... ۱۳۲

بخش هشتادو پنجم

لباس ها و زیور آلاتی که بر زن محرم پوشیدنش جایز است و آن چه که از آنها بر او مکروه است ... ۱۳۳

بخش هشتادو ششم

محرمی که ناگزیر به پوشیدن لباسی می شود که بر او جایز نیست ... ۱۳۹

بخش هشتادو هفتم

لباسی که در آن قربانی واجب است ... ۱٤۱

بخش هشتادو هشتم

حکم کسی که در پیراهن محرم می شود، یا بعد از محرم شدن آن را می پوشد ... ۱۴۲

بخش هشتادو نهم

حکم محرمی که سر یا روی خود را از روی عمد و یا فراموشی می پوشاند ... ۱۴۴

بخش نودم

حکم سایه برای محرم ... ۱۴۶

بخش نود و یکم

محرم نباید در آب فرو رود ... ۱۵۳

بخش نود و دوم

حکم عطر برای محرم ... ۱۵۴

بخش نود و سوم

کراهت استفاده از زیور آلات برای محرم ... ۱۶۱

بخش نود و چهارم

معالجه محرم به هنگام بیماری یا زخمی شدن، درآوردن دمل یا بیماری دیگر ... ۱۶۳

بخش نود و پنجم

حکم محرمی که حجامت می کند یا ناخن ها یا موها یا چیزی از آن را کوتاه می کند ...۱٦۷

بخش نود و ششم

حکم محرمی که جانوران را از خود دور می کند ... ۱۷۲

بخش نود و هفتم

چیزهایی که کشتن آنها برای محرم جایز است و چیزهایی که کفاره آور است ... ۱۷٤

بخش نود و هشتم

حکم محرمی که ذبح می کند و برای چهارپای خود علف می چیند ... ۱۷۹

بخش نود و نهم

آداب محرم ... ۱۸۰

بخش صدم

حکم محرمی که از دنیا برود ... ۱۸۵

بخش صدو یکم

حکم کسی که به علت بیماری و یا مانع شدن دشمن نمی تواند وارد مکه شود و -

کفاره ای که بر این موارد تعلّق می گیرد ... ۱۸٦

بخش صدو دوم

حکم محرمی که ازدواج می کند یا عقد ازدواج و طلاق جاری می کند و کنیز می خرد ... ۱۹٤

بخش صدو سوم

حکم محرمی که پیش از این که مناسک حجش را به پایان برساند بازنش همبستر شود و حکم غیر محرمی که بازن محرمه هم بستر می شود ... ۱۹۷

بخش صدو چهارم

حکم محرمی که همسرش را می بوسد و به او با شهوت یا بدون شهوت نگاه می کند یا به زن دیگری نگاه می کند ... ۲۰۳

بخش صدو پنجم

حکم محرمی که پس از انجام بخشی از مناسک حج با همسرش نزدیکی می کند ... ۲۰۸

بخش صدو ششم

بازداشت از شکار و این که هر گاه محرم و غیر محرم در حرم و بیرون آن با شکار برخورد کند با آن چه کند؟ ... ۲۱٤

بخش صدو هفتم

حکم محرمی که به خوردن گوشت شکار و حیوان مردار ناگزیر می شود ... ۲۱۹

بخش صدو هشتم

حکم محرمی که شکار می کند از کجا کفاره دهد و در کجا قربانی نماید؟ ... ۲۲۱

بخش صدو نهم

کفاره شکار حیوانات وحشی ... ۲۲۲

بخش صدو دهم

کفاره کشتن پرندگان و شکستن تخم آنها برای محرم ... ۲۳۰

بخش صدو یازدهم

حکم گروهی از حاجیان محرمی که بر شکاری اجتماع کنند ... ۲۳٤

بخش صدو دوازدهم

فرق بین شکار صحرایی و دریایی و آن چه از آن بر محرم حلال است ... ۲۳۸

ص: ۹

بخش صدو سیزدهم

حکم محرمی که چند بار شکار کند ... ۲٤۱

بخش صدو چهاردهم

حکم محرمی که در حرم شکار کند ... ۲٤۳

بخش صدو پانزدهم

چند حدیث نکته دار ... ۲٤٦

بخش صدو شانزدهم

چگونگی ورود به حرم ... ۲۵۰

بخش صدو هفدهم

قطع تلبیه محرم در عمره تمتّع ... ۲۵۲

بخش صدو هیجدهم

چگونگی ورود به مکه ... ۲۵٤

بخش صدو نوزدهم

بچگونگی ورود به مسجدالحرام ... ۲۵۸

بخش صدو بیستم

دعا به هنگام رو به رو شدن باحجر الاسود و استلام آن ... ۲٦۲

بخش صدو بیست و یکم

حکم استلام و مسح ... ۲٦۵

بخش صدو بیست و دوم

ازدحام مردم برای حجر الاسود ... ٢٦٦

بخش صدو بیست و سوم

طواف و استلام ارکان ... ٢٧٠

بخش صدو بیست چهارم

ملتزم (پشت کعبه نزدیک رکن یمانی) و دعا در کنار آن ... ٢٨١

بخش صدو بیست و پنجم

فضیلت طواف ... ٢٨٤

بخش صدو بیست و ششم

نماز بهتر است یا طواف خانه خدا؟ ... ٢٨٦

بخش صدو بیست و هفتم

حدود محل طواف ... ٢٨٧

بخش صدو بیست و هشتم

چگونگی طواف نمودن ... ٢٨٨

ص: ١٠

بخش صدو بیست نهم

حکم کسی که در اثنای طواف کاری برایش پیش می آید یا بیمار می شود ... ۲۸۹

بخش صدو سی ام

مردی که از طواف باز می ماند، یا نماز برپا می شود و یا وقت نماز فرا می رسد ... ۲۹۳

بخش صد و سی و یکم

شک در طواف ... ۲۹۵

بخش صدو سی و دوم

جمع میان چند طواف هفتگانه ... ۳۰۰

بخش صدو سی و سوم

حکم کسی که طواف کرد و راه را از حجر اسماعیل کوتاه نمود ... ۳۰۲

بخش صدو سی و چهارم

حکم طواف بی وضو ... ۳۰۳

بخش صدو سی و پنجم

حکم کسی که پیش از طواف سعی بین صفا و مروه نماید یا طواف را انجام دهد و سعی را به تأخیر اندازد ... ۳۰٤

بخش صدو سی و ششم

حکم طواف بیمار و کسی که بدون علت به صورت حمل شده طوافش دهند ... ۳۰۷

بخش صدو سی و هفتم

دو رکعت نماز طواف و وقت آنها وقرائت در آنها و دعای آنها ... ۳۰۹

بخش صدو سی و هشتم

شک در دو رکعت نماز طواف ... ۳۱۳

بخش صدو سی و نهم

چند حدیث نکته دار ... ۳۱۷

بخش صدو چهلم

استلام حجر الاسود بعد از دو رکعت و آشامیدن آب زمزم پیش از رفتن به صفا و مروه ... ۳۲٤

بخش صدو چهل و یکم

ایستادن در بالای صفا و دعاکردن ... ۳۲٦

بخش صدو چهل و دوم

سعی بین صفا و مروه و آن چه در آن گفته می شود ... ۳۳۲

ص: ۱۱

بخش صدو چهل و سوم

حکم کسی که سعی را پیش از صفا از مروه شروع نماید یا بین صفا و مروه شک نماید ... ۳۳۷

بخش صدو چهل و چهارم

استراحت در سعی و انجام آن به صورت سواری ... ۳٤۰

بخش صدو چهل و پنجم

قطع نمودن سعی به جهت نماز یا غیر آن و سعی نمودن بدون وضو ... ۳٤۲

بخش صدو چهل و ششم

کوتاه کردن برای تمتع و بیرون آمدن او از احرام ... ۳٤۳

بخش صدو چهل و هفتم

حکم کسی که عمره تمتع انجام می دهد و فراموش می کند که تقصیر نماید تا به حج احرام می بندد یا پیش از تقصیر سرش می تراشد یا با همسرش نزدیکی می نماید ... ۳٤٦

بخش صدو چهل هشتم

حکم کسی که به عمره تمتع احرام بسته پس از احرام با پیشامدی از مکه بیرون می رود ... ۳٤۹

بخش صدو چهل و نهم

حکم کسی که حج تمتع او فوت شود ... ۳۵۳

بخش صدو پنجاهم

احرام زن حائض و مستحاضه ... ۳۵۵

بخش صدو پنجاه و یکم

آن چه بر حائض از ادای مناسک واجب است ... ۳۵۷

بخش صدو پنجاه و دوم

حکم زنی که در حین طواف حائض شود ... ۳۶۳

بخش صدو پنجاه و سوم

زن مستحاضه می تواند بیت را طواف نماید ... ۳۶۵

بخش صدو پنجاه و چهارم

چند روایت نکته دار ... ۳۶۶

ص: ۱۲

بخش صدو پنجاه و پنجم

معالجه زن حایض ... ۳۶۸

بخش صدو پنجاه و ششم

دعا برای برطرف شدن خون حیض ... ۳۷۰

بخش صدو پنجاه و هفتم

احرام روز هشتم ذی ... ۳۷۵

بخش صدو پنجاه هشتم

حج پیاده و نهایت پیاده روی درحج ... ۳۷۸

بخش صدو پنجاه و نهم

انجام طواف حج تمتع پیش از رفتن به منا ... ۳۸۱

بخش صدو شصتم

حکم انجام طواف حج بر کسی که حج افراد انجام می دهد ... ۳۸۵

بخش صدو شصت و یکم

حرکت به سوی منا ... ۳۸۷

بخش صدو شصت و دوم

فرود آمدن به منا و حدود آن ... ۳۸۹

بخش صدو شصت و سوم

حرکت به سوی عرفات و حدود آن ... ۳۹۰

بخش صدو شصت و چهارم

حکم پایان لبیک گفتن حاجی ... ۳۹۳

بخش صدو شصت و پنجم

وقوف در عرفه و حدود موقف ... ۳۹٤

بخش صدو شصت و ششم

کوچ کردن از عرفات ... ۴۰۲

بخش صدو شصت و هفتم

رفتن به مزدلفه شب هنگام ایستادن در دامنه کوه مشعر و فرود آمدن از آن و حدود آن ... ۴۰۵

بخش صدو شصت و هشتم

هروله و تند روی در وادی محسّر ... ۴۰۹

بخش صدو شصت و نهم

حکم کسی که از وقوف در مشعر آگاهی نداشت ... ۴۱۲

بخش صدو هفتادم

حکم کسی که پیش از طلوع فجر باشتاب -

ص: ۱۳

از مزدلفه کوچ کند ... ۴۱۶

بخش صدو هفتادو یکم

کسی که حج از او فوت شده است ... ۴۲۰

بخش صدو هفتادو دوم

سنگریزه از کجا برداشته می شود؟ و تعداد آن ها چقدر است؟ ... ٤٢٣

بخش صدو هفتادو سوم

روز قربانی و محل شروع انداختن سنگ ریزه و فضیلت آن ... ٤٢٦

بخش صدو هفتادو چهارم

حکم رمی جمرات در روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم ... ٤٣٠

بخش صدو هفتادو پنجم

حکم کسی که در رمی جمرات پس و پیش یا زیاد و کم نماید ... ٤٣٤

بخش صدو هفتادو ششم

حکم کسی که رمی جمرات را فراموش کند و یا از مسأله آگاهی نداشته اند ... ٤٣٨

بخش صدو هفتادو هفتم

حکم انجام رمی از جانب بیماران وکودکان وحکم انجام رمی به صورت سواری ... ٤٤٠

بخش صدو هفتادو هشتم

روزهای قربانی ... ٤٤٣

بخش صدو هفتادو نهم

کم ترین حد قربانی ... ٤٤٤

بخش صدو هشتادم

حکم وجوب قربانی و محل ذبح آن ... ٤٤٥

بخش صدو هشتادو یکم

مستحبات قربانی و موارد مجاز و غیر مجاز آن ... ٤٤٨

بخش صدو هشتادو دوم

حکم قربانی زائو، شیرده یا بارکش ... ٤٥٦

بخش صدو هشتادو سوم

حکم شتر قربانی که از راه رفتن بازماند، یا پیش از رسیدن به قربانگاه و نحر آن بمیرد ... ٤٥٨

بخش صدو هشتادو چهارم

شتر و گاو از قربانی چند نفر کفایت می کند؟ ... ٤٦٣

بخش صدو هشتادو پنجم

چگونگی ذبح قربانی ... ٤٦٦

بخش صدو هشتادو ششم

خوردن از قربانی واجب و صدقه دادن آن و بیرون بردن آن ازمنا ... ٤٦٩

بخش صدو هشتادو هفتم

پوست قربانی ... ٤٧٤

بخش صدو هشتادو هشتم

تراشیدن سر و کوتاه نمودن مو و ناخن ... ٤٧٥

بخش صدو هشتادو نهم

حکم کسی که در انجام مناسک بخشی را تقدیم نماید ... ٤٨٠

بخش صدو نودم

مواردی که برای مرد پس از تراشیدن سر پیش از زیارت بیت از لباس و عطر حلال می شود ... ٤٨٢

بخش صدو نودو یکم

حکم روزه کسی که حج تمتع انجام می دهد در ازای نبود قربانی ... ٤٨٥

بخش صدو نودو دوم

زیارت بیت و غسل آن ... ٤٩٢

بخش صدو نودو سوم

طواف نساء ... ٤٩٦

بخش صدو نودو چهارم

حکم کسی که شب هنگام در منا بیتوته کند ... ٤٩٩

بخش صدو نودو پنجم

آمدن (از منا) به مکه بعد از زیارت طواف ... ٥٠١

بخش صدو نودو ششم

تکبیر در ایام تشریق ... ٥٠٢

بخش صدو نودو هفتم

نماز در مسجد منا و حکم کسی که درمنا نماز قصر و تمام بر او واجب است ... ٥٠٥

ص: ١٥

بخش صدو نودو هشتم

حکم کوچ از منا؛ کوچ اول و کوچ دوم ... ٥٠٩

بخش صدو نودو نهم

فرود آمدن در زمین سنگریزه ... ٥١٦

بخش دویستم

اتمام نماز در حرم مکه و مدینه ... ٥١٧

بخش دویست و یکم

فضیلت نماز در مسجد الحرام و بهترین بقعه آن ... ۵۲۱

بخش دویست و دوم

ورود به کعبه ... ۵۲۶

بخش دویست و سوم

وداع با کعبه ... ۵۳۲

بخش دویست و چهارم

استحباب صدقه به هنگام خروج از مکه ... ۵۳۶

بخش دویست و پنجم

آن چه از عمره فریضه کفایت می کند ... ۵۳۷

بخش دویست و ششم

انجام عمره مفرده ... ۵۳۸

بخش دویست و هفتم

انجام عمره مفرده در ماه های حج (شوال، ذی قعده و ذی حجه) ... ۵۴۰

بخش دویست و هشتم

ماه هایی که انجام عمره مفرده در آن مستحب است و حکم کسی که در ماهی به آن محرم شده و در ماه دیگر از احرام بیرون آمده است ... ۵۴۲

بخش دویست و نهم

حکم قطع لبیک گفتن محرم و اعمال واجب بر او ... ٥٤٥

بخش دویست و دهم

حکم کسی که در حال احرام به عمره با همسرش نزدیکی می کند و کفاره آن ... ٥٤٨

بخش دویست و یازدهم

حکم کسی که به عنوان مستحب شتر قربانی می فرستد و خود نزد خانواده اش می ماند ... ٥٥٠

ص: ١٦

بخش دویست و دوازدهم

چند روایت نکته دار ... ٥٥٢

بخش های مربوط به زیارت ها (٥٦٨- ٦٥٦)

بخش یکم

زیارت پیامبر گرامی صلی الله علیه واله وسلم ... ٥٦٨

بخش دوم

پیوست حج به زیارت ... ٥٧٠

بخش سوم

فضیلت بازگشت به مدینه ... ۵۷۲

بخش چهارم

ورود به مدینه، زیارت پیامبر صلی الله علیه واله وسلم و دعا نزد بارگاه آن حضرت ... ۵۷۳

بخش پنجم

منبر، روضه و جایگاه پیامبر صلی الله علیه واله وسلم ... ۵۷۹

بخش ششم

جایگاه جبرئیل علیه السلام ... ۵۸۶

بخش هفتم

فضیلت اقامت در مدینه، و اعتکاف نزد ستون ها ... ۵۸۷

بخش هشتم

زیارت ائمه ی بقیع علیهم السلام ... ۵۹۰

بخش نهم

زیارت مشاهد و قبور شهدا ... ۵۹۲

بخش دهم

وداع با قبر پیامبر صلی الله علیه واله وسلم ... ۶۰۳

بخش یازدهم

حرمت مدینه ... ۵۹۹

بخش دوازدهم

استراحتگاه پیامبر صلی الله علیه واله وسلم ... ۶۰۳

بخش سیزدهم

مسجد غدیر خم ... ۶۰۵

بخش چهاردهم

[چند روایت نکته دار] ... ۶۰۷

بخش پانزدهم

اعمالی که در بارگاه امیر المؤمنین علیه السلام انجام می شود ... ۶۱۰

ص: ۱۷

بخش شانزدهم

دعایی دیگر در کنار قبر امیرمؤمنان علی علیه السلام ... ۶۱۱

بخش هفدهم

جایگاه سر مبارک امام حسین علیه السلام ... ۶۱۴

بخش هیجدهم

زیارت قبر امام حسین بن علی علیهما السلام ... ٦١٦

بخش نوزدهم

اعمال کنار قبر امام کاظم و امام جواد علیهما السلام زیاراتی که در بارگاه امامان علیهم السلام کفایت می کند ... ٦٢٩

بخش بیستم

فضیلت زیارت ها و ثواب آنها ... ٦٣٢

بخش بیست و یکم

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام ... ٦٣٤

بخش بیست و دوم

فضیلت زیارت امام کاظم علیه السلام ... ٦٤٢

بخش بیست و سوم

فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام ... ٦٤٣

بخش بیست و چهارم

[نماز در حرم های چهارگانه] ... ٦٤٧

بخش بیست و پنجم

ص: ١٨

ادامه کتاب حج (١٩- ٥٦٧)

بخش چهل و نهم

اشاره

(٤٩)

بَابُ أَشْهُرِ الْحَجِّ.

١ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

(الْحَجِّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ): شَوَّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ، لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَحُجَّ فِيمَا سِوَاهُنَّ.

٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (الْحَجِّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ).

ماه های حج

١- زراره گوید: امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ای که خدای متعال می فرماید: «مراسم حج در ماه های شناخته شده انجام می شود» فرمود:

شوال، ذی قعده و ذی حجه است که جایز نیست کسی در غیر این ماه ها حج را بر خود فرض و واجب سازد.

۲- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام در مورد این آیه که می فرماید: «مراسم حج در ماه های شناخته شده انجام می شود». (فرمود:)

ص: ۱۹

وَ الْفَرْضُ التَّلْبِيَةُ وَالْإِشْعَارُ وَ التَّقْلِيدُ ، فَأَيّ ذَلِكَ فَعَلَ فَقَدْ فَرَضَ الْحَجّ وَ لَا يُفْرَضُ الْحَجُّ إِلّا فِي هَذِهِ الشُّهُورِ الّتِي قَالَ اللّهُ عَزّ وَ جَلّ: الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ وَ هُوَ شَوّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجّةِ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ:

أَشْهُرُ الْحَجّ شَوّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ عَشْرٌ مِنْ ذِي الْحِجّةِ، وَأَشْهُرُ السّيَاحَةِ عِشْرُونَ مِنْ ذِي الْحِجّةِ وَ الْمُحَرّمُ وَ صَفَرُ وَ شَهْرُ رَبِيعِ الْأَوّلِ وَ عَشْرٌ مِنْ شَهْرٍ رَبِيعٍ الآخر.

بخش پنجاهم

اشاره

(۵۰)

بَابُ الْحَجّ الْأَكْبَرِ وَالْأَصْغَرِ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ يَوْمِ الْحَجّ الْأَكْبَرِ.

مراسم حج واجب با گفتن لبیک، یا شکافتن کوهان شتر قربانی و یا آویختن نعلین بر گردن قربانی، فرض و واجب می شود.

پس هریک از این سه کار که صورت بگیرد انجام مراسم حج در آن سال بر عهده ی حاجی واجب خواهد شد کسی حق ندارد مراسم حج را بر خود فرض و واجب سازد، مگر د در همین سه ماهی که خداوند عزوجل فرموده است. این سه ماه عبارتند از ماه های شوال، ذی قعده و ذی حجه است.

۳- علی بن ابراهیم با سند خود نقل می کند که حضرتش فرمود:

ماه های انجام مراسم حج، شوّال، ذی قعده و ده روز از ماه ذی حجه است و ماه های سیاحت بیست روز از ذی حجه و ماه محرم صفر ربیع الاول و ده روز از ماه ربیع الثانی است.

حج اکبر و حج اصغر

۱- معاوية بن عمار گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم روز حج اكبر چه روزى است؟

ص: ۲۰

فَقَالَ: هُوَ يَوْمُ النَّحْرِ وَ الْحَجُّ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ.

۲- أبو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ذَرِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْحَيُّ الْأَكْبَرُ يَوْمُ النَّحْرِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ عِيَاضٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ، فَإِنَّ ابْنَ عَبَّاسٍ كَانَ يَقُولُ: يَوْمُ عَرَفَةَ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِاللَّهِ عليه السلام: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

الْحَجُّ الْأَكْبَرُ يَوْمُ النَّحْرِ وَ يَحْتَجُ بِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: (فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ) وَ هِيَ عِشْرُونَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمُ وَ صَفَرٌ وَ شَهْرُ رَبِيعِ الْأَوَّلِ، وَ عَشْرٌ مِنْ رَبِيعِ الآخِرِ. وَ لَوْ كَانَ الْحَجُّ الْأَكْبَرُ يَوْمَ عَرَفَةَ لَكَانَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ يَوْماً.

فرمود: حج اکبر روزی است که مراسم قربانی صورت می گیرد. حج اصغر همان عمره است (که روز مشخصی ندارد).

۲- ذریح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حج اکبر، روز مراسم قربانی است.

۳- فضیل بن عیاض گوید: از امام صادق علیه السلام دربارۀ حج اکبر پرسیدم چرا که ابن عباس در مورد آن می گفت حج اکبر روز عرفه است.

امام صادق علیه السلام فرمود: امیرمؤمنان علی صلوات الله علیه فرمود:

حج اکبر همان روز مراسم قربانی است که به گفتار خدای متعال استدلال می شود که می فرماید: «پس چهار ماه در روی زمین بگردید» که بیست روز از ذی حجه، ماه محرم، صفر، ربیع الاوّل و ده روز از ربیع الثانی است. اگر حج اکبر روز عرفه بود بایستی چهار ماه و یک روز بود.

ص: ۲۱

بخش پنجاه و یکم

اشاره

(۵۱)

بَابُ أَصْنَافِ الْحَجِّ.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِاللّهِ عليه السلام يَقُولُ:

الْحَجّ ثَلَاثَةُ أَصْنَافٍ حَجٌ مُفْرَدٍ وَ قِرَانٍ وَ تَمَتُّع بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ، وَ بِهَا أَمَرَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه واله وسلم وَ الْفَضْلُ فِيهَا وَ لا نَأْمُرُ النّاسَ إِلّا بِهَا.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ مَنْصُورٍ الصّيْقَلِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللّهِ عليه السلام:

الْحَجُّ عِنْدَنَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهِ: حَاجٌ مُتَمَتّعٌ ، وَ حَاجٌ مُفْرِدٌ سَائِقٌ لِلْهَدْيِ، وَ حَاجٌ مُفْرِدٌ لِلْحَجّ.

انواع حج

١- معاوية بن عمار گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى فرمود:

حج بر سه گونه است حج ،مفرد حج قران و حج به اضافهٔ عمره كه رسول خدا صلى الله عليه واله وسلم به آن فرمان داده و همان فضيلت دارد. ما مردم را به همين نوع حج تمتع فرمان مى دهيم.

٢- منصور صيقل گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: حج در نزد ما به سه گونه انجام مى پذيرد حج به اضافه عمره تمتع، حج افراد با قربانى و حج افراد خالص (يعنى بدون عمره و بدون قربانى)

ص: ٢٢

٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيّوبَ الْخَزّازِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِاللّهِ عليه السلام: أَيُّ أَنْوَاعِ الْحَجّ أَفْضَلُ؟

فَقَالَ: التّمَتُّعُ وَ كَيْفَ يَكُونُ شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْهُ وَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ: لَوِ اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ لَفَعَلْتُ مِثْلَ مَا فَعَلَ النّاسُ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْن عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِاللَّهِ عليه السلام:

مَا نَعْلَمُ حَجّاً لِلَّهِ غَيْرَ الْمُتْعَةِ إِنَّا إِذَا لَقِينَا رَبَّنَا قُلْنَا: رَبَّنَا عَمِلْنَا بِكِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَ يَقُولُ الْقَوْمُ: عَمِلْنَا بِرَأْيِنَا. فَيَجْعَلُنَا اللَّهُ وَ إِيَّاهُمْ حَيْثُ يَشَاءُ.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:

٣- ابو ایوب خزاز گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کدام یک از انواع حج فضیلت بیشتری دارد؟

فرمود: حج تمتع فضیلت بیشتری دارد چگونه امکان دارد که حجی برتر از حج تمتع باشد درحالی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم آرزو می کرد و می فرمود: اگر من امروز شروع می کردم به آن چه تاکنون انجام داده ام، حج خود را به همان صورتی انجام می دادم که مردم انجام می دهند که عمره خود را با حج تمتع انجام می دهند.

٤- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حجی که مورد قبول خداوند است جز حج تمتع نیست هنگامی که ما پروردگار خود را ملاقات کنیم می گوییم پروردگار ما به کتاب تو و سنت پیامبرت عمل نمودیم و این مردم گویند: ما به نظر خود عمل نمودیم. آنگاه خداوند ما و آنها را در هر جایگاهی که بخواهد، قرار می دهد.

٥- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: امام جواد علیه السلام فرمود:

امام باقر علیه السلام همواره می فرمود: -

الْمُتَمَتِّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنَ الْمُفْرِدِ السّائِقِ لِلْهَدْيِ.

وَ كَانَ يَقُولُ: لَيْسَ يَدْخُلُ الْحَاجُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْمُتْعَةِ.

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ حَجّ فَلْيَتَمَتّعْ إِنّا لا نَعْدِلُ بِكِتَابِ اللّهِ عَزّوَجَلّ وَ سُنّةِ نَبِيّهِ صلى الله عليه وسلم.

٧- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ وَ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمّالَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: إِنّ بَعْضَ النّاسِ يَقُولُ: جَرّدِ الْحَجّ. وَ بَعْضَ النّاسِ يَقُولُ: اقْرُنْ وَ سُقْ، وَ بَعْضَ النّاسِ يَقُولُ: تَمَتّعْ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ.

فَقَالَ: لَوْ حَجَجْتُ أَلْفَ عَامٍ لَمْ أَقْرُنْهَا إِلّا مُتَمَتّعاً.

٨- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ حَدِيدٍ قَالَ:

کسی که حج تمتع انجام می دهد برتر از کسی است که حج مفرد را با قربانی انجام می دهد.

حضرتش همواره می فرمود: برای حاجی چیزی بهتر از حج تمتع نیست.

٦- معاوية (بن عمار) گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس عازم حج می شود باید به حج تمتع بپردازد ما فرمان کسی را با فرمان کتاب خدا و فرمان سنت پیامبر او برابر نمی دانیم.

۷- صفوان جمال گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: برخی از مردم می گویند: حج خالص به جا بیاور. برخی دیگر گویند: قربانی با خود بیاور و برخی دیگر می گویند: عمره تمتع به جا بیاور و بعد از عمره به حج بپرداز.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر من هزار سال به حج بروم، جز با حج تمتع به خانه خدا نزدیک نمی شوم.

۸- علی بن حدید گوید: -

كَتَبَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ مُيَسِّرٍ يَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ اعْتَمَرَ فِي شَهْرٍ رَمَضَانَ ثُمّ حَضَرَ لَهُ الْمَوْسِمُ أَ يَحُجُ مُفْرِداً لِلْحَجِّ أَوْ يَتَمَتّعُ ؟ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟

فَكَتَبَ إِلَيْهِ: يَتَمَتّعُ أَفْضَلُ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الْحَجِّ.

فَقَالَ: تَمَتّعْ.

ثُمّ قَالَ: إِنّا إِذَا وَقَفْنَا بَيْنَ يَدَيِ اللّهِ عَزّوَجَلّ قُلْنَا: يَا رَبِّ! أَخَذْنَا بِكِتَابِكَ وَ سُنّةِ نَبِيّكَ، وَ قَالَ النّاسُ: رَأَيْنَا بِرَأْيِنَا.

۱۰- مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

الْمُتْعَةُ وَ اللّهِ أَفْضَلُ وَ بِهَا نَزَلَ الْقُرْآنُ وَ جَرَتِ السّنّةُ.

علی بن میسر طی نامه ای به امام علیه السلام این گونه نوشت: شخصی در ماه رمضان عمره به جا آورده است آن گاه موسم حج فرا رسیده است آیا حج مفرد انجام دهد یا حج تمتع؟ کدام برتر است؟

حضرتش در پاسخ نوشت: حج تمتع انجام دهد برتر است.

۹- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره حج پرسیدم.

فرمود: حج تمتع به جا آور.

آن گاه فرمود: هنگامی که ما در پیشگاه خدای عزوجل بایستیم، می گوییم: پروردگار ما از کتاب تو و سنت پیامبر تو پیروی کردیم و مردم می گویند ما طبق نظر خود عمل نمودیم.

۱۰- حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند حج تمتع فضیلت بیشتری دارد آیه قرآن به حج تمتع نازل شده و سنت به حج تمتع جاری گشته است.

ص: ۲۵

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام فِي السَّنَةِ الَّتِي حَجَّ فِيهَا وَ ذَلِكَ فِي سَنَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَ مِائَتَيْنِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ بِأَيِّ شَيْءٍ دَخَلْتَ مَكَّةَ مُفْرِداً أَوْ مُتَمَتِّعاً؟

فَقَالَ: مُتَمَتِّعاً.

فَقُلْتُ لَهُ: أَيُّمَا أَفْضَلُ؟ الْمُتَمَتِّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ، أَوْ مَنْ أَفْرَدَ وَ سَاقَ الْهَدْيَ؟

فَقَالَ: كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: الْمُتَمَتِّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنَ الْمُفْرِدِ السَّائِقِ لِلْهَدْيِ.

وَ كَانَ يَقُولُ: لَيْسَ يَدْخُلُ الْحَاجُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الْمُتْعَةِ.

۱۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابن مُسْكَانَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عَمْرٍو أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِاللَّهِ علیه السلام عَنِ التَّمَتُّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ.

۱۱- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: سال دویست و دوازده هجری امام جواد علیه السلام به حج خانه خدا مشرّف بود. من به حضرتش عرض کردم: قربانت گردم! شما با چه نیتی به حج آمده اید؟ با نیت حج خالص یا حج تمتع؟

فرمود: با نیت حج تمتع.

گفتم: کدام یک برتر است؟ آن کسی که حج تمتع به جا می آورد، یا آن کسی که فقط به مراسم حج می پردازد و قربانی با خود می آورد؟

فرمود: امام باقر علیه السلام همواره می فرمود: «حج و عمره تمتّع برتر از حج بی عمره و آوردن قربانی است».

و آن حضرت همواره می فرمود: «هیچ انجام دهنده حجی خانه خدا مشرف نمی شود که از حاجیان حج تمتع برتر باشد».

۱۲- عبدالملك بن عمرو گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد حج وعمره تمتّع پرسیدم.

ص: ۲۶

فَقَالَ: تَمَتَّعْ.

قَالَ: فَقَضَى أَنَّهُ أَفْرَدَ الْحَجّ فِي ذَلِكَ الْعَامِ أَوْ بَعْدَهُ.

فَقُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللّهُ سَأَلْتُكَ فَأَمَرْتَنِي بِالتَّمَتُّعِ وَأَرَاكَ قَدْ أَفْرَدْتَ الْحَجّ الْعَامَ؟

فَقَالَ: أَمَا وَ اللّهِ، إِنّ الْفَضْلَ لَفِي الّذِي أَمَرْتُكَ بِهِ وَ لَكِنّي ضَعِيفٌ فَشَقّ عَلَيّ طَوَافَانِ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَلِذَلِكَ أَفْرَدْتُ الْحَجّ.

۱۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيّ عَنْ عَمّهِ عُبَيْدِاللّهِ أَنّهُ قَالَ:

سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِاللّهِ علیه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ: إِنّي اعْتَمَرْتُ فِي الْحُرُمِ وَ قَدِمْتُ الآنَ مُتمتعاً.

فَسَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ: نِعْمَ مَا صَنَعْتَ إِنّا لَا نَعْدِلُ بِكِتَابِ اللّهِ عَزّوَجَلّ وَ سُنّةِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم فَإِذَا بَعَثَنَا رَبُّنَا أَوْ وَرَدْنَا عَلَى رَبّنَا قُلْنَا: يَا رَبّ! أَخَذْنَا بِكِتَابِكَ وَ سُنّةِ نَبِيّكَ صلی الله علیه وسلم، وَ قَالَ النّاسُ : رَأَيْنَا رَأْيَنَا فَصَنَعَ اللّهُ عَزّوَجَلّ بِنَا وَ بِهِمْ مَا شَاءَ.

فرمود: حج تمتع به جا آور.

راوی گوید: زمان گذشت و آن حضرت در آن سال یا بعد از آن، حج افراد به جا آورد. عرض کردم خداوند کارهای شما را اصلاح نماید من از شما در مور نیت حج پرسیدم، به من دستور دادید که حج تمتع به جا آورم اکنون شما حج افراد انجام می دهید؟

فرمود: هان سوگند به خدا برترین حج همان است که به تو دستور دادم، ولی من ناتوان شده ام و انجام دو طواف بین صفا و مروه برای من سخت است. از این رو حج افراد انجام می دهم.

۱۳- عبیدالله حلبی گوید: من در حضور امام صادق علیه السلام بودم که یک نفر پرسید: من در ماه حرام به نیت عمره احرام بسته ام و اینک به قصد حج تمتع وارد شده ام. (کار من صحیح است؟).

پس شنیدم که امام صادق علیه السلام به او فرمود: کار بسیار خوبی کرده ای. ما اهل بیت، فرمان کتاب خدا و رسول خدا صلی الله علیه وسلم را با فرمان هیچ کسی برابر نمی دانیم. هنگامی که

(روز رستاخیز) پروردگار ما همهٔ ما را برانگیزد و در برابر او بایستیم، ما می گوییم بار پروردگارا! ما به فرمان کتاب تو و سنّت رسولت چنگ زدیم.

و اهل تسنن خواهند گفت: ما چنین تصوّر کردیم و به نظر خود عمل نمودیم.

در آن روز خداوند عزوجل آن طور که بخواهد با ما و آنان رفتار خواهد کرد.

ص: ۲۷

۱۴- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيّ قَالَ:

دَخَلْتُ مَعَ إِخْوَتِي عَلَى أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فَقُلْنَا: إِنّا نُرِيدُ الْحَجّ وَبَعْضُنَا صَرُورَةٌ.

فَقَالَ: عَلَيْكُمْ بِالتّمَتّع ، فَإِنّا لا نَتّقِي فِي التّمَتّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ سُلْطَانًا وَ اجْتِنَابِ الْمُسْكِرِ وَ الْمَسْحَ عَلَى الْخُفّيْن.

۱۵- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: إِنّي اعْتَمَرْتُ فِي رَجَبٍ وَ أَنَا أُرِيدُ الْحَجّ أَ فَأَسُوقُ الْهَدْيَ وَأُفْرِدُ الْحَجّ أَوْ أَتَمَتّعُ.

فَقَالَ: فِي كُلّ فَضْلٌ وَكُلّ حَسَنٌ.

قُلْتُ: فَأَيّ ذَلِكَ أَفْضَلُ؟

فَقَالَ: تَمَتّعْ هُوَ وَ اللّهِ أَفْضَلُ.

١٤- محمّدبن فضل هاشمی گوید: من با برادرانم خدمت امام صادق علیه السلام شرف یاب شدیم و گفتیم: ما عازم حج شده ایم و برخی از ما برای نوبت اول به حج می رویم. با چه نیتی عازم شویم؟

فرمود: بر شما باد به حج تمتّع ما خاندان پیامبر دربارۀ حج و عمره تمتع، پرهیز از مسکرات و مسح کشیدن بر پشت پاها از هیچ سلطان و قدرتی واهمه نداریم.

١٥- معاویة بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من در سال جاری ماه رجب به عمره رفته ام و اینک عازم حج گشته ام. آیا با خودم قربانی ببرم و حج بی عمره به جا آورم؟ یا این که از نو به نیت عمره احرام ببندم و حج تمتع به جا آورم؟

فرمود: در هر کدام فضیلتی است و هردو خوب و بهتر است.

گفتم: کدام یک فضیلت بیشتری دارد؟

فرمود: به نیت عمره و حج تمتع احرام ببند. به خدا سوگند! حج تمتع بهتر است.

ص: ٢٨

ثُمّ قَالَ: إِنّ أَهْلَ مَكّةَ يَقُولُونَ: إِنّ عُمْرَتَهُ عِرَاقِيّةٌ وَ حَجّتَهُ مَكّيّةٌ ، كَذّبُوا أَ وَ لَيْسَ هُوَ مُرْتَبِطاً بِحَجّهِ لا يَخْرُجُ حَتّى يَقْضِيَهُ.

ثُمّ قَالَ: إِنّي كُنْتُ أَخْرُجُ لِلَيْلَةٍ أَوْ لِلَيْلَتَيْنِ تَبْقَيَانِ مِنْ رَجَبٍ، فَتَقُولُ أُمّ فَرْوَةَ: أَيْ أَبَهْ ! إِنّ عُمْرَتَنَا شَعْبَانِيّةٌ، وَ أَقُولُ لَهَا : أَيْ بُنَيّةُ إِنّهَا فِيمَا أَهْلَلْتُ وَ لَيْسَتْ فِيمَا أَحْلَلْتُ.

١٦- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ علیه السلام قَالَ:

مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ هَدْيَ وَأَفْرَدَ رَغْبَةً عَن الْمُتْعَةِ فَقَدْ رَغِبَ عَنْ دِينِ اللّهِ عَزّوَجَلّ.

١٧- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِاللّهِ عليه السلام: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ فِي حَجَّةِ الْمُتَمَتِّعِ : حَجُّهُ مَكِّيَّةٌ وَ عُمْرَتُهُ عِرَاقِيّة.

آن گاه حضرتش فرمود: مردم مگه درباره ما میگویند عمره اینان عمره عراقی و حج آنان حج مکی است. اینان دروغ می گویند. مگر عراقی پایبند حج نیست که نمی تواند از حرم خارج شود تا موقعی که حج خود را نیز به پایان برساند؟

سپس حضرتش فرمود: من شب بیست و نهم یا بیست و هشتم ماه رجب برای عمره احرام بستم. اُم فروه گفت: پدر جان عمره ما، عمره ماه شعبان خواهد بود.

گفتم: دخترم! عمره ما به حساب آن ماهی حساب می شود که لبیک گفته ایم، نه آن ماهی که از لباس احرام خارج می شویم.

١٦- صفوان جمال گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه قربانی با خود نیاورد و به جهت روی گردانی از حج تمتع، حج افراد به جا آورد، در واقع از دین خداوندعزوجل روی گردان شده است.

١٧- معاویة (بن عمّار) گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اهل تسنن درباره کسی که حجّ تمتع به جا می آورد می گویند حج او مکی و عمره او عراقی است.

ص: ٢٩

فَقَالَ: كَذَبُوا أَ وَ لَيْسَ هُوَ مُرْتَبِطاً بِحَجَّتِهِ لا يَخْرُجُ مِنْهَا حَتّى يَقْضِيَ حَجَّتَهُ؟!

١٨- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ:

حَجّ جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَلَمّا قَدِمُوا الْمَدِينَةَ دَخَلُوا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، فَقَالُوا: إِنّ زُرَارَةَ أَمَرَنَا أَنْ نُهِلّ بِالْحَجّ إِذَا أَحْرَمْنَا.

فَقَالَ لَهُمْ: تَمَتّعُوا.

فَلَمّا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِهِ دَخَلْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَئِنْ لَمْ تُخْبِرْهُمْ بِمَا أَخْبَرْتَ زُرَارَةَ لَنَأْتِيَنّ الْكُوفَةَ وَ لَنُصْبِحَنّ بِهِ كُذّاباً.

فَقَالَ: رُدّهُمْ.

فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالَ: صَدَقَ زُرَارَةُ.

ثُمّ قَالَ: أَمَا وَ اللّهِ، لا يَسْمَعُ هَذَا بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ أَحَدٌ مِنّي.

فرمود: دروغ گفته اند. مگر کسی که عمره تمتع به جا می آورد پایبند حج تمتع نیست که تا حج خود را تکمیل نکند حق ندارد از حرم خارج شود؟! ۱۸- عبدالملک بن اعین گوید گروهی از اصحاب ما عازم حج بودند. هنگامی که به مدینه رسیدند، خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدند و گفتند: زراره به ما گفته که در موقع احرام به عزم حج لبیک بگوییم.

حضرتش به آنان فرمود: به عزم حج تمتع لبیک بگویید.

وقتی از خدمت امام باقر علیه السلام خارج شدند و این خبر را آوردند من به خدمت رسیدم و گفتم: قربانت گردم اگر آن چه را به برادرم زراره گفته ای به اینان بازگو نکنی فردا که ما وارد کوفه شویم، همهٔ مردم خاندان اعین را دروغگو می خوانند.

امام باقر علیه السلام فرمود: آنان را بازگردان.

وقتی که آنان مجدداً به خدمت امام باقر علیه السلام شرفیاب شدند، حضرتش به آنان فرمود: زراره راست گفته است.

سپس امام باقر علیه السلام فرمود: هان به خدا سوگند! از امروز به بعد، دیگر هیچ کس این سخن را از من نخواهد شنید.

ص: ۳۰

بخش پنجاه و دوم

اشاره

(۵۲)

بَابُ مَا عَلَى الْمُتَمَتِّعِ مِنَ الطَّوَافِ وَ السَّعْيِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قَالَ:

عَلَى الْمُتَمَتِّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ ثَلَاثَةُ أَطْوَافٍ بِالْبَيْتِ، وَ سَعْيَانِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ عَلَيْهِ إِذَا قَدِمَ مَكَّةَ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ رَكْعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ سَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، ثُمَّ يُقَصِّرُ وَ قَدْ أَحَلَّ هَذَا لِلْعُمْرَةِ وَ عَلَيْهِ لِلْحَجِّ طَوَافَانِ وَ سَعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، وَ يُصَلِّي عِنْدَ كُلِّ طَوَافٍ بِالْبَيْتِ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:-

واجبات حج تمتع

۱- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که حج و عمره تمتع به جا می آورد، باید سه نوبت دور خانه کعبه طواف کند و دو نوبت بین صفا و مروه سعی کند به این صورت که در آغاز ورود به مکه، یک نوبت طواف کند، پس از آن دو رکعت نماز طواف پشت مقام ابراهیم علیه السلام بخواند. بعد بین صفا و مروه سعی کند، سپس موی یا ناخن خود را بچیند و از احرام خارج شود. این مراسم ویژه عمره ره است.

برای حج تمتع نیز، باید دو نوبت دور خانه طواف کند و یک نوبت بین صفا و مروه سعی کند. و بعد از هر طواف، دو رکعت نماز طواف در پشت مقام ابراهیم علیه السلام بخواند.

۲- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلامفرمود: -

ص: ۳۱

الْمُتَمَتِّعُ عَلَيْهِ ثَلَاثَةُ أَطْوَافٍ بِالْبَيْتِ، وَ طَوَافَانِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَطْعُ التَّلْبِيَةِ مِنْ مُتْعَتِهِ إِذَا نَظَرَ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ وَ يُحْرِمُ بِالْحَجِّ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ يَوْمَ عَرَفَةَ حِينَ تَزُولُ الشَّمْسُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

عَلَى الْمُتَمَتِّعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ ثَلَاثَةُ أَطْوَافٍ بِالْبَيْتِ وَ يُصَلِّي لِكُلِّ طَوَافٍ رَكْعَتَيْنِ وَ سَعْيَانِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

کسی که حج وعمره تمتع انجام می دهد بایستی سه نوبت دور خانه خدا طواف کند و دو نوبت بین صفا و مروه سعی کند و چنین فردی هنگامی که خانه های مکه را دید تلبیه را قطع کند و برای حج در روز ترویه احرام ببندد و در روز عرفه هنگام ظهر تلبیه را قطع نماید.

۳ - منصور بن حازم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که حج و عمره تمتع به جا آورد، باید سه نوبت دور خانه کعبه طواف کند و برای هر طوافی دو رکعت نماز بخواند، و دو نوبت بین صفا و مروه سعی کند.

ص: ۳۲

بخش پنجاه و سوم

اشاره

(۵۳)

بَابُ صِفَةِ الْإِقْرَانِ وَ مَا يَجِبُ عَلَى الْقَارِنِ

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِي عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لا يَكُونُ الْقَارِنُ إِلَّا بِسِيَاقِ الْهَدْيِ وَ عَلَيْهِ طَوَافَانِ بِالْبَيْتِ وَ سَعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، كَمَا يَفْعَلُ الْمُفْرِدُ لَيْسَ بِأَفْضَلَ مِنَ الْمُفْرِدِ إِلَّا بِسِيَاقِ الْهَدْيِ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله عليه السلام قَالَ:

الْقَارِنُ لا يَكُونُ إِلَّا بِسِيَاقِ الْهَدْيِ وَ عَلَيْهِ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ رَكْعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، وَ سَعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ طَوَافٌ بَعْدَ الْحَجِّ وَ هُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ.

۳- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله عليه السلام قَالَ: -

چگونگی حج قران و واجبات آن

۱- منصور بن حازم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حج قران انجام نمی پذیرد مگر با همراه بودن قربانی از محل احرام؛ به این صورت که باید دو نوبت دور خانه کعبه طواف کند و یک نوبت بین صفا و مروه سعی نماید، مانند حج افراد - که نه عمره دارد و نه قربانی - حج قران برتر از حج افراد نیست مگر به جهت همراه بردن قربانی.

۲- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی به حج قِران نمی رسد جز با همراه بردن قربانی در این حج، یک نوبت باید دور خانه کعبه طواف کند، سپس در پشت مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز طواف بخواند، سپس بین صفا و مروه سعی کند و در پایان یک نوبت دیگر دور خانه طواف کند، که همان طواف نساء است.

۳- عبدالله بن سنان گوید: -

ص: ۳۳

قُلْتُ لَهُ: إِنّي سُقْتُ الْهَدْيَ وَ قَرَنْتُ؟

قَالَ: وَ لِمَ فَعَلْتَ ذَلِكَ ؟ التّمَتُّعُ أَفْضَلُ؟

ثُمّ قَالَ: يُجْزِئُكَ فِيهِ طَوَافٌ بِالْبَيْتِ وَ سَعْيَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَاحِدٌ.

وَ قَالَ: طُفْ بِالْكَعْبَةِ يَوْمَ النّحْرِ.

بخش پنجاه و چهارم

اشاره

(٥٤)

بَابُ صِفَةِ الْإِشْعَارِ وَالتّقْلِيدِ

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي قَدِ اشْتَرَيْتُ بَدَنَةً فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِهَا؟

فَقَالَ: انْطَلِقْ حَتَّى تَأْتِيَ مَسْجِدَ الشَّجَرَةِ فَأَفِضْ عَلَيْكَ مِنَ الْمَاءِ وَ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ ثُمَّ أَنِخْهَا مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ ثُمَّ ادْخُلِ الْمَسْجِدَ فَصَلِّ ثُمَّ افْرِضْ بَعْدَ صَلَاتِكَ ثُمَّ اخْرُجْ إِلَيْهَا فَأَشْعِرْهَا مِنَ الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ مِنْ سَنَامِهَا. ثُمَّ قُلْ:

به امام صادق علیه السلام گفتم: من قربانی آورده ام تا حج قران به جا آورم.

فرمود: چرا این کار را کرده ای؟ حج تمتع بهتر از حج قرآن است.

سپس فرمود: در صورت حج قران کافی است که روز ورود به مکه یک نوبت دور خانه طواف کنی و بعد یک نوبت بین صفا و مروه سعی کنی.

حضرتش فرمود: در روز عید قربان یک نوبت دیگر دور خانه طواف کن.

چگونگی علامت گذاری به قربانی

١- یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من یک شتر قربانی خریده ام تا حج قِران به جا آورم چگونه آن را علامت بگذارم؟

فرمود: حرکت کن تا به مسجد شجره برسی در آنجا غسل کن و دو لباس احرامت را بر تن کن و شتر قربانی را رو به قبله بخوابان سپس وارد مسجد شو و نماز بخوان، سپس بعد از نماز نیت کن سپس به سوی شتر برو و سمت راست کوهان شتر را با کارد خون آلود کن. آن گاه بگو:

ص: ٣٤

«بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

ثُمّ انْطَلِقْ حَتّى تَأْتِيَ الْبَيْدَاءَ فَلَبِّهْ.

٢- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمّدٍ الْحَلَبِيّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ تَجْلِيلِ الْهَدْيِ وَ تَقْلِيدِهَا.

فَقَالَ: لَا تُبَالِي أَيّ ذَلِكَ فَعَلْتَ.

وَ سَأَلْتُهُ عَنْ إِشْعَارِ الْهَدْيِ.

فَقَالَ: نَعَمْ مِنَ الشّقّ الْأَيْمَنِ.

فَقُلْتُ: مَتَى نُشْعِرُهَا؟ قَالَ: حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ.

٣- أَبَانٌ عَنْ عَبْدِ الرّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ وَ زُرَارَةُ قَالَا:

«به نام خدا، بار خدایا! این قربانی مال توست و برای توست بار خدایا! از من بپذیر».

بعد، حرکت کن تا به وادی بیداء برسی. (موقعی که به وادی بیداء رسیدی) بگو: «لبیك اللهم لبیك».

٢- محمد حلبی گوید: از امام صادق علیه السلامدر مورد علامت گذاری و آویختن نعلین از گردن قربانی پرسیدم.

فرمود: مشکلی ندارد که چگونه انجام دهی.

از حضرتش در مورد علامت گذاری پرسیدم.

فرمود: آری می توان از سمت راست قربانی انجام داد.

عرض کردم: کی علامت گذاری کنیم؟

فرمود: آن گاه که می خواهی احرام ببندی.

۳- عبدالرحمان و زراره گویند:

ص: ۳۵

سَأَلْنَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الْبُدْنِ كَيْفَ تُشْعَرُ وَ مَتَى يُحْرِمُ صَاحِبُهَا؟ وَ مِنْ أَيِّ جَانِبٍ تُشْعَرُ؟ وَ مَعْقُولَةٌ تُنْحَرُ أَوْ بَارِكَةٌ؟

فَقَالَ: تُنْحَرُ مَعْقُولَةً وَ تُشْعَرُ مِنَ الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَن ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْبُدْنِ كَيْفَ تُشْعَرُ؟ قَالَ: تُشْعَرُ وَ هِيَ مَعْقُولَةٌ وَ تُنْحَرُ وَ هِيَ قَائِمَةٌ تُشْعَرُ مِنْ جَانِبِهَا الْأَيْمَنِ وَ يُحْرِمُ صَاحِبُهَا إِذَا قُلِّدَتْ وَأُشْعِرَتْ.

٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا كَانَتِ الْبُدْنُ كَثِيرَةٌ قَامَ فِيمَا بَيْنَ ثِنْتَيْنِ ثُمَّ أَشْعَرَ الْيُمْنَى ثُمَّ الْيُسْرَى وَ لا يُشْعِرُ أَبَداً حَتَّى يَتَهَيَّأَ لِلْإِحْرَامِ لِأَنَّهُ إِذَا أَشْعَرَ وَ قَلَّدَ وَ جَلَّلَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْإِحْرَامُ وَ هِيَ بِمَنْزِلَةِ التَّلْبِيَةِ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدیم چگونه قربانی علامت گذاری شود؟ و صاحب قربانی چه هنگامی احرام ببندد؟ از کدام سمت قربانی علامت گذاری می شود؟ آیا شتر بسته شده نحر می شود یا خوابانیده شود؟

فرمود: پای شتر را بسته و نحر می شود و از سمت راست کوهان علامت گذاری می شود.

٤- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: شتر قربانی به چه صورت علامت گذاری می شود؟

فرمود: خوابیده و پا بسته علامت گذاری می شود و ایستاده نحر می شود. علامت گذاری در سمت راست کوهان صورت می گیرد و صاحب قربانی از همان لحظه که بر گردن گوسفند قربانی نعلین بیاویزد یا کوهان شتر را زخمی کند، در حال احرام خواهد بود.

٥- جمیل بن درّاج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه قربانی بسیار شد صاحب قربانی بین دو قربانی می ایستد آن گاه شتر سمت راستی را علامت گذاری کند، سپس شتر سمت چپی را، و دیگر هرگز علامت گذاری نمی کند تا آماده احرام شود، چرا که هنگامی که علامت گذاری کرد و نعلین از گردن قربانی آویخت احرام بر او واجب می شود و این عمل به سان تلبیه است.

ص: ٣٦

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله عليه السلام قَالَ:

الْبُدْنُ تُشْعَرُ مِنَ الْجَانِبِ الْأَيْمَنِ وَ يَقُومُ الرّجُلُ فِي جَانِبِ الْأَيْسَرِ ثُمّ يُقَلِّدُهَا بِنَعْلٍ خَلَقٍ قَدْ صَلّى فِيهَا.

بخش پنجاه و پنجم

اشاره

(٥٥)

بَابُ الْإِفْرَادِ

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله عليه السلام قَالَ:

الْمُفْرِدُ بِالْحَجِّ عَلَيْهِ طَوَافُ بِالْبَيْتِ وَ رَكْعَتَانِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ سَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ وَ طَوَافُ الزِّيَارَةِ وَ هُوَ طَوَافُ النِّسَاءِ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ هَدْيَ وَلا أَضْحِيَّة.

٦- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

شتر قربانی را از سمت راست علامت می گذارند. صاحب قربانی باید در سمت چپ به ایستد و علامت بگذارد، سپس یک جفت نعلین کهنه که در آن نماز خوانده باشد، به گردن شتر بیاویزد.

واجبات حج افراد

١- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

کسی که حج افراد به جا می آورد باید (در ابتدای ورود به مسجد الحرام) یک نوبت خانه کعبه طواف کند، دو رکعت نماز طواف در پشت مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و یک نوبت بین صفا و مروه سعی کند و (بعد از عرفات و منا) یک نوبت دیگر نیز دور خانه طواف کند که همان طواف زیارت است و این همان طواف نساء است. کسی که حج افراد به جا می آورد روز عید قربان، نه قربانی واجب دارد و نه قربانی مستحب.

ص: ٣٧

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُفْرِدِ لِلْحَجِّ هَلْ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ بَعْدَ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ مَا شَاءَ وَيُجَدِّدُ التَّلْبِيَةَ بَعْدَ الرَّكْعَتَيْنِ ، وَ الْقَارِنُ بِتِلْكَ الْمَنْزِلَةِ يَعْقِدَانِ مَا أَحَلّا مِنَ الطَّوَافِ بِالتَّلْبِيَةِ.

بخش پنجاه و ششم

اشاره

بَابُ فِيمَنْ لَمْ يَنْوِ الْمُتْعَةَ

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ لَبّى بِالْحَجّ مُفْرِداً فَقَدِمَ مَكّةَ وَ طَافَ بِالْبَيْتِ وَ صَلّى رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ سَعَى بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

قَالَ: فَلْيَحِلّ وَلْيَجْعَلْهَا مُتْعَةً إِلّا أَنْ يَكُونَ سَاقَ الْهَدْيَ.

٢- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ بْنِ فَضّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ:

راوی گوید: از حضرتش سؤال کردم کسی که حج افراد به جا می آورد، بعد از طواف اول باز هم می تواند دور خانه طواف کند؟

فرمود: آری، هر چند که مایل باشد می تواند طواف ،کند ولی بعد از خواندن دو رکعت نماز طواف، بلافاصله باید از نو لبیک بگوید کسی که حج قران به جا می آورد نیز همین حکم را دارد، چرا که در هر دو مورد با گفتن لبیک، احرام خود را تحکیم می کنند، و با طواف خانه کعبه، از احرام آزاد می شوند.

حکم کسی که نیت حج تمتع نمی کند

١- معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم اگر کسی در موقع احرام به عزم حج افراد لبیک بگوید و بعد از ورود به مکه طواف کند و در مقام ابراهیم علیه السلام نماز طواف بخواند سپس سعی صفا و مروه را به پایان برساند (وظیفه او چیست؟).

فرمود: باید از احرام بیرون آید و حج تمتع به جا بیاورد مگر این که با خود قربانی آورده باشد.

۲- زراره گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

ص: ۳۸

مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ وَ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَحَلَّ أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ.

۳- أَحْمَدُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

مَا طَافَ بَيْنَ هَذَيْنِ الْحَجَرَيْنِ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَحَدٌ إِلَّا أَحَلَّ إِلَّا سَائِقَ الْهَدْيِ.

بخش پنجاه و هفتم

اشاره

(۵۷)

بَابُ حَجِّ الْمُجَاوِرِينَ وَ قُطَّانِ مَكَّةَ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

لَيْسَ لِأَهْلِ سَرِفٍ وَ لا لِأَهْلِ مَرْ وَلا لِأَهْلِ مَكَّةَ مُتْعَةٌ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (ذَلِكَ مَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ).

هرکس دور کعبه طواف کند و سعی صفا و مروه را به پایان برساند، از احرام آزاد می شود چه مایل باشد چه اکراه داشته باشد.

۳- راوی گوید امام ابا الحسن علیه السلام فرمود:

هر کس بین دو کوه صفا و مروه سعی کند، از احرام بیرون می آید مگر کسی که با خود قربانی آورده باشد.

چگونگی حج مجاورین مکه و اهل حرم

۱- سعید اعرج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

برای مردم سرِف، مرّ ومکه انجام حج تمتع لازم نیست، خداوند متعال می فرماید: «این (حج) از آنِ کسی است که از ساکنان مسجد الحرام نباشد».

ص: ۳۹

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ: لِأَهْلِ مَكَّةَ مُنْعَةٌ؟

قَالَ: لا، وَلا لِأَهْلِ بُسْتَانَ، وَ لا لِأَهْلِ ذَاتِ عِرْقٍ، وَ لا لِأَهْلِ عُسْفَانَ وَنَحْوِهَا.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ).

قَالَ: مَنْ كَانَ مَنْزِلُهُ عَلَى ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مِيلاً مِنْ بَيْنِ يَدَيْهَا وَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مِيلاً مِنْ خَلْفِهَا وَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مِيلاً عَنْ يَمِينِهَا وَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ مِيلاً عَنْ يَسَارِهَا فَلَا مُتْعَةَ لَهُ مِثْلَ مَرٍ وَ أَشْبَاهِهَا.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ دَاوُدَ عَنْ حَمَّادٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ أَهْلِ مَكَّةَ أَ يَتَمَتَّعُونَ؟

قَالَ: لَيْسَ لَهُمْ مُتْعَةٌ؟

۲- ابو بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا انجام حج تمتع برای مردم مکه نیز لازم است؟

فرمود نه هم چنین برای مردم بستان، ذات ،عرق عسفان و نظایر آن نیز لازم نیست.

۳- حریز گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم منظور از این گفتار خداوند که می فرماید: «حج تمتّع ویژه کسانی است که خانواده آنان به اندازهٔ مسافت سفر از مسجدالحرام فاصله دارند» چیست؟

فرمود: کسانی که در هیجده میلی مکه زندگی می کنند می توانند حج تمتع به جا نیاورند، خواه در سمت مقابل حرم باشند و یا در سمت پشت ٤- داوود بن حماد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مردم مکه نیز می توانند حج تمتع انجام دهند؟

فرمود: برای آنان انجام حج تمتّع لازم نیست.

ص: ٤٠

قُلْتُ: فَالْقَاطِنُ بِهَا؟

قَالَ: إِذَا أَقَامَ بِهَا سَنَةٌ أَوْ سَنَتَيْنِ صَنَعَ صُنْعَ أَهْلِ مَكَّةَ؟ قُلْتُ: فَإِنْ مَكَثَ الشَّهْرَ.

قَالَ: يَتَمَتَّعُ.

قُلْتُ: مِنْ أَيْنَ؟

قَالَ: يَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ.

قُلْتُ: أَيْنَ يُهِلّ بِالْحَجِّ ؟

قَالَ: مِنْ مَكَّةَ نَحْواً مِمّا يَقُولُ النّاسُ.

٥- أَبُو عَلِيّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرّحْمَنِ بْنِ الْحَجّاجِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: إِنّي أُرِيدُ الْجِوَارَ فَكَيْفَ أَصْنَعُ؟

عرض کردم: کسی که در مکه اقامت می کند چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: اگر یک سال یا دو سال اقامت کند، مانند مردم مکه رفتار خواهد کرد.

گفتم: اگر یک ماه در مکه اقامت کند چه؟

فرمود: حج تمتع انجام می دهد.

گفتم: از کجا احرام می بندد؟

فرمود: از حرم بیرون می رود (و از آن جا احرام می بندد).

گفتم: از کجا از احرام حج بیرون می آید؟

فرمود: از ،مگه از نظیر مکانی که مردم می گویند.

٥- عبدالرحمان بن حجّاج گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: می خواهم در حرم مجاور بمانم موقع حج تکلیف من چه خواهد بود؟

ص: ٤١

قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ الْهِلَالَ هِلَالَ ذِي الْحِجّةِ فَاخْرُجْ إِلَى الْجِعْرَانَةِ فَأَحْرِمْ مِنْهَا بِالْحَجّ.

فَقُلْتُ لَهُ: كَيْفَ أَصْنَعُ إِذَا دَخَلْتُ مَكّةَ أُقِيمُ إِلَى يَوْمِ التّرْوِيَةِ لَا أَطُوفُ بِالْبَيْتِ؟

قَالَ: تُقِيمُ عَشْراً لا تَأْتِي الْكَعْبَةَ ؟ إِنّ عَشْراً لَكَثِيرٌ إِنّ الْبَيْتَ لَيْسَ بِمَهْجُورٍ، وَ لَكِنْ إِذَا دَخَلْتَ فَطُفْ بِالْبَيْتِ وَ اسْعَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

فَقُلْتُ لَهُ: أَلَيْسَ كُلُّ مَنْ طَافَ بِالْبَيْتِ وَ سَعَى بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَقَدْ أَحَلّ ؟ قَالَ: إِنّكَ تَعْقِدُ بِالتّلْبِيَةِ.

ثُمّ قَالَ: كُلّمَا طُفْتَ طَوَافاً وَ صَلّيْتَ رَكْعَتَيْنِ فَاعْقِدْ بِالتّلْبِيَةِ. ثُمّ قَالَ: إِنّ سُفْيَانَ فَقِيهَكُمْ أَتَانِي فَقَالَ: مَا يَحْمِلُكَ عَلَى أَنْ تَأْمُرَ أَصْحَابَكَ يَأْتُونَ الْجَعْرَانَةَ فَيُحْرِمُونَ مِنْهَا؟

فَقُلْتُ لَهُ: هُوَ وَقْتُ مِنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ الله صلى الله عليه وسلم.

فرمود: موقعی که هلال ماه ذی حجه را مشاهده کردی، از حرم خارج شو تا به منطقه برسی. در آن جا به احرام حج مبادرت کن.

پرسیدم: موقعی که با حال احرام به مگه بازگشتم چه کنم؟ آیا تا روز هشتم معطل بمانم و دور خانه کعبه طواف نکنم؟

فرمود: می خواهی ده روز در مکه باشی و دور خانه کعبه طواف نکنی؟ ده روز خیلی زیاد است. خانه خدا را نمی توان متروک و مهجور وا نهاد بلکه هنگام ورود به مکه وارد مسجد شو و دور خانه کعبه طواف کن و بین صفا و مروه نیز، سعی کن.

پرسیدم: مگر نه این است که هر کس دور خانه کعبه طواف کند و بین صفا و مروه سعی کنددر واقع از احرام خارج شده است؟

فرمود: ولی تو بعد از سعی، لبیك می گویی و از نو احرام خود را تحکیم می کنی.

حضرتش فرمود: بعد از آن (تا روز هشتم) هر وقت که طواف به جا آوردی، فوری بعد از نماز طواف لبیک می گویی و احرام خود را می بندی.

آن گاه امام صادق علیه السلام فرمود: فقیه شما (مردم کوفه) سفیان ثوری نزد من آمد و گفت: چه باعث شده است که به اصحابت دستور می دهی که به جعرانه بروند و از آن جا محرم شوند؟

به او گفتم: جعرانه میقاتی از میقات های رسول خدا صلی الله علیه وسلم است.

ص: ۴۲

فَقَالَ: وَأَيُّ وَقْتٍ مِنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم هُوَ؟

فَقُلْتُ لَهُ: أَحْرَمَ مِنْهَا حِينَ قَسَمَ غَنَائِمَ حُنَيْنٍ وَ مَرْجِعُهُ مِنَ الطّائِفِ؟

فَقَالَ: إِنّمَا هَذَا شَيْءٍ أَخَذْتُهُ مِنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ عُمَرَ، كَانَ إِذَا رَأَى الْهِلَالَ صَاحَ بِالْحَجّ.

فَقُلْتُ: أَلَيْسَ قَدْ كَانَ عِنْدَكُمْ مَرْضِيّاً؟

قَالَ: بَلَى، وَ لَكِنْ أَمَا عَلِمْتَ أَنّ أَصْحَابَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم إِنّمَا أَحْرَمُوا مِنَ المَسْجِدِ؟

فَقُلْتُ: إِنّ أُولَئِكَ كَانُوا مُتَمَتّعِينَ فِي أَعْنَاقِهِمُ الدّمَاءُ، وَإِنّ هَؤُلَاءِ قَطَنُوا بِمَكّةَ فَصَارُوا كَأَنّهُمْ مِنْ أَهْل مَكّةَ، وَأَهْلُ مَكّةَ لا مُتْعَةَ لَهُمْ، فَأَحْبَبْتُ أَنْ يَخْرُجُوا مِنْ مَكّةَ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاقِيتِ وَ أَنْ يَسْتَغِبُوا بِهِ أَيّاماً.

فَقَالَ لِي: وَ أَنَا أُخْبِرُهُ، أَنّهَا وَقْتُ مِنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ! فَإِنّي أَرَى لَكَ أَنْ لَا تَفْعَلَ.

سفیان گفت: جعرانه چه زمانی میقات رسول خدا صلی الله علیه وسلم بود؟

گفتم: رسول خدا صلی الله علیه وسلم از جعرانه به عزم عمره مفرده احرام بست؛ آن روزی که غنایم جنگ حنین را قسمت کرد و از محاصره طائف بازگشته بود.

سفیان گفت: تو این فتوا را از عبدالله بن عمر گرفته ای او بعد از دیدن هلال ذی حجه احرام می بست و فریاد لبیک به حج می زد.

گفتم: مگر جایگاه عبدالله بن عمر پیش شما مورد پسند نیست؟

سفیان گفت: چرا اما مگر ندانسته ای که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم فقط از مسجد الحرام لباس احرام پوشیده اند؟

گفتم: اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم به عزم حج تمتع از مسجدالحرام لبیک گفته اند که بر همه آنان واجب شده بود که قربانی کنند اما من به کسانی دستور داده ام از جعرانه لباس احرام بپوشند که در حرم مکه مجاور شده اند و چنانند که گویا مردم مکه هستند، مردم مکه حق ندارند که حجّ تمتع به جا آورند. از این رو من دوست دارم که مجاوران حرم از شهر مکه خارج شوند و تا رسیدن به میقات جعرانه برای چند روزی از حرم خدا دور شده باشند.

موقعی که من می گفتم جعرانه هم میقاتی از میقات های رسول خدا صلی الله علیه وسلم است، سفیان ثوری به من گفت: ای ابا عبدالله من مصلحت نمی دانم که چنین دستوری را به اصحاب بدهی.

ص: ٤٣

فَضَحِكْتُ وَ قُلْتُ: وَ لَكِنِّي أَرَى لَهُمْ أَنْ يَفْعَلُوا.

فَسَأَلَ عَبْدُ الرَّحْمَانِ عَمَّنْ مَعَنَا مِنَ النِّسَاءِ كَيْفَ يَصْنَعْنَ؟

فَقَالَ: لَوْ لا أَنَّ خُرُوجَ النِّسَاءِ شُهْرَةٌ لَأَمَرْتُ الصَّرُورَةَ مِنْهُنَّ أَنْ تَخْرُجَ، وَلَكِنْ مُرْ مَنْ كَانَ مِنْهُنَّ صَرُورَةً أَنْ تُهِلَّ بِالْحَجِّ فِي هِلَالِ ذِي الْحِجَّةِ. فَأَمَّا اللَّوَاتِي قَدْ حَجَجْنَ فَإِنْ شِئْنَ فَفِي خَمْسٍ مِنَ الشَّهْرِ، وَ إِنْ شِئْنَ فَيَوْمَ التَّرْوِيَةِ.

فَخَرَجَ وَ أَقَمْنَا فَاعْتَلَّ بَعْضُ مَنْ كَانَ مَعَنَا مِنَ النِّسَاءِ الصَّرُورَةِ مِنْهُنّ ، فَقَدِمَ فِي خَمْسٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.

فَأَرْسَلْتُ إِلَيْهِ أَنّ بَعْضَ مَنْ مَعَنَا مِنْ صَرُورَةِ النِّسَاءِ قَدِ اعْتَلَلْنَ فَكَيْفَ تَصْنَعُ؟

فَقَالَ: فَلْتَنْظُرْ مَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ التَّرْوِيَةِ، فَإِنْ طَهُرَتْ فَلْتُهِلّ بِالْحَجِّ وَ إِلّا فَلَا يَدْخُلْ عَلَيْهَا يَوْمُ التَّرْوِيَةِ إِلّا وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ، وَ أَمّا الْأَوَاخِرُ فَيَوْمَ التَّرْوِيَةِ.

فَقُلْتُ: إِنّ مَعَنَا صَبِيّاً مَوْلُوداً فَكَيْفَ نَصْنَعُ بِهِ؟

من خندیدم و گفتم اما من مصلحت می دانم که آنان را با خبر سازم.

در این هنگام عبدالرحمان از امام صادق علیه السلام پرسید: بانوانی که همراه ما هستند، چه تکلیفی دارند؟

فرمود: اگر خارج شدن بانوان مایهٔ شهرت ،نبود به زنانی که برای نخستین بار در مراسم حج شرکت می کنند، دستور می دادم تا به جعرانه بروند. (اما اینک که مایهٔ شهرت می شود). ولی به زنانی که برای نخستین بار حج می گزارند بگو: اوّل ماه ذی حجه لباس احرام بپوشند و لبیک بگویند و اما زنانی که پیشتر حج انجام داده اند، اگر مایل باشند، در روز پنجم ذی حجه لباس احرام بپوشند وگرنه مانند دیگر زنان در روز هشتم لباس احرام بپوشند.

امام صادق علیه السلام از مکه خارج شد و ما ماندیم به ناگاه یکی از بانوان که برای نوبت اول در مراسم حج شرکت می کرد، قاعده شد. روز پنجم ذی حجه امام صادق علیه السلام به مکه بازگشت و ما به حضرتش پیام دادیم که یکی از بانوان ما که قرار بود در اول ماه لباس احرام بپوشند، قاعده شد. تکلیف او چیست؟

حضرتش فرمود: تا روز هشتم منتظر شود اگر پاک شد، فوری آماده شود و لباس احرام بپوشد و لبیک بگوید و اگر پاک نشد حتماً شب هشتم لباس احرام بپوشد و لبیک بگوید. اما دیگران که پیشتر به حج آمده اند، در روز هشتم لباس احرام بپوشند.

عرض کردم: با ما نوزادی است، با آن کودک چه باید کرد؟

ص: ٤٤

فَقَالَ: مُرْ أُمَّهُ تَلْقَى حَمِيدَةَ فَتَسْأَلَهَا كَيْفَ تَصْنَعُ بِصِبْيَانِهَا؟

فَأَتَتْهَا فَسَأَلَتْهَا كَيْفَ تَصْنَعُ؟

فَقَالَتْ: إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ فَأَحْرِمُوا عَنْهُ وَ جَرِّدُوهُ وَ غَسْلُوهُ كَمَا يُجَرَّدُ الْمُحْرِمُ وَقِفُوا بِهِ الْمَوَاقِفَ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ النَّحْرِ فَارْمُوا عَنْهُ وَ احْلِقُوا عَنْهُ رَأْسَهُ وَ مُرِي الْجَارِيَةَ أَنْ تَطُوفَ بِهِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ يَخْرُجُ إِلَى بَعْضِ الْأَمْصَارِ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَكَّةَ فَيَمُرُّ بِبَعْضِ الْمَوَاقِيتِ أَلَهُ أَنْ يَتَمَتَّعَ؟

قَالَ: مَا أَزْعُمُ أَنَّ ذَلِكَ لَيْسَ لَهُ لَوْ فَعَلَ وَ كَانَ الْإِهْلَالُ أَحَبَّ إِلَيَّ.

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

الْمُجَاوِرُ بِمَكَّةَ سَنَةٌ يَعْمَلُ عَمَلَ أَهْلِ مَكَّةَ. يَعْنِي يُفْرِدُ الْحَجَّ مَعَ أَهْلِ مَكَّةَ وَ مَا كَانَ دُونَ السَّنَةِ فَلَهُ أَنْ يَتَمَتَّعَ.

فرمود: به مادر آن نوزاد بگو شخصاً خدمت حمیده (همسر امام صادق علیه السلام) برسد و از او بپرسد چه کند؟

مادر نوزاد خدمت حمیده خاتون شرفیاب شد و تکلیف کودک را پرسید.

حمیده خاتون فرمود: روز ترویه (هشتم) او را به لباس احرام در آورید؛ کودک را عریان کنید و غسل بدهید همان طور که مرد محرم عریان می شود (و غسل می کند)، سپس لباس احرام بر تن او بپوشانید و او را در همهٔ مراسم شرکت دهید و روز عید قربان عوض او ریگ بر سر مجسمه شیطان بکوبید و به نیابت کودک، سرش را بتراشید و به یکی از کنیزان خود بگویید تا او را بین صفا و مروه طواف دهد.

راوی گوید: از حضرتش پرسیدم اگر کسی اهل مکه باشد و به شهری از شهرها سفر کند و در راه مراجعت به وطن به یکی از میقات ها گذر کند آیا می تواند به نیت حج تمتع لباس احرام بپوشد؟

فرمود: تصوّر نمی کنم مانعی داشته باشد اما به نظر من لبیک گفتن او به عنوان حج افراد بهتر است.

٦- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

کسی که یک سال تمام در شهر مکه سکونت داشته باشد، باید مانند اهل مکه حج افراد به جا بیاورد. و هرکس که کمتر از یک سال در مکه مجاورت کرده باشد می تواند حج تمتع به جا بیاورد.

ص: ٤٥

٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُجَاوِرِ أَ لَهُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ؟

قَالَ: نَعَمْ يَخْرُجُ إِلَى مُهَلِّ أَرْضِهِ فَيُلَبِّي إِنْ شَاءَ.

٨- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَمّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَر عليه السلام قَالَ:

مَنْ دَخَلَ مَكّةَ بِحَجّةٍ عَنْ غَيْرِهِ ثُمّ أَقَامَ سَنَةٌ فَهُوَ مَكّيٌّ ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَحُجَّ عَنْ نَفْسِهِ أَوْ أَرَادَ أَنْ يَعْتَمِرَ بَعْدَ مَا انْصَرَفَ مِنْ عَرَفَةَ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُحْرِمَ بِمَكّةَ، وَ لَكِنْ يَخْرُجُ إِلَى الْوَقْتِ وَ كُلّمَا حَوّلَ رَجَعَ إِلَى الْوَقْتِ.

٩- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي الْفَضْلِ قَالَ:

كُنْتُ مُجَاوِراً بِمَكّةَ فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام مِنْ أَيْنَ أُحْرِمُ بِالْحَجّ؟

٧- سماعه گويد: از امام ابى الحسن عليه السلام در مورد مجاور مكه پرسيدم كه آيا مى تواند حج و عمره تمتع انجام دهد؟

فرمود: آرى، اگر خواست به جايگاه احرام سرزمين خود بيرون مى رود و از آن جا لبيک مى گويد.

٨- راوى گويد: امام باقر عليه السلام فرمود:

هركه براى انجام حج از جانب ديگرى وارد مكه شود و يک سال در آن سكونت كند، او اهل مكه است. پس هرگاه بخواهد از جانب خود حج انجام دهد، يا پس از پايان مراسم عرفه عمره انجام دهد نمى تواند از مكه احرام ببندد، ولى بايستى به ميقات بيرون رود و هرگاه به مكه رود بايستى به ميقات برگردد.

٩- ابي الفضل گويد: من در شهر مكه مجاور بودم. از امام صادق عليه السلام پرسيدم: براى حج، در كجا لباس احرام بپوشم؟

فَقَالَ: مِنْ حَيْثُ أَحْرَمَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم مِنَ الْجِعْرَانَةِ، أَتَاهُ فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ فُتُوحٌ فَتْحُ الطّائِفِ وَفَتْحُ خَيْبَرَ وَ الْفَتْحُ.

فَقُلْتُ: مَتَى أَخْرُجُ؟

قَالَ: إِنْ كُنْتَ صَرُورَةً فَإِذَا مَضَى مِنْ ذِي الْحِجّةِ يَوْمٌ، وَإِنْ كُنْتَ قَدْ حَجَجْتَ قَبْلَ ذَلِكَ فَإِذَا مَضَى مِنَ الشّهْرِ خَمْسٌ.

١٠- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ ابى عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُجَاوِرُ بِمَكّةَ إِذَا دَخَلَهَا بِعُمْرَةٍ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجّ فِي رَجَبٍ أَوْ شَعْبَانَ أَوْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الشُّهُورِ إِلّا أَشْهُرَ الْحَجّ، فَإِنّ أَشْهُرَ الْحَجّ شَوّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجّةِ مَنْ دَخَلَهَا بِعُمْرَةٍ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجّ ثُمّ أَرَادَ أَنْ يُحْرِمَ فَلْيَخْرُجْ إِلَى الْجِعْرَانَةِ فَيُحْرِمُ مِنْهَا ثُمّ يَأْتِي مَكّةَ وَ لَا يَقْطَعُ التّلْبِيَةَ حَتّى يَنْظُرَ إِلَى الْبَيْتِ ثُمّ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَيُصَلّي الرّكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام ثُمّ يَخْرُجُ إِلَى الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَيَطُوفُ بَيْنَهُمَا ، ثُمّ يُقَصّرُ وَ يُحِلّ ثُمّ يَعْقِدُ التّلْبِيَةَ يَوْمَ التّرْوِيَةِ.

فرمود: در همان جا که رسول خدا صلی الله علیه وسلم لباس احرام پوشیده از جعرانه لباس احرام بر تن کن. در این جا بود که فتوحاتی نصیب رسول خدا صلی الله علیه وسلم شد: فتح طائف، فتح خیبر و فتح (حنین).

پرسیدم: در چه زمانی به جعرانه حرکت کنم؟

فرمود: اگر برای نخستین بار به حج ،آمده ای هنگامی که یک روز از اول ذیحجه گذشت از جعرانه لباس احرام بر تن کن و اگر پیش از آن نیز به مناسک حج موفق بوده ای، روز پنجم ذی حجه احرام ببند.

۱۰- سماعه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر کس در مکه مجاور باشد در صورتی که در غیر از ماه های حج؛ در ماه رجب یا شعبان یا ماه رمضان یا غیر از این ماه ها - البته غیر از ماه های حج، که شوال، ذی قعده و ذی حجه هستند - با عمره مفرده وارد مکه شده باشد و بعد در ماه حج بخواهد برای حج احرام ببندد، (که یک سال کامل از مجاورت او نگذشته، باید حج تمتع به جا آورد) به جعرانه عزیمت کند و لباس احرام بپوشد و لبیک گویان برای عمره تمتع وارد مکه شود و تا دیدارش به کعبه نیفتد، لبیک را قطع نکند، و موقعی که وارد مسجد شد، دور کعبه طواف کند و در پشت مقام ابراهیم علیه السلام دور رکعت نماز طواف بخواند و بعد از آن بین صفا و مروه سعی کند و با کوتاه کردن ناخن و موی سر و صورت از لباس احرام خارج شود سپس روز هشتم ذی حجه برای حجّ لبیک گوید و لباس احرام بپوشد.

ص: ۴۷

بخش پنجاه و هشتم

اشاره

(۵۸)

بَابُ حَجِّ الصِّبْيَانِ وَ الْمَمَالِيكِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ:

إِذَا حَجَّ الرَّجُلُ بِابْنِهِ وَ هُوَ صَغِيرٌ، فَإِنَّهُ يَأْمُرُهُ أَنْ يُلَبِّيَ وَ يَفْرِضَ الْحَجَّ، فَإِنْ لَمْ يُحْسِنْ أَنْ يُلَبيَ لُبِّي عَنْهُ وَ يُطَافُ بِهِ وَ يُصَلَّى عَنْهُ.

قُلْتُ: لَيْسَ لَهُمْ مَا يَذْبَحُونَ.

قَالَ: يُذْبَحُ عَنِ الصِّغَارِ وَ يَصُومُ الْكِبَارُ وَ يُتَّقَى عَلَيْهِمْ مَا يُتَّقَى عَلَى الْمُحْرِمِ مِنَ الثِّيَابِ وَ الطِّيبِ، فَإِنْ قَتَلَ صَيْداً فَعَلَى أَبِيهِ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَيُّوبَ أَخِي أَدَيْمٍ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لا مِنْ أَيْنَ يُجَرَّدُ الصِّبْيَانُ؟

حکم حج کودکان و حج بردگان

۱- زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

هرگاه فردی با کودک صغیرش در مراسم حج شرکت کند بایستی به او دستور دهد که لبیک گوید و حج را بر خود لازم دارد هرگاه کودک نتواند خوب لبیک گوید از عوض او لبیک گفته شده دور خانه طواف می شود و نماز طواف خوانده می شود.

عرض کردم: کودکان قربانی ندارند (چه باید کرد؟).

فرمود: از عوض آنها قربانی ذبح می شود و بزرگترها عوض قربانی بایستی روزه بگیرند و مواردی که محرم باید از آنها خودداری کند - مانند لباس و عطر - آنها نیز باید از این موارد خودداری کنند. پس هرگاه صیدی را بکشند کفارهٔ آن به عهده پدر کودک است.

۲- ایوب برادر ادیم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: کودکان از کجا لباس احرام بپوشند؟

ص: ۴۸

فَقَالَ: كَانَ أَبِي يُجَرِّدُهُمْ مِنْ فَخّ.

٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ مَعِي صِبْيَةً صِغَاراً وَ أَنَا أَخَافُ عَلَيْهِمُ الْبَرْدَ فَمِنْ أَيْنَ يُحْرِمُونَ؟

قَالَ: انْتِ بِهِمُ الْعَرْجَ فَيُحْرِمُوا مِنْهَا، فَإِنَّكَ إِذَا أَتَيْتَ الْعَرْجَ وَقَعْتَ فِي تِهَامَةَ.

ثُمَّ قَالَ: فَإِنْ خِفْتَ عَلَيْهِمْ فَانْتِ بِهِمُ الْجُحْفَةَ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي . عبدالله عليه السلام قَالَ:

انْظُرُوا مَنْ كَانَ مَعَكُمْ مِنَ الصِّبْيَانِ فَقَدِّمُوهُ إِلَى الْجُحْفَةِ أَوْ إِلَى بَطْنِ مَرّ وَ يُصْنَعُ بِهِمْ مَا يُصْنَعُ بِالْمُحْرِمِ وَ يُطَافُ بِهِمْ وَ يُرْمَى عَنْهُمْ وَ مَنْ لا يَجِدُ مِنْهُمْ هَدْياً فَلْيَصُمْ عَنْهُ وَلِيُّهُ.

فرمود: پدر بزرگوارم علیه السلام کودکان را از منطقه فخ لباس احرام می پوشانید.

٣- یعقوب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چند کودک خردسال به همراه آورده ام و می ترسم با لباس احرام سرما بخورند از کجا می توانند لباس احرام بپوشند؟

فرمود: شما به همراه کودکان به گردنه عَرْج بروید و در آنجا کودکان باید لباس احرام بپوشند. هنگامی که به گردنهٔ عرج رسیدی، در سراشیبی تهامه قرار می گیری.

آن گاه حضرتش فرمود: اگر باز هم بر حال کودکان بیمناک می باشی، به جحفه برسید و کودکان از جحفه لباس احرام بپوشند.

٤- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ملاحظه کنید! هرکه کودک خود را به همراه می آورد از جحفه یا درهٔ مر (١) باید لباس احرام بپوشانید و تکالیف ویژه احرام را دربارهٔ آنان رعایت کنید: آنان را طواف بدهید و به نیابت از آنان شیطان را

سنگ بزنید (هر کودکی که در حج تمتع لباس احرام بپوشد، باید یک قربانی از عوض او ذبح شود)؛ و اگر مقدور نباشد باید ولی او به نیابت وی روزه بگیرد.

ص: ۴۹

۱- مَرّ منطقه ای است که یک روز تا مکه فاصله دارد.

وَ كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَضَعُ السِّكِّينَ فِي يَدِ الصَّبِيِّ، ثُمَّ يَقْبِضُ عَلَى يَدَيْهِ الرَّجُلُ فَيَذْبَحُ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى الْمَمْلُوكِ حَجٌّ وَ لا عُمْرَةٌ حَتَّى يُعْتَقَ.

۶- أَبُو عَلِيٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ غِلْمَانٍ لَنَا دَخَلُوا مَعَنَا مَكَّةَ بِعُمْرَةٍ وَ خَرَجُوا مَعَنَا إِلَى عَرَفَاتٍ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ.

قَالَ: قُلْ لَهُمْ: يَغْتَسِلُونَ ثُمَّ يُحْرِمُونَ وَ اذْبَحُوا عَنْهُمْ كَمَا تَذْبَحُونَ عَنْ أَنْفُسِكُمْ.

۷- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

امام سجاد علیه السلام همواره کارد قصابی را در دست کودک می نهاد و قصاب، دست خود را روی دست کودک می نهاد و گوسفند را قربانی می کرد.

۵- فضل بن یونس گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

کسی که در قید بردگی است تکلیف انجام حج و عمره ندارد، مگر موقعی که از قید بردگی آزاد شود.

٦- اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: از خاندان ،ما چند کودک به عزم عمره با لباس احرام وارد مکه شدند و بعد از پایان عمره، بدون احرام در مراسم عرفات حاضر شده اند. (تکلیف آنان چیست؟).

امام صادق علیه السلام فرمود: به آنان بگو غسل کنند، آن گاه لباس احرام بپوشند و از عوض آنان - آن سان که از جانب خود قربانی می کنید - بایستی قربانی ذبح کنید.

٧- حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

كُلُّ مَا أَصَابَ الْعَبْدُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فِي إِحْرَامِهِ فَهُوَ عَلَى السَّيِّدِ إِذَا أَذِنَ لَهُ فِي الْإِحْرَامِ.

٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ غُلَام لَنَا خَرَجْتُ بِهِ مَعِي وَ أَمَرْتُهُ فَتَمَتَّعَ وَ أَهَلَّ بِالْحَجِّ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ لَمْ أَذْبَحْ عَنْهُ أَلَهُ أَن يَصُومَ بَعْدَ النَّفْرِ وَقَدْ ذَهَبَتِ الْأَيَّامُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.

فَقَالَ: أَلا كُنْتَ أَمَرْتَهُ أَنْ يُفْرِدَ الْحَجَّ؟

قُلْتُ: طَلَبْتُ الْخَيْرَ.

فَقَالَ: كَمَا طَلَبْتَ الْخَيْرَ، فَاذْبَحْ شَاةً سَمِينَةً، وَكَانَ ذَلِكَ يَوْمَ النَّفْرِ الْأَخِيرِ.

٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ سَمَاعَةَ:

هر برده ای که در حال احرام مرتکب عمل منافی حج شود اگر با اجازه مولا و آقایش احرام ببندد، به عهده مولای اوست.

۸- علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم با یکی از کودکانم برای انجام حج به مکه مشرف شدیم، به او دستور دادم نیت حج تمتع کند و روز ترویه از احرام حج خارج شد؛ ولی از عوض او قربانی نکشتیم آیا لازم است پس از کوچ از مکه روزه بگیرد درحالی که روزهایی که خداوند معین فرموده پایان یافته است؟

فرمود: آیا به او دستور ندادی که حج افراد انجام دهد؟

گفتم: برای او آرزوی خیر کردم.

فرمود: آن سان که آرزوی خیر کرده ای، پس گوسفند چاقی قربانی کن. و این در واپسین روز کوچ از منا بود.

۹- سماعه گوید:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَمَرَ غِلْمَانَهُ أَنْ يَتَمَتَّعُوا؟

قَالَ: عَلَيْهِ أَنْ يُضَحِّيَ عَنْهُمْ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ أَعْطَاهُمْ دَرَاهِمَ فَبَعْضُهُمْ ضَحّى وَ بَعْضُهُمْ أَمْسَكَ الدَّرَاهِمَ وَ صَامَ.

قَالَ: قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُمْ وَ هُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ تَرَكَهَا.

قَالَ: وَ لَوْ أَنَّهُ أَمَرَهُمْ وَصَامُوا كَانَ قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُمْ.

بخش پنجاه و نهم

اشاره

(۵۹)

بَابُ الرَّجُلِ يَمُوتُ صَرُورَةً أَوْ يُوصِي بِالْحَجِّ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ علیه السلام فِي رَجُلٍ تُوُفِّيَ وَأَوْصَى أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ؟

قَالَ: إِنْ كَانَ صَرُورَةً فَمِنْ جَمِيعِ الْمَالِ إِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ الدَّيْنِ الْوَاجِبِ، وَ إِنْ كَانَ قَدْ حَجَّ فَمِنْ ثُلُثِهِ، وَ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَحُجَّ حَجَّةَ الإِسْلَامِ وَ لَمْ يَتْرُكْ إِلَّا قَدْرَ نَفَقَةِ الْحَمُولَةِ وَ لَهُ وَرَثَةٌ فَهُمْ أَحَقُّ بِمَا تَرَكَ ، فَإِنْ شَاءُ وَا أَكَلُوا وَإِنْ شَاءُ وا أَحَجُوا عَنْهُ.

از امام علیه السلام پرسیدند: مردی به کودکانش دستور داده که حج تمتع انجام دهند.

فرمود: آن فرد بایستی از جانب آنها قربانی ذبح کند.

عرض کردم: او مقداری پول به آنها داده برخی قربانی ذبح کرده اند و برخی دیگر پولها را برای خود نگه داشته و روزه گرفته اند.

فرمود: همین برای آنها کافی است. او نیز مخیر است اگر خواست می تواند قربانی نکشد.

فرمود: اگر به آنها دستور می داد که روزه بگیرند از آنها کفایت می کرد.

حکم کسی که پیش از انجام حج واجب می میرد یا به انجام حج وصیت می کند

۱- معاوية بن عمار گويد: از امام صادق عليه السلام در مورد كسى كه پيش از انجام حج واجب از دنيا رفته و وصيت كرده كه از جانب او حجّى انجام شود (پرسيدم).

فرمود: اگر نخستين حج باشد، بايد از همهٔ دارايى او مبلغ حج را بردارند، چرا كه اين حج به سان بدهى واجب است و اگر به حج رفته باشد مبلغ حج را از يک سوم مال بر مى دارند. و اگر فردى بميرد وحجّة الاسلام را انجام ندهد و جز هزينه سفر چيزى نداشته باشد در عين حال ورثه اى داشته باشد كه به ما ترک نيازمندتر باشند، در اين صورت ورثه ميتوانند همان مقدار ما ترک را مصرف كنند و اگر خواستند مى توانند از جانب او حجى انجام دهند.

ص: ۵۲

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِي خَلَفٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ الصَّرُورَةِ يَحُجُ عَنِ الْمَيِّتِ؟

قَالَ: نَعَمْ إِذَا لَمْ يَجِدِ الصَّرُورَةُ مَا يَحُجُ بِهِ عَنْ نَفْسِهِ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَا يَحُجُّ بِهِ عَنْ نَفْسِهِ فَلَيْسَ يُجْزِئُ عَنْهُ حَتَّى يَحُجَّ مِنْ مَالِهِ وَ هِيَ تُجْزِئُ عَنِ الْمَيِّتِ إِنْ كَانَ لِلصَّرُورَةِ مَالٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله عليه السلام:

فِي رَجُلٍ صَرُورَةٍ مَاتَ وَ لَمْ يَحُجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَ لَهُ مَالٌ.

قَالَ: يَحُجُّ عَنْهُ صَرُورَةٌ لَا مَالَ لَهُ.

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

۲- سعد بن ابى خلف گويد: از امام كاظم عليه السلام پرسيدم: آيا مردى كه براى نخستين بار حج انجام مى دهد مى تواند از جانب مرده اى حج انجام دهد؟

فرمود: آری، اگر چنین فردی توان مالی نداشته باشد که از جانب خود حج انجام دهد، اگر توان مالی برای انجام حج داشته باشد برای او کافی نیست مگر این که از مال خود حج انجام دهد و همان از جانب مرده کفایت می کند اگر چنین فردی توان مالی داشته باشد، گرچه مرده مالی نداشته باشد.

۳- معاوية بن عمار گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: مردی توان مالی داشته ولی حجة الاسلام را انجام نداده اينک از دنيا رفته است (تكليف چيست؟).

فرمود: حج او را فردی كه توان مالی ندارد و نخستين بار به حج می رود، انجام می دهد.

٤ - اسحاق بن عمار گويد:

ص: ٥٣

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَمُوتُ وَ يُوصِي بِحَجَّةٍ فَيُعْطَى رَجُلٌ دَرَاهِمَ يَحُجُّ بِهَا عَنْهُ فَيَمُوتُ قَبْلَ أَنْ يَحُجَّ ثُمَّ أُعْطِيَ الدَّرَاهِمَ غَيْرُهُ.

قَالَ: إِنْ مَاتَ فِي الطَّرِيقِ أَوْ بِمَكَّةَ قَبْلَ أَنْ يَقْضِيَ مَنَاسِكَهُ، فَإِنَّهُ يُجْزِئُ عَنِ الْأَوَّلِ.

قُلْتُ: فَإِنِ ابْتُلِيَ بِشَيْءٍ يُفْسِدُ عَلَيْهِ حَجَّهُ حَتَّى يَصِيرَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ أَيُجْزِئُ عَنِ الْأَوَّلِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: لِأَنَّ الْأَجِيرَ ضَامِنٌ لِلْحَجِّ؟

قَالَ: نَعَمْ.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ أعطى رَجُلاً ما يَحُجُهُ فَحَدَتْ بِالرّجُلِ حَدَتْ فَقالَ:

از حضرتش پرسیدم مردی پیش از مرگ وصیت می کند که حجی از جانب او انجام شود. در این راستا به فردی مبلغی پول می دهند که به نیابت از او حج را انجام دهد، او پیش از انجام حج از دنیا می رود. در این هنگام پولها را به فرد دیگری می دهند. (وظیفه چیست؟).

فرمود: اگر نایب در راه یا در مکه پیش از انجام اعمال حج بمیرد، همان از فوت شده نخستین کفایت می کند.

عرض کردم: اگر گرفتار مشکلی شود که حج او باطل گردد و حجی در سال آینده به عهده او بیاید آیا باز از فوت شده اول کفایت می کند؟

فرمود: آری.

گفتم: چون اجیر ضامن حج است؟

فرمود: آری.

۵- راوی گوید امام صادق علیه السلام درباره مردی که به مردی هزینه سفر حج را پرداخته که انجام دهد، ولی برای نایب حادثه ای رخ می دهد فرمود:

إِنْ كَانَ خَرَجَ فَأَصَابَهُ فِي بَعْضِ الطّرِيقِ فَقَدْ أَجْزَأَتْ عَنِ الْأَوّلِ وَإِلّا فَلَا.

٦- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيّ بْنِ النّعْمَانِ عَنْ سُوَيْدٍ الْقَلَاءِ عَنْ أَيُّوبَ عَنْ بُرَيْدِ العِجْلِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اسْتَوْدَعَنِي مَالاً فَهَلَكَ وَ لَيْسَ لِوُلْدِهِ شَيْءٌ وَ لَمْ يَحُجّ حَجّةَ الْإِسْلَامِ؟

قَالَ: حُجّ عَنْهُ وَ مَا فَضَلَ فَأَعْطِهِمْ.

بخش شصتم

اشاره

(٦٠)

بَابُ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ عَنِ الرّجُلِ

١ - عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبِ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ مُصَادِفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

في المَرْأَةِ تَحُجُّ عَنِ الرّجُلِ الصّرورَةَ، فَقَالَ:

اگر نایب برای انجام حج از شهر بیرون رفته و این حادثه در مسیر حج رخ داده از فرد اول کفایت میکند وگر نه کفایت نمی کند.

٦- برید عجلی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فردی مبلغی به من سپرده بود که از دنیا رفت و فرزندان او چیزی ندارند. از طرفی، حجّة الاسلام را نیز انجام نداده است (وظیفه چیست؟).

فرمود: از جانب او حجّی انجام شود و مانده پول را به فرزندان او بپرداز.

حکم نیابت زن از مرد

١- مصادف :گوید امام صادق علیه السلام در مورد زنی که نایب حج مردی می شود که به حج نرفته بود، فرمود:

إِنْ كَانَتْ قَدْ حَجّتْ وَ كَانَتْ مُسْلِمَةٌ فَقِيهَةً فَرُبّ امْرَأَةٍ أَفْقَهُ مِنْ رَجُلٍ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: الرّجُلُ يَحْجُ عَنِ الْمَرْأَةِ وَ الْمَرْأَةُ تَحُجُّ عَنِ الرّجُلِ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: امْرَأَةٌ مِنْ أَهْلِنَا مَاتَ أَخُوهَا فَأَوْصَى بِحَجّةٍ وَ قَدْ حَجّتِ الْمَرْأَةُ.

فَقَالَتْ: إِنْ صَلَحَ حَجَجْتُ أَنَا عَنْ أَخِي وَ كُنْتُ أَنَا أَحَقّ بِهَا مِنْ غَيْرِي.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: لا بَأْسَ بِأَنْ تَحُجّ عَنْ أَخِيهَا، وَإِنْ كَانَ لَهَا مَالٌ فَلْتَحُجّ مِنْ مَالِهَا فَإِنّهُ أَعْظَمُ لِأَجْرِهَا.

اگر زن پیشتر حج انجام داده وزن مسلمان و آگاه به مسایل حج باشد، (اشکالی ندارد)؛ چرا که چه بسا زنی که در مسایل شرعی از مرد آگاه تر است.

۲- معاویة بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردها که می توانند به نیابت از زن ها به حج بروند، آیا زنها نیز می توانند به نیابت از مردها به حج بروند؟

فرمود: مانعی ندارد.

۳- ابی ایوب گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: یک نفر از فامیل ما فوت نموده و وصیّت کرده است که از میراث او کسی را به نیابت حج بفرستند خواهرش که پیشتر به حج رفته است، می گوید اگر درست باشد خود من به نیابت از برادرم به حج می روم. من از دیگران سزاوارترم که با مال برادرم، مراتب وصیت را عملی کنم. (تکلیف ما چیست؟)

فرمود: مانعی ندارد که آن خانم به نیابت از برادرش به حج برود و اگر این خانم صاحب مال است، چه بهتر که از مال خودش به حج برود که اجر و پاداش بیشتری دارد.

ص: ٥٦

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

تَحُجُّ الْمَرْأَةُ عَنْ أَخِيهَا وَ عَنْ أُخْتِهَا.

وقال: نحج المرأة عن ابنها.

بخش شصت و یکم

اشاره

(٦١)

بَابُ مَنْ يُعْطَى حَجَّةً مُفْرَدَةً فَيَتَمَتَّعُ أَوْ يَخْرُجُ مِنْ غَيْرِ الْمَوْضِعِ الَّذِي يُشْتَرَطُ

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام:

فِي رَجُلٍ أَعْطَى رَجُلاً دَرَاهِمَ يَحُجُ بِهَا عَنْهُ حَجَّةٌ مُفْرَدَةً أَ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَتَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ.

٤- رفاعه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

زن می تواند به نیابت از برادر و خواهرش به حج برود.

حضرتش فرمود مادر نیز میتواند به نیابت از پسرش به حج برود.

حکم کسی که برای حج افراد اجیر شده به جای آن، حج تمتع انجام می دهد یا به شرط عمل نمی کند

۱- ابو بصیر گوید به (امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) گفتم: مردی نایب گرفته است که برای او حج افراد انجام دهد. آیا نایب می تواند به جای حج افراد، حج و عمره تمتع به جا آورد؟

ص: ۵۷

فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا خَالَفَهُ إِلَى الْفَضْلِ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ أَعْطَى رَجُلاً حَجَّةً يَحُجُّ بِهَا عَنْهُ مِنَ الْكُوفَةِ فَحَجَّ عَنْهُ مِنَ الْبَصْرَةِ.

قَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا قَضَى جَمِيعَ مَنَاسِكِهِ فَقَدْ تَمَّ حَبُّهُ.

بخش شصت و دوم

اشاره

(٦٢)

بَابُ مَنْ يُوصِي بِحَجَّةٍ فَيُحَجُّ عَنْهُ مِنْ غَيْرِ مَوْضِعِهِ أَوْ يُوصِي بِشَيْءٍ قَلِيلٍ فِي الْحَجِّ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ آدَمَ قَالَ:

فرمود: آری. او فقط در فضیلت عمل مخالفت کرده است.

۲- حریز گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی نایب گرفته است برای او از کوفه به حج برود و او از بصره حرکت کرده است چه حکمی دارد؟

فرمود: اگر همه اعمالش را انجام داده ایرادی ندارد؛ چرا که حج او پایان یافته است.

حکم کسی که به حج وصیت می کند، اما از غیر آن جایی که او وصیت نموده بود، برای او حج انجام دهند، یا به چیز اندکی برای انجام حج وصیّت می کند.

۱- زکریا بن آدم گوید:

ص: ۵۸

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ مَاتَ وَ أَوْصَى بِحَجَّةٍ أَيَجُوزُ أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ مِنْ غَيْرِ الْبَلَدِ الَّذِي مَاتَ فِيهِ؟

فَقَالَ: مَا كَانَ دُونَ الْمِيقَاتِ فَلَا بَأْسَ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي رَجُلٍ أُوصِيَ بِحَجَّةٍ فَلَمْ تَكْفِهِ مِنَ الْكُوفَةِ: إِنَّهَا تُجْزِئُ حَجَّتُهُ مِنْ دُونِ الْوَقْتِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرّضَا علیه السلام عَنِ الرّجُلِ يَمُوتُ فَيُوصِي بِالْحَجّ مِنْ أَيْنَ يُحَجّ عَنْهُ؟ قَالَ: عَلَى قَدْرِ مَالِهِ إِنْ وَسِعَهُ مَالُهُ فَمِنْ مَنْزِلِهِ، وَ إِنْ لَمْ يَسَعْهُ مَالُهُ مِنْ مَنْزِلِهِ فَمِنَ الْكُوفَةِ، فَإِنْ لَمْ يَسَعْهُ مِنَ الْكُوفَةِ فَمِنَ الْمَدِينَةِ.

از امام ابوالحسن علیه السلام پرسیدم: مردی پیش از مرگش وصیت به انجام حج کرده است.

آیا می توان حج او را از شهر دیگری - که فوت کرده - انجام داد؟

فرمود: اگر پیش از میقات باشد، ایرادی ندارد.

۲- عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام در مورد فردی که به انجام حج وصیت کرده؛ ولی بودجه مالی او از کوفه کفایت نکند، فرمود:

برای او پیش از میقات کفایت می کند.

۳- محمد بن عبدالله گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: اگر کسی بمیرد و وصیت کرده باشد که برای او حج نیابتی به عمل آورند از چه مکان باید نایب بگیرند؟

فرمود: از آن مکانی که بودجه مالی او کفایت کند؛ اگر بودجه مالی او به حد کفایت باشد، باید از محل سکونت او نایب بگیرند و اگر کافی نباشد از کوفه و اگر باز هم کافی نباشد از مدینه نایب بگیرند.

ص: ۵۹

٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

فِي رَجُلٍ أَوْصَى أَنْ يُحَجّ عَنْهُ حَجّةُ الْإِسْلَامِ فَلَمْ يَبْلُغْ جَمِيعُ مَا تَرَكَ إِلّا خَمْسِينَ دِرْهَماً.

قَالَ: يُحَجّ عَنْهُ مِنْ بَعْضِ الْأَوْقَاتِ الّتِي وَقّتَهَا رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم مِنْ قُرْبٍ.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَوْ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَمَّنْ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِعِشْرِينَ دِرْهَماً فِي حَجَّةٍ.

قَالَ: يَحُجُّ بِهَا رَجُلٌ مِنْ مَوْضِعِ بَلَغَهُ.

بخش شصت و سوم

اشاره

(٦٣)

بَابُ الرَّجُلِ يَأْخُذُ الْحَجَّةَ فَلَا تَكْفِيهِ أَوْ يَأْخُذُهَا فَيَدْفَعُهَا إِلَى غَيْرِهِ

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

٤- ابن رئاب گوید: امام صادق علیه السلام درباره مردی که وصیت کرده که برای او نایب بگیرند تا حج فریضهٔ اسلامی را عوض او انجام دهد بعد از بررسی معلوم شد که فقط پنجاه درهم از او به جا مانده است فرمود:

از نزدیکترین میقات های حج - که رسول خدا صلی الله علیه وسلم برای احرام مقرر کرده است - نایب بگیرند.

٥ - ابو سعید از شخصی روایت می کند از امام صادق علیه السلام پرسید: مردی به حج وصیتنموده و برای این کار به ٢٠ درهم وصیّت نموده (تکلیف چیست؟).

فرمود: شخصی از آن جایی که آن مبلغ کفایت می کند، برای او حج گزارد.

حکم فردی که انجام حج را به عهده می گیرد، ولی هزینه ای که به او داده اند کفایت نمی کند. یا حج را به عهده می گیرد اما آن را به دیگری واگذار می کند

۱- محمد بن اسماعیل گوید:

ص: ۶۰

أَمَرْتُ رَجُلاً يَسْأَلُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُ مِنْ رَجُلٍ حَجَّةً فَلَا تَكْفِيهِ أَ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ رَجُلٍ أُخْرَى وَيَتَّسِعَ بِهَا وَ يُجْزِئُ عَنْهُمَا جَمِيعاً أَوْ يُشْرِكُهُمَا جَمِيعاً إِنْ لَمْ تَكْفِهِ إِحْدَاهُمَا.

فَذَ كَرَ أَنَّهُ قَالَ: أَحَبُّ إِلَيَّ أَنْ تَكُونَ خَالِصَةٌ لِوَاحِدٍ، فَإِنْ كَانَتْ لَا تَكْفِيهِ فَلَا يَأْخُذْهَا.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الرَّجُلِ يُعْطَى الْحَجَّةَ فَيَدْفَعُهَا إِلَى غَيْرِهِ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ

۳- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

به فردی دستور دادم که از امام رضا علیه السلام پرسید اگر انسان از یک نفر حج نیابتی بگیرد ولی هزینه ای که دریافت می کند کافی نباشد آیا می تواند به منظور وسعت و گشایش از یک نفر دیگر هم حج نیابتی بگیرد و با یک حج برای هر دو نفر نیابت کند و یا هر دو نفر را در ثواب حج شریک سازد اگر برای یکی کافی نباشد؟

آن شخص برای من خبر آورد که حضرتش در جواب فرمود: من دوست دارم که یک حج، فقط به نیابت از یک نفر برگزار شود و اگر مبلغ دریافتی کفایت نمی کند، حج نیابتی نگیرد.

۲- عثمان بن عیسی گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: نظر شما در مورد فردی که حج نیابتی را دریافت میکند اما آن را به فرد دیگری واگذار می کند چیست؟

فرمود ایرادی ندارد.

۳- عمر بن یزید گوید:

ص: ٦١

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: رَجُلٌ أُوصِيَ بِحَجّةٍ فَلَمْ تَكْفِهِ. قَالَ: فَيُقَدِّمُهَا حَتّى يُحَجّ دُونَ الْوَقْتِ.

بخش شصت و چهارم

اشاره

(٦٤)

بَابُ الْحَجِّ عَنِ الْمُخَالِفِ

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: أَ يَحُجُّ الرَّجُلُ عَنِ النَّاصِبِ؟

فَقَالَ: لا .

فَقُلْتُ: فَإِنْ كَانَ أَبِي؟

قَالَ: فَإِنْ كَانَ أَبَاكَ فَنَعَمْ.

٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

به امام صادق علیه السلام گفتم: فردی وصیت کرده که برای او حج نیابتی به جا آورند، ولی مبلغی که معین کرده است کفایت نمی کند (تکلیف چیست؟).

فرمود: باید از جایی نایب بگیرند که به میقات حرم نزدیک باشد.

حکم نیابت از مخالفان مذهب

۱- وهب بن عبد ربه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: انسان می تواند از جانب ناصبی نیابت بگیرد و به حج برود؟

فرمود: نه.

گفتم: اگر چنین فردی پدرم باشد، چه صورت دارد؟

فرمود: اگر به نیابت از پدرت باشد، مانعی ندارد.

۲- علی بن مهزیار گوید:

به امام علیه السلام نوشتم شخصی به نیابت از یک ناصبی حج انجام می دهد آیا گناهی بر گردن اوست؟ و آیا آن شخص ناصبی با عمل این شخص نفع و پاداشی می برد؟

حضرتش در جواب نوشت از جانب ناصبی حج انجام نمی شود و نمی توان ناصبی را برای انجام حج نایب قرار داد.

ص: ٦٢

كَتَبْتُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ يَحُجُ عَنِ النّاصِبِ هَلْ عَلَيْهِ إِثْمٌ إِذَا حَجّ عَنِ النّاصِبِ وَ هَلْ يَنْفَعُ ذَلِكَ النّاصِبَ أَمْ لا؟

فَكَتَبَ: لا يَحُجّ عَنِ النّاصِبِ وَ لَا يَحُجّ بِهِ.

بخش شصت و پنجم

(٦٥)

بَابٌ

١- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَمّنْ حَدّثَهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمّدٍ عليه السلام أَنّ مَوْلاكَ عَلِيّ بْنَ مَهْزِيَارَ أَوْصَى أَنْ يُحَجّ عَنْهُ مِنْ ضَيْعَةٍ صَيّرَ رُبُعَهَا لَكَ فِي كُلّ سَنَةٍ حَجّةً إِلَى عِشْرِينَ دِينَاراً وَ أَنّهُ قَدِ انْقَطَعَ طَرِيقُ الْبَصْرَةِ فَتَضَاعَفُ الْمَئُونَةُ عَلَى النّاسِ فَلَيْسَ يَكْتَفُونَ بِعِشْرِينَ دِينَاراً وَ كَذَلِكَ أَوْصَى عِدّةٌ مِنْ مَوَالِيكَ فِي حِجَجِهِمْ.

فَكَتَبَ: يُجْعَلُ ثَلَاثُ حِجَجٍ حَجّتَيْنِ إِنْ شَاءَ اللّهُ.

١- ابراهيم بن مهزيار گويد: طى نامه اى به امام حسن عسكرى عليه السلام نوشتم دوستدار شما على بن مهزيار وصيت كرد كه از مزرعه اى كه يک چهارم آن مال شماست در هر سال حجى تا بيست دينار انجام شود اكنون راه بصره مسدود است و هزينه سفر براى مردم بيشتر شده و بيست دينار كافى نيست. البته عده اى ديگر از دوستان شما نيز اين گونه وصيت كرده اند (تكليف چيست؟).

حضرتش مرقوم فرمود: هزينه سه سفر حج را دو سفر حج قرار دهيد ان شاء الله.

ص: ٦٣

٢- إِبْرَاهِيمُ قَالَ: وَ كَتَبَ إِلَيْهِ عَلِيّ بْنُ مُحَمّدٍ الْحُصَيْنِيّ:

أَنّ ابْنَ عَمّي أَوْصَى أَنْ يُحَجّ عَنْهُ بِخَمْسَةَ عَشَرَ دِينَاراً فِي كُلّ سَنَةٍ فَلَيْسَ يَكْفِي فَمَا تَأْمُرُ فِي ذَلِكَ؟

فَكَتَبَ: يَجْعَلُ حَجَّتَيْنِ فِي حَجَّةٍ إِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ بِذَلِكَ.

بخش شصت و ششم

اشاره

(٦٦)

بَابُ مَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ إِذَا حَجَّ عَنْ غَيْرِهِ

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَلَبِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَحُجُّ عَنْ أَخِيهِ أَوْ عَنْ أَبِيهِ أَوْ عَنْ رَجُلٍ مِنَ النَّاسِ هَلْ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِشَيْءٍ؟

قَالَ: نَعَمْ يَقُولُ بَعْدَ مَا يُحْرِمُ:

٢- ابراهیم گوید: علی بن محمد حصینی نیز طی نامه ای به آن حضرت نوشت پسر عموی من وصیت کرد که هر سال با پانزده دینار یک حج انجام شود، اکنون این مبلغ کافی نیست. چه امر می فرمایید؟

حضرتش نوشت: هزینه دو حج برای انجام یک حج قرار داده شوده، چرا که خداوند از این امر آگاه است.

آداب حج نیابتی و نیت آن

١- حلبی گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که می خواهد به نیابت از برادر، پدر یا فرد دیگری حج انجام دهد شایسته است چیزی بگوید؟

فرمود: آری آن گاه که احرام بست می گوید:

ص: ٦٤

«اللّهُمّ مَا أَصَابَنِي فِي سَفَرِي هَذَا مِنْ تَعَبٍ أَوْ شِدّةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ شَعَثٍ فَأْجُرْ فُلَانَا فِيهِ وَ أَجْرْنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ».

مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيّ مِثْلَهُ.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: مَا يَجِبُ عَلَى الّذِي يَحُجُّ عَنِ الرّجُلِ؟

قَالَ: يُسَمّيهِ فِي الْمَوَاطِن وَ الْمَوَاقِفِ.

٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

قِيلَ لَهُ: أَ رَأَيْتَ الّذِي يَقْضِي عَنْ أَبِيهِ أَوْ أُمّهِ أَوْ أَخِيهِ أَوْ غَيْرِهِمْ أَ يَتَكَلّمُ بِشَيْءٍ؟ قَالَ: نَعَمْ يَقُولُ عِنْدَ إِحْرَامِهِ:

«اللّهُمّ مَا أَصَابَنِي فِي سَفَرِي هَذَا مِنْ تَعَبٍ أَوْ شِدّةٍ أَوْ بَلَاءٍ أَوْ شَعَثٍ فَأَجْرْ فَلَانَا فِيهِ وَ أَجْرْنِي فِ-ي قَضَائِي عَنْهُ».

٢- محمد بن مسلم گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: کسی که حج نیابتی به جا می آورد، چه آدابی را باید رعایت کند؟

فرمود: در همه جا و همهٔ مراسم نام صاحب حج را ببرد.

۳- معاوية بن عمار گويد: به امام صادق عليه السلام گفتند: به نظر شما كسى كه به نيابت از جانب پدر، مادر، يا برادر و يا ديگران به حج مى رود، آيا بايد چيزى بگويد؟

فرمود: آرى. موقع احرام بگويد:

ص: ٦٥

«اللّهُمّ مَا أَصَابَنِي مِنْ نَصَبٍ أَوْ شَعَثٍ أَوْ شِدّةٍ فَأْجُرْ فُلاناً فِيهِ وَ أَجْرِنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ».

بخش شصت و هفتم

اشاره

(٦٧)

بَابُ الرّجُلِ يَحُجُّ عَنْ غَيْرِهِ فَحَجّ عَنْ غَيْرِ ذَلِكَ أَوْ يَطُوفُ عَنْ غَيْرِهِ

١- أَبُو عَلِيّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: الرّجُلُ يَحُجُ عَنِ الرّجُلِ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَطُوفَ عَنْ أَقَارِبِهِ؟

فَقَالَ: إِذَا قَضَى مَنَاسِكَ الْحَجّ فَلْيَصْنَعْ مَا شَاءَ.

٢- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: عَنْ رَجُلٍ أَعْطَى رَجُلاً مَالاً يَحُجُّ عَنْهُ فَحَجّ عَنْ نَفْسِهِ؟

فَقَالَ: هِيَ عَنْ صَاحِبِ الْمَالِ.

«اللّهُمّ مَا أَصَابَنِي مِنْ نَصَبٍ أَوْ شَعَثٍ أَوْ شِدّةٍ فَأَجُرْ فُلاناً فِيهِ وَ أَجْرِنِي فِي قَضَائِي عَنْهُ».

حکم کسی که در اثنای حج نیابتی از حج یا طواف دیگری نایب شود

۱- یحیی از رق گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: کسی که به حج نیابتی می رود، آیا می تواند به نیابت از خویشاوندان خودش طواف کند؟

فرمود: بعد از آن که مراسم حج را به جا آورد هر کاری که خواست انجام می دهد.

۲- محمد بن یحیی در روایت مرفوعه ای گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: مردی هزینه سفر حج را به فردی داد که از جانب او حج انجام دهد و او از جانب خودش انجام داد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: حج در واقع از جانب صاحب هزینه صورت پذیرفته است.

ص: ٦٦

٣- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

فِي رَجُلٍ أَخَذَ مِنْ رَجُلٍ مَالاً وَ لَمْ يَحُجَّ عَنْهُ وَ مَاتَ لَمْ يُخَلِّفْ شَيْئاً.

قَالَ: إِنْ كَانَ حَجَّ الْأَجِيرُ أُخِذَتْ حَجَّتُهُ وَ دُفِعَتْ إِلَى صَاحِبِ الْمَالِ، وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ حَجَّ كُتِبَ لِصَاحِبِ الْمَالِ ثَوَابُ الْحَجِّ.

بخش شصت و هشتم

اشاره

(٦٨)

بَابُ مَنْ حَجَّ عَنْ غَيْرِهِ إِنَّ لَهُ فِيهَا شِرْكَةً

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ: عَبْدُ الرَّحْمَانِ بْنُ سِنَانٍ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ فَأَعْطَاهُ ثَلَاثِينَ دِينَاراً يَحُجُّ بِهَا عَنْ إِسْمَاعِيلَ وَ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئاً مِنَ الْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ إِلَّا اشْتَرَطَهُ عَلَيْهِ حَتَّى اشْتَرَطَ عَلَيْهِ أَنْ يَسْعَى عَنْ وَادِي مُحَسِّرٍ.

٣- راوی گوید امام صادق علیه السلام در مورد مردی که نایب شده از جانب کسی حج انجام دهد و پیش از انجام آن مرده و مالی از خود نگذاشته است (چه حکمی دارد؟) فرمود: اگر نایب حجی انجام داده بود، حج او به صاحب مال منظور می شود و اگر حجی نداشت برای صاحب مال پاداش حج نگاشته می شود.

حکم کسی که به نیابت از دیگری حج انجام داده و خود درآن شریک بوده است

١- عبدالرحمان بن سنان گوید: خدمت امام صادق علیه السلام حضور داشتم که مردی وارد شد، حضرتش سی دینار به او داد که به نیابت از (فرزندش) اسماعیل حج انجام دهد و هر چه از احکام حج و عمره تمتع بود به او گوش زد نمود که انجام دهد تا آن که شرط کرد که از وادی محسر سعی کند.

ص: ٦٧

ثُمّ قَالَ: يَا هَذَا إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا كَانَ لِإِسْمَاعِيلَ حَجَّةٌ بِمَا أَنْفَقَ مِنْ مَالِهِ وَ كَانَ لَكَ تِسْعٌ بِمَا أَنْعَبْتَ مِنْ بَدَنِكَ.

٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَحُجُّ عَنْ آخَرَ مَا لَهُ مِنَ الْأَجْرِ وَ الثَّوَابِ.

قَالَ: لِلَّذِي يَحُجُّ عَنْ رَجُلٍ أَجْرُ وَ ثَوَابُ عَشْرِ حِجَجٍ.

بخش شصت و نهم

اشاره

(٦٩)

بَابٌ نَادِرُ

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِين قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام: رَجُلٌ دَفَعَ إِلَى خَمْسَةِ نَفَرٍ حَجَّةً وَاحِدَةٌ.

آن گاه فرمود: فلانی اگر این حج را انجام دهی از جانب اسماعیل در ازای مالش یک حج صورت می پذیرد ولی برای تو نه حج در ازای رنج و زحمتی که کشیده ای می باشد.

٢- ابن مسکان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم کسی که به نیابت از فردی حج انجام می دهد چه پاداش و مزدی دارد؟

فرمود: برای چنین فردی که به نیابت از دیگری حج انجام می دهد مزد و پاداش ده حج می باشد.

یک روایت نکته دار

١- علی بن یقطین گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: فردی به پنج نفر انجام یک حج را داده است (چه حکمی دارد؟).

ص: ٦٨

فَقَالَ: يَحُجُّ بِهَا بَعْضُهُمْ فَسَوَّغَهَا رَجُلٌ مِنْهُمْ.

فَقَالَ لِي: كُلُّهُمْ شُرَكَاءُ فِي الْأَجْرِ.

فَقُلْتُ: لِمَنِ الْحَج؟

قَالَ: لِمَنْ صَلّى فِي الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ.

بخش هفتادم

اشاره

(۷۰)

بَابُ الرَّجُلِ يُعْطَى الْحَجَّ فَيَصْرِفُ مَا أَخَذَ فِي غَيْرِ الْحَجِّ أَوْ تَفْضُلُ الْفَضْلَةُ مِمَّا أُعْطِيَ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يُعْطَى الْحَجَّةَ يَحُجُّ بِهَا وَ يُوَسِّعُ عَلَى نَفْسِهِ فَيَفْضُلُ مِنْهَا أَ يَرُدُّهَا عَلَيْهِ؟

فرمود: برخی آن را انجام می دهند و یکی از آنها آن را جایز می شمارد.

حضرتش به من فرمود: همهٔ آنها در پاداش شریک هستند.

گفتم: حج از آن کیست؟

فرمود: کسی که در سرما و گرما نماز خوانده است.

حکم فردی که هزینه نیابت را در غیر حج مصرف می کند یا از هزینه نیابت مقداری اضافه می آید

۱- محمد بن عبدالله قمی گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: اگر کسی برای نیابت حج هزینه ای دریافت کند و در اثنای سفر با وسعت و گشایش خرج کند و مقداری هم از مبلغ دریافتی بماند. آیا مانده هزینه را باید به صاحب آن برگرداند؟

ص: ۶۹

قَالَ: لَا هِيَ لَهُ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْن صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْن مُوسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُ الدَّرَاهِمَ لِيَحُجَّ بِهَا عَنْ رَجُلٍ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يُنْفِقَ مِنْهَا غَيْرِ الْحَجِّ؟

قَالَ: إِذَا ضَمِنَ الْحَجَّ فَالدَّرَاهِمْ لَهُ يَصْنَعُ بِهَا مَا أَحَبَّ وَ عَلَيْهِ حَجَّةٌ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

بَعَثَنِي عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ إِلَى أَبِي جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ بِدَرَاهِمَ وَ قَالَ: قُلْ لَهُ: إِنْ أَرَادَ أَنْ يَحُجَّ بِهَا فَلْيَحُجَّ ، وَ إِنْ أَرَادَ أَنْ يُنْفِقَهَا فَلْيُنْفِقْهَا.

قَالَ: فَأَنْفَقَهَا وَ لَمْ يَحُجَّ.

قَالَ حَمَّادٌ: فَذَكَرَ ذَلِكَ أَصْحَابُنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

فَقَالَ: وَجَدْتُمُ الشَّيْخَ فَقِيها.

فرمود: نه مال خود اوست.

۲- عمار بن موسی ساباطی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فردی نایب می شود که از جانب دیگری حج انجام دهد آیا می تواند از مبلغ آن مقداری را در غیر حج مصرف کند؟

فرمود: هرگاه ضامن انجام حج شده است همه مبلغ درهم ها مال اوست. هرجا دوست داشت مصرف کند و فقط انجام یک حج به عهده اوست.

۳- حماد بن عثمان گوید: عمربن یزید مبلغی به من داد که آن را به ابوجعفر احول بدهم و بگویم اگر بخواهد به حج برود و اگر بخواهد به مصرف شخصی برساند.

ابو جعفر احول به حج نرفت و آن مبلغ را در مصارف شخصی خرج کرد. حماد گوید: اصحاب ما این قضیه را به امام صادق علیه السلام گزارش دادند.

امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما روشن شد که ابو جعفر شیخی فقیه است.

ص: ۷۰

بخش هفتادو یکم

اشاره

(۷۱)

بَابُ الطَّوَافِ وَالْحَجِّ عَنِ الْأَئِمَّةِ علیهم السلام

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِي قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: يَا سَيِّدِي! إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَصُومَ فِي الْمَدِينَةِ شَهْرَ رَمَضَانَ.

فَقَالَ: تَصُومُ بِهَا إِنْ شَاءَ اللّٰهُ.

قُلْتُ: وَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ خُرُوجُنَا فِي عَشْرٍ مِنْ شَوّالٍ وَ قَدْ عَوّدَ اللّهُ زِيَارَةَ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَ زِيَارَتَكَ فَرُبّمَا حَجَجْتُ عَنْ أَبِيكَ وَ رُبّمَا حَجَجْتُ عَنْ أَبِي وَ رُبّمَا حَجَجْتُ عَنِ الرّجُلِ مِنْ إِخْوَانِي وَ رُبّمَا حَجَجْتُ عَنْ نَفْسِي فَكَيْفَ أَصْنَعُ؟

فَقَالَ: تَمَتّعْ.

فَقُلْتُ: إِنّي مُقِيمٌ بِمَكّةَ مُنْذُ عَشْرِ سِنِينَ.

فَقَالَ: تَمَتّعْ.

حکم طواف و حج به نیابت از ائمه اطهار علیهم السلام

۱- موسی بن قاسم بجلی گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم: ای سرور من! امیدوارم که ماه رمضان در مدینه بمانم و روزه بگیرم.

فرمود: اگر خدا بخواهد در مدینه روزه خواهی گرفت.

عرض کردم: و امیدوارم که دههٔ شوال برای حج حرکت کنم من مکرر به زیارت رسول خدا صلی الله علیه وسلم و خاندان او علیهم السلام و زیارت شما موفق شده ام، گاهی به نیابت از پدر شما امام رضا علیه السلام به حج رفته ام گاهی به نیابت از پدر خودم گاهی به نیابت از برادر ایمانیم و گاهی برای خودم. اینک چگونه حجی به جا آورم؟

فرمود: حج تمتع.

گفتم: من از ده سال پیش تاکنون در شهر مکه اقامت داشته ام. باز هم می توانم حج تمتع به جا بیاورم؟

فرمود: (آری)، حج تمتع به جا بیاور.

۲- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرِ الثّانِي علیه السلام: قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَطُوفَ عَنْكَ وَ عَنْ أَبِيكَ، فَقِيلَ لِي: إِنّ الْأَوْصِيَاءَ لا يُطَافُ عَنْهُمْ.

فَقَالَ لِي: بَلْ طُفْ مَا أَمْكَنَكَ، فَإِنّهُ جَائِزٌ.

ثُمّ قُلْتُ لَهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِثَلَاثِ سِنِينَ: إِنّي كُنْتُ اسْتَأْذَنْتُكَ فِي الطّوَافِ عَنْكَ وَ عَنْ أَبِيكَ، فَأَذِنْتَ لِي فِي ذَلِكَ فَطُفْتُ عَنْكُمَا مَا شَاءَ اللّهُ. ثُمّ وَقَعَ فِي قَلْبِي شَيْءٌ فَعَمِلْتُ بِهِ.

قَالَ: وَ مَا هُوَ؟

قُلْتُ: طُفْتُ يَوْماً عَنْ رَسُولِ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيه وسلم.

فَقَالَ ثَلَاثَ مَرّاتٍ: صَلّى اللّهُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ.

۲- موسی بن قاسم گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم می خواستم به نیابت از شما و از پدر بزرگوارتان امام رضا علیه السلام طواف انجام دهم مردم گفتند: اوصیا نیازی به طواف ندارند. (آیا درست است؟)

فرمود بلکه هر چند که ممکن باشد به نیابت از اوصیا طواف کن که نیابت از اوصیا جایز است.

سه سال بعد به امام جواد علیه السلام گفتم: من پیشتر از شما اجازه گرفتم که به نیابت از شما و نیابت از پدر بزرگوارتان طواف کنم شما اجازه دادید و من مدّت ها طواف کردم. بعد، فکری در خاطرم گذشت که به آن عمل کردم.

امام جواد علیه السلام فرمود: چه فکری؟

عرض کردم: یک روز به نیابت از رسول خدا صَلّی اللّهُ عَلَیه وسلم طواف کردم.

حضرتش بلافاصله سه مرتبه فرمود صلوات خدا بر رسول خدا نثار باد.

ص: ۷۲

ثُمّ الْيَوْمَ الثّانِيَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، ثُمّ طُفْتُ الْيَوْمَ الثّالِثَ عَنِ الْحَسَنِ عليه السلام وَ الرّابِعَ عَنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَ الْخَامِسَ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ السّادِسَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمّدِ بْنِ عَلِي عليهما السلام وَ الْيَوْمَ السّابِعَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمّدٍ عليهما السلام وَ الْيَوْمَ الثّامِنَ عَنْ أَبِيكَ مُوسَى عليه السلام وَ الْيَوْمَ التّاسِعَ عَنْ أَبِيكَ عَلِيّ عليه السلام وَ الْيَوْمَ الْعَاشِرَ عَنْكَ يَا سَيّدِي. وَ هَؤُلاءِ الّذِينَ أَدِينُ اللّهَ بِوَلَا يَتِهِمْ.

فَقَالَ: إِذَنْ وَ اللّهِ، تَدِينَ اللّهَ بِالدّينِ الّذِي لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعِبَادِ غَيْرَهُ.

قُلْتُ: وَ رُبّمَا طُفْتُ عَنْ أُمّكَ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ رُبّمَا لَمْ أَطُفْ.

فَقَالَ: اسْتَكْثِرْ مِنْ هَذَا، فَإِنّهُ أَفْضَلُ مَا أَنْتَ عَامِلُهُ إِنْ شَاءَ اللّهُ.

عرض کردم روز دوم به نیابت از امیرمؤمنان علی علیه السلام طواف کردم، روز سوم، به نیابت از امام حسن مجتبی علیه السلام، روز چهارم به نیابت از سیدالشهداء علیه السلام، روز پنجم به نیابت از امام سجاد علیه السلام، روز ششم به نیابت از امام باقر علیه السلام، روز هفتم به نیابت از امام صادق علیه السلام، روز هشتم به نیابت از جد بزرگوارت امام کاظم علیه السلام، روز نهم به نیابت از پدر بزرگوارت امام رضا علیه السلام و روز دهم به نیابت از شما ای سرور من! این اوصیا همان رهبرانی هستند که من با ولایت آنان خدا را بندگی می کنم.

امام جواد علیه السلام فرمود: به خدا سوگند در این صورت خدا را با دین و آیینی بندگی می کنی که خداوند غیر آن را از بندگان نمی پذیرد.

گفتم: گاهی به نیابت از مادر بزرگوارت فاطمه علیها السلام طواف می کنم و گاهی طواف نمی کنم.

فرمود: هر چه بیشتر به نیابت از مادرم فاطمه علیها السلام طواف کن که بهترین اعمالی است که انجام می دهی، ان شاء الله.

ص: ۷۳

بخش هفتادو دوم

اشاره

بَابُ مَنْ يُشْرِكُ قَرَابَتَهُ وَ إِخْوَتَهُ فِي حَجَّتِهِ أَوْ يَصِلُهُمْ بِحَجَّةٍ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عبداللّهِ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ أُشْرِكُ أَبَوَيّ فِي حَجَّتِي؟

قَالَ: نَعَمْ

قُلْتُ: أُشْرِكُ إِخْوَتِي فِي حَجَّتِي.

قَالَ: نَعَمْ إِنّ اللّهَ عَزّ وَ جَلّ جَاعِلٌ لَكَ حَجّاً وَ لَهُمْ حَجّاً.

وَ لَكَ أَجْرٌ لِصِلَتِكَ إِيّاهُمْ قُلْتُ فَأَطُوفُ عَنِ الرّجُلِ وَ الْمَرْأَةِ وَ هُمْ بِالْكُوفَةِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ تَقُولُ: حِينَ تَفْتَتِحُ الطّوَافَ اللّهُمّ تَقَبّلْ مِنْ فُلَانِ الّذِي تَطُوفُ عَنْهُ.

حکم کسی که خویشان خود را در ثواب حج خود شریک می کند و با آنان صله رحم می نماید

۱- معاوية بن عمار گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: می توانم پدر و مادرم را در حج خود شريک سازم؟

فرمود: آری.

گفتم: می توانم برادرانم را در حج خود شريک سازم؟

فرمود: آری، خداوند عزوجل برای خودت پاداش يک حج منظور می کند و برای آنان نيز، پاداش يک حج و پاداش ديگری هم به تو عنايت خواهد کرد که صله رحم کرده ای.

گفتم: آيا می توانم به نيابت از مردان و زنانی که در کوفه هستند طواف کنم؟

فرمود: آری، موقع شروع به طواف می گويی خدايا اين طواف را از فلانی بپذير.

ص: ۷٤

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَمْرِو بْنِ إِلْيَاسَ قَالَ: حَجَجْتُ مَعَ أَبِي وَأَنَا ضَرُورَةٌ فَقُلْتُ: إِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَجْعَلَ حَجَّتِي عَنْ أُمِّي، فَإِنَّهَا قَدْ مَاتَتْ.

قَالَ: فَقَالَ لِي: حَتَّى أَسْأَلَ لَكَ أَبَا عَبْدِاللَّهِ عليه السلام.

فَقَالَ إِلْيَاسُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَ أَنَا أَسْمَعُ - جُعِلْتُ فِدَاكَ - إِنّ ابْنِي هَذَا صَرُورَةٌ وَ قَدْ مَاتَتْ أُمُّهُ فَأَحَبّ أَنْ يَجْعَلَ حَجَّتَهُ لَهَا أَ فَيَجُوزُ ذَلِكَ لَهُ؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يُكْتَبُ لَهُ وَ لَهَا وَ يُكْتَبُ لَهُ أَجْرُ الْبِرّ.

٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ الْحَارِثُ بْنُ الْمُغِيرَةِ فَقَالَ: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمي! لِيَ ابْنَةٌ قَيِّمَةٌ لِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ هِيَ عَاتِقٌ أَفَأَجْعَلُ لَهَا حَجَّتِي؟

٢- عمرو بن الیاس گوید: به همراه پدرم برای نخستین بار به حج مشرف شدم، به پدرم گفتم: دوست دارم از جانب مادرم - که از دنیا رفته است - حج انجام دهم.

پدرم گفت: صبر کن تا از امام صادق علیه السلام بپرسم.

در حضور امام صادق علیه السلام بودیم که پدرم الیاس به آن حضرت عرض کرد: قربانت گردم! این فرزند برای نخستین بار به حج آمده مادرش از دنیا رفته است، دوست دارد حج خود را از جانب مادرش انجام دهد آیا می تواند چنین نماید؟

امام صادق علیه السلام فرمود: در این صورت هم برای او و هم برای مادرش حج نوشته می شود افزون بر این که برای فرزندش پاداش نیکی به مادر نیز نگاشته می شود.

٣- صفوان جمال گوید خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم. حارث بن مغیره نیز شرفیاب شد و عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! دختر ارزشمندی دارم آیا می توانم حج را به او واگذار کنم؟

ص: ٧٥

قَالَ: أَمَا إِنَّهُ يَكُونُ لَهَا أَجْرُهَا وَ يَكُونُ لَكَ مِثْلُ ذَلِكَ، وَ لَا يُنْقَصُ مِنْ أَجْرِهَا شَيْءٌ.

٤ - أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَحُجُّ فَيَجْعَلُ حَجَّتَهُ وَ عُمْرَتَهُ أَوْ بَعْضَ طَوَافِهِ لِبَعْضِ أَهْلِهِ وَ

هُوَ عَنْهُ غَائِبٌ بِبَلَدٍ آخَرَ.

قَالَ: قُلْتُ: فَيَنْقُصُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِ؟

قَالَ: لا، هِيَ لَهُ وَ لِصَاحِبِهِ وَ لَهُ أَجْرٌ سِوَى ذَلِكَ بِمَا وَصَلَ.

قُلْتُ: وَ هُوَ مَيِّتٌ هَلْ يَدْخُلُ ذَلِكَ عَلَيْهِ.

قَالَ: نَعَمْ حَتّى يَكُونُ مَسْخُوطاً عَلَيْهِ فَيُغْفَرُ لَهُ أَوْ يَكُونُ مُضَيّقاً عَلَيْهِ فَيُوَسّعُ عليه.

فرمود: هان که پاداش حج به دخترت می رسد و مانند آن نیز به تو می رسد با این که از پاداش او چیزی کاسته نمی شود.

٤- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم اگر کسی به حج برود و حج و عمره خود - یا قسمتی از طواف خود - را برای خویشاوند خود که در شهر دیگری زندگی می نماید منظور کند آیا از اجر و پاداش خودش کاسته می شود؟

فرمود: نه، پاداش یک حج کامل برای خودش و پاداش یک حج کامل برای خویشاوند او منظور می شود. پاداش دیگری هم دارد که به خویشان و دوستان خود صله و خدمت کرده است.

گفتم: اگر آن شخص، مرده باشد باز هم پاداش حج به او می رسد و در موقعیت او تأثیر می گذارد؟

فرمود: آری. حتی ممکن است مورد خشم و غضب خدا باشد و به وسیله ثواب حج مورد آمرزش قرار بگیرد و یا اگر در تنگنا باشد، وسعت و گشایش یابد.

ص: ٧٦

قُلْتُ: فَيَعْلَمُ هُوَ فِي مَكَانِهِ أَنّ عَمَلَ ذَلِكَ لَحِقَهُ.

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: وَ إِنْ كَانَ نَاصِباً يَنْفَعُهُ ذَلِكَ؟

قَالَ: نَعَمْ يُخَفَّفُ عَنْهُ.

٥- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا بِالْمَدِينَةِ بَعْدَ مَا رَجَعْتُ مِنْ مَكَّةَ: إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَحُجَّ عَنِ ابْنَتِي.

قَالَ: فَاجْعَلْ ذَلِكَ لَهَا الآنَ.

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي الرَّجُلِ يُشْرِكُ أَبَاهُ وَ أَخَاهُ وَ قَرَابَتَهُ فِي حَجِّهِ.

عرض کردم: مرده ای که در تنگنا بوده باشد، می فهمد که این گشایش و وسعت از کجا به او رسیده است؟

فرمود: آری.

عرض کردم: اگر فرد ناصبی باشد که با مذهب حق به دشمنی و ستیزه می پرداخته، باز هم پاداش حج برای او مفید واقع می شود؟

فرمود: آری عذاب او تخفیف می یابد.

۵- حارث بن مغیره گوید: آن گاه که از مکه به مدینه بازگشتم به امام صادق علیه السلام گفتم: می خواهم حجّی را از جانب دخترم انجام دهم؟

فرمود: هم اکنون آن حج را به دخترت واگذار کن.

٦- هشام بن حکم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: اگر انسان پدر، برادر و خویشاوند خود را در حج خود شریک سازد، چه صورت دارد؟

ص: ۷۷

فَقَالَ: إِذا يُكْتَبَ لَكَ حَجٌ مِثْلُ حَجِّهِمْ وَ تُزْدَادَ أَجْراً بِمَا وَصَلْتَ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

مَنْ وَصَلَ أَبَاهُ أَوْ ذَا قَرَابَةٍ لَهُ فَطَافَ عَنْهُ كَانَ لَهُ أَجْرُهُ كَامِلاً وَ لِلَّذِي طَافَ عَنْهُ مِثْلُ أَجْرِهِ وَ يُفَضَّلُ هُوَ بِصِلَتِهِ إِيَّاهُ بِطَوَافٍ آخَرَ. وَ قَالَ: مَنْ حَجَّ فَجَعَلَ حَجَّتَهُ عَنْ ذِي قَرَابَتِهِ يَصِلُهُ بِهَا كَانَتْ حَجَّتُهُ كَامِلَةً، وَكَانَ لِلَّذِي حَجَّ عَنْهُ مِثْلُ أَجْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَاسِعٌ لِذَلِكَ.

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَثِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْحَضْرَمِي عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

رَجَعْتُ مِنْ مَكَّةَ فَلَقِيتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام فِي الْمَسْجِدِ وَ هُوَ قَاعِدٌ فِيمَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ فَقُلْتُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي إِذَا خَرَجْتُ إِلَى مَكَّةَ رُبَّمَا قَالَ لِيَ الرَّجُلُ : طُفْ عَنِّي أَسْبُوعاً وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ فَأَشْتَغِلُ عَنْ ذَلِكَ، فَإِذَا رَجَعْتُ لَمْ أَدْرِ مَا أَقُولُ لَهُ.

فرمود: در آن صورت یک حج در نامه عمل تو ثبت می شود و همانند آن در نامه عمل آنان ثبت می شود. و تو پاداش افزونتری دریافت می کنی چون که صله رحم کرده ای.

۷- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر که پدر یا نزدیکان خود را صله کرده و از جانب او طواف کند، اجر او کامل شده و برای کسی که از جانبش طواف نموده اجری مانند اجر اوست و به جهت صله رحم یک طواف برای او افزوده می شود.

فرمود: هر که حج انجام دهد و آن را برای نزدیکان خود قرار دهد حج او کامل شده و برای آن طرف همانند اجر او خواهد بود چرا که خداوند توسعه دهنده است.

۸- ابراهیم حضر می گوید از مکه بازگشتم و امام کاظم علیه السلام را که در مسجد بین قبر و منبر نشسته بود، ملاقات نمودم و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! زمانی که به طرف مگه خارج شدم هر کسی می گفت: از جانب من هفت شوط طواف انجام ده و دو رکعت نماز بخوان اما من مشغول اعمالم شدم و نتوانستم این کار را انجام دهم وقتی بازگشتم ندانستم به او چه بگویم.

ص: ۷۸

قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ مَكَّةَ فَقَضَيْتَ نُسُكَكَ فَطُفْ أُسْبُوعاً وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُلِ:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الطَّوَافَ وَ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ عَنْ أَبِي وَأُمِّي وَ عَنْ زَوْجَتِي وَ عَنْ وُلْدِي وَ عَنْ حَامَّتِي وَ عَنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ وَ عَبْدِهِمْ وَ أَبْيَضِهِمْ وَ أَسْوَدِهِمْ».

فَلَا تَشَاءُ أَنْ قُلْتَ لِلرَّجُلِ إِنِّي قَدْ طُفْتُ عَنْكَ وَ صَلَّيْتُ عَنْكَ رَكْعَتَيْنِ إِلَّا كُنْتَ صَادِقاً.

فَإِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ النَّبِيِّ الله صلى الله عليه وسلم فَقَضَيْتَ مَا يَجِبُ عَلَيْكَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قِفْ عِنْدَ رَأْسِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم ثُمَّ قُلْ قُلْ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ زَوْجَتِي وَ وُلْدِي وَ جَمِيعِ حَامَّتِي وَ مِنْ جَمِيعِ أَهْلِ بَلَدِي حُرِّهِمْ وَ عَبْدِهِمْ وَأَبْيَضِهِمْ وَ أَسْوَدِهِمْ».

فَلَا تَشَاءُ أَنْ تَقُولَ لِلرَّجُلِ: إِنِّي أَقْرَأْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم عَنْكَ السَّلَامَ إِلَّا كُنْتَ صَادِقاً.

فرمود: هنگامی که به مکه رفتی و مناسک خود را به جا آوردی، هفت دور طواف کن و دو رکعت نماز بخوان آن گاه بگو:

خدایا! این طواف و این دو رکعت نماز را از جانب پدر و مادر، همسر و فرزندان، نزدیکان و از تمامی اهل شهرم آزاد و برده و سفید و سیاه آنها انجام دادم.

پس اگر بخواهی بگویی که من از جانب تو طواف کرده و دو رکعت نماز خواندم راست گفته ای.

و آن گاه که به نزد قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم، رفتی پس آن چه بر تو لازم است به جا آوردی، پس دو رکعت نماز بخوان و نزد سر پیامبر صلی الله علیه وسلم بایست سپس بگو:

سلام بر تو ای پیامبر خدا! از جانب پدرم و مادرم، همسرم و فرزندانم و همه نزدیکانم و از تمامی اهل شهرم آزاد و بنده و سفید و سیاه آنها.

پس اگر بخواهی به کسی بگویی که از جانب تو به رسول خدا صلی الله علیه وسلم سلام دادم راست گفته ای.

ص: ۷۹

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام كَمْ أُشْرِكُ فِي حَجَّتِي؟

قَالَ: كَمْ شِئْتَ.

۱۰- أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْأَزْمَنِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

لَوْ أَشْرَكْتَ أَلْفاً فِي حَجَّتِكَ لَكَانَ لِكُلِّ وَاحِدٍ حَجَّةٌ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَنْقُصَ حَجَّتُكَ شَيْئاً.

بخش هفتادو سوم

اشاره

(۷۳)

بَابُ تَوْفِيرِ الشَّعْرِ لِمَنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ علیه السلام قَالَ:

۹- محمد بن اسماعیل گوید از امام رضا علیه السلام پرسیدم چند نفر را می توانم در حج خود شریک سازم؟

فرمود: هر چند نفر که مایل باشی.

۱۰- محمد بن حسن گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: امام صادق فرمود:

اگر در حج خود هزار نفر را شریک کردی برای هر یک از آنها یک حج خواهد بود، بی آن که از حج تو کاسته شود.

زیاد کردن موی سر برای کسی که می خواهد حج و عمره انجام دهد

۱- معاویة بن عمّار :گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۸۰

الْحَج أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ شَوّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجّةِ، فَمَنْ أَرَادَ الْحَجّ وَفّرَ شَعْرَهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى هِلَالِ ذِي الْقَعْدَةِ، وَ مَنْ أَرَادَ الْعُمْرَةَ وَفّرَ شَعْرَهُ شَهْراً.

٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلم عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ الْحَجَّ أَ يَأْخُذُ مِنْ رَأْسِهِ فِي شَوَّالٍ كُلِّهِ مَا لَمْ يَرَ الْهِلَالَ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَرَ الْهِلَالَ.

٣- أَحْمَدُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لا تَأْخُذْ مِنْ شَعْرِكَ وَ أَنْتَ تُرِيدُ الْحَجَّ فِي ذِي الْقَعْدَةِ، وَلَا فِي الشَّهْرِ الَّذِي تُرِيدُ فِيهِ الْخُرُوجَ إِلَى الْعُمْرَةِ.

٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

حج، ماه های معلوم شوال، ذی قعده و ذی حجه است هر که می خواهد حج انجام دهد از هنگامی که هلال ذی قعده را رؤیت نمود، مویش را زیاد کند و هر که قصد عمره ه کند یک ماه مویش را زیاد کند.

٢- حسین بن ابی العلاء گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی که می خواهد حج انجام دهد آیا می تواند موی سر را در تمام ماه شوال کوتاه کند تا هنگامی که ماه را ندیده است؟

فرمود: اشکالی ندارد مادامی که هلال را ندیده است.

٣- ابو حمزه گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی می خواهی در ماه ذی قعده برای انجام حج و ماهی که می خواهی برای انجام عمره خارج شوی موی سر خود را کوتاه نکن.

٤ - سعید اعرج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لا يَأْخُذُ الرّجُلُ إِذَا رَأَى هِلَالَ ذِي الْقَعْدَةِ، وَأَرَادَ الْخُرُوجَ مِنْ رَأْسِهِ وَ لَا مِنْ لَحيته.

۵- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ عليه السلام قَالَ:

أَعْفِ شَعْرَكَ لِلْحَجِّ إِذَا رَأَيْتَ هِلَالَ ذِي الْقَعْدَةِ وَ لِلْعُمْرَةِ شَهْراً.

بخش هفتادو چهارم

اشاره

(۷٤)

بَابُ مَوَاقِيتِ الْإِحْرَامِ

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

مِنْ تَمَامِ الْحَجّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الّتِي وَقّتَهَا رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ لا تُجَاوِزَهَا إِلّا وَأَنْتَ مُحْرِمٌ، فَإِنّهُ وَقّتَ لِأَهْلِ الْعِرَاقِ وَ لَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ عِرَاقٌ -

مردی که ماه ذی قعده را دید و می خواهد به مکه برود، نباید از موی سرو ریش خود کوتاه کند.

۵- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که هلال ماه ذی قعده را دیدی برای حج موی سر خود را زیاد کن و برای انجام عمره یک ماه پیش چنین کن.

میقات های احرام

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

از كمال حج و عمره اين است كه از ميقاتهايى كه رسول خدا صلى الله عليه وسلم قرار داده محرم شوى و فاصله از آن جاها نگذرى مگر اين كه محرم باشى، زيرا حضرتش آن ميقات «بطن العقيق» را براى اهل عراق قرار داده را كه در آن روز عراق نبوده، -

ص: ۸۲

بَطْنَ الْعَقِيقِ مِنْ قِبَلِ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلَمْلَمَ وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الطّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الْمَغْرِبِ الْجُحْفَةَ وَ هِيَ مَهْيَعَةً وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ وَ مَنْ كَانَ مَنْزِلُهُ خَلْفَ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ مِمّا يَلِي مَكّةَ فَوَقْتُهُ مَنْزِلُهُ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

الْإِحْرَامُ مِنْ مَوَاقِيتَ خَمْسَةٍ وَقَتَهَا رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم لَا يَنْبَغِي لِحَاجَ وَ لَا لِمُعْتَمِرٍ أَنْ يُحْرِمَ قَبْلَهَا وَ لا بَعْدَهَا وَقّتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ وَ هُوَ مَسْجِدُ الشّجَرَةِ يُصَلّى فِيهِ وَ يُفْرَضُ فِيهِ الْحَجّ وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الشّامِ الْجُحْفَةَ وَ وَقّتَ لِأَهْلِ نَجْدٍ الْعَقِيقَ وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الطّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلَمْلَمَ، وَ لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَرْغَبَ عَنْ مَوَاقِيتِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَم عَنْ دَاوُدَ بْنِ النّعْمَانِ عَنْ أَبِي أَيّوبَ الْخَزّازِ قَالَ:

كه از طرف اهل عراق قرار داده است و براى اهل يمن «يَلَمْلَم» را ميقات قرار داد. و براى اهل طائف «قرن المنازل» و براى اهل مغرب جحفه كه همان مهيعه است و براى اهل مدينه «ذوالحليفه» و هر كه منزلش بعد از ميقات تا مكه باشد، منزلش ميقات او است.

۲- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: احرام از پنج میقات است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم قرار داده که برای حج کننده و عمره کننده حج شایسته نیست که پیش از آن و بعد از آن محرم شود. برای اهل مدینه «ذوالحلیفه» را - که آن مسجد شجره است - میقات قرار داد که در آن نماز خوانده و نیت حج را می کنند و برای اهل شام جحفه برای اهل نجد «عقیق» برای اهل طائف «قرن المنازل» و برای اهل یمن «یلملم» را میقات قرار داده است و سزاوار نیست کسی از میقات های رسول خدا صلی الله علیه وسلم روگردان باشد.

۳- ابو ایوب خزاز گوید: -

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: حَدِّثْنِي عَنِ الْعَقِيقِ أَ وَقْتُ وَقتَهُ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم أَوْ شَيْءٌ صَنَعَهُ النّاسُ ؟

فَقَالَ إِنّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه وسلم: وَقتَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الْمَغْرِبِ عِنْدَنَا مَكْتُوبَةٌ مَهْيَعَةً، وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلَمْلَمَ، وَ وَقّتَ لِأَهْلِ الْجُحْفَةَ وَ هِيَ الطّائِفِ قَرْنَ الْمَنَازِلِ، وَ وَقّتَ لِأَهْلِ نَجْدِ الْعَقِيقَ وَ مَا أَنْجَدَتْ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِالله علیه السلام قَالَ:

آخِرُ الْعَقِيقِ بَرِيدُ أَوْطَاسٍ.

وَ قَالَ: بَرِيدُ الْبَعْثِ دُونَ غَمْرَةَ بِبَرِيدَيْنِ.

٥- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ:

حَدُّ الْعَقِيقِ مَا بَيْنَ الْمَسْلَحَ إِلَى عَقَبَةِ غَمْرَةَ.

به امام صادق علیه السلام عرض کردم برای من از میقات «عقیق» بگو؛ آیا میقاتی است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم قرار داده یا مردم قرار داده اند؟

فرمود: به راستی رسول خدا صلی الله علیه وسلم برای اهل مدینه «ذوالحلیفه» برای اهل مغرب «جحفه» - که نزد ما «مهیعه» نوشته شده - برای اهل یمن «یلملم»، برای اهل طائف «قرن المنازل» و برای اهل نجد «عقیق» و آن چه به خدا منتهی می شود میقات قرار داده است.

٤- معاوية بن عمار گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

پایانی ترین بخش عقیق، برید او طاسی است.

و فرمود: برید بعث کمتر از دو برید به غمره است.

٥- ابو بصیر گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

حد و مرز میقات عقیق مابین قربانگاه تا عقبه غمره است.

ص: ٨٤

٦- عدة من أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله عليه السلام قَالَ: أَوْطَاسٌ لَيْسَ مِنَ الْعَقِيقِ.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْن يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الْإِحْرَامِ مِنْ أَيِّ الْعَقِيقِ أَفْضَلُ أَنْ أُحْرِمَ؟

فَقَالَ: مِنْ أَوَّلِهِ أَفْضَلُ.

٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: أَنَّا نُحْرِمُ مِنْ طَرِيقِ الْبَصْرَةِ وَ لَسْنَا نَعْرِفُ حَدَّ عَرْضِ العقيق.

فَكَتَبَ: أَحْرِمْ مِنْ وَجْرَةَ.

٦- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: منطقه اوطاس از میقات عقیق به شمار نمی آید.

٧- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم احرام بستن از کدام بخش میقات بهتر است؟

فرمود: از اولش بهتر است.

٨- یونس بن عبدالرحمان گوید: طی نامه ای خدمت امام کاظم علیه السلام نوشتم: ما از راه بصره محرم می شویم و حدود میقات عقیق را نمی دانیم؟

حضرتش در جواب نوشت: از منطقه وجره محرم شو.

ص: ٨٥

٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَقَامَ بِالْمَدِينَةِ شَهْراً وَ هُوَ يُرِيدُ الْحَجَّ ثُمَّ بَدَا لَهُ أَنْ يَخْرُجَ فِي غَيْرِ طَرِيقِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ الَّذِي يَأْخُذُونَهُ ، فَلْيَكُنْ إِحْرَامُهُ مِنْ مَسِيرَةِ سِتَّةِ أَمْيَالٍ فَيَكُونُ حِذَاءَ الشَّجَرَةِ مِنَ الْبَيْدَاءِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: يُحْرِمُ مِنَ الشَّجَرَةِ ثُمَّ يَأْخُذُ أَيَّ طَرِيقٍ شَاءَ.

١٠- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله عليه السلام قَالَ:

أَوّلُ الْعَقِيقِ بَرِيدُ الْبَعْثِ وَ هُوَ دُونَ الْمَسْلَخَ بِسِتّةِ أَمْيَالٍ مِمّا يَلِي الْعِرَاقَ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ غَمْرَةَ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرُونَ مِيلاً بَرِيدَانِ.

بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ:

إِذَا خَرَجْتَ مِنَ الْمَسْلَخ فَأَحْرِمْ عِنْدَ أَوّلِ بَرِيدٍ يَسْتَقْبِلُكَ.

٩- عبدالله بن سنان گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هركه در مدينه يک ماه اقامت كرد و خواست در مراسم حج شركت نمايد آن گاه تصميم گرفت كه از غير راه اهل مدينه برود، احرام او از ٦ ميلى و از بيداء مقابل مسجد شجره خواهد بود.

در روايت ديگرى آمده است او بايستى از مسجد شجره محرم شود و از هر راهى بخواهد برود.

١٠- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

نخستين بخش ميقات ،عقيق بريد البعث است و آن از طرف عراق شش ميل مانده به قربانگاه است و ما بين او و غمره بيست و چهار ميل دو بريد است.

يكى از اصحاب ما گويد: هنگامى كه از قربانگاه بيرون رفتى نزد اولين بريد محرم شو.

ص: ٨٦

بخش هفتادو پنجم

اشاره

(۷۵)

بَابُ مَنْ أَحْرَمَ دُونَ الْوَقْتِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِي قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ أَحْرَمَ بِحَجَّةٍ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجِّ دُونَ الْوَقْتِ الَّذِي وَقَّتَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم.

قَالَ: لَيْسَ إِحْرَامُهُ بِشَيْءٍ، إِنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَلْيَرْجِعْ وَ لَا أَرَى عَلَيْهِ شَيْئاً، وَ إِنْ أَحَبَّ أَنْ يَمْضِي فَلْيَمْضِ، فَإِذَا انْتَهَى إِلَى الْوَقْتِ فَلْيُحْرِمْ مِنْهُ وَ يَجْعَلُهَا عُمْرَةً، فَإِنَّ ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ رُجُوعِهِ، لِأَنَّهُ أَعْلَنَ الْإِحْرَامَ بِالْحَجِّ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنًّى عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

حکم کسی که در غیر میقات محرم شود

۱- ابراهیم کرخی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که در غیر ماه های حج و غیر از میقات هایی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم قرار داده، محرم می شود (تکلیفش چیست؟).

فرمود: احرامش درست نیست اگر دوست دارد به خانه اش برگردد، پس برگردد و ایرادی بر او نمی بینم و اگر خواست حج را انجام دهد می تواند و زمانی که به میقات رسید از آن جا محرم می شود و آن را عمره قرار می دهد زیرا آن، بهتر از برگشت اوست، چون با احرامش اعلان حج نموده است.

۲- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: -

الْحَج أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ شَوّالٌ وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجّةِ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحْرِمَ بِالْحَجّ فِي سِوَاهُنّ وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُحْرِمَ دُونَ الْوَقْتِ الّذِي وَقّتَهُ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم فَإِنّمَا مَثَلُ ذَلِكَ مَثَلُ مَنْ صَلّى فِي السّفَرِ أَرْبَعاً وَ تَرَكَ الثّنْتَيْنِ.

٣- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ فَضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ رَجُل اشْتَرَى بَدَنَةً قَبْلَ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى الْوَقْتِ الّذِي يُحْرِمُ فِيهِ فَأَشْعَرَهَا وَ قَلّدَهَا أَ يَجِبُ عَلَيْهِ حِينَ فَعَلَ ذَلِكَ مَا يَجِبُ عَلَى الْمُحْرِمِ؟

قَالَ: لا، وَ لَكِنْ إِذَا انْتَهَى إِلَى الْوَقْتِ فَلْيُحْرِمْ ثُمّ لْيَشْعِرْهَا وَ يُقَلّدْهَا، فَإِنّ تَقْلِيدَهُ الْأَوّلَ لَيْسَ بِشَيْءٍ.

٤- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

مَنْ أَحْرَمَ بِالْحَجّ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجّ فَلَا حَجّ لَهُ وَ مَنْ أَحْرَمَ دُونَ الْمِيقَاتِ فَلَا إِحْرَامَ لَهُ.

حج در ماه های معلوم شوّال، ذی قعده و ذی حجه است، هیچ کس نمی تواند در غیر آن ماه ها و در غیر آن میقات هایی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم قرار داده، محرم شود، همانا مثل این شخص، مَثَل کسی است که در هنگام سفر چهار رکعتی نماز گزارد و نماز دو رکعتی (شکسته) را ترک کند.

٣- فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که شتر قربانی را پیش از آن که در میقات محرم شود خریده و آن را علامت گذاری کرده و بر آن قلاده ای نهاده است، آیا واجبات محرم بر او نیز واجب می شود؟

فرمود: نه، ولی هنگامی که به میقات رسید بایستی محرم شود، سپس اشعار و تقلید کند زیرا تقلید اوّل او اعتبار ندارد.

٤- ابن اذينه گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر كه در غير ماه هاى حج احرام بندد، حج او ارزشى ندارد و هر كه در غير ميقات محرم شده احرام او ارزش ندارد.

ص: ٨٨

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مِهْرَانَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَخِيهِ رَبَاحٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا نُرَوِّى بِالْكُوفَةِ أَنَّ عَلِيّاً عليه السلام قَالَ: إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ وَ العُمْرَةِ أَنْ يُحْرِمَ الرَّجُلُ مِنْ دُوَيْرَةِ أَهْلِهِ، فَهَلْ قَالَ هَذَا عَلِيٌّ عليه السلام؟

فَقَالَ: قَدْ قَالَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِمَنْ كَانَ مَنْزِلُهُ خَلْفَ الْمَوَاقِيتِ، وَلَوْ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ مَا كَانَ يَمْنَعُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم أَنْ لَا يَخْرُجَ بِثِيَابِهِ إِلَى الشَّجَرَةِ.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النِّعْمَانِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مَيْسَرَةَ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ أَنَا مُتَغَيِّرُ اللَّوْنِ، فَقَالَ لِي: مِنْ أَيْنَ أَحْرَمْتَ؟

قُلْتُ: مِنْ مَوْضِعِ كَذَا وَكَذَا.

فَقَالَ: رَبِّ طَالِبٍ خَيْرٍ تَزِلُّ قَدَمُهُ.

٥- رباح گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: به ما در كوفه روايت مى كنند كه على عليه السلام فرموده است: از كامل بودن حج و عمره انسان احرام بستن او از خانه اهلش است. آيا على عليه السلام اين حديث را فرموده است؟

فرمود: علی علیه السلام این را برای کسی فرموده که خانه اش بعد از میقات باشد و اگر چنین بود که می گویند رسول خدا صلی الله علیه وسلم مانع از خروج با لباس خود از مسجد شجره نمی شد.

٦- میسره گوید: من رنگ پریده خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم، حضرتش فرمود: از کجا محرم شدی؟

گفتم از محل چنین و چنان.

فرمود: چه جویندگان خیری که پایش بلغزد.

ص: ٨٩

ثُمّ قَالَ: يَسُرُّكَ إِنْ صَلّيْتَ الظُّهْرَ فِي السّفَرِ أَرْبَعاً؟

قُلْتُ: لا.

قَالَ: فَهُوَ وَ اللّهِ، ذَاكَ.

٧- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ أَحْرَمَ دُونَ الْوَقْتِ وَ أَصَابَ مِنَ النِّسَاءِ وَ الصّيْدِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

٨- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَيْسَ يَنْبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يُحْرِمَ دُونَ الْمَوَاقِيتِ الّتِي وَقّتَهَا رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم إِلّا أَنْ يَخَافَ فَوْتَ الشّهْرِ فِي الْعُمْرَةِ.

سپس فرمود: دوست داری به هنگام ظهر در سفر چهار رکعت نماز بخوانی؟

گفتم: نه.

فرمود: به خدا سوگند آن عمل، چنین است.

۷- حریز گوید: یکی از اصحاب ما گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هر که در غیر از میقات محرم شود و با همسرش نزدیکی کند و صید نماید، چیزی به عهده او نیست.

۸- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

سزاوار نیست کسی از غیر میقات هایی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم قرار داده، محرم شود مگر این که بیم آن داشته باشد که ماه عمره سپری شود.

ص: ۹۰

۹- أَبُو عَلِيّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجِيءُ مُعْتَمِراً عُمْرَةَ رَجَبٍ لا فَيَدْخُلُ عَلَيْهِ هِلَالُ شَعْبَانَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْوَقْتَ أَ يَحْرِمُ قَبْلَ الْوَقْتِ وَ يَجْعَلُهَا لِرَجَبٍ أَوْ يُؤَخِّرُ الْإِحْرَامَ إِلَى الْعَقِيقِ وَ يَجْعَلُهَا لِشَعْبَانَ؟ قَالَ: يُحْرِمُ قَبْلَ الْوَقْتِ فَيَكُونُ لِرَجَبٍ لِأَنَّ لِرَجَبٍ فَضْلَهُ وَ هُوَ الَّذِي نَوَى.

بخش هفتادو ششم

اشاره

(۷۶)

بَابُ مَنْ جَاوَزَ مِيقَاتَ أَرْضِهِ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ أَوْ دَخَلَ مَكَّةَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ حَتّى دَخَلَ الْحَرَمَ.

قَالَ: قَالَ أَبِي يَخْرُجُ إِلَى مِيقَاتِ أَهْلِ أَرْضِهِ فَإِنْ خَشِيَ أَنْ يَفُوتَهُ الْحَجُّ أَحْرَمَ مِنْ مَكَانِهِ، فَإِنِ اسْتَطَاعَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ الْحَرَمِ فَلْيَخْرُجْ ثُمّ لْيَحْرِمْ.

۹- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کسی جهت عمره رجب عازم حج می شود و پیش از رسیدن به میقات ماه شعبان فرا می رسد آیا پیش از میقات محرم شده و می تواند آن را برای ماه رجب قرار دهد و یا تأخیر اندازد تا به عقیق برسد و برای شعبان قرار دهد؟

فرمود: پیش از میقات محرم شود و آن را برای رجب قرار دهد؛ زیرا برای رجب فضیلت است و آن، همانی است که نیت کرد.

حکم کسی که از میقات شهر خود بدون احرام عبور کند یا بدون احرام وارد مکه شود

۱- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که فراموش کرده محرم شود وارد حرم شده است (چه حکمی دارد؟).

فرمود: پدرم فرمود بایستی به میقات شهر خود برگردد و اگر بیم دارد که حج او فوت شود، از همان مکان احرام ببندد و اگر بتواند از حرم بیرون رود پس بیرون رود، آن گاه محرم شود.

ص: ۹۱

۲- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرّضَا علیه السلام قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ: أَنّ بَعْضَ مَوَالِيكَ بِالْبَصْرَةِ يُحْرِمُونَ بِبَطْنِ الْعَقِيقِ وَ لَيْسَ بِذَلِكَ الْمَوْضِعِ مَاءً وَ لا مَنْزِل وَ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ مَئُونَةٌ شَدِيدَةٌ وَ يُعْجِلُهُمْ أَصْحَابُهُمْ وَ جَمّالُهُمْ وَ مِنْ وَرَاءِ بَطْنِ الْعَقِيقِ بِخَمْسَةَ عَشَرَ

مِيلاً مَنْزِلٌ فِيهِ مَاءٌ وَ هُوَ مَنْزَلُهُمْ الَّذِي يَنْزِلُونَ فِيهِ فَتَرَى أَنْ يُحْرِمُوا مِنْ مَوْضِعِ الْمَاءِ لِرِفْقِهِ بِهِمْ وَ خِفَّتِهِ عَلَيْهِمْ؟

فَكَتَبَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم وَقَتَ الْمَوَاقِيتَ لِأَهْلِهَا وَ لِمَنْ أَتَى عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا، وَ فِيهَا رُخْصَةٌ لِمَنْ كَانَتْ بِهِ عِلَّةٌ فَلَا يُجَاوِزِ الْمِيقَاتَ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِنِّي خَرَجْتُ بِأَهْلِي مَاشِيَاً فَلَمْ أُهِلَّ حَتَّى أَتَيْتُ الْجُحْفَةَ وَ قَدْ كُنْتُ شَاكِياً، فَجَعَلَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْأَلُونَ عَنِّي فَيَقُولُونَ: لَقِينَاهُ وَ عَلَيْهِ ثِيَابُهُ وَ هُمْ لا يَعْلَمُونَ وَ قَدْ رَخَّصَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم لِمَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ ضَعِيفاً أَنْ يُحْرِمَ مِنَ الْجُحْفَةِ.

۲- صفوان بن یحیی گوید: طی نامه ای به امام رضا علیه السلام نوشتم: بعضی از دوستان شما در بصره از وسط میقات عقیق محرم می شوند در آن جا آب و منزل نیست و آنها در آن جا به مشقت و سختی می افتند و همراهان و شتردارانشان آنها را به عجله وامی دارند و پس از بطن عقیق به فاصله ۱۵ میلی منزلی است که در آن آب است و آن منزلی است که در آن فرود می آیند، آیا اجازه می فرمایید که از آن جا که آب است محرم شوند تا به آسانی و راحتی انجام دهند؟

حضرتش در پاسخ نوشت: رسول خدا صلی الله علیه وسلم میقات ها را برای مردمان آنها قرار داد و همین طور برای غیر مردمان آن میقات ها از آن بگذرد. و اگر کسی بیمار باشد برای او رخصت داده شده است و بنا بر این کسی نمی تواند (بدون احرام) از میقات بگذرد مگر کسی که بیمار باشد.

۳- ابوبکر حضرمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

من با خانواده ام پیاده (از مدینه) حرکت کردم و محرم نشدم تا این که به جحفه رسیدم در حالی که بیمار بودم مردم مدینه از من سؤال می کردند و می گفتند که او را با لباس دیدیم درحالی که آنها نمی دانند که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم به بیمار و ناتوان اجازه داده که از جحفه محرم شود.

ص: ۹۲

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَعْرِضُ لَهُ الْمَرَضُ الشَّدِيدُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ مَكَّةَ.

قَالَ: لَا يَدْخُلْهَا إِلَّا بِإِحْرَامٍ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أُنَاسٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، حَجُّوا بِامْرَأَةٍ مَعَهُمْ فَقَدِمُوا إِلَى الْوَقْتِ وَ هِيَ لَا تُصَلِّي فَجَهِلُوا أَنَّ مِثْلَهَا يَنْبَغِي أَنْ يُحْرِمَ فَمَضَوْا بِهَا كَمَا هِيَ حَتَّى قَدِمُوا مَكَّةَ وَ هِيَ طَامِثٌ حَلَالٌ فَسَأَلُوا النَّاسَ ، فَقَالُوا: تَخْرُجُ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاقِيتِ فَتُحْرِمُ مِنْهُ وَ كَانَتْ إِذَا فَعَلَتْ لَمْ تُدْرِكِ الْحَجَّ.

فَسَأَلُوا أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ: تُحْرِمُ مِنْ مَكَانِهَا قَدْ عَلِمَ اللَّهُ نِيَّتَهَا.

٦- أَبُو عَلِيٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

٤- رفاعة بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که قبل از ورود به مکه دچار بیماری سختی شده (چگونه وارد مکه شود؟).

فرمود: فقط با احرام وارد مکه شود.

٥- زراره گوید: گروهی از اصحاب ما به حج مشرف شدند که یک زن نیز به همراه داشتند. وقتی به میقات رسیدند آن زن دوران عادت ماهانه را می گذراند و نمی دانستند که آیا او می تواند محرم شود؟

وارد مکه شدند و در این مورد از مردم سؤال کردند، آنها جواب دادند: به یکی از میقات ها برود و از آن جا محرم شود و چنین بود که اگر این کار را می کرد به حج نمی رسید.

از امام باقر علیه السلام در این مورد پرسیدند.

فرمود: از همان مکانش محرم شود که همانا خداوند از نیت او آگاه است.

٦ - عبدالله بن سنان گوید: -

ص: ٩٣

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُل مَرّ عَلَى الْوَقْتِ الّذِي يُحْرِمُ النّاسُ مِنْهُ فَنَسِيَ أَوْ جَهِلَ فَلَمْ يُحْرِمْ حَتّى أَتَى مَكّةَ فَخَافَ إِنْ رَجَعَ إِلَى الْوَقْتِ أَنْ يَفُوتَهُ الْحَجّ.

فَقَالَ: يَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ وَ يُحْرِمُ وَ يُجْزِئُهُ ذَلِكَ.

٧- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصّبّاحِ الْكِنَانِيّ قَالَ:

سَأَلَتْ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ جَهِلَ أَنْ يُحْرِمَ حَتّى دَخَلَ الْحَرَمَ كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ ثُمّ يُهِلّ بِالْحَجّ.

٨- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام:

فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُحْرِمَ أَوْ جَهِلَ وَ قَدْ شَهِدَ الْمَنَاسِكَ كُلّهَا وَ طَافَ وَ سَعَى.

قَالَ: تُجْزِئُهُ نِيّتُهُ إِذَا كَانَ قَدْ نَوَى ذَلِكَ فَقَدْ تَمّ حَبُّهُ وَ إِنْ لَمْ يُهِلّ.

وَ قَالَ فِي مَرِيضٍ أُغْمِيَ عَلَيْهِ حَتّى أَتَى الْوَقْتَ فَقَالَ: يُحْرِمُ مِنْهُ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که از یکی از میقات هایی که مردم از آن جا محرم می شوند می گذرد و فراموش می کند یا وظیفه اش را نمی داند و محرم نمی شود تا این که وارد مکه می شود (پس از دانستن مسأله) بیم آن دارد که اگر به میقات برگردد حج از او فوت شود (چه وظیفه ای دارد؟)

فرمود: از حرم خارج شود و احرام ببندد که همان کفایتش می کند.

۷- ابو الصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که نداند باید محرم شود تا هنگامی که وارد حرم شود چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: از حرم بیرون رود آن گاه محرم به حج شود.

۸- یکی از اصحاب گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) در مورد شخصی که از روی فراموشی یا ناآگاهی محرم نشد و تمامی مناسک حج طواف و سعی را انجام داد فرمود:

اگر نیت کند همان کافی است همانا حج او تمام شده اگر چه محرم نشده باشد.

هم چنین حضرتش در مورد کسی که بیهوش بوده تا به میقات رسیده فرمود: از آن جا احرام می بندد.

ص: ۹۴

۹- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْإِحْرَامِ مِنْ غَمْرَةَ.

قَالَ: لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ أَنْ يُحْرِمَ مِنْهَا، وَكَانَ بَرِيدُ الْعَقِيقِ أَحَبَّ إِلَيَّ.

١٠- صَفْوَانُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ امْرَأَةٍ كَانَتْ مَعَ قَوْمٍ فَطَمِثَتْ فَأَرْسَلَتْ إِلَيْهِمْ فَسَأَلَتْهُمْ، فَقَالُوا: مَا نَدْرِي أَ عَلَيْكِ إِحْرَامٌ أَمْ لا وَ أَنْتِ حَائِفٌ، فَتَرَكُوهَا حَتّى دَخَلَتِ الْحَرَمَ.

قَالَ: إِنْ كَانَ عَلَيْهَا مُهْلَةٌ فَلْتَرْجِعْ إِلَى الْوَقْتِ فَلْتُحْرِمْ مِنْهُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا وَقْتٌ فَلْتَرْجِعْ إِلَى مَا قَدَرَتْ عَلَيْهِ بَعْدَ مَا تَخْرُجُ مِنَ الْحَرَمِ بِقَدْرِ مَا لَا يَفُوتُهَا.

١١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ وَرْدَانَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ كَانَ مِنْ مَكّةَ عَلَى مَسِيرَةِ عَشَرَةِ أَمْيَالٍ لَمْ يَدْخُلْهَا إِلّا بِإِحْرَامٍ.

۹- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد احرام از غمره - که در عقیق است - پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد، که از آن جا محرم شود و «برید عقیق» نزد من بهتر است.

۱۰- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم زنی که به همراه گروهی به سفر حج می رفت، پیش از احرام حایض شد از آنها وظیفه اش را پرسید.

گفتند: نمی دانیم که در این حال بر تو احرام واجب است یا نه.

او را وا گذاشتند تا وارد حرم شد (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: اگر فرصت دارد به میقات برگردد و از آن جا محرم شود و اگر فرصت ندارد هر مسافتی که می تواند و حج او از بین نمی رود از حرم بیرون شود.

۱۱ - وردان گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

هر که ده میل با مکه فاصله داشته باشد فقط با احرام وارد مکه شود.

ص: ۹۵

۱۲- عَلِيّ بْنَ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ سَوْرَةَ بْنِ كُلَيْب قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: خَرَجَتْ مَعَنَا امْرَأَةٌ مِنْ أَهْلِنَا فَجَهِلَتِ الْإِحْرَامَ فَلَمْ تُحْرِمْ حَتّى دَخَلْنَا مَكّةَ وَ نَسِينَا أَنْ نَأْمُرَهَا بِذَلِكَ.

قَالَ: فَمُرُوهَا فَلْتُحْرِمْ مِنْ مَكَانِهَا مِنْ مَكّةَ أَوْ مِنَ الْمَسْجِدِ.

بخش هفتادو هفتم

اشاره

(۷۷)

بَابُ مَا يَجِبُ لِعَقْدِ الْإِحْرَامِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

۱۲- سورة بن کلیب گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: خانمی از خویشاوندانم به همراه ما به مکه حرکت کرد. او از روی ناآگاهی محرم نشد تا هنگامی که وارد مکه شدیم و ما نیز فراموش کردیم که به او دستور دهیم لباس احرام بپوشد.

فرمود: به او دستور دهید که از همان جا در مکه یا از مسجد محرم شود.

واجبات احرام بستن

١- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: -

ص: ٩٦

إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْعَقِيقِ مِنْ قِبَلِ الْعِرَاقِ أَوْ إِلَى الْوَقْتِ مِنْ هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ وَأَنْتَ تُرِيدُ الْإِحْرَامَ إِنْ شَاءَ اللّٰهُ ، فَانْتِفْ إِبْطَيْكَ وَ قَلِّمْ أَظْفَارَكَ وَ اطْلِ عَانَتَكَ وَ خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ لا يَضُرُّكَ بِأَيِّ ذَلِكَ بَدَأْتَ ثُمّ اسْتَكَ وَ اغْتَسِلْ وَ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ، وَ لْيَكُنْ فَرَاغُكَ مِنْ ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللّٰهُ عِنْدَ زَوَالِ الشّمْسِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَ زَوَالِ الشّمْسِ، فَلَا يَضُرُّكَ غَيْرَ أَنِّي أُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ذَاكَ مَعَ الِاخْتِيَارِ عِنْدَ زَوَالِ الشّمْسِ.

٢- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام قَالَ:

السُّنّةُ فِي الْإِحْرَامِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَأَخْذُ الشّارِبِ، وَ حَلْقُ الْعَانَةِ.

٣- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ: إِذَا طَلَيْتُ لِلْإِحْرَامِ الْأَوَّلِ كَيْفَ أَصْنَعُ فِي الطّلْيَةِ الْأَخِيرَةِ؟ وَ كَمْ بَيْنَهُمَا؟

قَالَ: إِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا جُمْعَتَانِ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً فَاطّل.

هنگامی که از طرف عراق به سرزمین عقیق رسیدی، یا به میقاتی از این میقات ها وارد شدی؛ و قصد داری که به خواست خداوند احرام کنی، موی زیر بغل هایت را بزدای، ناخن هایت را بگیر خود را نظافت کن سبیل خود را کوتاه کن و ایرادی ندارد که با کدامیک اعمال خود را آغاز کنی سپس مسواک بزن و غسل کن و لباس های احرامت را به تن کن، و چنان باش که به خواست خدا تا ظهر به این اعمال پایان دهی و اگر هنگام ظهر پایان نرسید ایرادی ندارد مگر این که من دوست دارم پایان اعمال - همراه با اختیار - هنگام ظهر باشد.

٢- حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

سنّت و روش رسول خدا صلی الله علیه وسلم به هنگام احرام ناخن گرفتن و کوتاه کردن سبیل و تراشیدن موی عانه است.

۳ـ ابوبصیر گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم شخصی از حضرتش سؤال کرد اگر برای احرام اول (عمره تمتّع) نوره استعمال کنم برای احرام دوم (حج تمتع) چه کنم؟ و فاصله میان این دو چقدر است؟

فرمود: اگر بین دو احرام، دو جمعه - پانزده روز - باشد پس نوره بکش.

ص: ۹۷

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِأَنْ تَطَّلِيَ قَبْلَ الْإِحْرَامِ بِخَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

كَتَبَ الْحَسَنُ بْنُ سَعِيدٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام: رَجُلٌ أَحْرَمَ بِغَيْرِ غُسْلٍ أَوْ بِغَيْرِ صَلَاةٍ عَالِمٌ أَوْ جَاهِلٌ مَا عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ وَ كَيْفَ يَنْبَغِي أَنْ يَصْنَعَ؟

فَكَتَبَ علیه السلام: يُعِيدُ.

٦ - بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ جُمْهُورٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

كُنَّا بِالْمَدِينَةِ فَلَا حَانِي زُرَارَةُ فِي نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ فَقُلْتُ: حَلْقُهُ أَفْضَلُ.

وَ قَالَ زُرَارَةُ: نَتْفُهُ أَفْضَلُ.

٤- ابو بصير گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

اشكالى ندارد كه قبل از احرام به فاصله پانزده روز، نوره استعمال شود.

٥- على بن مهزيار گويد: حسن بن سعيد طى نامه اى خدمت امام رضا عليه السلام نوشت:

كسى كه از روى عمد يا ناآگاهى بدون غسل، يا نماز احرام بسته است چه وظيفه اى دارد؟

حضرتش مرقوم فرمود: بايد اعاده كند.

٦- عبد الله بن ابى يعفور گويد: در مدينه بوديم كه زراره در مورد كندن موى زير بغل و تراشيدنش با من مجادله و بحث كرد. پس من گفتم: تراشيدنش بهتر است. زراره گفت: كندنش بهتر است.

ص: ٩٨

فَاسْتَأْذَنّا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام، فَأَذِنَ لَنَا وَ هُوَ فِي الْحَمّامِ يَطّلِي وَ قَدِ اطّلَى إِبْطَيْهِ، فَقُلْتُ لِزُرَارَةَ: يَكْفِيكَ.

قَالَ: لا، لَعَلّهُ فَعَلَ هَذَا لِمَا لا يَجُوزُ لِي أَنْ أَفْعَلَهُ.

فَقَالَ: فِيمَا أَنْتُمَا؟

فَقُلْتُ: إِنّ زُرَارَةَ لا حَانِي فِي نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ، قُلْتُ: حَلْقُهُ أَفْضَلُ وَ قَالَ زُرَارَةَ:

نَتْفُهُ أَفْضَلُ.

فَقَالَ: أَصَبْتَ السّنّةَ وَ أَخْطَأَهَا زُرَارَةُ، حَلْقُهُ أَفْضَلُ مِنْ نَتْفِهِ، وَ طَلْيُهُ أَفْضَلُ مِنْ حَلْقه.

ثُمّ قَالَ لَنَا: اطّلِيَا.

فَقُلْنَا: فَعَلْنَا مُنْذُ ثَلَاثَ.

فَقَالَ: أَعِيدَا، فَإِنّ الإِطْلَاءَ طَهُورٌ.

پس از آن از امام صادق علیه السلام اجازه ملاقات گرفتیم حضرتش اجازه فرمود در حالی که در حمام بر زیر بغل نوره استعمال می نمود پس به زراره گفتم: قبول نمودی؟

گفت: نه شاید آن حضرت این کار را به دلیلی انجام می دهد که برای من جایز نیست انجام دهم.

حضرت فرمود: شما در مورد چه چیزی سخن می گویید؟

عرض کردم: زراره با من در مورد تراشیدن موی زیر بغل و کندنش گفت و گو می کرد من گفتم: تراشیدنش بهتر است و زراره گفت: کندنش.

حضرت فرمود: تو به سنت دست یافتی و زراره خطاء رفته است. تراشیدنش بهتر از کندن است و نوره کشیدنش بهتر از تراشیدن است.

سپس به ما فرمود: نوره استعمال کنید!

عرض کردیم: سه روز پیش انجام دادیم.

فرمود: دوباره استعمال کنید، زیرا نوره پاکیزگی است.

ص: ۹۹

بخش هفتادو هشتم

اشاره

(۷۸)

بَابُ مَا يُجْزِئُ مِنْ غُسْلِ الْإِحْرَامِ وَ مَا لَا يُجْزِئُ

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

غُسْلُ يَوْمِكَ لِيَوْمِكَ وَ غَسْلُ لَيْلَتِكَ لِكَيْلَتِكَ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي قَالَ:

حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ بِالْمَدِينَةِ لِإِحْرَامِهِ أَ يُجْزِئُهُ ذَلِكَ مِنْ غُسْلِ ذِي الْحُلَيْفَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ، فَأَتَاهُ رَجُلٌ وَ أَنَا عِنْدَهُ، فَقَالَ: اغْتَسَلَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا فَعَرَضَتْ لَهُ حَاجَةٌ حَتَّى أَمْسَى.

غسلی که برای احرام کفایت می کند و غسلی که کفایت نمی کند

۱- عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

غسل روز تو برای احرام روز توست و غسل شبت برای احرام همان شب توست.

۲- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی که در مدینه برای احرام خود غسل کند، آیا آن غسل از غسل ذی الحلیفه کفایت می کند؟

فرمود: آری، در این هنگام مردی خدمت آن حضرت شرفیاب شد - من نیز نزد ایشان بودم - و عرض کرد یکی از یاران ما غسل کرد پس کاری برای او پیش آمد تا شب فرا رسید (چه حکمی دارد؟).

ص: ۱۰۰

قَالَ: يُعِيدُ الْغُسْلَ يَغْتَسِلُ نَهَاراً لِيَوْمِهِ ذَلِكَ وَ لَيْلاً لِكَيْلَتِهِ.

٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ لِلْإِحْرَامِ ثُمَّ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ.

قَالَ: عَلَيْهِ إِعَادَةُ الْغُسْلِ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اغْتَسَلَ لِلْإِحْرَامِ ثُمَّ لَبِسَ قَمِيصاً قَبْلَ أَنْ قَالَ: قَدِ انْتَقَضَ غُسْلُهُ.

٥ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

فرمود: غسل را اعاده می کند روز برای آن روزش غسل می کند، و شب برای همان شبش.

٣- نضر بن سوید گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: شخصی برای احرام غسل می کند پس پیش از این که محرم شود می خوابد؟

فرمود: باید دوباره غسل کند.

٤ - علی بن ابی حمزه گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که برای احرام غسل کرد و پیش از این که محرم شود پیراهن پوشید (چه حکمی دارد؟).

فرمود: به طور قطع غسل او شکسته شد.

٥- علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: -

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ اغْتَسَلَ لِلْإِحْرَامِ ثُمَّ نَامَ قَبْلَ أَنْ يُحْرِمَ. قَالَ: عَلَيْهِ إِعَادَةُ الْغُسْلِ.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي رَجُلٍ اغْتَسَلَ لِإِحْرَامِهِ ثُمَّ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ.

قَالَ: يَمْسَحُهَا بِالْمَاءِ وَ لا يُعِيدُ الْغُسْلَ.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ:

أَرْسَلْنَا إِلَى أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام وَنَحْنُ جَمَاعَةٌ وَ نَحْنُ بِالْمَدِينَةِ إِنّا نُرِيدُ أَنْ نُوَدِّعَكَ.

فَأَرْسَلَ إِلَيْنَا أَنِ اغْتَسِلُوا بِالْمَدِينَةِ، فَإِنِّي أَخَافُ أَنْ يَعْسُرَ عَلَيْكُمُ الْمَاءُ بِذِي الْحُلَيْفَةِ، فَاغْتَسِلُوا بِالْمَدِينَةِ وَ الْبَسُوا ثِيَابَكُمُ الّتِي تُحْرِمُونَ فِيهَا، ثُمّ تَعَالَوْا فُرَادَى

أَوْ مَثَانِي.

شخصی برای احرام غسل می کند پس پیش از این که محرم شود می خوابد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: باید دوباره غسل کند.

٦- راوی گوید: امام باقر علیه السلام درباره مردی که برای احرام غسل کرد، سپس ناخن هایش را گرفت فرمود:

ناخن هایش را با آب می شوید و لازم نیست غسل را اعاده کند.

٧- هشام بن سالم گوید: گروهی در مدینه بودیم که پیامی برای امام صادق علیه السلامفرستادیم که ما می خواهیم با شما وداع کنیم.

حضرتش به ما پاسخ داد: در مدینه غسل کنید، زیرا بیم آن دارم که در ذوالحلیفه (مسجد شجره) آب کمیاب باشد پس در مدینه غسل کنید و لباس هایی را که در آن محرم می شوید بپوشید و آن گاه یک به یک یا دو به دو حرکت کنید.

ص: ۱۰۲

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

إِذَا اغْتَسَلَ الرَّجُلُ وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يُحْرِمَ فَلَبِسَ قَمِيصاً قَبْلَ أَنْ يُلَبِّي فَعَلَيْهِ الْغُسْلُ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام.

فِي الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ لِلْإِحْرَامِ ثُمَّ يَمْسَحُ رَأْسَهُ بِمِنْدِيلٍ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

بخش هفتادو نهم

اشاره

(۷۹)

بَابُ مَا يَجُوزُ لِلْمُحْرِمِ بَعْدَ اغْتِسَالِهِ مِنَ الطِّيبِ وَ الصَّيْدِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يُلَبِّيَ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

۸- محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که شخص غسل کند و تصمیم دارد که احرام بپوشد و پیش از این که تلبیه بگوید پیراهنی بپوشد باید (دوباره) غسل کند.

۹- ابن دراج گوید: امام (صادق یا امام باقر علیهما السلام) درباره مردی که برای احرام غسل می کند سپس سرش را با حوله پاک می کند فرمود:

ایرادی ندارد.

چیزهایی که پس از غسل و قبل از تلبیه گفتن بر محرم جایز است مانند استعمال عطر، شکار کردن و موارد دیگر

۱- علی بن ابی حمزه گوید: -

ص: ۱۰۳

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَدَّهِنُ بِدُهْنٍ فِيهِ طِيبٌ وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يُحْرِمَ.

قَالَ: لَا تَدَّهِنْ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ بِدُهْنٍ فِيهِ مِسْكٌ وَ لَا عَنْبَرٌ تَبْقَى رَائِحَتُهُ فِي رَأْسِكَ بَعْدَ مَا تُحْرِمُ وَ ادَّهِنْ بِمَا شِئْتَ مِنَ الدُّهْنِ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ قَبْلَ الْغُسْلِ وَ بَعْدَهُ، فَإِذَا أَحْرَمْتَ فَقَدْ حَرُمَ عَلَيْكَ الدُّهْنُ حَتَّى تَحِلَّ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

لا تَدَّهِنْ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ بِدُهْنٍ فِيهِ مِسْكٌ وَ لَا عَنْبَرٌ مِنْ أَجْلِ رَائِحَةٍ تَبْقَى فِي رَأْسِكَ بَعْدَ مَا تُحْرِمَ وَ ادَّهِنْ بِمَا شِئْتَ مِنَ الدُّهْنِ حِينَ تُرِيدُ أَنْ تُحْرِمَ، فَإِذَا أَحْرَمْتَ فَقَدْ حَرُمَ عَلَيْكَ الدُّهْنُ حَتَّى تَحِلَّ.

٣- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ فُضَيْلٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الطِّيبِ عِنْدَ الْإِحْرَامِ وَ الدُّهْنِ.

از امام علیه السلام سؤال کردم کسی که می خواهد احرام ببندد می تواند از روغنی که آمیخته به عطر استفاده کند؟

فرمود: وقتی که می خواهی محرم شوی از روغنی آمیخته به مشک و عنبر که بعد از محرم شدن بوی آن در سرت باقی می ماند استفاده مکن (و چون این را رعایت کردی) از هرگونه روغنی که بخواهی - چه پیش از غسل و چه بعد از غسل - استفاده نما؛ چرا که آن گاه که محرم شدی استفاده روغن بر تو حرام است تا وقتی که احرام را به پایان بری.

٢- حلبی نیز نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

٣ - عبد الرحمان بن ابی عبدالله فضیل و محمد بن مسلم گویند: از امام صادق علیه السلام در مورد استعمال عطر و روغن به هنگام احرام پرسیدند.

ص: ١٠٤

فَقَالَ: كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام لَا يَزِيدُ عَلَى السَّلِيخَةِ.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

لا بَأْسَ بِأَنْ يَدَّهِنَ الرَّجُلُ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلُ لِلْإِحْرَامِ، أَوْ بَعْدَهُ وَ كَانَ يَكْرَهُ الدُّهْنَ الْخَاثِرَ الَّذِي يَبْقَى.

٥- أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الرَّجُلِ الْمُحْرِمِ يَدَّهِنُ بَعْدَ الْغُسْلِ.

قَالَ: نَعَمْ.

فَادَّ هَنّا عِنْدَهُ بِسَلِيخَةِ بَانٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ أَبَاهُ كَانَ يَدْهِنُ بَعْدَ مَا يَغْتَسِلُ لِلْإِحْرَامِ، وَ أَنَّهُ يَدَّهِنُ بِالدُّهْنِ مَا لَمْ يَكُنْ غَالِيَةً، أَوْ دُهْناً فِيهِ مِسْكٌ أَوْ عَنْبَرٌ.

٦- أَبُو عَلَى الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ قَالَ:

فرمود: علی علیه السلام چیزی بر روغن اضافه نمی کرد.

٤- محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که شخص پیش از غسل برای احرام و یا بعد از آن از روغن استفاده کند.

(محمد بن مسلم گوید:) امام صادق علیه السلام اکراه داشت روغن غلیظی که بویش بماند استفاده شود.

٥- حسین بن ابی علاء گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که پس از غسل (و پیش از احرام) عطر و روغن استعمال می کند پرسیدم.

فرمود: آری (ایرادی ندارد).

(حسین بن ابی علاء گوید:) پس ما نزد او روغن خوشبو استعمال کردیم و آن حضرت برای ما تعریف نمود که پدر بزرگوارش علیه السلام پس از غسل احرام، روغن استعمال می نمود. و این که حضرتش روغنی استعمال می نمود که معطّر نباشد و روغنی که در آن مشک یا عنبر باشد نیز نباشد.

٦ - علی بن عبدالعزیز گوید: -

اغْتَسَلَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام لِلْإِحْرَامِ، ثُمّ دَخَلَ مَسْجِدَ الشّجَرَةِ، فَصَلّی، ثُمّ خَرَجَ إِلَی الْعِلْمَانِ فَقَالَ: هَاتُوا مَا عِنْدَ کُمْ مِنْ لُحُومِ الصّیْدِ حَتّی نَأْکُلَهُ.

۷- عَلِیٌّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

فِي الرّجُلِ إِذَا تَهَیّأَ لِلْإِحْرَام فَلَهُ أَنْ یَأْتِیَ النّسَاءَ مَا لَمْ یَعْقِدِ التّلْبِیَةَ أَوْ یُلَبّ.

۸- عَلِیٌّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَیْرٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام:

فِي رَجُلٍ صَلّی الظّهْرَ فِي مَسْجِدِ الشّجَرَةِ وَعَقَدَ الْإِحْرَامَ ثُمّ مَسّ طِیباً أَوْ صَادَ صَیْداً أَوْ وَاقَعَ أَهْلَهُ.

قَالَ: لَیْسَ عَلَیْهِ شَیْءٌ مَا لَمْ یُلَبّ.

۹- مُحَمّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَیْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ:

امام صادق علیه السلام برای احرام غسل نمود؛ سپس وارد مسجد شجره شد، نماز خواند بعد نزد غلامانش رفت و فرمود: آن چه در نزد شما از گوشت شکار است بیاورید تا بخوریم.

۷- راوی گوید: امام صادق علیه السلام درباره کسی که برای احرام آماده شده فرمود:

می تواند نزد زنان برود مادامی که نیت تلبیه نکرده یا نیت تلبیه کرده اما آن را نگفته باشد.

۸- جمیل بن دراج از شخصی از اصحاب ما این گونه روایت می کند: امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) دربارهٔ کسی که نماز ظهر را در مسجد شجره خواند و احرام بست، سپس عطر زد یا شکار نمود و یا با زنش همبستر شد فرمود:

اشکالی بر او نیست مادامی که لبیک نگفته است.

۹- نضر بن سوید از یکی از یارانش این گونه روایت می کند: -

ص: ۱۰۶

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي إِبْرَاهِيمَ علیه السلام: رَجُلٌ دَخَلَ مَسْجِدَ الشَّجَرَةِ فَصَلّي وَ أَحْرَمَ وَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ فَبَدَا لَهُ قَبْلَ أَنْ يُلَبِّي أَنْ يَنْقُضَ ذَلِكَ بِمُوَاقَعَةِ النِّسَاءِ أَلَهُ ذَلِكَ؟

فَكَتَبَ : نَعَمْ، أَوْ لَا بَأْسَ بِهِ.

۱۰- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ قال:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ : مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ تَهَيّأَ لِلْإِحْرَامِ وَ فَرَغَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ الصّلَاةِ وَ جَمِيعِ الشُّرُوطِ إِلّا أَنَّهُ لَمْ يُلَبِّ أَ لَهُ أَن يَنْقُضَ ذَلِكَ وَ يُوَاقِعَ النِّسَاءَ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

بخش هشتادم

اشاره

(۸۰)

بَابُ صَلَاةِ الْإِحْرَامِ وَ عَقْدِهِ وَالِاشْتِرَاطِ فِيهِ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ وَ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

طی نامه ای از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا مردی که به مسجد شجره داخل شده و نماز به جا آورده و محرم شده و آن گاه از مسجد بیرون آمده و پیش از گفتن لبیک در کار خود تجدید نظر کرده و می خواهد به وسیلهٔ نزدیکی با زنان آن چه را که به جا آورده است نقض کند آیا می تواند؟

امام علیه السلام در جواب نوشت آری، - یا نوشت: - ایرادی بر او نیست.

۱۰- زیاد بن مروان نیز نظیر این روایت را از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است.

نماز احرام، احرام بستن و شرایط آن

۱- حلبی و معاویة بن عمار گویند: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۱۰۷

لا یَضُرُّكَ بِلَیْلٍ أَحْرَمْتَ أَمْ نَهَارٍ إِلّا أَنّ أَفْضَلَ ذَلِكَ عِنْدَ زَوَالِ الشّمْسِ.

۲ - عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ:

لا يَكُونُ إِحْرَامٌ إِلّا فِي دُبُرِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ أَحْرَمْتَ فِي دُبُرِهَا بَعْدَ التّسْلِيمِ، وَ إِنْ كَانَتْ نَافِلَةٌ صَلّيْتَ رَكْعَتَيْنِ وَأَحْرَمْتَ فِي دُبُرِهِمَا، فَإِذَا انْفَتَلْتَ مِنْ صَلَاتِكَ فَاحْمَدِ اللّهَ وَأَثْنِ عَلَيْهِ وَصَلّ عَلَى النّبِيّ صلى الله علیه وسلم وَ قُلِ:

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمّنِ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لا أُوقَى إِلّا مَا وَقَيْتَ وَ لَا آخَذُ إِلّا مَا أَعْطَيْتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجّ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنّةِ نَبِيّكَ وَ تُقَوّيَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَ تَسَلّمَ مِنّي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الّذِينَ رَضِيتَ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمّيْتَ وَ كَتَبْتَ اللّهُمّ فَتَمّمْ فِي حَجّي وَ عُمْرَتِي».

ایرادی ندارد که شب هنگام محرم شوی و یا روز هنگام مگر این که بهتر است به هنگام زوال ظهر باشد.

۲- معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ احرامی جز در پی نماز واجب که پس از سلام آن محرم شوی تحقق نمی یابد، پس اگر نماز مستحبی باشد دو رکعت نماز می خوانی در پی آن محرم می شوی. چون نماز را به جا آوردی، پس خدا را ستایش کن و ثنایش بگوی و بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود بفرست و بگو:

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمّنِ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقَى إِلّا مَا وَقَيْتَ وَ لا آخَذُ إِلّا مَا أَعْطَيْتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنّةِ نَبِيّكَ وَ تُقَوّيَنِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ عَنْهُ وَ تَسَلّمَ مِنّي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الّذِينَ رَضِيتَ وَ ارْتَضَيْتَ وَ سَمّيْتَ وَ كَتَبْتَ اللّهُمّ فَتَمّمْ لِي حَجّي وَ عُمْرَتِي».

ص: ۱۰۸

«اللّهُمّ إِنّي أُرِيدُ التّمَتّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنّةِ نَبِيّكَ ؟ فَإِنْ عَرَضَ لِي شَيْءٌ يَحْبِسُنِي فَحْلّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدَرِكَ الّذِي قَدّرْتَ عَلَيّ.

اللّهُمّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُخّي وَ عَصَبِي مِنَ النّسَاءِ وَ الثّيَابِ وَ الطّيبِ أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدّارَ الآخِرَةَ».

قَالَ: وَ يُجْزِئُكَ أَنْ تَقُولَ هَذَا مَرّةً وَاحِدَةً حِينَ تُحْرِمُ، ثُمّ قُمْ فَامْشِ هُنَيْئَةً فَإِذَا اسْتَوَتْ بِكَ الْأَرْضُ مَاشِياً كُنْتَ أَوْ رَاكِباً فَلَبّ.

۳- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عبدالله علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: إِنّي أُرِيدُ أَنْ أَتَمَتّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ فَكَيْفَ أَقُولُ.

قَالَ: تَقُولُ: «اللّهُمّ إِنّي أُرِيدُ أَنْ أَتَمَتّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنّةِ نَبِيّكَ صلى الله عليه وسلم» وَ إِنْ شِئْتَ أَضْمَرْتَ الّذِي تُرِيدُ.

«اللّهُمّ إِنّي أُرِيدُ التّمَتّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنّةِ نَبِيّكَ ؟ فَإِنْ عَرَضَ لِي شَيْءٌ يَحْبِسُنِي فَحُلّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدَرِكَ الّذِي قَدّرْتَ عَلَيّ.

اللّهُمّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجّةً فَعُمْرَةً أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُنّي وَ عَصَبِي مِنَ النّسَاءِ وَ الثّيَاب والطيب أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدّارَ الآخِرَةَ».

حضرتش افزود هنگامی که محرم می شوی یک مرتبه این دعا را بگویی، بس است. و آن گاه برخیز چند لحظه گام بردار چون وارد جاده مکه شدی - چه پیاده و چه سواره - لبیک را آغاز کن.

۳- حماد بن عثمان گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من می خواهم حج و عمره انجام دهم پس چگونه نیت کنم و چه بگویم؟

فرمود: می گویی: «خدایا! من به پیروی از کتاب تو و سنت پیامبر تو قصد تمتع به عمره به سوی حج را دارم» و اگر بخواهی خواسته خود را در دل می گذرانی.

ص: ۱۰۹

٤- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ أَ لَيْلاً أَحْرَمَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم أَمْ نَهَاراً؟

فَقَالَ: نَهَاراً.

قُلْتُ: أَيّ سَاعَةٍ؟

قَالَ: صَلَاةَ الظّهْرِ.

فَسَأَلْتُهُ مَتَى تَرَى أَن يُحْرم؟

فَقَالَ: سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ، إِنَّمَا أَحْرَمَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم صَلَاةَ الظُّهْرِ، لِأَنَّ الْمَاءَ كَانَ قَلِيلاً كَأَنْ يَكُونَ فِي رُءُوسِ الْجِبَالِ فَيُهَجِّرُ الرَّجُلُ إِلَى مِثْلِ ذَلِكَ مِنَ الْغَدِ، وَ لَا يَكَادُ يَقْدِرُونَ عَلَى الْمَاءِ وَ إِنَّمَا أُحْدِثَتْ هَذِهِ الْمِيَاهُ حَدِيثاً.

٥- أبو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

٤- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه وسلم شبانه محرم شد یا به هنگام روز؟

فرمود: به هنگام روز.

گفتم: در چه ساعتی؟

فرمود: وقت نماز ظهر.

پرسیدم: به نظر شما، ما کی مُحرم شویم؟

فرمود: برای شما مساوی است، رسول خدا صلی الله علیه وسلم از آن جهت به هنگام نماز ظهر محرم گشت که آب کم بود چنان که در قله کوه ها جای داشت و از این رو کسی که امروز به طلب آب می رفت روز بعد در همین وقت باز می گشت و به همین جهت دست یابی ایشان به آب بسیار دشوار بود، و این آب ها که اکنون وجود دارد تازه پدید آمده است.

٥ اسحاق بن عمار گوید: -

قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: إِنّ أَصْحَابَنَا يَخْتَلِفُونَ فِي وَجْهَيْنِ مِنَ الْحَجّ يَقُولُ بَعْضُ: أَحْرِمْ بِالْحَجّ مُفْرِداً فَإِذَا طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَ سَعَيْتَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَأَحِلّ وَ اجْعَلْهَا عُمْرَةً وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ: أَحْرِمْ وَ الْوِ الْمُتْعَةَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ أَيٌّ هَذَيْنِ أَحَبٌّ إِلَيْكَ؟

قَالَ: انْوِ الْمُتْعَةَ.

٦- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الّذِي يَقُولُ حُلّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي.

قَالَ: هُوَ حِلٌّ حَيْثُ حَبَسَهُ. قَالَ أَوْ لَمْ يَقُلْ.

٧- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

هُوَ حِلٌّ إِذَا حُبِسَ اشْتَرَطَ أَوْ لَمْ يَشْتَرِط.

به امام کاظم علیه السلام گفتم: اصحاب ما در دو نوع از حج اختلاف نظر دارند. بعضی می گویند: احرام به حج مفرد ببند و زمانی که طواف کعبه نمودی وسعی ما بین صفا و مروه کردی محل شو (از احرام بیرون بیا) و آن را عمره قرار ده و بعضی از آنها می گویند: محرم شو و نیت عمره تمتع به عمره حج کن. کدام یک از این ها نزد شما بهتر است؟

فرمود: نیت عمره تمتع کن.

٦- حمزة بن حمران گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که به هنگام احرام می گوید: (خداوندا!) هر جا که محبوس شدم و مانعی پیش آمد که نتوانستم به قصدم ادامه دهم، مرا (از احرام بیرون آور).

فرمود: هر جا که گرفتار شد و نتوانست احرام را ادامه دهد از احرام بیرون می آید، چه آن کلمات را گفته باشد چه نگفته باشد.

۷- زراره نیز نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

ص: ۱۱۱

۸- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَم عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِي وَ زَيْدِ الشَّحَامِ وَ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالُوا:

أَمَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنْ تُلَبِّي وَ لا نُسَمِّيَ شَيْئاً.

وَ قَالَ: أَصْحَابُ الْإِضْمَارِ أَحَبُّ إِلَيَّ.

۹- أَحْمَدُ عَنْ عَلِي عَنْ سَيْفٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام قَالَ:

الْإِضْمَارُ أَحَبُّ إِلَيَّ فَلَبِّ وَ لا تُسَمِّ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحَ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلاً أَحْرَمَ فِي دُبُرِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ أَ كَانَ يُجْزِئُهُ ذَلِكَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

ابوبکر حضرمی، زید شحام و منصور بن حازم گویند:

امام صادق علیه السلام به ما امر فرمود که لبیک بگوییم و چیزی را نام نبریم و فرمود: یاران و افراد پنهان کننده (نیت) نزد من بهتر هستند.

۹- اسحاق بن عمار نیز نظیر این روایت را از امام کاظم علیه السلام نقل کرده است.

۱۰- ابو صباح کنانی گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم به نظر شما اگر کسی در پی نماز واجب محرم شود آیا کفایت می کند؟

فرمود: آری.

ص: ۱۱۲

۱۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ وَ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الشَّجَرَةِ فَقُلْ وَ أَنْتَ قَاعِدٌ فِي دُبُرِ الصَّلَاةِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مَا يَقُولُ الْمُحْرِمُ ثُمَّ قُمْ فَامْشِ حَتَّى تَبْلُغَ الْمِيلَ وَ تَسْتَوِيَ بِكَ الْبَيْدَاءُ فَإِذَا اسْتَوَتْ بِكَ فَلَبِّ.

۱۲- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

هَلْ يَجُوزُ لِلْمُتَمَتِّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أَنْ يُظْهِرَ التَّلْبِيَةَ فِي مَسْجِدِ الشَّجَرَةِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا لَبَّى النَّبِيُّ صلی الله علیه وسلم عَلَى الْبَيْدَاءِ ، لِأَنَّ النَّاسَ لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ التَّلْبِيَةَ، فَأَحَبَّ أَنْ يُعَلِّمَهُمْ كَيْفَ التَّلْبِيَةُ.

۱۱- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه در مسجد شجره نماز به جا آوردی در آن حال که در پی نماز نشسته باشی، پیش از آن که از جای برخیزی همان چیزی را که محرم می گوید بگو و آن گاه برخیز و گام بردار تا به یک میلی جایگاه برسی و در بیداء قرارگیری وقتی در سطح آن قرار گرفتی لبیک بگو.

۱۲- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا برای کسی که عمره حج تمتع انجام می دهد جایز است تلبیه را در مسجد شجره بگوید؟

فرمود: آری، همانا پیامبر صلی الله علیه وسلم در بیداء تلبیه گفت، چون مردم تلبیه را نمی دانستند، پس دوست داشت که به مردم بیاموزد که چگونه تلبیه گویند.

ص: ۱۱۳

۱۳- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: إِذَا أَحْرَمَ الرَّجُلُ فِي دُبُرِ الْمَكْتُوبَةِ أَيُلَبِّي حِينَ يَنْهَضُ بِهِ بَعِيرُهُ أَوْ جَالِساً فِي دُبُرِ الصَّلَاةِ؟

قَالَ: أَيَّ ذَلِكَ شَاءَ صَنَعَ.

قَالَ الْكُلَيْنِيُّ رحمه الله: وَ هَذَا عِنْدِي مِنَ الْأَمْرِ الْمُتَوَسَّعِ إِلَّا أَنَّ الْفَضْلَ فِيهِ أَنْ يُظْهِرَ التَّلْبِيَةَ حَيْثُ أَظْهَرَ النَّبِيُّ صلی الله علیه وسلم عَلَى طَرَفِ الْبَيْدَاءِ، وَ لَا يَجُوزُ لِأَحَدٍ أَنْ يَجُوزَ مِيلَ الْبَيْدَاءِ إِلَّا وَ قَدْ أَظْهَرَ التَّلْبِيَةَ، وَ أَوَّلُ الْبَيْدَاءِ أَوَّلُ مِيلٍ يَلْقَاكَ عَنْ يَسَارِ الطَّرِيقِ.

۱۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عبدالله علیه السلام قَالَ:

۱۳- اسحاق بن عمّار گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم هنگامی که کسی در پی نماز واجب محرم می شود آیا باید به هنگام سوار شدن بر شتر تلبیه گوید و یا بعد از نماز واجب بگوید؟

فرمود: هر کدام را خواست انجام دهد.

کلینی رحمه الله گوید: در هر دو مورد اجازه و رخصت داده شده است ولی بهتر آن است که تلبیه را آن جا بلند گوید که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر جانب بیداء بلند فرموده است و بر کسی جایز

نیست از یک میلی بیداء بگذرد مگر این که تلبیه را بلند کند و آغاز بیداء میل اولین بخش از سمت چپ راه است که با تو رو به رو می شود.

١٤- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: -

ص: ١١٤

صَلِّ الْمَكْتُوبَةَ ثُمّ أَحْرِمْ بِالْحَجّ أَوْ بِالْمُتْعَةِ وَ اخْرُجْ بِغَيْرِ تَلْبِيَةٍ حَتّى تَصْعَدَ إِلَى أَوّلِ الْبَيْدَاءِ إِلَى أَوّلِ مِيلٍ عَنْ يَسَارِكَ، فَإِذَا اسْتَوَتْ بِكَ الْأَرْضُ رَاكِباً كُنْتَ أَوْ مَاشِياً فَلَبّ فَلَا يَضُرّكَ لَيْلاً أَحْرَمْتَ أَوْ نَهَاراً وَ مَسْجِدُ ذِي الْحُلَيْفَةِ الّذِي كَانَ خَارِجاً عَنِ السّقَائِفِ عَنْ صَحْنِ الْمَسْجِدِ ، ثُمّ الْيَوْمَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ السّقَائِفِ مِنْهُ.

١٥- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُعْتَمِرُ عُمْرَةً مُفْرَدَةً يَشْتَرِطُ عَلَى رَبّهِ أَنْ يَحُلّهُ حَيْثُ حَبَسَهُ، وَ مُفْرِدُ الْحَجّ يَشْتَرِطُ عَلَى رَبّهِ إِنْ لَمْ يَكُنْ حَجّةٌ فَعُمْرَةٌ.

١٦- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ إِذَا قَرّبَتِ الْقُرْبَانَ تَخْرُجُ نَارٌ تَأْكُلُ قُرْبَانَ مَنْ قُبِلَ مِنْهُ، وَإِنّ اللّهَ جَعَلَ الْإِحْرَامَ مَكَانَ الْقُرْبَانِ.

در مسجد شجره نماز فریضه را خوانده سپس احرام به حج یا تمتع به عمره را ببند و بدون تلبیه از مسجد بیرون رو تا از نخستین بخش بیداء بالا روی، - تا اول یک میلی دست چپ خود - چون بر زمین مسطح رسیدی خواه سواره خواه پیاده لبیک را بلند بگو. پس به تو ضرر نمی رساند که شب

هنگام محرم شدی و یا روز و مسجد ذي الحلیفه همان جایی که بیرون از سقف های مسجد بوده است و امروزه چیزی از آن سقف ها وجود ندارد.

۱۵- فضیل بن یسار گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که عمره مفرده انجام می دهد با پروردگار خویش شرط می کند که او را از قید احرام بگشاید در جایی که او را باز دارد و افراد کننده حج شرط می کند با پروردگار خویش که اگر (به سبب مانعی) حجی صورت نگیرد پس عمره محسوب شود.

۱٦- ابی مغراء گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

همواره در بنی اسرائیل این گونه مرسوم بود که زمانی که قربانی خود را (به درگاه الهی) نزدیک میکردند آتشی بیرون می آمد و قربانی پذیرفته شده را می سوزانید. به راستی که خداوند متعال احرام را به جای قربان قرار داده است.

ص: ۱۱۵

بخش هشتادو یکم

اشاره

(۸۱)

بَابُ التَّلْبِيَة

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُهُ لِمَ جُعِلَتِ التَّلْبِيَةُ؟

فَقَالَ: إِنّ اللّهَ عَزّ وَ جَلّ أَوْحَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ علیه السلام أَنْ أَذِّنْ فِي النّاسِ بِالْحَجّ يَأْتُوكَ رِجَالاً وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجَ عَمِيقٍ. فَنَادَى فَأَجِيبَ مِنْ كُلِّ وَجْهِ يُلَبُّونَ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِي عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام: أَنَّ عَلِيّا عليه السلام قَالَ:

تَلْبِيَةُ الْأَخْرَسِ وَ تَشَهُّدُهُ وَ قِرَاءَتُهُ الْقُرْآنَ فِي الصَّلَاةِ تَحْرِيكُ لِسَانِهِ وَإِشَارَتُهُ باصبعه.

لبیک گفتن

۱- حلبی گوید از امام علیه السلام پرسیدم برای چه باید لبیک گفت؟

فرمود: که خداوند به ابراهیم علیه السلام وحی فرمود که در بین مردم اعلان کن که به صورت پیاده، سواره از هر راه دور به حج بیایند.

وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام ندا داد از هر جانبی با لبیک گفتن جواب داده شد.

۲- سکونی گوید امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می نماید که حضرتش فرمود: همانا امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام فرمود:

لبیک گفتن لال، تشهد او و قرآن خواندنش در نماز تکان دادن زبانش و اشاره او به انگشتانش می باشد.

ص: ۱۱۶

۳- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: التَّلْبِيَةُ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِياً إِلَى دَارِ السَّلَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تُبْدِئُ وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرَبِ الْعِظَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

تَقُولُ ذَلِكَ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ أَوْ نَافِلَةٍ وَحِينَ يَنْهَضُ بِكَ بَعِيرُكَ وَإِذَا عَلَوْتَ شَرَفاً أَوْ هَبَطْتَ وَادِياً أَوْ لَقِيتَ رَاكِباً أَوِ اسْتَيْقَظْتَ مِنْ مَنَامِكَ وَبِالْأَسْحَارِ وَ أَكْثِرْ مَا اسْتَطَعْتَ مِنْهَا وَ اجْهَرْ بِهَا، وَإِنْ تَرَكْتَ بَعْضَ التَّلْبِيَةِ فَلَا يَضُرُّكَ غَيْرَ أَنَّ تَمَامَهَا أَفْضَلُ.

۳- معاوية بن عمار :گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: لبيک گفتن چنين است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ دَاعِياً إِلَى دَارِ السَّلَام لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً إِلَيْكَ ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تُبْدِئُ وَ الْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَافَ الْكُرَبِ

الْعِظَامِ، لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ».

اين تلبيه را در پی هر نماز واجب يا نافله می گويی و زمانی که شترت تو را از بالای بلندی می برد يا از درهای پايين آمدی يا با سواره ای ملاقات کردی يا از خواب بيدار شدی و سحرگاهان بخوان، هر چه می توانی آن را با آواز بلند بخوان و اگر قسمتی از تلبيه را ترک کردی ضرری ندارد مگر اين که گفتن تمامی آن بهتر است.

ص: ۱۱۷

وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لا بُدَّ مِنَ التَّلْبِيَاتِ الْأَرْبَعِ . التَّلْبِيَاتِ الْأَرْبَعِ فِي أَوَّلِ الْكَلَامِ وَ هِيَ الْفَرِيضَةُ وَ هِيَ التَّوْحِيدُ وَ بِهَا لَبَّى الْمُرْسَلُونَ وَ أَكْثِرْ «مِنْ ذِي الْمَعَارِجِ»، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم كَانَ يُكْثِرُ مِنْهَا وَ أَوَّلُ مَنْ لَبَّى إِبْرَاهِيمُ عليه السلام.

قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَدْعُوكُمْ إِلَى أَنْ تَحُجُّوا بَيْتَهُ فَأَجَابُوهُ بِالتَّلْبِيَةِ فَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ أُخِذَ مِيثَاقُهُ بِالْمُوَافَاةِ فِي ظَهْرِ رَجُلٍ وَ لَا بَطْنِ امْرَأَةٍ إِلَّا أَجَابَ بِالتَّلْبِيَةِ.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَسَدِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضَيْلِ عَمَّنْ رَأَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ هُوَ مُحْرِمٌ قَدْ كَشَفَ عَنْ ظَهْرِهِ حَتَّى أَبْدَاهُ لِلشَّمْسِ هُوَ يَقُولُ: لَبَّيْكَ فِي الْمُذْنِبِينَ لَبَّيْكَ.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ رَفَعَهُ قَالَ:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم لَمَّا أَحْرَمَ أَتَاهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام: فَقَالَ لَهُ: مُرْ أَصْحَابَكَ بِالْعَجِّ وَ النَّجِّ وَ الْعَجُ رَفْعُ الصَّوْتِ بِالتَّلْبِيَةِ وَالثَّجُ نَحْرُ الْبُدْنِ.

و بدان که از گفتن لبیک های چهارگانه ای که در اول کلام آمده است و همان واجب است و آن توحید است و پیامبران مرسل بر آن تلبیه گفته اند و فراز ذی المعارج را بیشتر بگو زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم آن را بیشتر می گفت و نخستین کسی که لبیک گفت ابراهیم علیه السلام بود.

حضرتش فرمود: به راستی که خداوند عزوجل شما را به حج فرا می خواند که خانه، او را قصد نمایید پس او را با تلبیه اجابت نمایید، هیچ کسی در وفا به پیمان باقی نمی ماند؛ در صلب پدر و شکم مادر مگر این که به لبیک پاسخ می دهد.

٤- محمد بن فضیل گوید: کسی امام صادق علیه السلام را در حال احرام دید که حضرتش پشت خود را برای آفتاب باز نموده و می فرمود:

لبیک، من در کنار گناهکارانم.

٥- حریز در روایت مرفوعه ای گوید:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم محرم ،شد جبرئیل علیه السلام نزد او آمد و عرض کرد: اصحاب خود را به عج و ثج مأمور کن. پس عج همان بانگ برآوردن به لبیک و تج قربانی کردن شتران است.

وَ قَالَ: قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللّهِ: مَا بَلَغْنَا الرّوْحَاءَ حَتّى بَحْتُ أَصْوَاتُنَا.

٦- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِأَنْ تُلَبّي وَأَنْتَ عَلَى غَيْرِ طُهْرٍ وَ عَلَى كُلّ حَالٍ.

٧- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزّازِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمُكَارِي عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جَهْرٌ بِالتّلْبِيَةِ.

٨- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنْ رِجَالٍ شَتّى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم.

مَنْ لَبّى فِي إِحْرَامِهِ سَبْعِينَ مَرّةً إِيمَاناً وَ احْتِسَاباً أَشْهَدَ اللّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ بِبَرَاءَةٍ مِنَ النّارِ، وَ بَرَاءَةٍ مِنَ النّفَاقِ.

و گويد: جابر بن عبدالله گويد: هنوز به منطقه روحاء نرسيده بوديم كه صدايمان گرفت.

٦- حلبى گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

ايرادى ندارد كه بدون طهارت و بر هر حال كه باشى لبيک بگويى.

٧- ابو بصير گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

بلند گفتن تلبيه بر زنان جايز نيست.

۸- ابن فضال از راویان مختلفی نقل می کند که گویند امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

کسی که در احرام خود از روی ایمان و پاداش بسیار هفتاد مرتبه لبیک گوید، خداوند یک میلیون فرشته را برای دوری او از آتش و نفاق گواه گیرد.

ص: ۱۱۹

بخش هشتادو دوم

اشاره

(۸۲)

بَابُ مَا يَنْبَغِي تَرْكُهُ لِلْمُحْرِمِ مِنَ الْجِدَالِ وَ غَيْرِهِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللّهِ عَزّ وَجَلّ: (الْحَج أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنّ الْحَجّ فَلا رَفَثَ وَلا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجّ).

فَقَالَ: إِنّ اللّهَ عَزّ وَ جَلّ اشْتَرَطَ عَلَى النّاسِ شَرْطاً وَ شَرَطَ لَهُمْ شَرْطاً.

قُلْتُ: فَمَا الّذِي اشْتَرَطَ عَلَيْهِمْ، وَ مَا الّذِي اشْتَرَطَ لَهُمْ؟

فَقَالَ: أَمّا الّذِي اشْتَرَطَ عَلَيْهِمْ، فَإِنّهُ قَالَ: (الْحَجّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنّ الْحَجّ فَلا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَ لا جِدَالَ فِي الْحَجّ) وَ أَمّا مَا شَرَطَ لَهُمْ، فَإِنّهُ قَالَ: (فَمَنْ تَعَجّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لَمَنِ اتّقَى) .

قَالَ: يَرْجِعُ لَا ذَنْبَ لَهُ.

خودداری محرم از جدال و موارد مشابه

۱- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «حج در ماه های معینی انجام شود پس کسی که در این ماه حج واجب انجام می دهد نباید با زنان نزدیکی کند و نه کار زشت و نه جنگ و جدال نماید». فرمود:

خداوند عزوجل شرطی را بر مردم و شرطی را برای آنان مقرر داشته است.

عرض کردم: شرطی که بر آنان مقرر داشته کدام است و شرطی که برای آنها مقرر داشته است چیست؟

فرمود: اما شرطی که بر آنان مقرر داشته همان است که فرموده: «حج در ماه های معلومی انجام می گیرد پس کسی که در این ماه ها حج را بر خود واجب کند باید از مباشرت با زنان و فحش و سخنان زشت و دروغ و مجادله در حج خودداری کند».

و اما شرطی که برای ایشان مقرر داشته همان است که فرموده:

پس کسی که مناسک خود را شتابان در ظرف این دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست و هم چنین کسی که (ماندن در منا را ادامه دهد) و مناسک را به تأخیر اندازد، گناهی بر او نیست و این احکام برای کسی است که تقوا پیشه کند.

امام علیه السلام فرمود: چنین حاجی به شهر خود باز می گردد در حالی که هیچ گناهی ندارد.

ص: ۱۲۰

قَالَ: قُلْتُ: أَرَأَيْتَ مَنِ ابْتُلِيَ بِالْفُسُوقِ مَا عَلَيْهِ.

قَالَ: لَمْ يَجْعَلِ اللّهُ لَهُ حَداً يَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَ يُلَبِّي.

قُلْتُ: فَمَنِ ابْتُلِيَ بِالْجِدَالِ مَا عَلَيْهِ.

قَالَ: إِذَا جَادَلَ فَوْقَ مَرّتَيْنِ فَعَلَى الْمُصِيبِ دَمٌ يُهَرِيقُهُ وَ عَلَى الْمُخْطِئِ بَقَرَةٌ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ فِی قَوْلِ اللّهِ عَزّ وَجَلّ: (وَأَتِمُّوا الْحَجّ وَالْعُمْرَةَ لِلّهِ).

قَالَ: إِتْمَامُهَا أَنْ لا رَفَثَ وَ لَا فُسُوقَ وَ لَا جِدَالَ فِي الْحَجّ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

راوی گوید: عرض کردم به نظر شما کسی که گرفتار فسق شود چه بر گردن اوست؟

فرمود: خدا بر او حدی قرار نداده است. او باید استغفار کند و لبیک گوید.

عرض کردم: اگر کسی به جدال گرفتار شود حکمش چیست؟

فرمود: در صورتی که از دوبار زیادتر مجادله کند اگر مجادله اش درست بوده باید یک (گوسفند) قربانی کند و اگر به خطاء بوده یک گاو قربانی نماید.

۲- عبدالله بن سنان گوید: امام علیه السلام در مورد آیه شریفه: «و حج و عمره را برای خدا کامل کنید» فرمود: کامل بودن آنها این است که در حج نزدیکی با زن، فسوق و جدال نباشد.

۳- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَحْرَمْتَ فَعَلَيْكَ بِتَقْوَى اللّهِ، وَ ذِكْرِ اللّهِ كَثِيراً وَ قِلّةِ الْكَلَامِ إِلّا بِخَيْرٍ، فَإِنّ مِنْ تَمَامِ الْحَجّ وَالْعُمْرَةِ أَنْ يَحْفَظَ الْمَرْءُ لِسَانَهُ إِلّا مِنْ خَيْرٍ، كَمَا قَالَ اللّهُ عَزّوَجَلّ، فَإِنّ اللّهَ عَزّ وَ جَلّ يَقُولُ: (فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنّ الْحَجّ فَلا رَفَثَ وَ لا فُسُوقَ وَ لا جِدَالَ فِي الْحَجّ) وَ الرّفَثُ: الْجِمَاعُ وَ الْفُسُوقُ الْكَذِبُ وَ السّبَابُ وَ الْجِدَالُ قَوْلُ الرّجُلِ: «لا وَ اللّهِ وَ بَلَى وَ اللّهِ».

وَ اعْلَمْ أَنّ الرّجُلَ إِذَا حَلَفَ بِثَلَاثِ أَيْمَانٍ وِلاءً فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَقَدْ جَادَلَ، فَعَلَيْهِ دَمٌ يُهَرِيقُهُ وَ يَتَصَدّقُ بِهِ، وَإِذَا حَلَفَ يَمِيناً وَاحِدَةً كَاذِبَةً فَقَدْ جَادَلَ وَ عَلَيْهِ دَمٌ يُهَرِيقُهُ وَ يَتَصَدّقُ بِهِ.

وَ قَالَ: اتّقِ الْمُفَاخَرَةَ وَ عَلَيْكَ بِوَرَع يَحْجُزُكَ عَنْ مَعَاصِي اللّهِ، فَإِنّ اللّهَ عَزّوَجَلّ يَقُولُ: (ثُمّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَ لْيَطّوّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ).

هنگامی که احرام بستی بر تو باد به تقوای خدا و زیاد یاد خدا کردن و کم سخن گفتن مگر به نیکی، زیرا از کامل بودن حج و عمره این است که انسان زبانش را باز دارد مگر از نیکی چنان که خداوند عزوجل فرمود، زیرا خداوند عزوجل می فرماید: «هر که در آن ماه ها حج را لازم کرد پس رفت، فسوق و جدال در حج نیست» رفت همان نزدیکی با زنان، فسوق، دروغ و فحش است و جدال گفتار «نه والله» و «آری والله» است و بدان که هنگامی که شخص سه بار در حال احرام در یک مکان سوگند یاد کند پس جدال نموده است و بایستی قربانی کند و آن را صدقه دهد و زمانی که یک سوگند دروغ بخورد پس جدال نموده است بر اوست یک قربانی نماید و آن را صدقه دهد.

و فرمود از فخر فروشی بهر ،اسید و بر تو باد تقوا و پرهیزکاری که تو را از عصیان به خدا دور نماید زیرا خداوند متعال می فرماید: «سپس باید آلودگی هایشان را بزدایند و نذرهایشان را به جا آورند و به خانه خدا طواف کنند».

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: مِنَ التَّفَثِ أَنْ تَتَكَلَّمَ فِي إِحْرَامِكَ بِكَلَامٍ قَبِيحٍ، فَإِذَا دَخَلْتَ مَكَّةَ وَ طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَ تَكَلَّمْتَ بِكَلَامٍ طَيِّبٍ، فَكَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةٌ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَن الرَّجُل يَقُولُ: لَا لَعَمْرِي وَ بَلَى لَعَمْرِي.

قَالَ: لَيْسَ هَذَا مِنَ الْجِدَالِ ، إِنَّمَا الْجِدَالُ «لا وَ اللّهِ وَ بَلَى وَ اللّهِ».

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

إِذَا حَلَفَ ثَلَاثَ أَيْمَانٍ مُتَتَابِعَاتٍ صَادِقاً فَقَدْ جَادَلَ وَ عَلَيْهِ دَمٌ، وَإِذَا حَلَفَ بِيَمِينٍ وَاحِدَةٍ كَاذِبًا فَقَدْ جَادَلَ وَ عَلَيْهِ دَمٌ.

٥- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُرِيدُ أَنْ يَعْمَلَ الْعَمَلَ فَيَقُولُ لَهُ: صَاحِبُهُ وَ اللّهِ لَا تَعْمَلْهُ فَيَقُولُ: وَ اللّهِ لَاَعْمَلَنَّهُ فَيُخَالِفُهُ مِرَاراً أَيَلْزَمُهُ مَا يَلْزَمُ صَاحِبَ الْجِدَالِ؟

امام صادق علیه السلام فرمود از آلودگی این است که در حال احرام سخن زشتی بگویی پس زمانی که وارد مکه شدی و کعبه را طواف نمودی و سخن نیکویی گفتی پس همین کفاره (گناهان) می شود.

راوی گوید: از حضرتش پرسیدم کسی که می گوید نه به جانم آری و به جانم چه؟ فرمود: این گونه گفتار از جدال نیست بلکه جدال گفتن «نه به خدا» و «آری به خدا» است.

٤- ابو بصیر گوید (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) می فرماید:

هرگاه انسان سه مرتبه پشت سر هم سوگند راست یاد کند در واقع مجادله کرده است و یک قربانی به عهده اوست و هرگاه یک مرتبه به دروغ سوگند یاد کند در واقع مجادله کرده است و یک قربانی به عهده اوست.

۵- ابوبصیر گوید: از حضرتش پرسیدم محرمی که می خواهد خدمتی به برادر دینی خود کند رفیقش به او می گوید: به خدا سوگند آن را انجام نده. او می گوید: به خدا سوگند! حتماً آن را انجام می دهم و بارها با او مخالفت می کند، آیا کفاره ای بر گردن او لازم می آید مانند آن چه به گردن جدال کننده لازم می آید؟

ص: ۱۲۳

قَالَ: لا، إِنَّمَا أَرَادَ بِهَذَا إِكْرَامَ أَخِيهِ، إِنَّمَا ذَلِكَ مَا كَانَ لِلّهِ فِيهِ مَعْصِيَةٌ.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ:

فِي الْجِدَالِ شَاةٌ وَ فِي السِّبَابِ وَ الْفُسُوقِ بَقَرَةٌ وَ الرَّفَثِ فَسَادُ الْحَجِّ.

بخش هشتادو سوم

اشاره

(۸۳)

بَابُ مَا يَلْبَسُ الْمُحْرِمُ مِنَ الثِّيَابِ وَ مَا يُكْرَهُ لَهُ لِبَاسُهُ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ بَعْضِهِمْ علیهم السلام قَالَ:

أَحْرَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم فِي ثَوْبَيْ كُرْسُفٍ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

فرمود نه زیرا که میخواهد برادرش را گرامی بدارد بلکه آن در موردی است که به خدا معصیت شود.

٦- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

در جدال یک گوسفند قربانی میشود در فحش و فسوق یک گاو است و نزدیکی با زنان موجب بطلان حج است.

لباس محرم و آن چه پوشیدنش بر او مکروه است.

۱- یکی از راویان گوید: یکی از ائمه علیهم السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم با دو لباس پنبه ای احرام بست.

۲- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۱۲٤

كَانَ ثَوْبَا رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وسلم الَّذِي أَحْرَمَ فِيهِمَا يَمَانِيَّيْنِ عِبْرِيٌّ وَ ظَفَارِ وَ فِيهِمَا كُفِّنَ.

۳- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

كُلُّ ثَوْبٍ يُصَلّى فِيهِ فَلَا بَأْسَ أَنْ يُحْرَمَ فِيهِ.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْخَمِيصَةِ سَدَاهَا إِبْرِيسَمْ وَ لَحْمَتُهَا مِنْ غَزْلٍ.

قَالَ: لا بَأْسَ بأَنْ يُحْرَمَ فِيهَا، إِنّمَا يُكْرَهُ الْخَالِصُ مِنْهُ.

٥- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ شُعَيْبٍ أَبِي صَالِحٍ عَنْ خَالِدٍ أَبِي الْعَلَاءِ الْخَفّافِ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرِ عليه السلام وَ عَلَيْهِ بُرْدٌ أَخْضَرُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

٦- مُحَمّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ عليه السلام قَالَ:

آن دو لباسی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم در آن دو محرم شد از پارچه های عبری وظفار یمنی بود و حضرتش در همان دو کفن شد.

٣- حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر جامه ای که در آن نماز گذارده شود پس ایرادی نیست که در آن احرام بسته شود.

٤- ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره پارچه ای که تار آن از ابریشم و پودش از پنبه رشته شده است پرسیدند.

فرمود: ایرادی ندارد در آن لباس محرم شود و همانا خالص آن کراهت دارد.

٥- خالد ابي العلاء خفاف گوید: امام باقر علیه السلام را دیدم که در حال احرام لباس برد سبزی بر تن داشت.

٦- حنان بن سدیر گوید: -

ص: ١٢٥

كُنْتُ عِنْدَهُ جَالِساً فَسُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يُحْرِمُ فِي ثَوْبٍ فِيهِ حَرِيرٌ.

فَدَعَا بِإِزَارٍ قُرْقُبِي، فَقَالَ: أَنَا أُحْرِمُ فِي هَذَا وَ فِيهِ حَرِيرٌ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَلْبَسُ الطَّيْلَسَانَ الْمَزْرُورَ.

فَقَالَ: نَعَمْ، وَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ عليه السلام: لَا يُلْبَسُ طَيْلَسَانٌ حَتَّى يُنْزَعَ أَزْرَارُهُ، فَحَدَّثَنِي: إِنَّمَا كُرِهَ ذَلِكَ مَخَافَةَ أَنْ يَزِرَّهُ الْجَاهِلُ عَلَيْهِ.

۸- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عبداللَّهِ عليه السلام مِثْلَ ذَلِكَ وَ قَالَ:

إِنَّمَا كُرِهَ ذَلِكَ مَخَافَةَ أَنْ يَزُرَّهُ الْجَاهِلُ، فَأَمَّا الْفَقِيهُ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَلْبَسَهُ.

در خدمت امام صادق علیه السلام حضور داشتم که از آن حضرت درباره مردی که در لباس حریردار محرم می شود پرسیدند:

پس امام علیه السلام دستور داد تا پیراهن قرقبی بیاورند آن گاه فرمود: من در این لباس محرم می شوم در صورتی که حریر دارد.

۷- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که لباس بارانی دگمه دار می پوشد چگونه است؟

فرمود: آری، در کتاب حضرت علی علیه السلام آمده است: محرم نباید بارانی بپوشد مگر آن که دگمه های آن را بکند.

و پدر بزرگوارم علیه السلام به من خبر داد همانا از این جهت مکروه است که بیم آن می رود شخص ناآگاه دگمه های آن را ببندد.

۸- حلبی نظیر این روایت را نقل می کند و در پایان آن می افزاید:

فرمود: اما برای شخص فقیه و آگاه از مسایل ایرادی ندارد که چنین لباسی بپوشد.

ص: ۱۲۶

۹- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله عليه السلام قَالَ:

لا تَلْبَسُ ثَوْباً لَهُ أَزْرَارٌ وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ إِلّا أَنْ تَنكُسَهُ وَ لَا ثَوْباً تَدَرّعُهُ وَ لَا سَرَاوِيلَ إِلّا أَنْ لا يَكُونَ لَكَ إِزَارٌ وَ لا خُفّيْنِ إِلّا أَنْ لَا يَكُونَ لَكَ نَعْلَانِ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُقَارِنُ بَيْنَ ثِيَابِهِ الّتِي أَحْرَمَ فِيهَا وَ غَيْرِهَا.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا كَانَتْ طَاهِرَةٌ.

۱۰- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَتَرَدّى بِالتّوْبَيْنِ.

قَالَ: نَعَمْ وَ الثّلَاثَةِ إِنْ شَاءَ يَتّقِي بِهَا الْبَرْدَ وَ الْحَرّ.

۱۱- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

لا بَأْسَ بِأَنْ يُغَيّرَ الْمُحْرِمُ ثِيَابَهُ، وَلَكِنْ إِذَا دَخَلَ مَكّةَ لَبِسَ ثَوْبَيْ إِحْرَامِهِ اللّذَيْنِ أَحْرَمَ فِيهِمَا وَ كُرِهَ أَنْ يَبِيعَهُمَا.

۹- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه محرم باشی لباس دگمه دار مپوش مگر آن که آن را وارونه سازی، هم چنین لباسی را که دست هایت را در آستین هایش کنی و نیز شلواری را به تن مکن مگر آن که لنگی برای پوشش پایین تنه نداشته باشی و نیز کفشی را نپوش مگر آن که نعلین نداشته باشی.

راوی گوید: از امام علیه السلام در مورد محرمی که لباس های احرام را با لباس های دیگری نزدیک می کند و می پوشد پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد اگر پاک باشد

۱۰- حلبی گوید از امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که دو لباس می پوشد، پرسیدم.

فرمود: آری و سه لباس - هم اگر بخواهد از سرما و گرما خود را نگاه دارد - می تواند بپوشد.

۱۱- معاویه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که محرم لباس هایش را تغییر دهد ولی وقتی وارد مکه شد باید آن دو لباسی را که در آنها محرم شده است بپوشد و فروختن آنها مکروه است.

ص: ۱۲۷

۱۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَلْبَسُ الْخَنّ.

قَالَ: لا بَأْسَ.

۱۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُخْتَارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: يُحْرِمُ الرّجُلُ فِي التّوْبِ الْأَسْوَدِ.

قَالَ: لا يُحْرِمُ فِي التّوْبِ الْأَسْوَدِ وَ لا يُكَفّنُ بِهِ الْمَيّتُ.

١٤- أَحْمَدُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرّجُلِ يُحْرِمُ فِي ثَوْبٍ وَسِخ.

١٢- عبدالرحمان بن حجاج گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که لباس خز می پوشد پرسیدم.

فرمود: ایرادی ندارد.

١٣- حسین بن مختار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا جایز است مرد در لباس سیاه محرم شود؟

فرمود: احرام با لباس سیاه بسته نمی شود و مرده در آن کفن نمی گردد.

١٤- محمد بن مسلم گوید: از (امام باقر یا صادق علیهما السلام) پرسیدم: کسی که در لباس چرکین محرم می شود (آیا این کار شایسته است؟).

ص: ١٢٨

قَالَ: لا وَ لا أَقُولُ إِنّهُ حَرَامٌ، وَلَكِنْ أُحِبُّ أَنْ يُطَهّرَهُ وَ طَهُورُهُ غَسْلُهُ، وَ لَا يَغْسِلُ الرّجُلُ ثَوْبَهُ الّذِي يُحْرِمُ فِيهِ حَتّى يَحِلّ وَ إِنْ تَوَسّخَ إِلّا أَنْ يُصِيبَهُ جَنَابَةٌ، أَوْ شَيْءٌ فَيَغْسِلَهُ.

١٥ - أَحْمَدُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سُئِلَ عَنْ خَلُوقِ الْكَعْبَةِ لِلْمُحْرِمِ أَ يُغْسَلُ مِنْهُ الثَّوْبُ؟

قَالَ: لا هُوَ طَهُورٌ.

ثُمَّ قَالَ: إِنَّ بِثَوْبِي مِنْهُ لَطْخاً.

١٦- أَحْمَدُ عَنِ ابْنِ فَضَّالِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الثَّوْبِ الْمُعْلَم هَلْ يُحْرِمُ فِيهِ الرَّجُلُ؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا يُكْرَهُ الْمُلْحَمُ.

١٧- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ:

فرمود: نه، و نمی گویم که آن حرام است ولی نزد من بهتر است که آن را تطهیر کند و طهارتش به شستن آن است و انسان نباید لباسی را که در آن محرم می شود بشوید تا وقتی که از احرام بیرون آید، گر چه آن لباس چرکین گردد، مگر آن که منی یا چیزی به آن اصابت کند، که باید آن را بشوید.

١٥- ابن ابی عمیر از یکی از شیعیان نقل می کند که گوید از امام صادق علیه السلام در مورد عطر کعبه پرسیده شد که آیا محرم باید به خاطر آلوده شدن لباسش به آن لباس خود را بشوید؟

فرمود: نه، آن پاک است.

آن گاه فرمود: همانا لباس من به آن آلوده است.

١٦- لیث مرادی گوید از امام صادق علیه السلام درباره لباس نشاندار سؤال کردم که آیا مرد می تواند در آن محرم شود؟

فرمود: آری، همانا پارچه ملحم (قماشی از ابریشم) مکروه است.

۱۷ - عبدالله بن هلال گوید: -

ص: ۱۲۹

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: عَنِ الثّوْبِ یَکُونُ مَصْبُوعَاً بِالْعُصْفُرِ ثُمّ یُغْسَلُ أَلْبَسُهُ وَ أَنَا مُحْرِمٌ.

قَالَ: نَعَمْ لَیْسَ الْعُصْفُرُ مِنَ الطّیبِ، وَلَکِنْ أَکْرَهُ أَنْ تَلْبَسَ مَا یَشْهَرُکَ بِهِ النّاسُ.

۱۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِیّ بْنِ الْحَکَم عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَن الثّوْبِ یُصِیبُهُ الزّعْفَرَانُ ثُمّ یُغْسَلُ فَلَا یَذْهَبُ أَیُحْرَمُ فیه؟

قَالَ: لا بَأْسَ بِهِ إِذَا ذَهَبَ رِیحُهُ وَ لَوْ کَانَ مَصْبُوعَاً کُلُّهُ إِذَا ضَرَبَ إِلَی الْبَیَاضِ وَ غُسِلَ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

۱۹- الْحُسَیْنُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُعَلّی بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عَنِ الْمُحْرِمِ یَلْبَسُ الثّوْبَ قَدْ أَصَابَهُ الطّیبُ.

قَالَ: إِذَا ذَهَبَ رِیحُ الطّیبِ فَلْیَلْبَسْهُ.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: لباسی که با عصفر رنگ آمیزی شده باشد سپس آن را بشویند آیا در حال احرام می توانم آن را بپوشم؟

فرمود: آری، عصفر از عطریات نیست، ولی من دوست ندارم تو لباسی بپوشی که مردم به وسیله آن تو را شهره سازند.

۱۸- حسین بن ابی علاء گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: لباسی که به زعفران آغشته شود، سپس شسته شود، پس رنگ آن از بین نرود آیا می توان در آن محرم شد؟

فرمود: ایرادی ندارد اگر بوی آن برود و اگر تمام آن با زعفران رنگ آمیزی شود، در صورتی که به سفیدی بزند و شسته شود، ایرادی ندارد.

۱۹- اسماعیل بن فضل گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرم می تواند لباسی را که معطر شده بپوشد؟

فرمود: زمانی که بوی عطر از بین برود بپوشد.

ص: ۱۳۰

۲۰- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

لا بأس بأن يُحْرِمَ الرّجُلُ في ثوب مطبوع بمشي وَ لا بَأْسَ بِأَن يُحَوِّلَ الْمُحْرم ثِيَابَهُ.

قُلْتُ: إِذَا أَصَابَهَا شَيْءٌ يَغْسِلُهَا؟

قَالَ: نَعَمْ وَ إِنِ احْتَلَمَ فِيهَا.

۲۱- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمّارِ بْن مُوسَى قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ علیه السلام عَنِ الرّجُلِ يَلْبَسُ لِحَافاً ظِهَارَتُهُ حَمْرَاءُ وَ بِطَانَتُهُ صَفْرَاءُ قَدْ أَتَى لَهُ سَنَةٌ وَ سَنَتَانِ.

قَالَ: مَا لَمْ يَكُنْ لَهُ رِيحٌ فَلَا بَأْسَ، وَ كُلُّ ثَوْبٍ يُصْبَغُ وَ يُغْسَلُ يَجُوزُ الْإِحْرَامُ فِيهِ، فَإِنْ لَمْ يُغْسَلْ فَلَا.

۲۰- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که مرد در لباس رنگ آمیزی شده، با مشق (گل ارمنی) محرم شود و ایرادی ندارد که محرم لباس خود را عوض کند.

گفتم: هر گاه به آن چیزی برسد باید آن را بشوید؟

فرمود: آری، و اگر چه در آن محتلم شود.

۲۱- عمار بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که لباسی می پوشد که بیرون آن قرمز و داخل آن زرد است و یک سال و دو سال بر او می گذرد پرسیدم.

فرمود: مادامی که بو نداشته باشد، ایرادی ندارد و هر لباسی که رنگ آمیزی شود و شسته شود احرام در آن جایز است و اگر شسته نشود، جایز نیست.

ص: ۱۳۱

۲۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِلُبْسِ الْخَاتَمِ لِلْمُحْرِمِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: لَا يَلْبَسْهُ لِلزِّينَةِ.

بخش هشتادو چهارم

اشاره

(۸٤)

بَابُ الْمُحْرِمِ يَشُدُّ عَلَى وَسَطِهِ الْهِمْيَانَ وَ الْمِنْطَقَةَ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: إِنّ مَعِي أَهْلِي وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَشُدّ نَفَقَتِي فِي حَقْوَيّ.

فَقَالَ: نَعَمْ، فَإِنّ أَبِي علیه السلام كَانَ يَقُولُ: مِنْ قُوّةِ الْمُسَافِرِ حِفْظُ نَفَقَتِهِ.

۲- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

۲۲- نجیح گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که محرم در دست خود انگشتر کند.

در روایت دیگر آمده است به شرط آن که انگشتر را برای زینت در دستش نکند.

حکم محرمی که بر کمر خود همیان و کمربند می بندد

۱- صفوان جمال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم به همراه خانواده ام در مکه هستم و می خواهم که هزینه سفر خود را در کمربندم ببندم (آیا می توانم؟).

فرمود: آری، زیرا پدرم می فرمود از توانایی مسافر، حفظ هزینه سفر است.

۲ - ابوبصیر گوید:

ص: ۱۳۲

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَشُدّ عَلَى بَطْنِهِ الْعِمَامَةَ.

قَالَ: لا.

ثُمّ قَالَ: كَانَ أَبِي يَقُولُ: يَشُدّ عَلَى بَطْنِهِ الْمِنْطَقَةَ الّتِي فِيهَا نَفَقَتُهُ يَسْتَوْثِقُ مِنْهَا، فَإِنّهَا مِنْ تَمَامِ حَجّهِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَصُرُّ الدَّرَاهِمَ فِي ثَوْبِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ وَ يَلْبَسُ الْمِنْطَقَةَ وَ الْهِمْيَانَ.

بخش هشتادو پنجم

اشاره

(۸۵)

بَابُ مَا يَجُوزُ لِلْمُحْرِمَةِ أَنْ تَلْبَسَهُ مِنَ الثِّيَابِ وَ الْحُلِيِّ وَ مَا يُكْرَهُ لَهَا مِنْ ذَلِكَ.

۱- أَبُو عَلِيٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که بر شکم خود عمامه می بندد چه حکمی دارد؟

فرمود: نه (جایز نیست).

سپس فرمود: پدر بزرگوارم همواره می فرمود محرم کمربندی را که هزینه سفرش در آن است بر شکمش ببندد تا اطمینان داشته باشد زیرا این کار از کامل نمودن حج است.

۳- یعقوب بن شعیب :گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرمی که پول های خود را در زیر لباسش پنهان می کند چه حکمی دارد؟

فرمود: آری و می تواند کمربند و همیان ببندد.

لباس ها و زیور آلاتی که بر زن محرم پوشیدنش جایز است و آن چه که از آنها بر او مکروه است

۱- عیص بن قاسم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۱۳۳

الْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةُ تَلْبَسُ مَا شَاءَتْ مِنَ الثِّيَابِ غَيْرَ الْحَرِيرِ وَ الْقُفَّازَيْنِ وَ كَرِهَ النِّقَارُ.

وَ قَالَ: تَسْدِلُ الثَّوْبَ عَلَى وَجْهِهَا.

قُلْتُ: حَدُّ ذَلِكَ إِلَى أَيْنَ؟

قَالَ: إِلَى طَرَفِ الْأَنْفِ قَدْرَ مَا تُبْصِرُ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُحْرِمَةِ أَيِّ شَيْءٍ تَلْبَسُ مِنَ الثِّيَابِ.

قَالَ: تَلْبَسُ الثِّيَابَ كُلَّهَا إِلَّا الْمَصْبُوغَةَ بِالزَّعْفَرَانِ وَ الْوَرْسِ وَ لَا تَلْبَسُ الْقُفَّازَيْنِ وَ لَا حُلِيّاً تَتَزَيَّنُ بِهِ لِزَوْجِهَا وَ لا تَكْتَحِلُ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ وَ لا تَمَسُّ طِيباً، وَ لا تَلْبَسُ حُلِيّاً وَ لا فِرِنْداً وَ لا بَأْسَ بِالْعَلَمِ فِي الثَّوْبِ.

زن محرم می تواند از لباس ها هرچه خواست - جز ابریشم و دستکش ها - بپوشد و برای او روبند مکروه است.

حضرتش فرمود می تواند لباس را بر روی خود بیندازد.

گفتم: اندازه آویختن تا کجاست؟

فرمود: تا نزدیکی بینی به اندازه ای که بتواند ببیند.

۲- نضر بن سوید گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم زن محرم می تواند چه لباس هایی بپوشد؟

فرمود: همه لباس ها را می تواند بپوشد جز لباس های رنگ شده با زعفران، اسپرک و نمی تواند دستکش بپوشد و زیور آلاتی که جهت شوهر خود آرایش می کند و سرمه نمی کشد مگر این که بیماری داشته باشد و عطر استعمال نمی کند و نمی تواند زیور آلات و ابریشم خالص بپوشد و ایرادی ندارد که لباس معروف بپوشد.

ص: ۱۳٤

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله علیه السلام قَالَ:

مَرّ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام بِامْرَأَةٍ مُتَنَقِّبَةٍ وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ.

فَقَالَ: أَحْرِمِي وَ أَسْفِرِي وَ أَرْخِي ثَوْبَكِ مِنْ فَوْقِ رَأْسِكِ، فَإِنّكِ إِنْ تَنَقّبْتِ لَمْ يَتَغَيّرْ لَوْنُكِ.

فَقَالَ رَجُلٌ: إِلَى أَيْنَ تُرْخِيهِ؟

فَقَالَ: تُغَطّي عَيْنَيْهَا.

قَالَ: قُلْتُ: يَبْلُغُ فَمَهَا؟

قَالَ: نَعَمْ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام الْمُحْرِمَةُ لا تَلْبَسُ الْحُلِيّ، وَلا الثّيَابَ الْمُصَبّغَاتِ إِلّا صِبْغُ لا يَرْدَعُ.

۳- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: امام باقر علیه السلام از کنار زن محرمی که روبند بسته بود گذشت و فرمود: احرام ببندد و نقاب از رو بردار و از بالای سر خود لباست را بر روی خود آویزان کن زیرا اگر نقاب ببندی رنگ صورتت - از آفتاب - متغیر نمی شود.

مردی گفت روبند را تا کجا آویزان نماید؟

فرمود: دو چشمش را بپوشاند.

گوید: عرض کردم: به دهانش برسد؟

فرمود: آری.

امام صادق علیه السلام فرمود: زن محرم نباید از زیور آلات استفاده کند، هم چنین نباید لباس هایی که رنگ آمیزی شده بپوشد مگر این که رنگ آنها با شستن از بین نرود.

ص: ۱۳۵

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ يَكُونُ عَلَيْهَا الْحُلِيُّ وَ الْخَلْخَالُ وَ الْمَسَكَةُ وَ الْقُرْطَانِ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْوَرِقِ تُحْرِمُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهَا وَ قَدْ كَانَتْ تَلْبَسُهُ فِي بَيْتِهَا قَبْلَ حَجِّهَا أَ تَنْزَعُهُ إِذَا أَحْرَمَتْ أَوْ تَتْرُكُهُ عَلَى حَالِهِ؟

قَالَ: تُحْرِمُ فِيهِ وَ تَلْبَسُهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُظْهِرَهُ لِلرِّجَالِ فِي مَرْكَبِهَا وَ مَسِيرِهَا.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْعِمَامَةِ السَّابِرِيَّةِ فِيهَا عَلَمُ حَرِيرٍ تُحْرِمُ فِيهَا الْمَرْأَةُ؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّمَا كُرِهَ ذَلِكَ إِذَا كَانَ سَدَاهُ وَ لَحْمَتُهُ جَمِيعاً حَرِيراً.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: قَدْ سَأَلَنِي أَبُو سَعِيدٍ عَنِ الْخَمِيصَةِ سَدَاهَا إِبْرِيسَمْ أَنْ أَلْبَسَهَا وَكَانَ وَجَدَ الْبَرْدَ؟ فَأَمَرْتُهُ أَنْ يَلْبَسَهَا.

٤- عبد الرحمان بن حجاج گوید از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: زنی که احرام می بندد و بر خود زیور آلات، خلخال، دستبند و گوشواره طلا و نقره دارد که آنها را در منزلش هم پوشیده آیا به هنگام احرام بیرون آورد و یا آنها را را گذارد؟

فرمود: در آنها محرم می شود بدون این که در حال سواره و در مسیر برمردان نمایان کند.

٥- احمسی گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا زن می تواند در عمامه سابری (که سفید و رقیق است) که در آن تار ابریشم است محرم شود؟

فرمود: آری فقط در صورتی مکروه است که تار و پود آن همگی از ابریشم باشد.

سپس حضرتش فرمود: ابو سعید از من درباره خمیصه - که تار آن ابریشم است - پرسید که آیا می تواند آن را به هنگام سرما بپوشد؟

پس به او دستور دادم که آن را بپوشد.

ص: ١٣٦

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي عُيَيْنَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَلْبَسَ وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ؟

قَالَ: النِّيَابُ كُلُّهَا مَا خَلَا الْقُفَّازَيْنِ وَ الْبَرْقُعَ وَ الْحَرِيرَ.

قُلْتُ: تَلْبَسُ الْخَزّ.

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَإِنّ سَدَاهُ الْإِبْرِيسَمُ وَ هُوَ حَرِيرٌ؟

قَالَ: مَا لَمْ يَكُنْ حَرِيراً خَالِصاً فَلَا بَأْسَ.

٧- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ جَعْفَرِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُحْرِمَةُ لَا تَتَنَقّبُ، لِأَنّ إِحْرَامَ الْمَرْأَةِ فِي وَجْهِهَا وَ إِحْرَامَ الرّجُلِ فِي رَأْسِهِ.

٦- ابو عيينه گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم پوشيدن چه چيزى براى زن محرم حلال است؟

فرمود: همه نوع لباس ها را مى تواند بپوشد جز دستكش و روبند و ابريشم.

گفتم: مى تواند لباس خز بپوشد؟

فرمود: آرى.

گفتم: تارهاى آن از ابريشم است كه همان حرير است؟

فرمود: مادامى كه حرير خالص نباشد ايرادى ندارد.

٧- عبدالله بن ميمون گويد: امام صادق عليه السلام از پدرش نقل مى كند كه حضرتش فرمود:

زن محرم نمى تواند روبند بزند؛ زيرا احرام زن در روى او و احرام مرد در سر اوست.

۸- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام، عَنِ الْمَرْأَةِ هَلْ تَصْلُحُ لَهَا أَنْ تَلْبَسَ ثَوْباً حَرِيراً وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ؟

قَالَ: لا، وَ لَهَا أَنْ تَلْبَسَهُ فِي غَيْرِ إِحْرَامِهَا.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

مَرَّ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام بِامْرَأَةٍ مُحْرِمَةٍ قَدِ اسْتَتَرَتْ بِمِرْوَحَةٍ، فَأَمَاطَ الْمِرْوَحَةَ بِنَفْسِهِ عَنْ وَجْهِهَا.

۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ جُذَاعَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مُصَبَّغَاتُ الثِّيَابِ تَلْبَسُهُ الْمُحْرِمَةُ؟

فَقَالَ: لا بَأْسَ بِهِ إِلَّا الْمُقْدَمَ الْمَشْهُورَ وَالْقِلَادَةَ الْمَشْهُورَةَ.

۸- اسماعیل بن فضل گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا زن می تواند در حال احرام لباس حریر بپوشد؟

فرمود: نه، در غیر احرام می تواند بپوشد.

۹- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: امام هادی علیه السلام فرمود:

امام جواد علیه السلام از کنار زنی محرمی می گذشت که با بادبزن صورت خود را پوشانیده بود حضرتش با دست خود بادبزن را از صورت او کنار زد.

۱۰- عامر بن جذاعه گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا زن محرم می تواند از لباس های رنگ شده بپوشد؟

فرمود: ایرادی ندارد مگر رنگ قرمز تند و مشخص شده و گردنبند نمایان شده.

ص: ۱۳۸

۱۱- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ إِذَا أَحْرَمَتْ أَ تَلْبَسُ السَّرَاوِيلَ؟ قَالَ: نَعَمْ إِنَّمَا تُرِيدُ بِذَلِكَ السُّتْرَةَ.

بخش هشتادو ششم

اشاره

(۸۶)

بَابُ الْمُحْرِمِ يُضْطَرُّ إِلَى مَا لَا يَجُوزُ لَهُ لُبْسُهُ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

فِي رَجُلٍ هَلَكَتْ نَعْلَاهُ وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى نَعْلَيْنِ.

قَالَ لَهُ: أَنْ يَلْبَسَ الْخُفَّيْنِ إِذَا اضْطُرّ إِلَى ذَلِكَ وَلْيَشْقَّهُ مِنْ ظَهْرِ الْقَدَمِ، وَ إِنْ لَبِسَ الطَّيْلَسَانَ فَلَا يَزُرَّهُ عَلَيْهِ، فَإِنِ اضْطُرّ إِلَى قَبَاءٍ مِنْ بَرْدٍ وَ لَا يَجِدُ ثَوْباً غَيْرَهُ فَلْيَلْبَسْهُ مَقْلُوباً وَ لَا يُدْخِلْ يَدَيْهِ فِي يَدَيِ الْقَبَاءِ.

۱۱- محمد حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زن به هنگام احرام می تواند شلوار بپوشد؟

فرمود: آری، چون می خواهد با آن خود را بپوشاند.

محرمی که ناگزیر به پوشیدن لباسی می شود که بر او جایز نیست

۱- ابو بصیر گوید امام صادق علیه السلام درباره مردی که نعلین او از بین رفته بود و دسترسی به نعلین نداشت به او فرمود:

کفش بپوشد، اگر به آن ناگریز شده است و پشت پای کفش را پاره نماید و اگر بارانی پوشید تکمه آن را نبندد و اگر به جهت سرما ناچار شد قبا بپوشد و اگر لباس دیگری نیافت آن را پشت و رو بپوشد و دست هایش را داخل آستین قبا ننماید.

ص: ۱۳۹

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَلْبَسُ الْخُفَّيْنِ وَ الْجَوْرَبَيْنِ.

قَالَ: إِذَا اضْطُرَّ إِلَيْهِمَا.

۳- سَهْلٌ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونِ الْقَدَّاحِ عَنْ جعفر علیه السلام:

أَنَّ عَلِيّاً علیه السلام كَانَ لا يَرَى بَأْساً بِعَقْدِ الثَّوْبِ إِذَا قَصُرَ ثُمَّ يُصَلِّي فِيهِ وَإِنْ كَانَ مُحْرِماً.

٤- سَهْلٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُثَنًّى عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِأَنْ يُحْرِمَ الرَّجُلُ وَ عَلَيْهِ سِلَاحُهُ إِذَا خَافَ الْعَدُوَّ.

۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۲- رفاعه گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که کفش و جوراب می پوشد چه حکمی دارد؟

فرمود: زمانی که ناگزیر شد اشکالی ندارد.

۳- عبدالله بن میمون قداح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

علی علیه السلام ایرادی برگره زدن لباس - در صورت کوتاه بودن - نمی گرفت که در آن نماز خوانده شود گرچه محرم باشد.

٤- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که هرگاه محرم از دشمن بترسد با سلاح محرم شود.

۵- مثنی حناط گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۱٤۰

مَنِ اضْطُرَّ إِلَى ثَوْبٍ وَ هُوَ مُحْرِمٌ وَ لَيْسَ مَعَهُ إِلَّا قَبَاءٌ فَلْيَنْكُسْهُ وَ لْيَجْعَلْ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَ يَلْبَسُهُ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: يَقْلِبُ ظَهْرَهُ بَطْنَهُ إِذَا لَمْ يَجِدْ غَيْرَهُ.

٦- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الْمُحْرِمُ يَلْبَسُ السَّرَاوِيلَ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُ إِزَارٌ وَ يَلْبَسُ الْخُفَّيْنِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُ نَعْلٌ.

بخش هشتادو هفتم

اشاره

(۸۷)

بَابُ مَا يَجِبُ فِيهِ الْفِدَاءُ مِنْ لُبْسِ الثِّيَابِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

هر که در حال احرام ناچار باشد که لباس بپوشد و همراه او فقط قبا است پس آن را پشت رو کرده و طرف بالای آن را پایین و پایین آن را بالا نموده و بپوشد. در روایت دیگری آمده است اگر غیر از قبا نیافت، بیرون آن را داخل قرار دهد.

٦- حمران گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

اگر محرم لنگ نداشته باشد می تواند شلوار بپوشد و اگر نعلین نداشته باشد می تواند کفش بپوشد.

لباسی که در آن قربانی واجب است

۱- زراره :گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

ص: ۱٤۱

مَنْ لَبِسَ ثَوْباً لا يَنْبَغِي لَهُ لُبْسُهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَفَعَلَ ذَلِكَ نَاسِياً أَوْ سَاهِياً أَوْ جَاهِلاً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ مَنْ فَعَلَهُ مُتَعَمِّداً فَعَلَيْهِ دَمٌ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ ضُرُوبٍ مِنَ الثِّيَابِ مُخْتَلِفَةٍ يَلْبَسُهَا الْمُحْرِمُ إِذَا احْتَاجَ مَا عَلَيْهِ؟

قَالَ: لِكُلِّ صِنْفٍ مِنْهَا فِدَاءٌ.

بخش هشتادو هشتم

اشاره

(۸۸)

بَابُ الرَّجُلِ يُحْرِمُ فِي قَمِيصٍ أَوْ يَلْبَسُهُ بَعْدَ مَا يُحْرِمُ

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فِي رَجُلٍ أَحْرَمَ وَ عَلَيْهِ قَمِيص.

هر محرمی که لباسی بپوشد که پوشیدن آن شایسته نبود و این از روی فراموشی، سهو یا ناآگاهی باشد چیزی بر عهده او نیست و کسی که از روی عمد بپوشد باید قربانی ذبح کند.

۲- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) درباره انواع مختلفی از لباس پرسیدم که محرم می تواند آنها را به هنگام نیاز بپوشد؟

فرمود: برای هر نوع از آن لباس ها یک قربانی است.

حکم کسی که در پیراهن محرم می شود، یا بعد از محرم شدن آن را می پوشد

١- معاوية بن عمار و ديگران گويند: امام صادق عليه السلام درباره كسى كه در پيراهن محرم شده فرمود:

ص: ١٤٢

قَالَ: يَنْزَعُهُ وَ لا يَشْقُهُ، وَ إِنْ كَانَ لَبِسَهُ بَعْدَ مَا أَحْرَمَ شَقَّهُ وَ أَخْرَجَهُ مِمّا يَلِي رِجْلَيْهِ.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ خَالِدِ بْنِ مُحَمّدٍ الْأَصَمّ قَالَ:

دَخَلَ رَجُلٌ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَدَخَلَ فِي الطّوَافِ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ وَكِسَاءٌ فَأَقْبَلَ النّاسُ عَلَيْهِ يَشْقُونَ قَمِيصَهُ وَكَانَ صُلْباً.

فَرَآهُ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام وَهُمْ يُعَالِجُونَ قَمِيصَهُ يَشْقُونَهُ، فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ صَنَعْتَ؟

فَقَالَ: أَحْرَمْتُ هَكَذَا فِي قَمِيصِي وَ كِسَائِي.

فَقَالَ: انْزِعْهُ مِنْ رَأْسِكَ لَيْسَ يُنْزَعُ هَذَا مِنْ رِجْلَيْهِ، إِنّمَا جَهِلَ.

فَأَتَاهُ غَيْرُ ذَلِكَ، فَسَأَلَهُ فَقَالَ: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ أَحْرَمَ فِي قَمِيصِهِ؟

قَالَ: يَنْزِعُهُ مِنْ رَأْسِهِ.

بايد آن را از تنش درآورد و نبايد آن را پاره كند و اگر آن را بعد از احرام پوشيده بايد آن را پاره كند و از طرف پاهايش در بياورد.

٢- خالد بن محمد اصم گويد: مرد محرمى وارد مسجد الحرام شد و مشغول طواف گشت. او پيراهن محكم و عبايى بر تن داشت و مردم به او رو آورده و پيراهن او را پاره مى كردند.

امام صادق عليه السلام اين منظره را ديد كه مردم دست و پا ميک نند كه پيراهنش را پاره كنند.

حضرت از او پرسید: چه کرده ای؟

گفت: این چنین در پیراهن و عبایم محرم شده ام.

حضرت فرمود: از سرت بیرون بیاور و چنین شخصی لباس را از طرف پایین در نمی آورد، زیرا نمی دانسته است.

شخص دیگری نزد حضرت آمد و سؤال کرد نظر شما در مورد کسی که در پیراهنش محرم شده است چیست؟

فرمود: آن را از طرف سرش در می آورد.

ص: ۱۴۳

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ:

إِنْ لَبِسْتَ ثَوْباً فِي إِحْرَامِكَ لا يَصْلُحُ لَكَ تُبْسُهُ فَلَبٌ وَ أَعِدْ غُسْلَكَ، وَإِنْ لَبِسْتَ قَمِيصاً فَشُقّهُ وَ أَخْرِجْهُ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْكَ.

بخش هشتادو نهم

اشاره

(۸۹)

بَابُ الْمُحْرِمِ يُغَطِّي رَأْسَهُ أَوْ وَجْهَهُ مُتَعَمِّداً أَوْ نَاسِياً

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ: الْمُحْرِمُ يُؤْذِيهِ الذِّبَابُ حِينَ يُرِيدُ النَّوْمَ يُغَطِّي وَجْهَهُ؟

قَالَ: نَعَمْ، وَلا يُخَمِّرْ رَأْسَهُ وَ الْمَرْأَةُ عِنْدَ النَّوْمِ لَا بَأْسَ بِأَنْ تُغَطِّيَ وَجْهَهَا كُلَّهُ عِنْدَ النَّوْمِ

۳- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

اگر در حال احرام لباسی را پوشيدی که پوشيدن آن برای تو جايز نبود، لبيک بگو و غسلت را اعاده کن و اگر پيراهن پوشيدی پس آن را پاره کن و از طرف پايين پاهايت بيرون بياور.

حکم محرمی که سر یا روی خود را از روی عمد و یا فراموشی می پوشاند

۱- زراره گويد به امام باقر عليه السلام گفتم: محرمی که مگس آزارش می دهد در موقع خوابيدن می تواند رويش را بپوشاند؟

فرمود: آری، ولی سرش را نپوشاند و زن به هنگام خوابيدن می تواند تمام صورتش را بپوشاند.

ص: ۱٤٤

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُمِّيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمُحْرِمُ يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يُجَلِّلُ وَجْهَهُ بِالْمِنْدِيلِ يُخَمِّرُهُ كُلَّهُ؟

قَالَ: لَا بَأْسَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَنَامُ عَلَى وَجْهِهِ عَلَى زَامِلَتِهِ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ.

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَجِدُ الْبَرْدَ فِي أُذُنَيْهِ يُغَطِّيهِمَا.

قَالَ: لا.

۲- عبدالملک قمی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: محرمی وضو می گیرد سپس صورتش را با حوله پاک می کند که همه صورتش را می پوشاند.

فرمود: ایرادی ندارد.

۳- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرم می تواند بر صورت خود، روی تشک سواری خود بخوابد؟

فرمود: ایرادی ندارد.

٤- عبدالرحمان گوید از امام کاظم علیه السلام پرسیدم محرمی که در گوش هایش احساس سرما می کند می تواند گوش هایش را بپوشاند؟

فرمود: نه.

ص: ١٤٥

بخش نودم

اشاره

(۹۰)

بَابُ الظِّلالِ لِلْمُحْرِمِ

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الْمُثَنَّى الْخَطِيبِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ وَ بِشْرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ: أَلا أَسُرُّكَ يَا ابْنَ مُثَنّى؟

قَالَ: قُلْتُ: بَلَى وَ قُمْتُ إِلَيْهِ.

قَالَ: دَخَلَ هَذَا الْفَاسِقُ آنِفَا فَجَلَسَ قُبَالَةَ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِي الْمُحْرِمِ؟ أَ يَسْتَظِلُّ عَلَى الْمَحْمِلِ؟

فَقَالَ لَهُ: لا.

قَالَ: فَيَسْتَظِلُّ فِي الْخِبَاءِ؟

فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ.

حکم سایه برای محرم

١- جعفر بن مثنی خطیب از محمد بن فضیل و بشر بن اسماعیل نقل می کند که گوید محمد به من گفت: ای پسر مثنی می خواهی تو را خوشحال بکنم؟

گفتم: آری و برخاستم به جانب او رفتم.

گفت: اندکی پیش این فاسق ابو یوسف قاضی شاگرد ابو حنفیه برابر امام کاظم علیه السلامنشست و به حضرتش گفت: ای اباالحسن! نظر تو در مورد محرم چیست؟ آیا می تواند در کجاوه در زیر سایه باشد؟

فرمود: نه.

گفت آیا در خیمه می تواند در زیر سایه باشد؟

فرمود: آری.

ص: ۱۴۶

فَأَعَادَ عَلَيْهِ الْقَوْلَ شِبْهَ الْمُسْتَهْزِي يَضْحَكُ، فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ! فَمَا فَرْقُ بَيْنِ هَذَا وَ هَذَا؟

فَقَالَ: يَا أَبَا يُوسُفَ إِنّ الدّينَ لَيْسَ بِقِيَاسٍ كَقِيَاسِكُمْ، أَنْتُمْ تَلْعَبُونَ بِالدّينِ، إِنّا صَنَعْنَا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم، وَ قُلْنَا كَمَا قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم، كَانَ رَسُولُ الله صلى الله عليه وسلم يَرْكَبُ رَاحِلَتَهُ فَلَا يَسْتَظِلُّ عَلَيْهَا وَ تُؤْذِيهِ الشّمْسُ، فَيَسْتُرُ جَسَدَهُ بَعْضَهُ بِبَعْضٍ، وَ رُبّمَا سَتَرَ وَجْهَهُ بِيَدِهِ، وَ إِذَا نَزَلَ اسْتَظَلّ بِالْخِبَاءِ وَ فَيْءِ الْبَيْتِ وَ فَيْءِ الْجِدَارِ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الظّلَالِ لِلْمُحْرِمِ.

لا فَقَالَ: اضْحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ.

قُلْتُ: إِنّي مَحْرُورٌ، وَ إِنّ الْحَرّ يَشْتَدّ عَلَيّ.

قَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنّ الشّمْسَ تَغْرُبُ بِذُنُوبِ الْمُحْرِمِينَ؟!

او سخنش را همانند مسخره گری که می خندید تکرار کرد و گفت: بین این و آن چه فرقی است؟

فرمود: ای ابا یوسف به راستی دین همانند قیاس شما به قیاس سنجیده نمی شود، شما با دین بازی می کنید ما عمل می کنیم آن سان که رسول خدا صلی الله علیه وسلم عمل می نمود و می گوییم آن سان که رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم همواره سوار بر شتر خود می شد و چیزی بر آن سایه بان نمی کرد و آفتاب او را آزار می داد پس با قسمتی از بدنش

قسمت دیگر را می پوشانید و چه بسا با دستش صورتش را می پوشانید و چون پیاده می شد در زیر سایه میرفت و در زیر خیمه و سایه خانه و سایه دیوار قرار می گرفت.

۲- عبدالله بن مغیره گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد سایه برای محرم پرسیدم.

فرمود: زیر آفتاب باش برای کسی که به خاطرش محرم شده ای.

گفتم من گرمازده ام و تحمل گرما بر من سخت است.

فرمود آیا نمی دانی که آفتاب با گناهان احرام شوندگان غروب می کند؟!

ص: ۱۴۷

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرَّيَّانِ عَنْ قَاسِمِ الصَّيْقَلِ قَالَ:

مَا رَأَيْتُ أَحَداً كَانَ أَشَدَّ تَشْدِيداً فِي الظُّلِّ مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام كَانَ يَأْمُرُ بِقَلْعِ الْقُبَّةِ وَ الْحَاجِبَيْنِ إِذَا أَحْرَمَ.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يُضْرَبُ عَلَيْهَا الظِّلَالُ وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَالرَّجُلُ يُضْرَبُ عَلَيْهِ الظِّلَالُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانَتْ بِهِ شَقِيقَةٌ وَ يَتَصَدَّقُ بِمُدٍّ لِكُلِّ يَوْمٍ.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى الرِّضَا عليه السلام: هَلْ يَجُوزُ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَمْشِيَ تَحْتَ ظِلِّ الْمَحْمِلِ؟

۳- قاسم بن صیقل گوید: در مسأله «سایه» کسی را سخت گیرتر از امام باقر علیه السلام ندیدم که دستور می داد تا گنبد و سایه بانها به هنگام احرام کنده شود.

٤- ابو بصیر گوید: از امام علیه السلام پرسیدم آیا میتوان برای زن در حال احرام سایه بان زد؟

فرمود: آری.

گفتم: پس آیا برای مرد نیز جایز است که در حال احرام سایه بان زده شود؟

فرمود: آری، در صورتی که دچار سر درد باشد و باید برای هر روز یک مد طعام صدقه بدهد.

٥ - اسماعیل بن بزیع گوید:

به امام رضا علیه السلام طی نامه ای نوشتم آیا جایز است که محرم در زیر سایه کجاوه راه برود؟

ص: ١٤٨

فَكَتَبَ: نَعَمْ.

قَالَ: وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الظِّلَالِ لِلْمُحْرِمِ مِنْ أَذَى مَطَرٍ أَوْ شَمْسٍ وَ أَنَا أَسْمَعُ. فَأَمَرَهُ أَنْ يَفْدِيَ شَاءٌ وَ يَذْبَحَهَا بِمِنًى.

٦- أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشْيَمَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الظِّلَالِ لِلْمُحْرِمِ.

قَالَ: لَا يُظَلَّلْ إِلّا مِنْ عِلّةٍ مَرَضٍ.

٧- أَحْمَدُ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى الْكِلَابِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ شِهَابٍ يَشْكُو رَأْسَهُ وَ الْبَرْدُ شَدِيدٌ وَ يُرِيدُ أَنْ يُحْرِمَ. فَقَالَ: إِنْ كَانَ كَمَا زَعَمَ فَلْيُظَلَّلْ، وَ أَمّا أَنْتَ فَاضْحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ.

حضرت در پاسخ نوشت: آری.

راوی گوید من می شنیدم که مردی از حضرتش در مورد سایه بان برای محرم به خاطر اذیت شدن از باران یا آفتاب پرسید حضرت به او دستور فرمود که گوسفندی فدیه دهد و آن را در منا ذبح نماید.

٦- محمد بن منصور گوید: از امام رضا علیه السلام در مورد سایه بان برای محرم پرسیدم.

فرمود: محرم نباید زیر سایه قرار بگیرد باشد مگر این که بیمار باشد.

٧- عثمان بن عیسی کلابی گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم علی بن شهاب از دَردِ سرش مینالد در حالی که سرمای سختی است و می خواهد محرم شود.

فرمودک اگر این گونه که فکر میکند باشد زیر سایه برود اما تو، زیر آفتاب باش برای کسی که به خاطرش محرم شده ای.

ص: ١٤٩

٨- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام هَلْ يَسْتَتِرُ الْمُحْرِمِ مِنَ الشّمْسِ؟

فَقَالَ: لا، إِلّا أَنْ يَكُونَ شَيْخاً كَبِيراً. أَوْ قَالَ: ذَا عِلّةٍ.

۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ:

قُلْتُ لِلرّضَا عليه السلام الْمُحْرِمُ يُظَلّلْ عَلَى مَحْمِلِهِ وَ يَفْتَدِي إِذَا كَانَتِ الشّمْسُ وَ الْمَطَرُ يُضِرّانِ بِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: كَمِ الْفِدَاءُ؟

قَالَ: شَاةٌ

۱۰- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْكَاهِلِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِالْقُبّةِ عَلَى النِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ وَ هُمْ مُحْرِمُونَ.

۸- اسماعیل بن عبدالخالق گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا محرم می تواند زیر سایه برود؟

فرمود: نه مگر این که - پیرمرد و یا فرمود: - بیمار باشد.

۹- ابراهیم بن ابی محمود گوید به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا محرم می تواند از سایه کجاوه استفاده کند - اگر آفتاب و باران او را آزار دهند - و فدیه دهد؟

فرمود: آری.

گفتم: چه قربانی بدهد؟

فرمود: یک رأس گوسفند.

۱۰- کاهلی گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که سایه بان بر زنان و کودکان محرم زده شود.

ص: ۱۵۰

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنِ الْمُعَلّى بْنِ حُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

لا يَسْتَتِرُ الْمُحْرِمُ مِنَ الشَّمْسِ بِثَوْبٍ وَ لَا بَأْسَ أَنْ يَسْتَتِرَ بَعْضَهُ بِبَعْضٍ.

۱۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: أَنّ عَمّتِي مَعِي وَهِيَ زَمِيلَتِي وَ الْحَرُّ تَشْتَدُّ عَلَيْهَا إِذَا أَحْرَمَتْ فَتَرَى لِي أَنْ أُظَلِّلَ عَلَيّ وَ عَلَيْهَا.

فَكَتَبَ علیه السلام: ظَلِّلْ عَلَيْهَا وَحْدَهَا.

۱۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ أَ يَتَغَطّى؟

قَالَ: أَمّا مِنَ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ فَلَا.

۱٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَلِيِّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ:

۱۱- معلی بن خنیس گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

محرم نباید با لباسی خود را از آفتاب بپوشاند و ایرادی ندارد که با قسمتی از بدنش قسمت دیگر را بپوشاند.

۱۲- بکر بن صالح گوید به امام باقر علیه السلام طی نامه ای نوشتم عمه ام به همراه من به حج آمده در کجاوه ماست و گرما هم بر او سخت است، به هنگام محرم شدن آیا به من اجازه می فرمایید که برای خودم و او سایه بان بسازم؟

حضرتش نوشت فقط برای او سایه بان بساز.

۱۳- زراره گوید: از امام علیه السلام پرسیدم آیا محرم می تواند خود را بپوشاند؟

فرمود: اما از گرما و سرما نه.

۱٤- ابی علی بن راشد گوید:

ص: ۱۵۱

سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ ظَلَّلَ فِي عُمْرَتِهِ

قَالَ: يَجِبُ عَلَيْهِ دَمٌ.

قَالَ: وَ إِنْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ وَ ظَلَّلَ وَجَبَ عَلَيْهِ أَيْضاً دَمٌ لِعُمْرَتِهِ وَ دَمٌ لِحَجَّتِهِ.

۱۵- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ قَالَ:

كُنَّا فِي دِهْلِيزِ يَحْيَى بْنِ خَالِدٍ بِمَكَّةَ وَ كَانَ هُنَاكَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام وَ أَبُو يُوسُفَ، فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو يُوسُفَ وَ تَرَبَّعَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ جُعِلْتُ فِدَاكَ! الْمُحْرِمُ يُظَلِّلُ؟

قَالَ: لا.

قَالَ: فَيَسْتَظِلُّ بِالْجِدَارِ وَ الْمَحْمِلِ وَ يَدْخُلُ الْبَيْتَ وَ الْخِبَاءَ؟

قَالَ: نَعَمْ

قَالَ: فَضَحِكَ أَبُو يُوسُفَ شِبْهَ الْمُسْتَهْزِيِّ.

از امام علیه السلام درباره محرمی که در عمره زیر سایه قرار می گیرد، پرسیدم.

فرمود: بر او قربانی واجب میشود و اگر برای بازگشت به مکه زیر سایه برود نیز قربانی بر او واجب می شود یک قربانی برای عمره یک قربانی برای حج.

۱۵- محمد بن فضیل گوید: ما در مکه در دهلیز یحیی بن خالد بودیم، امام کاظم علیه السلام نیز حضور داشتند، ابو یوسف (شاگرد ابو حنیفه) نیز در آنجا بود او برخاست و چهار زانو برابر امام کاظم علیه السلام نشست و به حضرتش گفت: ای ابا الحسن قربانت گردم! آیا محرم می تواند در زیر سایه باشد؟

فرمود: نه.

گفت: آیا می تواند در سایه دیوار و کجاوه باشد و درون اتاق و خیمه برود؟

فرمود: آری.

راوی گوید: ابو یوسف همانند مسخره گری خندید.

ص: ۱۵۲

فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: يَا أَبَا يُوسُفَ إِنّ الدِّينَ لَيْسَ بِالْقِيَاسِ كَقِيَاسِكَ وَ قِيَاسِ أَصْحَابِكَ، إِنّ اللّهَ عَزّوَجَلّ أَمَرَ فِي كِتَابِهِ بِالطّلَاقِ وَ أَكّدَ فِيهِ بِشَاهِدَيْنِ وَ لَمْ يَرْضَ بِهِمَا إِلّا عَدْلَيْنِ، وَ أَمَرَ فِي كِتَابِهِ بِالتّزْوِيجِ وَ أَهْمَلَهُ بِلَا شُهُودٍ، فَأَتَيْتُمْ بِشَاهِدَيْنِ فِيمَا أَبْطَلَ اللّهُ وَأَبْطَلْتُمْ شَاهِدَيْنِ فِيمَا أَكّدَ اللّهُ عَزّوَجَلّ،

وَ أَجَزْتُمْ طَلَاقَ الْمَجْنُونِ وَ السَّكْرَانِ، حَجَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم فَأَحْرَمَ وَ لَمْ يُظَلِّلْ وَ دَخَلَ الْبَيْتَ وَ الْخِبَاءَ، وَ اسْتَظَلَّ بِالْمَحْمِلِ وَ الْجِدَارِ، فَعَلْنَا كَمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم فَسَكَتَ.

بخش نود و یکم

اشاره

(۹۱)

بَابُ أَنَّ الْمُحْرِمَ لَا يَرْتَمِسُ فِي الْمَاءِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٌ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

امام کاظم علیه السلام فرمود: ای ابا یوسف! به راستی دین به سان قیاس تو و قیاس یاران تو سنجیده نمی شود.

به راستی که خداوند عزوجل در کتابش امر فرمود به طلاق و در آن به دو شاهد تأکید کرد و راضی نشد در آن مگر به دو عادل و امر فرمود در کتابش به ازدواج و برای آن شاهد نخواست پس شما در جایی که خدا شاهد نخواسته، شاهد آوردید و در جایی که خداوند تاکید به شاهد فرموده شاهد نیاوردید شما طلاق دیوانه و مست را جایز شمردید. پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم مراسم حج را انجام داد و احرام بست ولی در سایه قرار نگرفت و درون اتاق و خیمه رفت و از سایه کجاوه و دیوار استفاده کرد. ما نیز به سان پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم رفتار کردیم. در این حال ابو یوسف خاموش شد.

محرم نباید در آب فرو رود

۱- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

لا يَرْتَمِسُ الْمُحْرِمُ فِي الْمَاءِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

لا يَرْتَمِسُ الْمُحْرِمُ فِي الْمَاءِ وَ لَا الصّائِمُ.

بخش نود و دوم

اشاره

(۹۲)

بَابُ الطّيّبِ لِلْمُحْرِمِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

لا تَمَسّ شَيْئاً مِنَ الطّيبِ وَ لا مِنَ الدُّهْنِ فِي إِحْرَامِكَ، وَاتّقِ الطّيّبَ فِي طَعَامِكَ، وَ أَمْسِكْ عَلَى أَنْفِكَ مِنَ الرّائِحَةِ الطّيّبَةِ، وَ لا تُمْسِكْ عَنْهُ مِنَ الرّيحِ الْمُنْتِنَةِ، فَإِنّهُ لا يَنْبَغِي لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَتَلَذّذَ بِرِيحٍ طَيّبَةٍ.

محرم نبايد در آب فرو رود.

۲- يعقوب بن شعيب گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: محرم روزه دار نبايد در آب فرو روند.

حكم عطر براى محرم

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

نباید در حال احرامت بوی خوش به کار ببری و نباید به خودت روغن بمالی و در غذا نیز از بوی خوش بپرهیز و بینی خود را از بوی خوش بازدار و جلوی بینیت را از بوی بد نگیر زیرا برای محرم سزاوار نیست که از بوی خوش لذت ببرد.

ص: ١٥٤

٢- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ خَرِيرٍ عَمّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

لا يَمَسّ الْمُحْرِمُ شَيْئاً مِنَ الطّيبِ وَ لا الرّيْحَانِ، وَ لَا يَتَلَذّذْ بِهِ وَ لَا بِرِيحٍ طَيّبَةٍ، فَمَنِ ابْتُلِيَ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَلْيَتَصَدّقْ بِقَدْرِ مَا صَنَعَ قَدْرَ سَعَتِهِ.

٣- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَكَلَ زَعْفَرَاناً مُتَعَمّداً أَوْ طَعَاماً فِيهِ طِيبٌ فَعَلَيْهِ دَمٌ، فَإِنْ كَانَ نَاسِياً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ يَسْتَغْفِرُ اللّهَ عَزّوَجَلّ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ عَنْ أَبِي عَبد الله عليه السلام قَالَ:

الْمُحْرِمُ يُمْسِكُ عَلَى أَنْفِهِ مِنَ الرّيحِ الطّيّبَةِ، وَ لَا يُمْسِكُ عَلَى أَنْفِهِ مِنَ الرّيحِ الْمُنْتَنَة.

٢- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

محرم نباید از عطر و ریحان استفاده کند و از آن لذت ببرد و همین طور نباید از بوی خوش استفاده کند و هر که از آن استفاده کند بایستی به اندازه توانایی خود صدقه دهد.

زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

کسی که از روی عمد زعفران و یا غذایی که در آن عطر باشد بخورد بر عهده اوست که قربانی کند. اگر این کار از روی فراموشی باشد چیزی بر عهده او نیست و از خدای متعال طلب آمرزش کند.

٤- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: محرم باید از بوییدن بوی خوشی خودداری کند، ولی لازم نیست بینیاش را از بوی گند باز دارد.

ص: ١٥٥

٥- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ مِثْلَهُ وَ قَالَ:

لا بَأْسَ بِالرِّيحِ الطَّيِّبَةِ فِيمَا بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ مِنْ رِيحَ الْعَطَّارِينَ، وَ لَا يُمْسِكْ عَلَى أَنْفِهِ.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام كُشِفَ بَيْنَ يَدَيْهِ طِيبٌ لِيَنْظُرَ إِلَيْهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ، فَأَمْسَكَ عَلَى أَنْفِهِ بِثَوْبِهِ مِنْ رِيحِهِ.

٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الْأَشْنَانُ فِيهِ الطِّيبُ أَغْسِلُ بِهِ يَدَيَّ وَ أَنَا مُحْرِمٌ.

قَالَ: إِذَا أَرَدْتُمُ الْإِحْرَامَ فَانْظُرُوا مَزَاوِدَكُمْ فَاعْزِلُوا الَّذِي لَا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ.

وَ قَالَ: تَصَدَّقْ بِشَيْءٍ كَفَّارَةٌ لِلْأُشْنَانِ الَّذِي غَسَلْتَ بِهِ يَدَكَ.

٥- نظیر این روایت را هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام نقل می کند و حضرتش افزود:

ایرادی نیست که محرم از بوی خوش مغازه های بین صفا و مروه استشمام کند و نباید بینی خود بگیرد.

٦- محمد بن اسماعیل گوید: امام کاظم علیه السلام را در حال احرام دیدم که مقابلش عطر باز شده بود که به آن نگاه کند حضرتش با لباسش بینی خود را از بوی آن گرفته بود.

٧ـ حسن بن زیاد گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا می توانم در حال احرام با اشنان معطر دست خود را بشویم؟

فرمود: هرگاه خواستید محرم شوید، اثاثیه خود را بررسی کنید و چیزهایی را که به آنها احتیاج ندارید کنار گذارید.

و فرمود چیزی صدقه ده تا کفاره باشد برای اشنانی که دست خود را به آن شستی.

ص: ١٥٦

٨- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي الْمُحْرِمِ يُصِيبُ ثَوْبَهُ الطِّيبُ.

قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَغْسِلَهُ بِيَدِ نَفْسِهِ.

٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنِ الْحَسَنِ بْن هَارُونَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنِّي أَكَلْتُ خَبِيصًا حَتَّى شَبِعْتُ وَ أَنَا مُحْرِمٌ.

فَقَالَ: إِذَا فَرَغْتَ مِنْ مَنَاسِكِكَ وَ أَرَدْتَ الْخُرُوجَ مِنْ مَكَّةَ فَابْتَعْ بِدِرْهَم تَمْراً فَتَصَدَّقْ بِهِ، فَيَكُونَ كَفَّارَةً لِذَلِكَ وَ لِمَا دَخَلَ فِي إِحْرَامِكَ مِمَّا لَا تَعْلَمُ.

١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا تَقُولُ فِي الْمِلْحِ فِيهِ زَعْفَرَانٌ لِلْمُحْرِمِ؟

قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَأْكُلَ شَيْئاً فِيهِ زَعْفَرَانٌ، وَ لا شَيْئاً مِنَ الطِّيبِ.

٨- ابن ابی عمیر گوید: یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام درباره محرمی که لباسش معطر می شود فرمود:

ایرادی ندارد که با دست خود آن را بشوید.

٩- حسن بن هارون گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من در حال احرام حلوای خرمایی که با زعفران بود خوردم تا سیر شدم.

فرمود: هرگاه اعمالت پایان یافت و خواستی از مکه بیرون بروی یک درهم خرما بخر و آن را صدقه بده تا کفاره آن و آن چه از روی ناآگاهی بر احرامت داخل شده است، باشد.

١٠- سدیر گوید به امام باقر علیه السلام گفتم: نظر شما در مورد نمک آمیخته به زعفران برای محرم چیست؟

فرمود: سزاوار نیست برای محرم چیزی بخورد که در آن زعفران و چیزی از عطر باشد.

ص: ١٥٧

١١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنِ الْمُعَلَّى أَبِي عُثْمَانَ عَنْ مُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كُرِهَ أَنْ يَنَامَ الْمُحْرِمُ عَلَى فِرَاشٍ أَصْفَرَ أَوْ عَلَى مِرْفَقَةٍ صَفْرَاءَ.

١٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لا تَمَسّ رَيْحَانَاً وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ وَ لا شَيْئاً فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَ لَا تَطْعَمْ طَعَاماً فِيهِ زَعْفَرَانٌ.

١٣- صَفْوَانُ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَغْسِلُ يَدَهُ بِالْأُشْنَانِ.

قَالَ: كَانَ أَبِي يَغْسِلُ يَدَهُ بِالْحُرُضِ الْأَبْيَضِ.

١١- معلی بن خنیس گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خوشایند نیست که محرم بر بستر یا بالش زرد بخوابد.

١٢- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نباید در حال احرام هیچ نوع گلی و نه چیزی را که در آن زعفران باشد، لمس کنی و غذایی که در آن زعفران باشد مخور.

١٣- ابوالمغراء گوید: از امام صادق علیه السلام می پرسیدم محرم می تواند دست خود را با اشنان بشوید؟

فرمود: پدرم همواره دستش را با اشنان سفید می شست.

ص: ١٥٨

١٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

لا بَأْسَ بِأَنْ تَشَمّ الْإِذْخِرَ وَ الْقَيْصُومَ وَ الْخُزَامَى وَ الشّيحَ وَأَشْبَاهَهُ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ.

١٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَمَسُّ الطِّيبَ وَ هُوَ نَائِمٌ لا يَعْلَمُ.

قَالَ: يَغْسِلُهُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

وَ عَنِ الْمُحْرِمِ يَدْهُنُهُ الْحَلَالُ بِالدُّهْنِ الطِّيبِ وَ الْمُحْرِمُ لا يَعْلَمُ مَا عَلَيْهِ. قَالَ: يَغْسِلُهُ أَيْضاً وَلْيَحْذَرْ.

١٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَبّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

سَأَلْتُ ابْنَ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ التِّفّاحِ وَ الْأُتْرُجِ وَ النّبِقِ وَ مَا طَابَ رِيحُهُ.

قَالَ: تُمْسِكُ عَنْ شَمِّهِ وَتَأْكُلُهُ.

١٤- معاوية بن عمار گويد: ايرادى ندارد كه در حال احرام گياهان خوشبوى اذخر قيصوم خزامى شيح و مانند آنها را استشمام كنى.

١٥- اسحاق بن عمار گويد از امام صادق عليه السلام پرسيدم: آيا محرم مى تواند در حال خواب كه نمى داند به عطر دست ميزند؟

فرمود: دست خود را بشويد و چيزى بر عهده او نيست.

و هم چنين از حضرتش در مورد محرمى كه غير محرم او را با روغن معطرى روغن مالى ميكند و محرم هم نمى داند، پرسيدم.

فرمود: او نيز خود را مى شويد و از اين كار پرهيز نمايد.

١٦- علی بن مهزیار گوید: از ابن ابی عمیر درباره سیب ترنج، میوه سدر و هرچه که خوشبو است پرسیدم.

فرمود: محرم از استشمام آنها خودداری کند و می تواند آنها را بخورد.

ص: ١٥٩

١٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَأْكُلُ الْأُتْرُج.

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: لَهُ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ؟

قَالَ: الْأُتْرُجُ طَعَامٌ لَيْسَ هُوَ مِنَ الطِّيبِ.

١٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِبْ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْحِنَّاءِ.

فَقَالَ: إِنَّ الْمُحْرِمَ لَيَمَسُّهُ وَ يُدَاوِي بِهِ بَعِيرَهُ وَ مَا هُوَ بِطِيبٍ وَ مَا بِهِ بَأْسٌ.

١٩- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ حَمَّادِ بْن عُثْمَانَ قَالَ:

١٧- عمار بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا محرم می تواند ترنج بخورد؟

فرمود: آری.

عرض کردم آن بوی خوش دارد؟

فرمود: ترنج خوردنی است، از عطریات نیست.

۱۸- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد حنا پرسیدم؟

فرمود: محرم می تواند آن را لمس کند و شترش را با آن معالجه کند، آن عطر نیست و ایرادی ندارد.

۱۹- حماد بن عثمان گوید:

ص: ۱۶۰

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: إِنِّي جَعَلْتُ ثَوْبَيْ إِحْرَامِي مَعَ أَثْوَابٍ قَدْ جُمِّرَتْ فَأَجِدُ مِنْ ریحها؟

قَالَ: فَانْشُرْهَا فِي الرِّيحِ حَتّی يَذْهَبَ رِيحُهَا.

بخش نود و سوم

اشاره

(۹۳)

بَابُ مَا يُكْرَهُ مِنَ الزِّينَةِ لِلْمُحْرِمِ

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَی عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

لا تَنْظُرْ فِي الْمِرْآةِ وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ لِأَنَّهُ مِنَ الزِّينَةِ وَ لَا تَكْتَحِلِ الْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةُ بِالسّوَادِ، إِنّ السّوَادَ زِينَةٌ.

۲- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

لا يَنْظُرِ الْمُحْرِمُ فِي الْمِرْآةِ لِزِينَةٍ، فَإِنْ نَظَرَ فَلْيُلَبِّ.

به امام صادق علیه السلام گفتم: من لباس های احرام خود را با لباس هایی که بخور داده شده بود نهادم اکنون بوی آن را استشمام می کنم؟

فرمود: آنها را در معرض باد پهن کن تا بوی آنها برود.

کراهت استفاده از زیور آلات برای محرم

۱- حریز گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی محرم هستی به آینه نگاه مکن زیرا که آن از زینت است و زن محرم نباید سرمه سیاه استعمال کند، زیرا سیاهی آن زینت است.

۲- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نباید محرم برای آرایش به آیینه نگاه کند، پس اگر نگاه کرد بایستی لبیک بگوید.

ص: ۱۶۱

۳- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْكُحْلِ لِلْمُحْرِمِ.

قَالَ: أَمّا بِالسّوَادِ فَلَا، وَلَكِنْ بِالصّبِرِ وَ الْحُضُضِ.

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ أَبَانٍ عَمّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

ذَا اشْتَكَى الْمُحْرِمُ عَيْنَيْهِ فَلْيَكْتَحِلْ بِكُحْلٍ لَيْسَ فِيهِ مِسْكٌ وَ لَا طِيبٌ.

٥- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

الْمُحْرِمُ لا يَكْتَحِلْ إِلَّا مِنْ وَجَع.

وَ قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ تَكْتَحِلَ وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ طِيبٌ يُوجَدُ رِيحُهُ، فَأَمَّا لِلزِّينَةِ فَلَا.

٣- حلبی گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم به کار بردن سرمه برای محرم چه حکمی دارد؟

فرمود: سرمه سیاه نه ولی به کار بردن سرمه صبر و حضض (که نوعی دارو هستند) اشکالی ندارد.

٤- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی چشم محرم درد کند بایستی سرمه ای به کار ببرد که در آن مشک و عطر نباشد.

٥- معاویه گوید: امام صادق فرمود: محرم نباید سرمه به کار ببرد مگر چشمش درد کند.

و فرمود: ایرادی ندارد در حال احرامت از سرمه ای استفاده کنی که بوی معطر نداشته باشد؛ ولی برای آرایش نباید سرمه به کار ببری.

ص: ١٦٢

بخش نود و چهارم

اشاره

(٩٤)

بَابُ الْعِلَاجِ لِلْمُحْرِمِ إِذَا مَرِضَ أَوْ أَصَابَهُ جُرْحٌ أَوْ خُرَاجٌ أَوْ عِلَّةً

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا اشْتَكَى الْمُحْرِمُ فَلْيَتَدَاوَ بِمَا يَأْكُلُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

٢- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَرَّ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم عَلَى كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ وَ الْقَمْلُ يَتَنَاثَرُ مِنْ رَأْسِهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَقَالَ لَهُ: أَتُؤْذِيكَ هَوَامُّكَ؟

فَقَالَ: نَعَمْ

فَأُنْزِلَتْ هَذِهِ الآيَةُ (فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذىً مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نسُك).

معالجه محرم به هنگام بیماری یا زخمی شدن، درآوردن دمل یا بیماری دیگر

١- ابو صباح کنانی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی محرم بیمار شود باید با همان دارویی که در حال احرام آن را می خورد مداوا نماید.

٢- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: روزی رسول خدا صلی الله علیه وسلم از کنار کعب بن عجره، که محرم بود گذشت در حالی که شپش از سر او فرو می ریخت حضرت به او فرمود: آیا جانوران تو را آزار می دهند؟

گفت: آری.

پس این آیه فرود آمد که «هرکس از شما بیمار باشد یا ناراحتی در سر داشت (و ناگزیر باید سرش را بتراشد) پس بر اوست فدیه ای از قبیل روزه یا صدقه یا قربانی بدهد».

فَأَمَرَهُ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم أَنْ يَحْلِقَ وَ جَعَلَ الصِّيَامَ ثَلَاثَةَ أَيّامٍ، وَ الصّدَقَةَ عَلَى سِتّةِ مَسَاكِينَ لِكُلّ مِسْكِينِ مُدّيْنِ وَ النّسُكَ شَاةٌ.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ فَصَاحِبُهُ بِالْخِيَارِ يَخْتَارُ مَا شَاءَ وَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ كَذَا فَعَلَيْهِ كَذَا فَالْأُولَى الْخِيَارُ.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلَهُ رَجُلٌ ضَرِيرُ الْبَصَرِ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ: أَكْتَحِلُ إِذَا أَحْرَمْتُ.

قَالَ: لا، وَ لِمَ تَكْتَحِلُ؟

قَالَ: إِنّي ضَرِيرُ الْبَصَرِ، فَإِذَا أَنَا اكْتَحَلْتُ نَفَعَنِي وَ إِذَا لَمْ أَكْتَحِلْ ضَرّنِي.

قَالَ: فَاكْتَحِلْ.

قَالَ: فَإِنّي أَجْعَلُ مَعَ الْكُحْلِ غَيْرَهُ.

قَالَ: مَا هُوَ؟

پس رسول خدا صلی الله علیه وسلم امر فرمود که او سرش را بتراشد و روزه را سه روز قرار داد و صدقه را بر شش فقیر، برای هر فقیری دو مُد و قربانی را گوسفند قرار داد.

امام صادق علیه السلام فرمود هر موردی که در قرآن او باشد، انسان مختار است که در هر کدام خواست برگزیند و هر چیزی از قرآن اگر نتوانست چنین کند پس شایسته است که اختیار کند.

۳- عبدالله بن یحیی کاهلی گوید: من در خدمت امام صادق علیه السلام بودم، مردی که چشمش ضعیف بود از حضرتش پرسید به هنگام محرم شدن می توانم سرمه بکشم؟

فرمود: نه، چرا سرمه می کشی؟

گفت: چشمم ضعیف است چون سرمه می کشم مرا بهبود می کند و چون سرمه نمی کشم به من ضرر می رساند.

فرمود: سرمه بکش.

گفت: سرمه را با چیز دیگری روی چشمم قرار می دهم.

حضرت فرمود: با چه چیزی؟

ص: ١٦٤

قَالَ: أَخُذُ خِرْقَتَيْنِ فَأُرَبِّعُهُمَا فَأَجْعَلُ عَلَى كُلِّ عَيْنٍ خِرْقَةٌ وَ أُعَصِّبُهُمَا بِعِصَابَةٍ إِلَى قَفَايَ، فَإِذَا فَعَلْتُ ذَلِكَ نَفْعَنِي، وَ إِذَا تَرَكْتُهُ ضَرَّنِي.

قَالَ: فَاصْنَعْهُ

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي عَنْ أَبَانٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ تَشَقَّقَتْ يَدَاهُ وَ رِجْلَاهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ أَ يَتَدَاوَى؟

قَالَ: نَعَمْ بِالسَّمْنِ وَ الزَّيْتِ.

وَ قَالَ: إِذَا اشْتَكَى الْمُحْرِمُ فَلْيَتَدَاوَ بِمَا يَحِلُّ لَهُ أَنْ يَأْكُلَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَعْصِرُ الدُّمّلَ وَ يَرْبِطُ عَلَى الْقَرْحَةِ؟

قَالَ: لا بَأْسَ.

گفت: دو پارچه را چهارگوش می کنم بر هر چشمم پارچه ای می گذارم و آنها را گره می زنم و از پشت سرم می بندم چون این کار را انجام دهم بهبود می یابم و اگر آن را انجام ندهم به چشمم ضرر می رساند.

فرمود: چنین انجام ده.

٤- راوی گوید از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مرد محرمی که دست ها و پاهایش ترک می خورد آیا مداوا کند؟

فرمود: آری با روغن و زیتون.

و فرمود: هرگاه محرم مریض شود پس مداوا کند به آن چه که خوردنش در حال احرام بر او حلال است.

٥- معاوية بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرم دمل را می فشارد و می بندد؟

فرمود: ایرادی ندارد.

ص: ١٦٥

٦- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِنْ خَرَجَ بِالرَّجُلِ مِنْكُمُ الْخُرَاجُ أَوِ الدَّمَّلُ فَلْيَرْبِطْهُ وَ لْيَتَدَاوَ بِزَيْتٍ أَوْ سَمْنٍ.

٧- أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَكُونُ بِهِ شَجَّةٌ أَ يُدَاوِيهَا أَوْ يُعَصِّبُهَا بِخِرْقَةٍ؟

قَالَ: نَعَمْ وَ كَذَلِكَ الْقَرْحَةُ تَكُونُ فِي الْجَسَدِ.

٨- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَكُونُ بِهِ الْجُرْحُ فَيَتَدَاوَى بِدَوَاءٍ فِيهِ زَعْفَرَانٌ.

قَالَ: إِنْ كَانَ الْغَالِبَ عَلَى الدَّوَاءِ فَلَا، وَ إِنْ كَانَتِ الْأَدْوِيَةُ الْغَالِبَةَ عَلَيْهِ فَلَا بَأْسَ.

٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَاجِيَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

٦ - هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه جوش یا دملی بر بدن یکی از شما برآید باید آن را بسته و با زیتون یا روغن مداوا کند.

٧- سعید اعرج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که سرش شکسته می تواند آن را مداوا کند و یا با پارچه ببندد؟

فرمود: آری، و همین گونه است دملی که در بدن ایجاد شده است.

٨- عمران حلبی :گوید از امام صادق علیه السلام سؤال شد محرمی که جراحتی دارد می تواند از داروی مخلوط به زعفران استفاده کند؟

فرمود: اگر زعفران بر آن دارو غالب باشد نه؛ ولی اگر دارو به زعفران غالب باشد، ایرادی ندارد.

۹ - سماعه گوید:-

ص: ۱۶۶

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُصِيبُ أُذُنَهُ الرِّيحُ فَيَخَافُ أَنْ يَمْرَضَ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَسُدَّ أُذُنَيْهِ بِالْقُطْنِ.

قَالَ: نَعَمْ لا بَأْسَ بِذَلِكَ إِذَا خَافَ ذَلِكَ وَ إِلَّا فَلَا.

۱۰- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

لا بأس بأن يُعَصِّبَ الْمُحْرِمُ رَأْسَهُ مِنَ الصُّدَاعِ.

بخش نود و پنجم

اشاره

(۹۵)

بَابُ الْمُحْرِمِ يَحْتَجِمُ أَوْ يَقُصُّ ظُفُراً أَوْ شَعْراً أَوْ شَيْئاً مِنْهُ

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَحْتَجِمُ قَالَ:

لا إِلَّا أَنْ لا يَجِدَ بُدّاً فَلْيَحْتَجِمْ وَ لَا يَحْلِقُ مَكَانَ الْمَحَاجِمِ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که به گوشش باد میخورد و می ترسد که بیمار شود آیا می تواند بر گوشش پنبه نهد؟

فرمود: آری، زمانی که از آن ترسید ایرادی ندارد و اگر نترسد، نه.

۱۰- معاویة بن وهب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اشکالی ندارد که محرم به جهت سر درد، سرش را ببندد.

حکم محرمی که حجامت می کند یا ناخن ها یا موها یا چیزی از آن را کوتاه می کند

۱- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرم می تواند حجامت کند؟

فرمود: نه مگر آن که ناچار باشد در این صورت حجامت کرده و جای آن را نتراشد.

ص: ۱۶۷

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُثَنَّى بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

لا يَحْتَجِمِ الْمُحْرِمُ إِلَّا أَنْ يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لا يَسْتَطِيعَ الصَّلَاةَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ تَطُولُ أَظْفَارُهُ أَوْ يَنْكَسِرُ بَعْضُهَا فَيُؤْذِيهِ ذَلِكَ.

قَالَ: لَا يَقُصُّ مِنْهَا شَيْئاً إِنِ اسْتَطَاعَ ، فَإِنْ كَانَتْ تُؤْذِيهِ فَلْيَقُصَّهَا وَلْيُطْعِمْ مَكَانَ كُلِّ ظُفُرٍ قَبْضَةً مِنْ طَعَامٍ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فی مُحْرِمٍ قَلَّمَ ظُفُراً.

قَالَ: يَتَصَدَّقُ بِكَفِّ مِنْ طَعَامٍ.

قَالَ: ظُفُرَيْنِ. قَالَ: كَفَّيْنِ.

۲- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود محرم نمی تواند حجامت کند مگر این که بترسد توانایی بر خواندن نماز نداشته باشد.

۳- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرمی که ناخن هایش بلند می شود یا بعضی از آنها می شکند و او را آزار می دهد (آیا می تواند بچیند؟).

فرمود: اگر بتواند نباید آنها را بچیند ولی اگر موجب آزار او شود بایستی آنها را بچیند و در مقابل هر ناخنی مشتی از طعام اطعام کند.

٤- راوی گوید: امام باقر علیه السلام درباره محرمی که ناخن خود را بچیند فرمود:

مشتی از طعام صدقه دهد.

راوی عرض کرد: دو ناخن باشد چطور؟

فرمود: دو مشت از طعام.

ص: ١٦٨

قُلْتُ: ثَلَاثَةً.

قَالَ: ثَلَاثَةِ أَكُفٍّ.

قُلْتُ: أَرْبَعَةً؟ قَالَ: أَرْبَعَةِ أَكُفٍّ.

قُلْتُ: خَمْسَةً؟

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ يُهَرِيقُهُ، فَإِنْ قَصّ عَشَرَةً أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ إِلّا دَمٌ يُهَرِيقُهُ

٥- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ حَسَنِ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ هَاشِمِ بْنِ الْمُثَنّى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَلّمَ الْمُحْرِمُ أَظْفَارَ يَدَيْهِ وَ رِجْلَيْهِ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ، فَعَلَيْهِ دَمٌ وَاحِدٌ وَإِنْ كَانَتَا مُتَفَرّقَتَيْنِ فَعَلَيْهِ دَمَانِ.

راوی گوید عرض کردم: سه ناخن چطور؟

فرمود: سه مشت از طعام.

عرض کردم:چهار ناخن چطور؟

فرمود: چهار مشت از طعام.

عرض کردم: پنج ناخن چطور؟

فرمود: بایستی یک قربانی کند پس اگر ده ناخن یا بیشتر از آن را بچیند فقط یک قربانی بر عهده اوست.

٥- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی محرم ناخنهای دست و پایش را یک جا بچیند بر او یک قربانی است و اگر جداگانه باشد بر او دو قربانی است.

ص: ١٦٩

٦- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُقَلِّمَ أَظْفَارَهُ عِنْدَ إِحْرَامِهِ.

قَالَ: يَدَعُهَا.

قُلْتُ: فَإِنّ رَجُلاً مِنْ أَصْحَابِنَا أَفْتَاهُ بِأَنْ يُقَلّمَ أَظْفَارَهُ وَ يُعِيدَ إِحْرَامَهُ فَفَعَلَ.

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ يُهَرِيقُهُ.

٧- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِالله علیه السلام قَالَ:

لا يَأْخُذِ الْمُحْرِمُ مِنْ شَعْرِ الْحَلَالِ.

٨- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

مَنْ حَلَقَ رَأْسَهُ أَوْ نَتَفَ إِبْطَهُ نَاسِياً أَوْ سَاهِياً أَوْ جَاهِلاً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ مَنْ فَعَلَهُ مُتَعَمّداً فَعَلَيْهِ دَمٌ.

٦- اسحاق بن عمّار گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم مردی که از روی فراموشی در حال احرام ناخن هایش را بچیند (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: آنها را رها می کند.

عرض کردم یکی از اصحاب ما فتوا داده که ناخن هایش را بچیند و احرامش را اعاده کند. او نیز این کار را انجام داد.

فرمود: بر او قربانی است.

٧- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

محرم نباید موی غیر محرم را بچیند.

۸- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هر که سر یا موی زیر بغل خود را از روی فراموشی یا سهو یا ناآگاهی بتراشد، چیزی بر عهده او نیست و کسی که از روی عمد انجام دهد بر عهده اوست که یک قربانی نماید.

ص: ۱۷۰

۹- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِنْ نَتَفَ الْمُحْرِمُ مِنْ شَعْرِ لِحْيَتِهِ وَ غَيْرِهَا شَيْئاً فَعَلَيْهِ أَنْ يُطْعِمَ مِسْكِيناً فِي يَدِهِ.

۱۰- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنِ الْمُفَضّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثِ الْمُرَادِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الرّجُلِ يَتَنَاوَلُ لِحْيَتَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَيَعْبَثُ بِهَا فَيَنْتِفُ مِنْهَا الشّاقَاتِ يَبْقَيْنَ فِي يَدِهِ خَطَأً أَوْ عَمْداً.

قَالَ: لا يَضُرُّهُ.

۱۱- أَحْمَدُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

إِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمْ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ أَوْ لِحْيَتِهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَسَقَطَ شَيْءٌ مِنَ الشّعْرِ فَلْيَتَصَدّقْ بِكَفّيْنِ مِنْ كَعْكٍ أَوْ سَوِيقٍ.

۹- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه محرم چیزی از موی ریشش و یا غیر آن را بکند بر اوست که مسکینی را با دستش اطعام نماید.

۱۰- لیث مرادی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرمی که ریش خود را می جود و با آن بازی می کند پس چند تار موی آن کنده شده در دستش می ماند این کار از روی عمد یا سهو انجام پذیرد چه حکمی دارد؟

فرمود: ضرری به او نمی رساند.

۱۱- هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی یکی از شما در حال احرام دستش را بر سر یا ریش خود بگذارد و چیزی از مو بیافتد بایستی پس دو مشت کعک یا سویق صدقه دهد.

ص: ۱۷۱

بخش نود و ششم

اشاره

(۹۶)

بَابُ الْمُحْرِمِ يُلْقِي الدَّوَابَّ عَنْ نَفْسِهِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ:

سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ قَمْلَةً وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: بِئْسَ مَا صَنَعَ!

قَالَ: فَمَا فِدَاؤُهَا؟

قَالَ : لا فِدَاءَ لَهَا.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام: مَا تَقُولُ فِي مُحْرِمٍ قَتَلَ قَمْلَةً؟

قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ فِي الْقَمْلِ، وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَتَعَمَّدَ قَتْلَهَا.

حکم محرمی که جانوران را از خود دور می کند

۱- ابی جارود گوید: مردی از امام باقر علیه السلام پرسید: کسی که در حال احرام شپشی را کشت چه حکمی دارد؟

فرمود: چه کار بدی کرده است!

گفت: فداء و کفاره آن چیست؟

فرمود: برای او فداء و کفاره ای نیست.

۲- معاویة بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: نظر شما درباره محرمی که شپشی را می کشد چیست؟

فرمود: در این مورد چیزی بر عهده نیست و سزاوار نیست که از روی عمد به کشتن آن اقدام کند.

ص: ۱۷۲

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

لا يَرْمِي الْمُحْرِمُ الْقَمْلَةَ. مِنْ ثَوْبِهِ، وَ لا مِنْ جَسَدِهِ مُتَعَمِّداً، فَإِنْ فَعَلَ شَيْئاً مِنْ ذلِكَ فَلْيُطْعِمْ مَكَانَهَا طَعَاماً.

قُلْتُ: كَمْ؟

قَالَ: كَفّاً وَاحِداً.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: أَ رَأَيْتَ إِنْ وَجَدْتُ عَلَيّ قُرَاداً أَوْ حَلَمَةٌ أَطْرَحُهُمَا؟

قَالَ: نَعَمْ وَصَغَارٌ لَهُمَا، إِنَّهُمَا رَقِيَا فِي غَيْرِ مَرْقَاهُمَا.

٣- حسين بن ابى علا گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

محرم نبايد از روى عمد شپش را از لباس و بدن خود دور كند و اگر اين كار را انجام داد پس در ازاى آن بايستى اطعام كند.

عرض كردم چقدر؟

فرمود: يک مشت.

٤- عبد الله بن سنان گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: اگر در حال احرام در بدن خود كنه اى و يا كرمى ببينم مى توانم آنها را دور كنم؟

فرمود: آرى، براى خوار ساختن آنها؛ چرا كه آنها در جايى بر آمده اند كه جايشان نيست.

ص: ١٧٣

بخش نود و هفتم

اشاره

(۹۷)

بَابُ مَا يَجُوزُ لِلْمُحْرِمِ قَتْلُهُ وَ مَا يَجِبُ عَلَيْهِ فِيهِ الْكَفَّارَةُ.

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كُلُّ مَا خَافَ الْمُحْرِمُ عَلَى نَفْسِهِ مِنَ السِّبَاعِ وَ الْحَيَّاتِ وَ غَيْرِهَا فَلْيَقْتُلْهُ، فَإِنْ لَمْ يُرِدْكَ فَلَا تُرِدْهُ.

۲- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَحْرَمْتَ فَاتَّقِ قَتْلَ الدَّوَابِّ كُلِّهَا إِلَّا الْأَفْعَى وَ الْعَقْرَبَ وَ الْفَأْرَةَ، فَإِنَّهَا تُوهِي السِّقَاءَ وَ تُحْرِقُ عَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ، وَ أَمَّا الْعَقْرَبُ، فَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم مَدَّ يَدَهُ إِلَى الْحَجَرِ فَلَسَعَتْهُ عَقْرَبٌ فَقَالَ: «لَعَنَكِ اللَّهُ لَا بَرّاً تَدَعِينَ وَ لَا فَاجِراً».

چیزهایی که کشتن آنها برای محرم جایز است و چیزهایی که کفاره آور است

۱- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

از جانداری که محرم بر جان خود بترسد - از درندگان مارها و غیر آن... - می تواند آن را بکشد و اگر جانوری با تو کاری نداشته باشد تو نیز با آن کاری نداشته باش.

۲- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

آن گاه که محرم شدی از کشتن تمام جنبنده ها بپرهیز مگر مار افعی، عقرب و موش زیرا موش خیک را پاره کرده و خانه را بر اهلش آتش می زند در مورد عقرب؛ پس پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم

دستش را بر سنگی دراز کرد عقربی دستش را نیش زد حضرتش فرمود: خدا تو را لعنت کند خوب و بد را رها نمی گذاری.

ص: ۱۷٤

وَ الْحَيَّةُ إِذَا أَرَادَتْكَ فَاقْتُلْهَا، فَإِنْ لَمْ تُرِدْكَ فَلَا تُرِدْهَا، وَ الْكَلْبُ الْعَقُورُ وَ السَّبُعُ إِذَا أَرَادَاكَ فَاقْتُلْهُمَا، فَإِنْ لَمْ يُرِيدَاكَ فَلَا تُرِدْهُمَا وَ الْأَسْوَدُ الْغَدِرُ فَاقْتُلْهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ ارْمِ الْغُرَابَ رَمْيَا وَ الْحِدَأَةَ عَلَى ظَهْرِ بَعِيرِكَ.

۳- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُقْتَلُ فِي الْحَرَمِ وَ الْإِحْرَامِ الْأَفْعَى وَ الْأَسْوَدُ الْغَدِرُ وَ كُلُّ حَيَّةٍ سَوْءٍ وَ الْعَقْرَبُ وَ الْفَأْرَةُ وَ هِيَ الْفُوَيْسِقَةُ وَ يُرْجَمُ الْغُرَابُ وَ الْحِدَأَةُ رَجْمَا، فَإِنْ عَرَضَ لَكَ لُصُوصٌ امْتَنَعْتَ مِنْهُمْ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يَقْتُلُ الْمُحْرِمُ الزُّنْبُورَ وَ النَّسْرَ وَ الْأَسْوَدَ الْغَدِرَ وَ الذِّئْبَ وَ مَا خَافَ أَنْ يَعْدُوَ عَلَيْهِ وَ قَالَ: الْكَلْبُ الْعَقُورُ هُوَ الذِّئْبُ.

و هر گاه ماری به طرف تو آمد آن را بکش اگر با تو کاری نداشت تو به آن کار نداشته باش اگر سگ ها و درندگان به تو حمله کردند، آنها را از پای درآور و اگر با تو کاری نداشتند با آنها کاری نداشته باش مار سیاه پلید است پس در هر جایی آن را بکش و به کلاغ و زغن (که نوعی کلاغ است) سنگ بزن، گرچه بر پشت شترت باشد.

۳- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حیوانات ذیل در محدوده حرم و در حال احرام کشته می شوند مار افعی، مار سیاه پلید و هر مار پلیدی، عقرب و موش - که همان فویسه نام دارد - و کلاغ و زغن با سنگ زده می شوند. پس اگر با دزدانی رو به روی شدی از آنها امتناع کن.

٤ - ابراهیم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

محرم می تواند زنبور کرکس، مار سیاه پلید، گرگ - و هرچه را که می ترسد با او دشمنی کند - بکشد.

فرمود: سگ درنده همان گرگ است.

ص: ١٧٥

٥- عَلِيّ بْنَ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَن عَنِ مُحْرِمٍ قَتَلَ زُنْبُوراً.

قَالَ: إِنْ كَانَ خَطَأً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

قُلْتُ: لا، بَلْ مُتَعَمِّداً.

قَالَ: يُطْعِمُ شَيْئاً مِنْ طَعَامٍ.

قُلْتُ: إِنَّهُ أَرَادَنِي.

قَالَ: كُلِّ شَيْءٍ أَرَادَكَ فَاقْتُلْهُ.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنّى بْنِ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ:

سَأَلْتَهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَقْتُلُ الْبَقّةَ وَ الْبُرْغُونَ إِذَا أَرَادَاهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

۵- معاویه گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که زنبوری را می کشد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: اگر از روی اشتباه باشد چیزی بر او نیست.

گفتم نه، بلکه از روی عمد بوده است؟

فرمود: چیزی از غذا اطعام می کند.

گفتم زنبور می خواست مرا نیش بزند؟

فرمود: هر چه تو را قصد کرد پس آن را بکش.

٦- زراره گوید: از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم: آیا محرم می تواند پشه و کک را که آزارش می دهند بکشد؟

فرمود: آری.

ص: ١٧٦

٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

الْيَرْبُوعُ وَ القَنْفُذُ وَ الضَّبُ إِذَا أَمَاتَهُ الْمُحْرِمُ فِيهِ جَدْيٌ وَ الْجَدْيُ خَيْرٌ مِنْهُ وَ إِنَّمَا قُلْتُ هَذَا كَيْ يَنْكُلَ عَنْ صَيْدِ غَيْرِهَا.

٨- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْقُرَادَ لَيْسَ مِنَ الْبَعِيرِ وَ الْحَلَمَةُ مِنَ الْبَعِيرِ بِمَنْزِلَةِ الْقَمْلَةِ مِنْ جَسَدِكَ فَلَا تُلْقِهَا وَأَلْقِ الْقُرَادَ.

٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُقَرِّدُ الْبَعِيرَ.

قَالَ: نَعَمْ وَ لَا يَنْزِعِ الْحَلَمَةَ.

٧- مسمع :گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه محرم كلا نگوش خارپشت و سوسمار را بكشد بايستى يک بزغاله قربانى كند و بزغاله از آن (مقتول) برتر است و اين را گفتم تا محرم از صيد غير آن سرباز زند.

٨- حريز گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

كنه از شتر پديد نمى آيد و حَلَمه (نوعى كرمک) از شتر مانند شپش از بدن توست. پس آن را از شتر نينداز و كنه را بينداز.

٩- ابو بصير گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم محرم مى تواند كنه را از شتر دور كند؟

فرمود: آرى، ولى حلمه (نوعى كرمک) را دور نكند.

ص: ١٧٧

١٠- أَحْمَدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْعَرْزَمِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيّ عليهم السلام قَالَ:

يَقْتُلُ الْمُحْرِمُ كُلّ مَا خَشِيَهُ عَلَى نَفْسِهِ.

١١- أَحْمَدُ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ: لا بَأْسَ بِقَتْلِ الْبُرْغُوثِ وَ الْقَمْلَةِ وَالْبَقّةِ فِي الْحَرَم.

١٢- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ أَحْمَدَ الْقَلَانِسِيّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: حَكَكْتُ رَأْسِي وَأَنَا مُحْرِمٌ فَوَقَعَتْ قَمْلَةٌ.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: أَيّ شَيْءٍ تَجْعَلُ عَلَيّ فِيهَا؟

قَالَ: وَ مَا أَجْعَلُ عَلَيْكَ فِي قَمْلَةٍ، لَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ.

١٠- عبدالرحمان عرزمی گوید امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که حضرت علی علیه السلام فرمود:

محرم هر جانداری را که بر جان خویش احساس خطر کند، می تواند به قتل برساند.

١١- زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که انسان در حرم کک، شپش و پشه را بکشد.

١٢- ابو جارود گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم سرم را در احرام خاراندم پس شیشی افتاد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد.

گفتم: چه کفاره ای بر عهده من - به خاطر این کار - قرار می دهی؟

فرمود: در مورد شپش چیزی بر عهده تو قرار نمی دهم. چیزی در آن برتو لازم نیست.

ص: ۱۷۸

بخش نود و هشتم

اشاره

(۹۸)

بَابُ الْمُحْرِمِ يَذْبَحُ وَ يَحْتَشُ لِدَابَّتِهِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُحْرِمُ يَذْبَحُ الْبَقَرَ وَ الْإِبِلَ وَ الْغَنَمَ وَ كُلَّ مَا لَمْ يَصُفَّ مِنَ الطَّيْرِ، وَ مَا أُحِلَّ لِلْحَلَالِ أَنْ يَذْبَحَهُ فِي الْحَرَمِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فِي الْحِلِّ وَ الْحَرَمِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمُحْرِمُ يَنْحَرُ بَعِيرَهُ أَوْ يَذْبَحُ شَاتَهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ لَهُ: يَحْتَشُ لِدَابَّتِهِ وَ بَعِيرِهِ.

قَالَ: نَعَمْ وَ يَقْطَعُ مَا شَاءَ مِنَ الشَّجَرِ حَتَّى يَدْخُلَ الْحَرَمَ، فَإِذَا دَخَلَ الْحَرَمَ فَلَا.

حکم محرمی که ذبح می کند و برای چهارپای خود علف می چیند

۱- حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

محرم می تواند گاو، شتر، گوسفند، پرندگان حلال گوشت و آن چه را که بر غیر محرم حلال است در حرم در حال احرام - خواه در حرم و خواه بیرون آن باشد - ذبح کند.

۲- عبدالله بن سنان گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: محرم می تواند شترش را نحر کند و یا گوسفندش را ذبح نماید؟

فرمود: آری.

گفتم: محرم می تواند برای چهارپا و شترش علف بچیند؟

فرمود: آری و آن چه خواست می تواند از درخت ببرد تا وارد حرم شود، چون وارد حرم شد دیگر نمی تواند چنین نماید.

بخش نود و نهم

اشاره

(۹۹)

بَابُ أَدَبِ الْمُحْرِمِ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا حَكَكْتَ رَأْسَكَ فَحُكَهُ حَكّاً رَفِيقاً وَ لا تَحُكَّنّ بِالْأَظْفَارِ، وَ لَكِنْ بِأَطْرَافِ الْأَصَابِع.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا اغْتَسَلَ الْمُحْرِمُ مِنَ الْجَنَابَةِ يَصُبُّ عَلَى رَأْسِهِ وَ يُمَيِّرُ الشَّعْرَ بِأَنَامِلِهِ بَعْضَهُ مِنْ بَعْضٍ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

آداب محرم

۱- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه سرت را خاریدی آن را آهسته بخاران و با ناخن هایت مخاران ولی با اطراف انگشتانت بخاران.

۲- حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه محرم می خواهد از جنابت غسل کند بایستی آب را بر سرش ریخته و با انگشتانش لای موهایش را وا کند.

۳- یکی از اصحاب ما گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

لا بَأْسَ بِأَنْ يَدْخُلَ الْمُحْرِمُ الْحَمّامَ، وَ لَكِنْ لَا يَتَدَلّكَ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

لَيْسَ لِلْمُحْرِمِ أَنْ يُلَبِّي مَنْ دَعَاهُ حَتّى يَقْضِيَ إِحْرَامَهُ.

قُلْتُ: كَيْفَ يَقُولُ؟

قَالَ: يَقُولُ: يَا سَعْدُ!

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ

اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَتَخَلَّلُ. قَالَ: لا بَأْسَ.

ایرادی نیست که محرم به حمام رود، ولی نباید کیسه بمالد.

٤- حماد بن عیسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

محرم نمی تواند در پاسخ کسی لبیک بگوید تا وقتی که احرامش را به پایان برساند.

راوی گوید: گفتم: پس چگونه پاسخ دهد؟

فرمود: بگوید: ای سعادتمند!

٥- عمّار بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که خلال می کند پرسیدم ؟

فرمود: ایرادی ندارد.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةً قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمُحْرِمُ يَسْتَاكُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَإِنْ أَدْمَى يَسْتَاكُ.

قَالَ: نَعَمْ هُوَ مِنَ السُّنَّةِ.

وَ رُوِيَ أَيْضاً: لا يَسْتَدْمِي.

٧- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلَ يَحُلُّ الْمُحْرِمُ رَأْسَهُ وَ يَغْتَسِلُ بِالْمَاءِ؟

قَالَ: يَحُلُّ رَأْسَهُ مَا لَمْ يَتَعَمَّدْ قَتْلَ دَابَّةٍ، وَ لا بَأْسَ بِأَنْ يَغْتَسِلَ بِالْمَاءِ وَ يَصُبُّ عَلَى رَأْسِهِ مَا لَمْ يَكُنْ مُلَبِّداً، فَإِنْ كَانَ مُلَبِّداً فَلَا يُفِيضُ عَلَى رَأْسِهِ الْمَاءَ إِلَّا مِنَ

الاختلام.

٦- معاوية بن عمار گويد به امام صادق عليه السلام گفتم: آيا محرم ميتواند مسواک بزند؟

فرمود: آری.

گفتم: پس اگر از لثه هايش خون بيايد چه حكمی دارد؟

فرمود: آری، مسواک زدن از سنت است.

هم چنين روايت شده است سعی كند از لثه هايش خون نياورد.

۷- زراره گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا محرم می تواند سر خود را بخاراند و با آب بشوید؟

فرمود: می تواند سرش را بخاراند در صورتی که قصد کشتن جانوری را نداشته باشد و ایرادی ندارد که با آب سرش را بشوید و آب را بر سر خود بریزد در صورتی که موهایش بهم چسبیده نباشد. پس اگر چنین باشد فقط در غسل از احتلام می تواند بر سرش آب بریزد.

ص: ۱۸۲

۸- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

يُكْرَهُ الِاحْتِبَاءُ لِلْمُحْرِمِ، وَ يُكْرَهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي حَلَّالٍ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلَيْنِ اقْتَتَلَا وَهُمَا مُحْرِمَانِ.

قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! بِئْسَ مَا صَنَعَا.

قُلْتُ: قَدْ فَعَلَا فَمَا الَّذِي يَلْزَمُهُمَا؟

قَالَ: عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا دَمٌ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُصَارِعُ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ؟

۸- حماد بن عثمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

احتباء (جمع کردن پشت پای ساق ها در لباس) بر محرم و در مسجد الحرام مکروه است.

۹- ابو حلال رازی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد ستیز دو محرم پرسیدم؟

فرمود: سبحان الله چه کار بدی کردند!

گفتم: مرتکب چنین عملی شده اند چه چیزی بر ذمه آنهاست؟

فرمود: بر هر کدام از آنها یک قربانی است.

۱۰- علی بن جعفر گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا شایسته است که محرم کشتی بگیرد؟

قَالَ: لا يَصْلُحُ لَهُ مَخَافَةَ أَنْ يُصِيبَهُ جِرَاحٌ أَوْ يَقَعَ بَعْضُ شَعْرِهِ.

۱۱- أبو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي الْكُوفِي عَنِ الْعَبّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْن جَبَلَةَ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ:

سَأَلَ أَبُو عَبْدِ الرّحْمَانِ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يُعَالِجُ دَبَرَ الْجَمَلِ.

قَالَ: فَقَالَ: يُلْقِي عَنْهُ الدّوَابّ وَ لَا يُدْمِيهِ.

۱۲- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَكُونُ بِهِ الْجَرَبُ فَيُؤْذِيهِ.

قَالَ: يَحْكُهُ، فَإِنْ سَالَ مِنْهُ الدَّمُ فَلَا بَأْسَ.

فرمود: خوب نیست چرا که بیم آن می رود که دچار جراحتی شود یا از مویش کنده شود.

۱۱- عبد الله بن سعید گوید: ابو عبدالرحمان از امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که زخم پشت شتر را معالجه می کند پرسید؟

فرمود: حشرات را از او دور کنند به گونه ای که خون آلود نشود.

۱۲- عمار بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که مبتلا به بیماری جَرَب است و بیماری او را اذیت می کند چه حکمی دارد؟

فرمود: می تواند آن را بخاراند و اگر خون هم جاری شود، ایرادی ندارد.

ص: ۱۸٤

بخش صدم

اشاره

(۱۰۰)

بَابُ الْمُحْرِمِ يَمُوتُ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام فِي الْمُحْرِمِ يَمُوتُ قَالَ:

يُغَسَّلُ وَ يُكَفَّنُ وَ يُغَطَّى وَجْهُهُ وَ لا يُحَنَّطُ، وَ لا يُمَسُّ شَيْئاً مِنَ الطِّيبِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَمُوتُ.

قَالَ: يُغَسَّلُ وَ يُكَفَّنُ بِالثِّيَابِ كُلِّهَا يُصْنَعُ بِهِ كَمَا يُصْنَعُ بِالْمُحِلِّ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يُمَسُّ الطِّيب.

۳- مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

حکم محرمی که از دنیا برود

۱- ابن ابو حمزه گوید: امام کاظم علیه السلام درباره محرمی که بمیرد فرمود:

او غسل و کفن گردد و صورتش پوشیده می شود حنوط نمی شود و معطر نمی گردد.

۲- سماعه نیز گوید از حضرتش دربارۀ محرمی که بمیرد پرسیدم.

فرمود: او غسل داده می شود و همۀ تنش با پارچه کفن می شود و همه احکامی که برای مرده غیر محرم اجرا می شود برای او نیز اجرا می گردد مگر این که او معطر نمی گردد.

۳- ابو مریم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۱۸۵

تُوُفِّيَ عَبْدُ الرَّحْمَانِ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي بِالْأَبْوَاءِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ وَ مَعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهما السلام وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ وَعَبْدُ اللَّهِ وَ عُبَيْدُ اللَّهِ ابْنَا الْعَبَّاسِ، فَكَفَّنُوهُ وَ خَمَّرُوا وَجْهَهُ وَ رَأْسَهُ وَ لَمْ يُحَفِّطُوهُ.

وَ قَالَ: هَكَذَا فِي كِتَابِ عَلِيّ عليه السلام.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُحْرِمَةِ تَمُوتُ وَهِيَ طَامِثٌ.

قَالَ: لا تُمَسّ الطِّيبَ، وَإِنْ كُنّ مَعَهَا نِسْوَةٌ حَلَالٌ.

بخش صدو یکم

اشاره

(۱۰۱)

بَابُ الْمَحْصُورِ وَ الْمَصْدُودِ وَ مَا عَلَيْهِمَا مِنَ الْكَفَّارَةِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

عبدالرحمان بن حسن بن علی در حال احرام در ابواء از دنیا رفت، همراه او امام حسن و امام حسین علیهما السلام، عبدالله بن جعفر و عبدالله و عبیدالله دو فرزندان عباس بودند. پس او را کفن کردند صورت و سرش را پوشانیدند و بر او حنوط نکردند.

حضرت فرمود: در کتاب علی علیه السلام این گونه آمده است.

٤- اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم زن محرمی که در عادت ماهانه بمیرد چه حکمی دارد؟

فرمود: به او عطر زده نمی شود، گرچه همراه او زنان غیر محرم نیز باشند.

حکم کسی که به علت بیماری و یا مانع شدن دشمن نمی تواند وارد مکه شود و کفاره ای که بر این موارد تعلّق می گیرد

١- حمران گويد: امام باقر عليه السلام فرمود:

ص: ١٨٦

إِنّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم حِينَ صُدّ بِالْحُدَيْبِيَةِ قَصّرَ وَأَحَلّ وَ نَحَرَ ثُمّ انْصَرَفَ مِنْهَا وَ لَمْ يَجِبْ عَلَيْهِ الْحَلْقُ حَتّى يَقْضِيَ النُّسُكَ. فَأَمّا الْمَحْصُورُ فَإِنّمَا يَكُونُ عَلَيْهِ التّقْصِيرُ.

٢- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ مُحْرِمٍ انْكَسَرَتْ سَاقُهُ أَيّ شَيْءٍ يَكُونُ حَالُهُ وَأَيّ شَيْءٍ عَلَيْهِ؟

قَالَ: هُوَ حَلَالٌ مِنْ كُلّ شَيْءٍ.

قُلْتُ: مِنَ النّسَاءِ وَ الشّيَابِ وَ الطّيب.

فَقَالَ: نَعَمْ مِنْ جَمِيع مَا يَحْرُمُ عَلَى الْمُحْرِمِ.

وَ قَالَ: أَمَا بَلَغَكَ قَوْلُ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: حُلّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدَرِكَ الّذِي قَدّرْتَ عَلَيّ.

قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللّهُ مَا تَقُولُ فِي الْحَجّ؟

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم در روز حدیبیه از ورود به مگه ممنوع شد تقصیر نمود و از احرام بیرون آمد و شتر قربانی کرد آن گاه از همان جا بازگشت و بر او تراشیدن مو نیز واجب نشد تا مناسک را به پایان برساند.

ولی کسی که به جهت بیماری از ورود به مکه ممنوع شود، فقط باید تقصیر کند.

۲- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: محرمی که ساق پایش شکسته چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: او از همه چیز آزاد است.

گفتم: حتی در ارتباط با زنان لباس و عطر؟

فرمود: آری از همه آن چیزهایی که بر محرم حرام است.

و فرمود: آیا سخن امام صادق علیه السلام به تو نرسیده که فرمود مرا آزاد کن هنگامی که مرا بازداشتی به تدبیر خود که بر من تدبیر کردی.

عرض کردم: خداوند کارهای شمار اصلاح فرماید! نظر شما در مورد حج آن محر م چیست؟

ص: ۱۸۷

قَالَ: لَا بُدّ أَنْ يَحُجّ مِنْ قَابِلٍ.

قُلْتُ: أَخْبِرْنِي عَنِ الْمَحْصُورِ وَ الْمَصْدُودِ هُمَا سَوَاءٌ؟

فَقَالَ: لا.

قُلْتُ: فَأَخْبِرْنِي عَنِ النّبِيّ صلى الله عليه وسلم حِينَ صَدّهُ الْمُشْرِكُونَ قَضَى عُمْرَتَهُ؟

قَالَ: لا، وَ لَكِنّهُ اعْتَمَرَ بَعْدَ ذَلِكَ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْل بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

الْمَحْصُورُ غَيْرُ الْمَصْدُودِ المَحْصُورُ المَرِيضُ وَ الْمَصْدُودُ الَّذِي يَصُدُّهُ الْمُشْرِكُونَ كَمَا رَدُّوا رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ أَصْحَابَهُ لَيْسَ مِنْ مَرَضٍ وَ الْمَصْدُودُ تَحِلُّ لَهُ النِّسَاءُ وَ المَحْصُورُ لا تَحِلُّ لَهُ النِّسَاءُ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أُحْصِرَ فَبَعَثَ بِالْهَدْيِ.

فرمود: باید در سال آینده حج نماید.

عرض کردم: مرا از محصور (ممنوع به مرض) و مصدود (ممنوع به دشمن) آگاه کن، آیا حکم آنها برابر است؟

فرمود: نه.

عرض کردم: مرا از پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم آگاه کن آن گاه که مشرکان او را منع کردند، آیا عمره خود را قضاء کرد؟

فرمود: نه، ولی بعد از آن، عمره به جا آورد.

۳- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

محصور غیر از مصدود است. محصور مریض است و مصدود کسی است که مشرکان او را از مراسم حج باز دارند چنانچه رسول خدا صلی الله علیه وسلم و اصحابش را برگردانیدند و این در اثر بیماری نبوده است و زنان بر مصدود حلال می شوند ولی بر محصور حلال نمی شوند.

گوید: از حضرتش پرسیدم مردی محصور می شود و قربانی را با یارانش می فرستد.

قَالَ: يُوَاعِدُ أَصْحَابَهُ مِيعَاداً إِنْ كَانَ فِي الْحَجِّ فَمَحِلُّ الْهَدْيِ يَوْمُ النَّحْرِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ النَّحْرِ، فَلْيَقُصَّ مِنْ رَأْسِهِ وَ لا يَجِبُ عَلَيْهِ الْحَلْقُ حَتّى يَقْضِيَ الْمَنَاسِكَ، وَ إِنْ كَانَ فِي عُمْرَةٍ فَلْيَنْظُرْ مِقْدَارَ دُخُولِ أَصْحَابِهِ مَكَّةَ وَ السّاعَةَ الَّتِي يَعِدُهُمْ فِيهَا، فَإِذَا كَانَ تِلْكَ السّاعَةُ قَصَّرَ وَ أَحَلَّ.

وَ إِنْ كَانَ مَرِضَ فِي الطَّرِيقِ بَعْدَ مَا أَحْرَمَ فَأَرَادَ الرُّجُوعَ رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ وَ نَحَرَ بَدَنَةٌ أَوْ أَقَامَ مَكَانَهُ حَتّى يَبْرَأُ إِذَا كَانَ فِي عُمْرَةٍ وَ إِذَا بَرَأَ فَعَلَيْهِ الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ، وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ الْحَجُّ رَجَعَ أَوْ أَقَامَ فَفَاتَهُ الْحَجّ، فَإِنّ عَلَيْهِ الْحَجّ مِنْ قَابِلٍ، فَإِنّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِي عليهما السلام خَرَجَ مُعْتَمِراً فَمَرِضَ فِي الطَّرِيقِ.

فَبَلَغَ عَلِيّاً عليه السلام ذَلِكَ وَ هُوَ فِي الْمَدِينَةِ فَخَرَجَ فِي طَلَبِهِ فَأَدْرَكَهُ بِالسُّقْيَا وَ هُوَ مَرِيضٌ بِهَا فَقَالَ: يَا بُنَيّ مَا تَشْتَكِي؟

فَقَالَ: أَشْتَكِي رَأْسِي.

فرمود: با یارانش در جایی وعده می کند اگر در حج باشد قربانگاه در روز قربانی وعده گاه است، پس هنگامی که روز قربانی فرا رسید از سرش تقصیر می کند و تراشیدن سر بر او واجب نمی شود تا هنگامی که مناسک را به پایان برساند و اگر در عمره باشد به اندازه ورود یارانش به مکه منتظر می ماند و ساعتی که در آن با آنها وعده کرده، چون آن ساعت فرا رسید تقصیر می کند و از احرام بیرون می آید.

و اگر بعد از احرام در راه بیمار شد و خواست به سوی خانواده خویش برگردد، یک شتر قربانی کند و یا همان جا درنگ کند تا بهبود یابد و اگر در عمره باشد پس هنگامی که سالم شد بر اوست که عمره را به صورت وجوب انجام دهد و اگر بر عهده او حج باشد، چه برگردد و چه بماند حج از او فوت شده است و در سال آینده حج بر او واجب است. همانا امام حسین بن علی علیهما السلام برای عمره خارج شد و در راه بیمار شد خبر به علی علیه السلام – که در مدینه بود – رسید. حضرتش در پی آن حضرت بیرون آمد در «سقیا» – که در آن جا بیمار بود – به او رسید و فرمود: فرزندم کجای بدنت درد می کند؟

عرض کرد: سرم درد می کند.

ص: ۱۸۹

فَدَعَا عَلِيٌّ علیه السلام بِبَدَنَةٍ فَنَحَرَهَا وَ حَلَقَ رَأْسَهُ وَ رَدَّهُ إِلَى الْمَدِينَةِ، فَلَمَّا بَرَأَ مِنْ وَجَعِهِ اعْتَمَرَ.

قُلْتُ: أَرَأَيْتَ حِينَ بَرَأَ مِنْ وَجَعِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْعُمْرَةِ حَلَّتْ لَهُ النِّسَاءُ؟.

قَالَ: لا تَحِلُّ لَهُ النِّسَاءُ حَتَّى يَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

قُلْتُ: فَمَا بَالُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم حِينَ رَجَعَ مِنْ الْحُدَيْبِيَةِ حَلَّتْ لَهُ النِّسَاءُ وَ لَمْ يَطُفْ بِالْبَيْتِ.

قَالَ: لَيْسَا سَوَاءٌ كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه وسلم مَصْدُوداً وَ الْحُسَيْنُ علیه السلام مَحْصُوراً.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

إِذَا أُحْصِرَ الرَّجُلُ بَعَثَ بِهَدْيِهِ فَإِذَا أَفَاقَ وَوَجَدَ مِنْ نَفْسِهِ خِفَّةً فَلْيَمْضِ إِنْ ظَنَّ أَنَّهُ يُدْرِكُ النَّاسَ، فَإِنْ قَدِمَ مَكَّةَ قَبْلَ أَنْ يَنْحَرَ الْهَدْيَ فَلْيُقِمْ عَلَى إِحْرَامِهِ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْ جَمِيعِ الْمَنَاسِكَ وَ لِيَنْحَرْ هَدْيَهُ وَ لا شَيْءَ عَلَيْهِ وَإِنْ قَدِمَ مَكَّةَ وَ قَدْ نَحَرَ هَدْيَهُ، عَلَيْهِ الْحَجّ مِنْ قَابِلٍ أَوِ الْعُمْرَةَ.

علی علیه السلام شتری خواست و آن را قربانی کرد و سر امام حسین علیه السلام را تراشید و به مدینه برگردانید. و آن گاه که بهبود یافت عمره انجام داد.

عرض کردم: هنگامی که از درد بهبود یافت پیش از این که به سوی عمره بیرون رود آیا زنان بر او حلال می شود؟

فرمود: زنان بر او حلال نمی شود تا زمانی که کعبه را طواف کرده و مابین صفا و مروه سعی نماید.

عرض کردم: چگونه رسول خدا صلی الله علیه وسلم آن گاه که از حدیبیه برگشت زنان بر او حلال شدند در حالی که طواف کعبه نکرد؟

فرمود: این دو امر برابر نیستند پیامبر صلی الله علیه وسلم مصدود بود و امام حسین علیه السلام محصور.

٤- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

وقتی انسان محصور شد قربانی خود را می فرستد. پس اگر حالش بهتر شد و در خود احساس سبکی کرد به مکه برود اگر گمان می کند که مردم را در می یابد پس اگر پیش از این که قربانی نحر شود به مکه برسد، باید بر انجام اعمال احرام خود قیام کند تا از تمامی مناسک حج فارغ شود و قربانی خود را نحر کند و چیزی بر عهده او نیست و اگر بعد از نحر قربانی به مکه رسید بر اوست که در سال آینده حج یا عمره انجام دهد.

ص: ١٩٠

قُلْتُ: فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ مُحْرِمٌ قَبْلَ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَى مَكَّةَ.

قَالَ: يُحَجّ عَنْهُ إِنْ كَانَتْ حَجّةَ الْإِسْلَامِ، وَ يُعْتَمَرُ إِنّمَا هُوَ شَيْءٌ عَلَيْهِ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام أَنّهُ قَالَ فِي الْمَحْصُورِ وَ لَمْ يَسُقِ الْهَدْيَ.

قَالَ: يَنْسُكُ وَ يَرْجِعُ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ ثَمَنَ هَدْيٍ صَامَ.

٦- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُثَنّى عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا أُحْصِرَ الرَّجُلُ فَبَعَثَ بِهَدْيِهِ فَآذَاهُ رَأْسُهُ قَبْلَ أَنْ يَنْحَرَ هَدْيَهُ، فَإِنَّهُ يَذْبَحْ شَاةً فی الْمَكَانِ الَّذِي أُحْصِرَ فِيهِ أَوْ يَصُومُ أَوْ يَتَصَدَّقُ وَ الصَّوْمُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ وَ الصَّدَقَةُ عَلَى سِتَّةِ مَسَاكِينَ نِصْفُ صَاعَ لِكُلِّ مِسْكِينٍ.

۷- سَهْلٌ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

گفتم: اگر در حال احرام و پیش از رسیدن به مکه بمیرد چه می شود؟

فرمود: اگر حجة الاسلام باشد از جانب او حج و عمره به جا آورده می شود چون همان برگردن اوست.

۵- معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام درباره محصور به مرض که قربانی نفرستاده است فرمود:

قربانی می کند و باز می گردد و اگر مبلغ قربانی را نداشته باشد روزه می گیرد.

٦- زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه انسان محصور شد قربانی خود را به سوی مکه بفرستد و پیش از این که قربانی او ذبح شود سر درد او را آزار دهد پس او گوسفندی را در مکانی که محصور به مرض شده ذبح می کند یا روزه می گیرد یا صدقه می دهد و روزه سه روز است و صدقه بر شش مسکین که بر هریک نصف صاع صدقه می دهد.

۷- رفاعه گوید:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَشْتَرِطُ وَ هُوَ يَنْوِي الْمُتْعَةَ فَيُحْصَرُ هَلْ يُجْزِئُهُ أَنْ لَا يَحُجَّ مِنْ قابل؟

قَالَ: يَحُجُ مِنْ قَابِلٍ وَ الْحَاجُّ مِثْلُ ذَلِكَ إِذَا أُحْصِرَ.

قُلْتُ: رَجُلٌ سَاقَ الْهَدْيَ ثُمّ أُحْصِرَ.

قَالَ: يَبْعَثُ بِهَدْيِهِ.

قُلْتُ: هَلْ يَسْتَمْتِعُ مِنْ قَابِلٍ؟

فَقَالَ: لا، وَلَكِنْ يَدْخُلُ فِي مِثْلِ مَا خَرَجَ مِنْهُ.

۸- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ عَرَضَ لَهُ سُلْطَانٌ فَأَخَذَهُ ظَالِمَا لَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ قَبْلَ أَنْ يُعَرّفَ فَبَعَثَ بِهِ إِلَى مَكّةَ فَحَبَسَهُ فَلَمّا كَانَ يَوْمُ النّحْرِ خَلّى سَبِيلَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که به صورت مشروط محرم می شود در حالی که او نیت احرام به عمره تمتع می کند و محصور به مرض می شود آیا می تواند که در سال آینده حج را انجام ندهد؟

فرمود: سال آینده حج را انجام می دهد و حاجی همانند آن است هنگامی که محصور شود.

گفتم کسی که قربانی خود را همراه آورده سپس محصور به مرض شده وظیفهٔ او چیست؟

فرمود: قربانی خود را می فرستد.

گفتم: آیا او باید حج تمتع را در سال آینده انجام دهد؟

فرمود: نه اما داخل می شود در مثل آن چه که از آن خارج شده بود.

۸- فضل بن یونس گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کسی را پادشاه ستمگری در روز عرفه پیش از این که وقوف به عرفه کند دستگیر کرد و او را به مکه فرستاد و باز داشت کرد چون روز قربانی شد او را رها نمود، وظیفه او چیست؟

ص: ۱۹۲

قَالَ: يَلْحَقُ فَيَقِفُ بِجَمْعٍ ثُمَّ يَنْصَرِفُ إِلَى مِنًى فَيَرْمِي وَ يَذْبَحُ وَ يَحْلِقُ وَ لَا شَيْءٍ عَلَيْهِ.

قُلْتُ: فَإِنْ خَلَّى عَنْهُ يَوْمَ النَّفْرِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: هَذَا مَصْدُودٌ عَنِ الْحَجِّ إِنْ كَانَ دَخَلَ مَكَّةَ مُتَمَتِّعاً بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَلْيَطُفْ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً ثُمَّ يَسْعَى أُسْبُوعاً وَ يَحْلِقُ رَأْسَهُ وَ يَذْبَحُ شَاةً، فَإِنْ كَانَ مُفْرِداً لِلْحَجِّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ذَبْحٌ وَ لَا شَيْءٍ عَلَيْهِ.

۹- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِي عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

الْمَصْدُودُ يَذْبَحُ حَيْثُ صُدَّ وَ يَرْجِعُ صَاحِبُهُ فَيَأْتِي النِّسَاءَ وَ الْمَحْصُورُ يَبْعَثُ بِهَدْيِهِ وَ يَعِدُهُمْ يَوْماً فَإِذَا بَلَغَ الْهَدْيُ أَحَلَّ هَذَا فِي مَكَانِهِ.

قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ إِنْ رَدُّوا عَلَيْهِ دَرَاهِمَهُ وَ لَمْ يَذْبَحُوا عَنْهُ وَ قَدْ أَحَلَّ فَأَتَى النِّسَاءَ.

قَالَ: فَلْيُعِدْ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَلْيُمْسِكِ الآنَ عَنِ النِّسَاءِ إِذَا بَعَثَ.

فرمود: در منا به مردم ملحق می شود و در مشعر وقوف می کند، پس بر می گردد به منا و رمی می کند و قربانی نموده و سر می تراشد و چیزی بر او نیست.

گفتم: اگر روز کوچ از منا (روز دوازدهم) آزاد شود چه می کند؟

فرمود: این شخص مصدود به سبب دشمن از حج محروم است و اگر به قصد حج تمتع وارد مکه شده است بایستی هفت شوط به بیت طواف کند، هفت بار سعی بین صفا و مروه را انجام دهد، سرش را بتراشد گوسفند ذبح نماید و اگر به قصد حج افراد وارد مکه شده است قربانی بر ذمه ندارد و چیزی بر عهده او نیست.

۹- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

کسی که مصدود به سبب دشمن است باید قربانی ذبح کند از همان جا که ممنوع شده باز می گردد و می تواند از زنان بهره گیرد و کسی که به بیماری محصور شده است قربانی خود را می فرستد و با آن حاجیانی که قربانی او را به همراه می برند روز معینی قرار می گذارد وقتی قربانی به قربانگاه رسید محصور در مکانش از احرام بیرون می آید.

به امام علیه السلام العرض کردم: به نظر شما اگر آنها از جانب او قربانی نکنند و درهم های او را به او برگردانند در حالی که او به گمان قربانی کردن از احرام بیرون آمده و به نزد زنان رفته است، تکلیف چیست؟

فرمود: دوباره تکرار کند و چیزی بر عهده او نیست والآن که قربانی را فرستاد از زنان کناره گیرد.

ص: ۱۹۳

بخش صدو دوم

اشاره

(۱۰۲)

بَابُ الْمُحْرِمِ يَتَزَوَّجُ أَوْ يُزَوِّجُ وَ يُطَلِّقُ وَيَشْتَرِي الْجَوَارِيَ

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُحْرِمُ لا يَنْكِحُ وَ لا يُنْكِحُ وَ لا يَخْطُبُ وَ لا يَشْهَدُ النِّكَاحَ، وَ إِنْ نَكَحَ فَنِكَاحُهُ بَاطِلٌ.

٢- أَحْمَدُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ رَجُلاً مِنَ الْأَنْصَارِ تَزَوَّجَ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَأَبْطَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم نِكَاحَهُ.

٣- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

حکم محرمی که ازدواج می کند یا عقد ازدواج و طلاق جاری می کند و کنیز می خرد

١- یکی از اصحاب ما گوید: امام علیه السلام صادق فرمود:

محرم نمی تواند ازدواج کند برای دیگری عقد جاری سازد و از کسی خواستگاری نماید و نمی تواند شاهد عقد ازدواجی شود و اگر ازدواج کرد، ازدواجش باطل است.

٢- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی از انصار در حال احرام ازدواج کرد، رسول خدا صلی الله علیه وسلم نکاح او را باطل نمود.

٣- ابراهیم بن حسن :گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ١٩٤

إِنَّ الْمُحْرِمَ إِذَا تَزَوَّجَ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا ثُمَّ لَا يَتَعَاوَدَانِ أَبَداً.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

الْمُحْرِمُ لا يَتَزَوّجُ فَإِنْ فَعَلَ فَنِكَاحُهُ بَاطِلٌ.

٥- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

لا يَنْبَغِي لِلرّجُلِ الْحَلَالِ أَنْ يُزَوّجَ مُحْرِماً وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنّهُ لا يَحِلّ لَهُ.

قُلْتُ: فَإِنْ فَعَلَ فَدَخَلَ بِهَا الْمُحْرِمُ.

قَالَ: إِنْ كَانَا عَالِمَيْنِ، فَإِنّ عَلَى كُلّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَدَنَةٌ وَ عَلَى الْمَرْأَةِ إِنْ كَانَتْ مُحْرِمَةٌ بَدَنَةٌ، وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ مُحْرِمَةٌ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهَا إِلّا أَنْ تَكُونَ قَدْ عَلِمَتْ أَنّ الّذِي تَزَوّجَهَا مُحْرِمٌ، فَإِنْ كَانَتْ عَلِمَتْ ثُمّ تَزَوّجَتْهُ فَعَلَيْهَا بَدَنَةٌ.

هر گاه محرم ازدواج کند از همدیگر جدا می شوند و هرگز به همدیگر باز نمی گردند.

٤- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام می فرماید: محرم نباید ازدواج کند، چرا که نکاح او باطل است.

٥- سماعة بن مهران گوید: امام صادق فرمود: شایسته نیست فرد غیر محرم با محرمی ازدواج کند با این که می داند که این کار بر او حلال نیست.

گفتم: اگر ازدواج نمود و بر محرم دخول کرد (چه حکمی دارد؟)

فرمود: اگر هر دو از حکم آگاه بودند بر هر کدام یک شتر قربانی است و اگر زن محرم بود، قربانی شتر است و اگر محرم نبود چیزی بر عهده او نیست مگر این که بداند کسی که با او ازدواج کرده محرم بوده که در این صورت بر او قربانی شتر است.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

الْمُحْرِمُ يُطَلِّقُ وَ لا يَتَزَوَّجُ.

٧- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُطَلِّقُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

٨- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَشْتَرِي الْجَوَارِيَ وَ يَبِيعُ.

قَالَ: نَعَمْ.

٦- ابو بصير گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه می فرمود:

محرم می تواند طلاق دهد ولی نمی تواند ازدواج نمايد.

٧- حماد بن عثمان گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: آيا محرم می تواند زنش را طلاق دهد.

فرمود: آری.

٨- سعد بن سعد گويد: از امام رضا عليه السلام پرسيدم محرم می تواند به خريد و فروش كنيز بپردازد؟

فرمود: آری.

ص: ۱۹۶

بخش صدو سوم

اشاره

(۱۰۳)

بَابُ الْمُحْرِمِ يُوَاقِعُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَقْضِيَ مَنَاسِكَهُ أَوْ مُحِلّ يَقَعُ عَلَى مُحْرِمَةٍ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ غَشِيَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ.

قَالَ: جَاهِلَيْنِ أَوْ عَالِمَيْنِ.

قُلْتُ: أَجِبْنِي فِي الْوَجْهَيْنِ جَمِيعاً.

قَالَ: إِنْ كَانَا جَاهِلَيْنِ اسْتَغْفَرَا رَبَّهُمَا وَ مَضَيَا عَلَى حَجِّهِمَا وَلَيْسَ عَلَيْهِمَا شَيْءٌ، وَ إِنْ كَانَا عَالِمَيْنِ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا مِنَ الْمَكَانِ الَّذِي أَحْدَثَا فِيهِ وَ عَلَيْهِمَا بَدَنَةٌ وَ عَلَيْهِمَا الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ، فَإِذَا بَلَغَا الْمَكَانَ الَّذِي أَحْدَثَا فِيهِ فُرِّقَ بَيْنَهُمَا حَتَّى يَقْضِيَا نُسُكَهُمَا وَ يَرْجِعَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَصَابَا فِيهِ مَا أَصَابَا.

حکم محرمی که پیش از این که مناسک حجش را به پایان برساند بازنش همبستر شود و حکم غیر محرمی که بازن محرمه هم بستر می شود.

۱- زراره گوید: از امام علیه السلام پرسیدم مردی با زن محرمه اش همبستر شده (چه حکمی دارد؟)

فرمود: آیا هر دو از مسائل آگاه بودند یا نه؟

گفتم: هر دو صورت را پاسخ دهید.

فرمود: اگر ناآگاهانه این کار را انجام دادند از پروردگارشان استغفار کنند و از همان جا حج خود باقی می مانند و چیزی بر عهده آنها نیست و اگر آگاهانه انجام دادند از همان جا که آن کار را نموده اند از هم جدا شوند و بر هر کدام آنها یک شتر کفاره خواهد بود و بایستی حج را در سال آینده انجام دهند و هرگاه به همان مکان که آن کار را انجام داده اند برسند بین آنها جدایی می افتد تا مناسکشان را به پایان برسانند و به همان مکانی که آن کار را انجام داده بودند باز گردند.

ص: ۱۹۷

قُلْتُ: فَأَيُّ الْحَجَّتَيْنِ لَهُمَا؟

قَالَ: الْأُولَى الَّتِي أَحْدَثَا فِيهَا مَا أَحْدَثَا وَ الْأُخْرَى عَلَيْهِمَا عُقُوبَةٌ.

۲- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

مَعْنَى يُفَرَّقُ بَيْنَهُمَا أَيْ: لا يَخْلُوَانِ وَ أَنْ يَكُونَ مَعَهُمَا ثَالِثٌ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمُحْرِمِ يَقَعُ عَلَى أَهْلِهِ.

قَالَ: إِنْ كَانَ أَفْضَى إِلَيْهَا فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ، وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ أَفْضَى إِلَيْهَا فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى امْرَأَتِهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ؟

گفتم کدام حج برای آنها حساب می شود؟

فرمود حج اولی که در آن آن کار را کرده بودند و حج دیگری عقوبت بر آنهاست.

۲- ابان بن عثمان در روایت مرفوعه ای گوید امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) فرمود: منظور از جدایی ما بین آنها این است که (تنها نباشند) و شخص سومی همراه آنها باشد.

۳- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام درباره محرمی که با همسرش همبستر شود فرمود:

اگر با او کاری صورت داد بر اوست که یک شتر قربانی کند و در سال آینده حج انجام دهد و اگر با او کاری صورت نداد بر اوست که یک شتر قربانی کند و انجام حج در سال آینده لازم نیست.

از حضرتش پرسیدم مرد محرمی که با همسرش نزدیکی می کند چه حکمی دارد؟

ص: ۱۹۸

قَالَ: إِنْ كَانَ جَاهِلاً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ جَاهِلاً فَعَلَيْهِ سَوْقُ بَدَنَةٍ وَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ، فَإِذَا انْتَهَى إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي وَقَعَ بِهَا فُرِّقَ مَحْمِلُهُمَا فَلَمْ يَجْتَمِعَا فِي خِبَاءٍ وَاحِدٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَعَهُمَا غَيْرُهُمَا حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ.

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: رَجُلٌ وَقَعَ عَلَى أَهْلِهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: أَ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ؟

قَالَ: قُلْتُ: جَاهِلٌ؟

قَالَ: يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لا يَعُودُ وَلا شَيْءَ عَلَيْهِ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

فرمود: اگر از مسأله آگاه نبود چیزی بر او نیست و اگر آگاه بود بر اوست که یک نفر شتر برای قربانی ببرد و در سال آینده حج انجام دهد وقتی که به آن مکانی که در آن نزدیکی نموده بود برسند محمل آن دو از هم جدا می شود و با هم در یک خیمه نخواهند بود مگر این که فرد دیگری نیز با آن دو باشد تا هنگامی که قربانی به محلش برسد.

٤- زراره گوید به امام باقر علیه السلام عرض کردم کسی که در حال احرام با همسرش همبستر شود چه حکمی دارد؟

فرمود: آیا از روی ناآگاهی انجام داده یا آگاه به حکم بود؟

گفتم: از روی ناآگاهی.

فرمود: از خدا آمرزش خواهد و دیگر انجام ندهد و چیزی به عهده او نیست.

٥ - علی بن ابی حمزه گوید:

ص: ١٩٩

سألت أبا الحَسَنِ علیه السلام من محرم واقعَ أَهْلَهُ. فَقَالَ: قَدْ أَتَی عَظِیماً.

قُلْتُ: أَفْتِنِي.

فَقَالَ: اسْتَكْرَهَهَا أَوْ لَمْ يَسْتَكْرِهْهَا.

قُلْتُ: أَفْتِنِي فِيهِمَا جَمِيعاً.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ اسْتَكْرَهَهَا فَعَلَيْهِ بَدَنَتَانِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنِ اسْتَكْرَهَهَا فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ عَلَيْهَا بَدَنَةٌ وَ يَفْتَرِقَانِ مِنَ الْمَكَانِ الَّذِي كَانَ فِيهِ مَا كَانَ حَتَّى يَنْتَهِيَا إِلَى مَكَّةَ وَ عَلَيْهِمَا الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ لا بُدَّ مِنْهُ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِذَا انْتَهَيَا إِلَى مَكَّةَ فَهِيَ امْرَأَتُهُ كَمَا كَانَتْ. فَقَالَ: نَعَمْ هِيَ امْرَأَتُهُ كَمَا هِيَ فَإِذَا انْتَهَيَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي كَانَ مِنْهُمَا مَا كَانَ افْتَرَقَا حَتّى يُحِلّا فَإِذَا أَحَلّا فَقَدِ انْقَضَى عَنْهُمَا، فَإِنّ أَبِي كَانَ يَقُولُ ذَلِكَ.

از امام (ابا الحسن علیه السلام) درباره محرمی که با همسرش نزدیکی می کند پرسیدم.

فرمود: کار بزرگی انجام داده

عرض کردم حکم آن را برای من بیان فرمایید!

فرمود: آیا زن را به این کار مجبور کرده یا مجبور نکرده است؟

عرض کردم: حکم هر دو مورد را بفرمایید!

فرمود: اگر زنش را مجبور کرده دو شتر قربانی بر عهده اوست و اگر مجبور نکرده یک شتر بر عهده اوست و یک شتر بر عهده زن.

و از همان جایی که آن قضیه اتفاق افتاد جدا می شوند تا هنگامی که به مکه برسند و در سال آینده حجّی بر عهده آن دو است که باید انجام دهند.

علی بن ابی حمزه گوید: عرض کردم هنگامی که به مکه رسیدند، آن زن همسر اوست همان طور که پیشتر همسرش بود؟

فرمود: آری، او همسر آن مرد است همان طور که پیشتر همسرش بود. پس هنگامی که به آن جای مورد نظر رسیدند تا هنگامی که از احرام بیرون بیایند از هم جدا می شوند هرگاه از احرام بیرون آمدند، اعمالشان صورت پذیرفته است که پدر بزرگوارم چنین فرموده است.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى بَدَنَةٍ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا لِكُلِّ مِسْكِينٍ مُد، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَصِيَامُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْماً وَ عَلَيْهَا أَيْضاً كَمِثْلِهِ إِنْ لَمْ يَكُنِ اسْتَكْرَهَهَا.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ صَبَّاحَ الْحَذَاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام: أَخْبِرْنِي عَنْ رَجُلٍ مُحِلٍ وَقَعَ عَلَى أَمَةٍ لَهُ مُحْرِمَةٍ.

قَالَ: مُوسِرٌ أَوْ مُعْسِرٌ.

قُلْتُ: أَجِبْنِي فِيهِمَا.

قَالَ: هُوَ أَمَرَهَا بِالْإِحْرَامِ أَوْ لَمْ يَأْمُرْهَا أَوْ أَحْرَمَتْ مِنْ قِبَلِ نَفْسِهَا.

قُلْتُ: أَجِبْنِي فِيهِمَا.

و در روایت دیگری آمده است اگر توانایی قربانی شتر را ندارد به شصت مسکین اطعام کند. به هر مسکینی یک مد و اگر آن را هم نتوانست هیجده روز، روزه بگیرد و اگر مرد زن را مجبور به این کار کرده باشد همانند مرد باید کفاره دهد.

٦- اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم علیه السلام عرض کردم مردی که محل بوده و با کنیز محرمش همبستر شده چه حکمی دارد؟

فرمود: توانمند است یا ناتوان؟

گفتم: در هر دو مورد پاسخ فرمایید.

فرمود: آیا همان مرد به او دستور احرام داده یا نه از جانب خود محرم شده است؟

عرض کردم: در هر دو مورد پاسخ فرمایید.

ص: ۲۰۱

فَقَالَ: إِنْ كَانَ مُوسِراً وَ كَانَ عَالِماً أَنَّهُ لا يَنْبَغِي لَهُ وَكَانَ هُوَ الَّذِي أَمَرَهَا بِالْإِحْرَامِ فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ إِنْ شَاءَ بَقَرَةٌ وَ إِنْ شَاءَ شَاةٌ، وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ أَمَرَهَا بِالْإِحْرَامِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ مُوسِراً كَانَ أَوْ مُعْسِراً وَ إِنْ كَانَ أَمَرَهَا وَهُوَ مُعْسِرٌ فَعَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ أَوْ صِيَامٌ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ بَاشَرَ امْرَأَتَهُ وَ هُمَا مُحْرِمَانِ مَا عَلَيْهِمَا.

فَقَالَ: إِنْ كَانَتِ الْمَرْأَةُ أَعَانَتْ بِشَهْوَةٍ مَعَ شَهْوَةِ الرَّجُلِ، فَعَلَيْهِمَا الْهَدْيُ جَمِيعاً وَ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمَا حَتَّى يَفْرُغَا مِنَ الْمَنَاسِكِ وَ حَتَّى يَرْجِعَا إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي أَصَابَا فِيهِ مَا أَصَابَا، وَإِنْ كَانَتِ الْمَرْأَةُ لَمْ تُعِنْ بِشَهْوَةٍ وَ اسْتَكْرَهَهَا صَاحِبُهَا فَلَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ.

فرمود: اگر توانمند باشد و بداند نباید این کار را انجام دهد و خودش به کنیزش به احرام دستور داده باشد یک شتر بر عهده اوست و اگر خواست یک گاو و اگر خواست یک گوسفند ذبح کند و اگر او به کنیزش دستور احرام نداده چیزی بر عهده او نیست چه توانمند باشد چه ناتوان و اگر او به کنیز دستور به احرام داده بر عهده او قربانی گوسفند یا گرفتن روزه است.

۷- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی با همسرش نزدیکی می کند در حالی که هر دو در حال احرامند چه چیزی بر عهده آنها است؟

فرمود: اگر زن با شهوت خود به شهوت مرد کمک کند بر عهدهٔ آنها قربانی است و بین آنها جدایی می افتد تا هنگامی که از اعمال فارغ شوند و به آن جای مورد نظر برگردند. و اگر زن با شهوت خود کمک نکند و همسرش او را مجبور کند چیزی بر عهده آن زن نیست.

ص: ۲۰۲

بخش صدو چهارم

اشاره

(۱۰٤)

بَابُ الْمُحْرِمِ يُقَبِّلُ امْرَأَتَهُ وَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا بِشَهْوَةٍ أَوْ غَيْرِ شَهْوَةٍ أَوْ يَنْظُرُ إِلَى غَيْرِهَا.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ فَأَمْنَىٰ أَوْ أَمْذَى وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: لا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَلَكِنْ لِيَغْتَسِلْ وَ يَسْتَغْفِرْ رَبَّهُ وَإِنْ حَمَلَهَا مِنْ غَيْرِ شَهْوَةٍ فَأَمْنَى أَوْ أَمْذَى فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَإِنْ حَمَلَهَا أَوْ مَسَّهَا بِشَهْوَةٍ فَأَمْنَى أَوْ أَمْذَى فَعَلَيْهِ دَمٌ.

وَ قَالَ: فِي الْمُحْرِمِ يَنْظُرُ إِلَى امْرَأَتِهِ وَ يُنْزِلُهَا بِشَهْوَةٍ حَتَّى يُنْزِلَ.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

حکم محرمی که همسرش را می بوسد و به او با شهوت یا بدون شهوت نگاه می کند یا به زن دیگری نگاه می کند

۱- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که به همسرش نگاه کرده و از او منی و یا مذی بیرون آمده است چه حکمی دارد؟

فرمود: چیزی بر عهده او نیست ولی باید غسل کند و از پروردگارش طلب مغفرت نماید و اگر او را بدون شهوت در آغوش کشد و از او منی و یا مذی بیرون آید، باز چیزی بر عهده او نیست و اگر او را به شهوت به آغوش کشد یا لمس کند و منی و یا مذی از او بیرون آید بر عهده او یک قربانی است.

و حضرتش در مورد محرمی که به شهوت به همسرش نگاه کند تا انزال منی نماید فرمود:

بر او است یک شتر قربانی کند.

۲ - حلبی :گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

ص: ۲۰۳

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ یَضَعُ یَدَهُ مِنْ غَیْرِ شَهْوَةٍ عَلَی امْرَأَتِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ یُصْلِحُ عَلَیْهَا خِمَارَهَا وَ یُصْلِحُ عَلَیْهَا ثَوْبَهَا وَ مَحْمِلَهَا.

قُلْتُ: أَفَیَمَسُّهَا وَ هِیَ مُحْرِمَةٌ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: الْمُحْرِمُ یَضَعُ یَدَهُ بِشَهْوَةٍ.

قَالَ: یُهَرِیقُ دَمَ شَاةٍ.

قُلْتُ: فَإِنْ قَبَّلَ.

قَالَ: هَذَا أَشَدُّ يَنْحَرُ بَدَنَةٌ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَبَّلَ امْرَأَتَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ إِنْ لَمْ يُنْزِلْ وَ لَيْسَ لَهُ أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا.

محرم می تواند دستش را بدون شهوت به همسرش بزند؟

فرمود: آری می تواند روسری لباس و محمل او را درست کند.

گفتم: آیا می تواند به همسر محرمش دست بزند؟

فرمود: آری.

گفتم: اگر با شهوت به او دست بزند چطور؟

فرمود: باید یک راس گوسفند قربانی کند.

گفتم: اگر او را ببوسد چه؟

فرمود: این سخت تر است باید یک نفر شتر قربانی کند.

۳- علی بن ابی حمزه گوید از امام کاظم پرسیدم: مرد محرمی که همسرش را می بوسد چه حکمی دارد؟

فرمود: بر اوست یک نفر شتر قربانی کند، اگر چه انزال نشود و جایز نیست بر او از گوشت آن قربانی بخورد.

ص: ۲۰٤

٤- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ أَبِي سَيَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

يَا أَبَا سَيَّارٍ! إِنَّ حَالَ الْمُحْرِمِ ضَيِّقَةٌ فَمَنْ قَبَّلَ امْرَأَتَهُ عَلَى غَيْرِ شَهْوَةٍ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَعَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ، وَ مَنْ قَبَّلَ امْرَأَتَهُ عَلَى شَهْوَةٍ فَأَمْنَى فَعَلَيْهِ جَزُورٌ وَ يَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ، وَ مَنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ بِيَدِهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ عَلَى شَهْوَةٍ، فَعَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ نَظَرَ شَهْوَةٍ فَأَمْنَى، فَعَلَيْهِ جَزُورٌ وَ مَنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ أَوْ لازَمَهَا مِنْ غَيْرِ شَهْوَةٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يَعْبَثُ بِأَهْلِهِ حَتَّى يُمْنِيَ مِنْ غَيْرِ جِمَاعٍ أَوْ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَا ذَا عَلَيْهِمَا.

قَالَ: عَلَيْهِمَا جَمِيعاً الْكَفَّارَةُ مِثْلُ مَا عَلَى الَّذِي يُجَامِعُ.

٤- مسمع ابی سیّار گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود:

ای ابا سیار حکم محرم سخت است پس هر کس همسرش را بدون شهوت ببوسد بر اوست که یک راس گوسفند قربانی کند و هر محرمی همسرش را با شهوت ببوسد و انزال نماید بر اوست که یک نفر شتر قربانی کند و از پروردگارش طلب آمرزش نماید و هر که با شهوت دست به همسرش بزند پس بر اوست یک رأس گوسفند قربانی کند و هر که به شهوت بر همسرش نگاه کند و انزال نماید بر

اوست که یک شتر قربانی کند و هر که بدون شهوت به همسرش دست بزند و یا او را بدون شهوت در آغوش گیرد چیزی بر او نیست.

۵- عبد الرحمان حجّاج گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: محرمی که با همسرش بازی می کند و بی آن که نزدیکی کند انزال می نماید، یا این کار را در ماه رمضان می کند حکم آنها چگونه است؟

فرمود: هر دو باید کفاره دهند همانند کسی که نزدیکی کرده است (بایستی بنده آزاد کند و دو ماه پی در پی روز نیز و به شصت مسکین اطعام نماید).

ص: ۲۰۵

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنْ صَبَّاحِ الْحَذَّاءِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي مُحْرِمٍ عَبِتَ بِذَكَرِهِ فَأَمْنَى.

قَالَ: أَرَى عَلَيْهِ مِثْلَ مَا عَلَى مَنْ أَتَى أَهْلَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ بَدَنَةٌ وَ الْحَجّ مِنْ قَابِلٍ.

۷- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ نَظَرَ إِلَى سَاقِ امْرَأَةٍ فَأَمْنَى.

قَالَ: إِنْ كَانَ مُوسِراً فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ إِنْ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ فَبَقَرَةٌ وَ إِنْ كَانَ فَقِيرًا فَشَاةٌ. أَمَا إِنِّي لَمْ أَجْعَلْ ذَلِكَ عَلَيْهِ مِنْ أَجْلِ الْمَاءِ، وَ لَكِنْ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى مَا لَا يَحِلُّ لَهُ.

۸- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ فِي مُحْرِمٍ نَظَرَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَأَنْزَلَ قَالَ:

٦ - اسحاق بن عمار گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: نظر شما درباره محرمی که با آلت خود بازی می نماید و انزال می کند چیست؟

فرمود: حکم او مانند کسی است که در حال احرام با همسرش نزدیکی کند که یک شتر قربانی کند و حج در سال آینده انجام دهد.

۷- ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی که به ساق زنی نگاه می کند و انزال می نماید چه حکمی دارد؟

فرمود: اگر متمکن و ثروتمند است بایستی یک شتر قربانی کند و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند قربانی کند.

آگاه باشید! این حکم را به جهت انزال بر او قرار ندادم بلکه به این جهت است که به کسی نگاه کرده که بر او حلال نیست.

۸- معاویة بن عمار گوید:

حضرتش درباره محرمی که به غیر همسرش نگاه نمود و انزال کرد فرمود:

ص: ۲۰۶

عَلَيْهِ دَمٌ، لِأَنَّهُ نَظَرَ إِلَى غَيْرِ مَا يَحِلُّ لَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَنْزَلَ، فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لا يَعُدْ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبَانِ عُثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْن حَمَّادٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمُحْرِمِ يُقَبِّلُ أُمَّهُ؟

قَالَ: لا بَأْسَ هَذِهِ قُبْلَهُ رَحْمَةٍ، إِنَّمَا يُكْرَهُ قُبْلَةُ الشَّهْوَةِ.

۱۰- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قال:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ يَسْمَعُ كَلَامَ امْرَأَةٍ مِنْ خَلْفِ حَائِطٍ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَتَشَهّى حَتّى أَنْزَلَ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

بر اوست که قربانی کند زیرا که او به چیزی نگاه کرده که بر او حلال نیست و اگر انزال نکرده باید از خدا بترسد و این کار را تکرار نکند و بر عهده او چیزی نیست.

۹- حسین بن حماد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرم می تواند مادرش را ببوسد؟

فرمود: ایراد ندارد این بوسۀ رحمت است، تنها بوسۀ شهوت مکروه است.

۱۰- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی که سخن زنی را از پشت دیوار بشنود و شهوتی بشود تا انزال نماید چه حکمی دارد؟

فرمود چیزی بر عهده او نیست

۱۱- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام -

ص: ۲۰۷

فِي مُحْرِمٍ اسْتَمَعَ عَلَى رَجُلٍ يُجَامِعُ أَهْلَهُ فَأَمْنَى.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۱۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

فِي الْمُحْرِمِ تُنْعَتُ لَهُ الْمَرْأَةُ الْجَمِيلَةُ الْخِلْقَةِ فَيُمْنِي.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

بخش صدو پنجم

اشاره

(۱۰۵)

بَابُ الْمُحْرِمِ يَأْتِي أَهْلَهُ وَ قَدْ قَضَى بَعْضَ مَنَاسِكِهِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ مُحْرِزٍ قَالَ:

درباره محرمی که به صدای مردی که با همسرش جماع می کند گوش کند پس از او منی خارج شود فرمود:

چیزی بر عهده او نیست.

۱۲- سماعه گوید امام صادق علیه السلام درباره محرمی که نزد او زن زیبایی توصیف می شود و او انزال می کند فرمود:

چیزی بر عهده او نیست.

حکم محرمی که پس از انجام بخشی از مناسک حج با همسرش نزدیکی می کند

۱- سلمة بن محرز گوید: -

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى أَهْلِهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ طَوَافَ النِّسَاءِ. قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ فَخَرَجْتُ إِلَى أَصْحَابِنَا فَأَخْبَرْتُهُمْ.

فَقَالُوا: اتَّقَاكَ، هَذَا مُيَسِّرٌ قَدْ سَأَلَهُ عَنْ مِثْلِ مَا سَأَلْتَ فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بَدَنَةٌ.

قَالَ: فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَخْبَرْتُ أَصْحَابَنَا بِمَا أَجَبْتَنِي فَقَالُوا: اتَّقَاكَ هَذَا مُيَسِّرٌ قَدْ سَأَلَهُ عَمَّا سَأَلْتَ فَقَالَ لَهُ: عَلَيْكَ بَدَنَةٌ.

فَقَالَ: إِنَّ ذَلِكَ كَانَ بَلَغَهُ فَهَلْ بَلَغَكَ؟

قلت: لا.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى امْرَأَتِهِ يَوْمَ النَّحْرِ قَبْلَ أَنْ يَزُورَ.

قَالَ: إِنْ كَانَ وَقَعَ عَلَيْهَا بِشَهْوَةٍ فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَبَقَرَةٌ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی که با همسرش نزدیکی کرد در حالی که هنوز طواف نساء بجا نیاورده است چه حکمی دارد؟

فرمود: چیزی بر عهده او نیست.

من نزد اصحابمان رفتم و این سخن را به آنها باز گفتم.

آنها گفتند: حضرتش از تو تقیّه کرده است. همین میسر پیش از تو این پرسش را از حضرتش پرسید، حضرت به او پاسخ داد بر تو قربانی شتر است.

سلمة بن محرز گوید باز خدمت آن حضرت رفتم و گفتم: قربانت گردم! من به یاران خودم پاسخ شما را گفتم، گفتند از تو تقیّه کرده استف همین میسر است از آن چه تو پرسیدی او هم پرسید فرمود بر تو قربانی شتر است.

فرمود: که حکم آن به او رسیده بود آیا به تو هم رسیده است؟

گفتم نه.

فرمود: چیزی بر عهده تو نیست.

۲- ابو خالد قماط گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که روز قربان پیش از طواف خانه خدا با همسرش نزدیکی نموده است چه حکمی دارد؟ فرمود: اگر با شهوت با او نزدیکی نموده است بایستی یک شتر قربانی کند و اگر غیر آن بوده است یک گاو قربانی کند.

ص: ۲۰۹

قُلْتُ: أَوْ شَاءٌ؟

قَالَ: أَوْ شَاةٌ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ مُتَمَتِّعٍ وَقَعَ عَلَى أَهْلِهِ وَ لَمْ يَزُرْ.

قَالَ: يَنْحَرُ جَزُوراً وَ قَدْ خَشِيتُ أَنْ يَكُونَ قَدْ ثُلِمَ حَجُّهُ إِنْ كَانَ عَالِماً، وَ إِنْ كَانَ جَاهِلاً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى امْرَأَتِهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ طَوَافَ النِّسَاءِ.

قَالَ: عَلَيْهِ جَزُورٌ سَمِينَةٌ، وَ إِنْ كَانَ جَاهِلا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَبَّلَ امْرَأَتَهُ وَ قَدْ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ لَمْ تَطُفْ هِيَ.

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ يُهَرِيقُهُ مِنْ عِنْدِهِ.

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

گفتم: یا گوسفند؟

فرمود: یا گوسفند.

۳- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که حج تمتع را انجام می دهد و با همسرش نزدیکی می کند در صورتی که هنوز خانه کعبه را طواف نکرده بود؟

فرمود: یک شتر قربانی کند، همانا بیم آن دارم که حج او از بین رفته باشد، اگر از مسأله آگاه بود و اگر ناآگاه بود چیزی بر عهده او نیست.

باز از حضرتش پرسیدم مردی که پیش از طواف نساء با همسرش نزدیکی کرده چه حکمی دارد؟

فرمود: بر اوست که یک شتر فربه قربانی کند و اگر از مسأله آگاه نبوده چیزی بر عهده او نیست.

پرسیدم مردی که همسرش را می بوسد در حالی که خود طواف نساء را انجام داده، ولی همسرش هنوز طواف ننموده است.

فرمود: بر او یک قربانی است که از جانب خود قربانی کند.

٤- عیص بن قاسم گوید:

ص: ٢١٠

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ وَاقَعَ أَهْلَهُ حِينَ ضَحّى قَبْلَ أَنْ يَزُورَ الْبَيْتَ. قَالَ: يُهَرِيقُ دَماً.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا وَاقَعَ الْمُحْرِمُ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ الْمُزْدَلِفَةَ فَعَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.

٦- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَانَ عَلَيْهِ طَوَافُ النِّسَاءِ وَحْدَهُ فَطَافَ مِنْهُ خَمْسَةَ أَشْوَاطٍ ثُمّ غَمَزَهُ بَطْنُهُ فَخَافَ أَنْ يَبْدُرَهُ فَخَرَجَ إِلَى مَنْزِلِهِ فَنَفَضَ ثُمّ غَشِيَ جَارِيَتَهُ.

قَالَ: يَغْتَسِلُ ثُمّ يَرْجِعُ فَيَطُوفُ بِالْبَيْتِ طَوَافَيْنِ تَمَامَ مَا كَانَ قَدْ بَقِيَ عَلَيْهِ مِنْ طَوَافِهِ وَ يَسْتَغْفِرُ اللّهَ وَ لا يَعُودُ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی پس از قربانی با همسرش نزدیکی نمود که هنوز خانه کعبه را طواف نکرده بود چه حکمی دارد؟

فرمود: باید قربانی کند.

٥- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه مرد پیش از ورود به مشعر با همسرش نزدیکی کند بایستی در سال آینده حج به جا آورد.

٦- حمران بن اعین گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: مردی فقط طواف نساء برگردن اوست پس پنج شوط آن را انجام داد سپس دل درد گرفت و ترسید که چیزی از او بیرون آید به منزلش رفت خود را راحت نمود سپس با کنیزش جماع کرد چه حکمی دارد؟

فرمود: غسل می نماید و باز می گردد و دو شوط دیگر بیت را - که از طوافش مانده بود - انجام دهد و از خدا طلب آمرزش نموده و این کار را تکرار نمی کند.

ص: ٢١١

وَ إِنْ كَانَ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ فَطَافَ مِنْهُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ ثُمّ خَرَجَ فَغَشِيَ فَقَدْ أَفْسَدَ حَجّهُ وَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ يَغْتَسِلُ ثُمّ يَعُودُ فَيَطُوفُ أَسْبُوعاً.

٧- ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيّ عَنْ عُبَيْدِ بْن زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام، عَنْ رَجُلَ طَافَ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمّ سَعَى بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمّ غَمَزَهُ بَطْنُهُ فَخَرَجَ فَقَضَى حَاجَتَهُ ثُمّ غَشِيَ أَهْلَهُ.

قَالَ: يَغْتَسِلُ ثُمّ يَعُودُ فَيَطُوفُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ وَ يَسْتَغْفِرُ رَبّهُ وَ لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

قُلْتُ: فَإِنْ كَانَ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَطَافَ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمّ غَمَزَهُ بَطْنُهُ فَخَرَجَ فَقَضَى حَاجَتَهُ فَغَشِيَ أَهْلَهُ.

فَقَالَ: أَفْسَدَ حَجّهُ وَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ يَغْتَسِلُ ثُمّ يَرْجِعُ فَيَطُوفُ أُسْبُوعاً ثُمّ يَسْعَى وَ يَسْتَغْفِرُ رَبّهُ.

و اگر از طواف نساء سه شوط انجام داده بود سپس بیرون رفت و جماع کرد. در این صورت حج او باطل شده است و بایستی یک شتر قربانی کند و غسل نماید سپس برگردد و هفت شوط طواف نماید.

۷ـ عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی که هفت شوط طواف واجب داد، را انجام سپس بین صفا و مروه چهار مرتبه سعی نمود بعد دل درد گرفت و بیرون آمد و به قضای حاجت رفت سپس با همسرش نزدیکی نمود، چه حکمی دارد؟

فرمود: غسل می کند و باز می گردد و سه مرتبه دیگر سعی می نماید و از پروردگارش طلب آمرزش کند و چیزی بر عهده او نیست.

گفتم: اگر طواف واجب بیت چهار شوط انجام دهد، سپس درد دل گرفته پس بیرون رفته و قضای حاجت نماید و با همسرش نزدیکی کند، چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: او حج خود را فاسد نموده است. بایستی یک شتر قربانی کند و غسل نماید و برگشته هفت بار طواف می کند سپس سعی نموده و از پروردگارش طلب آمرزش می نماید.

ص: ۲۱۲

قُلْتُ: كَيْفَ لَمْ تَجْعَلْ عَلَيْهِ حِينَ غَشِيَ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ سَعْيِهِ كَمَا جَعَلْتَ عَلَيْهِ هَدْياً حِينَ غَشِيَ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ طَوَافِهِ.

قَالَ: إِنّ الطّوَافَ فَرِيضَةٌ وَ فِيهِ صَلَاةٌ وَ السّعْيَ سُنّةٌ مِنْ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم.

قُلْتُ: أَلَيْسَ اللّهُ يَقُولُ: (إِنّ الصّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللّهِ؟).

قَالَ: بَلَى، وَ لَكِنْ قَدْ قَالَ فِيهِمَا: (وَ مَنْ تَطَوّعَ خَيْراً فَإِنّ اللّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ) فَلَوْ كَانَ السّعْيُ فَرِيضَةً لَمْ يَقُلْ فَمَنْ تَطَوّعَ خَيْراً.

۸- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ أَوْ لِجَارِيَتِهِ بَعْدَ مَا حَلَقَ فَلَمْ يَطُفْ وَ لَمْ يَسْعَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ اطْرَحِي ثَوْبَكِ وَ نَظَرَ إِلَى فَرْجِهَا.

قَالَ: لا شَيْءَ عَلَيْهِ إِذَا لَمْ يَكُنْ غَيْرَ النَّظَرِ.

گفتم: چرا برای او در جایی که قبل از پایان یافتن سعی نزدیکی می نماید، قربانی قرار ندادی؟ مانند جایی که قبل از پایان یافتن طواف نزدیکی می نماید که بر او قربانی قرار دادی؟

فرمود: چون طواف واجب است و در آن نماز است در حالی که سعی سنتی از رسول خدا صلی الله علیه وسلم است.

گفتم: آیا خداوند نفرموده است: «به راستی صفا و مروه از شعائر خداوند است»؟

فرمود: آری، ولی در این دو مورد فرموده است: «پس اگر کسی تطوع نمود برای او بهتر است چرا که خداوند شاکر داناست».

پس اگر سعی واجب بود نمی فرمود: «اگر کسی تطوع نمود بهتر است».

۸- علی بن یقطین گوید از امام کاظم علیه السلام پرسیدم مردی پس از تراشیدن سر و پیش از طواف و سعی بین صفا و مروه به همسر یا کنیزش می گوید لباست را درآور آن گاه به شرمگاه او می نگرد چه حکمی دارد؟

فرمود: چیزی بر عهده او نیست هرگاه غیر از نگاه چیز دیگری نباشد.

ص: ۲۱۳

بخش صدو ششم

اشاره

(۱۰٦)

أَبْوَابُ الصَّيْدِ

بَابُ النَّهْيِ عَنِ الصَّيْدِ وَ مَا يُصْنَعُ بِهِ إِذَا أَصَابَهُ الْمُحْرِمُ وَ الْمُحِلُّ فِي الْحِلِّ وَالْحَرَمِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لا تَسْتَحِلَّنَّ شَيْئاً مِنَ الصَّيْدِ وَ أَنْتَ حَرَامٌ وَ لا وَأَنْتَ حَلَالٌ فِي الْحَرَمِ وَ لَا تَدُلَّنَّ عَلَيْهِ مُحِلًّا وَ لا مُحْرِماً فَيَصْطَادُوهُ وَ لَا تُشِرْ إِلَيْهِ فَيُسْتَحَلَّ مِنْ أَجْلِكَ، فَإِنَّ فِيهِ فِدَاءً

لِمَنْ تَعَمَّدَهُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

بازداشت از شکار و این که هر گاه محرم و غیر محرم در حرم و بیرون آن با شکار برخورد کند با آن چه کند؟

۱- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

چیزی از شکار را در حال احرام هم چنین در حال غیر احرام و در حرم حلال مشمار و به محرم و غیر محرم حیوانی را راهنمایی نکن تا آن را شکار کنند و به سوی آن اشاره نکن تا به سبب تو حلال شمرده شود زیرا کسی که از روی عمد شکار کند باید کفاره دهد.

۲- منصور بن حازم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

الْمُحْرِمُ لا يَدُلُّ عَلَى الصَّيْدِ، فَإِنْ دَلّ عَلَيْهِ فَقُتِلَ فَعَلَيْهِ الْفِدَاءُ.

٣- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

لا تَأْكُلْ مِنَ الصَّيْدِ وَ أَنْتَ حَرَامٌ وَ إِنْ كَانَ الَّذِي أَصَابَهُ مُحِلٌّ وَ لَيْسَ عَلَيْكَ فِدَاءٌ مَا أَتَيْتَهُ بِجَهَالَةٍ إِلّا الصَّيْدَ، فَإِنّ عَلَيْكَ فِيهِ الْفِدَاءَ بِجَهْلٍ كَانَ أَوْ بِعَمْدٍ.

٤- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَصِيدُ الصَّيْدَ بِجَهَالَةٍ.

قَالَ: عَلَيْهِ كَفّارَةٌ.

قُلْتُ: فَإِنّهُ أَصَابَهُ خَطَاً.

قَالَ: وَأَيُّ شَيْءٍ الْخَطَأَ عِنْدَكَ؟

قُلْتُ: يَرْمِي هَذِهِ النّخْلَةَ فَيُصِيبُ نَخْلَةٌ أُخْرَى.

محرم نباید کسی را به شکار راهنمایی کند که در این صورت اگر شکار کشته شود بایستی یک قربانی کفاره دهد.

٣- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در حال احرام از گوشت شکار مخور گرچه غیر محرم آن را شکار نموده باشد، و کفاره چیزی که از روی ناآگاهی انجام می دهی بر تو نیست مگر شکار که در آن کفاره بر عهده توست؛ چه از روی ناآگاهی باشد چه از روی عمد باشد.

٤- ابن ابی نصر گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم حکم محرمی که از روی ناآگاهی شکار می کند چیست؟

فرمود: بایستی کفاره دهد.

گفتم: اگر به خطاء زده باشد چه؟

فرمود: نزد تو خطاء چیست؟

گفتم: می خواست به این درخت خرما بزند، به درخت خرمای دیگر اصابت کرد.

ص: ٢١٥

قَالَ: نَعَمْ هَذَا الْخَطَأُ وَ عَلَيْهِ الْكَفّارَةُ.

قُلْتُ: فَإِنّهُ أَخَذَ طَائِراً مُتَعَمّداً فَذَبَحَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: عَلَيْهِ الْكَفّارَةُ.

قُلْتُ: أَلَسْتَ قُلْتَ: إِنّ الْخَطَأَ وَ الْجَهَالَةَ وَ الْعَمْدَ لَيْسُوا بِسَوَاءٍ؟

فَلِأَيّ شَيْءٍ يَفْضُلُ الْمُتَعَمّدُ الْجَاهِلَ وَ الْخَاطِئَ؟

قَالَ: إِنّهُ أَثِمَ وَ لَعِبَ بِدِينِهِ.

٥- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا رَمَى الْمُحْرِمُ صَيْداً فَأَصَابَ اثْنَيْنِ فَإِنّ عَلَيْهِ كَفّارَتَيْنِ جَزَاؤُهُمَا.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

فرمود: آری این از روی اشتباه و خطاست و بر او کفاره است.

گفتم: اگر پرنده ای را از روی عمد در حال احرام گرفت و سر برید، چه حکمی دارد؟

فرمود: بر اوست که کفاره دهد.

گفتم: مگر شما نفرمودید که خطاء و نادانی و عمد برابر نیستند. پس چه فرقی است بین متعمد نادان و خطا کار؟

فرمود: زیرا که متعمد گناه می کند و با دین بازی می نماید.

٥- مسمع بن عبدالملک گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه محرم به شکار تیراندازد و به دو شکار اصابت کند، بر او دو کفاره به عنوان جزای آنهاست.

٦- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ الصَّيْدَ فِي الْحَرَمِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ، فَإِنَّهُ يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَدْفِنَهُ وَ لَا يَأْكُلُهُ أَحَدٌ وَإِذَا أَصَابَهُ فِي الْحِلْ، فَإِنّ الْحَلَالَ يَأْكُلُهُ وَ عَلَيْهِ هُوَ الْفِدَاءُ.

٧- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: رَجُلٌ أَصَابَ مِنْ صَيْدٍ أَصَابَهُ مُحْرِمٌ وَ هُوَ حَلَالٌ.

قَالَ: فَلْيَأْكُلْ مِنْهُ الْحَلَالُ، وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، إِنَّمَا الْفِدَاءُ عَلَى الْمُحْرِمِ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ لُحُومِ الْوَحْشِ تُهْدَى إِلَى الرَّجُلِ وَ لَمْ يَعْلَمْ صَيْدَهَا وَ لَمْ يَأْمُرْ بِهِ أَيَأْكُلُهُ؟

قَالَ: لا.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ أَ يَأْكُلُ قَدِيدَ الْوَحْشِ مُحْرِمٌ؟

قَالَ: لا.

هرگاه محرم حیوانی را در حرم شکار کرد سزاوار است که آن را دفن کند و کسی از گوشت آن نخورد؛ و هر گاه در بیرون حرم شکار کرد، غیر محرم می تواند از آن بخورد و برگردن محرم (شکار کننده) کفاره است.

۷- منصور بن حازم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم انسان غیر محرم می تواند از شکار محرم بخورد؟

فرمود: غیر محرم می تواند از آن بخورد و چیزی بر عهده او نیست، کفاره فقط بر گردن محرم است.

۸- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: از گوشت حیوانات وحشی به شخص (محرم) هدیه می شود و نمی داند که شکار آن چگونه است و به آن هم دستور نداده است آیا می تواند از آن میل کند؟

فرمود: نه.

گوید: پرسیدم آیا (محرم) می تواند از گوشت حیوانات وحشی بخورد؟

فرمود: نه.

ص: ۲۱۷

۹- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَمِيلٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الصَّيْدُ يَكُونُ عِنْدَ الرَّجُلِ مِنَ الْوَحْشِ فِي أَهْلِهِ أَوْ مِنَ الطَّيْرِ يُحْرِمُ وَ هُوَ فِي مَنْزِلِهِ.

قَالَ: لا بَأْسَ لا يَضُرُّهُ.

۱۰- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَا وَطِفْتَهُ أَوْ وَطِئَهُ بَعِيرُكَ وَأَنْتَ مُحْرِمٌ فَعَلَيْكَ فِدَاؤُهُ.

وَ قَالَ: اعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَيْكَ فِدَاءُ شَيْءٍ أَتَيْتَهُ وَ أَنْتَ جَاهِلٌ بِهِ وَ أَنْتَ مُحْرِمٌ فِي حَجِّكَ وَ لا فِي عُمْرَتِكَ إِلَّا الصَّيْدَ، فَإِنَّ عَلَيْكَ فِيهِ الْفِدَاءَ بِجَهَالَةٍ كَانَ أَوْ بِعَمْدٍ.

۱۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِي عَنِ السَّكُونِي عَنْ جَعْفَرٍ عَن آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ:

۹- جمیل گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: شخصی از خانه خودش محرم می شود و در خانه اش از گوشت حیوانات وحشی و پرندگان شکار شده دارد می تواند از آنها میل کند؟

فرمود ایرادی ندارد و بر او ضرر نمی رساند.

۱۰- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرچه را در حال احرام پایمال کنی و یا شتر تو پایمال کند باید کفاره آن را بدهی.

حضرتش فرمود بدان برای تو کفاره چیزی در حال احرام حج و عمره نیست که از روی نادانی انجام دهی مگر شکار را زیرا در آن کفّاره است، خواه دانسته و خواه ندانسته انجام پذیرد.

۱۱- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

ص: ۲۱۸

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَيْهِ فِي الْمُحْرِمِ يُصِيبُ الصّيْدَ فَيُدْمِيهِ ثُمّ يُرْسِلُهُ.

قَالَ: عَلَيْهِ جَزَاؤُهُ.

بخش صدو هفتم

اشاره

(۱۰۷)

بَابُ الْمُحْرِمِ يُضْطَرُّ إِلَى الصّيْدِ وَ الْمَيْتَةِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يُضْطَرُّ فَيَجِدُ الْمَيْتَةَ وَ الصّيْدَ أَيّهُمَا يَأْكُلُ؟

قَالَ: يَأْكُلُ مِنَ الصّيْدِ مَا يُحِبُّ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ مَالِهِ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: إِنّمَا عَلَيْهِ الْفِدَاءُ فَلْيَأْكُلْ وَلْيَفْدِهِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در مورد محرمی که شکار می نماید پس آن را خون آلود کرده سپس ذبح می کند فرمود:

بر اوست در ازای آن کفاره دهد.

حکم محرمی که به خوردن گوشت شکار و حیوان مردار ناگزیر می شود

۱- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم هرگاه محرمی به خوردن گوشت مردار و شکار ناگزیر باشد کدام یک را بخورد؟

فرمود: شکار را بخورد (آیا) دوست ندارد که از مال خودش بخورد؟

گفتم: آری.

فرمود: فقط کفّاره بر عهده اوست؛ پس از آن بخورد و کفاره اش را بدهد.

۲ - یونس بن یعقوب گوید:

ص: ۲۱۹

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عَن الْمُضْطَرّ إِلَى الْمَيْتَةِ وَ هُوَ يَجِدُ الصّيْدَ.

قَالَ: يَأْكُلُ الصّيْدَ.

قُلْتُ: إِنّ اللّهَ قَدْ أَحَلّ لَهُ الْمَيْتَةَ إِذَا اضْطُرّ إِلَيْهَا وَ لَمْ يُحِلّ لَهُ الصّيْدَ.

قَالَ: تَأْكُلُ مِنْ مَالِكَ أَحَبّ إِلَيْكَ أَوْ مِنْ مَيْتَةٍ؟

قُلْتُ: مِنْ مَالِي؟

قَالَ: هُوَ مَالُكَ، لأَنَّ عَلَيْكَ فِدَاهُ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدِي مَالٌ. قَالَ: تَقْتَضِيهِ إِذَا رَجَعْتَ إِلَى مَالِكَ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ شِهَابٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ وَ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ اضْطُرّ إِلَى مَيْتَةٍ وَ صَيْدٍ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: يَأْكُلُ الصَّيْدَ وَ يَفْدِي.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرمی که به خوردن مردار مضطر می شود، در حالی که به شکار دسترسی دارد چه باید بکند؟

فرمود: از شکار میل کند.

عرض کردم:خداوند در حال اضطرار مردار را بر انسان محرم و غیر محرم حلال کرده ولی شکار را بر محرم حلال نکرده است.

فرمود: از مال خودت بخوری بیشتر دوست داری یا از مردار؟

گفتم: از مال خودم.

فرمود: شکار نیز از مال توست چرا که کفاره آن بر عهده توست.

گفتم: اگر در آن موقع مالی نداشتم چه کنم.

فرمود:چون به مالت رسیدی کفاره را قضا کن.

۳- ابن بکیر و زراره گویند: امام صادق علیه السلام درباره شخصی که در حال احرام به خوردن مردار و شکار مضطر می شود فرمود:

از شکار میل می کند و کفاره می دهد.

ص: ۲۲۰

بخش صدو هشتم

اشاره

(۱۰۸)

بَابُ الْمُحْرِمِ يَصِيدُ الصَّيْدَ مِنْ أَيْنَ يَفْدِيهِ؟ وَ أَيْنَ يَذْبَحُهُ؟

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

يَفْدِي الْمُحْرِمُ فِدَاءَ الصَّيْدِ مِنْ حَيْثُ أَصَابَهُ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

مَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ هَدْيٌ فِي إِحْرَامِهِ فَلَهُ أَنْ يَنْحَرَهُ حَيْثُ شَاءَ إِلَّا فِدَاءَ الصَّيْدِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: (هَدْياً بالِغَ الْكَعْبَةِ).

۳- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

حکم محرمی که شکار می کند از کجا کفاره دهد و در کجا قربانی نماید؟

۱- معاوية بن عمار گويد: حضرتش فرمود:

محرم در جايى كه شكار نموده است كفاره مى دهد.

۲- راوى گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر كه در احرام يک شتر قربانى بر او واجب شود مى تواند هر جا كه خواست آن را نحر نمايد، مگر قربانى شكار را زيرا خداوند متعال مى فرمايد: «قربانى كه به كعبه رسيده باشد».

۳- عبدالله بن سنان گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

ص: ۲۲۱

مَنْ وَجَبَ عَلَيْهِ فِدَاءٌ صَيْداً أَصَابَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ ، فَإِنْ كَانَ حَاجّاً نَحَرَ هَدْيَهُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِ بِمِنًى، وَ إِنْ كَانَ مُعْتَمِراً نَحَرَ بِمَكَّةَ قُبَالَةَ الْكَعْبَةِ.

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيَ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه الاسلام أَنَّهُ قَالَ:

فِي الْمُحْرِمِ إِذَا أَصَابَ صَيْداً فَوَجَبَ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ فَعَلَيْهِ أَنْ يَنْحَرَهُ إِنْ كَانَ فِي الْحَجِّ بِمِنًى حَيْثُ يَنْحَرُ النَّاسُ، فَإِنْ كَانَ فِي عُمْرَةٍ نَحَرَهُ بِمَكَّةَ، وَإِنْ شَاءَ تَرَكَهُ إِلَى أَنْ يَقْدَمَ فَيَشْتَرِيَهُ فَإِنَّهُ يُجْزِئُ عَنْهُ.

بخش صدو نهم

اشاره

(۱۰۹)

بَابُ كَفَّارَاتِ مَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ مِنَ الْوَحْشِ

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه الاسلام قَالَ:

هر محرمی که برای انجام قربانی که بر عهده او واجب باشد اگر محرم به حج است، قربانی را در منا بکشد و اگر محرم به عمره باشد آن را در مکه رو به روی کعبه بکشد.

٤- زراره نیز نظیر این روایت را از امام باقر علیه الاسلام نقل می کند و می افزاید: حضرتش فرمود: و اگر خواست آن را تأخیر می اندازد تا (به و وطنش) برگردد و آن را خریداری نماید (و قربانی نماید).

پس همان برای او کافی است.

کفاره شکار حیوانات وحشی

١- ابوبصیر گوید:

ص: ٢٢٢

سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ أَصَابَ نَعَامَةٌ أَوْ حِمَارَ وَحْشٍ.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى بَدَنَةٍ.

قَالَ: فَلْيُطْعِمْ سِتِّينَ مِسْكِيناً.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَتَصَدَّقَ.

قَالَ: فَلْيَصُمْ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْماً وَ الصَّدَقَةُ مُدٌ عَلَى كُلِّ مِسْكِينٍ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ أَصَابَ بَقَرَةً.

قَالَ: عَلَيْهِ بَقَرَةٌ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى بَقَرَةٍ.

قَالَ: فَلْيُطْعِمْ ثَلَاثِينَ مِسْكِيناً.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَتَصَدَّقَ.

قَالَ: فَلْيَصُمْ تِسْعَةَ أَيَّامٍ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که شتر مرغ و یا گورخری را شکار کند (چه وظیفه دارد؟).

فرمود: بر ذمه او قربانی شتری است.

گفتم: اگر نتواند چه؟

فرمود: شصت مسکین را اطعام کند.

گفتم: اگر نتواند چه؟

فرمود: هیجده روز، روزه بگیرد و یک مد بر هر مسکینی صدقه دهد.

گوید: از حضرتش پرسیدم محرمی که گاو شکار کند (چه کفاره ای دارد)؟

فرمود: بر ذمه اوست یک گاو قربانی کند.

گفتم: اگر توانایی آن را نداشته باشد چه؟

فرمود: سی مسکین را اطعام کند.

گفتم: اگر توانایی چنین کاری را نداشته باشد چه؟

فرمود: نه روز، روزه بگیرد.

ص: ۲۲۳

قُلْتُ: فَإِنْ أَصَابَ ظَبْياً.

قَالَ: عَلَيْهِ شَاةٌ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَقْدِرُ.

قَالَ: فَإِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يَتَصَدّقُ بِهِ فَعَلَيْهِ صِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيّامٍ.

۲- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ دَاوُدَ الرّقّيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فِي الرّجُلِ يَكُونُ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَاجِبَةٌ فِي فِدَاءٍ. قَالَ: إِذَا لَمْ يَجِدْ بَدَنَةٌ فَسَبْعُ شِيَاءٍ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ صَامَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْماً.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ بْنِ فَضّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللّهِ عَزّوَجَلّ: (أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَاماً). قَالَ: يُثَمّنُ قِيمَةَ الْهَدْيِ طَعَاماً ثُمّ يَصُومُ لِكُلّ مُدٍ يَوْماً، فَإِذَا زَادَتِ الْأَمْدَادُ عَلَى شَهْرَيْنِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ أَكْثَرُ مِنْهُ.

گفتم: اگر آهویی را شکار کرد چه؟

فرمود: بر اوست یک گوسفند، قربانی کند.

گفتم: اگر نتوانست چه؟

فرمود: ده مسکین را اطعام نماید و اگر نتوانست که صدقه دهد پس بر اوست که سه روز، روزه بگیرد.

۲- داوود رقی گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که بر ذمه اش شتری از بابت کفاره است فرمود:

هرگاه شتر قربانی نیافت هفت رأس گوسفند کفاره دهد و اگر قدرت آن را نداشته باشد، هیجده روز، روزه بگیرد.

۳- یکی از اصحاب ما :گوید امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خداوند متعال که می فرماید: «یا برابر آن (اطعام مساکین) روزه بگیرد» فرمود:

به اندازه قیمت قربانی طعام محاسبه می شود و برای هر مد یک روز روزه می گیرد.

هنگامی که اندازه مدها بیشتر از دو ماه شد پس بیشتر از آن بر ذمه او نیست که روزه بگیرد.

ص: ۲۲٤

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الْمُحْرِمُ يَقْتُلُ نَعَامَةٌ.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ مِنَ الْإِبِلِ.

قُلْتُ: يَقْتُلُ حِمَارَ وَحْشٍ.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ.

قُلْتُ: فَالْبَقَرَةَ؟

قَالَ: بَقَرَةٌ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ فِي مُحْرِمٍ قَتَلَ نَعَامَةً.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِيناً.

٤- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که شتر مرغی را شکار کند (چه وظیفه دارد)؟

فرمود: بر ذمه او قربانی شتری است.

پرسیدم اگر گورخر شکار کند؟

فرمود بر ذمه اوست یک شتر قربانی کند.

پرسیدم: اگر گاوی شکار کند چه؟

فرمود: بر اوست یک گاو قربانی کند.

٥- یکی از اصحاب ما گوید امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که شتر مرغی را کشت، فرمود: بر ذمه او یک شتر است پس اگر نیافت اطعام شصت مسکین است.

ص: ٢٢٥

وَ قَالَ: إِنْ كَانَ قِيمَةُ الْبَدَنَةِ أَكْثَرَ مِنْ إِطْعَامِ سِتِّينَ مِسْكِينًا لَمْ يَزِدْ عَلَى إِطْعَامِ سِتِّينَ مِسْكِيناً، وَ إِنْ كَانَ قِيمَةُ الْبَدَنَةِ أَقَلّ مِنْ إِطْعَامِ سِتِّينَ مِسْكِينًا لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ إِلّا قِيمَةُ الْبَدَنَةِ.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مُحْرِمٍ رَمَى ظَبْياً فَأَصَابَهُ فِي يَدِهِ فَعَرَجَ مِنْهَا.

قَالَ: إِنْ كَانَ الظَّبْيُ مَشَى عَلَيْهَا وَ رَعَى فَعَلَيْهِ رُبُعُ قِيمَتِهِ، وَإِنْ كَانَ ذَهَبَ عَلَى وَجْهِهِ فَلَمْ يَدْرِ مَا صَنَعَ فَعَلَيْهِ الْفِدَاءُ، لِأَنَّهُ لَا يَدْرِي لَعَلَّهُ قَدْ هَلَكَ.

٧- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ ثَعْلَباً.

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ.

قُلْتُ: فَأَرْنَباً.

و فرمود: اگر قیمت شتر بیش از اطعام شصت مسکین باشد در صورت انتخاب اطعام بر آن تعداد مساکین اضافه نمی شود و اگر قیمت شتر کمتر شد بیشتر از قیمت شتر بر ذمه او نیست.

٦- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که به آهویی تیر انداخت پس به دست او خورده و لنگ شد فرمود:

اگر آهو بتواند با آن راه رفته و بچرد پس بر ذمه اوست که یک چهارم قیمت آن و اگر برود و معلوم نشود که چه شد پس بر ذمه او کفاره کامل است چون که نمی داند؛ شاید هلاک شده باشد.

٧- ابوبصیر گوید از امام صادق علیه السلام درباره مرد (محرمی که) روباهی را کشت پرسیدم.

فرمود: بر اوست قربانی کند.

گفتم: اگر خرگوش را بکشد چه؟

قَالَ: مِثْلُ مَا عَلَى الثَّعْلَبِ.

٨- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ أَصَابَ أَرْنَباً أَوْ تَعْلَباً. قَالَ: فِي الْأَرْنَبِ شَاةٌ.

٩- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِي عَنْ مِسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

الْيَرْبُوعُ وَ الْقُنْفُذُ وَ الضَّبُّ إِذَا أَصَابَهُ الْمُحْرِمُ فَعَلَيْهِ جَدْيٌ وَ الْجَدْيُ خَيْرٌ مِنْهُ، وَ إِنَّمَا جُعِلَ عَلَيْهِ هَذَا كَيْ يَنْكُلَ عَنْ صَيْدِ غَيْرِهِ.

١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

فرمود: کفاره آن همانند کفاره روباه است.

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا علیه السلام درباره محرمی که خرگوش یا روباه شکار می کند پرسیدم.

فرمود: در شکار خرگوش بایستی یک گوسفند قربانی کند.

۹- مسمع گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه محرم کلانگوش، خارپشت، سوسمار را بکشد بایستی یک بزغاله قربانی کند و بزغاله بهتر از آن (صید شده ها) است و همانا این حکم بر محرم قرار داده شده تا از شکار غیر آنها سرباز زند.

۱۰- ابی عبیده گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۲۲۷

إِذَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ الصَّيْدَ وَ لَمْ يَجِدْ مَا يُكَفِّرُ مِنْ مَوْضِعِهِ الَّذِي أَصَابَ فِيهِ الصَّيْدَ قُوْمَ جَزَاؤُهُ مِنَ النَّعَمِ دَرَاهِمَ ثُمَّ قُوْمَتِ الدَّرَاهِمُ طَعَامًا لِكُلِّ مِسْكِينٍ نِصْفُ صَاعٍ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الطَّعَامِ صَامَ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ يَوْماً.

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَصَابَ بَيْضَ نَعَامَةٍ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: يُرْسِلُ الْفَحْلَ فِي الْإِبِلِ عَلَى عَدَدِ الْبَيْضِ.

قُلْتُ: فَإِنَّ الْبَيْضَ يَفْسُدُ كُلُّهُ وَ يَصْلُحُ كُلُّهُ.

قَالَ: مَا يُنتَجُ مِنَ الْهَدْيِ فَهُوَ هَدْيٌ بَالِغُ الْكَعْبَةِ، وَإِنْ لَمْ يُنْتَجْ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، فَمَنْ لَمْ يَجِدْ إِبلاً فَعَلَيْهِ لِكُلِّ بَيْضَةٍ شَاةٌ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَالصَّدَقَةُ عَلَى عَشَرَةِ مَسَاكِينَ لِكُلِّ مِسْكِينٍ مُدٌ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

هنگامی که محرم شکار نمود و چیزی را در شکارگاه به عنوان کفاره نیافت قیمت آن شکار حیوان به درهم و بعد با گندم قیمت گذاری شده برای هر مسکین نصف صاع داده می شود و اگر توانایی گندم نداشت برای هر نصف صاع یک روز، روزه بگیرد.

۱۱- علی بن ابی حمزه گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که تخم شتر مرغ را شکست چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: به تعداد تخم شتر مرغ شتر نر را بر شتران ماده بجهاند.

گفتم: گاهی همه تخم ها شکسته می شود و یا سالم می ماند؟

فرمود: آن چه از تخم به عمل می آید، پس آن قربانی است که به کعبه رسیده است و اگر از آن تخم چیزی به عمل نیامد پس در عهدهٔ او چیزی نیست، پس هر که شتران ماده نیافت در ازای هر تخمی گوسفندی است و اگر گوسفند نیافت به ده مسکین برای هر مسکین یک مد طعام صدقه دهد و اگر توانایی نداشت سه روز، روزه بگیرد.

ص: ۲۲۸

۱۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى لِرَجُلٍ مُحْرِمٍ بَيْضَ نَعَامَةٍ فَأَكَلَهُ الْمُحْرِمُ.

قَالَ: عَلَى الَّذِي اشْتَرَاهُ لِلْمُحْرِمِ فِدَاءٌ وَ عَلَى الْمُحْرِمِ فِدَاءٌ.

قُلْتُ: وَ مَا عَلَيْهِمَا؟ قَالَ: عَلَى الْمُحِلِّ جَزَاءُ قِيمَةِ الْبَيْضِ لِكُلِّ بَيْضَةٍ دِرْهَمٌ، وَ عَلَى الْمُحْرِمِ الْجَزَاءُ لِكُلِّ بَيْضَةٍ شَاةٌ.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ مِثْلَهُ.

۱۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

فِي رَجُلٍ مَرَّ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَأَخَذَ ظَبْيَةً فَاحْتَلَبَهَا وَ شَرِبَ لَبَنَهَا.

۱۲- ابوعبیده گوید از امام باقر علیه السلام پرسیدم: شخصی برای محرمی تخم شتر مرغ خرید محرم نیز آن را خورد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: هم برای خریدار و هم برای محرم کفاره است.

گفتم: کفاره آنها چیست؟

فرمود: برای غیر محرم در ازای هر تخمی بهای آن و برای محرم جهت هر تخمی یک گوسفند کفاره است.

۱۳- یزید بن عبدالملک گوید: امام صادق علیه السلام درباره مرد محرمی که به آهویی می رسد و آن را دوشیده و شیرش را می خورد فرمود:

ص: ۲۲۹

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ وَ جَزَاءٌ فِي الْحَرَمِ.

۱٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ مُحْرِمٍ كَسَرَ قَرْنَ ظَبی.

قَالَ: يَجِبُ عَلَيْهِ الْفِدَاءُ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ كَسَرَ يَدَهُ.

قَالَ: إِنْ كَسَرَ يَدَهُ وَ لَمْ يَرْعَ فَعَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ.

بخش صدو دهم

اشاره

(۱۱۱)

بَابُ كَفَّارَةِ مَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ مِنَ الطَّيْرِ وَ الْبَيْضِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

یک قربانی بر عهده اوست و کفاره شیر را که در حرم دوشیده و خورده بپردازد.

١٤- ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم محرمی که شاخ آهویی را شکست (چه کفاره ای دارد؟).

فرمود: بر او کفاره واجب می شود.

گفتم: اگر دست آن را شکست چه؟

فرمود: اگر دستش شکسته و نتوانست بچرد پس بر عهده اوست که یک گوسفند قربانی کند.

کفاره کشتن پرندگان و شکستن تخم آنها برای محرم

۱- حریز بن عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۲۳۰

الْمُحْرِمُ إِذَا أَصَابَ حَمَامَةً فَفِيهَا شَاةٌ، وَ إِنْ قَتَلَ فِرَاخَهُ فَفِيهِ حَمَلٌ، وَ إِنْ وَطِئَ الْبَيْضَ فَعَلَيْهِ دِرْهَمٌ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحَ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي الْحَمَامَةِ وَ أَشْبَاهِهَا إِذَا قَتَلَهَا الْمُحْرِمُ شَاةٌ، وَ إِنْ كَانَ فِرَاخاً فَعَدْلُهَا مِنَ الْحُمْلَانِ.

وَ قَالَ فِي رَجُلٍ وَطِئَ بَيْضَ نَعَامَةٍ فَفَدَعَهَا وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَقَالَ: قَضَى فِيهِ عَلِيٌّ عليه السلام أَنْ يُرْسِلَ الْفَحْلَ عَلَى مِثْلِ عَدَدِ الْبَيْضِ مِنَ الْإِبِلِ، فَمَا لَقِحَ وَ سَلِمَ حَتَّى يُنْتَجَ كَانَ النِّتَاجُ هَدْياً بَالِغَ الْكَعْبَةِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا قَتَلَ الْمُحْرِمُ قَطَاةً فَعَلَيْهِ حَمَلٌ قَدْ فُلِمَ مِنَ اللَّبَنِ وَ رَعَى مِنَ الشَّجَرِ.

هرگاه محرم کبوتری را بکشد باید یک گوسفند قربانی کند و اگر جوجه آن را بکشد باید یک بره قربانی کند و اگر تخم آن را پایمال کند پس یک درهم بر ذمه اوست.

۲- ابی صباح کنانی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه محرم کبوتر و مانند آن را پایمال کند یک گوسفند بر ذمه اوست و اگر جوجه باشد به اندازه قیمت آن بره قربانی کند.

و در مورد محرمی که تخم شتر مرغی را پایمال نمود و آن را بشکند، فرمود: علی علیه السلام در مورد آن، چنین قضاوت فرمود که به تعداد تخم شتر مرغ شتر نر را بر شتران ماده بجهاند. پس آن چه آبستن شد و سالم ماند و نتیجه داد آن بچه شتر قربانی است که به کعبه می رسد.

۳- مفضّل بن صالح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه محرم پرنده سخنگو را کشت یک بره تازه از شیر گرفته شده علف خوار بر عهده اوست.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُحْرِمٍ وَطِئَ بَيْضَ قَطَاةٍ فَشَدَخَهُ.

قَالَ: يُرْسِلُ الْفَحْلَ فِي عَدَدِ الْبَيْضِ مِنَ الْغَنَمِ كَمَا يُرْسِلُ الْفَحْلَ فِي عَدَدِ الْبَيْضِ مِنَ النَّعَامِ فِي الْإِبِلِ.

٥- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي كِتَابِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: فِي بَيْضِ الْقَطَاةِ بَكَارَةٌ مِنَ الْغَنَمِ إِذَا أَصَابَهُ الْمُحْرِمُ مِثْلُ مَا فِي بَيْضِ النَّعَامِ بَكَارَةٌ مِنَ الْإِبِلِ.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ قَتَلَ فَرْحَاً وَ هُوَ رَجُلٍ قَتَلَ فَرْحَاً وَ هُوَ مُحْرِمٌ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ.

٤- سلیمان بن خالد گوید: از امام علیه السلام در مورد محرمی که تخم مرغ سخنگوی را پایمال کند و آن را بشکند پرسیدم فرمود:

به تعداد آنها گوسفندی را به گوسفند ماده بجهاند هم چنان که در مورد شتر چنین می کند.

٥- سلیمان بن خالد گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در کتاب علی علیه السلام آمده است درباره از بین بردن تخم پرنده سخنگو باید گوسفند ماده قربانی کند آن سان که در مورد تخم شتر مرغ بایستی یک شتر قربانی کند.

٦ - ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که جوجه ای را در حال احرام در بیرون از حرم می کشد، پرسیدم.

فَقَالَ: عَلَيْهِ حَمَلٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ قِيمَةٌ، لِأَنَّهُ لَيْسَ فِي الْحَرَمِ.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قِيمَةِ مَا فِي الْقَمْرِيِّ وَ الدُّبْسِي وَ السُّمَانَى وَ الْعُصْفُورِ وَ الْبُلبُل.

فَقَالَ: قِيمَتُهُ ، فَإِنْ أَصَابَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ بِالْحَرَمِ فَقِيمَتَانِ لَيْسَ عَلَيْهِ فِيهِ دَمٌ.

۸- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْقُبَّرَةِ وَ الْعُصْفُورِ وَ الصَّعْوَةِ يَقْتُلُهُمُ الْمُحْرِمُ.

قَالَ: عَلَيْهِ مُدٌّ مِنْ طَعَامٍ لِكُلِّ وَاحِدٍ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

فرمود: بر عهده او یک بره است و قیمت آن بر عهده اوست، چرا که در حرم واقع نشده است.

۷- سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم قیمت قمری، دبسی، سمانی (که نوعی پرنده هستند) گنجشک و بلبل چقدر است؟

فرمود: یک برابر قیمت آن و اگر محرم آن را در حرم بکشد دو برابر قیمت است و در آن قربانی نیست.

یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام دربارهٔ چکاوک گنجشک و ستکانه ای که محرم بکشد فرمود:

بر ذمه محرم است که در ازای هر کدام یک مد طعام بپردازد.

۹- سلیمان بن خالد گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

ص: ۲۳۳

فِي كِتَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنْ أَصَابَ قَطَاةً أَوْ حَجَلَةً أَوْ دُرّاجَةً أَوْ نَظِيرَهُنّ فَعَلَيْهِ دَمٌ.

۱۰- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمّادِ بْن عُثْمَانَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: رَجُلٌ أَصَابَ طَيْرَيْنِ وَاحِدٌ مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ وَ الآخَرُ مِنْ حَمَامِ غَيْرِ الْحَرَمِ.

قَالَ: يَشْتَرِي بِقِيمَةِ الّذِي مِنْ حَمَامِ الْحَرَمِ قَمْحاً فَيُطْعِمُهُ حَمَامَ الْحَرَمِ وَ يَتَصَدّقُ بِجَزَاءِ الآخَرِ.

بخش صدو یازدهم

اشاره

(۱۱۱)

بَابُ الْقَوْمِ يَجْتَمِعُونَ عَلَى الصّيْدِ وَ هُمْ مُحْرِمُونَ

۱- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ عَبْدِ الرّحْمَانِ بْنِ الْحَجّاجِ قَالَ:

در کتاب علی علیه السلام آمده است هر محرمی که پرنده سخنگو یا کبک یا دراجه و یا همانند آنها را بکشد باید یک قربانی نماید.

۱۰- حماد بن عثمان گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: مرد محرمی که دو کبوتر را کشت، یکی از کبوتران حرم بود کبوتر دیگری از غیر حرم؟

فرمود: باید به قیمت کبوتر حرم گندم بخرد و به کبوتران حرم بخوراند و قیمت کبوتر دیگری را صدقه دهد.

حکم گروهی از حاجیان محرمی که بر شکاری اجتماع کنند

۱- عبدالرحمان بن حجاج گوید:

ص: ۲۳٤

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ رَجُلَيْنِ أَصَابَا صَيْداً وَ هُمَا مُحْرِمَانِ الْجَزَاءُ بَيْنَهُمَا أَوْ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا جَزَاءٌ؟

فَقَالَ: لا، بَلْ عَلَيْهِمَا أَنْ يَجْزِيَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الصَّيْدَ.

قُلْتُ: إِنّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا سَأَلَنِي عَنْ ذَلِكَ فَلَمْ أَدْرِ مَا عَلَيْهِ.

فَقَالَ: إِذَا أَصَبْتُمْ مِثْلَ هَذَا فَلَمْ تَدْرُوا فَعَلَيْكُمْ بِالِاحْتِيَاطِ حَتّى تَسْأَلُوا عَنْهُ فَتَعْلَمُوا.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجّاجِ مِثْلَهُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْد اللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ عَلَى صَيْدٍ وَ هُمْ مُحْرِمُونَ فِي صَيْدِهِ أَوْ أَكَلُوا مِنْهُ فَعَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ قِيمَتُهُ.

از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: دو مرد محرم همزمان شکاری را می زنند آیا در کفاره مشترکند و یا بر هر یک جزای جداگانه است؟

فرمود: نه، بلکه بایستی هر کدام جداگانه کفاره دهند.

گفتم: بعضی از یاران ما در این مورد از من پرسیدند و من حکم آن را ندانستم.

فرمود: هرگاه چنین مسأله ای پیش آمد و حکم آن را ندانستید بر شماست که احتیاط کنید تا حکم آن را پرسیده و بدانید.

۲- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه گروهی محرم شکاری کنند یا از آن بخورند بر عهده هر کدام قیمت شکار (کفاره) خواهد بود.

ص: ۲۳۵

۳- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنُ عَنْ يُوسُفَ الطّاطَرِيّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: صَيْدٌ أَكَلَهُ قَوْمٌ مُحْرِمُونَ.

قَالَ: عَلَيْهِمْ شَاةٌ وَ لَيْسَ عَلَى الّذِي ذَبَحَهُ إِلّا شَاةٌ.

٤- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَلِيٍّ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ قَوْمٍ اشْتَرَوْا صَيْداً فَقَالَتْ رَفِيقَةٌ لَهُمْ: اجْعَلُوا لِي فِيهِ بِدِرْهَم فَجَعَلُوا لَهَا.

فَقَالُ: عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ فِدَاءٌ.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَّادٍ الْحَنَّاطِ قَالَ:

۳- یوسف طاطری گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چند محرم شکاری را خوردند (چه حکم دارد؟).

فرمود: بر عهده آنها یک گوسفند است و کسی که شکار را ذبح کرده نیز یک گوسفند قربانی کند.

٤- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم عده ای شکاری را خریدند و زنی از همراهان آنان گفت: برای من نیز با درهمی سهمی قرار دهید پس آنها نیز قرار دادند.

فرمود: برای هر کدام از آنها کفاره ای است.

٥- ابو ولاد حناط گوید:

خَرَجْنَا سِتَّةَ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِنَا إِلَى مَكَّةَ فَأَوْ قَدْنَا نَاراً عَظِيمَةٌ فِي بَعْضِ الْمَنَازِلِ أَرَدْنَا أَنْ نَطْرَحَ عَلَيْهَا لَحْماً ذَكِيّاً، وَكُنَّا مُحْرِمِينَ فَمَرَّ بِنَا طَائِرٌ صَافٌّ - قَالَ: حَمَامَةٌ أَوْ شِبْهُهَا فَأَحْرَقَتْ جَنَاحَهُ فَسَقَطَ فِي النَّارِ فَمَاتَ فَاغْتَمَمْنَا لِذَلِكَ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِمَكَّةَ فَأَخْبَرْتُهُ وَ سَأَلْتُهُ.

فَقَالَ: عَلَيْكُمْ فِدَاءٌ وَاحِدٌ دَمُ شَاةٍ تَشْتَرِكُونَ فِيهِ جَمِيعاً، لِأَنَّ ذَلِكَ كَانَ مِنْكُمْ عَلَى غَيْرِ تَعَمُّدٍ، وَ لَوْ كَانَ ذَلِكَ مِنْكُمْ تَعَمُّداً لِيَقَعَ فِيهَا الصَّيْدُ فَوَقَعَ أَلْزَمْتُ كُلَّ رَجُلٍ مِنْكُمْ دَمَ شَاةٍ.

قَالَ أَبُو وَلَّادٍ: وَ كَانَ ذَلِكَ مِنَّا قَبْلَ أَنْ نَدْخُلَ الْحَرَمَ.

٦- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ شِهَابٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام:

فِي مُحْرِمَيْنِ أَصَابَا صَيْداً فَقَالَ: عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا الْفِدَاءُ.

با شش تن از اصحابمان به طرف مگه حرکت کردیم در یکی از منزل ها آتش زیادی روشن نمودیم که گوشت تذکیه شده ای را بپزیم در حالی که محرم بودیم، ناگاه پرنده ای که بال هایش را پهن کرده بود که کبوتر یا همانند آن بود از کنار ما گذشت و بالهایش سوخت و به آتش افتاد و مرد مابدین جهت ناراحت شدیم در مکه خدمت امام صادق علیه السلام شرف یاب شدیم و در این مورد پرسیدیم؟

فرمود: بر شما یک فدیه است که یک گوسفند قربانی کنید که همه در آن شریک باشید چرا که آن کار از جانب شما از روی عمد نبوده و اگر آن از جانب شما به عمد بود تا شکار در آن بیفتد پس آن پرنده افتاد، برای هر یک از شما یک قربانی گوسفندی لازم می نمودم.

ابو ولاد گوید: این کار ما پیش از این بود که وارد حرم شویم.

٦- زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) درباره دو نفر محرمی که با هم شکار کرده اند فرمود هرکدام بایستی کفاره دهند.

ص: ٢٣٧

بخش صدو دوازدهم

اشاره

(١١٢)

بَابُ فَصْلِ مَا بَيْنَ صَيْدِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا يَحِلُّ لِلْمُحْرِمِ مِنْ ذَلِكَ

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِأَنْ يَصِيدَ الْمُحْرِمُ السّمَكَ، وَ يَأْكُلَ مَالِحَهُ وَ طَرِيّهُ وَ يَتَزَوّدَ.

وَ قَالَ: (أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعاً لَكُمْ).

قَالَ: مَالِحُهُ الَّذِي يَأْكُلُونَ وَفَضْلُ مَا بَيْنَهُمَا كُلُّ طَيْرٍ يَكُونُ فِي الآجَامِ يَبِيضُ فِي الْبَرِّ وَ يُفْرِخُ فِي الْبَرِّ فَهُوَ مِنْ صَيْدِ الْبَرِّ وَ مَا كَانَ مِنْ صَيْدِ الْبَرِّ يَكُونُ فِي الْبَرِّ وَ يَبِيضُ

الْبَحْرِ وَ يُفْرِخُ فِي الْبَحْرِ فَهُوَ مِنْ صَيْدِ الْبَحْرِ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

فرق بین شکار صحرایی و دریایی و آن چه از آن بر محرم حلال است

۱- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که محرم ماهی را صید نماید و شور و تازه آن را بخورد و برای خود توشه کند که خداوند فرمود: «برای شما صید دریایی حلال شد و طعام آن توشه ای برای شماست».

فرمود: ماهی شور را می خورند و بین آنها فرق است و هر پرنده ای که در نیزار باشد در صحرا تخم گذارده و در آن جوجه می گذارد پس آن صید صحرایی است و هرچه از صید صحرا که در صحرا باشد و در دریا تخم کرده و در آن جوجه کند، پس آن از صید دریاست.

۲- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ أَصْلُهُ فِي الْبَحْرِ وَ يَكُونُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ فَلَا يَنْبَغِي لِلْمُحْرِمِ أَنْ يَقْتُلَهُ، فَإِنْ قَتَلَهُ فَعَلَيْهِ الْجَزَاءُ كَمَا قَالَ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ مِنْ مُحْرِمٍ قَتَلَ جَرَادَةً.

قَالَ: كَفّ مِنْ طَعَامٍ، وَإِنْ كَانَ كَثِيرًا فَعَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام مُحْرِم قَتَلَ جَرَادَةً قَالَ:

يُطْعِمُ تَمْرَةً وَ التّمْرَةُ خَيْرٌ مِنْ جَرَادَةٍ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام أَنّهُ قَالَ:

اعْلَمْ أَنّ مَا وَطِئْتَ مِنَ الدّبَا أَوْ وَطِئَتْهُ بَعِيرُكَ فَعَلَيْكَ فِدَاؤُهُ.

هر چیزی که اصل آن در دریا زندگی کند و گاهی در صحرا و گاهی در دریاست برای محرم جایز نیست آن را بکشد و اگر کشت بر عهده اوست کفّاره آن، چنان چه خداوند عزوجل فرموده است.

۳- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: محرمی که ملخ بکشد (چه حکمی دارد؟).

فرمود: یک مشت گندم کفاره دهد و اگر ملخ های بسیاری را بکشد بر اوست که یک گوسفند قربانی کند.

٤- راوی گوید: امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که ملخ بکشد فرمود:

خرما اطعام کند و خرما بهتر از ملخ است.

٥- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

بدان که هرچه بچه ملخ پایمال کنی و یا شترت پایمال کند بایستی قیمت آن را بپردازی.

ص: ۲۳۹

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

مَرّ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللّهِ عَلَيْهِ عَلَى قَوْمٍ يَأْكُلُونَ جَرَاداً، فَقَالَ: سُبْحَانَ اللّهِ! وَأَنْتُمْ مُحْرِمُونَ؟

فَقَالُوا: إِنَّمَا هُوَ مِنْ صَيْدِ الْبَحْرِ.

فَقَالَ لَهُمُ: ارْمُوهُ فِي الْمَاءِ إِذَا.

٧- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

الْمُحْرِمُ يَتَنَكَّبُ الْجَرَادَ إِذَا كَانَ عَلَى الطّرِيقِ ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ بُدّاً فَقَتَلَ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

٨- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

٦- محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

علی علیه السلام از کنار گروهی گذشت که ملخ می خوردند فرمود: سبحان الله! شما در حالی که محرم هستید (ملخ می خورید؟).

گفتند: همانا آن از صید دریایی است.

فرمود: در این صورت آنها را در دریا بیندازید.

۷- زراره گوید: امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

هنگامی که ملخ ها در مسیر راهی قرار گیرند محرم باید از آن راه کناره گیرد و اگر چاره نداشت و ملخ ها را پایمال کرد چیزی بر عهده او نیست.

۸- ابوبصیر گوید:

ص: ۲۴۰

سَأَلْتُهُ عَنِ الْجَرَادِ يَدْخُلُ مَتَاعَ الْقَوْمِ فَيَدُوسُونَهُ مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ لِقَتْلِهِ أَوْ يَمُرُّونَ بِهِ فِي الطَّرِيقِ فَيَطَئُونَهُ.

قَالَ: إِنْ وَجَدْتَ مَعْدِلًا فَاعْدِلْ عَنْهُ، فَإِنْ قَتَلْتَهُ غَيْرَ مُتَعَمِّدٍ فَلَا بَأْسَ.

۹ - حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ الطَّيَّارِ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

لا يَأْكُلِ الْمُحْرِمُ طَيْرَ الْمَاءِ.

بخش صدو سیزدهم

اشاره

(۱۱۳)

بَابُ الْمُحْرِمِ يُصِيبُ الصَّيْدَ مِرَاراً

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه السلام فِي الْمُحْرِمِ يَصِيدُ الطَّيْرَ.

قَالَ: عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ فِي كُلِّ مَا أَصَابَ.

از امام علیه السلام پرسیدم: ملخ هایی که داخل متاع گروهی می شوند پس افراد بدون آن که قصد کشتن آنها را داشته باشند ملخ ها را پایمال می کنند یا در وسط راه از میان آنها می گذرند و آنها را پایمال می کنند (چه حکمی دارد؟).

فرمود: اگر راهی دیگر یافتی از آن راه برو و اگر بدون عمد آنها را کشتی ایرادی ندارد.

۹- طیّار گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

محرم نباید از پرندگان آبی بخورد.

حکم محرمی که چند بار شکار کند

۱- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که پرنده شکار کرده فرمود:

در هر تعدادی که شکار کند همان یک کفاره بر عهده اوست.

ص: ۲٤۱

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فِي مُحْرِمٍ أَصَابَ صَيْداً.

قَالَ: عَلَيْهِ الْكَفّارَةُ.

قُلْتُ: فَإِنْ أَصَابَ آخَرَ؟

قَالَ: إِذَا أَصَابَ آخَرَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ كَفّارَةٌ، وَهُوَ مِمّنْ قَالَ اللّهُ عَزّوَجَلّ: (وَ مَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللهُ مِنْهُ).

۳- قَالَ ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ: عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ:

إِذَا أَصَابَ الْمُحْرِمُ الصَّيْدَ خَطَأً فَعَلَيْهِ أَبَداً فِي كُلِّ مَا أَصَابَ الْكَفَّارَةُ، وَإِذَا أَصَابَهُ مُتَعَمِّداً، فَإِنَّ عَلَيْهِ الْكَفَّارَةَ فَإِنْ عَادَ فَأَصَابَ ثَانِياً مُتَعَمِّداً فَلَيْسَ عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ، وَ هُوَ مِمَّنْ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (وَ مَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللهُ مِنْهُ).

۲- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام در مورد محرمی که شکار کرده فرمود:

بر او کفاره است.

گفتم: اگر صید دیگری نیز شکار کند.

فرمود: هرگاه صید دیگری را شکار کند بر او کفاره نیست و او از کسانی است که خدای عزوجل فرموده: «و هر که از حد بگذرد پس خداوند از او انتقام می گیرد».

۳- ابن ابی عمیر از بعضی اصحابش نقل می کند و گوید: هر گاه محرم از روی خطا شکار کرد همیشه در هر شکارش بر او کفاره است و هرگاه از روی عمد شکار کند پس بر اوست کفّاره و اگر از روی عمد دوباره شکار کرد پس کفاره بر او نیست. و او از کسانی است که خدای د فرموده است: «و هر که از حد بگذرد پس خداوند از او انتقام می گیرد».

ص: ۲۴۲

بخش صدو چهاردهم

اشاره

(۱۱٤)

بَابُ الْمُحْرِمِ يُصِيبُ الصَّيْدَ فِي الْحَرَمِ.

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنْ قَتَلَ الْمُحْرِمُ حَمَامَةٌ فِي الْحَرَمِ فَعَلَيْهِ شَاةٌ وَ ثَمَنُ الْحَمَامَةِ دِرْهَمْ أَوْ شِبْهُهُ يَتَصَدّقُ بِهِ أَوْ يُطْعِمُهُ حَمَامَ مَكّةَ، فَإِذَ قَتَلَهَا فِي الْحَرَمِ وَ لَيْسَ بِمُحْرِمٍ فَعَلَيْهِ ثَمَنُهَا.

٢- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَكَلَ بَيْضَ حَمَامِ الْحَرَمِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: عَلَيْهِ لِكُلّ بَيْضَةٍ دَمٌ وَ عَلَيْهِ ثَمَنُهَا سُدُسُ أَوْ رُبُعُ الدّرْهَم، الْوَهُمُ مِنْ صَالِحٍ.

ثُمّ قَالَ: إِنّ الدّمَاءَ لَزِمَتْهُ لِأَكْلِهِ وَ هُوَ مُحْرِمْ، وَإِنّ الْجَزَاءَ لَزِمَهُ لِأَخْذِهِ بَيْضَ حَمَامِ الحرم.

حکم محرمی که در حرم شکار کند

١- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر محرم در حرم کبوتری را شکار کند بر او است که یک گوسفند قربانی کند و قیمت کبوتر را - که یکدرهم و یا همانند آن است - صدقه دهد و یا به کبوتران مکه بخوراند و اگر در حرم بدون این که محرم باشد شکار کند فقط قیمت آن بر عهده اوست.

٢- حارث بن مغیره گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد مرد محرمی که تخم های کبوتر حرم را بخورد چه حکمی دارد؟

فرمود: در ازای هر تخم یک قربانی کند و قیمت آن تخم را که یک ششم و یا یک چهارم درهم است (شک از راوی است) بپردازد.

سپس فرمود: قربانی بر عهده اوست، چرا که در حال احرام آن را خورده است و قیمت به جهت گرفتن تخم کبوتر حرم بر او لازم شد.

ص: ۲۴۳

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

عَنْ رَجُلٍ مُحْرِمٍ مَرّ وَ هُوَ فِي الْحَرَمِ فَأَخَذَ عُنُقَ ظَبْيَةٍ فَاحْتَلَبَهَا وَ شَرِبَ مِنْ لبنها.

قَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ وَ جَزَاؤُهُ فِي الْحَرَمِ ثَمَنُ اللَّبَنِ.

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنْ أَصَبْتَ الصَّيْدَ وَ أَنْتَ حَرَامٌ فِي الْحَرَمِ فَالْفِدَاءُ مُضَاعَفٌ عَلَيْكَ، وَإِنْ أَصَبْتَهُ وَ أَنْتَ حَلَالٌ فِي الْحَرَمِ فَقِيمَةٌ وَاحِدَةٌ، وَإِنْ أَصَبْتَهُ وَ أَنْتَ حَرَامٌ فِي الْحِلِّ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ فِدَاء وَاحِدٌ.

۵- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۳- یزید بن عبدالملک گوید: امام صادق علیه السلام درباره مرد محرمی که در حرم به آهویی می رسد گردن آن را می گیرد و آن را دوشیده و شیرش را می خورد فرمود:

بر عهده اوست که یک گوسفند قربانی کند و کفاره آن کار در حرم پرداخت قیمت شیر است.

٤- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر در حال احرام در حرم شکار کنی پس کفاره آن دو برابر است و اگر در حرم و در غیر احرام شکار کردی یک کفاره است و اگر در حال احرام و در غیر حرم شکار نمودی فقط یک کفاره بر عهده تو است.

۵- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۲۴۴

إِنّمَا يَكُونُ الْجَزَاءُ مُضَاعَفَاً فِيمَا دُونَ الْبَدَنَةِ حَتّى يَبْلُغَ الْبَدَنَةَ، فَإِذَا بَلَغَ الْبَدَنَةَ فَلَا تُضَاعَفُ لِأَنّهُ أَعْظَمُ مَا يَكُونُ، قَالَ اللّهُ عَزّوَجَلّ: (وَ مَنْ يُعَظّمْ شَعَائِرَ اللّهِ فَإِنّهَا مِنْ

تَقْوَى الْقُلُوبِ).

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلّادٍ الْحَنّاطِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: مُحْرِمٌ قَتَلَ طَيْراً فِيمَا بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ عَمْداً.

قَالَ: عَلَيْهِ الْفِدَاءُ وَالْجَزَاءُ وَيُعَزّرُ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ فَعَلَهُ فِي الْكَعْبَةِ عَمْداً.

قَالَ: عَلَيْهِ الْفِدَاءُ وَ الْجَزَاء وَ يُضْرَبُ دُونَ الْحَدّ وَ يُقَامُ لِلنّاسِ كَيْ يَنْكُلَ غَيْرُهُ.

کفاره تنها در قربانی کمتر از شتر دو برابر می شود تا به اندازه شتر برسد. پس هنگامی که به اندازه شتر رسید دیگر دو برابر نمی شود زیرا آن بزرگترین چیزی است که می تواند باشد. خداوند عزوجل می فرماید: «هر که شعائر خدا را بزرگ شمارد پس آن از تقوای دلها است».

٦- حمران بن اعین :گوید به امام باقر علیه السلام گفتم: محرمی که در بین صفا و مروه از روی عمد پرنده ای را بکشد چه حکمی دارد؟

فرمود: بر اوست که قیمت آن پرنده را بپردازد و یک قربانی کند و تأدیب شود.

گفتم: اگر در کعبه از روی عمد این کار را کند چه حکمی دارد؟

فرمود: بر اوست که قیمت آن را بپردازد و قربانی کند و کمتر از حد (که ۸۰ تازیانه است) به او زده می شود و در میان مردم اقامه حد شود تا دیگران از این کار سرباز زنند.

ص: ۲۴۵

بخش صدو پانزدهم

اشاره

(۱۱۵)

بَابُ نَوَادِرَ

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللّهِ عَزّوَجَلّ: (لَيَبْلُوَنّكُمُ اللّهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِماحُكُمْ).

قَالَ: حُشِرَتْ لِرَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم فِي عُمْرَةِ الْحُدَيْبِيَةِ الْوُحُوشُ حَتّى نَالَتْهَا أَيْدِيهِمْ وَ رِمَاحُهُمْ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللّهِ عَزّوَجَلّ: (يَا أَيُّهَا الّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنّكُمُ اللهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَ رِمَاحُكُمْ).

قَالَ: حُشِرَ عَلَيْهِمُ الصّيْدُ فِي كُلِّ مَكَانٍ حَتّى دَنَا مِنْهُمْ لِيَبْلُوَهُمُ اللّهُ بِهِ.

چند حدیث نکته دار

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید: «به طور حتم خداوند شما را به چیزی از شکار می آزماید که دست هایتان و تیرهایتان آن را دریابد» فرمود:

در عمره حدیبیه برای پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم حیواناتی وحشی پیدا شدند تا این که دست ها و تیرهایشان به آنها رسید.

۲- حلبی نیز در ذیل این آیه از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

در آن هنگام برای پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم و یارانش در مکانی حیواناتی وحشی پیدا شدند تا جایی که در تیررس آنان قرار گرفتند و بدین وسیله خداوند آنها را می آزمود.

ص: ۲۴۶

۳- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللّهِ عَزّوَجَلّ: (ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ).

قَالَ: الْعَدْلُ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِهِ.

ثُمّ قَالَ: هَذَا مِمّا أَخْطَأَتْ بِهِ الْكُتّابُ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَ رِماحُكُمْ).

قَالَ: مَا تَنَالُهُ الْأَيْدِي الْبَيْضُ وَ الْفِرَاخُ وَ مَا تَنَالُهُ الرِّمَاحُ فَهُوَ مَا لَا تَصِلُ إِلَيْهِ الْأَيْدِي.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ).

قَالَ: الْعَدْلُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِهِ.

۳- ابراهیم بن عمر یمانی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد فرمایش خدای عزوجل که می فرماید: «دو صاحب عدالت از شما (به آن حکم کنند) پرسیدم».

فرمودک منظور از عدل، رسول خدا صلی الله علیه وسلم و امام بعد از آن حضرت است.

سپس فرمود: این حکم از مواردی است که نویسندگان و نسخه برداران در مورد آن به خطا رفته اند. (۱)

٤- احمد بن محمد در روایت مرفوعه ای گوید: حضرتش در مورد آیه شریفه ای که می فرماید: «دست ها و تیرهایتان به آن می رسد» فرمود:

آن چه دست ها به آن برسد تخم پرندگان و جوجه ها هستند و آن چه تیرها به آن برسد حیواناتی هستند که در دسترس نیستند.

٥- زراره گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد فرمایش خداوند و صاحب عدالت از شما به آن حکم می کنند، پرسیدم. فرمود: منظور از عدل رسول خدا صلی الله علیه وسلم و امام بعد از آن حضرت است.

١- علامه فیض کاشانی رحمه الله در توضیح این فراز می نویسد نسخه برداران در این واژه تصرّف کرده و «الف» را افزوده اند که درست آن ذو عدل است که مراد پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم و هر امامی است که در زمان خود می باشد.

ثُمّ قَالَ: هَذَا مِمّا أَخْطَأَتْ بِهِ الْكُتّابُ.

٦- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْن مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ زَيْدِ الشّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللّهِ عَزّ وَ جَلّ: (وَ مَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللّهُ مِنْهُ).

قَالَ: إِنّ رَجُلاً انْطَلَقَ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَأَخَذَ ثَعْلَبَاً فَجَعَلَ يُقَرّبُ النّارَ إِلَى وَجْهِهِ وَ جَعَلَ التّعْلَبُ يَصِيحُ وَ يُحْدِثُ مِن اسْتِهِ وَ جَعَلَ أَصْحَابُهُ يَنْهَوْنَهُ عَمّا يَصْنَعُ، ثُمّ أَرْسَلَهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَبَيْنَمَا الرّجُلُ نَائِمَ إِذْ جَاءَتْهُ حَيّةٌ فَدَخَلَتْ فِي فِيهِ فَلَمْ تَدَعْهُ حَتّى جَعَلَ يُحْدِثُ كَمَا أَحْدَثَ التّعْلَبُ ثُمّ خَلّتْ عَنْهُ.

٧- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ أَكَلَ مِنْ لَحْمِ صَيْدٍ لَا يَدْرِي مَا هُوَ وَ هُوَ مُحْرِمٌ.

قَالَ: عَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ.

سپس فرمود: این حکم از مواردی است که نویسندگان و نسخه برداران در مورد آن به خطا رفته اند.

٦- زید شام می گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل که می فرماید: «و هر که از حد تجاوز کرد پس خداوند از او انتقام می کند» فرمود:

مرد محرمی از راهی می رفت پس روباهی را گرفت و آتش را نزدیک صورت او آورد و روباه فریاد زده و از پشت خود باد خارج می نمود و دوستانش او را از آن کار باز می داشتند آن گاه آن مرد روباه

را رها نمود، در این بین که خوابیده بود ناگاه ماری آمد و وارد دهان او شد و او را رها نکرد تا از ترسش همانند روباه باد خارج می کرد سپس او را رها کرد.

۷- محمد بن یحیی در روایت مرفوعه ای گوید: امام صادق علیه السلام درباره مرد محرمی که از گوشتی خورد که نمی دانست چیست فرمود:

بر ذمه او قربانی گوسفند است.

ص: ۲۴۸

۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ قَضَى حَجَّهُ ثُمَّ أَقْبَلَ حَتَّى إِذَا خَرَجَ مِنَ الْحَرَمِ اسْتَقْبَلَهُ صَيْدٌ قَرِيبٌ مِنَ الْحَرَمِ وَ الصَّيْدُ مُتَوَجِّهُ نَحْوَ الْحَرَمِ فَرَمَاهُ فَقَتَلَهُ مَا عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ؟

قَالَ: يَفْدِيهِ عَلَى نَحْوِهِ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

سَأَلْتُ الرَّجُلَ عَنِ الْمُحْرِمِ يَشْرَبُ الْمَاءَ مِنْ قِرْبَةٍ أَوْ سِقَاءٍ اتَّخِذَ مِنْ جُلُودِ الصَّيْدِ هَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ أَمْ لا؟

فَقَالَ: يَشْرَبُ مِنْ جُلُودِهَا.

۸- عقبة بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی که حج خود را به پایان رساند سپس برای رفتن آماده شد چون از حرم بیرون شد، در نزدیک حرم شکاری را دید که به حرم می رفت. پس تیری به آن زد و آن را کشت چه چیزی بر عهده اوست؟

فرمود: قربانی می کند همان گونه که این کار را در حرم انجام می داد.

۹- علی بن مهزیار گوید: از امام علیه السلام پرسیدم آیا محرم می تواند از مشک و خیکی که از پوست شکار است آب بیاشامد یا نه؟

فرمود: می تواند در پوست شکار آب بیاشامد.

ص: ۲۴۹

بخش صدو شانزدهم

اشاره

(۱۱۷)

بَابُ دُخُولِ الْحَرَمِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبَانِ بْن تَغْلِبَ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام مُزَامَلَةً فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ، فَلَمّا انْتَهَى إِلَى الْحَرَمِ نَزَلَ وَ اغْتَسَلَ وَأَخَذَ نَعْلَيْهِ بِيَدَيْهِ ثُمّ دَخَلَ الْحَرَمَ حَافِياً فَصَنَعْتُ مِثْلَ مَا صَنَعَ.

فَقَالَ: يَا أَبَانُ مَنْ صَنَعَ مِثْلَ مَا رَأَيْتَنِي صَنَعْتُ تَوَاضُعاً لِلّهِ مَحَا اللّهُ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ، وَ كَتَبَ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ بَنَى اللّهُ عَزّ وَ جَلّ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ قَضَى لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السّنْدِي عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ:

چگونگی ورود به حرم

۱- ابان بن تغلب گوید: در بین مکه و مدینه همراه امام صادق علیه السلام بودم، وقتی به حرم رسید از مرکب پیاده شد غسل نمود و دو نعلین خود را در دو دست خود گرفت، سپس با پای برهنه وارد حرم شد من هم چنین کردم.

آن گاه فرمود: ای آبان! هر که به جهت فروتنی از خدا چنین انجام دهد، خداوند صد هزار گناه او را پاک می کند و صد هزار نیکی برایش می نویسد و صد هزار درجه او را بالا می برد و صد هزار حاجت را برایش برآورده می کند.

۲ - ابو عبیده گوید:

ص: ۲۵۰

زَامَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فِيمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ، فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى الْحَرَمِ اغْتَسَلَ وَ أَخَذَ نَعْلَيْهِ بِيَدَيْهِ ثُمَّ مَشَى فِي الْحَرَمِ سَاعَةً.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ مِثْلَهُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْحَرَمَ فَتَنَاوَلْ مِنَ الْإِذْخِرِ فَامْضَغْهُ، وَكَانَ يَأْمُرُ أُمَّ فَرْوَةَ بِذَلِكَ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ الْحَرَمَ فَخُذْ مِنَ الْإِذْخِرِ فَامْضَغْهُ.

قَالَ الْكُلَيْنِيُّ رحمه الله: سَأَلْتُ بَعْضَ أَصْحَابِنَا عَنْ هَذَا.

با امام باقر علیه السلام در راه مکه همسفر شدم حضرتش وقتی به حرم رسید غسل کرد و دو نعلین خود را به دو دستش گرفت و ساعتی پابرهنه در حرم راه رفت.

۳ - ابوبصیر گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

آن گاه که وارد حرم شدی از گیاه خوشبوی اذخر تناول کن و آن را بجو.

حضرتش به ام فروه نیز این گونه دستور می داد.

٤- نظیر این روایت را معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

کلینی رحمه الله می گوید: از یکی از اصحاب (از سفرای امام زمان علیه السلام) در این مورد پرسیدم:

ص: ۲۵۱

فَقَالَ: يُسْتَحَبُّ ذَلِكَ لِيَطِيبَ بِهَا الْفَمُ لِتَقْبِيلِ الْحَجَرِ.

٥- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ ذَرِيحٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُسْلِ فِي الْحَرَمِ قَبْلَ دُخُولِهِ أَوْ بَعْدَ دُخُولِهِ؟

قَالَ: لَا يَضُرُّكَ أَيَّ ذَلِكَ فَعَلْتَ، وَ إِنِ اغْتَسَلْتَ بِمَكَّةَ فَلَا بَأْسَ، وَإِنِ اغْتَسَلْتَ فِي بَيْتِكَ حِينَ تَنْزِلُ بِمَكَّةَ فَلَا بَأْسَ.

بخش صدو هفدهم

اشاره

(۱۱۷)

بَابُ قَطْعِ تَلْبِيَةِ الْمُتَمَتِّعِ.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

گفت: این کار مستحب است برای این که به وسیله آن دهان برای بوسیدن حجر الاسود خوشبو شود.

۵- ذریح گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: غسل در حرم پیش از ورود به آن است یا بعد از آن؟

فرمود: هرکدام را انجام دادی ضرری ندارد اگر در مکه غسل کردی ایرادی ندارد و اگر در منزلت در هنگام ورود به مکه انجام دادی، ایرادی ندارد.

قطع تلبیه محرم در عمره تمتّع

۱- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا دَخَلْتَ مَكَّةَ وَ أَنْتَ مُتَمَتِّعٌ فَنَظَرْتَ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ فَاقْطَعِ التَّلْبِيَةَ، وَ حَدُّ بُيُوتِ مَكَّةَ الَّتِي كَانَتْ قَبْلَ الْيَوْمِ عَقَبَةُ الْمَدَنِيِّينَ ، وَإِنّ النّاسَ قَدْ أَحْدَثُوا بِمَكَّةَ مَا لَمْ يَكُنْ فَاقْطَعِ التَّلْبِيَةَ وَ عَلَيْكَ بِالتَّكْبِيرِ وَ التَّهْلِيلِ وَ التَّحْمِيدِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا اسْتَطَعْتَ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ وَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

إِذَا رَأَيْتَ أَبْيَاتَ مَكَّةَ فَاقْطَعِ التَّلْبِيَةَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عبدالله عليه السلام قَالَ:

الْمُتَمَتِّعُ إِذَا نَظَرَ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ قَطَعَ التَّلْبِيَةَ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمُتَمَتِّعِ مَتَى يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ؟

هرگاه وارد مکه شدی و به عمره تمتع احرام بستی و نگاه به خانه های مکه کردی، تلبیه را قطع کن و حدود خانه های مکه در سابق عقبه مردم مدینه بود (آن جا که با رسول خدا صلی الله علیه وسلم بیعت نمودند) ولی مردم خانه هایی را ساختند که پیش تر در مکه چیزی نبود. پس تلبیه را قطع کن و آن چه توان داری «الله اکبر، لا اله الا الله، الحمد لله» بگو و خداوند عزوجل را ثنا گوی.

٢- سدیر گوید: امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

هرگاه خانه های مکه را دیدی تلبیه را قطع کن.

٣- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که نگاه متمتع به خانه های مکه افتاد، باید تلبیه را قطع کند.

٤- احمد بن محمد گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدند: متمتع چه موقع تلبیه را باید قطع کند؟

ص: ٢٥٣

قَالَ: إِذَا نَظَرَ إِلَى أَعْرَاشِ مَكَّةَ عَقَبَةَ ذِي طُوًى.

قُلْتُ: بُيُوتُ مَكَّةَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

بخش صدو هیجدهم

اشاره

(۱۱۸)

بَابُ دُخُولِ مَكَّةَ

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مِنْ أَيْنَ أَدْخُلُ مَكَّةَ وَ قَدْ جِئْتُ مِنَ الْمَدِينَةِ؟

فَقَالَ: ادْخُلْ مِنْ أَعْلَى مَكَّةَ، وَإِذَا خَرَجْتَ تُرِيدُ الْمَدِينَةَ فَاخْرُجْ مِنْ أَسْفَلِ مَكَّةَ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِي عليهم السلام:

فرمود: هرگاه به خانه های مکه در عقبه ذی طوی بنگرد.

عرض کردم: به خانه های مکه؟

فرمود: آری.

چگونگی ورود به مکه

۱- یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم وقتی از مدینه می آیم از کجا وارد مکه شوم؟

فرمود: از بالای مکه وارد شو و چون خارج می شوی و می خواهی به مدینه بروی از پایین مکه بیرون رو.

۲- طلحة بن زید گوید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام این گونه نقل می کند:

ص: ۲۵٤

أَنَّهُ كَانَ إِذَا قَدِمَ مَكَّةَ بَدَأَ بِمَنْزِلِهِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ.

۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فِی كِتَابِهِ:(وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ)فَيَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ لا يَدْخُلَ مَكَّةَ إِلَّا وَ هُوَ طَاهِرٌ قَدْ غَسَلَ عَرَقَهُ وَ الْأَذَى وَ تَطَهَّرَ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله علیه السلام قَالَ:

إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْحَرَمِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاغْتَسِلْ حِينَ تَدْخُلُهُ، وَإِنْ تَقَدَّمْتَ فَاغْتَسِلْ مِنْ بِئْرِ مَيْمُونٍ أَوْ مِنْ فَخَ أَوْ مِنْ مَنْزِلِكَ بِمَكَّةَ.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

أَمَرَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنْ نَغْتَسِلَ مِنْ فَخٍ قَبْلَ أَنْ نَدْخُلَ مَكَّةَ.

هرگاه حضرت علی علیه السلام وارد مکه می شد پیش از این که طواف کند، به منزلش فرود می آمد.

۳- محمد حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل در کتابش می فرماید: «و خانه مرا برای طواف کنندگان و نمازگزاران و رکوع و سجود کنندگان پاک کن» پس سزاوار است هر بنده ای که وارد مکه می شود پاک باشد که عرق و کثافتش را شسته و طهارت نماید.

٤- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه به حرم رسيدى - ان شاء الله - هنگام ورود غسل كن و اگر پيش از غسل به آن جا رسيدى پس از چاه ميمون يا از فخ يا از منزلت در مكه غسل كن.

٥- حلبى گويد: امام صادق عليه السلام به ما دستور فرمود كه پيش از ورود به مكه در فخ غسل نماييم.

ص: ٢٥٥

٦- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَجْلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى بِئْرِ مَيْمُونٍ أَوْ بِئْرِ عَبْدِ الصَّمَدِ فَاغْتَسِلْ وَ اخْلَعْ نَعْلَيْكَ وَ امْشِ حَافِياً، وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ.

٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي:

إِنِ اغْتَسَلْتَ بِمَكَّةَ ثُمَّ نِمْتَ قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ فَأَعِدْ غُسْلَكَ.

٨- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَغْتَسِلُ لِدُخُولِ مَكَّةَ ثُمَّ يَنَامُ فَيَتَوَضَّأُ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ أَ يُجْزِئُهُ ذَلِكَ أَوْ يُعِيدُ؟

٦- عجلان ابى صالح گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه به چاه میمون و یا چاه عبدالصمد رسیدی غسل نموده و نعلین خود را بکن و پابرهنه راه برو و بر تو باد به آرامش و وقار!

۷- علی بن ابی حمزه گوید: امام کاظم علیه السلام به من فرمود:

اگر در مکه غسل نمودی سپس پیش از طواف خوابیدی غسلت را دوباره انجام ده.

۸- عبد الرحمان بن حجاج گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: شخصی برای ورود به مکه غسل نمود، سپس خوابید. پس پیش از ورود به مکه وضو گرفت آیا همان کفایت می کند یا اعاده نماید؟

ص: ۲۵۶

قَالَ: لَا يُجْزِئُهُ، لِأَنَّهُ إِنَّمَا دَخَلَ بِوُضُوءٍ

۹- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَنْ دَخَلَهَا بِسَكِينَةٍ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ.

قُلْتُ: كَيْفَ يَدْخُلُهَا بِسَكِينَةٍ.

قَالَ: يَدْخُلُ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَ لا مُتَجَبرٍ.

۱۰- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي عَنْ أَبَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ علیه السلام قَالَ:

لا يَدْخُلُ مَكّةَ رَجُلٌ بِسَكِينَةٍ إِلّا غُفِرَ لَهُ.

قُلْتُ: مَا السَّكِينَةُ؟

قَالَ: يَتَوَاضَعُ.

فرمود: کفایت نمی کند زیرا با وضوی تنها داخل مکه شده است.

۹- معاویة عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که به آرامش وارد مکه شود گناهش آمرزیده می شود.

گفتم: چگونه به آرامش وارد شود؟

فرمود: بدون تکبر و زورگویی وارد شود.

۱۰- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی به آرامش وارد مکه نمی شود مگر که گناهش آمرزیده می شود.

گفتم: آرامش چیست؟

فرمود: فروتنی نماید.

ص: ۲۵۷

بخش صدو نوزدهم

اشاره

(۱۱۹)

بَابُ دُخُولِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْن شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَادْخُلْهُ حَافِياً عَلَى السّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ وَ الْخُشُوعِ.

وَ قَالَ: وَ مَنْ دَخَلَهُ بِخُشُوعٍ غَفَرَ اللّهُ لَهُ إِنْ شَاءَ اللّهُ.

قُلْتُ: مَا الْخُشُوع؟

قَالَ: السّكِينَةُ لا تَدْخُلْهُ بِتَكَبّرٍ، فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى بَابِ الْمَسْجِدِ فَقُمْ وَ قُلِ:

«السّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِنَ اللّهِ وَ مَا شَاءَ اللّهُ وَ السّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللّهِ وَ رُسُلِهِ وَ السّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ وَ السّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

چگونگی ورود به مسجدالحرام

١- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه وارد مسجد الحرام شدی، پس پابرهنه با آرامش و وقار و فروتنی وارد شو.

آن حضرت افزود و هر كه به فروتنی وارد آن جا شد خداوند او را می آمرزد ان شاء الله.

گفتم: خشوع چيست؟

فرمود: آرامش است. با تكبّر داخل آن جا نشو چون به درب مسجد رسيدی بايست و بگو:

«السّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِنَ اللّهِ وَ مَا شَاءَ اللّهُ وَ السّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللّهِ وَ رُسُلِهِ وَ السّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ وَ السّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

فَإِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ اسْتَقْبِلِ الْبَيْتَ وَ قُلِ:

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَ تَضَعَ عَنّي وِزْرِي الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي بَلّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ.

اللّهُمّ إِنّي أَشْهَدُ أَنّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ الّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنّاسِ وَأَمْناً مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.

اللّهُمّ إِنّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أُؤُمّ طَاعَتَكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدَرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ.

اللّهُمّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

۲- وَ رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ: تَقُولُ وَ أَنْتَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ:

و هرگاه داخل مسجد شدی دست هایت را بلند نما و رو به خانه کعبه کرده و بگو:

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا فِي أَوّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي وَ تَضَعَ عَنّي وِزْرِي الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي بَلّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ.

اللّهُمّ إِنّي أَشْهَدُ أَنّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ الّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنّاسِ وَأَمْناً مُبَارَكاً وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ.

اللّهُمّ إِنّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَومُ طَاعَتَكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدَرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرّ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ.

اللّهُمّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

۲- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه کنار بر درب مسجد رسیدی می گویی:

بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِنَ اللّهِ وَ مَا شَاءَ اللّهُ وَ عَلَى مِلّةِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلّهِ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ السّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم السّلَامُ عَلَى مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللّهِ وَ رُسُلِهِ السّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرّحْمَانِ، السّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبّ الْعَالَمِينَ السّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللّهِ الصّالِحِينَ.

اللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمّداً وَ آلَ مُحَمّدٍ كَمَا صَلّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلّمْ عَلَيْهِمْ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُلِلّهِ رَبّ الْعَالَمِينَ.

اللّهُمّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي جَلّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُوّارِهِ وَ جَعَلَنِي مِمّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَ جَعَلَنِي مِمّنْ يُنَاجِيهِ.

«بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ وَ مِنَ اللّهِ وَ مَا شَاءَ اللّهُ وَ عَلَى مِلّةِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ خَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَ السّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم السّلَامُ عَلَى مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللّهِ وَ رُسُلِهِ السّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرّحْمَانِ السّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبّ الْعَالَمِينَ السّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللّهِ الصّالِحِينَ.

اللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمّداً وَ آلَ مُحَمّدٍ كَمَا صَلّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلّمْ عَلَيْهِمْ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبّ الْعَالَمِينَ.

اللّهُمّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي جَلّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَ زُوّارِهِ وَ جَعَلَنِي مِمّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ وَ جَعَلَنِي مِمّنْ يُنَاجِيهِ.

ص: ٢٦٠

اللّهُمّ إِنّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَأْتِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَأْتِي وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ.

فَأَسْأَلُكَ يَا اللّهُ يَا رَحْمَانُ بِأَنّكَ أَنْتَ اللّهُ الّذِي لا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ وَ بِأَنّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبّارُ يَا كَرِيمٌ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيّايَ بِزِيَارَتِي إِيّاكَ أَوّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ.

اللّهُمّ فُنّ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ تَقُولُهَا ثَلاثاً وَ أَوْسِعْ عَلَيّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطّيّبِ وَادْرَأْ عَنّي شَرّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنّ وَ شَرّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

اللّهُمّ إِنّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَأْتِي حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيَ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ.

فَأَسْأَلُكَ يَا اللّهُ يَا رَحْمَانُ بِأَنّكَ أَنْتَ اللّهُ الّذِي لَا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ وَ بِأَنّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيّايَ بِزِيَارَتِي إِيّاكَ أَوّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ.

اللّهُمّ فُكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ تَقُولُهَا ثَلاثاً وَ أَوْسِعْ عَلَيّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطّيّبِ وَ ادْرَأْ عَنّي شَرّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنّ وَ شَرّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

ص: ٢٦١

بخش صدو بیستم

اشاره

(۱۲۰)

بَابُ الدُّعَاءِ عِنْدَ اسْتِقْبَالِ الْحَجَرِ وَ اسْتِلَامِهِ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَنَوْتَ مِنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَارْفَعْ يَدَيْكَ وَ احْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم وَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكَ ثُمَّ اسْتَلِمِ الْحَجَرَ وَ قَبِّلْهُ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تُقَبِّلَهُ فَاسْتَلِمْهُ بِيَدِكَ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تَسْتَلِمَهُ بِيَدِكَ فَأَشِرْ إِلَيْهِ وَ قُلْ:

دعا به هنگام رو به رو شدن باحجر الاسود و استلام آن

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: آن گاه كه به حجر الاسود نزديک شدى دست هايت را بلند نما و خدا را حمد كن و بر او ثنا گوى و بر پيامبر صلى الله عليه وسلم درود بفرست و از خدا بخواه كه از تو قبول نمايد. سپس به حجر الاسود دست بمال و آن را ببوس و اگر نتوانستى آن را ببوسى پس به آن دست بمال و اگر نتوانستى به آن دست بمالى پس اشاره كن به سوى آن و بگو:

ص: ۲۶۲

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُوَافَاةِ.

اللّهُمّ تَصْدِيقاً بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنّةِ نَبِيّكَ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ بِاللّاتِ وَ الْعُزّى وَ عِبَادَةِ الشّيْطَانِ وَ عِبَادَةِ كُلّ نِةٍ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللّهِ».

فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تَقُولَ هَذَا كُلّهُ فَبَعْضَهُ وَ قُل:

«اللّهُمّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ سَيْحَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي.

اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدّنْيَا وَالآخِرَةِ».

٢- وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

«اللّهُمّ أَمَانَتِي أَدّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُوَافَاةِ.

اللّهُمّ تَصْدِيقاً بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنّةِ نَبِيّكَ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ بِاللّاتِ وَ الْعُزّى وَ عِبَادَةِ الشّيْطَانِ وَ عِبَادَةِ كُلّ نِةٍ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللّهِ».

اگر همهٔ این دعا را نتوانستی بگویی پس مقداری از آن را بگو و بگو:

«اللّهُمّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي فَاقْبَلْ سَيْحَتِي وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي.

اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدّنْيَا وَالآخِرَةِ».

٢- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَامْشِ حَتّى تَدْنُوَ مِنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ فَتَسْتَقْبِلَهُ وَ تَقُولُ:

«الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لا أَنْ هَدَانَا اللّهُ، سُبْحَانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَلَا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَ اللّهُ أَكْبَرُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ أَكْبَرُ مِمّنْ أَخْشَى وَ أَحْذَرُ وَ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

وَ تُصَلِّي عَلَى النّبِيّ وَ آلِ النّبِيّ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ تُسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ كَمَا فَعَلْتَ حين دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ.

ثُمّ تَقُولُ: «اللّهُمّ إِنّي أُومِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوفِي بِعَهْدِكَ» ثُمّ ذَكَرَ كَمَا ذَكَرَ مُعَاوِيَةُ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَمّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ المَسْجِدَ الْحَرَامَ وَ حَاذَيْتَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَقُلْ :

هرگاه وارد مسجد الحرام شدی برو تا به حجر الاسود نزدیک شوی پس آن را بوسیده و بگو:

«الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لا أَنْ هَدَانَا اللّهُ سُبْحَانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَ اللّهُ أَكْبَرُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ أَكْبَرُ مِمّنْ أَخْشَى وَ أَحْذَرُ وَ لا إِلَهَ إِلّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و بر پیامبر و خاندان او – درود خدا بر او و خاندان او باد – درود بفرست و بر پیامبران مرسل سلام ده، آن سان که به هنگام ورود به مسجد الحرام انجام دادی. سپس بگو:

«اللّهُمّ إِنّي أُومِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوفِي بِعَهْدِكَ».

ابو بصر در ادامه همانند روایت معاویة بن عمار را نقل کرد.

راوی گوید: امام باقرعلیه السلام فرمود:

هر گاه وارد مسجد الحرام شدی و مقابل حجر الاسود قرار گرفتی بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطّاغُوتِ وَ بِاللّاتِ وَ الْعُزّى وَ بِعِبَادَةِ الشّيْطَانِ وَ بِعِبَادَةِ كُلّ نِدٍ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللّهِ».

ثُمّ ادْنُ مِنَ الْحَجَرِ وَ اسْتَلِمْهُ بِيَمِينِكَ ثُمّ تَقُولُ:

«بِسْمِ اللّهِ وَ اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُمّ أَمَانَتِي أَدّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ عِنْدَكَ لِي بِالْمُوَافَاةِ».

بخش صدو بیست یکم

اشاره

(١٢١)

بَابُ الِاسْتِلَامِ وَ الْمَسْحِ.

١- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ اسْتِلَامِ الرّكْنِ.

قَالَ: اسْتِلَامُهُ أَنْ تُلْصِقَ بَطْنَكَ بِهِ، وَ الْمَسْحُ أَنْ تَمْسَحَهُ بِيَدِكَ.

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطّاغُوتِ وَ بِاللّاتِ وَ الْعُزّى وَ بِعِبَادَةِ الشّيْطَانِ وَ بِعِبَادَةِ كُلّ نِدٍ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللّهِ».

سپس به حجر الاسود نزدیک شو و با دست راست آن را استلام کرده سپس بگو:

«بِسْمِ اللّهِ وَ اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُمّ أَمَانَتِي أَدّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ عِنْدَكَ لِي بِالْمُوَافَاةِ».

حکم استلام و مسح

۱- یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد استلام رکن پرسیدم.

فرمود: استلام این است که شکمت را به آن بچسبانی و مسح این است که به آن دست بمالي.

ص: ۲۶۵

بخش صدو بیست و دوم

اشاره

(۱۲۲)

بَابُ الْمُزَاحَمَةِ عَلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ الله علیه السلام:

كُنّا نَقُولُ: لَا بُدّ أَنْ نَسْتَفْتِحَ بِالْحَجَرِ وَ نَخْتِمَ بِهِ فَأَمّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ النّاسُ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرّحْمَانِ بْنِ الْحَجّاجِ عَنْ عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

كُنْتُ أَطُوفُ وَ سُفْيَانُ الثّوْرِيُّ قَرِيبٌ مِنّي فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ! كَيْفَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وسلم يَصْنَعُ بِالْحَجَرِ إِذَا انْتَهَى إِلَيْهِ؟

فَقُلْتُ: كَانَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم يَسْتَلِمُهُ فِي كُلّ طَوَافِ فَرِيضَةٍ وَ نَافِلَةٍ.

ازدحام مردم برای حجر الاسود

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

تا به حال می گفتيم بايد هر طواف را از حجر الاسود شروع نموده و به آن ختم نماييم اما امروز مردم زياد شده اند.

۲- عبدالرحمان بن حجاج گويد امام صادق عليه السلام فرمود:

مشغول طواف بودم و سفيان ثوری نيز نزديک من بود گفت: ای اباعبدالله! وقتی رسول خدا صلی الله عليه وسلم به حجر الاسود می رسيد چگونه رفتار می کرد؟

گفتم: رسول خدا صلی الله عليه وسلم در هر طواف واجب و نافله آن را استلام می نمود.

ص: ۲٦٦

قَالَ: فَتَخَلَّفَ عَنِّي قَلِيلاً، فَلَمّا انْتَهَيْتُ إِلَى الْحَجَرِ جُزْتُ وَ مَشَيْتُ فَلَمْ أَسْتَلِمْهُ فَلَحِقَنِي فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ! أَلَمْ تُخْبِرْنِي أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم كَانَ يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ فِي كُلِّ طَوَافِ فَرِيضَةٍ وَ نَافِلَةٍ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: فَقَدْ مَرَرْتَ بِهِ فَلَمْ تَسْتَلِمْ فَقُلْتُ: إِنَّ النّاسَ كَانُوا يَرَوْنَ لِرَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم مَا لَا يَرَوْنَ لِي، وَ كَانَ إِذَا انْتَهَى إِلَى الْحَجَرِ أَفْرَجُوا لَهُ حَتّى يَسْتَلِمَهُ وَ إِنِّي أَكْرَهُ الزِّحَامَ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَيْفِ التَّمّارِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: أَتَيْتُ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَوَجَدْتُ عَلَيْهِ زِحَامًا فَلَمْ أَلْقَ إِلّا رَجُلاً مِنْ أَصْحَابِنَا فَسَأَلْتُهُ.

فَقَالَ: لَا بُدَّ مِنْ اسْتِلَامِهِ.

فَقَالَ: إِنْ وَجَدْتَهُ خَالِياً وَ إِلَّا فَسَلِّمْ مِنْ بَعِيدٍ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

آن حضرت فرمود: سفیان مقداری از من عقب ماند چون به حجر الاسود رسیدم، گذشتم و رفتم و آن را استلام ننمودم سفیان به من رسید و گفت: ای اباعبدالله! مگر نگفتی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم در هر طواف واجب و نافله حجر الاسود را استلام می نمود؟

گفتم: آری.

گفت: تو از آن گذشتی و استلام ننمودی.

گفتم: مردم برای رسول خدا صلی الله علیه وسلم حرمتی قائل بودند که برای من قائل نیستند، چون به حجر الاسود می رسید به آن حضرت راه می دادند تا آن را استلام نماید و من از ازدحام خوشم نمی آید.

۳- سیف تمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: وقتی کنار حجر الاسود رفتم، ازدحام مردم بود و جز یک مرد از اصحابمان نیافتم، از او در مورد استلام پرسیدم، گفت: ناچار باید استلام کرد.

حضرت فرمود: اگر حجر الاسود را خلوت یافتی استلام کن وگرنه از دور به آن سلام کن (یعنی با دست اشاره کن).

٤- معاویة بن عمار گوید: -

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ حَجَّ وَ لَمْ يَسْتَلِمِ الْحَجَرَ.

فَقَالَ: هُوَ مِنَ السُّنَّةِ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْب قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: إِنِّي لَا أَخْلُصُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ.

فَقَالَ: إِذَا طُفْتَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَا يَضُرُّكَ.

٦- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الْحَجَرِ إِذَا لَمْ أَسْتَطِعْ مَسَّهُ وَ كَثُرَ الزِّحَامُ.

فَقَالَ: أَمَّا الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الضَّعِيفَ وَ الْمَرِيضُ فَمُرَخَّصُ ، وَ مَا أُحِبُّ أَنْ تَدَعَ مَسَّهُ إِلّا أَنْ لا تَجِدَ بُداً.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی اعمال حج را انجام داد، ولی استلام حجر الاسود ننمود (چه حکمی دارد؟).

فرمود: استلام از سنت است اگر نتوانست خداوند عذر پذیر است.

٥- یعقوب بن شعیب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: من به حجر الاسود نمی رسم؟

فرمود: چون طواف واجب نمودی ایرادی ندارد.

٦- محمد حلبی گوید از امام صادق پرسیدم هرگاه از کثرت جمعیت نتوانستم حجر الاسود را استلام نمایم چه حکمی دارد؟

فرمود: پیرمرد، ناتوان و بیمار رخصت دارند و من دوست ندارم که دست مالیدن به آن را ترک نمایی مگر این که چاره ای نداشته باشی.

٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ قَالَ:

سُئِلَ الرِّضَا عليه السلام عَنِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ هَلْ يُقَاتَلُ عَلَيْهِ النَّاسُ إِذَا كَثُرُوا؟

قَالَ: إِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَأَوْمِ إِلَيْهِ إِيمَاءً بِيَدِكَ.

٨- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جَهْرٌ بِالتَّلْبِيَةِ وَلا اسْتِلَامُ الْحَجَرِ وَ لَا دُخُولُ الْبَيْتِ وَ لا سَعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، يَعْنِي الْهَرْوَلَةَ.

٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم:

اسْتَلِمُوا الرُّكْنَ، فَإِنَّهُ يَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ يُصَافِحُ بِهَا خَلْقَهُ مُصَافَحَةَ الْعَبْدِ - أَوِ الرَّجُلِ - يَشْهَدُ لِمَنِ اسْتَلَمَهُ بِالْمُوَافَاةِ.

٧- محمد بن عبيدالله گويد:

از امام رضا عليه السلام درباره حجر الاسود سؤال شد كه آيا بايد مردم بر سر آن - در هنگام شلوغى - با هم ستيزه كنند؟

فرمود: وقتى اين چنين شد با دست به سوى آن اشاره كن.

٨- ابوبصير گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

بلند گفتن لبيک، استلام حجر و داخل بيت شدن و هروله در سعى بين صفا و مروه بر زنان نيست.

۹- محمّد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

استلام کنید حجر الاسود را زیرا آن دست خداوند در میان مردم است که به وسیله آن با خلقش مصافحه می کند آن سان که بنده - یا مرد - مصافحه می کند آن سنگ در حق کسی که استلامش نموده به وفاء گواهی می دهد.

ص: ۲۶۹

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتَهُ عَنِ اسْتِلَامِ الْحَجَرِ مِنْ قِبَلِ الْبَابِ.

فَقَالَ: أَ لَيْسَ إِنَّمَا تُرِيدُ أَنْ تَسْتَلِمَ الرُّكْنَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ

قَالَ: يُجْزِئُكَ حَيْثُ مَا نَالَتْ يَدُكَ.

بخش صدو بیست و سوم

اشاره

(۱۲۳)

بَابُ الطَّوَافِ وَ اسْتِلَامِ الْأَرْكَانِ.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

۱۰- سعید اعرج گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد استلام حجر از جانب درب پرسیدم؟

فرمود: آیا نمی خواهی که رکن را استلام کنی؟

گفتم: چرا؟

فرمود: به هرجا که دستت رسید کفایت می کند.

طواف و استلام ارکان

۱- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۲۷۰

طُفْ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَ تَقُولُ فِي الطَّوَافِ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمْشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمْشَى بِهِ عَلَى جَدَدِ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّد صلى الله عليه وسلم مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» مَا أَحْبَبْتَ مِنَ الدُّعَاءِ.

وَ كُلَّمَا انْتَهَيْتَ إِلَى بَابِ الْكَعْبَةِ فَصَلِّ عَلَى النَّبِي صلى الله عليه وسلم وَ تَقُولُ فِيمَا بَيْنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ وَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

وَ قُلْ فِي الطَّوَافِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدِّلِ اسْمِي».

بیت را هفت شوط طواف کن و در طواف بگو:

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الّذِي يُمْشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمْشَى بِهِ عَلَى جَدَدِ الْأَرْضِ، وَ أَسْأَلُكَ باسْمِكَ الّذِي يَهْتَزُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الّذِي تَهْتَزُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبّةً مِنْكَ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمّدٍ صلى الله عليه وسلم مَا تَقَدّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخّرَ وَ أَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و هرچه دوست داشتی دعاکن و در هربار که به کنار در کعبه رسیدی بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود بفرست و مابین رکن یمانی و حجر الاسود بگو:

«رَبّنَا آتِنَا فِي الدّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النّارِ».

و در طواف بگو: «اللّهُمّ إِنّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيّرْ جِسْمِي وَ لَا تُبَدّلِ اسْمِي».

ص: ۲۷۱

۲ عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ:

حَدّثَنِي أَيُّوبُ أَخُو أَدَيْم عَنِ الشّيْخِ قَالَ: قَالَ لِي أَبِي:

كَانَ أَبِي عليه السلام إِذَا اسْتَقْبَلَ الْمِيزَابَ قَالَ:

«اللّهُمّ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنّي شَرّ فَسَقَةِ الْجِنّ وَالْإِنْسِ وَ أَدْخِلْنِي الْجَنّةَ بِرَحْمَتِكَ».

٣- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ نُعَيْمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: دَخَلْتُ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يُفْتَحْ لِي شَيْءٌ مِنَ الدُّعَاءِ إِلَّا الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَعَيْتُ فَكَانَ كَذَلِكَ.

فَقَالَ: مَا أُعْطِيَ أَحَدٌ مِمَّنْ سَأَلَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيتَ.

٢- عبدالله بن مسكان گويد: ايوب برادر آديم از امام صادق عليه السلام اين گونه نقل كرد كه حضرتش فرمود:

پدرم (امام باقر عليه السلام) به من فرمود: هرگاه پدرم (امام زين العابدين عليه السلام) برابر ناودان كعبه مى رسيد مى فرمود:

«اللَّهُمَّ أَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ».

٣- عبدالرحمان بن نعيم گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: مشغول طواف واجب بودم كه هيچ دعايى برايم مقدور نشد مگر صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام. و هرچه سعى نمودم همان شد.

فرمود: به هيچ درخواست كننده اى بهتر از تو چيزى داده نشده است.

ص: ٢٧٢

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَا أَقُولُ إِذَا اسْتَقْبَلْتُ الْحَجَرَ؟

فَقَالَ: كَبِّرْ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

قَالَ: وَ سَمِعْتُهُ إِذَا أَتَى الْحَجَرَ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام إِذَا بَلَغَ الْحَجَرَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْمِيزَابَ يَرْفَعُ رَأْسَهُ ثُمَّ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ هُوَ يَنْظُرُ إِلَى الْمِيزَابِ وَأَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

٤- يعقوب بن شعيب گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: هرگاه با حجر الاسود روبه رو شدم چه بخوانم؟

فرمود: تكبيرگو و صلوات بر محمد و آل او بفرست.

راوى گويد: از حضرتش شنيدم چون به حجر الاسود رسيد مى فرمود: الله اكبر السلام على رسول الله صلى الله عليه وسلم.

٥- عمر بن عاصم گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: همواره وقتى امام سجاد عليه السلام كنار حجر الاسود مى رسيد پيش از اين كه به ناودان برسد سرش را بلند نموده مى فرمود:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ هُوَ يَنْظُرُ إِلَى الْمِيزَابِ وَ أَجِرْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

ص: ٢٧٣

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَمَّا انْتَهَى إِلَى ظَهْرِ الْكَعْبَةِ حِينَ يَجُوزُ الْحَجَرَ:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ وَ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُسْتَحَبُّ أَنْ تَقُولَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْحَجَرِ:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

وَ قَالَ: إِنَّ مَلَكاً مُوَكَّلاً يَقُولُ: آمِينَ.

٨- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ:

٦- عمر بن اذينه گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه چون به پشت كعبه مى رسيد و از حجر الاسود مى گذشت مى فرمود:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفَهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

عبدالله بن سنان گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

مستحب است بين ركن و حجر اين گونه بگويى:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و فرمود: فرشته برگزيده اى مى گويد: آمين.

۸- غیاث بن ابراهیم گوید: امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که فرمود:

ص: ۲۷٤

كَانَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وسلم لا يَسْتَلِمُ إِلّا الرُّكْنَ الْأَسْوَدَ وَ الْيَمَانِيّ، ثُمّ يُقَبِّلُهُمَا وَيَضَعُ خَدّهُ عَلَيْهِمَا وَ رَأَيْتُ أَبِي يَفْعَلُهُ.

۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قال:

كُنْتُ أَطُوفُ بِالْبَيْتِ فَإِذَا رَجُلٌ يَقُولُ: مَا بَالُ هَذَيْنِ الرُّكْنَيْنِ يُسْتَلَمَانِ وَ لَا يُسْتَلَمُ هَذَان؟

فَقُلْتُ: إِنّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه وسلم اسْتَلَمَ هَذَيْنِ وَ لَمْ يَعْرِضْ لِهَذَيْنِ فَلَا تَعْرِضْ لَهُمَا إِذَا لَمْ يَعْرِضْ لَهُمَا رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم.

قَالَ جَمِيلٌ: وَ رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَسْتَلِمُ الْأَرْكَانَ كُلّهَا.

۱۰- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْبَرْقِيّ رَفَعَهُ عَنْ زَيْدِ الشّحّامِ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم همواره فقط رکن حجر الاسود و یمانی را استلام می کرد سپس آنها را بوسیده و گونه خود را بر آنها می نهاد و پدرم را نیز دیدم که چنین می کرد.

۹- جمیل بن صالح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مشغول طواف بیت بودم که ناگاه دیدم مردی می گفت چرا این دو رکن استلام می شوند و آن دو استلام نمی شوند؟

گفتم: زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم این دو را استلام می کرد و با آن دو کاری نداشت. پس تو هم با آن دو کاری نداشته باش چون رسول خدا صلی الله علیه وسلم با آن دو کاری نداشت.

جمیل گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که همه ارکان را استلام می کرد.

۱۰- زید شحام ابی اسامه گوید:

ص: ۲۷۵

كُنْتُ أَطُوفُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام وَ كَانَ إِذَا انْتَهَى إِلَى الْحَجَرِ مَسَحَهُ بِيَدِهِ وَ قَبّلَهُ، وَ إِذَا انْتَهَى إِلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ الْتَزَمَهُ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! تَمْسَحُ الْحَجَرَ بِيَدِكَ وَ تَلْتَزِمُ الْيَمَانِيّ؟

فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم مَا أَتَيْتُ الرُّكْنَ الْيَمَانِي إِلّا وَجَدْتُ جَبْرَئِيلَ قَدْ سَبَقَنِي إِلَيْهِ يَلْتَزِمُهُ.

۱۱- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِى عَنْ رِبْعِي عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْمُقْعَدِ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنّ اللّهَ عَزّوَجَلّ وَكّلَ بِالرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ مَلَكاً هِجّيراً يُؤَمّنُ عَلَى دُعَائِكُمْ.

۱۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْمُقْعَدِ قَالَ سَمِعْتُ عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ:

إِنّ مَلَكاً مُوَكّلاً بِالرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ مُنْذُ خَلَقَ اللّهُ السّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ لَيْسَ لَهُ هِجيرٌ إِلّا التّأْمِينَ عَلَى دُعَائِكُمْ، فَلْيَنْظُرْ عَبْدٌ بِمَا يَدْعُو.

با امام صادق علیه السلام طواف می کردم چون به حجر الاسود می رسید دست به آن می مالید و آن را می بوسید و چون به رکن یمانی می رسید آن را به آغوش می گرفت.

گفتم: فدایت گردم! حجر الاسود را دست می مالی و رکن یمانی را به آغوش می گیری؟

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: هرگز به رکن یمانی نرفتم مگر آن جا جبرئیل را زودتر از خود یافتم که آن را به آغوش گرفته بود.

۱۱- علاء بن مُقعد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل به رکن یمانی فرشته ای را گماشته که کاری و عادت او این است که بر دعای شما آمین می گوید.

۱۲- علاء بن مقعد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

از نخستین زمانی که خداوند آسمان ها و زمین ها را آفرید فرشته ای بر رکن یمانی گماشت که عادتی جز آمین بر دعای شما (شیعیان) ندارد پس بنده توجه کند که چه دعا می کند.

ص: ۲۷۶

فَقُلْتُ لَهُ: مَا الْهَجّيرُ؟

فَقَالَ: كَلَامٌ مِنْ كَلَامِ الْعَرَبِ أَيْ: لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى لَيْسَ لَهُ عَمَلٌ غَيْرُ ذَلِكَ.

۱۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّه علیه السلام قَالَ:

الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنّةِ لَمْ يُغْلِقْهُ اللّهُ مُنْذُ فَتَحَهُ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى بَابُنَا إِلَى الْجَنّةِ الّذِي مِنْهُ نَدْخُلُ.

۱٤- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ بْنِ النّعْمَانِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَطُوفُ فَكَانَ لا يَمُرُّ فِي طَوَافٍ مِنْ طَوَافِهِ بِالرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ إِلَّا اسْتَلَمَهُ، ثُمَّ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتَّى أَتُوبَ وَ اعْصِمْنِي حَتَّى لَا أُعُودَ».

به حضرت گفتم: هجیر چیست؟

فرمود: کلامی از کلام عرب است؛ یعنی او کاری ندارد.

و در روایت دیگری آمده است: جز آن کار دیگری دارد.

۱۳- معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رکن یمانی دربی از درب های بهشت است که خداوند از زمانی که آن را باز نموده نبسته است.

و در روایت دیگری آمده است حضرت فرمود: درب ما به سوی بهشت است که ما از آن وارد بهشت می شویم.

١٤- ابو مریم گوید: با امام صادق علیه السلام مشغول طواف بودم که حضرتش در طوافش از رکن یمانی نمی گذشت مگر آن را استلام می کرد، سپس فرمود:

«اللَّهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتَّى أَتُوبَ وَاعْصِمْنِي حَتَّى لا أَعُودَ».

١٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ السِّنْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

كُنْتُ أَطُوفُ مَعَهُ بِالْبَيْتِ فَقَالَ: أَيُّ هَذَا أَعْظَمُ حُرْمَةً؟

فَقُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَذَا مِنِّي.

فَأَعَادَ عَلَيَّ.

فَقُلْتُ لَهُ: دَاخِلُ الْبَيْتِ.

فَقَالَ: الرُّكْنُ الْيَمَانِيُّ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ مَفْتُوحٌ لِشِيعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام مَسْدُودٌ عَنْ غَيْرِهِمْ، وَ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَدْعُو بِدُعَاء عِنْدَهُ إِلّا صَعِدَ دُعَاؤُهُ حَتّى يَلْصَقَ بِالْعَرْشِ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللّهِ حِجَابٌ.

١٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ يَعْنِي حِينَ يَجُوزُ الرُّكْنَ الْيَمَانِيُّ مَلَكاً أُعْطِيَ سَمَاعَ أَهْلِ أَرْضٍ ، فَمَنْ صَلّى عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم حِينَ يَبْلُغُهُ أَبْلَغَهُ إِيّاهُ.

١٥- ابو فرج سندی گوید: با امام صادق علیه السلام مشغول طواف بیت بودم حضرت فرمود: کدام یک از این ها حرمتش بیشتر است؟

گفتم: فدایت گردم! شما از من به این مسأله داناتری.

حضرت سؤال خود را تکرار فرمود.

گفتم: داخل بیت.

فرمود: رکن یمانی دربی است از درب های بهشت که بر شیعیان آل محمد علیهم السلام گشوده شده و بر غیر آنها بسته است و هر مؤمنی که نزد آن دعا می کند دعای او بالا رفته و به عرش می رسد و میان او و خدا حجابی نخواهد بود.

١٦- حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در این موضع - یعنی محل عبور از رکن یمانی - فرشته ای است به او گوش فرا دادن به سخنان مردم روی زمین عطاء شده است. پس هر که در موقع گذر از آن جا به رسول خدا صلی الله علیه وسلم درود بفرستد او آن درود را به [پیامبر صلی الله علیه وسلم] می رساند.

ص: ٢٧٨

١٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ حَمَّادِ بْن عُثْمَانَ قَالَ:

كَانَ بِمَكَّةَ رَجُلٌ مَوْلًى لِبَنِي أُمَيَّةَ يُقَالُ لَهُ: ابْنُ أَبِي عَوَانَةَ، لَهُ عِنَادَةٌ، وَ كَانَ إِذَا دَخَلَ إِلَى مَكَّةَ أَبُو عَبْدِاللّهِ علیه السلام أَوْ أَحَدٌ مِنْ أَشْيَاحَ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام يَعْبَثُ بِهِ، وَ إِنَّهُ أَتَى أَبَا عَبْدِاللّهِ علیه السلام وَ هُوَ فِي الطَّوَافِ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ! مَا تَقُولُ فِي اسْتِلَامِ الْحَجَرِ؟

فَقَالَ: اسْتَلَمَهُ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم.

فَقَالَ لَهُ: مَا أَرَاكَ اسْتَلَمْتَهُ.

قَالَ: أَكْرَهُ أَنْ أُوذِيَ ضَعِيفاً أَوْ أَتَأَذَّى.

قَالَ: فَقَالَ قَدْ زَعَمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه وسلم اسْتَلَمَهُ.

قَالَ: نَعَمْ، وَ لَكِنْ كَانَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم إِذَا رَأَوْهُ عَرَفُوا لَهُ حَقَّهُ وَ أَنَا فَلَا يَعْرِفُونَ لِي حَقِّي.

١٧- حماد بن عثمان گوید: در مکه مردی از پیروان بنی امیه بود که او را ابن ابی عوانه می گفتند. وی با اهل بیت علیهم السلام دشمنی داشت چون امام صادق علیه السلام یا یکی از بزرگان آل محمد علیهم السلام وارد مکه می شد آن حضرت را اذیت می نمود او در طواف نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای ابو عبد الله! نظر شما در مورد استلام حجر الاسود چیست؟

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم آن را استلام می نمود.

گفت: نمی بینم که تو آن را استلام کنی.

فرمود: خوش ندارم که ناتوانی را آزار نموده یا خودم آزار شوم.

باز گفت: تو گمان می کنی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم آن را استلام می نمود.

فرمود: آری، ولی هرگاه مردم رسول خدا صلی الله علیه وسلم را می دیدند برای او احترامی قائل می شدند ولی برای من احترامی قائل نیستند.

ص: ۲۷۹

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِي عَنِ السَّكُونِي عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام:

أَنَّ عَلِيّاً صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سُئِلَ كَيْفَ يَسْتَلِمُ الْأَقْطَعُ الْحَجَرَ؟

قَالَ: يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ الْقَطْعِ ، فَإِنْ كَانَتْ مَقْطُوعَةٌ مِنَ الْمِرْفَقِ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ بِشِمَالِهِ.

۱۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم طَافَ بِالْكَعْبَةِ حَتَّى إِذَا بَلَغَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ.

ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكِ وَ عَظَّمَكِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَنِي نَبِيّاً وَ جَعَلَ عَلِيّاً إِمَاماً . اللَّهُمَّ أَهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

۱۸- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که از حضرت علی علیه السلام سؤال شد: دست بریده چگونه استلام حجر الاسود نماید؟

فرمود: حجر را از جای بریده استلام می کند و اگر از آرنج بریده باشد با دست استلام کند.

۱۹- عیسی گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم طواف کعبه نمود هنگامی که به رکن یمانی رسید سرش را به سوی کعبه بلند نمود، آن گاه فرمود:

«حمد خدای راست که تو را با شرافت و با عظمت نمود و حمد خدای راست که مرا به پیامبری برانگیخت و علی را امام قرار داد.

خدایا! بهترین های خلقت را به او راهنمایی کن و از او بدترین های خلقت را دور دار».

ص: ۲۸۰

بخش صدو بیست چهارم

اشاره

(۱۲٤)

بَابُ الْمُلْتَزَمِ وَالدُّعَاءِ عِنْدَهُ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: مِنْ أَيْنَ أَسْتَلِمُ الْكَعْبَةَ إِذَا فَرَغْتُ مِنْ طَوَافِي؟

قَالَ: مِنْ دُبُرِهَا.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحَ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ اسْتِلَامِ الْكَعْبَةِ.

فَقَالَ: مِنْ دُبُرِهَا.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

ملتزم (پشت کعبه نزدیک رکن یمانی) و دعا در کنار آن

۱- محمد بن مسلم گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: از کجا کعبه را استلام کنم و خود را به دیوار کعبه بچسبانم چون از طواف فارغ شدم؟

فرمود: از پشت آن.

۲- ابی صباح کنانی نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

۳- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۲۸۱

إِذَا كُنْتَ فِي الطَّوَافِ السَّابِعِ فَائْتِ الْمُتَعَوَّذَ وَ هُوَ إِذَا قُمْتَ فِي دُبُرِ الْكَعْبَةِ حِذَاءَ الْبَابِ فَقُلِ:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرَّوْحُ وَ الْفَرَجُ».

ثُمَّ اسْتَلِمِ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ ثُمَّ ائْتِ الْحَجَرَ فَاخْتِمْ بِهِ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ كَانَ إِذَا انْتَهَى إِلَى الْمُلْتَزَمِ قَالَ لِمَوَالِيهِ:

أَمِيطُوا عَنِّي حَتَّى أُقِرَّ لِرَبِّي بِذُنُوبِي فِي هَذَا الْمَكَانِ، فَإِنَّ هَذَا مَكَانٌ لَمْ يُقِرَّ عَبْدٌ لِرَبِّهِ بِذُنُوبِهِ، ثُمَّ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْل بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

هرگاه در شوط هفتم بودی برو به متعوّذ و آن - چون پشت کعبه بایستی - رو به روی درب است، پس بگو:

«اللّهُمّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ اللّهُمّ مِنْ قِبَلِكَ الرّوْحُ وَ الْفَرَجُ».

سپس رکن یمانی را استلام کن بعد به حجرا الاسود برو و آن جا به پایان برسان.

٤- معاوية بن عمار گويد: هرگاه امام صادق عليه السلام به ملتزم می رسید به غلامانش می فرمود:

از من دور شوید تا در اینجا گناهان خود را به پروردگارم اقرار کنم زیرا اینجا جایی است که هر بنده ای گناهان خود را به پروردگارش اقرار نمی کند سپس از خدا طلب آمرزش کند مگر خدا او را می آمرزد.

٥- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

إِذَا فَرَغْتَ مِنْ طَوَافِكَ وَ بَلَغْتَ مُؤَخّرَ الْكَعْبَةِ وَ هُوَ بِحِذَاءِ الْمُسْتَجَارِ دُونَ الرّكْنِ الْيَمَانِي بِقَلِيلِ فَابْسُطْ يَدَيْكَ عَلَى الْبَيْتِ وَ أَلْصِقْ بَطْنَكَ وَ خَدّكَ بِالْبَيْتِ وَ قُلِ:

«اللّهُمّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ».

ثُمّ أَقِرّ لِرَبّكَ بِمَا عَمِلْتَ، فَإِنّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يُقِرّ لِرَبّهِ بِذُنُوبِهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ إِلّا غَفَرَ اللّهُ لَهُ إِنْ شَاءَ اللّهُ وَ تَقُولُ:

«اللّهُمّ مِنْ قِبَلِكَ الرّوْحُ وَ الْفَرَجُ وَ الْعَافِيَةُ. اللّهُمّ إِنّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفْهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا اطّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنّي وَ خَفِيَ عَلَى خَلْقِكَ».

ثُمّ تَسْتَجِيرُ بِاللّهِ مِنَ النّارِ وَ تَخَيّرُ لِنَفْسِكَ مِنَ الدّعَاءِ، ثُمّ اسْتَلِمِ الرّكْنَ الْيَمَانِيّ ثُمّ انْتِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ.

هر گاه طواف را به پایان رساندی و به پشت کعبه رسیدی - و آن رو به روی مستجار به فاصله اندکی از رکن یمانی است - پس دست هایت را به کعبه نهاده و آنها را بازکن و شکم و گونه ات را به آن چسبانیده و بگو: «اللّهُمّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ النار».

سپس برای پروردگارت به آن چه کردی اقرار کن زیرا هیچ بنده مؤمنی نیست گناه خود را برای پروردگارش در این مکان اقرار نماید مگر خدا او را بیامرزد - ان شاء الله - و می گویی:

«اللّهُمّ مِنْ قِبَلِكَ الرّوْحُ وَ الْفَرَجُ وَ الْعَافِيَةُ اللّهُمّ إِنّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفَهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا اطّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنّي وَ خَفِيَ عَلَى خَلْقِكَ».

سپس به خدا پناه ببر از آتش و بر خود دعا انتخاب کن آنگاه رکن یمانی را استلام نموده، سپس به نزد حجر الاسود برو.

ص: ۲۸۳

بخش صدو بیست و پنجم

اشاره

(۱۲۵)

بَابُ فَضْلِ الطّوَافِ

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ زَكَرِيَّا الْمُؤْمِنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَيْمُونِ الصَّائِغِ قَالَ:

قَدِمَ رَجُلٌ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَقَالَ: قَدِمْتَ حَاجّاً؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: أَتَدْرِي مَا لِلْحَاجِّ؟

قَالَ: لا.

قَالَ: مَنْ قَدِمَ حَاجّاً وَ طَافَ بِالْبَيْتِ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَ شَفَعَهُ فِي سَبْعِينَ أَلْفَ حَاجَةٍ وَكَتَبَ لَهُ عِتْقَ سَبْعِينَ أَلْفَ رَقَبَةٍ قِيمَةُ كُلِّ رَقَبَةٍ عَشَرَةُ آلَافِ دِرْهَمٍ.

فضیلت طواف

١- علی بن میمون صائغ گوید: مردی به خدمت امام سجاد علیه السلام شرف یاب شد.

حضرت فرمود: آمدی حج بگزاری؟

گفت: آری.

حضرت فرمود: آیا می دانی چه ثوابی برای حاجی است؟

گفت: نه.

فرمود: هر که برای انجام حج بیاید و طواف بیت نماید و دو رکعت نماز گزارد خداوند بر او هفتاد هزار حسنه می نویسد هفتاد هزار گناه از او محو می کند هفتاد هزار درجه او را بالا می برد، هفتاد

هزار حاجت او را می پذیرد و ثواب هفتاد هزار آزاد کردن بنده را برای او می نویسد که ارزش هر بنده ده هزار درهم است.

ص: ۲۸٤

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي يَقُولُ: مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ أَسْبُوعاً وَ صَلّى رَكْعَتَيْنِ فِي أَيِّ جَوَانِبِ الْمَسْجِدِ شَاءَ كَتَبَ اللّهُ لَهُ سِتّةَ آلافِ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ سِتّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ سِتّةَ آلافِ دَرَجَةٍ وَ قَضَى لَهُ سِتّةَ آلافِ حَاجَةٍ فَمَا عَجّلَ مِنْهَا فَبِرَحْمَةِ اللّهِ وَ مَا أَخّرَ مِنْهَا فَشَوْقاً إِلَى دُعَائِهِ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَمّنْ أَخْبَرَهُ عَنِ الْعَبْدِ الصّالِحِ علیه السلام قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ مَسَائِلَ كَثِيرَةٍ، فَلَمّا رَأَيْتُهُ عَظُمَ عَلَيّ كَلَامُهُ فَقُلْتُ لَهُ: نَاوِلْنِي يَدَكَ أَوْ رِجْلَكَ أُقَبِّلُهَا.

فَنَاوَلَنِي يَدَهُ، فَقَبّلْتُهَا فَذَكَرْتُ قَوْلَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم، فَدَمَعَتْ عَيْنَايَ.

۲- اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود:

هرکه این خانه را هفت شوط طواف نماید و دو رکعت در هر جانب از مسجد که خواست نماز بخواند خداوند شش هزار حسنه بر او می نویسد شش هزار گناه از او محو می کند، شش هزار درجه بر او بالا می برد و شش هزار حاجت او را برآورده می کند و هرچه از آن حاجت ها را زود عطا کند به رحمت خداست و هر چه را به تأخیر اندازد برای شوق به دعای اوست.

۳- حماد بن عیسی از راوی خود نقل می کند که گوید: خدمت امام کاظم علیه السلام شرف یاب شدم و می خواستم مسایل زیادی از آن حضرت بپرسم هنگامی که آن بزرگوار را دیدم سخن او بر

من ارزشمند آمد. پس به حضرتش گفتم دست یا پای مبارکت را دهید تا ببوسم. پس حضرتش دست مبارکشان را داد و من بوسیدم و به یاد سخن رسول خدا صلی الله علیه وسلم افتادم و از چشمانم اشک جاری شد.

ص: ۲۸۵

فَلَمّا رَآنِي مُطَأْطِئاً رَأْسِي قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم: مَا مِنْ طَائِفٍ يَطُوفُ بِهَذَا الْبَيْتِ حِينَ تَزُولُ الشّمْسُ حَاسِراً عَنْ رَأْسِهِ حَافِياً يُقَارِبُ بَيْنَ خُطَاهُ وَ يَغُضُّ بَصَرَهُ وَ يَسْتَلِمُ الْحَجَرَ فِي كُلِّ طَوَافٍ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُؤْذِيَ أَحَداً وَ لا يَقْطَعُ ذِكْرَ اللّهِ عَزّوَجَلّ عَنْ لِسَانِهِ إِلّا كَتَبَ اللّهُ عَزّوَجَلّ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعِينَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَ أَعْتَقَ عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ رَقَبَةٍ ثَمَنُ كُلِّ رَقَبَةٍ عَشَرَةُ آلافِ دِرْهَم وَ شُفِّعَ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ قُضِيَتْ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حَاجَةٍ إِنْ شَاءَ فَعَاجِلَهُ وَ إِنْ شَاءَ فَآجِلَهُ.

بخش صدو بیست و ششم

اشاره

(۱۲۶)

بَابُ أَنّ الصّلَاةَ وَ الطّوَافَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

چون دید سرم پایین است فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

طواف کننده ای نیست که موقع زوال آفتاب این خانه را طواف نماید که سر برهنه و پابرهنه باشد و قدم ها را نزدیک هم بردارد و چشمان خود را ببندد و در هر شوطی حجر الاسود را بدون آزار نمودن

کسی استلام نماید و ذکر خدا را هم از زبان نبرد مگر آن که خداوند برای هر گام او هفتاد هزار حسنه می نویسد هفتاد هزار بدی از او پاک می کند، هفتاد هزار مرتبه بر او بالا می برد و از جانب او هفتاد هزار بنده آزاد می کند که قیمت هر بنده ده هزار در هم می باشد و شفاعت او را در هفتاد نفر از خاندانش می پذیرد و هفتاد هزار حاجت او را برآورده می کند اگر خواهد در دنیا و اگر خواهد در جهان آخرت.

نماز بهتر است یا طواف خانه خدا؟

۱- هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ۲۸۶

مَنْ أَقَامَ بِمَكَّةَ سَنَةً فَالطَّوَافُ أَفْضَلُ لَهُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ مَنْ أَقَامَ سَنَتَيْنِ خَلَطَ مِنْ ذَا وَ مِنْ ذَا وَ مَنْ أَقَامَ ثَلَاثَ سِنِينَ كَانَتِ الصَّلَاةُ أَفْضَلَ لَهُ مِنَ الطَّوَافِ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

الطَّوَافُ لِغَيْرِ أَهْلِ مَكَّةَ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةُ لِأَهْلِ مَكَّةَ أَفْضَلُ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

طَوَافٌ قَبْلَ الْحَجِّ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ طَوَافٍ بَعْدَ الْحَجِّ.

بخش صدو بیست و هفتم

اشاره

(۱۲۷)

بَابُ حَدِّ مَوْضِعِ الطَّوَافِ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ الَّذِي مَنْ خَرَجَ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ طَائِفاً بِالْبَيْتِ.

هرکه یکسال در مکه اقامت کند طواف برای او بهتر از نماز است و هرکه دوسال اقامت نماید از هر دو انجام دهد و هرکه سه سال اقامت کند نماز برای او بهتر از طواف است.

۲- حریز بن عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

طواف برای غیر اهل مکه بهتر از نماز است و نماز برای اهل مکه بهتر است.

۳- ابن قداح گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

یک طواف پیش از مراسم حج بهتر از هفتاد طواف بعد از مراسم حج است.

حدود محل طواف

۱- محمد بن مسلم (که از راویان امام باقر و امام صادق علیهما السلام است) گوید: از امام علیه السلامپرسیدم: حد طواف که هرکه از آن بیرون رود طواف بیت ننموده است چیست؟

ص: ۲۸۷

قَالَ: كَانَ النَّاسُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَ الْمَقَامِ وَأَنْتُمُ الْيَوْمَ تَطُوفُونَ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ فَكَانَ الْحَدُّ مَوْضِعَ الْمَقَامِ الْيَوْمَ، فَمَنْ جَازَهُ فَلَيْسَ بِطَائِفٍ وَ الْحَدُّ قَبْلَ الْيَوْمِ

وَ الْيَوْمَ وَاحِدٌ قَدْرَ مَا بَيْنَ الْمَقَامِ وَ بَيْنَ الْبَيْتِ مِنْ نَوَاحِي الْبَيْتِ كُلِّهَا فَمَنْ طَافَ فَتَبَاعَدَ مِنْ نَوَاحِيهِ أَبْعَدَ مِنْ مِقْدَارِ ذَلِكَ كَانَ طَائِفاً بِغَيْرِ الْبَيْتِ بِمَنْزِلَةِ مَنْ طَافَ بِالْمَسْجِدِ، لِأَنَّهُ طَافَ فِي غَيْرِ حَدٍ وَلَا طَوَافَ لَهُ.

بخش صدو بیست و هشتم

اشاره

(۱۲۸)

بَابُ حَدِّ الْمَشْيِ فِي الطَّوَافِ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بن سَيَابَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الطَّوَافِ فَقُلْتُ: أُسْرِعُ وَ أُكْثِرُ أَوْ أُبْطِيءُ؟

قَالَ: مَشْيٍ بَيْنَ الْمَشْيَيْنِ.

فرمود: مردم در زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم به بیت و مقام با هم طواف می نمودند و شما امروز بین مقام و بیت طواف می کنید پس حد امروز محل مقام است و هر که از آن تجاوز کند طواف کننده نیست و حد پیش از امروز و امروز یکی است؛ اندازه بین مقام و بین بیت از همه اطراف بیت است و هر که دورتر از آن نواحی طواف نماید غیر بیت را طواف نموده است؛ به منزله کسی است که به مسجدالحرام طواف نموده است؛ زیرا در غیر حد طواف نموده و طوافی برای او نیست.

چگونگی طواف نمودن

۱- عبد الرحمان بن سیابه گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد طواف پرسیدم که می توانم تند رفته تا زیاد طواف نمایم یا کند روم؟

فرمود: متوسط راه برو.

ص: ۲۸۸

بخش صدو بیست نهم

اشاره

(۱۲۹)

بَابُ الرّجُلِ يَطُوفُ فَتَعْرِضُ لَهُ الْحَاجَةُ أَوِ الْعِلّةُ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عَبْدِالله عليه السلام:

فِي رَجُلٍ طَافَ شَوْطاً أَوْ شَوْطَيْنِ ثُمّ خَرَجَ مَعَ رَجُلٍ فِي حَاجَةٍ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ طَوَافَ نَافِلَةٍ بَنَى عَلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ طَوَافَ فَرِيضَةٍ لَمْ يَبْنِ عَلَيْهِ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحدهما عليهما السلام.

فِي الرّجُلِ يُحْدِثُ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ وَ قَدْ طَافَ بَعْضَهُ.

قَالَ: يَخْرُجُ فَيَتَوَضّأُ، فَإِنْ كَانَ جَازَ النّصْفَ بَنَى عَلَى طَوَافِهِ وَ إِنْ كَانَ أَقَلّ مِنَ النّصْفِ أَعَادَ الطّوَافَ.

حکم کسی که در اثنای طواف کاری برایش پیش می آید یا بیمار می شود

۱- ابان بن تغلب گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که یک شوط یا دو شوط طواف نمود سپس با مردی پی کاری رفت فرمود:

اگر طواف نافله است بنا را بر آن می گذارد و اگر طواف واجب باشد نمی تواند چنین کند (باید از ابتدا دوباره شروع کند).

۲- یکی از اصحاب ما گوید: امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) درباره مردی که در طواف وضوی او از بین رفت درحالی که مقداری از طواف را انجام داده بود فرمود:

بیرون رفته وضو می سازد و اگر از نصف گذشته بود بنا را بر آن می گذارد و اگر کمتر از نصف بود دوباره طواف می کند.

ص: ۲۸۹

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ مِنَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ وَجَدَ خَلْوَةً مِنَ الْبَيْتِ فَدَخَلَهُ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

فَقَالَ: يَقْضِي طَوَافَهُ وَ قَدْ خَالَفَ السُّنَّةَ فَلْيُعِدْ طَوَافَهُ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله علیه السلام قَالَ:

إِذَا طَافَ الرَّجُلُ بِالْبَيْتِ أَشْوَاطاً ثُمَّ اشْتَكَى أَعَادَ الطَّوَافَ يَعْنِي الْفَرِيضَةَ.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام:

فِي رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمَّ اعْتَلَّ عِلَّةً لا يَقْدِرُ مَعَهَا عَلَى تَمَامِ الطَّوَافِ.

۳- عمران حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی سه شوط از طواف فریضه را انجام داده بود پس جای خالی در داخل کعبه می بیند و وارد آن جا می شود چه و وظیفه ای دارد؟

فرمود: طواف خود را از بین برده و مخالف سنت نموده است باید طوافش را اعاده نماید.

٤- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه مردی چند شوط طواف نمود و دردی عارضش شد طواف - واجب - را اعاده می کند.

٥- اسحاق بن عمّار گوید: امام کاظم علیه السلام درباره مردی که طواف واجب می نمود پس در این اثنا بیمار شد که نتوانست طواف را تمام نماید فرمود: -

ص: ۲۹۰

فَقَالَ: إِنْ كَانَ طَافَ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ أَمَرَ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ فَقَدْ تَمّ طَوَافُهُ، وَ إِنْ كَانَ طَافَ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ وَ لا يَقْدِرُ عَلَى الطّوَافِ، فَإِنّ هَذَا مِمّا غَلَبَ اللّهُ عَلَيْهِ فَلَا بَأْسَ بِأَنْ يُؤَخّرَ الطّوَافَ يَوْماً وَ يَوْمَيْنِ، فَإِنْ خَلّتْهُ الْعِلّةُ عَادَ فَطَافَ أُسْبُوعاً، وَ إِنْ طَالَتْ عِلّتُهُ أَمَرَ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ أَسْبُوعاً، وَ يُصَلّي هُوَ رَكْعَتَيْنِ وَ يَسْعَى عَنْهُ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْ إِحْرَامِهِ وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُ فِي السّعْيِ وَ فِي رَمْيِ الْجِمَارِ.

٦- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي عَزّةَ قَالَ:

مَرّ بِي أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام وَ أَنَا فِي الشّوْطِ الْخَامِسِ مِنَ الطّوَافِ، فَقَالَ لِي: انْطَلِقْ حَتّى نَعُودَ هَاهُنَا رَجُلاً.

فَقُلْتُ لَهُ: إِنّمَا أَنَا فِي خَمْسَةِ أَشْوَاطٍ فَأُتِمُ أُسْبُوعِي؟!

قَالَ: اقْطَعْهُ وَ احْفَظْهُ مِنْ حَيْثُ تَقْطَعُ حَتّى تَعُودَ إِلَى الْمَوْضِعِ الّذِي قَطَعْتَ مِنْهُ فَتَبْنِيَ عَلَيْهِ.

اگر چهار شوط طواف کرده به کسی که از جانب او طواف می کند دستور دهد سه شوط طواف نماید که طواف او کامل است و اگر سه شوط طواف نموده بود و نتوانست طواف را ادامه دهد راستی این از چیزی است که خدا بر او چیره کرده و ایرادی ندارد که طوافش را یک روز و دو روز تأخیر اندازد پس اگر بهبودی یافت هفت شوط طواف می کند و اگر مرضش طولانی شد پس بگوید یک کسی که از جانب او هفت شوط طواف نماید و دو رکعت نماز خوانده و سعی نماید در این صورت از احرامش خارج شده است و در سعی و رمی جمره ها نیز چنین نماید.

٦- ابی عزه گوید: امام صادق علیه السلام از کنار من گذشت که در شوط پنج از طواف بودم به من فرمود: بیا تا آنجا برای عیادت مردی برویم.

گفتم: من در شوط پنجم هستم، پس شوط هفتم را تمام نمایم؟!

فرمود: طواف را قطع کن و به یاد داشته باش که کجا قطع نموده ای تا هنگامی که برای ادامه طواف برگردی به آن جایی که قطع کرده بودی پس بنا را بر آن (پنج) بگذاری.

ص: ٢٩١

٧- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنْ سُكَيْنِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يُكَنِّي أَبَا أَحْمَدَ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي الطَّوَافِ يَدُهُ فِي يَدِي إِذْ عَرَضَ لِي رَجُلٌ لَهُ إِلَيَّ حَاجَةٌ، فَأَوْمَأْتُ إِلَيْهِ بِيَدِي فَقُلْتُ لَهُ: كَمَا أَنْتَ حَتَّى أَفْرُغَ مِنْ طَوَافِي.

فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا هَذَا؟

قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ رَجُلٌ جَاءَنِي فِي حَاجَةٍ.

فَقَالَ لِي: مُسْلِمٌ هُوَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

فَقَالَ لِي: اذْهَبْ مَعَهُ فِي حَاجَتِهِ.

فَقُلْتُ لَهُ: أَصْلَحَكَ اللّٰهُ فَأَقْطَعُ الطَّوَافَ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: وَإِنْ كُنْتُ فِي الْمَفْرُوضِ.

۷- ابا احمد گوید: با امام صادق علیه السلام مشغول طواف بودم که دست آن حضرت در دستم بود مردی که با من کاری داشت آمد. من با دستم به او اشاره نمودم و گفتم همان جا باش تا از طواف خود فارغ شوم.

امام صادق علیه السلام به من فرمود: این کیست؟

گفتم: خدا کارهای شما را اصلاح کند، مردی است برای حاجتی نزد من آمده است.

فرمود: مسلمان است؟

گفتم: آری.

به من فرمود: همراه او پی حاجتش برو.

گفتم: خدا کارهای شما را اصلاح فرماید! طوافم را قطع کنم؟

فرمود: آری.

گفتم: اگر چه در طواف واجب بودم؟

قَالَ: نَعَمْ وَ إِنْ كُنْتَ فِي الْمَفْرُوضِ.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: مَنْ مَشَى مَعَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فِي حَاجَتِهِ كَتَبَ اللّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ دَرَجَةٍ.

بخش صدو سی ام

اشاره

(۱۳۰)

بَابُ الرّجُلِ يَطُوفُ فَيُعْيِي أَوْ تُقَامُ الصّلَاةُ أَوْ يَدْخُلُ عَلَيْهِ وَقْتُ الصّلَاةِ.

۱- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ شِهَابٍ عَنْ هِشَامٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

أَنّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ كَانَ فِي طَوَافٍ فَرِيضَةٍ فَأَدْرَكَتْهُ صَلَاةٌ فَرِيضَةٍ.

قَالَ: يَقْطَعُ طَوَافَهُ وَ يُصَلّي الْفَرِيضَةَ ثُمّ يَعُودُ وَ يُتِمّ مَا بَقِيَ عَلَيْهِ مِنْ طَوَافِهِ.

۲- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرّحْمَانِ بْنِ الْحَجّاجِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ علیه السلام قَالَ:

فرمود: آری، اگرچه در طواف واجب بودی.

راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که با برادر دینی خود پی حاجت او رود خداوند یک میلیون حسنه برایش می نویسد یک میلیون گناه از او پاک می کند و یک میلیون مرتبه او را بالا می برد.

مردی که از طواف باز می ماند، یا نماز برپا می شود و یا وقت نماز فرا می رسد

۱- هشام گوید: امام صادق علیه السلام دربارهٔ کسی که در طواف واجب بوده که وقت نماز واجب فرا می رسد فرمود:

طوافش را قطع نموده نماز واجب را به جا آورد سپس برگشته مابقی طوافش را به پایان برساند.

۲- عبدالرحمان بن حجاج گوید: -

ص: ۲۹۳

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي الطَّوَافِ قَدْ طَافَ بَعْضَهُ وَ بَقِيَ عَلَيْهِ بَعْضُهُ فَيَطْلُعُ الْفَجْرُ فَيَخْرُجُ مِنَ الطَّوَافِ إِلَى الْحِجْرِ أَوْ إِلَى بَعْضِ الْمَسْجِدِ إِذَا كَانَ لَمْ يُوتِرْ فَيُوتِرُ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى مَكَانِهِ فَيُتِمُّ طَوَافَهُ أَ فَتَرَى ذَلِكَ أَفْضَلُ أَمْ يُتِمُّ الطَّوَافَ ثُمَّ يُوتِرُ وَ إِنْ أَسْفَرَ بَعْضَ الْإِسْفَارِ.

قَالَ: ابْدَأْ بِالْوَتْرِ وَ اقْطَعِ الطَّوَافَ إِذَا خِفْتَ ذَلِكَ، ثُمَّ أَتِمَّ الطَّوَافَ بَعْدُ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ كَانَ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ فَأُقِيمَتِ الصَّلَاةُ.

قَالَ: يُصَلِّي مَعَهُمُ الْفَرِيضَةَ فَإِذَا فَرَغَ بَنَى مِنْ حَيْثُ قَطَعَ.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: الرَّجُلُ يُعْيِي فِي الطَّوَافِ أَ لَهُ أَنْ يَسْتَرِيحَ؟

از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: مردی در طواف بوده که مقداری انجام داده و مقداری از آن باقی مانده بود که فجر طلوع می کند می تواند از طواف بیرون آمده به سوی حجر اسماعیل یا قسمتی از مسجد برود که اگر نماز وتر به جا نیاورده باشد آن را به جا آورد سپس به جای خود برگشته طوافش را به پایان برساند؟ به نظر شما این بهتر است یا طوافش را به اتمام برساند، سپس وتر بخواند گرچه مقداری هوا روشن شده باشد؟

فرمود: با نماز وتر شروع کن و طواف را قطع نما اگر از روشن شدن هوا ترسیدی سپس طواف را تمام نما.

۳- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی در طواف واجب بوده پس نماز برپا می شود چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: با آنها نماز واجب را بخواند، چون تمام کرد از جایی که طواف را قطع کرده، بنا گذارد و مانده طواف را ادامه دهد.

٤- علی بن رئاب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که از انجام طواف باز می ماند آیا می تواند استراحت کند؟

ص: ۲۹٤

قَالَ، نَعَمْ، يَسْتَرِيحُ ثُمَّ يَقُومُ فَيَبْنِي عَلَى طَوَافِهِ فِي فَرِيضَةٍ أَوْ غَيْرِهَا وَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي سَعْيِهِ وَ جَمِيعِ مَنَاسِكِهِ.

٥- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَرِيحُ فِي طَوَافِهِ.

فَقَالَ: نَعَمْ، أَنَا قَدْ كَانَتْ تُوضَعُ لِي مِرْفَقَةٌ فَأَجْلِسُ عَلَيْهَا.

بخش صد و سی و یکم

اشاره

(۱۳۱)

بَابُ السَّهْوِ فِي الطَّوَافِ.

۱- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:

فرمود: آری، استراحت نموده سپس بر می خیزد و از جایی که طواف واجب یا غیر آن را قطع نموده بنا گذارد و این کار را در سعیش و هم چنین در تمامی مناسکش می تواند انجام دهد.

۵ - ابن ابی یعفور گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد انسان می تواند در طوافش استراحت نماید؟

فرمود: آری، چه بسا برای من هم بالشی گذاشته می شد که بر آن می نشستم.

شک در طواف

۱- منصور بن حازم گوید: -

ص: ۲۹۵

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يَدْرِ سِتَّةً طَافَ أَمْ سَبْعَةً.

قَالَ: فَلْيُعِدْ طَوَافَهُ.

قُلْتُ: فَفَاتَهُ.

قَالَ: مَا أَرَى عَلَيْهِ شَيْئًا وَ الْإِعَادَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ وَأَفْضَلُ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فِي رَجُلٍ لَمْ يَدْرِ سِتّةٌ طَافَ أَوْ سَبْعَةٌ.

قَالَ: يَسْتَقْبلُ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَمّنْ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يَدْرِ سِتّةٌ طَافَ أَوْ سَبْعَةٌ.

قَالَ: يَسْتَقْبلُ.

از امام صادق علیه السلام درباره کسی که در طواف فریضه شک نمود و ندانست که شش شوط طواف کرده و یا هفت شوط پرسیدم.

فرمود: طوافش را اعاده می کند.

گفتم: از او (زمان عمل) فوت شد؟

فرمود: اشکالی بر او نمی بینم و اعاده نزد من دوست داشتنی تر و بهتر است.

۲- نظیر این روایت را حلبی از حضرتش نقل می کند.

۳- معاوية بن عمار گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم كسى كه طواف واجب نمود و ندانست كه شش شوط طواف كرده يا هفت شوط. چه حكمى دارد؟

فرمود: از نو شروع مى كند.

ص: ۲۹۶

قُلْتُ: فَفَاتَهُ ذَلِكَ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ شَكٍّ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ.

قَالَ: يُعِيدُ كُلَّمَا شَكٍّ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! شَكٍّ فِي طَوَافِ نَافِلَةٍ.

قَالَ: يَبْنِي عَلَى الْأَقَلُ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطِ الْمَفْرُوضَ.

قَالَ: يُعِيدُ حَتَّى يُثَبِّتَهُ.

عرض کردم: زمان عمل از او فوت شد؟

فرمود: چیزی بر عهده او نیست.

٤- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی در طواف فریضه شک نمود چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: هرچه شک کند اعاده می نماید.

گفتم: قربانت گردم! در طواف نافله شک کرد؟

فرمود: بنا را بر کمتر می گذارد.

٥- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که هشت بار طواف فریضه بیت را نمود.

فرمود: اعاده می کند تا یقین کند.

ص: ٢٩٧

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ: رَجُلٌ طَافَ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يَدْرِ سِتّةٌ طَافَ أَمْ سَبْعَةٌ أَمْ ثَمَانِيَةً.

قَالَ: يُعِيدُ طَوَافَهُ حَتّى يَحْفَظَ.

قُلْتُ: فَإِنّهُ طَافَ وَ هُوَ مُتَطَوّعٌ ثَمَانِيَ مَرّاتٍ وَ هُوَ نَاسٍ.

قَالَ: فَلْيُتِمّهُ طَوَافَيْنِ ثُمّ يُصَلّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، فَأَمّا الْفَرِيضَةَ فَلْيُعِدْ حَتّى يُتِمّ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ.

٧- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ طَافَ فَأَوْهَمَ، فَقَالَ: طُفْتُ أَرْبَعَةً أَوْ طُفْتُ ثَلَاثَةً؟

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَيِّ الطَّوَافَيْنِ كَانَ؟ طَوَافَ نَافِلَةٍ أَمْ طَوَافَ فَرِيضَةٍ؟

٦- ابوبصیر گوید: به امام علیه السلام گفتم: کسی که طواف واجبی نمود و ندانست که شش یا هفت و یا هشت شوط طواف نموده است؟

فرمود: طوافش را اعاده می کند تا حفظ نماید.

گفتم: اگر در طواف مستحبی فراموش نمود و هشت شوط طواف نمود؟

فرمود: آن را به پایان برساند تا دو طواف باشد آن گاه چهار رکعت نماز طواف می خواند و اما در طواف واجب اعاده می کند تا هفت شوط را کامل نماید.

٧- حنان بن سدیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: نظر شما درباره کسی که طواف نموده و شک کرده و گفته در طواف چهارم بودم یا طواف سوم، چیست؟

امام صادق علیه السلام فرمود: کدام نوع طواف است؟ فریضه یا نافله؟

ص: ٢٩٨

قَالَ: إِنْ كَانَ طَوَافَ فَرِيضَةٍ فَلْيُلْقِ مَا فِي يَدِهِ وَلْيَسْتَأْنِفْ، وَإِنْ كَانَ طَوَافَ نَافِلَةٍ فَاسْتَيْقَنَ ثَلَاثَةٌ وَ هُوَ فِي شَكٍّ مِنَ الرّابع أَنَّهُ طَافَ فَلْيَبْنِ عَلَى الثَّلَاثَةِ فَإِنَّهُ يَجُوزُ لَهُ.

٨- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: رَجُلٌ طَافَ بِالْبَيْتِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الصَّفَا فَطَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَبَيْنَا هُوَ يَطُوفُ إِذْ ذَكَرَ أَنَّهُ قَدْ تَرَكَ بَعْضَ طَوَافِهِ بِالْبَيْتِ.

قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى الْبَيْتِ فَيُتِمُّ طَوَافَهُ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَيُتِمُّ مَا بَقِيَ.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ قَالَ:

سَأَلَهُ سُلَيْمَانُ بْنُ خَالِدٍ وَ أَنَا مَعَهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ سِتَّةَ أَشْوَاطٍ.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: وَكَيْفَ يَطُوفُ سِتَّةَ أَشْوَاطٍ؟

قَالَ: اسْتَقْبَلَ الْحَجَرَ وَ قَالَ: اللَّهُ أَكْبَرُ وَ عَقَدَ وَاحِداً.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ : يَطُوفُ شَوْطاً.

فرمود: اگر طواف واجب باشد آن چه انجام داده رها می کند و از سر می گیرد و اگر طواف مستحبی بود به سه شوط یقین دارد و در شوط چهارم شک نماید که طواف نموده پس بنا را بر سه بگذارد، زیرا این کار بر او جایز است.

۸- اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که بیت را طواف نمود سپس به سوی صفا رفته و بین صفا و مروه سعی نمود در آن هنگام که سعی می نمود به یاد آورد که قسمتی از طوافش را ترک نموده است؟

فرمود: به بیت بر می گردد و طواف خود را تمام نموده سپس به صفا و مروه برمی گردد باقی مانده را تمام می کند.

۹- حسن بن عطیه گوید: من در حضور امام صادق علیه السلام بودم که سلیمان بن خالد پرسید کسی که بیت را شش شوط طواف نمود (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: چگونه شش شوط طواف نموده؟

گفت: مقابل حجر الاسود ایستاد «الله اکبر» گفته یک دور زد.

امام صادق علیه السلام فرمود: یک شوط طواف نماید.

ص: ۲۹۹

قَالَ سُلَيْمَانُ: فَإِنَّهُ فَاتَهُ ذَلِكَ حَتّى أَتَى أَهْلَهُ.

قَالَ: يَأْمُرُ مَنْ يَطُوفُ عَنْهُ.

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ فَطَافَ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ.

قَالَ: إِنْ ذَكَرَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الرُّكْنَ فَلْيَقْطَعْهُ.

بخش صدو سی و دوم

اشاره

(۱۳۲)

بَابُ الْإِقْرَانِ بَيْنَ الْأَسَابِيعِ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

سلیمان گفت: زمان انجام از او فوت شد تا این که نزد خانواده اش رفت.

فرمود: به کسی دستور دهد که از طرف او طواف نماید.

۱۰- ابو کهمس گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی فراموش کرده و هشت شوط طواف نمود؟

فرمود: اگر پیش از رسیدن به رکن باشد آن را قطع نماید.

جمع میان چند طواف هفتگانه

۱- زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۳۰۰

إِنّمَا يُكْرَهُ أَنْ يَجْمَعَ الرّجُلُ بَيْنَ الْأَسْبُوعَيْنِ وَ الطّوَافَيْنِ فِي الْفَرِيضَةِ، فَأَمّا فِي النّافِلَةِ فَلَا بَأْسَ.

۲- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الرّجُلِ يَطُوفُ يَقْرُنُ بَيْنَ أُسْبُوعَيْنِ.

فَقَالَ: إِنْ شِئْتَ رَوَيْتُ لَكَ عَنْ أَهْلِ مَكّةَ.

قَالَ: فَقُلْتُ: لا وَ اللّهِ مَا لِي فِي ذَلِكَ مِنْ حَاجَةٍ جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَلَكِنِ ارْوِ لِي مَا أَدِينُ اللّهَ عَزّوَجَلّ بِهِ.

فَقَالَ: لا تَقْرُنْ بَيْنَ أَسْبُو عَيْنِ كُلّمَا طُفْتَ أَسْبُوعاً فَصَلّ رَكْعَتَيْنِ، وَ أَمّا أَنَا فَرُبّمَا قَرَنْتُ الثّلَاثَةَ وَ الْأَرْبَعَةَ، فَنَظَرْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: إِنّي مَعَ هَؤُلاءِ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْن أَحْمَدَ النّهْدِي عَنْ مُحَمّدِ بْنِ وَلِيدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ:

إِنّمَا يُكْرَهُ الْقِرَانُ فِي الْفَرِيضَةِ، فَأَمّا النّافِلَةُ فَلَا وَ اللّهِ مَا بِهِ بَأْسٌ.

جمع بین دو هفت شوط در دو طواف واجب مکروه است ولی در طواف نافله ایراد ندارد.

۲- علی بن ابی حمزه :گوید از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: مردی طواف کرده و بین دو هفت شوط را جمع می کند؟

فرمود: اگر می خواهی تو را از نظر مردم مکه آگاه سازم.

گفتم: نه به خدا سوگند مرا به نظر آنان نیازی نیست فدایت گردم! ولی به من چیزی بگویید که با آن خداوند را دینداری نمایم.

آن گاه فرمود: میان دو هفت شوط را جمع مکن هر وقت هفت شوط طواف نمودی دو رکعت نماز بخوان و امّا من ای بسا که سه و چهار طواف را با هم جمع می کنم.

پس به حضرت نظر کردم فرمود: من با این ها (طواف کنندگان) هستم.

۳- عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: جمع بین دو هفت شوط در دو طواف واجب مکروه است ولی در طواف نافله ایراد ندارد.

ص: ۳۰۱

بخش صدو سی و سوم

اشاره

(۱۳۳)

بَابُ مَنْ طَافَ وَ اخْتَصَرَ فِي الْحِجْرِ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي الرَّجُلِ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ فَاخْتَصَرَ قَالَ:

يَقْضِي مَا اخْتَصَرَ مِنْ طَوَافِهِ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله عليه السلام قَالَ:

مَنِ اخْتَصَرَ فِي الْحِجْرِ فِي الطّوَافِ فَلْيُعِدْ طَوَافَهُ مِنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ.

حکم کسی که طواف کرد و راه را از حجر اسماعیل کوتاه نمود

۱- حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام درباره مردی که طواف نمود و راه را (از حجر اسماعیل) کوتاه کرد فرمود:

بایستی آن چه از طوافش کوتاه کرده، قضا نماید.

۲- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه طواف را از - حجر اسماعیل - کوتاه کرد باید طوافش را از حجر الاسود تا حجر الاسود اعاده کند.

ص: ۳۰۲

بخش صدو سی و چهارم

اشاره

(۱۳٤)

بَابُ مَنْ طَافَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ مُثَنّى عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ أَ يَعْتَدُّ بِذَلِكَ الطَّوَافِ؟

قَالَ: لا.

۲- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ أَ يَنْسُكُ الْمَنَاسِكَ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، إِلَّا الطَّوَافَ بِالْبَيْتِ، فَإِنَّ فِيهِ صَلَاةٌ.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مِثْلَهُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَحَدَهُمَا عليهما السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَ هُوَ عَلَى غَيْرِ طَهُورٍ.

حکم طواف بی وضو

۱- زراره گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم کسی که بدون وضو طواف نمود آیا می تواند به آن اکتفا کند؟

فرمود: نه.

۲- ابو حمزه گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال شد آیا می توان مناسک را بدون وضو انجام داد؟

فرمود: آری، جز طواف بیت، زیرا آن نماز دارد.

۳- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم کسی که بدون وضو طواف فریضه نمود (چه وظیفه ای دارد؟).

قَالَ: يَتَوَضَّأُ وَ يُعِيدُ طَوَافَهُ، وَ إِنْ كَانَ تَطَوُّعاً تَوَضَّأَ وَ صَلّى رَكْعَتَيْنِ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعَمْرَكِيِّ بْنِ عَلِقٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ وَ هُوَ جُنُبٌ فَذَكَرَ وَ هُوَ فِي الطَّوَافِ.

قَالَ: يَقْطَعُ طَوَافَهُ وَ لَا يَعْتَدُّ بِشَيْءٍ مِمّا طَافَ.

وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ.

قَالَ: يَقْطَعُ طَوَافَهُ وَ لَا يَعْتَدُّ بِهِ.

بخش صدو سی و پنجم

اشاره

(۱۳۵)

بَابُ مَنْ بَدَأَ بِالسَّعْيِ قَبْلَ الطَّوَافِ أَوْ طَافَ وَ أَخَّرَ السَّعْيَ.

١- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

فرمود: وضو بگيرد و طواف خود را اعاده كند و اگر طواف نافله بود وضو می گيرد و دو ركعت نماز می خواند.

٤- علی بن جعفر گويد: از برادرم امام كاظم عليه السلام پرسيدم: مردی در حال جنب طواف بيت نمود پس در حال طواف به ياد آورد (چه وظيفه ای دارد؟).

فرمود: طوافش را قطع نموده و به طوافی که انجام داده اعتنایی نمی کند.

باز از حضرتش پرسیدم کسی که طواف می کند پس به یاد می آورد که بدون وضو است (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: طواف را قطع می کند و به آن اعتنا نمی نماید.

حکم کسی که پیش از طواف سعی بین صفا و مروه نماید یا طواف را انجام دهد و سعی را به تأخیر اندازد

۱- اسحاق بن عمار گوید: -

ص: ۳۰٤

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: رَجُلٌ طَافَ بِالْكَعْبَةِ ثُمّ خَرَجَ فَطَافَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَبَيْنَمَا هُوَ يَطُوفُ إِذْ ذَكَرَ أَنّهُ قَدْ تَرَكَ مِنْ طَوَافِهِ بِالْبَيْتِ.

قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى الْبَيْتِ فَيُتِمّ طَوَافَهُ ثُمّ يَرْجِعُ إِلَى الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَيُتِمّ مَا بَقِيَ.

قُلْتُ: فَإِنّهُ بَدَأَ بِالصّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَبْلَ أَنْ يَبْدَأَ بِالْبَيْتِ.

فَقَالَ: يَأْتِي الْبَيْتَ فَيَطُوفُ بِهِ ثُمّ يَسْتَأْنِفُ طَوَافَهُ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

قُلْتُ: فَمَا فَرْقُ بَيْنَ هَذَيْنِ؟

قَالَ: لِأَنّ هَذَا قَدْ دَخَلَ فِي شَيْءٍ مِنَ الطّوَافِ وَ هَذَا لَمْ يَدْخُلْ فِي شَيْءٍ مِنْهُ.

۲- مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ قَبْلَ أَنْ يَطُوفَ بِالْبَيْتِ.

فَقَالَ: يَطُوفُ بِالْبَيْتِ ثُمَّ يَعُودُ إِلَى الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَيَطُوفُ بَيْنَهُمَا.

به امام صادق علیه السلام گفتم: فردی طواف کعبه نمود آنگاه سعی بین صفا و مروه را انجام می داد در آن بین که سعی می نمود ناگاه به یاد آورد که چند شوط از طواف بیت را انجام نداده است.

فرمود: به طرف بیت بر می گردد و طوافش را تمام می کند سپس به صفا و مروه رود و مابقی آن را تمام می نماید.

باز گفتم: اگر شروع به سعی صفا و مروه نماید پیش از این که از طواف بیت شروع نماید؟

فرمود: به طرف بیت برود و طواف نماید بر می گردد سپس سعی صفا و مروه را از سر شروع می کند.

گفتم این دو حکم چه فرقی دارند؟

فرمود: زیرا آن فرد وارد مقداری از طواف شده بود و این فرد دیگری وارد هیچ مقداری از آن نشده بود.

۲- منصور بن حازم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی پیش از طواف بیت سعی صفا و مروه نمود (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: بیت را طواف می کند آنگاه به صفا و مروه بر می گردد و بین آن دو سعی می نماید.

ص: ۳۰۵

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الرّجُلِ يَقْدَمُ حَاجاً وَ قَدِ اشْتَدّ عَلَيْهِ الْحَرُّ فَيَطُوفُ بِالْكَعْبَةِ وَ يُؤَخِّرُ السّعْيَ إِلَى أَنْ يَبْرُدَ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ وَ رُبّمَا فَعَلْتُهُ.

٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الرّجُلِ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ فَيَدْخُلُ وَقْتُ الْعَصْرِ أَ يَسْعَى قَبْلَ أَنْ يُصَلّيَ أَوْ يُصَلّي قَبْلَ أَنْ يَسْعَى؟

قَالَ: لا، بَلْ يُصَلّي ثُمّ يَسْعَى.

٥- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رزين قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ فَأَعْيَا أَ يُؤَخِّرُ الطّوَافَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ إِلَى غَدٍ؟

قَالَ: لا.

۳- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم مردی برای انجام حج وارد مکه می شود در حالی که گرما بر او سخت شده، پس طواف کعبه نمود و سعی را به تأخیر انداخت تا خنک شود؟

فرمود: ایرادی ندارد، گاهی من نیز چنین می کنم.

٤- رفاعه گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی که طواف بیت می نماید پس وقت نماز عصر رسید آیا پیش از نماز سعی کند و یا پیش از سعی نماز بخواند؟

فرمود: نه، بلکه نماز بخواند سپس سعی کند.

۵- علاء بن رزین گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: مردی طواف کعبه نمود و خسته شد آیا می تواند سعی بین صفا و مروه را تا فردا به تأخیر اندازد؟

فرمود: نه.

ص: ۳۰۶

بخش صدو سی و ششم

اشاره

(۱۳۶)

بَابُ طَوَافِ الْمَرِيضِ وَ مَنْ يُطَافُ بِهِ مَحْمُولاً مِنْ غَيْرِ عِلّةٍ.

۱- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنِ الرّبِيعِ بْنِ خُثَيْم قَالَ:

شَهِدْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام وَ هُوَ يُطَافُ بِهِ حَوْلَ الْكَعْبَةِ فِي مَحْمِلٍ وَ هُوَ شَدِيدُ الْمَرَضِ، فَكَانَ كُلّمَا بَلَغَ الرّكْنَ الْيَمَانِي أَمَرَهُمْ فَوَضَعُوهُ بِالْأَرْضِ فَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ كَوّةِ الْمَحْمِلِ حَتّى يَجُرّهَا عَلَى الْأَرْضِ ثُمّ يَقُولُ: ارْفَعُونِي.

فَلَمّا فَعَلَ ذَلِكَ مِرَاراً فِي كُلّ شَوْطٍ. قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ! إِنّ هَذَا يَشُقّ عَلَيْكَ.

فَقَالَ: إِنّي سَمِعْتُ اللّهَ عَزّ وَ جَلّ يَقُولُ: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ».

فَقُلْتُ: مَنَافِعَ الدّنْيَا أَوْ مَنَافِعَ الآخِرَةِ؟

فَقَالَ: الْكُلّ.

حکم طواف بیمار و کسی که بدون علت به صورت حمل شده طوافش دهند

۱- ربیع بن خثیم گوید امام صادق علیه السلام را دیدم که در کجاوه دور کعبه طواف می دادند در حالی که حضرت سخت بیمار بود و هر وقت که به رکن یمانی می رسید می فرمود تا او را به زمین بنهند و دستش را از روزنه کجاوه بیرون می آورد و بر زمین می زد، بعد می فرمود: مرا بلند کنید چون چند بار در طواف این کار را انجام داد به حضرتش گفتم قربانت گردم ای فرزند رسول خدا به راستی این برای شما سخت است.

فرمود: من از خداوند عزوجل شنیدم که می فرماید: «تا در آن جا منافع خود را ببینند».

گفتم: منافع دنیا و یا منافع آخرت است؟

فرمود: همه است.

ص: ۳۰۷

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ وَ مُعَاوِيَةَ بْن عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

الْمَبْطُونُ وَ الْكَسِيرُ يُطَافُ عَنْهُمَا وَ يُرْمَى عَنْهُمَا الْحِمَارُ.

۳- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْن عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ الْمَغْلُوبِ يُطَافُ عَنْهُ بِالْكَعْبَةِ؟

قَالَ: لا، وَلَكِنْ يُطَافُ بِهِ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الله علیه السلام قَالَ:

الصِّبْيَانُ يُطَافُ بِهِمْ وَ يُرْمَى عَنْهُمْ.

قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا كَانَتِ الْمَرْأَةُ مَرِيضَةً لا تَعْقِلُ يُطَافُ بِهَا أَوْ يُطَافُ عَنْهَا.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ:

۲ - عبدالرحمان بن حجاج و معاوية بن عمار گويند: امام صادق عليه السلام فرمود: كسى را كه دل درد و اسهال دارد و كسى را كه عضوى از او شكسته طواف مى دهند و از جانب او سنگ به جمره ها مى زنند.

۳ـ اسحاق بن عمار گويد: از امام كاظم عليه السلام پرسيدم: بيمارى كه در اثر شدت بيمارى هذيان مى گويد مى توانند از طرف او طواف كنند؟

فرمود: نه، ولى او را طواف مى دهند.

٤ - معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

كودكان را طواف مى دهند و از جانب آنها سنگ مى اندازند.

راوى گويد: هم چنين امام صادق عليه السلام فرمود چون زن بيمار باشد و هذيان گويد مى توانند طوافش دهند يا از جانب او طواف كنند.

٥- اسماعيل بن عبدالخالق گويد: -

ص: ۳۰۸

كُنْتُ إِلَى جَنْبِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ عِنْدَهُ ابْنُهُ عَبْدُ اللَّهِ وَ ابْنُهُ الَّذِي يَلِيهِ.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ يَطُوفُ الرَّجُلُ عَن الرَّجُلِ وَ هُوَ مُقِيمٌ بِمَكَّةَ لَيْسَ به علة.

فَقَالَ: لا، لَوْ كَانَ ذَلِكَ يَجُوزُ لَأَمَرْتُ ابْنِي فُلاناً، فَطَافَ عَنِّي، سَمِّى الْأَصْغَرَ وَهُمَا يَسْمَعَانِ.

بخش صدو سی و هفتم

اشاره

(۱۳۷)

بَابُ رَكْعَتَي الطَّوَافِ وَ وَقْتِهِمَا وَ الْقِرَاءَةِ فِيهِمَا وَالدُّعَاءِ.

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

در کنار امام صادق علیه السلام حضور داشتم و نزد او فرزندش عبدالله و فرزند او - که با او بود - حضور داشتند. مردی به حضرتش گفت خدا کار شما را اصلاح نماید! مردی از جانب مردی - که مقیم مکه است و بیمار هم نیست - می تواند طواف نماید؟

فرمود: نه اگر آن جایز بود به فرزندم - فلانی - می گفتم که از جانب من طواف نماید. که حضرتش فرزند کوچک را نام برد در حالی که هر دو می شنیدند.

دو رکعت نماز طواف و وقت آنها وقرائت در آنها و دعای آنها

۱- معاوية بن عمار گويد: -

إِذَا فَرَغْتَ مِنْ طَوَافِكَ فَانْتِ مَقَامَ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ اجْعَلْهُ أَمَاماً وَ اقْرَأْ الْأُولَى مِنْهُمَا سُورَةَ التَّوْحِيدِ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) وَ فِي الثَّانِيَةِ (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) ثُمَّ تَشَهَّدْ وَ احْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه وسلم وَاسْأَلْهُ أَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكَ وَ هَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ، هُمَا الْفَرِيضَةُ لَيْسَ يُكْرَهُ لَكَ أَنْ تُصَلِّيَهُمَا فِي أَيِّ السَّاعَاتِ شِئْتَ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا، وَ لا تُؤَخِّرْهُمَا سَاعَةَ تَطُوفُ وَ تَفْرُغُ فَصَلِّهِمَا.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام يُصَلِّي رَكْعَتَيْ طَوافِ الْفَرِيضَةِ بِحِيَالِ الْمَقَامِ قَرِيباً مِنْ ظِلَالِ الْمَسْجِدِ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَ فَرَغَ مِنْ طَوَافِهِ حِينَ غَرَبَتِ الشَّمْسُ.

امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه طواف را به پایان رساندی بیا به مقام ابراهیم علیه السلام و پشت آن دو رکعت نماز گزار که در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را بخوان بعد از آن تشهد را بخوان و خدا را سپاس کن و ثنایش گو و بر پیامبر درود فرست و از او بخواه که از تو قبول نماید و این دو رکعت واجب است می توانی آن دو رکعت را در هر ساعتی خواستی - به هنگام طلوع خورشید و غروبش - بخوانی و کراهتی ندارد، ولی آنها را به ساعتی که طواف می کنی و آن را به پایان می رسانی به تأخیر نینداز.

۲ - حسین بن عثمان گوید: امام کاظم علیه السلام را دیدم که دو رکعت طواف واجب را در برابر مقام ابراهیم علیه السلام نزدیک سایه مسجد می گزارد.

۳- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: کسی طواف واجب نمود و در موقع غروب آفتاب از طواف فارغ شد.

قَالَ: وَجَبَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ السّاعَةَ الرّكْعَتَانِ فَلْيُصَلِّهِمَا قَبْلَ الْمَغْرِبِ.

٤- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ: قُلْتُ لِلرّضَا عليه السلام: أُصَلِّي رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ حَيْثُ هُوَ السّاعَةَ أَوْ حَيْثُ كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم؟

قَالَ: حَيْثُ هُوَ السّاعَةَ.

٥- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

مَا رَأَيْتُ النّاسَ أَخَذُوا عَنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام الصّلَاةَ بَعْدَ الْعَصْرِ، وَ بَعْدَ الْغَدَاةِ فِي طَوَافِ الْفَرِيضَةِ.

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: قَالَ أَحَدُهُمَا عليهما السلام:

فرمود: در همان ساعت آن دو رکعت بر او واجب شد پس پیش از مغرب آن دو رکعت نماز را بخواند.

٤- ابراهیم بن ابی محمود گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: می توانم دو رکعت نماز طواف واجب را پشت مقام ابراهیم علیه السلام - که در همان جای کنونی است یا جایی که در زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم بود - بخوانم؟

فرمود: در جای کنونی بخوان.

٥- اسحاق بن عمّار گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

ندیدم مردم حکمی را از امام حسن و امام حسین علیهما السلام الگو بردارند جز نماز طواف فریضه بعد از عصر و بعد از صبح را.

٦ - یکی از اصحاب ما :گوید امام (باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

ص: ٣١١

یُصَلِّي الرَّجُلُ رَكْعَتَيِ الطَّوَافِ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ وَ النَّافِلَةِ بِ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) وَ (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ).

٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَطُوفُ الطَّوَافَ الْوَاجِبَ بَعْدَ الْعَصْرِ أَ يُصَلِّي الرَّكْعَتَيْنِ حِينَ يَفْرُغُ مِنْ طَوَافِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ أَ مَا بَلَغَكَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم: «يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا تَمْنَعُوا النَّاسَ مِنَ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَتَمْنَعُوهُمْ مِنَ الطَّوَافِ».

٨- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ:

لا يَنْبَغِي أَنْ تُصَلِّيَ رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ إِلَّا عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام، فَأَمَّا التَّطَوُّعُ فَحَيْثُ شِئْتَ مِنَ الْمَسْجِدِ.

٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

انسان می تواند دو رکعت نماز طواف واجب و نافله را با «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» بخواند.

رفاعه گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که طواف واجب را بعد عصر انجام می دهد آیا می تواند دو رکعت نماز را بعد از طواف بخواند؟

فرمود: آری آیا فرمایش رسول خدا صلی الله علیه وسلم به تو نرسیده که فرمود: «ای فرزندان عبدالمطلب مردم را از نماز بعد از عصر باز ندارید آن گونه که آنها را از طواف باز می دارید».

۸- زراره گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

شایسته نیست که دو رکعت نماز طواف واجب را بجز در مقام ابراهیم علیه السلام بخوانی. اما نماز طواف مستحبی را در هر جای مسجد خواستی می توانی بخوانی.

۹- یحیی ازرق گوید:

ص: ۳۱۲

قلت له: إلي طلقت أربعة أسابيع فأَعْيَيْتُ أَفَأَصَلِّي رَكَعَاتِهَا وَأَنا جَالِسٌ؟

قَالَ: لا.

قُلْتُ: فَكَيْفَ يُصَلِّي الرَّجُلُ إِذَا اعْتَلّ وَ وَجَدَ فَتْرَةً صَلَاةَ اللَّيْلِ جَالِسًا وَ هَذَا لا يُصَلِّي؟

قَالَ: فَقَالَ: يَسْتَقِيمُ أَنْ تَطُوفَ وَ أَنْتَ جَالِسٌ؟

قلت: لا.

قَالَ: فَصَلِّ وَ أَنْتَ قَائِمٌ.

بخش صدو سی و هشتم

اشاره

(۱۳۸)

بَابُ السَّهْوِ فِي رَكْعَتَيِ الطَّوَافِ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: من چهار بار طواف هفت شوطی نمودم و ناتوان شدم آیا می توانم نماز آنها را نشسته بخوانم؟

فرمود: نه.

گفتم: پس چگونه کسی که از خواندن نماز شب ناتوان شد می تواند نشسته بخواند، ولی نماز طواف را نمی تواند؟

فرمود: درست است که طواف را نشسته انجام دهی؟

گفتم نه.

فرمود: پس ایستاده نماز بخوان.

شک در دو رکعت نماز طواف

۱- ابو صباح کنانی گوید: -

ص: ۳۱۳

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام فِي طَوَافِ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ بِالْبَلَدِ صَلّى رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، فَإِنّ اللّهَ عَزّوَجَلّ يَقُولُ: (وَاتّخِذُوا مِنْ مَقَام إِبْرَاهِيمَ مُصَلّى)، وَ إِنْ كَانَ قَدِ ارْتَحَلَ فَلَا أَمُرُهُ أَنْ يَرْجِعَ.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: رَجُلٌ نَسِيَ الرّكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام فَلَمْ يَذْكُرْ حَتّى ارْتَحَلَ مِنْ مَكّةَ.

قَالَ: فَلْيُصَلّهِمَا حَيْثُ ذَكَرَ، وَ إِذْ ذَكَرَهُمَا وَ هُوَ فِي الْبَلَدِ فَلَا يَبْرَحْ حَتّى يَقْضِيَهُمَا.

۳- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی فراموش کرد که دو رکعت نماز را نزد مقام ابراهیم علیه السلام در طواف حج و عمره بخواند؟

فرمود: اگر در شهر مکه است (دوباره باز گردد و) دو رکعت را نزد مقام ابراهیم علیه السلام بخواند، زیرا خداوند عزوجل می فرماید: «مقام ابراهیم را جایگاه نماز قرار دهید» و اگر از مکه رفته است دستور نمی دهم که به مکه باز گردد.

۲- معاویة بن عمار گوید به امام صادق علیه السلام گفتم مردی دو رکعت نماز در پشت مقام ابراهیم علیه السلام را فراموش کرد و به یاد نیاورد تا از آن جا کوچ کرد.

امام علیه السلام فرمود: هرجا به یاد آورد آن دو رکعت نماز را به جا آورد و چون آن را در زمانی به یاد آورد که در مکه بود از آنجا نرود تا آن را به جا آورد.

۳- زراره گوید: -

فِي رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَ لَمْ يُصَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ حَتّٰى طَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمَّ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ لَمْ يُصَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ حَتّٰى ذَكَرَ بِالْأَبْطَحِ فَصَلّٰى أَرْبَعَ

رَكَعَاتٍ.

قَالَ: يَرْجِعُ فَيُصَلِّي عِنْدَ الْمَقَامِ أَرْبَعاً.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنّٰى قَالَ:

نَسِيتُ رَكْعَتَيِ الطَّوَافِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام حَتّٰى انْتَهَيْتُ إِلَى مِنًى فَرَجَعْتُ إِلَى مَكَّةَ فَصَلَّيْتُهُمَا، فَذَكَرْنَا ذٰلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام:

فَقَالَ: أَلَّا صَلَّاهُمَا حَيْثُ ذَكَرَ؟!

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

فِي رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَ نَسِيَ الرَّكْعَتَيْنِ حَتّٰى طَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

امام صادق علیه السلام درباره کسی که طواف واجب را به جا آورده ولی هنوز دو رکعت نماز طواف را نخواند تا سعی بین صفا و مروه سپس طواف نساء را انجام داد باز دو رکعت طواف نساء را به جا نیاورد تا در ابطح به یادش آمد پس چهار رکعت خواند (چه حکمی دارد؟).

فرمود: بایستی برگردد و نزد مقام ابراهیم چهار رکعت نماز بخواند.

٤- هشام بن مثنی گوید: نماز طواف در پشت مقام ابراهیم علیه السلام را فراموش کردم تا این که به منا رسیدم سپس به مکه برگشتم و آن دو رکعت را خواندم این موضوع را به امام صادق علیه السلام گفتیم .

فرمود: چرا دو رکعت را آن جا که به یاد آورد نخواند؟!

٥- راوی گوید: امام صادق علیه السلام درباره مردی که طواف واجب را انجام داد و دو رکعت را فراموش نمود تا سعی بین صفا و مروه نمود فرمود:

ص: ٣١٥

قَالَ: يُعَلِّمُ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ ثُمّ يَعُودُ فَيُصَلِّي الرَّكْعَتَيْنِ ثُمّ يَعُودُ إِلَى مَكَانِهِ.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوّافَ الْفَرِيضَةِ وَ لَمْ يُصَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ حَتّى طَافَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ طَافَ بَعْدَ ذَلِكَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ لَمْ يُصَلِّ أَيْضاً لِذَلِكَ الطّوَافِ حَتّى ذَكَرَ

بِالْأَبْطَحِ.

قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام فَيُصَلِّي.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ دَخَلَ مَكّةَ بَعْدَ الْعَصْرِ فَطَافَ بِالْبَيْتِ وَ قَدْ عَلّمْنَاهُ كَيْفَ يُصَلِّي فَنَسِيَ فَقَعَدَ حَتّى غَابَتِ الشّمْسُ ثُمّ رَأَى النّاسَ يَطُوفُونَ فَقَامَ فَطَافَ طَوَافاً آخَرَ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ لِطَوَافِ الْفَرِيضَةِ.

آن مکان (در سعی بین صفا و مروه) را نشان می گذارد و بر می گردد دو رکعت را می خواند سپس به مکانش بر می گردد.

٦ - محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام) درباره کسی که طواف واجب را به جا آورده ولی هنوز دو رکعت نماز طواف را نخواند تا سعی بین صفا و مروه سپس طواف نساء را انجام داد باز دو رکعت طواف نساء را به جا نیاورد تا در ابطح به یادش آمد پس چهار رکعت خواند پرسیدند.

فرمود: بایستی به مقام ابراهیم علیه السلام برگردد و نماز را بخواند.

٧- علی بن ابو حمزه گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم کسی که بعد از عصر وارد مکه شد آن گاه بیت را طواف نمود البته چگونگی نماز طواف را گفته بودیم پس فراموش نمود و در آنجا نشست تا آفتاب غروب کرد سپس مردم را دید که طواف می کنند، او نیز برخاست و طواف دیگر نمود پیش از این که نماز طواف واجب بخواند.

ص: ٣١٦

فَقَالَ: جَاهِلٌ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

٨- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ زَعْلَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى وَ حَنَانٍ قَالا:

طُفْنَا بِالْبَيْتِ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ نَسِينَا الرَّكْعَتَيْنِ فَلَمَّا صِرْنَا بِمِنًى ذَكَرْنَاهُمَا فَأَتَيْنَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَسَأَلْنَاهُ.

فَقَالَ: صَلِّيَاهُمَا بِمِنًى.

بخش صدو سی و نهم

اشاره

(۱۳۹)

بَابُ نَوَادِرِ الطَّوَافِ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

فرمود: آیا ناآگاه بود؟

گفتم: آری.

فرمود: چیزی بر او نیست.

۸- هشام بن مثنی و حنان گویند: ما طواف نساء را انجام دادیم و دو رکعت نماز را فراموش کردیم چون به منا رفتیم به یاد آوردیم آن گاه خدمت امام صادق علیه السلام شرف یاب شدیم و در این مورد از حضرتش پرسیدیم.

فرمود: دو رکعت نماز را در منا بخوانید.

چند حدیث نکته دار

۱- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

أَوّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ عليه السلام مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيهِ أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبُ النّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَالطّوَافَ.

۲- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَن الطّوَافِ أَ يَكْتَفِي الرّجُلُ بِإِحْصَاءِ صَاحِبِهِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَيُّوبَ أَخِي أُدَيْم قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: الْقِرَاءَةُ وَأَنَا أَطُوفُ أَفْضَلُ أَوْ أَذْكُرُ اللّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى؟

قَالَ: الْقِرَاءَةُ.

قُلْتُ: فَإِنْ مَرّ بِسَجْدَةٍ وَ هُوَ يَطُوفُ؟

قَالَ: يُومِنُ بِرَأْسِهِ إِلَى الْكَعْبَةِ.

نخستین موضوعی که قائم از عدل آشکار می کند این است که منادی او این گونه ندا سر می دهد صاحب طواف نافله حجر الاسود و طواف را به صاحب طواف واجب واگذارد.

۲- سعید اعرج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا انسان می تواند در (شمارش شوط های) طواف به شمردن رفیق خود اکتفا کند؟

فرمود: آری.

۳- ایوب برادر ادیم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: به هنگام طواف قرائت قرآن بهتر است یا ذکر خدای تبارک و تعالی؟

فرمود: قرائت قرآن.

گفتم: اگر در حال طواف به آیه سجده دار برسد (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: با سرش به سمت کعبه اشاره می کند.

ص: ۳۱۸

٤- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ مُثَنّى عَنْ زِيَادِ بْنِ يَحْيَى الْحَنْظَلِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

لا تَطُوفَنّ بِالْبَيْتِ وَ عَلَيْكَ بُرْطُلَةٌ.

٥- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَم عَنْ أَبِي الْفَرَجِ قَالَ:

سَأَلَ أَبَانٌ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام أَ كَانَ لِرَسُولِ اللّهِ طَوَافٌ يُعْرَفُ بِهِ؟

فَقَالَ: كَانَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم يَطُوفُ بِاللّيْلِ وَ النّهَارِ عَشَرَةَ أَسَابِيعَ ثَلَاثَةٌ أَوّلَ اللّيْلِ وَ ثَلَاثَةٌ آخِرَ اللّيْلِ وَ اثْنَيْنِ إِذَا أَصْبَحَ وَ اثْنَيْن بَعْدَ الظّهْرِ وَ كَانَ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ رَاحَتُهُ.

٦- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْن مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ النّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْن فَرْقَدٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى قَالَ:

رَأَيْتُ أُمّ فَرْوَةَ تَطُوفُ بِالْكَعْبَةِ عَلَيْهَا كِسَاءٌ مُتَنَكّرَةٌ فَاسْتَلَمَتِ الْحَجَرَ بِيَدِهَا الْيُسْرَى.

فَقَالَ لَهَا رَجُلٌ مِمّنْ يَطُوفُ: يَا أَمَةَ اللّهِ! أَخْطَأْتِ السّنّةَ.

فَقَالَتْ: إِنّا لَأَغْنِيَاءُ عَنْ عِلْمِكَ.

٤- زیاد بن یحیی حنظلی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به طور حتم در حالی که بر سرت کلاه دراز باشد طواف به کعبه را انجام نده.

٥- ابو فرج گوید: ابان از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا برای رسول خدا صلی الله علیه وسلم طواف معروفی بوده؟

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم شبانه روز ده طواف هفتگانه می نمود سه تا اول شب و سه تا آخر شب و دو تا چون صبح می نمود و دو تا بعد از ظهر و در میان آن استراحت می نمود.

٦- عبدالاعلی گوید: ام فروه (مادر امام صادق علیه السلام) را دیدم که با چادر به صورت ناشناس طواف کعبه می نمود پس با دست چپش استلام حجر نمود. مردی که طواف می نمود به او گفت: ای کنیز خدا در سنت خطا کردی.

فرمود: ما از علم تو بی نیاز هستیم.

ص: ٣١٩

٧- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: أَ تَدْرِي لِمَ سُمّيَتِ الطّائِفَ؟

قُلْتُ: لا .

قَالَ: إِنّ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام لَمّا دَعَا رَبّهُ أَنْ يَرْزُقَ أَهْلَهُ مِنَ الثّمَرَاتِ قَطَعَ لَهُمْ قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْدَن فَأَقْبَلَتْ حَتّى طَافَتْ بِالْبَيْتِ سَبْعاً، ثُمّ أَقَرّهَا اللّهُ فِي مَوْضِعِهَا، وَإِنّمَا سُمّيَتِ الطّائِفَ لِلطّوَافِ بِالْبَيْتِ.

٨- عَلِيٌ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِي قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام : جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَكُونُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ أَنْظُرُ إِلَى النَّاسِ يَطُوفُونَ بِالْبَيْتِ وَأَنَا قَاعِدٌ فَأَغْتَمُ لِذَلِكَ.

فَقَالَ: يَا زِيَادُ! لا عَلَيْكَ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ يَؤُمُّ الْحَجَّ لَا يَزَالُ فِي طَوَافٍ وَ سَعْيٍ حَتَّى يَرْجِعَ.

۹- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَيْثَمٍ التَّمِيمِيِّ قَالَ:

۷- احمد بن محمد گوید: امام هادی علیه السلام فرمود: آیا می دانی چرا (منطقه طائف) طائف نامیده شد؟

گفتم: نه.

فرمود: هنگامی که ابراهیم علیه السلام از پروردگارش خواست که از میوه ها روزی خانواده اش کند قطعه ای از اردن (۱) برایشان جدا کرد پس آن قطعه آمد و هفت شوط طواف کعبه نمود بعد خداوند آن را در جایگاهش قرار داد پس به جهت طواف به بیت آن مکان طائف نامیده شد.

۸- زیاد قندی گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: قربانت گردم من در مسجد الحرام به مردم نگاه می کنم که خانه کعبه را طواف می کنند و من در جای نشسته ام اندوهناک می شوم.

فرمود: ای زیاد! ایرادی بر تو نیست زیرا هر گاه مؤمن از خانه اش به قصد حج بیرون آید، همواره در طواف و سعی است تا به خانه اش باز گردد.

۹- هیثم تمیمی گوید: -

۱- نام کوهی در منطقه شام است.

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: رَجُلٌ كَانَتْ مَعَهُ صَاحِبَةٌ لَا تَسْتَطِيعُ الْقِيَامَ عَلَى رِجْلِهَا فَحَمَلَهَا زَوْجُهَا فِي مَحْمِلٍ فَطَافَ بِهَا طَوَافَ الْفَرِيضَةِ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَ يُجْزِئُهُ ذَلِكَ الطَّوَافُ عَنْ نَفْسِهِ طَوَافُهُ بِهَا؟

فَقَالَ: إِيهَا اللّهِ إِذا.

۱۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِاللّهِ علیه السلام قَالَ:

دَعِ الطَّوَافَ وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عِيسَى الْيَعْقُوبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُيَسِّرٍ عَنْ أَبِي الْجَهُم عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيّ علیهم السلام أَنَّهُ قَالَ فِي امْرَأَةٍ نَذَرَتْ أَنْ تَطُوفَ عَلَى أَرْبَع قَالَ:

تَطُوفُ أُسْبوعاً لِيَدَيْهَا وَ أَسْبُوعاً لِرِجلَيْهَا.

۱۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ قَالَ:

به امام صادق علیه السلام عرض کردم مردی به همراه زنش در مسجدالحرام است زنش توانایی ایستادن روی پا ندارد همسرش او را در کجاوه برداشته و طواف واجب را انجام می دهد و سعی صفا و مروه را انجام می دهد آیا این طواف دادن از جانب خود او نیز کفایت می کند؟

فرمود: آری به خدا سوگند!

۱۰- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

تا خسته نشده ای و دلت می خواهد طواف را واگذار.

۱۱- ابوجهم گوید: امام صادق از پدران بزرگوارش از حضرت علی علیهم السلام نقل می کند که حضرتش درباره زنی که نذر نموده که بر چهار دست و پا طواف نماید، فرمود:

او هفت شوط برای دست هایش و هفت شوط برای پاهایش طواف می کند.

۱۲- صفوان گوید:

ص: ۳۲۱

سَأَلْتُهُ عَنْ ثَلَاثَةٍ دَخَلُوا فِي الطَّوَافِ فَقَالَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ لِصَاحِبِهِ: تَحَفَظُوا الطَّوَافَ، فَلَمّا ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ فَرَغُوا قَالَ وَاحِدٌ: مَعِي سِتَّةُ أَشْوَاطٍ.

قَالَ: إِنْ شَكُوا كُلُّهُمْ فَلْيَسْتَأْنِفُوا وَ إِنْ لَمْ يَشُكُوا وَ عَلِمَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَا فِي يَدِهِ فَلْيَبْنُوا.

۱۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

فِي الْمَرْأَةِ تَطُوفُ بِالصَّبِيِّ وَ تَسْعَى بِهِ هَلْ يُجْزِئُ ذَلِكَ عَنْهَا وَ عَنِ الصَّبِيِّ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

۱٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

يُسْتَحَبُّ أَنْ تَطُوفَ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ سِتِّينَ أَسْبُوعاً عَدَدَ أَيّامِ السَّنَةِ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَثَلَاثَمِائَةٍ وَسِتِّينَ شَوْطاً، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَمَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنَ الطَّوَافِ.

از امام علیه السلام پرسیدم سه نفر وارد طواف می شوند یکی از آنها به رفیقش می گوید: تعداد شوط های طواف را به یاد دارا!.

وقتی طواف به پایان می رسد یکی می گوید به نظر من شش شوط شده فرمود: اگر همگی در تعداد شوط ها شک نمودند بایستی طواف را از نو شروع کنند و اگر همه شک نکردند و هر کدام از آنها می داند چند شوط انجام داده بنا را بر آن می گذارند.

۱۳- حفص بن بختری گوید از امام صادق علیه السلام (پرسیدم:) زنی با کودک خود طواف و سعی می نماید ایا از جانب خود و کودکش کفایت می کند؟

فرمود: آری.

١٤ - معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

مستحب است که سیصد و شصت طواف هفت شوطی به تعداد روزهای سال انجام دهی و اگر نتوانستی سیصد و شصت شوط و اگر نتوانستی هرچه می توانی انجام ده.

ص: ۳۲۲

١٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ نَشْرَبُ وَ نَحْنُ فِي الطَّوَافِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

١٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَم عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهِلِي قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

طَافَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم عَلَى نَاقَتِهِ الْعَضْبَاءِ، وَ جَعَلَ يَسْتَلِمُ الْأَرْكَانَ بِمِحْجَنِهِ وَيُقَبِّلُ الْمِحْجَنَ.

١٧- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

طَوَافٌ فِي الْعَشْرِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ طَوَافاً فِي الْحَجِّ.

۱۵- یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم آیا می توانیم در حال طواف چیزی بنوشیم؟

فرمود: آری.

۱٦- عبدالله بن یحیی کاهلی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر بالای شتر عضباء طواف می کرد و با چوب سرکج خود ارکان کعبه را استلام می نمود و آن چوب را می بوسید.

۱۷- راوی گوید: امام صادق علیه السلام: فرمود: انجام یک طواف در دهه نخست ذی حجه بهتر از هفتاد طواف در حج است.

ص: ۳۲۳

۱۸- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِي عَنِ السَّكُونِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي امْرَأَةٍ نَذَرَتْ أَنْ تَطُوفَ عَلَى أَرْبَعٍ، فَقَالَ:

تَطُوفُ أَسْبُوعاً لِيَدَيْهَا وَأَسْبُوعاً لِرِجلَيْهَا.

بخش صدو چهلم

اشاره

(۱٤۰)

بَابُ اسْتِلَامِ الْحَجَرِ بَعْدَ الرَّكْعَتَيْنِ وَ شُرْبِ مَاءِ زَمْزَمَ قَبْلَ الْخُرُوجِ إِلَى الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا فَرَغْتَ مِنَ الرَّكْعَتَيْنِ فَائْتِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ قَبِّلْهُ وَ اسْتَلِمْهُ أَوْ أَشِرْ إِلَيْهِ، فَإِنَّهُ لا بُدَّ مِنْ ذَلِكَ.

١٨- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می کند که حضرتش درباره زنی که نذر نموده که بر چهار دست و پا طواف نماید، فرمود:

او هفت شوط برای دست هایش و هفت شوط برای پاهایش طواف می کند.

استلام حجر الاسود بعد از دو رکعت و آشامیدن آب زمزم پیش از رفتن به صفا و مروه

١- معاوية بن عمّار :گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه دو رکعت نماز طواف را خواندی کنار حجر الاسود برو و آن را ببوس و آن را پاستلام کن یا به سوی آن اشاره کن؛ چرا که این عمل لازم است.

ص: ٣٢٤

وَ قَالَ: إِنْ قَدَرْتَ أَنْ تَشْرَبَ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى الصَّفَا فَافْعَلْ وَ تَقُولُ حِينَ تَشْرَبُ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

قَالَ: وَ بَلَغَنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ حِينَ نَظَرَ إِلَى زَمْزَمَ: لَوْ لَا أَنِّي أَشُقُّ عَلَى أُمَّتِي الأخذتُ مِنْهُ ذنوباً أو الوتين. أَوْ ذُنُوبَيْن.

٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا فَرَغَ الرَّجُلُ مِنْ طَوَافِهِ وَ صَلّى رَكْعَتَيْنِ فَلْيَأْتِ زَمْزَمَ وَلْيَسْتَقِ مِنْهُ ذَنُوباً أَوْ ذُنُوبَيْنِ وَ لْيَشْرَبْ مِنْهُ وَلِيَصُبّ عَلَى رَأْسِهِ وَ ظَهْرِهِ وَ بَطْنِهِ وَ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ» ثُمَّ يَعُودُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

و فرمود اگر توانستی پیش از رفتن به صفا و مروه از آب زمزم بیاشامی این کار را بکن و در موقع آشامیدن بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

حضرتش فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه وسلم به ما روایت شده که هرگاه به زمزم نگاه می کرد

می فرمود: اگر در امت من سخت نمی شد از آن آب یک یا دو سطل بر می داشتم.

۲- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه انسان طوافش را به پایان رسانید و دو رکعت نماز طواف را خواند به زمزم بیاید و از آن یک یا دو سطل آب بکشد مقداری از آن را بیاشامد و بر سر و پشت و شکمش بریزد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْماً نَافِعاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ». سپس به کنار حجر الاسود باز گردد.

۳- علی بن مهزیار گوید:

ص: ۳۲۵

رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الثَّانِيَ عليه السلام لَيْلَةَ الزِّيَارَةِ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ صَلّى خَلْفَ الْمَقَامِ ثُمَّ دَخَلَ زَمْزَمَ فَاسْتَقَى مِنْهَا بِيَدِهِ بِالدَّلْوِ الَّذِي يَلِي الْحَجَرَ وَ شَرِبَ مِنْهُ وَ صَبّ عَلَى بَعْضِ جَسَدِهِ ثُمَّ اطَّلَعَ فِي زَمْزَمَ مَرَّتَيْنِ.

وَ أَخْبَرَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا: أَنَّهُ رَآهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِسَنَةٍ فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ.

بخش صدو چهل و یکم

اشاره

(۱٤۱)

بَابُ الْوُقُوفِ عَلَى الصَّفَا وَالدُّعَاءِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم حِينَ فَرَغَ مِنْ طَوَافِهِ وَ رَكْعَتَيْهِ قَالَ: أَبْدَأُ بِمَا بَدَأَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ مِنْ إِتْيَانِ الصَّفَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ:

امام جواد علیه السلام را شب زیارت در حال طواف دیدم. حضرتش طواف نساء را انجام داد و پشت مقام ابراهیم علیه السلام نماز خواند آن گاه داخل چاه زمزم رفت و با دست مبارک خود یک سطل که نزدیک چاه بود آب کشید و از آن آشامید و بر قسمت هایی از بدنش ریخت و دوبار بر چاه نگاه کرد و یکی از یاران ما نیز آن حضرت را بعد از یک سال دیده که چنین عمل می نموده است.

ایستادن در بالای صفا و دعاکردن

۱- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم طواف را به پایان رساند و دو رکعت نماز خواند فرمود: از صفا آغاز می نم که خداوند متعال از آن آغاز نمود که خدای عزوجل می فرماید:

ص: ۳۲٦

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّه).

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: ثُمّ اخْرُجْ إِلَى الصّفَا مِنَ الْبَابِ الّذِي خَرَجَ مِنْهُ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم، وَ هُوَ الْبَابُ الّذِي يُقَابِلُ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ حَتّى تَقْطَعَ الْوَادِي وَ عَلَيْكَ السّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ فَاصْعَدْ عَلَى الصّفَا حَتّى تَنْظُرَ إِلَى الْبَيْتِ وَ تَسْتَقْبِلَ الرّكْنَ الّذِي فِيهِ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ وَ احْمَدِ اللّهَ وَأَثْنِ عَلَيْهِ ثُمّ اذْكُرْ مِنْ آلائِهِ وَ بَلَائِهِ وَ حُسْنِ مَا صَنَعَ إِلَيْكَ مَا قَدَرْتَ عَلَى ذِكْرِهِ، ثُمّ كَبّرِ اللّهَ سَبْعاً وَ احْمَدْهُ سَبْعاً وَ هَلّلْهُ سَبْعاً وَ قُلْ:

«لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ وَ هُوَ عَلَى كُلّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ثَلَاثَ مَرّاتٍ.

ثُمّ صَلّ عَلَى النّبِيّ صلى الله عليه وسلم وَ قُلِ:

«اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلّهِ عَلَى مَا أَوْلانَا وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الْحَيّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الْحَيّ الدّائِمِ» ثَلَاثَ مَرّاتٍ.

«همانا صفا و مروه از شعائر خداوند است».

امام صادق عليه السلام فرمود: سپس برو به صفا از دربی که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم از آن خارج شد - و آن دری است که مقابل حجر الاسود است - تا وادی را بپیمایی و بر تو باد به آرامش و وقار! سپس بالای صفا برو تا به کعبه بنگری و با رکنی که در آن حجر الاسود است رو به رو شوی

و سپاس و ستایش خدا راکن سپس از نعمت های خداوند و بلای او و نیکی هایی که در حق تو کرده، هرچه که می توانی به یاد آور سپس هفت مرتبه تکبیر و «الحمدلله» بگو و هفت مرتبه «لا إله إلا الله» بگو و سه مرتبه بگو: «لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ وَ هُوَ عَلَى كُلّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس بر پیامبر صلی الله علیه وسلم صلوات بفرست و سه مرتبه بگو: «اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلّهِ عَلَى مَا أَوْلانَا وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الْحَيّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الْحَيّ الدّائِمِ».

وَ قُلْ: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَ أَشْهَدُ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلّا إِيّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» ثَلَاثَ مَرّاتٍ.

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ» ثَلَاثَ مَرّاتٍ.

«اللّهُمّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النّارِ» ثَلَاثَ مَرّاتٍ. ثُمّ كَبّرِ اللّهَ مِائَةَ مَرّةٍ وَ هَلّلْ مِائَةَ مَرّةٍ وَ احْمَدْ مِائَةَ مَرّةٍ وَ سَبّحْ مِائَةَ مَرّةٍ وَ تَقُولُ:

«لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ.

اللّهُمّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.

اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ.

اللّهُمّ أَظِلّنِي فِي ظِلّ عَرْشِكَ يَوْمَ لا ظِلّ إِلّا ظِلّكَ وَأَكْثِرْ مِنْ أَنْ تَسْتَوْدِعَ رَبّكَ دِينَكَ وَ نَفْسَكَ وَ أَهْلَكَ».

ثُمّ تَقُولُ: «أَسْتَوْدِعُ اللّهَ الرّحْمَنَ الرّحِيمَ الّذِي لا يَضِيعُ وَدَائِعُهُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي.

و سه مرتبه بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَ أَشْهَدُ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلّا إِيّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

و سه مرتبه بگو: «اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ».

و سه مرتبه بگو: «اللّهُمّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النّارِ».

آن گاه صد مرتبه بگو «الله اكبر» و صد مرتبه «لا اله الا الله» و صد مرتبه «الحمدلله» و صد مرتبه «سبحان الله» و می گویی: «لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ».

اللّهُمّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.

اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ.

اللّهُمّ أَظِلّنِي فِي ظِلّ عَرْشِكَ يَوْمَ لا ظِلّ إِلّا ظِلُّكَ وَ أَكْثِرُ مِنْ أَنْ تَسْتَوْدِعَ رَبّكَ دِينَكَ وَ نَفْسَكَ وَ أَهْلَكَ».

سپس می گویی: «أَسْتَوْدِعُ اللّهَ الرّحْمَنَ الرّحِيمَ الّذِي لا يَضِيعُ وَدَائِعُهُ نَفْسِي وَ دِينِي وَأَ أَهْلِي.

ص: ۳۲۸

اللّهُمّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنّةِ نَبِيّكَ وَ تَوَفّنِي عَلَى مِلّتِهِ وَ أَعِذْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

ثُمّ تُكَبّرُ ثَلَاثاً ثُمّ تُعِيدُهَا مَرّتَيْنِ ثُمّ تُكَبّرُ وَاحِدَةً ثُمّ تُعِيدُهَا فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ هَذَا فَعْضَهُ

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

إِنّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم كَانَ يَقِفُ عَلَى الصّفَا بِقَدْرِ مَا يُقْرَأُ سُورَةُ الْبَقَرَةِ مُتَرَتّلاً.

۲- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ حَدّثَنِي جَمِيلٌ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: هَلْ مِنْ دُعَاءٍ مُوَقّتٍ أَقُولُهُ عَلَى الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ؟

فَقَالَ: تَقُولُ إِذَا وَقَفْتَ عَلَى الصّفَا: «لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» ثَلَاثَ مَرّاتٍ.

٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ

أَيُّوبَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ أَعِذْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

سپس سه مرتبه تکبیر گفته بار دیگر این دعا را دو مرتبه تکرار می کنی بعد یک مرتبه تکبیر گفته یک بار دیگر تکرار می کنی و اگر همه را نتوانستی قسمتی از آن را بگو.

و امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم در صفا و مروه به اندازه خواندن سوره بقره به صورت ترتیل با آرامش و شمرده توقف می نمود.

٢- جمیل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا صفا و مروه دعای مخصوص دارد که بگویم؟

فرمود: هرگاه در صفا ایستادی سه بار می گویی: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

٣- نظیر این روایت را زراره از امام باقر علیه السلام نقل می کند.

ص: ٣٢٩

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام كَيْفَ يَقُولُ الرَّجُلُ عَلَى الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ؟

قَالَ: يَقُولُ: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ: ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ علیه السلام عَنْ بَابِ الصَّفَا قُلْتُ: إِنَّ أَصْحَابَنَا قَدِ اخْتَلَفُوا فِيهِ، بَعْضُهُمْ يَقُولُ: الَّذِي يَلِي السِّقَايَةَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ: الَّذِي يَلِي الْحَجَرَ.

فَقَالَ: هُوَ الَّذِي يَلِي السِّقَايَةَ مُحْدَثٌ، صَنَعَهُ دَاوُدُ وَ فَتَحَهُ دَاوُدُ.

٥- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ يَرْفَعُهُ قَالَ:

كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِذَا صَعِدَ الصَّفَا اسْتَقْبَلَ الْكَعْبَةَ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي.

٤- عبدالحمید بن سعید گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد درب صفا پرسیدم که اصحاب ما در این مورد اختلاف نظر دارند؛ عده ای از آنها می گویند همان دربی است که برابر زمزم است و بعضی از آنها می گویند آن چه برابر حجر الاسود است؟

فرمود: دربی که برابر زمزم است جدید الاحداث است که داوود (١) آن را ساخته و باز نموده است.

٥- علی بن نعمان در روایت مرفوعه ای گوید: امیرمؤمنان علی علیه السلام همواره بالای صفا میرفت و برابر کعبه می ایستاد و دست ها را بلند می نمود و می فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرْحَمْنِي وَ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِي وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي.

١- او همان داوود بن على بن عبدالله بن عباس عموى سفاح است، هو معلى بن خنيس را به قتل رساند و اموال امام صادق عليه السلام را گرفت حضرتش در نماز بر او نفرين كرد و او به هلاكت رسيد.

اللّهُمّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتّقِي عَدْلَكَ وَ لا أَخَافُ جَوْرَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

٦- مُحَمّدُ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ بْنِ الْوَلِيدِ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكْثُرَ مَالُهُ فَلْيُطِلِ الْوُقُوفَ عَلَى الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

٧- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى الصّفَا شَيْءٌ مُوَقّتٌ.

٨- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مَوْلًى لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام صَعِدَ الْمَرْوَةَ فَأَلْقَى نَفْسَهُ عَلَى الْحَجَرِ الّذِي فِي أَعْلَاهَا فِي مَيْسَرَتِهَا وَ اسْتَقْبَلَ الْكَعْبَةَ.

«اللّهُمّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنّكَ إِنْ تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتّقِي عَدْلَكَ وَلَا أَخَافُ جَوْرَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لا يَجُورُ ارْحَمْنِي».

٦- حسن بن على بن وليد در روايت مرفوعه اى گويد امام صادق عليه السلام فرمود:

هرکه بخواهد که ثروتش زیاد شود به توقف خود در صفا و مروه طول دهد.

۷- ابو الجارود گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

دعای ویژه و مخصوصی برای صفا نیست.

۸- یکی از موالیان امام صادق علیه السلام از مردم مدینه گوید امام کاظم علیه السلام را دیدم که بالای مروه رفته و خود را بر روی سنگی که در بلندی آن در سمت چپ است افکند و رو به کعبه نمود.

ص: ۳۳۱

۹- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْجَهْمِ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ:

كُنْتُ وَرَاءَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام عَلَى الصَّفَا أَوْ عَلَى الْمَرْوَةِ وَ هُوَ لَا يَزِيدُ عَلَى حَرْفَيْنِ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

بخش صدو چهل و دوم

اشاره

(۱۴۲)

بَابُ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ مَا يُقَالُ فِيهِ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

۹- عمر بن یزید از یکی از اصحابش این گونه نقل می کند پشت سر امام کاظم علیه السلام در صفا - و یا مروه - بودم، آن حضرت دو کلمه بیش تر نمی فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فِي كُلِّ حَالٍ وَ صِدْقَ النِّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

«خدایا! در هر چیزی حسن ظن به تو و راستی نیت و توکل به تو را می خواهم».

سعی بین صفا و مروه و آن چه در آن گفته می شود

۱- سماعه گوید: از امام علیه السلام در مورد سعی بین صفا و مروه پرسیدم؟

ص: ۳۳۲

قَالَ: إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الدَّارِ الَّتِي عَلَى يَمِينِكَ عِنْدَ أَوَّلِ الْوَادِي فَاسْعَ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى أَوَّلِ زُقَاقٍ عَنْ يَمِينِكَ بَعْدَ مَا تُجَاوِزُ الْوَادِيَ إِلَى الْمَرْوَةِ، فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَيْهِ فَكُفَّ عَنِ السَّعْيِ وَ امْشِ مَشْياً وَ إِذَا جِئْتَ مِنْ عِنْدِ الْمَرْوَةِ فَابْدَأْ مِنْ عِنْدِ الزُّقَاقِ الَّذِي وَصَفْتُ لَكَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْبَابِ الَّذِي مِنْ قِبَلِ الصَّفَا بَعْدَ مَا تُجَاوِزُ الْوَادِيَ فَاكْفُفْ عَنِ السَّعْيِ وَ امْشِ مَشْيَا، فَإِنَّمَا السَّعْيُ عَلَى الرِّجَالِ وَ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ سَعْيٌ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ مَا بَيْنَ بَابِ ابْنِ عَبَّادٍ إِلَى أَنْ يَرْفَعَ قَدَمَيْهِ مِنَ الْمَسِيلِ لَا يَبْلُغُ زُقَاقَ آلِ أَبِي حُسَيْنٍ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ يُونُسَ عَنْ بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

فرمود: هنگامی که از سمت راست به خانه ای که اول وادی است رسیدی در سعی شتاب کن (و هروله کن) تا به اول کوچه از سمت راست برسی بعد از آن که از وادی به مروه بگذری. چون به آنجا رسیدی از سعی خودداری کن و معمولی راه برو و چون از مروه آمدی سعی و هروله را از کوچه ای که توصیف کردم شروع نما تا درب قبل از صفا بعد از آن چه از وادی گذشتی از سعی با شتاب خودداری کن و معمولی راه برو. همانا سعی با شتاب (و هروله) بر مردان است و بر زنان نیست.

۲- غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

پدرم همواره بین صفا و مروه را از درب ابن عباد آغاز می کند و تا پایش را از مسیل بردارد ادامه می داد و از راه آل ابو حسین تجاوز نمی کرد.

۳- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

مَا مِنْ بُقْعَةٍ أَحَبّ إِلَى اللّهِ مِنَ المَسْعَى، لِأَنَّهُ يُذِلُّ فِيهَا كُلّ جَبّارٍ.

وَ رُوِيَ أَنَّهُ سُئِلَ لِمَ جُعِلَ السّعْيُ. فَقَالَ: مَذَلّةٌ لِلْجَبّارِينَ.

٤ - عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ قَالَ:

لَيْسَ لِلّهِ مَنْسَكٌ أَحَبّ إِلَيْهِ مِنَ السّعْيِ، وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يُذِلُّ فِيهِ الْجَبّارِينَ.

٥- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ اللّيْمُلِي عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

جُعِلَ السّعْيُ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ مَذَلّةٌ لِلْجَبّارِينَ.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

انْحَدِرْ مِنَ الصّفَا مَاشِياً إِلَى الْمَرْوَةِ وَ عَلَيْكَ السّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ حَتّى تَأْتِيَ الْمَنَارَةَ وَ هِيَ عَلَى طَرَفِ الْمَسْعَى فَاسْعَ مِلاَءَ فُرُوجِكَ وَ قُلْ:

هیچ بقعه ای نزد خداوند دوست داشتنی از محل سعی نیست زیرا در آن سرکشان خوار می شوند.

در روایت دیگر از حضرتش سؤال شد چرا قرار داده شد سعی؟

فرمود: برای خواری سرکشان.

٤- سهل بن زیاد در روایت مرفوعه ای گوید: حضرتش فرمود:

برای خداوند عبادتی محبوبتر از سعی بین صفا و مروه ،نیست چرا که در این عبادت سرکشان خوار می گردند.

٥- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: سعی بین صفا و مروه برای خواری سرکشان ایجاد شده است.

٦- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

با آرامش و وقار به صورت پیاده از صفا به سوی مروه روان شو تا به مناره ای کنار راه محل سعی است برسی. پس با شتاب گام بردار و بگو:

«بسم اللّهِ وَ اللّهُ أَكْبَرُ وَ صَلّى اللّهُ عَلَى مُحَمّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ اللّهُمّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ وَأَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ».

حَتّى تَبْلُغَ الْمَنَارَةَ الْأُخْرَى فَإِذَا جَاوَزْتَهَا فَقُلْ:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ وَ النّعْمَاءِ وَ الْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا أَنْتَ».

ثُمّ امْشِ وَ عَلَيْكَ السّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ حَتّى تَأْتِيَ الْمَرْوَةَ فَاصْعَدْ عَلَيْهَا حَتّى يَبْدُوَ لَكَ الْبَيْتُ وَ اصْنَعْ عَلَيْهَا كَمَا صَنَعْتَ عَلَى الصّفَا وَ طُفْ بَيْنَهُمَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ تَبْدَأُ بِالصّفَا وَ تَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ.

۷- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مَوْلًى لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ يَبْتَدِئُ بِالسّعْيِ مِنْ دَارِ الْقَاضِي الْمَخْزُومِيّ قَالَ: وَ يَمْضِي كَمَا هُوَ إِلَى زُقَاقِ الْعَطّارِينَ.

«بِسْمِ اللّهِ وَ اللّهُ أَكْبَرُ وَ صَلّى اللّهُ عَلَى مُحَمّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، اللّهُمّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمّا تَعْلَمُ وَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ».

تا به مناره بعدی برسی، چون از آن گذشتی پس بگو: «يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ وَ النّعْمَاءِ وَ الْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلّا أَنْتَ».

آن گاه با آرامش و وقار گام بردار تا به مروه برسی، پس به بالای آن برو تا کعبه دیده شود و همان اعمال و دعاهایی که در صفا انجام دادی در همانجا انجام بده و هفت شوط بین صفا و مروه حرکت کن که از صفا شروع کرده و به مروه خاتمه دهی.

۷- یکی از موالیان امام صادق علیه السلام از اهل مدینه گوید:

امام کاظم علیه السلام را دیدم که سعی با شتاب را از خانه قاضی مخزومی آغاز می کرد. وی گفت: همین تا کوچه عطاران ادامه می داد.

٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَرِيضَةٌ أَمْ سُنَّةٌ؟

فَقَالَ: فَرِيضَةٌ.

قُلْتُ : أَ وَ لَيْسَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (فَلا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا)؟

قَالَ: كَانَ ذَلِكَ فِي عُمْرَةِ الْقَضَاءِ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم شَرَطَ عَلَيْهِمْ أَنْ يَرْفَعُوا الْأَصْنَامَ مِنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، فَتَشَاغَلَ رَجُلٌ وَتَرَكَ السَّعْيَ حَتَّى أَنْقَضَتِ الْأَيَّامُ وَأُعِيدَتِ الْأَصْنَامُ. فَجَاءُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه واله وسلم إِنَّ فُلاناً لَمْ يَسْعَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَدْ أُعِيدَتِ الْأَصْنَامُ.

فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: (فَلا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا)، أَيْ: وَ عَلَيْهِمَا الْأَصْنَامُ.

٩- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ:

٨- یکی از اصحاب ما گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد سعی بین صفا و مروه سؤال شد که آیا واجب است و یا مستحب؟

فرمود: واجب است.

گفتم: مگر نه این است که خداوند عزوجل فرمود: «بر او (حج و یا عمره گزار) گناهی نیست که بین صفا و مروه سعی کند»؟

فرمود: این حکم در عمره قضاء ،بود، زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلمه با مشرکان قریش شرط نمود که بت ها را از صفا و مروه بردارند. مردی مشغول شد و سعی را ترک نمود تا ایام مقرّر گذشت و بتها باز گردانده شدند مردم خدمت آن حضرت آمدند و گفتند: ای رسول خدا! به راستی که فلانی سعی بین صفا و مروه نکرده و بتها برگردانیده شده اند.

در این هنگام خدای عزوجل نازل فرمود: «بر او (حج و یا عمره گزار) گناهی نیست که بین صفا و مر و مروه (با وجود بتها) سعی کند».

۹- سعید اعرج گوید:

ص: ۳۳۶

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ تَرَكَ شَيْئاً مِنَ الرّمَل فِي سَعْيِهِ بَيْنَ الصّفَا وَالْمَرْوَةِ.

قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

وَ رُوِيَ أَنّ الْمَسْعَى كَانَ أَوْسَعَ مِمّا هُوَ الْيَوْمَ، وَ لَكِنّ النّاسَ ضَيّقُوهُ.

۱۰- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام:

فِي رَجُلٍ تَرَكَ السّعْيَ مُتَعَمّداً؟

قَال: عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.

بخش صدو چهل و سوم

اشاره

(۱۴۳)

بَابُ مَنْ بَدَأَ بِالْمَرْوَةِ قَبْلَ الصَّفَا أَوْ سَهَا فِي السَّعْيِ بَيْنَهُمَا.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که بخشی از سعی با شتاب را در سعی بین صفا و مروه ترک نمود (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: چیزی بر او نیست.

و روایت شده محل سعی وسیع تر از آن چه امروز است بوده، ولی مردم آن را تنگ نمودند.

۱۰- معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام درباره کسی که از روی عمد سعی را ترک کرده بود فرمود: بر اوست که در سال آینده یک حج انجام دهد.

حکم کسی که سعی را پیش از صفا از مروه شروع نماید یا بین صفا و مروه شک نماید

۱- علی بن ابی حمزه گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ بَدَأَ بِالْمَرْوَةِ قَبْلَ الصَّفَا.

قَالَ: يُعِيدُ، أَلا تَرَى أَنَّهُ لَوْ بَدَأَ بِشِمَالِهِ قَبْلَ يَمِينِهِ فِي الْوُضُوءِ أَرَادَ أَنْ يُعِيدَ الْوُضُوءَ ؟!

۲- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ علیه السلام:

فِي رَجُلٍ سَعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثَمَانِيَةَ أَشْوَاطٍ مَا عَلَيْهِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ خَطَأً اطَّرَحَ وَاحِداً وَ اعْتَدَّ بِسَبْعَةٍ.

٣- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دراج.

قَالَ: حَجَجْنَا وَ نَحْنُ صَرُورَةٌ فَسَعَيْنَا بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَرْبَعَةَ عَشَرَ شَوْطاً.

فَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ ذَلِكَ.

فَقَالَ: لا بَأْسَ سَبْعَةٌ لَكَ وَ سَبْعَةٌ تُطْرَحُ.

از امام صادق عليه السلام پرسيدم كسى كه سعى را پيش از صفا از مروه شروع نمود (چه وظيفه اى دارد؟).

فرمود: بايستى دوباره انجام دهد مگر نمى بينى اگر او در وضو پيش از دست راست از دست چپ شروع كند بايد دوباره وضو بگيرد؟!

٢- معاوية بن عمّار گويد: امام كاظم عليه السلام (پرسيدم:) كسى كه بين صفا و مروه هشت شوط سعى نموده چه چيزى بر عهده اوست؟

فرمود: اگر از روى خطا بوده يكى را رها نموده هفت بار را حساب مى كند.

٣- جميل بن دراج گويد: براى نخستين بار سفر حج نموديم، پس چهارده شوط بين صفا و مروه سعى نموديم و در اين مورد از امام صادق عليه السلام پرسيديم.

فرمود: ايراد ندارد هفت بار براى توست و بقيه كنار گذاشته مى شود.

ص: ٣٣٨

٤- علي بن إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بنِ مَرّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيٍّ الصَّانِعُ قَالَ:

سُئِلَ أَبو عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَأَنَا حَاضِرٌ عَنْ رَجُل بَدَأَ بِالْمَرْوَةِ قَبْلَ الصَّفَا.

قَالَ: يُعِيدُ، أَلا تَرَى أَنَّهُ لَوْ بَدَأَ بِشِمَالِهِ قَبْلَ يَمِينِهِ كَانَ عَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِيَمِينِهِ ثُمّ يُعِيدَ عَلَى شِمَالِهِ؟!

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

مَنْ طَافَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَوْطاً طَرَحَ ثَمَانِيَةٌ، وَ اعْتَدّ بِسَبْعَةٍ وَإِنْ بَدَأَ بِالْمَرْوَةِ فَلْيَطْرَحْ وَ لْيَبْدَأْ بِالصّفَا.

٤- علی صائغ گوید: من در حضور امام صادق علیه السلام بودم که از حضرتش پرسیده شد: کسی که سعی را پیش از صفا از مروه شروع نماید (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: بایستی دوباره انجام دهد مگر نمی بینی اگر او در وضو پیش از دست راست از دست چپ شروع کند باید دوباره از دست راست شروع کند آن گاه به دست چپ بازگردد؟

٥- معاویة بن عمار گوید: امام علیه السلام فرمود:

هرکه بین صفا و مروه پانزده شوط سعی نماید هفت شوط آن را گرفته و هشت شوط آن را رها می کند و اگر از مروه شروع نموده باشد آن را رها نموده و از صفا آغاز می کند.

ص: ٣٣٩

بخش صدو چهل و چهارم

اشاره

(١٤٤)

بَابُ الِاسْتِرَاحَةِ فِي السّعْي وَ الرّكُوبِ فِيهِ.

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ السّعْيِ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ عَلَى الدّابّةِ؟

قَالَ: نَعَمْ وَ عَلَى الْمَحْمِلِ.

٢- مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرّجُلِ يَسْعَى بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ رَاكِباً.

قَالَ: لَا بَأْسَ وَ الْمَشْيُ أَفْضَلُ.

٣- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الرّجُلِ يَطُوفُ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ أَ يَسْتَرِيحُ؟

استراحت در سعی و انجام آن به صورت سواری

١- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا سعی بین صفا و مروه را می توان به صورت سواری انجام داد؟

فرمود: آری، و بر کجاوه هم می توان انجام داد.

٢- معاویة بن عمار نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می کند و در آخر می افزاید:

انجام آن به صورت پیاده بهتر است.

٣- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که بین صفا و مروه سعی می کند آیا می تواند استراحت کند؟

قَالَ: نَعَمْ إِنْ شَاءَ جَلَسَ عَلَى الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ بَيْنَهُمَا فَيَجْلِسُ.

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لا يُجْلَسُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ إِلَّا مِنْ جَهْدٍ.

٥- أبو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ النِّسَاءِ يَطُفْنَ عَلَى الْإِبِلِ وَالدَّوَابِّ أَ يُجْزِئُهُنَّ أَنْ يَقِفْنَ تَحْتَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ بِحَيْثُ يَرَيْنَ الْبَيْتَ.

٦- وَ عَنْهُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ عَلَى الرَّاكِبِ سَعْيَ وَلَكِنْ لِيُسْرِعْ شَيْئاً.

فرمود: آری، اگر خواست در صفا و مروه و مابین آنها می نشیند.

٤- عبدالرحمان گوید امام صادق علیه السلام فرمود: فقط کسی بین صفا و مروه می نشیند که به زحمت و سختی افتد.

٥- عبد الرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم زنانی که بر شتر و چهارپا سعی می کنند آیا از آنها کفایت می کند که پایین صفا و مروه توقف نمایند؟

فرمود: آری، در جایی که بیت را ببینند.

٦- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

انجام سعی با شتاب برای کسی که سوار بر مرکب است، لازم نیست ولی مقداری تند حرکت کند.

ص: ٣٤١

بخش صدو چهل و پنجم

اشاره

(١٤٥)

بَابُ مَنْ قَطَعَ السَّعْيَ لِلصَّلَاةِ أَوْ غَيْرِهَا وَ السَّعْيِ بِغَيْرِ وُضُوءٍ.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ يَدْخُلُ فِي السَّعْيِ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَيَدْخُلُ وَقْتُ الصَّلَاةِ أَيُخَفِّفُ أَوْ يَقْطَعُ وَيُصَلِّي وَيَعُودُ أَوْ يَثْبُتُ كَمَا هُوَ عَلَى حَالِهِ حَتَّى يَفْرُغَ؟ قَالَ: أَ وَ لَيْسَ عَلَيْهِمَا مَسْجِدٌ؟ لا بَلْ يُصَلِّي ثُمَّ يَعُودُ.

قُلْتُ: يَجْلِسُ عَلَيْهِمَا.

قَالَ: أَ وَ لَيْسَ هُوَ ذَا يَسْعَى عَلَى الدَّوَابِّ؟

٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الرَّجُلُ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثَلَاثَةَ أَشْوَاطٍ أَوْ أَرْبَعَةً ثُمَّ يَبُولُ أَ يُتِمُّ سَعْيَهُ بِغَيْرِ وُضُوءٍ؟

قطع نمودن سعی به جهت نماز یا غیر آن و سعی نمودن بدون وضو

۱- معاویة بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: انسان مشغول سعی بین و صفا و مروه است و وقت نماز فرا میرسد آیا می تواند سعی را کوتاه یا آن را قطع کند و نماز بخواند و برگردد یا همان گونه که انجام دهد تا به پایان رسد؟

فرمود: مگر در آن جا برای سعی کننده مسجدی نیست؟! نه؛ بلکه نماز خواند سپس برگردد.

گفتم: می تواند در آنجا بنشیند؟

فرمود: بلی آیا چنین نیست که او بر سواری سعی می کند؟

۲- یحیی ازرق گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: کسی که بین صفا و مروه سه شوط یا چهار شوط سعی نمود بعد به جهت بول وضویش باطل شد آیا سعی خود را بدون وضو به پایان برساند؟

ص: ۳۴۲

قَالَ: لَا بَأْسَ وَ لَوْ أَتَمّ نُسُکَهُ بِوُضُوءٍ کَانَ أَحَبّ إِلَیّ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام:

لا تَطُوفُ وَ لا تَسْعَی إِلّا عَلَی وُضُوءٍ.

بخش صدو چهل و ششم

اشاره

(۱۸۷)

بَابُ تَقْصِیرِ الْمُتَمَتّعِ وَ إِحْلَالِهِ

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ وَ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا فَرَغْتَ مِنْ سَعْيِكَ وَ أَنْتَ مُتَمَتِّعٌ فَقَصِّرْ مِنْ شَعْرِكَ مِنْ جَوَانِبِهِ وَ لِحْيَتِكَ وَ خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ قَلِّمْ أَظْفَارَكَ وَأَبْقِ مِنْهَا لِحَجِّكَ ، وَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ أَحْلَلْتَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُحِلُّ مِنْهُ الْمُحْرِمُ وَ أَحْرَمْتَ مِنْهُ فَطُفْ بِالْبَيْتِ تَطَوُّعاً مَا شِئْتَ.

فرمود: ایرادی ندارد و اگر عبادتش را با وضو تمام کند نزد من محبوبتر است.

۳- ابن فضال گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: سعی و طواف فقط با وضو انجام می شود.

کوتاه کردن برای تمتع و بیرون آمدن او از احرام

۱- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که تو در عمره تمتّع سعی را به پایان رساندی از موهای اطراف و ریش و سبیل خود کوتاه کن و از ناخنهای خود بچین و از آنها چیزی برای حج خود باقی بگذار و چون چنین کردی آن چه که بر محرم از آن خارج می شود و بر تو حرام بود، بر تو حلال شد پس آن چه خواستی به صورت مستحب خانه کعبه را طواف کن.

ص: ۳۴۳

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام أَحَلَّ مِنْ عُمْرَتِهِ وَ أَخَذَ مِنْ أَطْرَافِ شَعْرِهِ كُلِّهِ عَلَى الْمُشْطِ، ثُمَّ أَشَارَ إِلَى شَارِبِهِ فَأَخَذَ مِنْهُ الْحَجَّامُ، ثُمَّ أَشَارَ إِلَى أَطْرَافِ لِحْيَتِهِ فَأَخَذَ مِنْهُ ثُمَّ قَامَ.

٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُل يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ يَسْعَى أَ يَتَطَوَّعُ بِالطَّوَافِ قَبْلَ أَنْ يُقَصِّرَ؟

قَالَ: مَا يُعْجِبُنِي.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ وَ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَغَيْرِهِمَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي مُحْرِمٍ يُقَصِّرُ مِنْ بَعْضٍ وَ لَا يُقَصِّرُ مِنْ بَعْضٍ.

قَالَ: يُجْزِئُهُ.

٢- محمد بن اسماعيل گويد: امام كاظم عليه السلام را ديدم كه از انجام عمره بيرون آمد و با شانه موهاى دور سرش را كوتاه كرد. آن گاه به حجّام اشاره فرمود كه از سبيل و اطراف ريشش كوتاه نمود سپس برخاست.

٣- رفاعة ابن موسى گويد از امام صادق عليه السلام پرسيدم كسى كه پيش از تقصير كعبه را طواف نمود و سعى بين صفا و مروه را انجام داد مى تواند طواف مستحبى انجام دهد؟

فرمود: طواف اين گونه را دوست ندارم.

٤- جميل بن دراج حفص بن بخترى و ديگران گويند: امام صادق عليه السلام درباره محرمى كه از برخى از قسمت موهايش كوتاه كرد و از بعضى ديگر كوتاه نكرد فرمود:

براى او كفايت مى كندو.

ص: ٣٤٤

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَسْلَمَ قَالَ:

لَمّا أَرَادَ أَبُو جَعْفَرٍ - يَعْنِي ابْنَ الرِّضَا عليه السلام- أَنْ يُقَصِّرَ مِنْ شَعْرِهِ لِلْعُمْرَةِ أَرَادَ الْحَجّامُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ جَوَانِبِ الرَّأْسِ.

فَقَالَ لَهُ: ابْدَأْ بِالنّاصِيَةِ فَبَدَأَ بِهَا.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُتَمَتِّعٍ قَرَضَ أَظْفَارَهُ وَ أَخَذَ مِنْ شَعْرِ رَأْسِهِ بِمِشْقَصٍ قال:

لا بَأْسَ لَيْسَ كُل أَحَدٍ يَجدُ جَلَماً.

٥- حسين بن اسلم گويد هنگامى كه امام جواد عليه السلام خواست كه از مويش كوتاه كند حجام را خواست تا از دور سرش بچيند و به او فرمود: از پيشانى شروع كن.

حجام نيز از پيشانى شروع كرد.

٦- معاوية بن عمار گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم كسى كه عمره تمتع انجام مى دهد، مى تواند ناخن هايش را بچيند و از موى سرش با پيكان پهن مى زند؟

فرمود: ايرادى ندارد هر كس نمى تواند وسيله چيدن پيدا كند.

ص: ٣٤٥

بخش صدو چهل و هفتم

اشاره

(١٤٧)

بَابُ الْمُتَمَتِّعِ يَنْسَى أَنْ يُقَصِّرَ حَتّى يُهِلَّ بِالْحَجِّ أَوْ يَحْلِقَ رَأْسَهُ أَوْ يَقَعَ أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يُقَصِّرَ.

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْن مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ مُتَمَتِّعَ نَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ حَتّى أَحْرَمَ بِالْحَجِّ.

قَالَ: يَسْتَغْفِرُ اللّهَ.

٢- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَهَلّ بِالْعُمْرَةِ وَ نَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ حَتّى دَخَلَ فِي الْحَجِّ.

قَالَ: يَسْتَغْفِرُ اللهَ وَ لا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ تَمّتْ عُمْرَتُهُ.

حکم کسی که عمره تمتع انجام می دهد و فراموش می کند که تقصیر نماید تا به حج احرام می بندد یا پیش از تقصیر سرش می تراشد یا با همسرش نزدیکی می نماید

١- عبدالله بن سنان گوید امام صادق علیه السلام درباره مردی که عمره متمتع انجام می دهد و فراموش می کند که تقصیر نماید تا به حج می بندد فرمود:

از خدا طلب آمرزش می کند.

٢- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که از احرام عمره تمتع خارج شد و فراموش کرد که تقصیر کند تا وارد عمل حج شد.

فرمود: از خدا طلب آمرزش می خواهد و چیزی بر عهده او نیست و عمره او کامل شده است.

٣- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَدَخَلَ مَكَّةَ وَ طَافَ وَسَعَى وَ لَبِسَ ثِيَابَهُ وَ أَحَلَّ وَ نَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ حَتَّى خَرَجَ إِلَى عَرَفَاتٍ.

قَالَ: لا بَأْسَ بِهِ يَبْنِي عَلَى الْعُمْرَةِ وَ طَوَافِهَا وَ طَوَافُ الْحَجِّ عَلَى أَثَرِهِ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ طَافَ بِالْبَيْتِ ثُمَّ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَدْ تَمَتَّعَ ثُمَّ عَجَّلَ فَقَبَّلَ امْرَأَتَهُ قَبْلَ أَنْ يُقَصِّرَ مِنْ رَأْسِهِ.

فَقَالَ: عَلَيْهِ دَمٌ يُهَرِيقُهُ، وَإِنْ جَامَعَ فَعَلَيْهِ جَزُورٌ أَوْ بَقَرَةٌ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ مُتَمَتِّعٍ وَقَعَ عَلَى امْرَأَتِهِ وَ لَمْ يُقَصِّرْ.

٣- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کسی که برای انجام عمره تمتع وارد مکه شد طواف و سعی نمود و لباس های خود را پوشید و فراموش کرد که تقصیر کند تا این که به عرفات رفت (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد بنا را بر عمره می گذارد و طواف آن را انجام می دهد آن گاه به طواف حج می پردازد.

٤- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که کعبه را طواف نمود و آن گاه سعی بین صفا و مروه را انجام داد که عمره تمتع را به جا آورده و پیش از تقصیر تعجیل نموده زنش را بوسید (چه حکمی دارد؟).

فرمود: بر او لازم است که قربانی بنماید و اگر با زنش همبستر شده بایستی یک شتر یا گاو قربانی کند.

٥- معاوية بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی به عمره تمتع احرام بسته پیش از تقصیر با زنش همبستر شده است (چه حکمی دارد؟).

ص: ٣٤٧

فَقَالَ: يَنْحَرُ جَزُوراً وَ قَدْ خِفْتُ أَنْ يَكُونَ قَدْ ثُلِمَ حَجّهُ إِنْ كَانَ عَالِماً، وَإِنْ كَانَ جَاهِلا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيٌّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنّي لَمّا قَضَيْتُ نُسُكِي لِلْعُمْرَةِ أَتَيْتُ أَهْلِي وَ لَمْ أُقصر.

قَالَ: عَلَيْكَ بَدَنَةٌ!

قَالَ: قُلْتُ: إِنّي لَمّا أَرَدْتُ ذَلِكَ مِنْهَا وَ لَمْ تَكُنْ قَصّرَتِ امْتَنَعَتْ، فَلَمّا غَلَبْتُهَا قَرَضَتْ بَعْضَ شَعْرِهَا بِأَسْنَانِهَا.

فَقَالَ: رَحِمَهَا اللّهُ كَانَتْ أَفْقَهَ مِنْكَ، عَلَيْكَ بَدَنَةٌ وَ لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ.

٧- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُتَمَتّعٍ حَلَقَ رَأْسَهُ بِمَكّةَ.

فرمود: او بایستی یک شتر قربانی کند و بیم آن دارم که اگر از روی آگاهی بود حج او باطل شود و اگر آگاهی نداشت هیچ ایرادی بر او نیست.

٦- حلبی گوید به امام صادق علیه السلام گفتم قربانت گردم من مناسک حجم را برای عمره به جا آوردم و هنوز تقصیر ننموده نزد زنم رفتم (چه حکمی دارد؟).

فرمود: بایستی یک شتر قربانی کنی.

گوید: گفتم وقتی از زنم درخواست نمودم چون تقصیر نکرده بود، امتناع ورزید هنگامی که بر او چیره شدم با دندان هایش مقداری از مویش را برید؟

فرمود: خدا او را رحمت کند او از تو فقیه تر و فهمیده تر بود تو بایستی یک شتر قربانی کنی و چیزی بر عهده او نیست.

٧- جمیل بن دراج گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که به عمره تمتع احرام بسته در مکه سر خود را تراشید (چه حکمی دارد؟).

ص: ٣٤٨

قَالَ: إِنْ كَانَ جَاهِلاً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ إِنْ تَعَمّدَ ذَلِكَ فِي أَوّلِ أَشْهُرِ الْحَجّ بِثَلَاثِينَ يَوْماً مِنْهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَإِنْ تَعَمّدَ بَعْدَ الثّلَاثِينَ الّتِي يُوَفّرُ فِيهَا الشّعْرُ لِلْحَجّ فَإِنّ عَلَيْهِ دَماً يُهَرِيقُهُ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى فَإِذَا كَانَ يَوْمُ النّحْرِ أَمَرّ الْمُوسَى عَلَى رَأْسِهِ.

٨- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيّ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

يَنبَغِي لِلْمُتَمَعِ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ إِذَا أَحَلّ أَنْ لَا يَلْبَسَ قَمِيصاً وَ لْيَتَشَبّهُ بِالْمُحْرِمِينَ.

بخش صدو چهل هشتم

اشاره

(۱٤۸)

بَابُ الْمُتَمَتِّعِ تَعْرِضُ لَهُ الْحَاجَةُ خَارِجَا مِنْ مَكَّةَ بَعْدَ إِحْلَالِهِ.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

فرمود: اگر از مسأله ناآگاه بود چیزی بر عهده او نیست و اگر از روی عمد انجام داده پیش از سی روز از ماه های حج چیزی بر او نیست و اگر بعد از سی روزی که باید در آن موهایش را بلند کند از روی عمد موهایش را تراشید بر او قربانی لازم است.

در روایت دیگری آمده است اگر در روز قربانی بود با تیغ سرش را بتراشد.

۸- عده ای از راویان گویند امام صادق علیه السلام فرمود: برای کسی که عمره تمتع انجام می دهد شایسته است که موهایش را کوتاه کند، پیراهن نپوشد تا شبیه محرم ها باشد.

حکم کسی که به عمره تمتع احرام بسته پس از احرام با پیشامدی از مکه بیرون می رود

۱- حمّاد بن عیسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۳٤۹

مَنْ دَخَلَ مَكّةَ مُتَمَتِّعًا فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَنْ يَخْرُجَ حَتّى يَقْضِيَ الْحَجَّ فَإِنْ عَرَضَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى عُسْفَانَ أَوْ إِلَى الطّائِفِ أَوْ إِلَى ذَاتِ عِرْقٍ خَرَجَ مُحْرِماً وَدَخَلَ مُلَبِّياً بِالْحَجِّ فَلَا يَزَالُ عَلَى إِحْرَامِهِ، فَإِنْ رَجَعَ إِلَى مَكّةَ رَجَعَ مُحْرِماً وَ لَمْ يَقْرَبِ الْبَيْتَ حَتّى يَخْرُجَ مَعَ النّاسِ إِلَى مِنًى عَلَى إِحْرَامِهِ، وَ إِنْ شَاءَ كَانَ وَجْهُهُ ذَلِكَ إِلَى مِنًى.

قُلْتُ: فَإِنْ جَهِلَ وَ خَرَجَ إِلَى الْمَدِينَةِ أَوْ إِلَى نَحْوِهَا بِغَيْرِ إِحْرَامٍ ثُمَّ رَجَعَ فِي إِبَّانِ الْحَجِّ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ يُرِيدُ الْحَجَّ أَ يَدْخُلُهَا مُحْرِماً أَوْ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ.

فَقَالَ: إِنْ رَجَعَ فِي شَهْرِهِ دَخَلَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ وَ إِنْ دَخَلَ فِي غَيْرِ الشَّهْرِ دَخَلَ مُحْرِماً.

قُلْتُ: فَأَيُّ الْإِحْرَامَيْنِ وَ الْمُتْعَتَيْنِ: مُتْعَةِ الْأُولَى أَوِ الْأَخِيرَةِ؟

قَالَ: الْأَخِيرَةُ وَهِيَ عُمْرَتُهُ وَ هِيَ الْمُحْتَبَسُ بِهَا الَّتِي وُصِلَتْ بِحَجِّهِ.

قُلْتُ: فَمَا فَرْقُ بَيْنَ الْمُفْرَدَةِ وَ بَيْنَ عُمْرَةِ الْمُتْعَةِ إِذَا دَخَلَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ؟

هرکه در ماه های حج با عمره تمتّع وارد مکه شد نباید از آن جا بیرون رود تا حج را به جا آورد و اگر برای او کاری در عسفان یا طائف یا ذات عرق پیش آمد و با احرام بیرون رفته او با لبیک گفتن وارد مکه می شود پیوسته بر احرام خود باشد پس اگر به مکه بر می گردد باید محرم باشد و کنار کعبه نمی رود تا با حاجیان با احرام به منا برود و اگر خواست موقع برگشتن به منا می رود و وارد مکه نمی شود.

گفتم اگر از مسأله آگاه نبود و بدون احرام به مدینه یا شهر دیگری رفت، آن گاه در ایام حج و در ماه های آن با اراده حج کرد آیا با احرام وارد شود و یا بدون آن؟

فرمود: اگر در همان ماه بر می گردد بدون احرام بر می گردد و اگر در غیر آن ماه شد محرم وارد می شود.

گفتم: کدام دو احرام و کدام دو عمره عمره تمتع یا عمره مفرده؟

فرمود: آخرین احرام که عمره اوست که به آن نگهداشته شده که به حج او وصل شود.

گفتم: فرق بین عمره مفرده یا عمره تمتع چیست؟ هرگاه در ماه های حج وارد شود؟

قَالَ: أَحْرَمَ بِالْعُمْرَةِ وَ هُوَ يَنْوِي الْعُمْرَةَ، ثُمّ أَحَلّ مِنْهَا وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ دَمٌ وَ لَمْ يَكُنْ مُحْتَبِساً بِهَا، لِأَنّهُ لا يَكُونُ يَنْوِي الْحَجّ.

۲- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْمُتَمَتّعِ يَجِيءُ فَيَقْضِي مُتْعَتَهُ ثُمّ تَبْدُو لَهُ الْحَاجَةُ فَيَخْرُجُ إِلَى الْمَدِينَةِ أَوْ إِلَى ذَاتِ عِرْقٍ أَوْ إِلَى بَعْضِ الْمَعَادِنِ.

قَالَ يَرْجِعُ إِلَى مَكّةَ بِعُمْرَةٍ إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ الشّهْرِ الّذِي يَتَمَتّعُ فِيهِ، لِأَنّ لِكُلّ شَهْرٍ عُمْرَةً وَ هُوَ مُرْتَهَنٌ بِالْحَجّ.

قُلْتُ: فَإِنْ دَخَلَ فِي الشّهْرِ الّذِي خَرَجَ فِيهِ.

قَالَ: كَانَ أَبِي مُجَاوِراً هَاهُنَا فَخَرَجَ مُتَلَقّياً بَعْضَ هَؤُلَاءِ فَلَمّا رَجَعَ بَلَغَ ذَاتَ عِرْقٍ أَحْرَمَ مِنْ ذَاتِ عِرْقٍ بِالْحَجّ وَ دَخَلَ وَ هُوَ مُحْرِم بِالْحَجّ .

فرمود: او با نیت محرم به عمره ای شده سپس از احرام بیرون آمد درحالی که بر او قربانی نیست و چیزی او نگاه نداشته است، چون قصد حج ننموده بود.

۲- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم کسی که با عمره تمتع مکه می آید و آن را به پایان می رساند سپس بر او کاری پیش می آید و به مدینه یا ذات عرق یا به بعضی از معادن می رود (چه حکمی دارد؟).

فرمود: اگر در غیر آن ماه باشد به عمره به مکه بر می گردد؛ زیرا برای هر ماه عمره ای است و آن در گرو به حج است.

گفتم: اگر در آن ماه که بیرون رفته برگردد چه؟

فرمود: پدر بزرگوارم علیه السلام همین جا مجاور ،بود روزی برای ملاقات یکی از آنان (ظالمان بنی عباس) از این شهر خارج شد و چون برگشت و به ذات عرق رسید و از همان جا محرم حج شد و وارد شد.

ص: ۳۵۱

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الرّجُلِ يَتَمَتّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ يُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الطّائِفِ.

قَالَ: يُهِلُ بِالْحَجِّ مِنْ مَكّةَ وَ مَا أُحِبُّ لَهُ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا إِلّا مُحْرِماً وَ لَا يَتَجَاوَزُ الطّائِفَ إِنّهَا قَرِيبَةٌ مِنْ مَكّةَ.

٤- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فِي رَجُلٍ قَضَى مُتْعَتَهُ ثُمّ عَرَضَتْ لَهُ حَاجَةٌ أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَيْهَا.

قَالَ: فَقَالَ: فَلْيَغْتَسِلْ لِلْإِحْرَامِ وَلْيُهِلّ بِالْحَجِّ وَ لْيَمْضِ فِي حَاجَتِهِ، وَ إِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الرّجُوعِ إِلَى مَكّةَ مَضَى إِلَى عَرَفَاتٍ.

٥- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمّدٍ عَمّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانٍ عَمّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

۳- حلبی گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که یک حج تمتع انجام می دهد و می خواهد به طائف برود (چه حکمی دارد؟).

فرمود: برای انجام حج احرام می بندد و از مکه تلبیه می گوید، دوست نمی دارم که از آن جا بیرون رود مگر محرم باشد و از طائف نگذرد، زیرا آن نزدیک مکه است.

٤- حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که عمره تمتّع خود را به پایان رسانید سپس کاری بر او پیش آمد که خواست به جای دیگری برود، فرمود:

برای احرام غسل می کند و محرم به حج می شود و لبیک می گوید و در پی کار خود می رود و اگر نتوانست به مکه برگردد به عرفات می رود.

٥- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

الْمُتَمَتِّعُ هُوَ مُحْتَبِسٌ لا يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ حَتّى يَخْرُجَ إِلَى الْحَجِّ إِلّا أَنْ يَأْبِقَ غُلَامُهُ أَوْ تَضِلَّ رَاحِلَتُهُ فَيَخْرُجَ مُحْرِماً وَ لا يُجَاوِزُ إِلّا عَلَى قَدْرِ مَا لَا تَفُوتُهُ عَرَفَةُ.

بخش صدو چهل و نهم

اشاره

(١٤٩)

بَابُ الْوَقْتِ الَّذِي يَفُوتُ فِيهِ الْمُتْعَةُ.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ مُرَازِمٍ وَ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

عَنِ الرَّجُلِ الْمُتَمَتِّعِ يَدْخُلُ لَيْلَةَ عَرَفَةَ فَيَطُوفُ وَ يَسْعَى ثُمَّ يَحِلُّ ثُمَّ يُحْرِمُ وَ يَأْتِي مِنًى.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ:

کسی که عمره تمتع انجام داد نمی تواند از مکه بیرون رود تا این برای انجام حج خارج شود، مگر این که غلام او فرار کند یا شتر سواری او کم گردد، در این صورت با احرام بیرون می رود و بیش تر از عرفه خارج نمی شود.

حکم کسی که حج تمتع او فوت شود

۱- هشام بن سالم مرازم و شعیب گویند امام صادق علیه السلام در مورد کسی که به عمره تمتع محرم شده و در شب عرفه وارد مکه می شود سپس طواف و سعی را انجام می دهد و از احرام بیرون می آید دوباره محرم شده و به منا می رود فرمود:

ایرادی ندارد.

۲- محمد بن میمون گوید: -

ص: ۳۵۳

قَدِمَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام مُتَمَتِّعاً لَيْلَةَ عَرَفَةَ فَطَافَ وَ أَحَلَّ وَ أَتَى بَعْضَ جَوَارِيهِ ثُمَّ أَهَلَّ بِالْحَجِّ وَ خَرَجَ.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا:

أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمُتْعَةِ مَتَى تَكُونُ؟

قَالَ: يَتَمَتَّعُ مَا ظَنَّ أَنَّهُ يُدْرِكُ النَّاسَ بِمِنًى.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ الْمِيثَمِي قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام يَقُولُ:

لا بَأْسَ لِلْمُتَمَتِّعِ إِنْ لَمْ يُحْرِمْ مِنْ لَيْلَةِ التَّرْوِيَةِ مَتَى مَا تَيَسَّرَ لَهُ مَا لَمْ يَخَفْ فَوْتَ الْمَوْقِفَيْنِ.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ رَفَعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فِي مُتَمَتِّعٍ دَخَلَ يَوْمَ عَرَفَةَ.

فَقَالَ: مُتْعَتُهُ تَامّةٌ إِلَى أَنْ تُقْطَعَ التَّلْبِيَةُ.

امام کاظم علیه السلام در شب عرفه محرم به عمره تمتع شد آن گاه به مکه آمد طواف نمود و از احرام بیرون آمد و نزدم کنیزانش رفت، سپس محرم شد و بیرون رفت.

۳- یکی از اصحاب ما گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: حج تمتع را کی می توان انجام داد؟

فرمود: کسی که گمان کند مردم را در منا در می یابد.

٤- یعقوب بن شعیب میثمی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: ایرادی برای کسی که حج تمتع انجام می دهد نیست که در شب ترویه محرم به حج شود هر وقت که به او امکان شده باشد مادامی که از رسیدن به وقوف عرفه و مشعر بیم نداشته باشد.

٥- سهل بن زیاد در روایت مرفوعه ای گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که حج تمتع انجام می دهد و در روز عرفه وارد مکه می شود فرمود: حج تمتع او کامل می شود تا آن که تلبیه را قطع کند.

بخش صدو پنجاهم

اشاره

(۱۵۰)

بَابُ إِحْرَامِ الْحَائِضِ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحَائِضِ تُرِيدُ الْإِحْرَامَ.

قَالَ: تَغْتَسِلُ وَ تَسْتَغْفِرُ وَ تَحْتَشِي بِالْكُرْسُفِ وَ تَلْبَسُ ثَوْباً دُونَ ثِيَابِ إِحْرَامِهَا وَتَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ، وَ لا تَدْخُلُ الْمَسْجِدَ وَ تُهِلُ بِالْحَجِّ بِغَيْرِ صَلَاةٍ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانٍ الْكَلْبِيِّ قَالَ:

ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمُسْتَحَاضَةَ فَذَكَرَ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ.

احرام زن حائض و مستحاضه

۱- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم زن حائض می تواند محرم شود؟

فرمود: غسل نماید و بر خود پنبه گذارد و آن را با پارچه ای ببندد و لباسی غیر از لباس احرام می پوشد و رو به قبله می شود ولی داخل مسجد الحرام نمی شود و لبیک حج می گوید بدون آن که نماز احرام را بخواند.

۲- عمر بن ابان کلبی گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: زن مستحاضه چگونه اعمال حج را انجام می دهد؟

آن حضرت اسماء بنت عمیس را به یاد آورد و فرمود:

ص: ۳۵۵

فَقَالَ: إِنّ أَسْمَاءَ وَلَدَتْ مُحَمّدَ بْنَ أَبِي بَكْرٍ بِالْبَيْدَاءِ، وَكَانَ فِي وِلَادَتِهَا الْبَرَكَةُ لِلنّسَاءِ لِمَنْ وَلَدَتْ مِنْهُنّ أَوْ طَمِثَتْ، فَأَمَرَهَا رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم فَاسْتَشْفَرَتْ وَ تَنَطَقَتْ بِمِنْطَقَةٍ وَأَحْرَمَتْ.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: الْمَرْأَةُ الْحَائِضُ تُحْرِمُ وَ هِيَ لَا تُصَلّي؟

قَالَ: نَعَمْ إِذَا بَلَغَتِ الْوَقْتَ فَلْتُحْرِمْ.

٤- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطّابِ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَم عَنْ مُحَمّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ زَيْدِ الشّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سُئِلَ عَنِ امْرَأَةٍ حَاضَتْ وَ هِيَ تُرِيدُ الْإِحْرَامَ فَتَطْمَتُ.

قَالَ: تَغْتَسِلُ وَ تَحْتَشِي بِكُرْسُفٍ وَ تَلْبَسُ ثِيَابَ الْإِحْرَامِ وَ تُحْرِمُ، فَإِذَا كَانَ اللّيْلُ خَلَعَتْهَا وَ لَبِسَتْ ثِيَابَهَا الْأُخَرَ حَتّى تَطْهُرَ.

اسماء در بیداء محمد بن ابی بکر را زایید و زایمان او برای زنان زائو و یا حائض برکت شد، چرا که رسول خدا صلی الله علیه وسلم دستور فرمود که پنبه استمال نموده و آن را با پارچه ای بسته و محرم شود.

۳- منصور بن حازم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا حائض می تواند محرم شود درحالی که نماز نمی خواند؟

:فرمود: آری هر گاه به میقات رسید باید محرم شود.

٤- زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد زنی که حائض شده درحالی که محرم است مستحاضه شد (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: غسل می کند و بر خود پنبه می گذارد و لباس احرام می پوشد و محرم می شود، چون شب فرا رسید آن لباس ها را کنده لباس های دیگری را می پوشد تا پاک شود.

ص: ٣٥٦

بخش صدو پنجاه و یکم

اشاره

(١٥١)

بَابُ مَا يَجِبُ عَلَى الْحَائِضِ فِي أَدَاءِ الْمَنَاسِكِ.

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِي عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ صَبِيحٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ وَ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَالِحٍ كُلُّهُمْ يَرْوُونَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

الْمَرْأَةُ الْمُتَمَتِّعَةُ إِذَا قَدِمَتْ مَكَّةَ ثُمَّ حَاضَتْ تُقِيمُ مَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ التَّرْوِيَةِ، فَإِنْ طَهُرَتْ طَافَتْ بِالْبَيْتِ وَ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، وَإِنْ لَمْ تَطْهُرْ إِلَى يَوْمِ التَّرْوِيَةِ اغْتَسَلَتْ وَ احْتَشَتْ ثُمَّ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمَّ خَرَجَتْ إِلَى مِنًى، فَإِذَا قَضَتِ الْمَنَاسِكَ وَ زَارَتِ الْبَيْتَ طَافَتْ بِالْبَيْتِ طَوَافاً لِعُمْرَتِهَا ثُمَّ طَافَتْ طَوَافاً لِلْحَجِّ ثُمَّ خَرَجَتْ فَسَعَتْ، فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ فَقَدْ أَحَلَّتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُحِلُّ مِنْهُ الْمُحْرِمُ إِلَّا فِرَاشَ زَوْجِهَا، فَإِذَا طَافَتْ أُسْبُوعاً آخَرَ حَلَّ لَهَا فِرَاشُ زَوْجِهَا.

آن چه بر حائض از ادای مناسک واجب است

۱- علاء بن صبیح عبدالرحمان بن حجاج علی بن رئاب و عبدالله بن صالح گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

زنی که که حج تمتع انجام می دهد وقتی به مکه رسید سپس حائض شد بایستی تا روز هشتم ذی حجه درنگ نماید. پس اگر پاک شد طواف بیت و سعی صفا و مروه می کند و اگر تا روز هشتم پاک نشد غسل نموده و بر خود پنبه می گذارد سپس سعی صفا و مروه نموده به منا می رود. وقتی مناسک حج تمام شد و کعبه را زیارت کرد و برای عمره تمتع خود کعبه را طواف می کند بعد از آن طواف دیگری جهت حج انجام می دهد، سپس سعی بین صفا و مروه را انجام می دهد چون آن را انجام داد در واقع از احرام بیرون می آید همانند محرم که از احرام بیرون می آید، فقط همبستر شدن با شوهرش باقی می ماند، وقتی طواف هفتگانه دیگر (طواف نساء) را نمود پس بستر شوهرش بر او حلال می شود.

ص: ۳۵۷

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ دُرُسْتَ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَجْلَانَ أَبِي صَالِحٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَن امْرَأَةٍ مُتَمَتِّعَةٍ قَدِمَتْ مَكَّةَ فَرَأَتِ الدَّمَ.

قَالَ: تَطُوفُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمَّ تَجْلِسُ فِي بَيْتِهَا فَإِنْ طَهُرَتْ طَافَتْ بِالْبَيْتِ، وَإِنْ لَمْ تَطْهُرْ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ أَفَاضَتْ عَلَيْهَا الْمَاءَ وَأَهَلَّتْ بِالْحَجِّ مِنْ بَيْتِهَا وَ خَرَجَتْ إِلَى مِنًى وَ قَضَتِ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا، فَإِذَا قَدِمَتْ مَكَّةَ طَافَتْ بِالْبَيْتِ طَوَافَيْنِ ثُمَّ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ فَقَدْ حَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ مَا خَلَا

فِرَاشَ زَوْجِهَا.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ ابْنِ رِبَاطٍ عَنْ دُرُسْتَ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عَجْلَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مُتَمَتِّعَةٌ قَدِمَتْ فَرَأَتِ الدَّمَ كَيْفَ تَصْنَعُ؟

۲- عجلان ابی صالح گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زنی که برای حج تمتع به مکه آید هرگاه حائض شود چه حکمی دارد؟

فرمود: مراسم صفا و مروه را انجام می دهد و در منزل می نشیند، پس اگر پاک شد طواف بیت می کند و اگر پاک نشد پس چون روز هشتم ذی حجّه شد پس غسل نموده از منزلش محرم به حج می شود و به منا رفته و تمامی مناسک را به جا می آورد. پس چون به مکه بازگشت دو طواف بر بیت می کند سپس سعی بین صفا و مروه را انجام می دهد. پس چون چنین کرد - جز همبستری با شوهرش - همه چیز بر او حلال می گردد.

۳- نظیر همین روایت را عجلان از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

ص: ۳۵۸

قَالَ: تَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ تَجْلِسُ فِي بَيْتِهَا فَإِنْ طَهُرَتْ طَافَتْ بِالْبَيْتِ إِنْ لَمْ تَطْهُرْ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ أَفَاضَتْ عَلَيْهَا الْمَاءَ وَ أَهَلَّتْ بِالْحَجِّ وَ خَرَجَتْ إِلَى مِنًى فَقَضَتِ الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا، فَإِذَا فَعَلَتْ ذَلِكَ فَقَدْ حَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ مَا عَدَا فِرَاشَ زَوْجِهَا.

قَالَ: وَ كُنْتُ أَنَا وَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ سَمِعْنَا هَذَا الْحَدِيثَ فِي الْمَسْجِدِ، فَدَخَلَ عُبَيْدُ اللَّهِ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام.

فَخَرَجَ إِلَيَّ فَقَالَ: قَدْ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رِوَايَةِ عَجْلَانَ فَحَدَّثَنِي بِنَحْوِ مَا سَمِعْنَا مِنْ عَجْلَانَ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِبَاطٍ عَنْ عُبَيْدِ اللّهِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: امْرَأَةٌ مُتَمَتِّعَةٌ تَطُوفُ ثُمّ طَمِثَتْ.

قَالَ: تَسْعَى بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ تَقْضِي مُتْعَتَهَا.

راوی در ادامه گوید این حدیث را من و عبیدالله بن صالح در مسجد از حضرتش شنیدیم. آن گاه عبیدالله حضور امام کاظم علیه السلام شرفیاب شد، سپس بیرون آمد و گفت: روایت عجلان را از حضرتش پرسیدم آن حضرت مانند شنیدار ما از عجلان سخن فرمود.

٤- عبیدالله بن صالح گویدک به امام کاظم علیه السلام گفتم: زنی که حج تمتع انجام دهد پس از طواف حائض می شود (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: سعی بین صفا و مروه نموده و عمره تمتع خود را تمام می کند.

ص: ٣٥٩

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَن ابْنِ أَبِى نَجْرَانَ عَنْ مُثَنّى الْحَنّاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي الْمَرْأَةِ الْمُتَمَتِّعَةِ:

إِذَا أَحْرَمَتْ وَ هِيَ طَاهِرٌ ثُمّ حَاضَتْ قَبْلَ أَنْ تَقْضِيَ مُتْعَتَهَا سَعَتْ وَ لَمْ تَطْفْ حَتّى تَطْهُرَ ثُمّ تَقْضِي طَوَافَهَا وَ قَدْ قَضَتْ عُمْرَتَهَا، وَإِنْ هِيَ أَحْرَمَتْ وَ هِيَ حَائِضٌ لَمْ تَسْعَ وَ لَمْ تَطُفْ حَتّى تَطْهُرَ.

٦- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ عَجْلَانَ أَبِي صَالِحٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِذَا اعْتَمَرَتِ الْمَرْأَةُ ثُمّ اعْتَلّتْ قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ قَدّمَتِ السّعْيَ وَ شَهِدَتِ الْمَنَاسِكَ، فَإِذَا طَهُرَتْ وَ انْصَرَفَتْ مِنَ الْحَجّ قَضَتْ طَوَافَ الْعُمْرَةِ وَ طَوَافَ الْحَجّ وَ طَوَافَ النّسَاءِ ثُمّ أَحَلّتْ مِنْ كُلّ شَيْءٍ.

٧- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ رَجُلٍ أَنّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام يَقُولُ:

٥- ابوبصير گويد از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى فرمود:

زنى كه حج تمتع انجام مى دهد در موقع محرم شدن پاک بوده پس حائض مى شود پيش از آن كه عمره تمتّع خود را تمام كند سعى نمايد و طواف نمى كند تا پاک شود، سپس طوافش را قضاء مى نمايد در واقع عمره خود را انجام داده است و اگر در حال احرام حائض بوده پس سعى و طواف نمى كند تا پاک گردد.

٦- عجلان ابى صالح گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى فرمود: زنى كه عمره تمتع انجام مى دهد وقتى پيش از انجام طواف حائض شد بايستى اول سعى بين صفا و مروه كند و غسل نموده و بر خود پنبه مى گذارد سپس سعى صفا و مروه نموده به منا مى رود مناسک ديگر را انجام دهد. پس هرگاه پاک شد و اعمال حج پايان يافت، طواف عمره، طواف حج و طواف نسا را قضا نمايد آن گاه از احرام بيرون مى آيد و همه چيز بر او حلال مى شود.

٧- راوى گويد: -

ص: ٣٦٠

وَ سُئِلَ عَنِ امْرَأَةٍ مُتَمَتّعَةٍ طَمِثَتْ قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ فَخَرَجَتْ مَعَ النّاسِ إِلَى مِنًى.

فَقَالَ: أَ وَ لَيْسَ هِيَ عَلَى عُمْرَتِهَا وَ حَجّتِهَا؟ فَلْتَطُفْ طَوَافاً لِلْعُمْرَةِ وَطَوَافاً لِلْحَجّ.

٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الْمَرْأَةُ تَجِيءُ مُتَمَتِّعَةً فَطَمِثَتْ قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ بِالْبَيْتِ فَيَكُونُ طُهْرُهَا يَوْمَ عَرَفَةَ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ تَعْلَمُ أَنَّهَا تَطْهُرُ وَتَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ تَحِلُّ مِنْ إِحْرَامِهَا وَ تَلْحَقُ بِالنَّاسِ فَلْتَفْعَلْ.

٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

از امام صادق علیه السلام سؤال شد زنی که حج تمتع می کند پیش از طواف حیض دید و با مردم به منا رفت (چه حکمی دارد؟).

فرمود: آیا عمره و حج او باقی نیست؟ پس طوافی برای عمره و طوافی برای حج انجام دهد.

٨- ابو بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم زنی که برای حج تمتع می آید پیش از طواف بیت حائض می شود و روز عرفه پاک می شود (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: اگر بداند که پاک شده، کعبه را طواف نماید و از احرام بیرون آید و به مردم ملحق می شود، پس چنین نماید.

٩- معاویة بن عمار گوید: -

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ امْرَأَةٍ طَافَتْ بِالْبَيْتِ ثُمَّ حَاضَتْ قَبْلَ أَنْ تَسْعَى.

قَالَ: تَسْعَى.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ سَعَتْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَحَاضَتْ بَيْنَهُمَا.

قَالَ: تُتِم سَعْيَهَا.

١٠- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُثَنّى الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي الْمَرْأَةِ الْمُتَمَتِّعَةِ إِذَا أَحْرَمَتْ وَهِيَ طَاهِرٌ ثُمَّ حَاضَتْ قَبْلَ أَنْ تَقْضِيَ مُنْعَتَهَا.

سَعَتْ وَ لَمْ تَطُفْ حَتّى تَطْهُرَ ثُمَّ تَقْضِي طَوَافَهَا وَ قَدْ تَمَّتْ مُتْعَتُهَا وَإِنْ هِيَ أَحْرَمَتْ وَ هِيَ حَائِضٌ لَمْ تَسْعَ وَ لَمْ تَطُفْ حَتّى تَطْهُرَ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: زنی که طواف بیت نمود آن گاه پیش از انجام سعی حائض شد (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: سعی بین صفا و مروه را انجام دهد.

از حضرتش پرسیدم: زنی که بین صفا و مروه حائض شد چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: سعی خود را تمام می کند.

١٠- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

زنی که عمره تمتع انجام می دهد در موقع احرام پاک بوده، سپس پیش از به جا آوردن باقی عمره تمتع حائض شد باید سعی بین صفا و مروه کند و طواف انجام نمی دهد تا پاک شود، سپس طوافش را قضا می کند و عمره تمتّع او کامل می شود و اگر در حال احرام حائض باشد سعی و طواف نمی کند تا پاک گردد.

بخش صدو پنجاه و دوم

اشاره

(۱۵۲)

بَابُ الْمَرْأَةِ تَحِيضُ بَعْدَ مَا دَخَلَتْ فِي الطَّوَافِ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِي قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ امْرَأَةٍ طَافَتْ بِالْبَيْتِ فِي حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ ثُمَّ حَاضَتْ قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ.

قَالَ: إِذَا طَهُرَتْ فَلْتُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ قَدْ قَضَتْ طَوَافَهَا.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَ هِيَ فِي الطَّوَافِ بِالْبَيْتِ أَوْ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَجَازَتِ النِّصْفَ فَعَلَّمَتْ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ.

حکم زنی که در حین طواف حائض شود

۱- ابو صباح کنانی گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم زنی در حج و عمره طواف بیت را انجام داد، سپس پیش از خواندن دو رکعت نماز طواف حائض شد چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: هرگاه پاک شد نزد مقام ابراهیم علیه السلام دو رکعت نماز می خواند که طوافش انجام یافته است.

۲- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه زن به هنگام انجام طواف یا سعی بین صفا و مروه حائض شد و عملش از نیمی بگذرد در آن مکان نشانه می گذارد.

ص: ۳۶۳

فَإِذَا طَهُرَتْ رَجَعَتْ فَأَتَمّتْ بَقِيّةً طَوَافِهَا مِنَ الْمَوْضِعِ الّذِي عَلّمَتْهُ، فَإِنْ هِيَ قَطَعَتْ طَوَافَهَا فِي أَقَلّ مِنَ النّصْفِ فَعَلَيْهَا أَنْ تَسْتَأْنِفَ الطّوَافَ مِنْ أَوّلِهِ.

۳- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَمّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلّالِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ طَافَتْ خَمْسَةَ أَشْوَاطٍ ثُمّ اعْتَلّتْ.

قَالَ: إِذَا حَاضَتِ الْمَرْأَةُ وَ هِيَ فِي الطّوَافِ بِالْبَيْتِ أَوْ بِالصّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ جَاوَزَتِ النّصْفَ عَلّمَتْ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ الّذِي بَلَغَتْ، فَإِذَا هِيَ قَطَعَتْ طَوَافَهَا فِي أَقَلّ مِنَ النّصْفِ فَعَلَيْهَا أَنْ تَسْتَأْنِفَ الطّوَافَ مِنْ أَوّلِهِ.

٤- أَبُو عَلِيّ الْأَشْعَرِيّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بَيّاعِ اللّؤْلُؤِ قَالَ: أَخْبَرَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ:

الْمَرْأَةُ الْمُتَمَتّعَةُ إِذَا طَافَتْ بِالْبَيْتِ أَرْبَعَةَ أَشْوَاطٍ ثُمّ رَأَتِ الدّمَ فَمُتْعَتُهَا تَامّةٌ.

وقتی پاک شد به آن مکان بر می گردد بقیه طواف را انجام می دهد و اگر از نصف کمتر باشد آن را قطع نمود و از اول شروع می کند.

۳- نظیر این روایت را احمد بن عمر حلال از امام کاظم علیه السلام را نقل می کند.

٤- اسحاق بیاع لؤلوء گوید: یکی از راویانی از امام صادق علیه السلام شنیده بود به من گفت: آن حضرت فرمود:

زنی که عمره تمتع انجام می دهد هرگاه چهار شوط طواف نمود، سپس حائض شد عمره تمتع او کامل است.

ص: ٣٦٤

بخش صدو پنجاه و سوم

اشاره

(١٥٣)

بَابُ أَنَّ الْمُسْتَحَاضَةَ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام:

أَنَّ أَسْمَاءَ بِنْتَ عُمَيْسٍ نُفِسَتْ بِمُحَمّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ فَأَمَرَهَا رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم حِينَ أَرَادَتِ الْإِحْرَامَ مِنْ ذِي الْحُلَيْفَةِ أَنْ تَحْتَشِيَ بِالْكُرْسُفِ وَ الْخِرَقِ وَ تُهِلّ بِالْحَجّ، فَلَمّا قَدِمُوا مَكّةَ وَ قَدْ نَسَكُوا الْمَنَاسِكَ وَ قَدْ أَتَى لَهَا ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْماً، فَأَمَرَهَا رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم أَنْ تَطُوفَ بِالْبَيْتِ وَ تُصَلِّيَ وَ لَمْ يَنْقَطِعْ عَنْهَا الدّمُ فَفَعَلَتْ ذَلِكَ.

٢- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَمّنْ حَدّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

الْمُسْتَحَاضَةُ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ تُصَلِّي وَ لا تَدْخُلُ الْكَعْبَةَ.

زن مستحاضه می تواند بیت را طواف نماید

۱- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

آن گاه که اسماء بیت عمیس محمد بن ابی بکر را زایید در هنگام احرام از مسجد شجره رسول خدا صلی الله علیه وسلم به او دستور فرمود که خود را با پنبه و پارچه بپوشاند و محرم به حج شود و چون به مکه رسید، مردم مناسک را انجام داده بودند و هیجده روز از زایمان او گذشته بود پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم دستور داد که بیت را طواف نماید و نماز بخواند درحالی که هنوز خون او قطع نشده بود. پس او نیز چنین کرد.

۲- راوی گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

زن مستحاضه می تواند طواف نماید و نماز بخواند ولی داخل کعبه نمی شود.

ص: ۳۶۵

بخش صدو پنجاه و چهارم

اشاره

(۱۵٤)

بَابٌ نَادِرٌ.

۱- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ جَارِيَةٍ لَمْ تَحِضْ خَرَجَتْ مَعَ زَوْجِهَا وَ أَهْلِهَا فَحَاضَتْ فَاسْتَحْيَتْ أَنْ تُعْلِمَ أَهْلَهَا وَ زَوْجَهَا حَتَّى قَضَتِ الْمَنَاسِكَ وَ هِيَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ فَوَاقَعَهَا زَوْجُهَا ثُمَّ رَجَعَتْ إِلَى الْكُوفَةِ.

فَقَالَتْ لِأَهْلِهَا: كَانَ مِنَ الْأَمْرِ كَذَا وَكَذَا.

قَالَ: عَلَيْهَا سَوْقُ بَدَنَةٍ وَ عَلَيْهَا الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ، وَ لَيْسَ عَلَى زَوْجِهَا شَيْءٌ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

چند روایت نکته دار

۱- اسحاق بن عمّار گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: دختری که هنوز عادت ماهانه ندارد به همراه شوهر و خانواده اش به سفر حج رفته است. او در این هنگام حائض شد و شرم نمود که خانواده اش را آگاه نماید تا این مناسک حج را به جا آورد، شوهرش با او همبستر شد و به کوفه بازگشت در آن جا قصه را بر خانواده اش گفت، اکنون چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: بر عهده اوست که یک شتر فربه قربانی کند و سال آینده حج به جا آورد و چیزی بر عهده شوهرش نیست.

۲- راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: -

إِذَا طَافَتِ الْمَرْأَةُ الْحَائِضُ ثُمَّ أَرَادَتْ أَنْ تُوَدِّعَ الْبَيْتَ فَلْتَقِفْ عَلَى أَدْنَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ الْمَسْجِدِ وَ لْتُوَدِّعِ الْبَيْتَ.

۳- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

أَرْسَلْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَنَّ بَعْضَ مَنْ مَعَنَا مِنْ صَرُورَةِ النِّسَاءِ قَدِ اعْتَلَلْنَ فَكَيْفَ تَصْنَعُ؟

فَقَالَ: تَنْتَظِرُ مَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ التَّرْوِيَةِ فَإِنْ طَهُرَتْ فَلْتُهِلَّ وَ إِلَّا فَلَا تَدْخُلَنَّ عَلَيْهَا التَّرْوِيَةُ إِلَّا وَ هِيَ مُحْرِمَةٌ.

٤- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا طَافَتِ الْمَرْأَةُ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ طَافَتْ أَكْثَرَ مِنَ النِّصْفِ فَحَاضَتْ نَفَرَتْ إِنْ شَاءَتْ.

هرگاه زن حائض طواف نمود و خواست که بیت را وداع کند در نزدیک ترین درب مسجد بایستد و بیت را وداع کند.

٣- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: حضور امام صادق علیه السلام پیغام فرستادم که بعضی از همراهان ما در سفر حج بانوان هستند گاهی اینان عادت می شوند چه کار کنند؟

فرمود: از هنگام عادت تا روز هشتم درنگ می کند اگر پاک شد محرم می شود و گرنه نباید به عرفات بروند مگر با احرام.

٤- فضیل بن یسار گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

هرگاه زنی به هنگام طواف نساء که بیش از نیمی از آن را انجام داده حائض شد اگر خواست می تواند به وطنش برود.

ص: ٣٦٧

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ:

كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ لَيْلاً.

فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ امْرَأَةٌ مَعَنَا حَاضَتْ وَ لَمْ تَطُفْ طَوَافَ النِّسَاءِ.

فَقَالَ: لَقَدْ سُئِلْتُ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ الْيَوْمَ.

فَقَالَ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَنَا زَوْجُهَا وَ قَدْ أَحْبَبْتُ أَنْ أَسْمَعَ ذَلِكَ مِنْكَ. فَأَطْرَقَ كَأَنَّهُ يُنَاجِي نَفْسَهُ وَ هُوَ يَقُولُ: لا يُقِيمُ عَلَيْهَا جَمَّالُها وَ لَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَخَلَّفَ عَنْ أَصْحَابِهَا تَمْضِي وَ قَدْ تَمَّ حَجُّهَا.

بخش صدو پنجاه و پنجم

اشاره

(۱۵۵)

بَابُ عِلَاجِ الْحَائِضِ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ أَوْ غَيْرِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ قَالَ:

۵- ابو ایوب خزاز گوید: در مکه در خدمت امام صادق علیه السلام حضور داشتم که شب هنگام مردی به حضورش شرفیاب شد و گفت خداوند کارهای شما را اصلاح کند زنی همراه ماست، او هنوز طواف نساء را انجام نداده حائض شد (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: امروز این مسأله از من سؤال شد.

آن مرد گفت خدا کارهای شما را اصلاح کند من شوهر او هستم که دوست دارم از خود شما بشنوم.

حضرتش سر پایین آورد گویی با خود نجوا می کند و می فرمود: به خاطر او شتربان توقف نمی کند او نمی تواند از همراهانش عقب بماند، حج او تمام است.

معالجه زن حایض

۱- حسین بن علی بن یقطین گوید: -

حَجَجْتُ مَعَ أَبِي وَ مَعِي أُخْتٌ لِي فَلَمّا قَدِمْنَا مَكّةَ حَاضَتْ فَجَزِعَتْ جَزَعاً شَدِيداً خَوْفاً أَنْ يَفُوتَهَا الْحَجُّ.

فَقَالَ لِي أَبِي: انْتِ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام، وَ قُلْ لَهُ: إِنّ أَبِي يُقْرِئُكَ السّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ: إِنّ فَتَاةٌ لِي قَدْ حَجَجْتُ بِهَا وَ قَدْ حَاضَتْ وَ جَزِعَتْ جَزَعاً شَدِيداً مَخَافَةَ أَنْ يَفُوتَهَا الْحَجُّ فَمَا تَأْمُرُهَا.

قَالَ: فَأَتَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام وَ كَانَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَوَقَفْتُ بِحِذَاهُ فَلَمّا نَظَرَ إِلَيّ أَشَارَ إِلَيّ فَأَتَيْتُهُ.

وَ قُلْتُ لَهُ: إِنّ أَبِي يُقْرِئُكَ السّلَامَ وَ أَدّيْتُ إِلَيْهِ مَا أَمَرَنِي بِهِ أَبِي.

فَقَالَ: أَبْلِغْهُ السّلَامَ وَ قُلْ لَهُ: فَلْيَأْمُرْهَا أَنْ تَأْخُذَ قُطْنَةٌ بِمَاءِ اللّبَنِ فَلْتَسْتَدْ خِلْهَا، فَإِنّ الدّمَ سَيَنْقَطِعُ عَنْهَا وَتَقْضِى مَنَاسِكَهَا كُلّهَا.

قَالَ: فَانْصَرَفْتُ إِلَى أَبِي فَأَدّيْتُ إِلَيْهِ.

قَالَ: فَأَمَرَهَا بِذَلِكَ فَفَعَلَتْهُ فَانْقَطَعَ عَنْهَا الدّمُ وَ شَهِدَتِ الْمَنَاسِكَ كُلّهَا، فَلَمّا أَنِ ارْتَحَلَتْ مِنْ مَكّةَ بَعْدَ الْحَجّ وَ صَارَتْ فِي الْمَحْمِلِ عَادَ إِلَيْهَا الدّمُ.

با پدرم در سفر حج بوديم كه خواهرم نيز با ما بود، وقتى به مكه رسيديم خواهرم حائض شد، او از بيم اين كه حجش باطل شود بى تابى سختى مى نمود. پدرم به من گفت: خدمت امام كاظم عليه السلام شرفياب شو و به حضرتش بگو پدرم به شما سلام رسانيد و گفت: دخترم در سفر حج همراه ماست، اينک او حائض شده و بى تابى سختى مى كند از ترس اين كه حج او از بين برود چه دستور مى فرماييد.

گفت: خدمت امام کاظم علیه السلام رفتم، آن حضرت در مسجد الحرام بود، مقابلش ایستادم وقتی مرا دید اشاره فرمود من نزدش رفتم و به او گفتم پدرم به شما سلام رسانید و پیغام را رسانیدم فرمود: به او سلام برسان و بگو به دخترش بگوید که پنبه را به شیر آغشته کند و داخل رحم نماید که خون از او به زودی قطع خواهد شد و مناسکش را اتمام خواهد کرد.

گفت: نزد پدرم رفتم و پیغام حضرتش رسانیدم پدرم به خواهرم باز گفت و پس از انجام دادن خون قطع شد و تمامی مناسک خود را انجام داد هنگامی که بعد از حج از مکه رفتیم و خواهرم در کجاوه قرار گرفت حائض شد.

ص: ۳۶۹

بخش صدو پنجاه و ششم

اشاره

(۱۵۶)

بَابُ دُعَاءِ الدَّمِ.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا أَشْرَفَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى مَنَاسِكِهَا وَ هِيَ حَائِضٌ فَلْتَغْتَسِلْ وَلْتَحْتَشِ بِالْكُرْسُفِ وَلْتَقِفْ هِيَ وَنِسْوَةٌ خَلْفَهَا فَيُؤَمِّنَّ عَلَى دُعَائِهَا وَ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَوْ تَسَمَّيْتَ بِهِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُوسَى وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى عِيسَى وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی الله علیه وسلم إِلَّا أَذْهَبْتَ عَنِّي هَذَا الدَّمَ».

وَ إِذَا أَرَادَتْ أَنْ تَدْخُلَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ أَوْ مَسْجِدَ الرَّسُولِ صلى الله عليه وسلم فَعَلَتْ مِثْلَ ذَلِكَ.

قَالَ: وَ تَأْتِي مَقَامَ جَبْرَئِيلَ عليه السلام وَ هُوَ تَحْتَ الْمِيزَابِ، فَإِنَّهُ كَانَ مَكَانَهُ إِذَا اسْتَأْذَنَ عَلَى نَبِيِّ اللّهِ صلى الله عليه وسلم.

دعا برای برطرف شدن خون حیض

۱- معاوية بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه زن در حال حیض برای انجام مناسک حج اقدام نماید بایستی غسل نموده و پنبه بر خود بردارد او بایستد و زنان پشت سر او به دعایش آمین بگویند و این دعا را بخواند.

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَوْ تَسَمّيْتَ بِهِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الأَعْظم الأَعْظم وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُوسَى وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى عِيسَى وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُحَمّد صلى الله عليه وسلم إِلّا أَذْهَبْتَ عَنّي هَذَا الدّمَ».

هرگاه خواست وارد مسجد الحرام و مسجد الرسول صلى الله عليه وسلم شود، همان دعا را بخواند.

فرمود: و به مقام جبرئيل عليه السلام که زیر ناودان است بیاید، چون آن مکان او بود آن گاه که از رسول خدا صلى الله عليه وسلم اجازه می گرفت.

ص: ۳۷۰

قَالَ: فَذَلِكَ مَقَامٌ لا تَدْعُو اللّهَ فِيهِ حَائِضٌ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَ تَدْعُو بِدُعَاءِ الدّمِ إِلّا رَأَتِ الطُّهْرَ إِنْ شَاءَ اللّهُ.

۲- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَمّنْ ذَكَرَهُ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

حَاضَتْ صَاحِبَتِي وَ أَنَا بِالْمَدِينَةِ وَ كَانَ مِيعَادُ جَمَالِنَا وَ إِيّانُ مُقَامِنَا وَ خُرُوجِنَا قَبْلَ أَنْ تَطْهُرَ وَ لَمْ تَقْرَبِ المَسْجِدَ وَلا الْقَبْرَ وَ لَا الْمِنْبَرَ فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام.

فَقَالَ: مُرْهَا فَلْتَغْتَسِلْ وَلْتَأْتِ مَقَامَ جَبْرَئِيلَ، فَإِنّ جَبْرَئِيلَ كَانَ يَجِيءُ فَيَسْتَأْذِنُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ إِنْ كَانَ عَلَى حَالٍ لا يَنْبَغِي أَنْ يَأْذَنَ لَهُ قَامَ فِي مَكَانِهِ حَتّى يَخْرُجَ إِلَيْهِ وَ إِنْ أَذِنَ لَهُ دَخَلَ عَلَيْهِ.

فَقُلْتُ: وَ أَيْنَ الْمَكَانُ؟

فرمود: آن جا مقامی است که هر زن حائضی که رو به قبله باشد و خدا را به دعای خون فراخواند پاکی ببیند، ان شاء الله.

۲- عمر بن یزید گوید با همسرم در مدینه بودم که حائض شد و روز بیرون رفتن از مدینه و قرارمان با شتربان فرا رسید ولی هنوز همسرم پاک نشده بود و به مسجد، قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم و منبر نزدیک نشده بود این قضیه را به امام صادق علیه السلام گفتم.

فرمود: به او دستور بده که غسل نمود و به مقام جبرئیل علیه السلام برود که جبرئیل علیه السلام آن جا به خدمت رسول خدا صلی الله علیه وسلم می آمد و از رسول خدا صلی الله علیه وسلم اجازه می گرفت که اگر بر حالی بود که مناسب نبود که او را اجازه دهد در همان جا می ایستاد و تا پیامبر می آمد و اگر اجازه می فرمود، وارد می شد.

گفتم: آن جا کجاست؟

ص: ۳۷۱

فَقَالَ: حِيَالَ الْمِيزَابِ الّذِي إِذَا خَرَجْتَ مِنَ الْبَابِ الّذِي يُقَالُ لَهُ: بَابُ فَاطِمَةَ عليها السلام بِحِذَاءِ الْقَبْرِ إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ بِحِذَاءِ الْمِيزَابِ وَ الْمِيزَابُ فَوْقَ رَأْسِكَ وَ الْبَابُ مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِكَ وَ تَجْلِسُ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَ تَجْلِسُ مَعَهَا نِسَاءٌ وَ لْتَدْعُ رَبّهَا وَ يُؤَمّنّ عَلَى دُعَائِهَا.

قَالَ: فَقُلْتُ: وَأَيّ شَيْءٍ تَقُولُ؟

قَالَ: تَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَفْعَلَ لِي كَذَا وَ كَذَا».

قَالَ: فَصَنَعَتْ صَاحِبَتِيَ الَّذِي أَمَرَنِي فَطَهُرَتْ وَ دَخَلَتِ الْمَسْجِدَ.

قَالَ: وَ كَانَ لَنَا خَادِمٌ أَيْضًا فَحَاضَتْ فَقَالَتْ: يَا سَيِّدِي! أَ لَا أَذْهَبُ أَنَا زَادَةً فَأَصْنَعُ كَمَا صَنَعَتْ سَيِّدَتِي.

فَقُلْتُ: بَلَى، فَذَهَبَتْ فَصَنَعَتْ مِثْلَ مَا صَنَعَتْ مَوْلاتُهَا فَطَهُرَتْ وَ دَخَلَتِ الْمَسْجِدَ.

فرمود: مقابل ناودان که چون از دربی که به آن درب فاطمه علیها السلام بیرون روی مقابل قبر است هرگاه مقابل ناودان سرت را بلند کنی ناودان بالای سر توست و درب پشت سر تو قرار دارد، همسرت در آنجا می نشیند و زن ها هم با او می نشینند و او دعا می خواند و آنها آمین می گویند.

گفتم: چه دعایی بخواند؟

فرمود: می گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَفْعَلَ لِي كَذَا وَكَذَا».

گوید: زنم دستور حضرتش را اجرا کرد پس پاک گشت و وارد مسجد شد.

گوید: خدمتکاری داشتیم که او نیز حائض شد و گفت: مولایم! من نیز حائض شدم، هرچه به خانم انجام دادم من نیز انجام می دهم.

گفتم: آری، او نیز همان جا رفت و آن عمل را مثل خانمش انجام داد و پاک گشت و وارد مسجد شد.

ص: ۳۷۲

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِيُّ شَرِيكِ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيُّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنّ امْرَأَةٌ مُسْلِمَةٌ صَحِبَتْنِي حَتّى انْتَهَيْتُ إِلَى بُسْتَانِ بَنِي عَامِرٍ فَحَرُمَتْ عَلَيْهَا الصّلَاةُ فَدَخَلَهَا مِنْ ذَاكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ فَخَافَتْ أَنْ تَذْهَبَ مُتْعَتُهَا فَأَمَرَتْنِي أَنْ أَذْكُرَ ذَلِكَ لَكَ وَ أَسْأَلَكَ كَيْفَ تَصْنَعُ؟

فَقَالَ: قُلْ لَهَا: فَلْتَغْتَسِلْ نِصْفَ النّهَارِ وَ تَلْبَسُ ثِيَاباً نِظَافاً وَ تَجْلِسُ فِي مَكَانٍ نَظِيفٍ وَ تَجْلِسُ حَوْلَهَا نِسَاءٌ يُؤَمّنّ إِذَا دَعَتْ وَ تَعَاهَدْ لَهَا زَوَالَ الشّمْسِ فَإِذَا زَالَتْ فَمُرْهَا فَلْتَدْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ لْيُؤَمّنّ النّسَاءُ عَلَى دُعَائِهَا حَوْلَهَا كُلّمَا دَعَتْ تَقُولُ:

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِكُلّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَ بِكُلّ اسْمٍ تَسَمّيْتَ بِهِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ هُوَ مَرْفُوعٌ مَخْزُونٌ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الّذِي إِذَا سُئِلْتَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تُجِيبَ أَنْ تَقْطَعَ عَنّي هَذَا الدّمَ».

۳- بکر بن عبدالله ازدی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: قربانت گردم با زن مسلمانی برای انجام حج همسفر شدم وقتی به بستان بنی عامر رسیدم نماز بر او حرام شد و حائض شد. او از این عمل خیلی ناراحت شد. پس ترسید که نتواند عمره تمتع را انجام دهد و به من گفت که آن را به شما بگویم و از حضرت شما بپرسم که چه کند؟

فرمود: به او بگو وسط روز غسل کرده و لباسی تمیز پوشیده و در جای پاکی بنشیند و زنان دیگر دور او بنشینند هرچه او دعا نمود آمین گویند و این کار را در هنگام زوال آفتاب باشد که وقتی ظهر شد دعا کند و زنان آمین گویند و این دعا را بخواند: «اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِكُلّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَ بِكُلّ اسْمٍ تَسَمّيْتَ بِهِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ هُوَ مَرْفُوعٌ مَخْزُونٌ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَأَسْأَلُكَ باسْمِكَ الأَعْظم الأَعْظَمِ الّذِي إِذَا سُئِلْتَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تُجِيبَ أَنْ تَقْطَعَ عَنّي هَذَا الدّمَ».

ص: ۳۷۳

فَإِنِ انْقَطَعَ الدّمُ وَ إِلّا دَعَتْ بِهَذَا الدُّعَاءِ الثّانِي فَقُلْ لَهَا فَلْتَقُلِ:

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُحَمّدٍ صلى الله عليه وسلم وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُوسَى عليه السلام وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى عِيسَى عليه السلام وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابٍ مِنْ كُتُبِكَ وَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ أَنْ تَقْطَعَ عَنّي هَذَا الدّمَ».

فَإِنِ انْقَطَعَ فَلَمْ تَرَ يَوْمَهَا ذَلِكَ شَيْئاً وَ إِلّا فَلْتَغْتَسِلْ مِنَ الْغَدِ فِي مِثْلِ تِلْكَ السّاعَةِ الّتِي اغْتَسَلَتْ فِيهَا بِالْأَمْسِ فَإِذَا زَالَتِ الشّمْسُ فَلْتُصَلِّ وَلْتَدْعُ بِالدُّعَاءِ وَ لْيُؤَمّنّ النِّسْوَةُ إِذَا دَعَتْ.

فَفَعَلَتْ ذَلِكَ الْمَرْأَةُ فَارْتَفَعَ عَنْهَا الدّمُ حَتّى قَضَتْ مُنْعَتَهَا وَ حَجّهَا وَ انْصَرَفْنَا رَاجِعِينَ، فَلَمّا انْتَهَيْنَا إِلَى بُسْتَانِ بَنِي عَامِرٍ عَاوَدَهَا الدّمُ.

فَقُلْتُ لَهُ: أَدْعُو بِهَذَيْنِ الدُّعَائَيْنِ فِي دُبُرِ صَلَاتِي؟

فَقَالَ: ادْعُ بِالْأَوّلِ إِنْ أَحْبَبْتَ وَ أَمّا الآخَرُ فَلَا تَدْعُ بِهِ إِلّا فِي الْأَمْرِ الْفَظِيعِ يَنْزِلُ بکَ.

اگر خون قطع شد و گرنه این دعای دوم را بخواند بگو این گونه بگوید: «اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُحَمّدٍ صلى الله عليه وسلم وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى مُوسَى عليه السلام وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ عَلَى عيسَى عليه السلام وَ بِكُلِّ حَرْفٍ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابٍ مِنْ كُتُبِكَ وَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ أَنْ تَقْطَعَ عَنّي هَذَا الدّمَ».

اگر خون قطع شد و در آن روز چیزی ندید وگرنه فردا در آن ساعت که دیروز غسل نموده غسل نماید چون ظهر شد نماز خواند و آن دعا را تکرار نماید و زنان آمین گویند.

وقتی آن زن چنین نمود و خون از او برطرف شد و عمره تمتّع و حج خود را به جا آورده وقتی به آن بستان رسیدیم حائض شد.

به آن حضرت عرض نمودم: می توانم این دعا را در تعقیب نمازم بخوانم؟

فرمود: اگر خواستی دعای اولی را بخوان، ولی دعای دومی را مخوان مگر در کار ناجوری که بر تو وارد شود.

ص: ۳۷٤

بخش صدو پنجاه و هفتم

اشاره

(۱۵۷)

بَابُ الْإِحْرَامِ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَانَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَاغْتَسِلْ وَ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ وَ ادْخُلِ الْمَسْجِدَ حَافِياً وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَوْ فِي الْحِجْرِ ثُمَّ اقْعُدْ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ فَصَلِّ الْمَكْتُوبَةَ.

ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ كَمَا قُلْتَ حِينَ أَحْرَمْتَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَ أَحْرِمْ بِالْحَجِّ، ثُمَّ امْضِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الرَّفْضَاءِ دُونَ الرَّدْمِ فَلَبِّ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الرَّدْمِ وَ أَشْرَفْتَ عَلَى الْأَبْطَحِ فَارْفَعْ صَوْتَكَ بِالتَّلْبِيَةِ حَتَّى تَأْتِيَ مِنًى.

۲- وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

احرام روز هشتم ذی حجه

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه روز هشتم ذی حجه فرا رسید ان شاء الله غسل کن و لباست را بپوش و با پای برهنه وارد مسجد شو بر تو باد آرامش و وقار، سپس دو رکعت نماز نزد مقام ابراهیم علیه السلام یا در حجر اسماعیل علیه السلام بگزار آن گاه بنشین تا ظهر شود و نماز فریضه را بخوان پس از نماز همانند آن چه را که در موقع احرام در مسجد شجره گفتی بگو و به حج احرام ببندد، سپس با آرامش و وقار به سوی عرفات برو و چون به محل «رفضا» پایین تر از «ردم» رسیدی لبیک بگو و چون نزد آن رسیدی و مشرف بر ابطح شدی پس صدایت را به لبیک بلندکن تا به منا برسی.

۲- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۳۷۵

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُحْرِمَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ فَاصْنَعْ كَمَا صَنَعْتَ حِينَ أَرَدْتَ أَنْ تُحْرِمَ وَ خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ مِنْ أَظْفَارِكَ وَاطْلِ عَانَتَكَ إِنْ كَانَ لَكَ شَعْرٌ وَ انْتِفْ إِبْطَيْكَ وَ اغْتَسِلْ وَالْبَسْ ثَوْبَيْكَ. ثُمَّ انْتِ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَصَلِّ فِيهِ سِتَّ رَكَعَاتٍ قَبْلَ أَنْ تُحْرِمَ وَتَدْعُو اللَّهَ وَ تَسْأَلُهُ الْعَوْنَ وَ تَقُولُ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَ خُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدَرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ».

وَ تَقُولُ: «أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي مِنَ النِّسَاءِ وَالطِّيبِ وَالثِّيَابِ أُرِيدُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ وَ خُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدَرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ».

ثُمَّ تُلَبِّ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَا لَبَّيْتَ حِينَ أَحْرَمْتَ وَ تَقُولُ: «لَبَّيْكَ بِحَجَّةٍ تَمَامُهَا وَبَلَاغُهَا عَلَيْكَ» وَ إِنْ قَدَرْتَ أَنْ يَكُونَ فِي رَوَاحِكَ إِلَى مِنًى زَوَالُ الشَّمْسِ وَ إِلَّا فَمَتَى مَا تَيَسَّرَ لَكَ مِنْ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

هرگاه روز هشتم خواستی مُحرم شوی پس آن چه را که در احرام در میقات انجام دادی انجام بده و از شاربت بزن و از ناخت بچینی و برعانه خود نوره بکش. اگر مو داشتی و موی زیر بغلت را بزن و

غسل کن و لباس احرامت را بپوش پس به مسجدالحرام بیا و پیش از احرام در آن جا شش رکعت نماز بگزار و خدا را فرا خوان و از او یاری طلب کن و بگو: «اللّهُمّ إِنّي أُرِيدُ الْحَجّ فَيَسِّرْهُ لِي وَخُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدَرِكَ الّذِي قَدّرْتَ عَلَيّ».

و باز بگو: «أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي مِنَ النِّسَاءِ وَ الطّيبِ وَالشّيَابِ أُرِيدُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدّارَ الآخِرَةَ وَ خُلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدَرِكَ الّذِي قَدّرْتَ عَلَيّ».

سپس از مسجدالحرام تلبیه می گویی چنان چه در موقع احرام لبیک گفتی و می گویی: «لَبّيْكَ بِحَجّةٍ تَمَامُهَا وَ بَلَاغُهَا عَلَيْكَ».

و اگر توانستی که رفتن تو موقع ظهر به منا باشد بهتر است وگرنه از روز هشتم هروقت به تو امکان داشت حرکت کن.

۳- حلبی گوید: -

ص: ۳۷۶

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَتَى الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَ قَدْ أَزْمَعَ بِالْحَجّ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ؟

قَالَ: نَعَمْ مَا لَمْ يُحْرِمْ.

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي أَحْمَدَ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثِ الصّيْرَفِيّ قَالَ:

قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: مِنْ أَيْنَ أُهِلّ بِالْحَجّ؟

فَقَالَ: إِنْ شِئْتَ مِنْ رَحْلِكَ وَإِنْ شِئْتَ مِنَ الْكَعْبَةِ، وَإِنْ شِئْتَ مِنَ الطّرِيقِ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قال:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِنْ أَيِّ الْمَسْجِدِ أُحْرِمُ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ؟

فَقَالَ: مِنْ أَيِّ الْمَسْجِدِ شِئْتَ.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

از امام علیه السلام پرسیدم کسی به مسجد الحرام می آید و قصد حج نموده می تواند بیت را طواف نماید؟

فرمود: آری، مادامی که محرم نشده است اشکال ندارد.

٤- عمرو بن حریث صیرفی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم از کجا به حج لبیک بگویم؟

فرمود: اگر خواستی از خانه یا در کعبه و یا از راه.

٥- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: روز هشتم از کجای مسجد محرم شوم؟

فرمود: از هر جای مسجد که خواستی.

٦ - زراره گوید: -

ص: ٣٧٧

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: مَتَى أُلَبِّي بِالْحَجِّ؟

فَقَالَ: إِذَا خَرَجْتَ إِلَى مِنًى.

ثُمّ قَالَ: إِذَا جَعَلْتَ شِعْبَ دُتٍ عَلَى يَمِينِكَ وَ الْعَقَبَةَ عَنْ يَسَارِكَ فَلَبِّ بِالْحَجِّ.

بخش صدو پنجاه هشتم

اشاره

(۱۵۸)

بَابُ الْحَجِّ مَاشِياً وَ انْقِطَاعِ مَشْيِ الْمَاشِي.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنّا نُرِيدُ أَنْ نَخْرُجَ إِلَى مَكَّةَ مُشَاةً.

فَقَالَ لَنَا: لا تَمْشُوا وَ اخْرُجُوا رُكْبَاناً.

قُلْتُ: أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّهُ بَلَغَنَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي عليهما السلام أَنَّهُ كَانَ يَحُجُّ مَاشِياً.

فَقَالَ: كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيّ عليهما السلام يَحُجُّ مَاشِياً وَ تُسَاقُ مَعَهُ الْمَحَامِلُ وَ الرِّحَالُ.

به امام باقر علیه السلام گفتم: کی به حج لبیک گویم؟

فرمود: هرگاه به سوی منا می روی.

سپس فرمود: چون شکاف راه را بر سمت راست خود و عقبه را بر دست چپ خود قرار دادی، به حج لبیک بگو.

حج پیاده و نهایت پیاده روی درحج

۱- ابن بکیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ما می خواهیم پیاده به مکه برویم؟

فرمود: پیاده نروید سواری بروید.

گفتم: خدا کارهای شما را اصلاح کند بر ما روایت شده است که حسن بن علی علیهما السلامپیاده حج می کردند.

فرمود: حسن بن علی علیهما السلام پیاده حج می نمود با او کجاوه و شتران برده می شد.

ص: ۳۷۸

۲- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَيْفٍ التَّمّارِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: إِنّا كُنّا نَحُجُ مُشَاةً فَبَلَغَنَا عَنْكَ شَيْءٌ فَمَا تَرَى؟

قَالَ: إِنّ النّاسَ لَيَحُجُونَ مُشَاةٌ وَ يَرْكَبُونَ.

قُلْتُ: لَيْسَ عَنْ ذَلِكَ أَسْأَلُكَ.

قَالَ: فَعَنْ أَيِّ شَيْءٍ سَأَلْتَ؟

قُلْتُ: أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ نَصْنَعَ؟

قَالَ: تَرْكَبُونَ أَحَبُّ إِلَيّ، فَإِنّ ذَلِكَ أَقْوَى لَكُمْ عَلَى الدُّعَاءِ وَ الْعِبَادَةِ.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الْمَشْيُ أَفْضَلُ أَوِ الرُّكُوبُ.

فَقَالَ: إِذَا كَانَ الرّجُلُ مُوسِراً فَمَشَى لِيَكُونَ أَقَلّ لِنَفَقَتِهِ فَالرُّكُوبُ أَفْضَلُ.

۲- سیف تمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: ما پیاده حج می نمودیم، از شما چیزی به ما رسید چه می فرمایید؟

فرمود: مردم پیاده و سواره حج می نمایند.

گفتم: از شما در آن مورد نمی پرسم.

فرمود: پس از چه چیزی می پرسی؟

گفتم: کدام یک نزد شما بهتر است که انجام دهیم؟

فرمود: سواره به مکه بروید نزد من بهتر است زیرا آن شما را برای دعا و عبادت توانا می کند.

۳- ابو بصیر گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم انجام حج پیاده افضل است و یا سواره؟

فرمود: هرگاه انسان تنگ دست باشد پیاده سفر نماید تا هزینه اش کم باشد، اما سواره بهتر است.

ص: ۳۷۹

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِفَاعَةَ وَ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْحَجِّ مَاشِيَاً أَفْضَلُ أَوْ رَاكِباً؟

السلام قَالَ: بَلْ رَاكِباً، فَإِنّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم حَجّ رَاكِباً.

٥- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ رِفَاعَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ مَشْيِ الْحَسَنِ علیه السلام مِنْ مَكّةَ أَوْ مِنَ الْمَدِينَةِ؟

قَالَ: مِنْ مَكّةَ.

وَ سَأَلْتُهُ إِذَا زُرْتُ الْبَيْتَ أَرْكَبُ أَوْ أَمْشِي؟

فَقَالَ: كَانَ الْحَسَنُ عليه السلام يَزُورُ رَاكِباً.

وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرُّكُوبُ أَفْضَلُ أَوِ الْمَشْي؟

فَقَالَ: الرُّكُوبُ.

قُلْتُ: الرُّكُوبُ أَفْضَلُ مِنَ الْمَشْي؟

فَقَالَ: نَعَمْ، لِأَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم رَكِبَ.

٤- رفاعه و ابن بكير گويند: از امام صادق عليه السلام سؤال شد حج پياده بهتر است يا سواره؟

فرمود: بلكه سواره بهتر است زيرا رسول خدا صلى الله عليه وسلم سواره حج نمود.

٥- رفاعه گويد: از امام صادق عليه السلام در مورد پياده رفتن امام حسن عليه السلام پرسيدم كه از مكه بود و يا از مدينه؟

فرمود: از مكه.

از حضرتش پرسيدم به هنگام طواف بيت سواره باشم و يا پياده؟

فرمود: امام حسن عليه السلام سواره زيارت مى فرمود.

پرسيدم: سواره بهتر است يا پياده؟

فرمود: سواره.

گفتم: سواره بهتر از پياده است؟

فرمود: آری، چون رسول خدا صلی الله علیه وسلم سواره حج می نمود.

ص: ۳۸۰

۶- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ مَتَى يَنْقَطِعُ مَشْيُ الْمَاشِي.

قَالَ: إِذَا رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ وَ خَلَقَ رَأْسَهُ فَقَدِ انْقَطَعَ مَشْيُهُ فَلْيَزُرْ رَاكِباً.

۷- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ فِي الَّذِي عَلَيْهِ الْمَشْيُ فِي الْحَجِّ: إِذَا رَمَى الْجِمَارَ زَارَ الْبَيْتَ

رَاكِباً وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

بخش صدو پنجاه و نهم

اشاره

(۱۵۹)

بَابُ تَقْدِيمِ طَوَافِ الْحَجِّ لِلْمُتَمَتِّعِ قَبْلَ الْخُرُوجِ إِلَى مِنًى.

۱- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

۶- علی بن ابی حمزه گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم کی پیاده رفتن پیاده تمام می شود؟

فرمود: هرگاه جمره عقبه را انداخت و سرش را تراشید پس پیاده روی تمام شده سواره برود.

۷- اسماعیل بن همام گوید: امام رضا علیه السلام می فرماید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که حج پیاده بر عهده اوست فرمود: چون رمی جمره را انجام داد می تواند بیت را به صورت سواره زیارت نماید و چیزی بر او نیست.

انجام طواف حج تمتع پیش از رفتن به منا

۱- اسحاق بن عمار گوید:

ص: ۳۸۱

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا كَانَ شَيْخاً كَبِيرًا أَوِ امْرَأَةً تَخَافُ الْحَيْضَ تُعَجِّلُ طَوَافَ الْحَجِّ قَبْلَ أَنْ تَأْتِيَ مِنًى؟

فَقَالَ: نَعَمْ مَنْ كَانَ هَكَذَا يُعَجِّلُ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُحْرِمُ بِالْحَجِّ مِنْ مَكَّةَ ثُمَّ يَرَى الْبَيْتَ خَالِياً فَيَطُوفُ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

فَقَالَ: لا.

قُلْتُ: الْمُفْرِدُ بِالْحَجِّ إِذَا طَافَ بِالْبَيْتِ وَ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ يُعَجِّلُ طَوَافَ النِّسَاءِ.

فَقَالَ: لا، إِنَّمَا طَوَافُ النِّسَاءِ بَعْدَ مَا يَأْتِي مِنًى.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ مَكَّةَ وَ مَعَهُ نِسَاءٌ قَدْ أَمَرَهُنَّ فَتَمَتَّعْنَ قَبْلَ التَّرْوِيَةِ بِيَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةٍ فَخَشِيَ عَلَى بَعْضِهِنَّ الْحَيْضَ.

از امام کاظم علیه السلام پرسیدم کسی که حج تمتع می کند هرگاه پیرمرد باشد و یا زنی که بیم دارد حائض شود می تواند در طواف حج پیش از منا تعجیل کند؟

فرمود: آری هرکه چنین باشد می تواند تعجیل نماید.

گوید: از حضرتش پرسیدم: کسی که از مکه محرم به حج می شود سپس بیت را خلوت می بیند و آن را پیش از بیرون رفتن طواف می کند آیا بر او ایرادی است؟

فرمود: نه

گفتم: کسی که حج مفرد انجام می دهد چون طواف بیت و سعی صفا و مروه نمود می تواند بر طواف نساء تعجیل کند؟

فرمود: نه، چون طواف نساء بعد از آمدن از منا است.

۲- علی بن ابی حمزه گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم کسی با عده ای از زنان وارد مکه می شود، به آنان دستور می دهد که پیش از روز هشتم یک دو و یا سه روز عمره تمتع انجام دهد، چون بیم آن داشت که بعضی از آنها حائض شوند (چه حکمی دارد؟).

ص: ۳۸۲

فَقَالَ: إِذَا فَرَغْنَ مِنْ مُتْعَتِهِنّ وَأَحْلَلْنَ فَلْيَنْظُرْ إِلَى الّتِي يَخَافُ عَلَيْهَا الْحَيْضَ فَيَأْمُرُهَا تَغْتَسِلُ وَ تُهلّ بِالْحَجّ مِنْ مَكَانِهَا ثُمّ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَبِالصّفَا وَ الْمَرْوَةِ، فَإِنْ حَدَثَ بِهَا شَيْءٌ قَضَتْ بَقِيّةَ الْمَنَاسِكِ وَ هِيَ طَامِتٌ.

فَقُلْتُ: أَلَيْسَ قَدْ بَقِيَ طَوَافُ النِّسَاءِ؟

قَالَ: بَلَى.

قُلْتُ: فَهِيَ مُرْتَهَنَةٌ حَتّى تَفْرُغَ مِنْهُ.

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَلِمَ لا تَتْرُكُهَا حَتّى تَقْضِيَ مَنَاسِكَهَا.

قَالَ: يَبْقَى عَلَيْهَا مَنْسَكَ وَاحِدٌ أَهْوَنُ عَلَيْهَا مِنْ أَنْ تَبْقَى عَلَيْهَا الْمَنَاسِكَ كُلُّهَا مَخَافَةَ الْحَدَثَانِ.

قُلْتُ: أَبَى الْجَمّالُ أَنْ يُقِيمَ عَلَيْهَا وَ الرِّفْقَةُ.

فرمود: هرگاه از عمره تمتع فارغ شدند و از احرام بیرون آمدند پس بنگرد ببیند کدام یک از آنها حیض می شود و به او دستور دهد که غسل نموده و از آنجا به حج محرم شده سپس بیت را طواف نموده و سعی صفا و مروه نماید و اگر مورد به او پیش آمد بقیه مناسک را در حال حیض به جای می آورد.

گفتم: آیا طواف نساء باقی نمی ماند؟

فرمود: آری، او بر عهده اوست تا پاک شود.

گفتم: پس چرا او همه مناسک را ترک نمی کند و انجام می دهد؟

فرمود: اگر یکی از مناسک بماند آسان تر است بر او که از بیم مشکلی همهٔ مناسک بماند و انجام ندهد.

گفتم: شتردار و همراهان می توانند از ماندن او ممانعت کنند؟

قَالَ: لَيْسَ لَهُمْ ذَلِكَ تَسْتَعْدِي عَلَيْهِمْ حَتّى يُقِيمَ عَلَيْهَا حَتّى تَطْهُرَ وَتَقْضِيَ مَنَاسِكَهَا.

٣- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِي وَ مُعَاوِيَةَ عَمَّارٍ وَ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِتَعْجِيلِ الطَّوَافِ لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ، وَ الْمَرْأَةِ تَخَافُ الْحَيْضَ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى مِنًى.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ: رَجُلٌ كَانَ مُتَمَتِّعاً وَ أَهَلَّ بِالْحَجِّ.

قَالَ: لا يَطُوفُ بِالْبَيْتِ حَتَّى يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ، فَإِذَا هُوَ طَافَ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ مِنًى مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا يَعْتَدَّ بِذَلِكَ الطَّوَافِ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْخَالِقِ قَالَ:

سمعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

فرمود: آنها نمی توانند چنین کاری را انجام دهند او می تواند از حاکم بر آنها دادخواست کند تا با آنان بمانند و او پاک شده و مناسکش را به جا آورد.

٣- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد که پیرمرد و زنی که از حیض بیم دارد پیش از رفتن به منا طواف را انجام دهد.

٤- ابوبصیر گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: مردی حج تمتع انجام می دهد و بعد از پایان عمره، به حج احرام می بندد (چگونه است؟).

فرمود: کعبه را طواف نمی کند تا به عرفات برود و چون او پیش از منا بدون علت طواف نمود به طواف خود اعتنا نمی کند.

۵- عبدالخالق گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

ص: ۳۸٤

لا بَأْسَ أَنْ يُعَجِّلَ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَ الْمَرِيضُ وَ الْمَرْأَةُ وَ الْمَعْلُولُ طَوَافَ الْحَجِّ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى مِنًى.

بخش صدو شصتم

اشاره

(۱٦۰)

بَابُ تَقْدِيمِ الطَّوَافِ لِلْمُفْرِدِ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الْمُفْرِدِ لِلْحَجِّ يَدْخُلُ مَكَّةَ يُقَدِّمُ طَوَافَهُ أَوْ يُؤَخِّرُهُ.

فَقَالَ: سَوَاءٌ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

ایرادی ندارد که پیرمرد بیمار، زن و معلول پیش از رفتن به منا طواف را انجام دهد.

حکم انجام طواف حج بر کسی که حج افراد انجام می دهد

۱- زراره گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم کسی برای انجام حج افراد وارد مکه می شود می تواند طواف خود را پیشتر انجام دهد و یا تأخیر نماید؟

فرمود: انجام هردو برابر است.

۲- حماد بن عثمان نیز نظیر این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

ص: ۳۸۵

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ مُفْرِدِ الْحَجِّ يُقَدِّمُ طَوَافَهُ أَوْ يُؤَخِّرُهُ؟

فَقَالَ: هُوَ وَ اللّهِ سَوَاءٌ عَجَّلَهُ أَوْ أَخَرَهُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ مُفْرِدِ الْحَجِّ يُقَدِّمُ طَوَافَهُ أَوْ يُؤَخِّرُهُ؟

قَالَ: يُقَدِّمُهُ.

فَقَالَ رَجُلٌ إِلَى جَنْبِهِ: لَكِنَّ شَيْخِي لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ كَانَ إِذَا قَدِمَ أَقَامَ بِفَجٍّ حَتَّى إِذَا رَجَعَ النَّاسُ إِلَى مِنًى رَاحَ مَعَهُمْ.

فَقُلْتُ لَهُ: مَنْ شَيْخُكَ؟

قَالَ: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام.

فَسَأَلْتُ عَنِ الرَّجُلِ فَإِذَا هُوَ أَخُو عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیهما السلام لِأُمِّهِ.

۳- زراره گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: کسی که حج مفرد انجام می دهد می تواند طواف خود را پیش و پس کند؟

فرمود: پیشتر انجام دهد.

مردی که در کنار حضرت بود گفت: ولی شیخ من این گونه انجام نمی داد، چون می آمد در فخ توقف می کرد آن گاه که مردم به منا باز می گشتند با آنها می رفت.

به او گفتم: شیخ تو کیست؟

گفت: علی بن حسین علیهما السلام .

در مورد آن مرد پرسیدم پس او برادر رضاعی مادری علی بن الحسین علیهما السلام بود.

ص: ۳۸۶

بخش صدو شصت و یکم

اشاره

(۱۶۱)

بَابُ الْخُرُوجِ إِلَى مِنًى

۱- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ شَيْخاً كَبِيراً أَوْ مَرِيضاً يَخَافُ ضِغَاطَ النَّاسِ وَ زِحَامَهُمْ يُحْرِمُ بِالْحَجِّ وَ يَخْرُجُ إِلَى مِنًى قَبْلَ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: يَخْرُجُ الرَّجُلُ الصَّحِيحُ يَلْتَمِسُ مَكَاناً وَ يَتَرَوَّحُ بِذَلِكَ الْمَكَانِ؟

قَالَ: لا.

قُلْتُ : يُعَجِّلُ بِيَوْمٍ؟

قَالَ: نَعَمْ.

حرکت به سوی منا

۱- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کسی که پیر و یا بیمار است و از تنگی و فشار مردم می ترسد می تواند پیش از روز هشتم محرم شود و به سوی منا برود؟

فرمود: آری.

گفتم: فرد سالم نیز برای جایی که در آن راحت باشد می تواند زودتر به منا برود؟

فرمود: نه.

گفتم: کسی که صاحب علت باشد می تواند یک روز تعجیل نماید؟

فرمود: آری.

ص: ۳۸۷

قُلْتُ: بِيَوْمَيْنِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: ثَلَاثَةٍ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ؟

قَالَ: لا.

۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُصَلِّيَ الظُّهْرَ بِمِنًى ثُمّ يَبِيتُ بِهَا وَ يُصْبِحُ حَتّى تَطْلُعَ الشّمْسُ ثُمّ يَخْرُجُ إِلَى عَرَفَاتٍ.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

گفتم: دو روز چه طور؟

فرمود: آری.

گفتم: سه روز چه طور؟

فرمود: آری.

گفتم: بیش از آن؟

فرمود: نه.

۲- جمیل بن درّاج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

بر امام است که نماز ظهر را در روز هشتم در منا بخواند و آنجا بماند و صبح نماید تا خورشید طلوع کند، آن گاه به سوی عرفات برود.

۳- رفاعه گوید: -

سَأَلْتُهُ هَلْ يَخْرُجُ النّاسُ إِلَى مِنّي غُدْوَةً؟

قَالَ: نَعَمْ إِلَى غُرُوبِ الشّمْسِ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا تَوَجّهْتَ إِلَى مِنّي فَقُلِ: «اللّهُمّ إِيّاكَ أَرْجُو وَ إِيّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَ أَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

بخش صدو شصت و دوم

اشاره

(١٦٢)

بَابُ نُزُولِ مِنًى وَ حُدُودِهَا.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

إِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى مِنًى فَقُلِ.

از امام صادق عليه السلام پرسيدم آيا مردم مى توانند صبح هنگام به منا بروند؟

فرمود: آرى، تا غروب آفتاب.

٤- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خواستى سوى منا بروى بگو:

«اللّهُمّ إِيّاكَ أَرْجُو وَ إِيّاكَ أَدْعُو فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَ أَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

فرود آمدن به منا و حدود آن

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه به منا رسيدى بگو: -

ص: ۳۸۹

«اللّهُمّ هَذِهِ مِنًى وَ هِيَ مِمّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنّ عَلَيْنَا بِمَا مَنَنْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ فَإِنّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ».

ثُمّ تُصَلّي بِهَا الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ وَ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الآخِرَةَ وَ الْفَجْرَ وَ الْإِمَامُ يُصَلّي بِهَا الظُّهْرَ لا يَسَعُهُ إِلّا ذَلِكَ وَ مُوَسّعٌ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلّيَ بِغَيْرِهَا إِنْ لَمْ تَقْدِرْ ثُمّ

تُدْرِكُهُمْ بِعَرَفَاتٍ.

قَالَ: وَ حَدٌّ مِنّى مِنَ الْعَقَبَةِ إِلَى وَادِي مُحَسّرٍ.

بخش صدو شصت و سوم

اشاره

(۱۶۳)

بَابُ الْغُدُوّ إِلَى عَرَفَاتٍ وَحُدُودِهَا.

۱- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَمّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

مِنَ السُّنّةِ أَلّا يَخْرُجَ الْإِمَامُ مِنْ مِنًى إِلَى عَرَفَةَ حَتّى تَطْلُعَ الشّمْسُ.

«اللّهُمّ هَذِهِ مِنّى وَ هِيَ مِمّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنّ عَلَيْنَا بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى أَنْبِيَائِكَ فَإِنّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ».

سپس در آنجا نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء و فجر را بخوان و امام باید فقط نماز ظهر را در آنجا بخواند و بیش از آن وسعت ندارد و تو در وسعت هستی که اگر نتوانستی در غیر آنجا بخوانی سپس در عرفات به آنها برسی.

فرمود: حدود منا از جمره عقبه تا وادی محسر است.

حرکت به سوی عرفات و حدود آن

۱- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

از سنت است که امام از منا به سوی عرفات نرود تا آفتاب طلوع کند.

ص: ۳۹۰

۲- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيّ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ الطّائِيّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: إِنّا مُشَاةٌ فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟

قَالَ: أَمّا أَصْحَابُ الرّحَالِ فَكَانُوا يُصَلّونَ الْغَدَاةَ بِمِنّي، وَ أَمّا أَنْتُمْ فَامْضُوا حَتّى تُصَلّوا فِي الطّرِيقِ.

۳- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا غَدَوْتَ إِلَى عَرَفَةَ فَقُلْ وَ أَنْتَ مُتَوَجّهٌ إِلَيْهَا:

«اللّهُمّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَ إِيّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنّي».

۲- عبدالحمید طائی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم ما پیاده ایم، چگونه به طرف عرفات برویم؟

فرمود: سواره ها نماز صبح را در منا می خوانند و شما بروید تا در راه بخوانید.

۳- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه در آغاز روز نهم از منا به سوی عرفات بروی درحالی که متوجه عرفات هستی بگو:

«اللّهُمّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَ إِيّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ وَجْهَكَ أَرَدْتُ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي الْيَوْمَ مِمّنْ تُبَاهِي بِهِ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنّي».

ص: ۳۹۱

ثُمّ تُلَبّ وَأَنْتَ غَادٍ إِلَى عَرَفَاتٍ فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى عَرَفَاتٍ فَاضْرِبْ خِبَاءَكَ بِنَمِرَةَ، وَ نَمِرَةُ هِيَ بَطْنُ عُرَنَةَ دُونَ الْمَوْقِفِ وَ دُونَ عَرَفَةَ، فَإِذَا زَالَتِ الشّمْسُ يَوْمَ عَرَفَةَ فَاغْتَسِلْ وَ صَلّ الظّهْرَ وَ الْعَصْرَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِقَامَتَيْنِ، وَ إِنّمَا تُعَجّلُ الْعَصْرَ وَ تَجْمَعُ بَيْنَهُمَا لِتُفَرّغَ نَفْسَكَ لِلدّعَاءِ، فَإِنّهُ يَوْمُ دُعَاءٍ وَ مَسْأَلَةٍ.

قَالَ: وَ حَدُّ عَرَفَةَ مِنْ بَطْنِ عُرَنَةَ وَ ثَوِيّةَ وَ نَمِرَةَ إِلَى ذِي الْمَجَازِ وَ خَلْفَ الْجَبَلِ مَوْقِفٌ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ الله علیه السلام:

الْغُسْلُ يَوْمَ عَرَفَةَ إِذَا زَالَتِ الشّمْسُ وَ تَجْمَعُ بَيْنَ الظّهْرِ وَ الْعَصْرِ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَتَيْنِ.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيّ وَ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّه علیه السلام أَنّهُ قِيلَ لَهُ: أَيّمَا أَفْضَلُ الْحَرَمُ أَوْ عَرَفَةُ؟

آن گاه لبیک می گویی درحالی که به سوی عرفات روانی، پس چون به عرفات رسیدی خیمه خود را در نهره بزن که آن وسط عرنه پایین تر موقف و عرفه است. پس چون ظهر شد غسل نما و نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آور و می توان با شتاب هردو نماز را خواند و نماز عصر را با شتاب خواند تا برای دعا فراغت یابی، چرا که آن روز، روز دعا و خواستن است.

و فرمود: حدود عرفه از وسط عرنه، ثویه و نمره است تا ذی المجاز و پشت کوه موقف.

٤- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

غسل روز عرفه به هنگام ظهر است و نماز ظهر و عصر را در آن روز جمع کرده و با یک اذان و دو اقامه انجام می دهی.

٥- حفص بن بختری و هشام بن حکم گویند: به امام صادق علیه السلام گفته شد کدام یک از عرفه و یا حرم بهتر است؟

ص: ٣٩٢

فَقَالَ: الْحَرَمُ.

فَقِيلَ: وَ كَيْفَ لَمْ تَكُنْ عَرَفَاتٌ فِي الْحَرَمِ؟

فَقَالَ: هَكَذَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

حَدُّ عَرَفَاتٍ مِنَ الْمَأْزِمَيْنِ إِلَى أَقْصَى الْمَوْقِفِ.

بخش صدو شصت و چهارم

اشاره

(١٦٤)

بَابُ قَطْعِ تَلْبِيَةِ الْحَاجِّ.

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

الْحَاجُ يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ يَوْمَ عَرَفَةَ زَوَالَ الشَّمْسِ.

فرمود: حرم.

گفته شد: چرا عرفات از حرم نشد؟

فرمود: خداوند آن را چنین قرار داد.

٦- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حدود عرفات از مأزمین تا انتهای موقف است.

حکم پایان لبیک گفتن حاجی

١- محمّد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

حاجی ظهر روز عرفه لبیک گفتن را قطع و به پایان می رساند.

ص: ٣٩٣

٢- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

قَطَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم التَّلْبِيَةَ حِينَ زَاغَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ عَرَفَةَ، وَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقْطَعُ التَّلْبِيَةَ إِذَا زَاغَتِ الشَّمْسُ يَوْمَ عَرَفَةَ.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: فَإِذَا قَطَعْتَ التَّلْبِيَةَ فَعَلَيْكَ بِالتَّهْلِيلِ وَ التَّحْمِيدِ وَ التَّمْجِيدِ وَ الثَّنَاءِ عَلَى اللهِ عَزَّوَجَلَّ.

بخش صدو شصت و پنجم

اشاره

(۱۶۵)

بَابُ الْوُقُوفِ بِعَرَفَةَ وَ حَدِّ الْمَوْقِفِ

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

عَرَفَاتٌ كُلُّهَا مَوْقِفٌ وَأَفْضَلُ الْمَوْقِفِ سَفْحُ الْجَبَلِ.

۲- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه وسلم تلبيه را در روز عرفه موقع ظهر قطع نمود.

و على بن الحسين عليهما السلام نيز همواره اين گونه انجام مى داد.

امام صادق عليه السلام فرمود: چون تلبيه را قطع نمودى بر تو باد به گفتن «لااله الا الله» و الحمد لله و تمجيد و ثناى خداى عزوجل.

وقوف در عرفه و حدود موقف

١- مسمع گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

تمامى عرفه موقف است و بهترين موقف، دامنه كوه است.

ص: ٣٩٤

٢- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا وَقَفْتَ بِعَرَفَاتٍ فَادْنُ عَنِ الْهِضَابِ وَ الْهِضَابُ هِيَ الْجِبَالُ، فَإِنّ النّبِيّ الله صلى الله عليه وسلم قَالَ: إِنّ أَصْحَابَ الْأَرَاكِ لا حَجّ لَهُمْ، يَعْنِي الّذِينَ يَقِفُونَ عِنْدَ الْأَرَاكِ.

٣- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم فِي الْمَوْقِفِ ارْتَفِعُوا عَنْ بَطْنِ عُرَنَةَ.

وَ قَالَ: أَصْحَابُ الْأَرَاكِ لَا حَجّ لَهُمْ.

٤- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

قِفْ فِي مَيْسَرَةِ الْجَبَلِ، فَإِنّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ فِي مَيْسَرَةِ الْجَبَلِ، فَلَمّا وَقَفَ جَعَلَ النّاسُ يَبْتَدِرُونَ أَخْفَافَ نَاقَتِهِ فَيَقِفُونَ إِلَى جَانِبِهِ فَنَحّاهَا فَفَعَلُوا مِثْلَ ذَلِكَ.

٢- ابوبصير گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه در عرفات توقف نمودی پس به کوه ها (تپه های پهن در حوالی عرفات) نزدیک شو همانا رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: اهل اراک (در سمت نمره بیرون از عرفات) که نزد اراک وقوف می کنند، حج صحیحی ندارند.

۳- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرمود: از پایین عرنه بالاتر روید و فرمود: اصحاب اراک حج صحیحی ندارند.

٤ - معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: در سمت چپ کوه عرفات وقوف کن زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم در سمت چپ کوه وقوف نمود، در این هنگام مردم به جای پای شتر حضرتش پیشی می گرفتند و کنار آن توقف می نمودند، آن حضرت آن را به جای دیگر برد آنها نیز چنان نمودند.

ص: ۳۹۵

فَقَالَ: أَيُّهَا النّاسُ إِنّهُ لَيْسَ مَوْضِعُ أَخْفَافِ نَاقَتِي الْمَوْقِفَ، وَ لَكِنْ هَذَا كُلُّهُ مَوْقِفٌ، وَ أَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى الْمَوْقِفِ وَ فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ فِي الْمُزْدَلِفَةِ، فَإِذَا رَأَيْتَ خَلَلاً فَسُدّهُ بِنَفْسِكَ وَ رَاحِلَتِكَ، فَإِنّ اللّهَ عَزّ وَ جَلّ يُحِبُّ أَنْ تُسَدّ تِلْكَ الْخِلَالُ وَ انْتَقِلْ عَنِ الْهِضَابِ وَ اتّقِ الْأَرَاكَ، فَإِذَا وَقَفْتَ بِعَرَفَاتٍ فَاحْمَدِ اللّهَ وَ هَلِّلْهُ وَ مَجِدْهُ وَأَثْنِ عَلَيْهِ وَ كَبّرْهُ مِائَةَ تَكْبِيرَةٍ وَ اقْرَأْ قُلْ هُوَ اللّهُ أَحَدٌ مِائَةَ مَرّةٍ وَ تَخَيّرْ لِنَفْسِكَ مِنَ الدّعَاءِ مَا أَحْبَبْتَ وَ اجْتَهِدْ، فَإِنّهُ يَوْمُ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ وَتَعَوّذْ بِاللّهِ مِنَ الشّيْطَانِ، فَإِنّ الشّيْطَانَ لَنْ يُذْهِلَكَ فِي مَوْضِعٍ أَحَبّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُذْهِلَكَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، وَإِيّاكَ أَنْ تَشْتَغِلَ بِالنّظَرِ إِلَى النّاسِ وَ أَقْبِلْ قِبَلَ نَفْسِكَ وَ لْيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ:

«اللّهُمّ رَبّ الْمَشَاعِرِ كُلّهَا فُكّ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيّ مِنَ الرّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنّي شَرّ فَسَقَةِ الْجِنّ وَالْإِنْسِ.

اللّهُمّ لَا تَمْكُرُ بِي وَ لا تَخْدَعْنِي وَ لا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السّامِعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النّاظِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ لْيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ وَ أَنْتَ رَافِعٌ يَدَيْكَ إِلَى السّمَاءِ.

فرمود: ای مردم! موقف فقط جای پای شتر من نیست، بلکه همه این ها موقف است و با دستش به سوی موقف اشاره فرمود و همانند آن را در مزدلفه انجام داد.

پس چون جای خالی دیدی با خود و سواریت آن را پر کن زیرا خداوند عزوجل دوست دارد که جاهای خالی پر باشد و به دامنه کوه ها برو و بپرهیز از اراک پس چون در عرفات توقف نمودی خدا را حمد کن و «لااله الا الله» گو و او را تمجید نما و ثنایش و صد مرتبه «الله اکبر» بگو و «قل هو الله احد» را صد بار بخوان و برای خود هرچه خواستی دعاکن و کوشش نما؛ زیرا آن روز، روز دعا و خواستن است و از شیطان به خدا پناه ببر؛ زیرا برای شیطان دوست داشتنی تر از این نیست که تو را در این مکان غافل کند و بپرهیز از این که خود را با نگاه به مردم مشغول کنی به خود متوجه شو و این گونه دعا بخوان: «اللّهُمّ رَبّ الْمَشَاعِرِ كُلّهَا فُكّ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيّ مِنَ الرّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنّي شَرّ فَسَقَةِ الْجِنّ وَالْإِنْسِ اللّهُمّ لا تَمْكُرْ بِي وَ لا تَخْدَعْنِي وَ لا تَسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السّامِعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النّاظِرِينَ وَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا وَ لْيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ وَ أَنْتَ رَافِعٌ يَدَيْكَ إِلَى السّمَاءِ.

ص: ٣٩٦

اللّهُمّ حَاجَتِي الّتِي إِنْ أَعْطَيْتَهَا لَمْ يَضُرّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ.

اللّهُمّ إِنّي عَبْدُكَ وَ مِلْكُ يَدِكَ وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُوَفّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنّي وَأَنْ تُسَلّمَ مِنّي مَنَاسِكِيَ الّتِي أَرَيْتَهَا إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَكَ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهَا حَبِيبَكَ مُحَمّداً صلى الله عليه وسلم».

وَ لْيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ: «اللّهُمّ اجْعَلْنِي مِمّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَ أَطَلْتَ عُمُرَهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيّبَةً».

۵- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ:

إِنّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه وسلم وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ فَلَمّا هَمّتِ الشّمْسُ أَنْ تَغِيبَ قَبْلَ أَنْ تَنْدَفِعَ قَالَ:

«اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشَتّتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ شَرّ مَا يَحْدُثُ بِاللّيْلِ وَ النّهَارِ أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ وَ أَمْسَى ذُلّي مُسْتَجِيراً بِعِزّكَ».

اللّهُمّ حَاجَتِي الّتِي إِنْ أَعْطَيْتَهَا لَمْ يَضُرّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَ إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ.

اللّهُمّ إِنّي عَبْدُكَ وَ مِنْكُ يَدِكَ وَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُوَفّقَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنّي وَ أَنْ تُسَلّمَ مِنّي مَنَاسِكِيَ الّتِي أَرَيْتَهَا إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَكَ وَدَلَلْتَ عَلَيْهَا حَبِيبَكَ مُحَمّد صلی الله علیه وسلم»..

در ادامه دعا می گویی: «اللّهُمّ اجْعَلْنِي مِمّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَ أَطَلْتَ عُمُرَهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ حَيَاةً طَيّبَةً».

۵- عبد الله بن میمون گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم در عرفات توقف ،نمود هنگامی آفتاب می خواست غروب کند پیش از آن که به سرعت پنهان شود این گونه دعا فرمود:

«اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشَتّتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ شَرّ مَا يَحْدُثُ بِاللّيْلِ وَ النّهَارِ أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ وَ أَمْسَى ذُلّي مُسْتَجِيرًا بِعِزّكَ.

وَ أَمْسَى وَجْهِيَ الْفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى جَلِّلْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ أَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ». قَالَ عَبْدُ اللّهِ بْنُ مَيْمُونٍ وَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: «يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى وَ يَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ» ثُمّ سَلْ حَاجَتَكَ.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

لَيْسَ فِي شَيْءٍ مِنَ الدُّعَاءِ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ شَيْءٌ مُوَقَّتٌ.

٧- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

رَأَيْتُ عَبْدَ اللّهِ بْنَ جُنْدَبٍ بِالْمَوْقِفِ فَلَمْ أَرَ مَوْقِفَا كَانَ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِهِ مَا زَالَ مَادّاً يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ دُمُوعُهُ تَسِيلُ عَلَى خَدَّيْهِ حَتّى تَبْلُغَ الْأَرْضَ.

فَلَمّا انْصَرَفَ النّاسُ قُلْتُ لَهُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا رَأَيْتُ مَوْقِفاً قَطُّ أَحْسَنَ مِنْ مَوْقِفِكَ؟

وَ أَمْسَى وَجْهِيَ الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى جَلِّلْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ أَلْبِسْنِي عَافِيَتَكَ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

عبدالله بن میمون گوید: از پدرم شنیدم که می گفت: «يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَى وَ يَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ».

سپس حاجت خود را بخواه.

٦- ابوالجارود گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: برای غروب عرفه دعای مخصوصی نیست.

٧- علی بن ابراهیم از پدرش این گونه نقل می کند:

عبدالله بن جندب را در موقف عرفه دیدم که هیچ وقوفی را بهتر از وقوف او ندیده بودم، او پیوسته دست هایش را به سوی آسمان بلند نموده بود و اشک هایش برگونه اش جاری می شد تا به زمین می ریخت.

چون مردم رفتند به او گفتم: ای ابو محمد! هرگز موقفی بهتر از موقف تو ندیده ام.

ص: ۳۹۸

قَالَ: وَ اللّهِ مَا دَعَوْتُ إِلّا لِإِخْوَانِي وَ ذَلِكَ أَنّ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليهما السلام أَخْبَرَنِي أَنّهُ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَكَ مِائَةُ أَلْفِ ضِعْفِ مِثْلِهِ، فَكَرِهْتُ أَنْ أَدَعَ مِائَةَ أَلْفِ ضِعْفٍ مَضْمُونَةٌ لِوَاحِدٍ لَا أَدْرِي يُسْتَجَابُ أَمْ لَا.

۸- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ:

كَانَ عِيسَى بْنُ أَعْيَنَ إِذَا حَجّ فَصَارَ إِلَى الْمَوْقِفِ أَقْبَلَ عَلَى الدُّعَاءِ لِإِخْوَانِهِ حَتّى يُفِيضَ النّاسُ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: تُنْفِقُ مَالَكَ وَ تُنْعِبُ بَدَنَك حَتّى إِذَا صِرْتَ إِلَى الْمَوْضِعِ الّذِي تُبَثُّ فِيهِ الْحَوَائِجُ إِلَى اللّهِ عَزّوَجَلّ أَقْبَلْتَ عَلَى الدُّعَاءِ لِإِخْوَانِكَ وَ تَرَكْتَ نَفْسَكَ.

قَالَ: إِنّي عَلَى ثِقَةٍ مِنْ دَعْوَةِ الْمَلَكِ لِي وَ فِي شَكّ مِنَ الدُّعَاءِ لِنَفْسِي.

۹- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحُسَيْنِ السّلَمِيّ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَسْبَاطِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ أَوْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ جُنْدَبٍ قَالَ:

گفت: به خدا سوگند! به جز برای برادرانم دعا نکردم چرا که امام کاظم علیه السلام به من خبر داد که هرکس برای برادر خود در نبودنش دعا کند از عرش ندا شود «بر تو باد صد هزار برابر مانند آن» پس اکراه داشتم که صد هزار برابر تضمین شده را در مقابل یک دعایی که نمی دانم قبول شده یا نه، رها کنم.

۸- ابن ابی عمیر گوید: هرگاه عیسی بن اعین به حج مشرّف می شد و به موقف می رسید به دعا رو می آورد و به برادران خود دعا می کرد تا مردم از آن جا کوچ می کردند.

گوید: به او گفتم: مالت را می دهی و بدنت را به زحمت می اندازی تا به این جا می رسی که دعا به درگاه خداوند عزوجل در آن اظهار می شود و به برادرانت دعا می کنی و خود را رها می نمایی؟

گفت: من به دعای فرشته اعتماد دارم ولی نسبت به دعا بر خودم در شک و تردیدم.

۹- ابراهیم بن ابی بلاد - یا عبدالله بن جندب - گوید: -

ص: ۳۹۹

كُنْتُ فِي الْمَوْقِفِ فَلَمّا أَفَضْتُ لَقِيتُ إِبْرَاهِيمَ بْنَ شُعَيْبٍ فَسَلّمْتُ عَلَيْهِ وَ كَانَ مُصَاباً بِإِحْدَى عَيْنَيْهِ وَ إِذَا عَيْنُهُ الصّحِيحَةُ حَمْرَاءُ كَأَنّهَا عَلَقَةُ دَمٍ.

فَقُلْتُ لَهُ: قَدْ أُصِبْتَ بِإِحْدَى عَيْنَيْكَ وَ أَنَا وَ اللّهِ مُشْفِقٌ عَلَى الْأُخْرَى فَلَوْ قَصَرْتَ مِنَ الْبُكَاءِ قَلِيلاً.

فَقَالَ: وَ اللّهِ يَا أَبَا مُحَمّدٍ ! مَا دَعَوْتُ لِنَفْسِيَ الْيَوْمَ بِدَعْوَةٍ.

فَقُلْتُ: فَلِمَنْ دَعَوْتَ؟

قَالَ: دَعَوْتُ لِإِخْوَانِي، لِأَنّي سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام يَقُولُ: «مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ وَكَلَ اللّهُ بِهِ مَلَكاً يَقُولُ وَ لَكَ مِثْلَاهُ»، فَأَرَدْتُ أَنْ أَكُونَ إِنّمَا أَدْعُو لِإِخْوَانِي وَ يَكُونَ الْمَلَكُ يَدْعُو لِي لِأَنّي فِي شَكٍّ مِنْ دُعَائِي لِنَفْسِي، وَ لَسْتُ فِي شَكٍّ مِنْ دُعَاءِ الْمَلَكِ لِي.

۱۰- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ قَالَ:

در موقف عرفات بودم چون برگشتم ابراهیم بن شعیب را ملاقات نمودم بر او سلام کردم، یکی از چشمان او معیوب بود و چشم سالم او هم همانند لخته خونی سرخ بود. به او گفتم یکی از چشمانت معیوب است به خدا سوگند! من به چشم دیگرت می ترسم ای کاش کمتر گریه می کردی.

گفت: به خدا قسم ای ابو محمد! من امروز برای خودم چیزی نخواستم.

گفتم: پس برای چه کسی خواستی؟

گفت: برای برادرانم، زیرا از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هرکه به برادرش در نبود او دعا کند خداوند فرشته ای به او بگمارد می گوید بر تو باد دو برابر آن» پس خواستم که به برادرانم دعا کنم و فرشته به من دعا کند زیرا که در دعا بر خود در شک و تردید هستم و در دعای فرشته بر خود شک و تردید ندارم.

۱۰- عمرو بن ابی مقدام گوید: -

ص: ۴۰۰

رَأَیْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام یَوْمَ عَرَفَةَ بِالْمَوْقِفِ وَ هُوَ یُنَادِي بِأَعْلَی صَوْتِهِ:

أَیُّهَا النّاسُ! إِنّ رَسُولَ اللّهِ لهِ صلی الله علیه وسلم کَانَ الْإِمَامَ ثُمّ کَانَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمّ الْحَسَنُ ثُمّ الْحُسَیْنُ ثُمّ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَیْنِ ثُمّ مُحَمّدُ بْنُ عَلِي علیهم السلام ثُمّ هَهْ.

فَیُنَادِي ثَلَاثَ مَرّاتٍ لِمَنْ بَیْنَ یَدَیْهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ یَسَارِهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ اثْنَی عَشَرَ صَوْتاً.

وَ قَالَ عَمْرُو: فَلَمّا أَتَیْتُ مِنًی سَأَلْتُ أَصْحَابَ الْعَرَبِیّةِ عَنْ تَفْسِیرِ هَهْ.

فَقَالُوا: هَهْ لُغَةٌ بَنِي فَلَانٍ أَنَا فَاسْأَلُونِي.

قَالَ: ثُمّ سَأَلْتُ غَیْرَهُمْ أَیْضاً مِنْ أَصْحَابِ الْعَرَبِیّةِ، فَقَالُوا مِثْلَ ذَلِكَ.

١١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا ضَاقَتْ عَرَفَةٌ كَيْفَ يَصْنَعُونَ؟

قَالَ: يَرْتَفِعُونَ إِلَى الْجَبَلِ.

امام صادق علیه السلام را در روز عرفه در موقف دیدم. آن حضرت به آواز بلند ندا می داد ای مردم! به راستی رسول خدا صلی الله علیه وسلم امام بود، بعد علی بن ابی طالب بود، بعد حسن بعد حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی علیهم السلام آن گاه من، پس از من بپرسید.

حضرتش سه مرتبه برای کسانی که پیش رو دست راست دست چپ و پشت سرش بودند دوازده ندا داد.

عمرو گوید: هنگامی که به منا رفتم از اهل لغت عرب در مورد تفسیر واژه «هه» پرسیدم.

گفتند: «هه» در لغت بنی فلان: به این معناست: «منم. پس از من بپرسید».

گوید: آن گاه از اهل لغت عرب دیگر پرسیدم همان معنا را گفتند.

١١- سماعه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: هرگاه جایگاه عرفه نسبت به جمعیت تنگ شود چه وظیفه دارند؟

فرمود: بر بالای کوه بروند.

ص: ٤٠١

بخش صدو شصت و ششم

اشاره

(١٦٦)

بَابُ الْإِفَاضَةِ مِنْ عَرَفَاتٍ.

١ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَن ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: مَتَى الْإِفَاضَةُ مِنْ عَرَفَاتٍ؟

قَالَ: إِذَا ذَهَبَ الْحُمْرَةُ، يَعْنِي مِنَ الْجَانِبِ الشَّرْقِيِّ.

٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

إِنَّ الْمُشْرِكِينَ كَانُوا يُفِيضُونَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ، فَخَالَفَهُمْ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم فَأَفَاضَ بَعْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.

کوچ کردن از عرفات

١- یونس بن یعقوب گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کی می توان از عرفات کوچ کرد؟

فرمود: هرگاه سرخی از جانب شرقی برود.

٢- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: شرک ورزان پیش از غروب آفتاب کوچ می کردند، رسول خدا صلی الله علیه وسلم با آنها مخالفت نموده بعد از غروب آفتاب کوچ نمود.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ فَأَفِضْ مَعَ النّاسِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ أَفِضْ بِالِاسْتِغْفَارِ، فَإِنَّ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللّهَ إِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) فَإِذَا انْتَهَيْتَ إِلَى الْكَثِيبِ الْأَحْمَرِ عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ فَقُل:

«اللّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَ زِدْ فِي عِلْمِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي».

وَ إِيّاكَ وَ الْوَجِيفَ الَّذِي يَصْنَعُهُ النّاسُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه وسلم قَالَ: «أَيُّهَا النّاسُ! إِنَّ الْحَجَّ لَيْسَ بِوَجِيفِ الْخَيْلِ وَ لا إِيضَاعِ الْإِبِلِ، وَ لَكِنِ اتَّقُوا اللّهَ وَ سِيرُوا سَيْراً جَمِيلاً، لا تُوَتُوا ضَعِيفاً وَ لا تُوَطِّنُوا مُسْلِماً وَ تَوَأْدُوا وَ اقْتَصِدُوا فِي السَّيْرِ».

فَإِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه وسلم كَانَ يَكُفُّ نَاقَتَهُ حَتّى يُصِيبَ رَأْسُهَا مُقَدَّمَ اليَجْل وَ يَقُولُ: «أَيُّهَا النّاسُ! عَلَيْكُمْ بِالدَّعَةِ». فَسُنَّةُ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم تُتَّبَعُ.

قَالَ مُعَاوِيَةُ: وَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ:

«اللّهُمَّ أَعْتِقْنِي مِنَ النّارِ» وَكَرَّرَهَا حَتّى أَفَاضَ.

گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه آفتاب غروب کرد پس با مردم رهسپار شو و بر تو باد آرامش و وقار و کوچ کن با استغفار کردن زیرا خداوند عزوجل می فرماید: «آن گاه از همان جا که مردم کوچ می کنند (به سرزمین منا) کوچ کنید؛ و از خدا آمرزش خواهید که خدا آمرزنده مهربان است». پس چون به تل سرخ که در سمت راست جاده است رسیدی بگو:

«اللّهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي وَ زِدْ فِي عِلْمِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مَنَاسِكِي».

و از تند راندن شتران و اسبان بپرهیز چنان چه مردم می کنند، زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «ای مردم! حج به تند روی اسبان و شتران نیست ولی از خدا بترسید و بروید و نیک برانید، هیچ ناتوان و مسلمانی را زیر پای نگیرید با آرامش و میانه روی حرکت کنید».

زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم شتر خود را باز می داشت تا سرش به بالای پا می رسید و می فرمود: «ای مردم! بر شما باد به سواری» پس سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم قابل پیروی است.

علیه والله معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «اللّهُمّ أَعْتِقْنِي مِنَ النّارِ» و آن را تکرار می نمود تا کوچ می کرد.

ص: ۴۰۳

فَقُلْتُ: أَلا تُفِيضُ فَقَدْ أَفَاضَ النّاسُ؟

فَقَالَ: إِنّي أَخَافُ الزّحَامَ وَأَخَافُ أَنْ أَشْرَكَ فِي عَنَتِ إِنْسَانٍ.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ فِي آخِرِ كَلَامِهِ حِينَ أَفَاضَ:

«اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ أَوْ أَقْطَعَ رَحِماً أَوْ أُوذِيَ جَاراً».

٤- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ ضُرَيْسٍ الْكُنَاسِيّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ قَبْلَ أَنْ تَغِيبَ الشّمْسُ.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ يَنْحَرُهَا يَوْمَ النّحْرِ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ صَامَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا بِمَكّةَ أَوْ فِي الطّرِيقِ أَوْ فِي أَهْلِهِ.

گفتم: آیا کوچ نمی کنید که مردم کوچ کردند؟

فرمود: من از ازدحام بیم دارم، می ترسم در آزار و سختی انسانی شریک شوم.

٣- هارون بن خارجه :گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که در زمان کوچ در پایان کلامش می فرمود: «اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَقْطَعَ رَحِماً أَوْ أُوذِيَ جَاراً».

٤- ضریس کناسی گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم کسی که پیش از غروب آفتاب کوچ کرده چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: شتر فربه بر عهده اوست که روز قربانی نحر کند و اگر نتوانست هیجده روز در مکه یا در راه یا در وطنش روزه بگیرد.

ص: ٤٠٤

٥- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

يُوَكّلُ اللّهُ عَزّوَجَلّ مَلَكَيْنِ بِمَأْزِمَيْ عَرَفَةَ فَيَقُولانِ: سَلّمْ سَلّمْ.

٦- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيّ بْنِ النّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

مَلَكَانِ يُفَرّجَانِ لِلنّاسِ لَيْلَةَ مُزْدَلِفَةً عِنْدَ الْمَأْزِمَيْنَ الضّيّقَيْن.

بخش صدو شصت و هفتم

اشاره

(١٦٧)

بَابُ لَيْلَةِ الْمُزْدَلِفَةِ وَالْوُقُوفِ بِالْمَشْعَرِ وَالْإِفَاضَةِ مِنْهُ وَ حُدُودِهِ.

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ وَ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

٥- عبدالله بن سنان گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

خداوند دو فرشته را در تنگناى دو كوه عرفه مى گمارد، پس مى گويند: بى آزار باش! بى آزار باش!.

٦- سعيد اعرج گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

دو فرشته در شب مزدلفه نزد تنگناى دو كوه بر مردم راه باز مى كنند.

رفتن به مزدلفه شب هنگام، ايستادن در دامنه كوه مشعر و فرود آمدن از آن و حدود آن

١- حلبى گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: -

ص: ٤٠٥

لا تُصَلِّ الْمَغْرِبَ حَتّى تَأْتِيَ جَمْعاً فَتُصَلِّيَ بِهَا الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الآخِرَةَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَإِقَامَتَيْنِ، وَ انْزِلْ بِبَطْنِ الْوَادِي عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ قَرِيباً مِنَ الْمَشْعَرِ.

وَ يُسْتَحَبُّ لِلصَّرُورَةِ أَنْ يَقِفَ عَلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ يَطَأَهُ بِرِجْلِهِ وَ لَا يُجَاوِزِ الْحِيَاضَ لَيْلَةَ الْمُزْدَلِفَةِ وَ يَقُولُ:

«اللّهُمَّ هَذِهِ جَمْعُ اللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ اللّهُمَّ لَا تُؤْبِسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَ أَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و إن اسْتَطَعْتَ أَنْ تُحْيِيَ تِلْكَ اللَّيْلَةَ فَافْعَلْ فَإِنَّهُ بَلَغَنَا أَنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لَا تُغْلَقُ تِلْكَ اللَّيْلَةَ لِأَصْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، لَهُمْ دَوِيٌّ كَدَوِيِّ النَّحْلِ، يَقُولُ اللّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ: «أَنَا رَبُّكُمْ وَأَنْتُمْ عِبَادِي أَدَّيْتُمْ حَقِّي وَ حَقَّ

عَلَيّ أَنْ أَسْتَجِيبَ لَكُمْ»، فَيَحُطُّ اللّهُ تِلْكَ اللّيْلَةَ عَمّنْ أَرَادَ أَنْ يَحُطّ عَنْهُ ذُنُوبَهُ وَ يَغْفِرُ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ.

نماز مغرب را مگزار تا به گروه بپیوندی و نماز مغرب و عشا را به یک اذان و دو اقامه در مزدلفه بخوانی و به هنگام فرود در وسط وادی از دست راست نزدیک مشعر فرود آی. و مستحب است برای کسی که نخستین بار حج انجام می دهد در مشعرالحرام توقف کند و بر آن پا بگذارد و در شب مزدلفه از حوض ها نگذرد و بگوید:

«اللّهُمّ هَذِهِ جَمْعُ اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ اللّهُمّ لَا تُؤْيِسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرّفَنِي مَا عَرّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَ أَنْ تَقِيَنِي جَوَامِعَ الشّرّ».

و اگر توانستی آن شب را احیاء داری انجام بده، زیرا به ما روایت شده است که درب های آسمان در آن شب بر صوت های مؤمنان بسته نمی شود، آنان صدایی همانند صدای زنبور دارند خداوندی که ثنای او بزرگ است می فرماید: «أَنَا رَبُّكُمْ وَأَنْتُمْ عِبَادِي أَدّيْتُمْ حَقّي وَ حَقٌّ عَلَيّ أَنْ أَسْتَجِيبَ لَكُمْ». خداوند در آن شب گناه آن که را خواهد می ریزد و آن که را بخواهد او را می بخشد.

ص: ٤٠٦

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيٌّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عَنْبَسَةَ بْن مُصْعَب قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الرّكَعَاتِ الّتِي بَعْدَ الْمَغْرِبِ لَيْلَةَ الْمُزْدَلِفَةِ.

فَقَالَ: صَلّهَا بَعْدَ الْعِشَاءِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ.

٣- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَجُل عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يُسْتَحَبُّ لِلضَّرُورَةِ أَنْ يَطَأُ المَشْعَرَ الْحَرَامَ وَأَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بن شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

أصبح عَلَى طُهْرٍ بَعْدَ مَا تُصَلّى الْفَجْرَ فَقِفْ إِنْ شِئْتَ قَرِيباً مِنَ الْجَبَلِ، وَإِنْ شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ، فَإِذَا وَقَفْتَ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ اذْكُرْ مِنْ آلَائِهِ وَ بَلَائِهِ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم وَ لْيَكُنْ مِنْ قَوْلِكَ:

٢- عنبسة بن مصعب گويد: از امام صادق عليه السلام در مورد نمازهای بعد از نماز مغرب در مزدلفه پرسيدم؟

فرمود: بعد از عشاء چهار ركعت نماز بخوان.

٣- راوی گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

مستحب است برای كسی كه نخستين بار حج انجام می دهد گام بر مشعر الحرام بنهد و داخل كعبه شود.

٤- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

در مشعر بعد از نماز صبح با وضو صبح را آغاز كن. پس اگر خواستی نزديک كوه مشعر بايست و يا هرجا كه خواستی آن گاه كه ايستادی خدا را حمد كن و ثنايش نما و هرچه توانستی از نعمت ها و بلاهای او ياد كن و بر پيامبر صلی الله عليه وسلم دورود فرست و اين دعا را بخوان:

«اللّهُمّ رَبّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنّي شَرّ فَسَقَةِ الْجِنّ وَالْإِنْسِ اللّهُمّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرُ مَدْعُوٍ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ وَ لِكُلّ وَافِدٍ جَائِزَةً فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي، ثُمّ اجْعَلِ التّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي» ثُمّ أَفِضْ حِينَ يُشْرِقُ لَكَ تَبِيرٌ وَ تَرَى الْإِبِلُ مَوْضِعَ أَخْفَافِهَا.

۵- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام أَيُّ سَاعَةٍ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ أُفِيضَ مِنْ جَمْعٍ؟

فَقَالَ: قَبْلَ أَنْ تَطْلُعَ الشّمْسُ بِقَلِيلٍ فَهِيَ أَحَبُّ السّاعَاتِ إِلَيّ.

قُلْتُ: فَإِنْ مَكَثْنَا حَتّى تَطْلُعَ الشّمْسُ.

قَالَ: لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.

۶- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّه عليه السلام قَالَ:

«اللّهُمّ رَبّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُكَ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنّي شَرّ فَسَقَةِ الْجِنّ وَالْإِنْسِ اللّهُمّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرُ مَدْعُوَ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ وَلِكُلّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْذِرَتِي وَ أَنْ تَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَتِي، ثُمّ اجْعَلِ التّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

سپس روان شو تا برای تو کوه ثبیر نمایان شود و شتران جای پای خود را ببینند.

۵- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کدام ساعت نزد شما بهتر است برای کوچ کردن از جمع؟

فرمود: کمی پیش از طلوع آفتاب آن بهترین ساعات نزد من است.

گفتم: اگر درنگ نمودیم تا آفتاب طلوع کرد؟

فرمود: ایرادی ندارد.

٦- هشام بن سالم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ٤٠٨

لا تُجَاوِزْ وَادِيَ مُحَسّرٍ حَتّى تَطْلُعَ الشّمْسُ.

بخش صدو شصت و هشتم

اشاره

(١٦٨)

بَابُ السّعْيِ فِي وَادِي مُحَدّرٍ.

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ وَغَيْرِهِ عَنْ عند الله علیه السلام:

أَنّهُ قَالَ لِبَعْضِ وُلْدِهِ: هَلْ سَعَيْتَ فِي وَادِي مُحَسّرٍ؟

فَقَالَ: لا .

قَالَ: فَأَمَرَهُ أَنْ يَرْجِعَ حَتّى يَسْعَى.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ ابْنُهُ: لَا أَعْرِفُهُ.

فَقَالَ لَهُ: سَل النّاسَ.

از وادی محسر نگذرید تا آفتاب طلوع نماید.

هروله و تند روی در وادی محسّر

۱- حفص بن بختری و راوی دیگری گویند امام صادق علیه السلام به یکی از فرزندانش فرمود:

آیا در وادی محسر تندروی کردی؟

گفت: نه.

پس به او دستور فرمود که برگردد و هروله نماید.

فرزندش به حضرتش گفت آن جا را نمی شناسم.

فرمود: از مردم بپرس.

ص: ۴۰۹

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ: مَرَّ رَجُلٌ بِوَادِي مُحَسِّرٍ فَأَمَرَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بَعْدَ الِانْصِرَافِ إِلَى مَكَّةَ أَنْ يَرْجِعَ فَيَسْعَى.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا مَرَرْتَ بِوَادِي مُحَسِّرٍ وَ هُوَ وَادٍ عَظِيمٌ بَيْنَ جَمْعٍ وَ مِنًى وَ هُوَ إِلَى مِنًى أَقْرَبُ فَاسْعَ فِيهِ حَتَّى تُجَاوِزَهُ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم حَرَّكَ نَاقَتَهُ وَ قَالَ: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي وَ أَجِبْ دَعْوَتِي وَ اخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

الْحَرَكَةُ فِي وَادِي مُحَسِّرٍ مِائَةُ خُطْوَةٍ.

٥- أَبُو عَلِيّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

٢- یکی از اصحاب ما گوید: مردی از وادی محسر گذشت امام صادق علیه السلام دستور فرمود که بعد از رفتن به مکه برگشته و هروله نماید.

٣- معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

چون از وادی محسر گذشتی که آن - وادی بزرگی است ما بین جمع و منا است و آن به منا نزدیکتر است - پس در آن سعی و هروله کن تا آن جا را بگذری؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم شتر خود را به حرکت و تندروی واداشت و فرمود: «اللّهُمّ سَلّمْ لِي عَهْدِي وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي وَ أَجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلُفْنِي فِيمَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

٤- محمد بن اسماعیل گوید: امام ابو الحسن علیه السلام فرمود:

تند روی در وادی محسر به اندازه صد گام است.

٥- اسحاق بن عمار گوید:

ص: ٤١٠

سَأَلْتُهُ عَنْ حَدُّ جَمْعٍ.

قَالَ: مَا بَيْنَ الْمَأْزِمَيْنِ إِلَى وَادِي مُحَدِّرٍ.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النِّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: حَدُّ الْمُزْدَلِفَةِ مِنْ مُحَسِّرٍ إِلَى الْمَأْزِمَيْنِ.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا كَثرَ النَّاسُ بِجَمْعٍ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ؟

قَالَ: يَرْتَفِعُونَ إِلَى الْمَأْزِمَيْنِ.

٨- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَاصِمِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّيْمُلِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْأَزْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

الرَّمَلُ فِي وَادِي مُحَسِّرٍ قَدْرُ مِائَةِ ذِرَاعٍ.

از امام کاظم علیه السلام در مورد حدود جمع پرسیدم.

فرمود: ما بین ما زمین تا وادی محسر است.

٦- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حدود مزدلفه از وادی محسر تا مأزمین است.

٧- سماعه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چون مردم در جمع زیاد شدند و جا بر آنها تنگ شد، چه وظیفه ای دارند؟

فرمود: به طرف مأزمین بالا روند.

۸- عمربن یزید گوید:

تند روی و هروله در وادی محسر به اندازه صد گام است.

ص: ٤١١

بخش صدو شصت و نهم

اشاره

(١٦٩)

بَابُ مَنْ جَهِلَ أَنْ يَقِفَ بِالْمَشْعَرِ.

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْن عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الرَّجُلُ الْأَعْجَمِيُّ وَ الْمَرْأَةُ الضَّعِيفَةُ يَكُونَانِ مَعَ الْجَمَّالِ الْأَعْرَابِي فَإِذَا أَفَاضَ بِهِمْ مِنْ عَرَفَاتٍ مَرَّ بِهِمْ كَمَا مَرَّ بِهِمْ إِلَى مِنًى وَ لَمْ يَنْزِلْ بِهِمْ جمْعاً.

فَقَالَ: أَلَيْسَ قَدْ صَلَّوْا بِهَا فَقَدْ أَجْزَاهُمْ؟

قُلْتُ: وَإِنْ لَمْ يُصَلُّوا بِهَا؟

قَالَ: ذَكَرُوا اللَّهَ فِيهَا، فَإِنْ كَانُوا ذَكَرُوا اللَّهَ فِيهَا فَقَدْ أَجْزَأَهُمْ.

حکم کسی که از وقوف در مشعر آگاهی نداشت

۱- محمد بن حکیم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم مرد ناآگاهی به همراه زن ناتوانی با شتربان صحرانشین همسفرند، هنگامی که آنها را از عرفات کوچ می داد همانند کوچ دادن از منا بود و آنها را در جمع پیاده نکرد (چه وظیفه ای دارند؟)

فرمود: آیا در آن جا نماز نخواندند؟ همان کفایت می کند.

گفتم: اگر آن جا نماز نخوانده باشند چه؟

فرمود: خدا را یاد نمودند پس اگر در آنجا به یاد خدا بودند آنها را کفایت می کند.

ص: ۴۱۲

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ صَاحِبَيَّ هَذَيْنِ جَهِلَا أَنْ يَقِفَا بِالْمُزْدَلِفَةِ.

فَقَالَ: يَرْجِعَانِ مَكَانَهُمَا فَيَقِفَانِ بِالْمَشْعَرِ سَاعَةً.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَمْ يُخْبِرْهُمَا أَحَدٌ حَتَّى كَانَ الْيَوْمُ وَ قَدْ نَفَرَ النَّاسُ.

قَالَ: فَنَكَسَ رَأْسَهُ سَاعَةً، ثُمَّ قَالَ: أَلَيْسَا قَدْ صَلَّيَا الْغَدَاةَ بِالْمُزْدَلِفَةِ؟

قُلْتُ: بَلَى.

فَقَالَ: أَلَيْسَا قَدْ قَنَتَا فِي صَلَاتِهِمَا؟

قُلْتُ: بَلَى.

فَقَالَ: تَمَّ حَبُّهُمَا.

ثُمّ قَالَ: الْمَشْعَرُ مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ وَ الْمُزْدَلِفَةُ مِنَ الْمَشْعَرِ وَإِنّمَا يَكْفِيهِمَا الْيَسِيرُ مِنَ الدُّعَاءِ.

۲ – ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم قربانت گردم این دو نفر همراهانم متوجه نبودند که باید در مزدلفه وقوف کنند؟

فرمود: به مشعر برگردند و ساعتی در آنجا توقف نمایند.

گفتم: کسی که به آنها تا به امروز خبر نداده بود و مردم هم رفته اند؟

حضرت لحظاتی سرش را پایین انداخت آن گاه فرمود: آیا نماز صبح را در مزدلفه نخوانده اند؟

گفتم: آری.

فرمود: آیا در نمازشان قنوت نکرده اند؟

گفتم: چرا.

فرمود: حجشان تمام است.

سپس فرمود: مشعر از مزدلفه و مزدلفه از مشعر است، همانا کم ترین دعا در آنها کفایت می کند.

ص: ۴۱۳

۳- مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأَتَى مِنّي؟

قَالَ: فَلْيَرْجِعْ فَيَأْتِي جَمْعاً فَيَقِفُ بِهَا، وَإِنْ كَانَ النّاسُ قَدْ أَفَاضُوا مِنْ جَمْعٍ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قال:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رَجُلٌ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ فَمَرَّ بِ الْمَشْعَرِ فَلَمْ يَقِفْ حَتَّى إِلَى مِنًى وَ رَمَى الْجَمْرَةَ وَ لَمْ يَعْلَمْ حَتَّى ارْتَفَعَ النَّهَارُ.

قَالَ: يَرْجِعُ إِلَى الْمَشْعَرِ فَيَقِفُ بِهِ ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَرْمِي الْجَمْرَةَ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَثْعَمِيِّ عَنْ عَبْدِ الله عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ لَمْ يَقِفْ بِالْمُزْدَلِفَةِ وَ لَمْ يَبِتْ بِهَا حَتَّى أَتَى مِنًى.

٣- معاوية بن عمار گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: نظر شما درباره مردى كه از عرفات كوچ كرده (بدون توقف در مشعر) به منا آمده است چيست؟

فرمود: به جمع مزدلفه برگردد و در آنجا وقوف كند، گرچه مردم از جمع رفته باشند.

٤- يونس بن يعقوب گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردى كه از عرفات كوچ كرده و از مشعر هم گذشته و توقف نكرده تا به منا رسيده و سنگ جمره عقبه را هم انداخته و باز ندانسته تا روز بلند شده است (چه وظيفه اى دارد؟).

فرمود: به مشعر بر مى گردد و آن جا توقف مى كند سپس بر مى گردد و به جمره عقبه سنگ مى اندازد.

٥- محمد بن يحيى خثعمى گويد امام صادق عليه السلام در مورد كسى كه در مزدلفه توقف و بيتوته نكرده تا به منا آمده فرمود: -

فَقَالَ:

أَلَمْ يَرَ النّاسَ وَ لَمْ يُنْكِرْ مِنِّي حِينَ دَخَلَهَا؟ قُلْتُ: فَإِنْ جَهِلَ ذَلِكَ.

قَالَ: يَرْجِعُ

قُلْتُ: إِنّ ذَلِكَ قَدْ فَاتَهُ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

٦- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَفَاضَ مِنْ عَرَفَاتٍ مَعَ النّاسِ، وَ لَمْ يَلْبَثْ مَعَهُمْ بِجَمْعٍ، وَ مَضَى إِلَى مِنًى مُتَعَمِّداً أَوْ مُسْتَخِفًا فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ.

آیا مردم را ندیده و در منا هم چون داخل شد به یاد نیاورده است؟

گفتم: اگر به آن هم آگاه نبود چه؟

فرمود: بر می گردد.

گفتم: وقت آن گذشته است؟

فرمود: ایرادی ندارد.

٦- حریز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه از عرفات با مردم کوچ کند و با آنها در جمع مزدلفه توقف نکند و از روی عمد و یا بی اعتنایی به منا برود بر اوست که یک شتر قربانی کند.

بخش صدو هفتادم

اشاره

(۱۷۰)

بَابُ مَنْ تَعَجّلَ مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ قَبْلَ الْفَجْرِ.

۱- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْن زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبِ عَنْ عَلِيّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَع عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

فِي رَجُلٍ وَقَفَ مَعَ النّاسِ بِجَمْعٍ ثُمّ أَفَاضَ قَبْلَ أَنْ يُفِيضَ النّاسُ.

قَالَ: إِنْ كَانَ جَاهِلاً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ كَانَ أَفَاضَ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَعَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيَ الْوَشّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَعِيدٍ السّمَانِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ:

إِنّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه وسلم عَجّلَ النّسَاءَ لَيْلاً مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ إِلَى مِنّي وَ أَمَرَ مَنْ كَانَ مِنْهُنّ عَلَيْهَا هَدْيٌ أَنْ تَرْمِي وَ لا تَبْرَحَ حَتّى تَذْبَحَ، وَ مَنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا مِنْهُنّ هَدْيٌ أَنْ تَمْضِيَ إِلَى مَكّةَ حَتّى تَزُورَ.

حکم کسی که پیش از طلوع فجر باشتاب از مزدلفه کوچ کند

۱- مسمع گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که با مردم در مزدلفه توقف نموده بود، آن گاه پیش از مردم از آن جا کوچ کرد فرمود:

اگر نمی دانست چیزی بر او نیست، و اگر پیش از طلوع فجر کوچ کرده بر اوست که یک گوسفند قربانی کند.

۲- سعید سمّان گوید: از امام صادق علیه السلام د شنیدم که می فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم برای زنان در شب تعجیل می فرمود که از مزدلفه به منا بروند و دستور فرمود که هرکس از آنها قربانی بر ذمه دارد سنگ جمره را انداخته و بلافاصله قربانی نماید و آن که برگردنش قربانی نیست به مکه برود و زیارت نماید.

ص: ٤١٦

٣- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَاعٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِأَنْ يُفِيضَ الرَّجُلُ بِلَيْلٍ إِذَا كَانَ خَائِفاً.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْن زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

أَيُّمَا امْرَأَةٍ أَوْ رَجُلٍ خَائِفٍ أَفَاضَ مِنَ المَشْعَرِ الْحَرَامِ لَيْلاً فَلَا بَأْسَ فَلْيَرْمِ الْجَمْرَةَ ثُمَّ لْيَمْضِ وَلْيَأْمُرْ مَنْ يَذْبَحُ عَنْهُ وَ تُقَصِّرُ الْمَرْأَةُ وَ يَحْلِقُ الرَّجُلُ ثُمَّ لْيَطُفْ بِالْبَيْتِ وَبِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمَّ لْيَرْجِعْ إِلَى مِنًى فَإِنْ أَتَى مِنًى وَ لَمْ يُذْبَحْ عَنْهُ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَذْبَحَ هُوَ وَ لْيَحْمِلِ الشَّعْرَ إِذَا حَلَقَ بِمَكَّةَ إِلَى مِنًى، وَإِنْ شَاءَ قَصَّرَ إِنْ كَانَ قَدْ حَجَّ قَبْلَ ذَلِكَ.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۳- یکی از اصحاب ما گوید: امام (باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام) فرمود:

ایرادی ندارد کسی که بترسد شبانه از مزدلفه کوچ کند.

٤- علی بن ابی حمزه گوید: امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

هر زن یا مردی که شب هنگام بترسد و از مشعر الحرام برود ایرادی ندارد که به جمره عقبه سنگ زده بعد برود و به یکی بگوید که از جانب او قربانی کند. زن می تواند مو کوتاه کند و مرد سر بتراشد، سپس طواف بیت و سعی صفا و مروه نماید، آنگاه به منا برگردد و اگر به منا آمد که از جانب او قربانی نشده؛ ایرادی ندارد که خود قربانی کند و هرگاه در مکه سرش را بتراشد موهایش را به منا بیاورد و اگر پیش تر حج نموده باشد می تواند تقصیر نماید.

٥- ابو بصیر گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

رَخّصَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم لِلنِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ أَنْ يُفِيضُوا بِلَيْلٍ وَ يَرْمُوا الْجِمَارَ بِلَيْلٍ، وَأَنْ يُصَلُّوا الْغَدَاةَ فِي مَنَازِلِهِمْ، فَإِنْ خِفْنَ الْحَيْضَ مَضَيْنَ إِلَى مَكّةَ، وَ وَكّلْنَ مَنْ يُضَحّى عَنْهُنّ.

٦- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ:

لا بَأْسَ بِأَنْ تُقَدّمَ النّسَاءُ إِذَا زَالَ اللّيْلُ فَيَقِفْنَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ سَاعَةً، ثُمّ يُنْطَلَقُ بِهِنّ إِلَى مِنّى فَيَرْمِينَ الْجَمْرَةَ ثُمّ يَصْبِرْنَ سَاعَةً ثُمّ يُقَصّرْنَ وَ يَنْطَلِقْنَ إِلَى مَكّةَ فَيَطُفْنَ إِلّا أَنْ يَكُنّ يُرِدْنَ أَنْ يُذْبَحَ عَنْهُنّ ، فَإِنّهُنّ يُوَكّلْنَ مَنْ يَذْبَحُ عَنْهُنّ.

٧- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيّ بْنِ النّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَعَنَا نِسَاءٌ فَأَفِيضُ بِهِنّ بِلَيْلٍ؟

قَالَ: نَعَمْ، تُرِيدُ أَنْ تَصْنَعَ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم؟

قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ.

رسول خدا صلى الله عليه وسلم به زنان و كودكان رخصت داد كه شب هنگام از مزدلفه كوچ كنند و سنگ ها را شب بيندازند و نماز صبح را در خانه هايشان بخوانند و اگر زن ها از حيض شدن بترسند به مكه بروند و يكى را براى قربانى وكيل كنند.

٦- ابوبصير گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى فرمود:

ايرادى بر زنان نيست كه چون نصف شب شود ساعتى نزد مشعر الحرام توقف نموده بعد آنها را به منا روانه كنند كه به جمره عقبه سنگ بزنند بعد ساعتى درنگ كنند آن گاه مو كوتاه نموده و به سوى مكه بروند و طواف نمايند، مگر اين كه بخواهند از جانب خود وكيل گرفته و قربانى كنند كه چنين نمايند.

٧- سعد اعرج گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: قربانت گردم! همراه ما زنانى آمده اند، مى توانيم شبانه آنها را از مزدلفه كوچ دهيم؟

فرمود: آرى، مى خواهى همانند رسول خدا صلى الله عليه وسلم انجام دهى؟

گويد: گفتم: آرى.

ص: ٤١٨

فَقَالَ: أَفِضْ بِهِنّ بِلَيْلٍ وَ لَا تُفِضْ بِهِنّ حَتّى تَقِفَ بِهِنّ بِجَمْعٍ، ثُمّ أَفِضْ بِهِنّ حَتّى تَأْتِيَ بِهِنّ الْجَمْرَةَ الْعُظْمَى فَيَرْمِينَ الْجَمْرَةَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِنّ ذَبْحٌ فَلْيَأْخُذْنَ مِنْ شُعُورِهِنّ وَ يُقَصّرْنَ مِنْ أَظْفَارِهِنّ وَ يَمْضِينَ إِلَى مَكّةَ فِي وُجُوهِهِنّ وَ يَطُفْنَ بِالْبَيْتِ وَيَسْعَيْنَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ ثُمّ يَرْجِعْنَ إِلَى الْبَيْتِ وَ يَطُفْنَ أُسْبُوعاً ثُمّ يَرْجِعْنَ إِلَى مِنّي وَ قَدْ فَرَغْنَ مِنْ حَجّهِنّ .

وَ قَالَ: إِنّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم أَرْسَلَ مَعَهُنّ أُسَامَةَ.

۸- عَلِيٌ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيّ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

رَخّصَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم لِلنّسَاءِ وَ الضّعَفَاءِ أَنْ يُفِيضُوا مِنْ جَمْعٍ بِلَيْلٍ، وَ أَنْ يَرْمُوا الْجَمْرَةَ بِلَيْلٍ، فَإِنْ أَرَادُوا أَنْ يَزُورُوا الْبَيْتَ وَكّلُوا مَنْ يَذْبَحُ عَنْهُنّ.

فرمود: آنها را شبانه کوچ بده تا در مزدلفه وقوف کنند، سپس آنها را نزد جمره عقبه بزرگتر ببر تا سنگ به جمره زنند و اگر قربانی ندارند بایستی از مو و ناخن خود کوتاه کنند و به مکه بروند و بیت را طواف نموده سعی صفا و مروه کنند سپس به بیت برگشته هفت شوط طواف کنند آن گاه به منا برگردند که در این صورت از حج فارغ شده اند.

و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم به همراه زنان اسامه را فرستاد.

۸- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم به زنان و ناتوانان اجازه فرمود که شب هنگام از مزدلفه کوچ کنند و شب رمی جمره نمایند. پس اگر خواستند که بیت را زیارت نمایند، از جانب خود برای قربانی وکیل بگیرند.

ص: ۴۱۹

بخش صدو هفتادو یکم

اشاره

(۱۷۱)

بَابُ مَنْ فَاتَهُ الْحَجُّ

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِمِنًى إِذْ جَاءَ رَجُلٌ فَقَالَ: إِنَّ قَوْماً قَدِمُوا يَوْمَ النَّحْرِ وَقَدْ فَاتَهُمُ الْحَجُّ.

فَقَالَ: نَسْأَلُ اللهَ الْعَافِيَةَ وَ أَرَى أَنْ يُهَرِيقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ دَمَ شَاةٍ وَ يَحِلُّونَ وَ عَلَيْهِمُ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ إِنِ انْصَرَفُوا إِلَى بِلَادِهِمْ وَإِنْ أَقَامُوا حَتَّى تَمْضِيَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ بِمَكَّةَ ثُمَّ يَخْرُجُوا إِلَى وَقْتِ أَهْلِ مَكَّةَ وَأَحْرَمُوا مِنْهُ وَ اعْتَمَرُوا فَلَيْسَ عَلَيْهِمُ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.

٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

کسی که حج از او فوت شده است

١- داوود رقی گوید: در منا خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و گفت: گروهی در روز قربان وارد مکه شدند و حج آنان فوت شده است.

امام علیه السلام فرمود: از خدا عافیت می طلبم به نظر من هریک از آنان گوسفندی ذبح کند و از احرام بیرون آیند و اگر به شهرهای خود باز گشتند در سال آینده حج به جا آورند و اگر در مکه بمانند منتظر شوند تا ایام تشریق (روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) سپری شود و پس از آن به میقات اهل مکه بروند و از آن جا مُحرم شوند و عمره به جای آورند. از این رو حج سال آینده بر عهده آنها نیست.

٢- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ أَدْرَكَ جَمْعاً فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجّ.

وَ قَالَ: أَيُّمَا قَارِنٍ أَوْ مُفْرِدٍ أَوْ مُتَمَتِّعٍ قَدِمَ وَ قَدْ فَاتَهُ الْحَجُّ فَلْيَحِلّ بِعُمْرَةٍ وَ عَلَيْهِ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ.

قَالَ: وَ قَالَ فِي رَجُلٍ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَ هُوَ بِجَمْعٍ.

فَقَالَ: إِنْ ظَنّ أَنّهُ يَأْتِي عَرَفَاتٍ فَيَقِفُ بِهَا قَلِيلًا ثُمّ يُدْرِكُ جَمْعاً قَبْلَ طُلُوعِ الشّمْسِ فَلْيَأْتِهَا، وَ إِنْ ظَنّ أَنّهُ لا يَأْتِهَا حَتّى يُفِيضُوا فَلَا يَأْتِهَا وَلْيُقِمْ بِجَمْعٍ فَقَدْ تَم حَجهُ.

٣- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ يَوْمَ النّحْرِ مِنْ قَبْلِ زَوَالِ الشّمْسِ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجّ.

٤- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

هرکه مشعر را درک کند در واقع حج را درک کرده است.

و فرمود: هر حاجی که به عنوان حج قران یا افراد یا تمتع وارد مکه شود و حج از او فوت گردد، بایستی به عمره از احرام بیرون آید و بایستی در سال آینده حجی انجام دهد.

راوی گفت: امام علیه السلام در مورد فردی که امام را در مشعر درک کند فرمود:

هرکه امام را در مشعر درک نماید و گمان کند که میتواند به عرفات برود و مقداری توقف کند، سپس بتواند پیش از طلوع فجر به مشعر رود پس آن جا برود و اگر گمانش چنین باشد که نمی تواند برود تا مردم کوچ کنند پس آن جا نرود و در مشعر بماند پس حجش کامل شده است.

٣- جمیل بن درّاج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه روز قربان پیش از ظهر به مشعر الحرام رود، در واقع حج را درک نموده است.

٤- اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ٤٢١

مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ وَ عَلَيْهِ خَمْسَةٌ مِنَ النّاسِ قَبْلَ أَنْ تَزُولَ الشّمْسُ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجّ.

٥- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

مَنْ أَدْرَكَ الْمَشْعَرَ الْحَرَامَ وَ عَلَيْهِ خَمْسَةٌ مِنَ النّاسِ فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجّ.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

قَالَ: تَدْرِي لِمَ جُعِلَ ثَلَاثٌ هُنَا؟

قَالَ: قُلْتُ: لا.

قَالَ: فَمَنْ أَدْرَكَ شَيْئاً مِنْهَا فَقَدْ أَدْرَكَ الْحَجّ.

هرکس مشعر الحرام را پیش از ظهر با پنج نفر درک کند، در واقع حجش را درک نموده است.

٥- نظیر این روایت را هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

٦- یکی از اصحاب ابن عمیر گوید:

امام صادق علیه السلام فرمود:

آیا می دانی چرا آن جا (مشعر الحرام) سه مرتبه وقوف قرار داده شد؟

راوی گوید: گفتم: نه.

فرمود: هرکه به چیزی از آن رسید و آن را درک کرد پس در واقع به حج رسیده است.

ص: ۴۲۲

بخش صدو هفتادو دوم

اشاره

(۱۷۲)

بَابُ حَصَى الْجِمَارِ مِنْ أَيْنَ تُؤْخَذُ وَ مِقْدَارِهَا.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

خُذْ حَصَى الْجِمَارِ مِنْ جَمْعٍ، وَإِنْ أَخَذْتَهُ مِنْ رَحْلِكَ بِمِنًى أَجْزَاكَ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُثَنًّى الْحَنَّاطِ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَصَى الَّتِي يُرْمَى بِهَا الْجِمَارُ.

فَقَالَ: تُؤْخَذُ مِنْ جَمْعٍ وَ تُؤْخَذُ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْ مِنًى.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنْ رِبْعِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

خُذْ حَصَى الْجِمَارِ مِنْ جَمْعٍ، وَإِنْ أَخَذْتَهُ مِنْ رَحْلِكَ بِمِنًى أَجْزَأَكَ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

سنگریزه از کجا برداشته می شود؟ و تعداد آن ها چقدر است؟

١- معاوية بن عمار گويد: حضرتش عليه السلام فرمود:

سنگريزه جمره ها را بايد از مشعر الحرام بردار و اگر آن را از منزل خودت در منا برداری کافی است.

٢- زراره گويد: از امام صادق عليه السلام در مورد سنگريزه هايی که رمی جمره می شوند پرسيدم.

فرمود: از مشعر الحرام برداشته می شود و بعد از آن از منا نيز می توان برداشت.

٣- نظير روايت پيشين را ربعی نيز از امام صادق عليه السلام نقل می کند.

٤- ابوبصير گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم که می فرمود: -

الْتَقِطِ الْحَصَى وَ لا تَكْسِرَنّ مِنْهُنّ شَيْئاً.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

حَصَى الْجِمَارِ إِنْ أَخَذْتَهُ مِنَ الْحَرَمِ أَجْزَاكَ، وَإِنْ أَخَذْتَهُ مِنْ غَيْرِ الْحَرَمِ لَمْ يُجْزِئْكَ.

قَالَ: وَ قَالَ: لَا تَرْمِي الْجِمَارَ إِلّا بِالْحَصَى.

٦- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَصَى الْجِمَارِ.

قَالَ: كُرِهَ الصُّمُّ مِنْهَا.

وَ قَالَ: خُذِ الْبُرْشَ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سنگریزه ها را جداگانه برچین و چیزی از آنها را مشکن.

۵- زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

سنگریزه های جمره ها را اگر از حرم برداشتی برای تو کافی است و اگر از غیر حرم برداشتی کافی نیست.

گفت: و فرمود: به جمره ها جز با سنگریزه سنگ انداخته نمی شود.

٦- هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام در مورد سنگریزه جمره ها فرمود:

مکروه است انسان سنگریزه های سفت بردارد.

و فرمود: سنگریزه خالدار بردار.

۷- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

حَصَى الْحِمَارِ تَكُونُ مِثْلَ الْأَنْمُلَةِ وَ لا تَأْخُذْهَا سَوْدَاءَ وَ لا بَيْضَاءَ وَ لا حَمْرَاءَ خُذْهَا كُحْلِيَّةً مُنَقَطَةً تَخْذِفُهُنَّ خَذْفاً وَ تَضَعُهَا عَلَى الْإِبْهَامِ وَ تَدْفَعُهَا بِظُفْرِ السَّبَّابَةِ وَ ارْمِهَا مِنْ بَطْنِ الْوَادِي وَ اجْعَلْهُنَّ عَنْ يَمِينِكَ كُلَّهُنَّ وَ لَا تَرْمِ عَلَى الْجَمْرَةِ وَ تَقِفُ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ وَ لا تَقِفْ عِنْدَ جَمْرَةِ الْعَقَبَةِ.

٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يَجُوزُ أَخْذُ حَصَى الْجِمَارِ مِنْ الْجِمَارِ مِنْ جَمِيعِ الْحَرَمِ إِلَّا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَسْجِدِ الْخَيْفِ.

٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ الضَّرِيرِ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ مِنْ أَيْنَ يَنْبَغِي أَخْذُ حَصَى الْجِمَارِ؟

قَالَ: لَا تَأْخُذْهُ مِنْ مَوْضِعَيْنِ: مِنْ خَارِجِ الْحَرَمِ وَ مِنْ حَصَى الْجِمَارِ وَ لَا بَأْسَ بِأَخْذِهِ مِنْ سَائِرِ الْحَرَمِ.

سنگریزه های جمرها به اندازه بند سر انگشت می باشد و سنگ سیاه برندار و نه از سفید و نه از قرمز از رنگی و خالدار آن بردار و موقع انداختن آن را بر انگشت ابهام می گذاری و با ناخن انگشت سبابه می اندازی و از وسط وادی که رو به قبله ایستی ستون ها در سمت راست تو قرار گیرد و بر بالای ستون نینداز و نزد دو ستون می ایستی و نزد جمره عقبه نایست.

٨- حنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

جایز است که سنگریزه جمرات را از همه جای حرم برداری مگر از مسجد الحرام و مسجد خیف.

٩- راوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: سزاوار است از کجا سنگریزه جمرات برداشته شود؟

فرمود: از دو جا برندار از بیرون حرم و از سنگریزه های جمرات و ایرادی ندارد که از سایر جاهای حرم برداری.

بخش صدو هفتادو سوم

اشاره

(۱۷۳)

بَابُ يَوْمِ النَّحْرِ وَ مُبْتَدَ الرَّمْيِ وَ فَضْلِهِ.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

خُذْ حَصَى الْجِمَارِ ثُمَّ انْتِ الْجَمْرَةَ الْقُصْوَى الَّتِي عِنْدَ الْعَقَبَةِ فَارْمِهَا مِنْ قِبَلِ وَجْهِهَا وَ لَا تَرْمِهَا مِنْ أَعْلَاهَا وَ تَقُولُ وَ الْحَصَى فِي يَدِكَ:

«اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ حَصَيَاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَ ارْفَعْهُنَّ فِي عَمَلِي».

ثُمَّ تَرْمِي وَ تَقُولُ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصْدِيقاً بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صلى الله عليه وسلم اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجّاً مَبْرُوراً وَ عَمَلاً مَقْبُولاً وَ سَعْياً مَشْكُوراً وَ ذَنْباً مَغْفُوراً».

روز قربانی و محل شروع انداختن سنگ ریزه و فضیلت آن

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

سنگريزه های جمرات را بردار و به جمره آخر - كه نزد جمره عقبه است - بيا و از مقابل آن بينداز و بر بالای آن نينداز و درحالی كه سنگريزه ها در دست توست می گويی: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ حَصَيَاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَ ارْفَعْهُنَّ فِي عَمَلِي».

آن گاه سنگ ریزه را بینداز و با هر سنگ ریزه می گویی: «اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُمّ ادْحَرْ عَنّي الشّيْطَانَ اللّهُمّ تَصْدِيقاً بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنّةِ نَبِيّكَ صلى الله عليه وسلم اللّهُمّ اجْعَلْهُ حَجّاً مَبْرُوراً وَ عَمَلاً مَقْبُولاً وَ سَعْياً مَشْكُوراً وَ ذَنْباً مَغْفُوراً».

ص: ٤٢٦

وَ لْيَكُنْ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْجَمْرَةِ قَدْرَ عَشَرَةِ أَذْرُعٍ أَوْ خَمْسَةَ عَشَرَ ذِرَاعًا، فَإِذَا أَتَيْتَ رَحْلَكَ وَ رَجَعْتَ مِنَ الرّمْي فَقُلِ:

«اللّهُمّ بِكَ وَثِقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكّلْتُ فَنِعْمَ الرّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النّصِيرُ».

قَالَ: وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُرْمَى الْحِمَارُ عَلَى طُهْرٍ.

٢- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَمْي الْجَمْرَةِ يَوْمَ النّحْرِ مَا لَهَا تُرْمَى وَحْدَهَا وَ لَا تُرْمَى مِنَ الْحِمَارِ غَيْرُهَا يَوْمَ النّحْرِ؟

فَقَالَ: قَدْ كُنّ يُرْمَيْنَ كُلُّهُنّ، وَ لَكِنّهُمْ تَرَكُوا ذَلِكَ.

فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَأَرْمِيهِنّ ؟

قَالَ: لا تَرْمِهِنّ أَ مَا تَرْضَى أَنْ تَصْنَعَ مِثْلَ مَا نَصْنَعُ؟

بایستی فاصله تو با جمره ده زراع و یا پنج زراع باشد و چون از رمی به منزلت برگشتی بگو: «اللّهُمّ بِكَ وَثِقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكّلْتُ فَنِعْمَ الرّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النّصِيرُ».

حضرتش فرمود: مستحب است که انسان به هنگام رمی جمرات با وضو باشد.

۲- زراره گوید: از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم چرا در روز قربانی فقط یک رمی جمره می شود و جز آن انجام نمی پذیرد؟

فرمود: پیش تر همهٔ سنگ ریزه ها را در آن روز می انداختند ولی این امر را ترک نمودند.

گفتم: قربانت گردم! همهٔ سنگ ریزه ها را در آن بیندازم؟

فرمود: چنین نکن! آیا دوست نداری همانند ما رفتار کنی؟

ص: ٤٢٧

٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَمْيِ الْجِمَارِ.

فَقَالَ: كُنّ يُرْمَيْنَ جَمِيعاً يَوْمَ النّحْرِ. فَرَمَيْتُهَا جَمِيعاً بَعْدَ ذَلِكَ ثُمّ حَدّثْتُهُ.

فَقَالَ لِي: أَ مَا تَرْضَى أَنْ تَصْنَعَ كَمَا كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَصْنَعُ ؟ فَتَرَكْتُهُ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام وَ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ:

كَانَتِ الْجِمَارُ تُرْمَى جَمِيعاً.

قُلْتُ: فَأَرْمِيهَا.

فَقَالَ: لا، أَ مَا تَرْضَى أَنْ تَصْنَعَ كَمَا أَصْنَعُ؟

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سَعِيدٍ الرُّومِيِّ قَالَ:

۳- حمران گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد رمی جمره ها پرسیدم.

فرمود: پیش تر همه جمره ها را در روز قربانی ر می می کردند. من بعد از آن همه را رمی نمودم، آن گاه به حضرتش باز گفتم.

فرمود: آیا خوشنود نیستی که همانند حضرت علی علیه السلام انجام دهی؟!

من دیگر آن کار را ترک کردم.

٤- نظیر این روایت را ابن بکیر نیز از امام (باقر یا امام صادق علیهما السلام) نقل می کند.

٥ - سعید رومی گوید:

ص: ٤٢٨

رَمَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْجَمْرَةَ الْعُظْمَى فَرَأَى النَّاسَ وُقُوفاً فَقَامَ وَسْطَهُمْ ثُمَّ نَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ: «أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ هَذَا لَيْسَ بِمَوْقِفٍ، ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَفَعَلْتُ.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ: إِذَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ كَانَ لَكَ بِكُلِّ حَصَاةٍ عَشْرُ حَسَنَاتٍ تُكْتَبُ لَكَ لِمَا تَسْتَقْبِلُ مِنْ عُمُرِكَ.

٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي رَمْيِ الْجِمَارِ قَالَ لَهُ:

بِكُلِّ حَصَاةٍ يَرْمِي بِهَا بهَا تُحَطُّ عَنْهُ كَبِيرَةٌ مُوبِقَةٌ.

امام صادق علیه السلام جمره بزرگ را رمی نمود، دید مردم ایستاده اند، حضرتش در میان جمعیت ایستاد و سه مرتبه با صدای بلند فرمود: ای مردم! این جا جای ایستادن نیست.

من نیز همانند حضرتش رفتار کردم.

٦- محمد بن قیس گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم به مرد انصاری فرمود: هرگاه رمی جمره نمایی برای هر سنگریزه پاداش ده حسنه در آینده عمرت به تو نوشته شود.

٧- حریز گوید: امام صادق علیه السلام در مورد رمی جمره به من فرمود:

در ازای هر سنگ ریزه ای که می اندازی یک گناه کبیره هلاک کننده از تو ریخته می شود.

ص: ٤٢٩

بخش صدو هفتادو چهارم

اشاره

(١٧٤)

بَابُ رَمْيِ الْجِمَارِ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

ارْم فِي كُلِّ يَوْمٍ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ قُلْ كَمَا قُلْتَ حِينَ رَمَيْتَ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ فَابْدَأْ بِالْجَمْرَةِ الْأُولَى فَارْمِهَا عَنْ يَسَارِهَا فِي بَطْنِ الْمَسِيلِ وَ قُلْ كَمَا قُلْتَ يَوْمَ النَّحْرِ، قُمْ عَنْ يَسَارِ الطَّرِيقِ فَاسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم ثُمَّ تَقَدَّمْ قَلِيلاً فَتَدْعُو وَ تَسْأَلُهُ أَنْ يَتَقَبَّلَ مِنْكَ، ثُمَّ تَقَدَّمْ أَيْضاً ثُمَّ افْعَلْ ذَلِكَ عِنْدَ الثَّانِيَةِ وَ اصْنَعْ كَمَا صَنَعْتَ بِالْأُولَى وَ تَقِفُ وَ تَدْعُو اللَّهَ كَمَا دَعَوْتَ ثُمَّ تَمْضِي إِلَى الثَّالِثَةِ وَ عَلَيْكَ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ فَارْمِ وَ لَا تَقِفْ عِنْدَهَا.

حکم رمی جمرات در روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم

۱- معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر روز موقع ظهر سنگ بزن و همان را بگو که در موقع رمی جمره عقبه گفتی. پس با جمره اولی آغاز کن از سمت چپ آن از وسط سیل گاه بینداز و بگو چنان چه روز قربان گفتی، در سمت چپ راه رو به قبله بایست حمد و ثنای خداکن و بر محمد صلی الله علیه وسلم صلوات بفرست، بعد مقداری پیش برو و دعا کن و از او بخواه که از تو بپرهیزد. بعد باز مقداری پیش برو و در جمره دومی هم مانند جمره اولی انجام بده که بایست و دعا کن چنان چه در آن جا دعا نمودی. بعد برو به طرف ستون سوم و بر تو باد به آرامش و وقار پس سنگ بزن و نزد آن نایست.

ص: ۴۳۰

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحِمَارِ.

فَقَالَ: قُمْ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ وَ لَا تَقُمْ عِنْدَ جَمْرَةِ الْعَقَبَةِ.

قُلْتُ: هَذَا مِنَ السُّنَّةِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: مَا أَقُولُ إِذَا رَمَيْتُ؟

فَقَالَ: كَبِّرْ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

خُذْ حَصَى الْجِمَارِ بِيَدِكَ الْيُسْرَى وَ ارْمِ بِالْيُمْنَى.

۲- يعقوب بن شعيب گويد: از امام صادق عليه السلام در مورد جمرات پرسيدم؟

فرمود: در كنار دوستون بايست و در كنار ستون جمره عقبه نايست.

گفتم: اين از سنت است؟

فرمود: آرى.

گفتم: هنگام رمى نمودن چه بگويم؟

فرمود: با هر سنگريزه «الله اكبر» بگو.

۳- ابوبصير گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

سنگريزه هاى جمرات را در دست چپ بگير و با دست راست بينداز.

ص: ۴۳۱

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

رَمْيُ الْحِمَارِ مِنْ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِهَا.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ جَعْفَر عليه السلام.

أَنَّهُ قَالَ لِلْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ: مَا حَدُّ رَمْيِ الْحِمَارِ؟

فَقَالَ الْحَكَمُ: عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ.

فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: أَ رَأَيْتَ لَوْ أَنَّهُمَا كَانَا رَجُلَيْنِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا لِصَاحِبِهِ: احْفَظْ عَلَيْنَا مَتَاعَنَا حَتَّى أَرْجِعَ أَكَانَ يَفُوتُهُ الرَّمْيُ؟! هُوَ وَ اللَّهِ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الشَّمْسِ إِلَى غُرُوبِهَا.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَم عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

٤- ابوبصير، صفوان و منصور بن حازم گويند: امام صادق عليه السلام فرمود:

وقت رمی جمرات از طلوع خورشيد تا غروب آن است.

٥- زراره گويد امام باقر عليه السلام به حكم بن عتيبه فرمود:

وقت رمی جمرات چقدر است؟

حكم گفت: هنگام ظهر.

حضرت فرمود: اگر دو نفر باشند يكی به رفيق خود بگويد اساس ما را نگهدار تا برگردم، آيا رمی از او فوت می شود؟ به خدا سوگند! وقت آن از طلوع آفتاب تا غروب آن است.

٦- ابوبصير گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

رَخَّصَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم لِرُعَاةِ الْإِبِلِ إِذَا جَاءُوا بِاللَّيْلِ أَنْ يَرْمُوا.

۷- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمَّامٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام يَقُولُ:

لا ترمي الجَمْرَةَ يَوْمَ النَّحْرِ حَتّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ.

وَ قَالَ: تَرْمِي الْحِمَارَ مِنْ بَطْنِ الْوَادِي وَ تَجْعَلُ كُلّ جَمْرَةٍ عَنْ يَمِينِكَ، ثُمّ تَنْفَتِلُ الشَّقّ الآخَرِ إِذَا رَمَيْتَ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ.

۸- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الْغُسْلِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَرْمِي.

فَقَالَ: رُبَّمَا اغْتَسَلْتُ فَأَمَّا مِنَ السُّنَّةِ فَلَا.

۹- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

رسول خدا صلى الله عليه وسلم بر شتر چرانان رخصت داده كه هرگاه شب هنگام بيايند رمى كنند.

۷- اسماعيل بن همام گويد: از امام رضا عليه السلام شنيدم كه مى فرمود: روز قربان رمى جمره عقبه نكن تا آفتاب بزند؛ و فرمود: سنگريزه به جمرات از وسط وادى انداخته مى شود و هر جمره را در سمت راست خود قرار مى دهى، بعد مى پيچى در جانب ديگر چون جمره عقبه را رمى كردى.

محمد حلبى گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: اگر كسى خواست رمى كند غسل نمايد؟

فرمود: اى بسا من غسل نمودم ولى غسل از سنت نيست.

۹- حلبی گوید:

ص: ۴۳۳

سَأَلْتُهُ عَنِ الْغُسْلِ إِذَا رَمَى الْجِمَارَ.

فَقَالَ: رُبَّمَا فَعَلْتُ وَ أَمَّا مِنَ السُّنَّةِ فَلَا، وَلَكِنْ مِنَ الْحَرِّ وَ الْعَرَقِ.

۱۰ - مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ الْحِمَارِ.

فَقَالَ: لا تَرْمِ الْحِمَارَ إِلّا وَأَنْتَ عَلَى طُهْرٍ.

بخش صدو هفتادو پنجم

اشاره

(۱۷۵)

بَابُ مَنْ خَالَفَ الرَّمْيَ أَوْ زَادَ أَوْ نَقَصَ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَعَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ نَسِيَ رَمْيَ الْحِمَارِ يَوْمَ الثَّانِي فَبَدَأَ بِجَمْرَةِ الْعَقَبَةِ ثُمَّ الْوُسْطَى ثُمَّ الْأُولَى: يُؤَخِّرُ ما رَمَى بِمَا رَمَى وَ يَرْمِي الْجَمْرَةَ الْوُسْطَى ثُمَّ جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ.

از امام صادق علیه السلام در مورد غسل کردن به هنگام رمی جمرات پرسیدم.

فرمود: من گاهی غسل می کردم ولی غسل از سنت نیست، بلکه به جهت گرما و عرق می توان غسل انجام داد.

۱۰- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد جمرات پرسیدم؟

فرمود: رمی جمرات نکن مگر این که با وضو باشی.

حکم کسی که در رمی جمرات پس و پیش یا زیاد و کم نماید

۱- مسمع گوید امام صادق علیه السلام درباره مردی که رمی جمرات روز دوم را فراموش نمود پس شروع نمود به جمره عقبی بعد وسطی بعد اولی فرمود:

آن چه رمی کرده به کنار می گذارد و جمره وسطی و آن گاه عقبی را رمی می کند.

ص: ٤٣٤

٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ وَ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فِي رَجُلٍ يَرْمِي الْحِمَارَ مَنْكُوسَةٌ.

قَالَ: يُعِيدُ عَلَى الْوُسْطَى وَ جَمْرَةِ الْعَقَبَةِ.

٣- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ رَمَى الْجَمْرَةَ بِسِتّ حَصَيَاتٍ وَ وَقَعَتْ وَاحِدَةٌ فِي الْحَصَى.

قَالَ: يُعِيدُهَا إِنْ شَاءَ مِنْ سَاعَتِهِ، وَ إِنْ شَاءَ مِنَ الْغَدِ إِذَا أَرَادَ الرّمْيَ وَ لَا يَأْخُذُ مِنْ حَصَى الْحِمَارِ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ رَمَى جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ بِسِتّ حَصَيَاتٍ وَ وَقَعَتْ وَاحِدَةٌ فِي الْمَحْمِلِ.

قَالَ: يُعِيدُهَا.

۲- معاوية بن عمار، حماد و حلبی گويند: امام صادق عليه السلام درباره مردی كه رمی جمرات را وارونه می كند فرمود:

دوباره رمی وسطی بعد جمره عقبی را انجام می دهد.

عبدالاعلی گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: كسی با شش سنگريزه رمی جمره نمود و يک سنگريزه افتاد (چه حكمی دارد؟).

فرمود: اگر خواست در آن ساعت اعاده می كند و اگر خواست فردا رمی می كند، ولی از سنگ ريزه های جمرات بر نمی دارد.

گويد: از حضرتش پرسيدم كسی كه با شش سنگريزه جمره عقبی را انداخت و يک سنگ ريزه در كجاوه افتاد؟

فرمود: اعاده می كند.

ص: ٤٣٥

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ذَهَبْتُ أَرْمِي فَإِذَا فِي يَدِي سِتُّ حَصَيَاتٍ.

فَقَالَ: خُذْ وَاحِدَةٌ مِنْ تَحْتِ رِجْلِكَ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

أَنَّهُ قَالَ فِي رَجُلٍ أَخَذَ إِحْدَى وَ عِشْرِينَ حَصَاةً فَرَمَى بِهَا فَزَادَ وَاحِدَةٌ فَلَمْ يَدْرِ مِنْ أَيَّتِهِنَّ نَقَصَتْ.

قَالَ: فَلْيَرْجِعْ فَلْيَرْمِ كُلَّ وَاحِدَةٍ بِحَصَاة.

فَإِنْ سَقَطَتْ مِنْ رَجُلٍ حَصَاةٌ فَلَمْ يَدْرِ أَيَّتُهُنَّ هِيَ.

قَالَ: يَأْخُذُ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ حَصَاةٌ فَيَرْمِي بِهَا.

٤- ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: وقتی برای رمی جمره رفتم ناگاه دیدم در دستم شش سنگریزه است (چه وظیفه ای دارم؟).

فرمود: یک سنگریزه از زیر پایت بردار.

٥- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام درباره مردی که بیست و یک سنگریزه گرفته و آنها را انداخت پس یکی اضافه آمد و ندانست که در کدام کم شده، فرمود:

باید برگردد و به هرکدام از جمره ها یک سنگ بزند.

و در مورد مردی که یک سنگریزه از او افتاد و ندانست کدام است؟ فرمود:

از زیر پایش سنگریزه بر می دارد و آن را می اندازد.

ص: ٤٣٦

قَالَ: وَ إِنْ رَمَيْتَ بِحَصَاةٍ فَوَقَعَتْ فِي مَحْمِلٍ فَأَعِدْ مَكَانَهَا، فَإِنْ هِيَ أَصَابَتْ إِنْسَاناً أَوْ جَمَلاً ثُمّ وَقَعَتْ عَلَى الْحِمَارِ أَجْزَأَكَ.

وَ قَالَ فِي رَجُلٍ رَمَيِ الْحِمَارَ فَرَمَى الْأُولَى بِأَرْبَعِ وَ الْأَخِيرَتَيْنِ بِسَبْعِ سَبْعِ.

قَالَ: يَعُودُ فَيَرْمِي الْأُولَى بِثَلَاثٍ وَ قَدْ فَرَغَ وَإِنّ كَانَ رَمَى الْأُولَى بِثّلَاثٍ وَ رَمَى الْأَخِيرَتَيْنِ بِسَبْعِ سَبْعِ فَلْيَعُدْ وَ لْيَرْمِهِنّ جَمِيعاً بِسَبْعِ سَبْعِ، وَإِنْ كَانَ رَمَي الْوُسْطَى بِثَلَاثٍ ثُمّ رَمَى الْأُخْرَى فَلْيَوْمِ الْوُسْطَى بِسَبْعٍ، وَ إِنّ كَانَ رَمَى الْوُسْطَى بِأَرْبَعٍ رَجَعَ فَرَمَى بِثَلَاثٍ.

قَالَ: قُلْتُ : الرّجُلُ يَنْكُسُ فِي رَمْيِ الْحِمَارِ فَيَبْدَأُ بِجَمْرَةِ الْعَقَبَةِ ثُمّ الْوُسْطَى ثُمّ الْعُظْمَى.

قَالَ: يَعُودُ فَيَرْمِي الْوُسْطَى ثُمّ يَرْمِي جَمْرَةَ الْعَقَبَةِ وَ إِنْ كَانَ مِنَ الْغَدِ.

فرمود: اگر سنگریزه ها را انداختی و چیزی از آنها در کجاوه مانده بود پس به جای آن اعاده کن و اگر آن سنگ ریزه به انسان یا شتری برخورده بعد به جمره رسید کفایت می کند؟

و باز حضرتش درباره مردی که به جمره اولی چهار سنگریزه و به دو جمره بعدی هفت هفت سنگ ریزه زد. فرمود:

به جمره نخستین باز می گردد و سه سنگ ریزه می زند و فارغ می شود و اگر به جمره اولی سه تا بزند و آخری ها را هفت هفت سنگ ریزه پس برگردد همه را به هفت هفت می زند و اگر به جمره وسطی سه تا بزند بعد آخری را پس به جمره وسطی هفت سنگ ریزه می زند و اگر به وسطی چهار تا بزند بر می گردد و پس سه تا می زند.

راوی گوید: گفتم: مردی رمی را وارونه می زند پس از جمره عقبی شروع می کند بعد وسطی بعد بزرگتر را؟

فرمود: به جمره وسطی بر می گردد و آن را ر می می کند سپس به جمره عقبی رمی می کند اگر چه فردای آن روز باشد.

ص: ۴۳۷

بخش صدو هفتادو ششم

اشاره

(۱۷٦)

بَابُ مَنْ نَسِيَ رَمْيَ الْجِمَارِ أَوْ جَهِلَ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ نَسِيَ أَنْ يَرْمِيَ الْحِمَارَ حَتّى أَتَى مَكّةَ.

قَالَ: يَرْجِعُ فَيَرْمِيهَا يَفْصِلُ بَيْنَ كُلِّ رَمْيَتَيْنِ بِسَاعَةٍ.

قُلْتُ: فَاتَهُ ذَلِكَ وَ خَرَجَ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ

قَالَ: قُلْتُ: فَرَجُلٌ نَسِيَ السّعْيَ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

فَقَالَ: يُعِيدُ السّعْيَ.

قُلْتُ: فَاتَهُ ذَلِكَ حَتّى خَرَجَ؟

حکم کسی که رمی جمرات را فراموش کند و یا از مسأله آگاهی نداشته اند

۱- معاوية بن عمار گويد: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که رمی جمرات را فراموش کند تا به مکه آمد چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: به جمرات بر می گردد و رمی می کند و میانه هردو رمی ساعتی فاصله می دهد.

گفتم: اگر وقت رمی فوت شده و او از آن جا رفته باشد چه؟

فرمود: بر او چیزی نیست؟

گوید: گفتم مردی سعی بین صفا و مروه فراموش کرده (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: سعی را اعاده می کند.

گفتم: اگر وقت از او فوت شود و رفته باشد؟

ص: ۴۳۸

قَالَ: يَرْجِعُ فَيُعِيدُ السَّعْيَ إِنَّ هَذَا لَيْسَ كَرَمْيِ الْحِمَارِ إِنَّ الرَّمْيَ سُنَّةٌ وَ السَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ فَرِيضَةٌ.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ أَفَاضَ مِنْ جَمْعٍ حَتَّى انْتَهَى إِلَى مِنًى فَعَرَضَ لَهُ عَارِضٌ فَلَمْ يَرْمِ الْجَمْرَةَ حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ.

قَالَ: يَرْمِي إِذَا أَصْبَحَ مَرَّتَيْنِ: إِحْدَاهُمَا بُكْرَةً. وَ هِيَ لِلْأَمْسِ وَالْأُخْرَى عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ وَ هِيَ لِيَوْمِهِ.

۳- وَ عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا تَقُولُ فِي امْرَأَةٍ جَهِلَتْ أَنْ تَرْمِيَ الْحِمَارَ حَتَّى نَفَرَتْ إِلَى مَكَّةَ.

قَالَ: فَلْتَرْجِعْ وَلْتَرْمِ الْجِمَارَ كَمَا كَانَتْ تَرْمِي وَ الرَّجُلُ كَذَلِكَ.

فرمود: بر می گردد و سعی را اعاده می کند زیرا این مانند رمی جمره نیست، چون رمیسنت و سعی بین صفا و مروه فریضه است.

۲- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام درباره مردی که از مزدلفه آمد تا به منا رسید و کاری بر او پیش آمد رمی جمره نکرد تا آفتاب غروب کرد. فرمود:

وقتی صبح فرا رسید دوبار رمی جمره می کند: یکی به هنگام صبح برای دیروز و دیگری در ظهر برای همان روز.

۳- معاویة بن عمّار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: نظر شما درباره زنی که ناآگاهانه رمی کند آن گاه به مکه کوچ کرده چیست؟

فرمود: بایستی به جمرات برگردد و طبق معمول رمی کند. حکم مرد نیز چنین است.

ص: ۴۳۹

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي الْخَائِفِ:

لا بَأْسَ بِأَنْ يَرْمِيَ الْحِمَارَ بِاللَّيْلِ، وَيُضَحِّيَ بِاللَّيْلِ وَ يُفِيضَ بِاللَّيْلِ.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

أَنَّهُ كَرِهَ رَمْيَ الْحِمَارِ بِاللَّيْلِ وَ رَخَّصَ لِلْعَبْدِ وَ الرَّاعِي فِي رَمْيِ الْحِمَارِ لَيْلاً.

بخش صدو هفتادو هفتم

اشاره

(۱۷۷)

بَابُ الرَّمْيِ عَنِ الْعَلِيلِ وَ الصِّبْيَانِ وَ الرَّمْيِ رَاكِباً.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

الكَسِيرُ وَ الْمَبْطُونُ يُرْمَى عَنْهُمَا.

٤- زراره و محمّد بن مسلم گویند: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که از رمی می ترسد فرمود:

ایرادی ندارد که انسان شب هنگام رمی،کند شب هنگام قربانی نماید و شب هنگام کوچ کند.

٥- سماعه گوید:

امام صادق علیه السلام رمی جمرات را شب هنگام مکروه می دانست و رخصت می داد که بنده و شتر چران رمی جمرات را در شب انجام دهد.

حکم انجام رمی از جانب بیماران و کودکان و حکم انجام رمی به صورت سواری

١- معاویة بن عمار و عبدالرحمان بن حجّاج گویند: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که عضوی از او شکسته است و کسی که گرفتار بیماری اسهال است از جانب آنها رمی انجام می شود.

ص: ٤٤٠

قَالَ: وَ الصِّبْيَانُ يُرْمَى عَنْهُمْ.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ علیه السلام عَنِ الْمَرِيضِ يُرْمَى عَنْهُ الْجِمَارُ.

قَالَ: نَعَمْ يُحْمَلُ إِلَى الْجَمْرَةِ وَ يُرْمَى عَنْهُ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِمِنًى يَمْشِي وَ يَرْكَبُ فَحَدَّثْتُ نَفْسِي أَنْ أَسْأَلَهُ حِينَ أَدْخُلُ عَلَيْهِ.

فَابْتَدَأَنِي هُوَ بِالْحَدِيثِ. فَقَالَ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام كَانَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ مَاشِيَا إِذَا رَمَى الْجِمَارَ وَ مَنْزِلِيَ الْيَوْمَ أَنْفَسُ مِنْ مَنْزِلِهِ فَأَرْكَبُ حَتَّى آتِيَ مَنْزِلَهُ، فَإِذَا انْتَهَيْتُ إِلَى مَنْزِلِهِ مَشَيْتُ حَتَّى أَرْمِيَ الْجَمْرَةَ.

حضرتش فرمود: از جانب کودکان نیز رمی انجام می شود.

۲- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: آیا می توان که از جانب بیمار رمی نمود؟

فرمود: آری، او را به جمره برده و از جانب او رمی می شود.

۳- عنبسة بن مصعب گوید: امام صادق علیه السلام را در منا دیدم که پیاده و سواره می رفت در دلم گفتم چون به خدمتش برسم در این مورد از آن حضرت بپرسم.

حضرت از من پیشی گرفت و فرمود: هرگاه علی بن الحسین علیهما السلام می خواست رمی جمرات کند، پیاده می رفت خانه من امروز دورتر از منزل اوست، پس سوار مرکب می شوم تا به منزل او برسم وقتی به منزل او رسیدم پیاده می روم تا رمی جمرات نمایم.

٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي الْوَشَاءِ عَنْ مُثَنّى عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام:

أَنّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم كَانَ يَرْمِي الْجِمَارَ مَاشِياً.

٥- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَمْشِي بَعْدَ يَوْمِ النّحْرِ حَتّى يَرْمِيَ الْجَمْرَةَ ثُمّ يَنْصَرِفُ رَاكِباً وَ كُنْتُ أَرَاهُ مَاشِياً بَعْدَ مَا يُحَاذِي الْمَسْجِدَ بِمِنّى.

قَالَ: وَ حَدّثَنِي عَلِيٌّ بْنُ مُحَمّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ النّوْفَلِيٌّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: نَزَلَ أَبُو جَعْفَرٍ فَوْقَ الْمَسْجِدِ بِمِنّي قَلِيلاً عَنْ دَابّتِهِ حَتّى تَوَجّهَ لِيَرْمِيَ الْجَمْرَةَ عِنْدَ مَضْرِبِ عَلِيّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام.

فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لِمَ نَزَلْتَ هَاهُنَا؟

فَقَالَ: إِنّ هَاهُنَا مَضْرِبَ عَلِيّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ مَضْرِبَ بَنِي هَاشِمٍ وَأَنَا أُحِبُّ أَنْ أَمْشِيَ فِي مَنَازِلِ بَنِي هَاشِمٍ.

٤- راوی گوید: امام صادق از پدر بزرگوارش علیهما السلام نقل می کرد که حضرتش فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم رمی جمرات را پیاده انجام می داد.

٥- علی بن مهزیار گوید: امام جواد علیه السلام را بعد از روز قربانی دیدم که پیاده می رفت تا رمی جمرات نماید، سپس سواره بر می گشت و بعد از مقابل مسجد در منا حضرتش را پیاده دیدم.

٦- یکی از اصحاب حسن بن صالح گوید: امام باقر علیه السلام را دیدم که مقداری بالاتر از مسجد منا از مرکب خود پیاده شد تا روی آورد که در جای خیمه گاه علی بن الحسین علیهما السلامرمی جمره کند به حضرتش گفتم: قربانت گردم! چرا این جا پیاده شدی؟

فرمود: به راستی این جا خیمه گاه علی بن الحسین علیهما السلام و خیمه گاه بنی هاشم است و دوست دارم که در منازل آنها پیاده روم.

ص: ٤٤٢

بخش صدو هفتادو هشتم

اشاره

(١٧٨)

بَابُ أَيَّامِ النَّحْرِ.

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ كُلَيْبٍ الْأَسَدِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ النَّحْرِ.

فَقَالَ: أَمَّا بِمِنًى فَثَلَاثَةُ أَيَّامٍ وَأَمَّا فِي الْبُلْدَانِ فَيَوْمٌ وَاحِدٌ.

٢- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَاجٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

الْأَضْحَى يَوْمَانِ بَعْدَ يَوْمِ النَّحْرِ وَ يَوْمٌ وَاحِدٌ بِالْأَمْصَارِ.

روزهای قربانی

۱- کلیب اسدی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد روزهای قربانی پرسیدم.

فرمود: روزهای قربانی در منا سه روز و در شهرهای دیگر یک روز است.

۲- محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

روز قربانی دو روز بعد از روز قربانی (در منا) و در سایر شهرها یک روز است.

ص: ٤٤٣

بخش صدو هفتادو نهم

اشاره

(۱۷۹)

بَابُ أَدْنَى مَا يُجْزِئُ مِنَ الْهَدْيِ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ:

(فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ).

قَالَ: شَاةٌ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه السلام قَالَ:

يُجْزِئُ فِي الْمُتْعَةِ شَاةٌ.

کم ترین حد قربانی

۱- ابو عبیده گوید امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند متعال که می فرماید: «پس هرکه با پایان یافتن عمره حج را آغاز کند، آن چه از قربانی برای او میسر است ذبح کند» فرمود:

منظور یک گوسفند است.

۲- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در عمره تمتع قربانی یک گوسفند کافی است.

ص: ٤٤٤

بخش صدو هشتادم

اشاره

(۱۸۰)

بَابُ مَنْ يَجِبُ عَلَيْهِ الْهَدْيُ وَ أَيْنَ يَذْبَحُهُ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ تَمَتَّعَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ أَقَامَ بِمَكَّةَ حَتَّى يَحْضُرَ الْحَجُّ مِنْ قَابِلٍ فَعَلَيْهِ شَاةٌ وَمَنْ تَمَتَّعَ فِي غَيْرِ أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ جَاوَرَ حَتَّى يَحْضُرَ الْحَجُّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ دَمٌ، إِنَّمَا هِيَ حَجَّةٌ مُفْرَدَةٌ، وَإِنَّمَا الْأَضْحَى عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ.

٢- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سُئِلَ عَنِ الْأَضْحَى أَ وَاجِبٌ عَلَى مَنْ وَجَدَ لِنَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ؟

فَقَالَ: أَمَّا لِنَفْسِهِ فَلَا يَدَعْهُ، وَ أَمَّا لِعِيَالِهِ إِنْ شَاءَ تَرَكَهُ.

حکم وجوب قربانی و محل ذبح آن

١- سعید اعرج گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه حج تمتع را در ماه های حج (شوال، ذی القعده و ذی الحجه) انجام دهد، آن گاه در مکه درنگ کند تا حج سال آینده فرا رسد بر ذمه او یک گوسفند است و هرکه حج تمتع را در غیر ماه های حج انجام دهد، بعد بماند تا موقع حج فرا رسد بر او قربانی نیست، زیرا آن حج افراد است. قربانی فقط برای مردم شهرهای دیگر است.

٢- عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قربانی پرسیدند که برای کسی که امکان دارد بر خود و نان خورانش واجب است؟

فرمود: از جانب خود قربانی کند و اگر خواست قربانی نان خورانش را رها کند.

ص: ٤٤٥

٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ قَدِمَ بِهَدْيِهِ مَكَّةَ فِي الْعَشْرِ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ هَدْياً وَاجِباً فَلَا يَنْحَرْهُ إِلَّا بِمِنًى، وَ إِنْ كَانَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ فَلْيَنْحَرْهُ بِمَكَّةَ إِنْ شَاءَ، وَإِنْ كَانَ قَدْ أَشْعَرَهُ وَ قَلَّدَهُ فَلَا يَنْحَرْهُ إِلَّا يَوْمَ الْأَضْحَى.

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الرّجُلُ يَخْرُجُ مِنْ حَجّتِهِ شَيْئاً يَلْزَمُهُ مِنْهُ دَمٌ يُجْزِئُهُ أَنْ يَذْبَحَهُ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ.

وَ قَالَ فِيمَا أَعْلَمُ: يَتَصَدّقُ بِهِ.

۳- ابراهیم کرخی گوید: امام صادق علیه السلام دربارهٔ کسی که در دهه ذی حجه با قربانی خود به مکه آمده فرمود:

اگر قربانی او واجب است آن را جز در منا قربانی نکند و اگر واجب نیست اگر خواست در مکه قربانی کند و اگر آن را نشان کرده و چیزی از گردنش آویخته فقط در روز عید قربان، قربانی کند.

٤- اسحاق بن عمّار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که در مراسم حج خود کاری می کند که قربانی بر او لازم می شود آیا او را کفایت می کند آن گاه که نزد خانواده اش برگردد قربانی نماید؟

فرمود: آری.

راوی گوید: به نظرم می رسد حضرتش چنین فرمود: از عوض آن صدقه می دهد.

ص: ٤٤٦

قَالَ إِسْحَاقُ وَ قُلْتُ لِأَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام: الرّجُلُ يَخْرُجُ مِنْ حَجّتِهِ مَا يَجِبُ عَلَيْهِ الدّمُ وَ لا يُهَرِيقُهُ حَتّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ.

فَقَالَ: يُهَرِيقُهُ فِي أَهْلِهِ وَ يَأْكُلُ مِنْهُ الشّيْءَ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقَرْقُوفِي قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: سُقْتُ فِي الْعُمْرَةِ بَدَنَةً أَيْنَ أَنْحَرُهَا؟

قَالَ: بِمَكَّةَ.

قُلْتُ: أَيِّ شَيْءٍ أُعْطِي مِنْهَا؟

قَالَ: كُلْ ثُلُثاً وَ أَهْدِ ثُلُثاً وَ تَصَدَّقْ .

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ أَنْكَرُوا عَلَيْكَ أَنَّكَ ذَبَحْتَ هَدْيَكَ فِي مَنْزِلِكَ بِمَكَّةَ.

فَقَالَ: إِنَّ مَكَّةَ كُلَّهَا مَنْحَرٌ.

اسحاق گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: کسی که در مراسم حج خود کاری از او صادر می شود که قربانی بر او واجب می شود و قربانی نمی کند تا این که نزد خانواده اش بر می گردد؟

فرمود: در نزد خانواده اش قربانی نموده و می تواند بخشی از آن را بخورد.

٥- شعیب عقرقوفی گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: برای مراسم عمره با خود شتری بردم آن را در کجا قربانی کنم؟

فرمود: در مکه.

گفتم: چه چیزی از آن را صدقه بدهم؟

فرمود: یک سوم آن را بخور یک سوم را هدیه بده و یک سوم را صدقه کن.

٦- معاویة بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم مکه از این که قربانی خود را در منزل خود انجام دادی از تو ناخرسند هستند.

فرمود: به راستی که همه جای مکه قربانگاه است.

ص: ٤٤٧

بخش صدو هشتادو یکم

اشاره

(١٨١)

بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ مِنَ الْهَدْيِ وَ مَا يَجُوزُ مِنْهُ وَ مَا لَا يَجُوزُ.

١- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْن مُحَمَّدٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ حَمَّادِ بْن عُثْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَدْنَى مَا يُجْزِئُ مِنْ أَسْنَانِ الْغَنَمِ فِي الْهَدْيِ.

فَقَالَ: الْجَذَعُ مِنَ الضَّأْنِ.

قُلْتُ: فَالْمَعْزُ.

قَالَ: لَا يُجْزِئُ الْجَذَعُ مِنَ الْمَعْزِ.

قُلْتُ: وَ لِمَ؟

قَالَ: لِأَنَّ الْجَذَعَ مِنَ الضَّأْنِ يَلْقَحُ وَ الْجَذَعُ مِنَ الْمَعْزِ لَا يَلْقَحُ.

٢- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَن الإبل وَ الْبَقَرِ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ أَنْ يُضَحَى بِهَا؟

مستحبات قربانی و موارد مجاز و غیر مجاز آن

١- حمّاد بن عثمان گوید: از امام صادق علیه السلام از کم ترین سال گوسفند قربانی پرسیدم که چند وقته کفایت می کند؟

فرمود: شش ماهه از گوسفند.

گفتم: پس از بز چطور؟

فرمود: شش ماهه از بز کفایت نمی کند.

گفتم: چرا؟

فرمود: چون گوسفند شش ماهه آبستن می شود و شش ماهه بز آبستن نمی شود.

٢- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد شتر و گاو پرسیدم که کدام یک برای قربانی بهتر است؟

ص: ٤٤٨

قَالَ: ذَوَاتُ الْأَرْحَامِ. فَسَأَلْتُهُ عَنْ أَسْنَانِهَا.

فَقَالَ: أَمّا الْبَقَرُ فَلَا يَضُرُّكَ بِأَيِّ أَسْنَانِهَا ضَحّيْتَ وَأَمّا الْإِبِلُ فَلَا يَصْلُحُ إِلّا الثّنِيُّ فَمَا فَوْقُ.

٣- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

أَسْنَانُ الْبَقَرِ تَبِيعُهَا وَ مُسِنُّهَا فِي الذَّبْحِ سَوَاءٌ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَهُ يَقُولُ:

ضَحِّ بِكَبْشٍ أَسْوَدَ أَقْرَنَ فَحْلٍ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ أَسْوَدَ فَأَقْرَنُ فَحْلٌ يَأْكُلُ فِي سَوَادٍ و يَشرَبُ فِي سَوَادٍ وَ يَنْظُرُ فِي سَوَادٍ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

فرمود: آنها که ماده اند.

پس از سال آنها پرسیدم.

فرمود: در مورد گاو سالش هرچه باشد ایرادی بر تو نیست که قربانی کنی و اما در مورد شتر فقط دو بار و یا بیش تر زاییده کفایت می کند.

۳- محمد بن حمران گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در قربانی گاو دو ساله و سه ساله مساوی است.

٤- حلبی گوید: کسی که از امام صادق علیه السلام شنیده بود، گفت: آن حضرت فرمود:

قوچ سیاه شاخ سالم اخته نشده را قربانی کن و اگر قوچ سیاه رنگ نیافتی، پس قوچ شاخ سالم اخته شده ای که دور دهان و دور چشمانش سیاه باشد، کافی است.

۵ - ابو بصیر گوید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ النّعْجَةُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمِ الْمَاعِزُ؟

قَالَ: إِنْ كَانَ الْمَاعِرُ ذَكَراً فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيّ وَ إِنْ كَانَ الْمَاعِرُ أُنْثَى فَالنّعْجَةُ أَحَبُّ إِلَيّ.

قَالَ: قُلْتُ: فَالْخَصِيُّ يُضَحَى بِهِ؟

قَالَ: لا، إِلّا أَنْ لَا يَكُونَ غَيْرُهُ.

وَ قَالَ: يَصْلُحُ الْجَذَعُ مِنَ الضّأْنِ فَأَمّا الْمَاعِرُ فَلَا يَصْلُحُ.

قُلْتُ: الْخَصِيُّ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَمِ النّعْجَةُ؟

قَالَ: الْمَرْضُوضُ أَحَبُّ إِلَيّ مِنَ النّعْجَةِ، وَإِنْ كَانَ خَصِيّاً فَالنّعْجَةُ.

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا اشْتَرَى الرّجُلُ الْبَدَنَةَ مَهْزُولَةٌ فَوَجَدَهَا سَمِينَةٌ فَقَدْ أَجْزَأَتْ عَنْهُ، وَإِنِ اشْتَرَاهَا مَهْزُولَةً فَوَجَدَهَا مَهْزُولَةٌ، فَإِنّهَا لا تُجْزِئُ عَنْهُ.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم به نظر شما قربانی بزغاله بهتر است یا بز.

فرمود: اگر بز نر باشد نزد من بهتر است و اگر بز ماده باشد بزغاله بهتر است.

عرض کردم: آیا حیوان اخته شده را می توان قربانی کرد؟

فرمود: نه، مگر این که جز آن یافت نشود.

و فرمود: می توان گوسفند شش ماهه را قربانی کرد ولی بز را نه.

عرض کردم: به نظر شما حیوان اخته شده برای قربانی بهتر است یا بزغاله؟

فرمود: قوچی که خصیه هایش کوبیده شد، بهتر از بزغاله است.

٦- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه کسی شتر لاغری بخرد و فربه از آب در آید، همان برای قربانی کافی است و اگر شتر لاغر بخرد و لاغر از آب در بیاید برای قربانی کفایت نمی کند.

ص: ٤٥٠

٧- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَلَمَةَ أَبِي حَفْصٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيٌّ علیه السلام يَكْرَهُ التَّشْرِيمَ فِي الآذَانِ وَالْخَرْمَ وَلَا يَرَى بِهِ بَأْساً إِنْ كَانَ ثَقْبٌ فِي مَوْضِعِ الْوَسْمِ وَكَانَ يَقُولُ: يُجْزِئُ مِنَ الْبُدْنِ النَّبِيُّ وَ مِنَ الْمَعْزِ النَّنِيُّ وَ مِنَ الضَّأْنِ الْجَذَعُ.

٨- أَبَانٌ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ:

الْكَبْشُ فِي أَرْضِكُمْ أَفْضَلُ مِنَ الْجَزُورِ.

٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فِي رَجُلٍ يَشْتَرِي هَدْياً وَ كَانَ بِهِ عَيْبٌ عَوَرٌ أَوْ غَيْرُهُ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ نَقَدَ ثَمَنَهُ فَقَدْ أَجْزَأَ عَنْهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ نَقَدَ ثَمَنَهُ رَدَّهُ وَ اشْتَرَى غَيْرَهُ.

٧- سلمة ابي حفص گوید: امام صادق علیه السلام از پدرش بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

علی علیه السلام شکاف گردن، گوش ها و بینی قربانی را ناخوش می شمرد و بر سوراخ کردن جای علامت ایراد نمی کرد.

و می فرمود: در قربانی شتر دو ساله، که پا به سال بگذارد و در بز دو ساله، که پا به سال بگذارد و در میش شش ماهه کفایت می کند.

۸ - عبدالرحمان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

قوچ در سرزمین شما بهتر از شتر است.

۹- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که قربانی خریده بود که بر او عیبی بود - یک چشمی بود و یا غیر آن - فرمود:

اگر مبلغ آن را داده است پس از او کفایت می کند و اگر مبلغ آن را نداده آن را برمی گرداند و قربانی دیگری می خرد.

ص: ٤٥١

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: اشْتَرِ فَحْلاً سَمِيناً لِلْمُتْعَةِ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمَوْجُوءاً فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمِنْ فُحُولَةِ الْمَعْزِ، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَنَعْجَةً، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ.

قَالَ: وَ يُجْزِئُ فِي الْمُنْعَةِ الْجَذَعُ مِنَ الضَّأْنِ وَلَا يُجْزِئُ جَذَعُ الْمَعْزِ.

قَالَ: وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: فِي رَجُلٍ اشْتَرَى شَاةً ثُمّ أَرَادَ أَنْ يَشْتَرِيَ أَسْمَنَ مِنْهَا.

قَالَ: يَشْتَرِيهَا فَإِذَا اشْتَرَاهَا بَاعَ الْأُوَلّى.

قَالَ: وَ لا أَدْرِي شَاةٌ.

قَالَ أَوْ بَقَرَةٌ.

١٠- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِي عَنِ السَّكُونِي عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم:

صَدَقَةُ رَغِيفٍ خَيْرٌ مِنْ نُسُكِ مَهْزُولَةٍ.

١١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الضَّحِيَّةِ تَكُونُ الْأُذُنُ مَشْقُوقَةً.

گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: برای قربانی حج تمتع قوچ اخته نشده خریداری کن و اگر نیافتی می توانی اخته شده بخری و اگر نیافتی پس می توانی بز اخته شده بخری و اگر نیافتی می توانی بزغاله تهیه کنی و اگر نیافتی هرچه امکان شد می توانی برای قربانی بخری.

و فرمود: برای قربانی حج در تمتع گوسفند شش ماهه و بز شش ماهه کفایت نمی کند.

حضرتش در مورد کسی که گوسفندی خرید خواست با گوسفند فربهی عوض کند فرمود: آن را می خرد پس چون آن را خرید اولی را می فروشد.

راوی گوید: نمی دانم منظور حضرتش گوسفند بود یا گاو.

١٠- سکونی گوید: امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که حضرتش فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

یک قرص نان صدقه دادن بهتر از یک قربانی لاغر است.

١١- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد قربانی که گوش آن پاره باشد، پرسیدم.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ شَقّهَا وَسْماً فَلَا بَأْسَ، وَإِنْ كَانَ شَقّاً فَلَا يَصْلُحُ.

١٢- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْ فَلِيٍّ عَنِ السَّكُونِي عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم:

لا تُضَحَى بِالْعَرْجَاءِ بَيْنِ عَرَجُهَا، وَ لا بِالْعَجْفَاءِ وَ لَا بِالْجَرْبَاءِ وَ لَا بِالْخَرْقَاءِ وَ لَا بِالْحَذّاءِ وَلَا بِالْعَضْبَاءِ.

١٣- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فى الْأُضْحِيّةِ يُكْسَرُ قَرْنُهَا قَالَ:

إِذَا كَانَ الْقَرْنُ الدّاخِلُ صَحِيحاً فَهُوَ يُجْزِئُ.

١٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أبو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

فرمود: اگر پارگی به خاطر علامت باشد ایرادی ندارد وگرنه کافی نیست.

١٢- سکونی گوید امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: نباید حیوان لنگ، لاغر، جرب، گرفته، گوش و لب شکافته، موی دم کوتاه، گوش شکافته و دست کوتاه قربانی شود.

١٣- جمیل گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گوسفند شاخ شکسته ای که به عنوان قربانی باشد فرمود:

اگر داخل شاخ سالم باشد کفایت می کند.

١٤- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

إِذَا رَمَيْتَ الْجَمْرَةَ فَاشْتَرِ هَدْيَكَ إِنْ كَانَ مِنَ الْبُدْنِ أَوْ مِنَ الْبَقَرِ وَ إِلّا فَاجْعَلْ كَبْشًا سَمِيناً فَحْلاً، فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمَوْجُوءاً مِنَ الضّأْنِ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَتَيْساً فَحْلاً فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فَمَا اسْتَيْسَرَ عَلَيْكَ وَ عَظِّمْ شَعَائِرَ اللّهِ عَزّوَجَلّ، فَإِنّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم ذَبَحَ عَنْ أُمّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ بَقَرَةً بَقَرَةً وَ نَحَرَ بَدَنَةٌ.

١٥- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

فِي الْهَرِمِ الّذِي وَقَعَتْ ثَنَايَاهُ أَنّهُ لا بَأْسَ بِهِ فِي الْأَضَاحِيّ، وَ إِنِ اشْتَرَيْتَهُ مَهْزُولاً فَوَجَدْتَهُ سَمِيناً أَجْزَاكَ، وَ إِنِ اشْتَرَيْتَ مَهْرُ ولا فَوَجَدْتَهُ مَهْزُولاً فَلَا يُجْزِئُ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى إِنّ حَدّ الْهُزَالِ إِذَا لَمْ يَكُنْ عَلَى كُلْيَتَيْهِ شَيْءٌ مِنَ الشّحْمِ.

١٦- رَوَاهُ مُحَمّدُ بْنُ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ الضّرِيرِ عَنْ حَرِيزٍ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ:

حَجَجْتُ بِأَهْلِي سَنَةٌ فَعَزّتِ الْأَضَاحِي فَانْطَلَقْتُ فَاشْتَرَيْتُ شَاتَيْنِ بِغَلَاءٍ فَلَمّا أَلْقَيْتُ إِهَا بَهُمَا نَدِمْتُ نَدَامَةٌ شَدِيدَةً لِمَا رَأَيْتُ بِهِمَا مِنَ الْهُزَالِ فَأَتَيْتُهُ فَأَخْبَرْتُهُ ذَلِكَ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ عَلَى كُلْيَتَيْهِمَا شَيْءٌ مِنَ الشّحْمِ أَجْزَأَنَا.

هرگاه رمی جمره را انجام دادی قربانی خود را از شتر یا گاو خریداری کن و اگر نتوانستی قوچی فربه اخته نشده بخر و اگر نیافتی پس قوچی فربه اخته شده بخر و اگر نیافتی بز اخته نشده بخر و اگر نیافتی آن چه امکان پذیر باشد و شعائر خداوند عزوجل را بزرگ بشمار، زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم از جانب مادران مؤمنین یک گاو ذبح می نمود و یک شتر فربه نحر می کرد.

۱۵- عیص بن قاسم گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گوسفند پیر که چهار دندان پیش آن افتاده باشد فرمود: در قربانی آن ایرادی نیست و اگر گوسفند لاغری خریدی و فربه در آمد همان برای قربانی کفایت می کند و اگر لاغر خریدی و لاغر در آمد از قربانی کفایت نمی کند.

و در روایت دیگری آمده است اندازه لاغری آن است که در دو پهلوی آن پیه نباشد.

۱٦- فضیل گوید: سالی با همسرم به حج رفتم، به هنگام قربانی با کمبود گوسفند رو به رو شدم و دو گوسفند به قیمت گران خریدم وقتی ذبح کردم و پوست آن ها را کندم سخت پشیمان شدم چرا که آنها لاغر بودند. این موضوع را به خدمت امام صادق علیه السلام رساندم.

فرمود: اگر در دو پهلوی آنها چیزی از پیه باشد برای قربانی شما کفایت می کنند.

ص: ٤٥٤

۱۷- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ السُّلَمِيِّ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ:

سَأَلَنِي بَعْضُ الْخَوَارِجِ عَنْ هَذِهِ الآيَةِ: (مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ، وَ مِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ) مَا الَّذِي أَحَلَّ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ وَ مَا الَّذِي حَرَّمَ؟

فَلَمْ يَكُنْ عِنْدِي شَيْءٌ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ أَنَا حَاجٌ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا كَانَ.

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَحَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَلَّ فِي الْأَضْحِيَّةِ بِمِنًى الضَّأْنَ وَ الْمَعْنَ الْأَهْلِيَّةَ وَ حَرَّمَ أَنْ يُضَحَّى بِالْجَبَلِيَّةِ.

وَ أَمَّا قَوْلُهُ: (وَ مِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ) فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَحَلَّ فِي الأُضْحِيَّةِ الْإِبِلَ الْعِرَابَ وَحَرَّمَ فِيهَا الْبَخَاتِي وَ أَحَلَّ الْبَقَرَ الْأَهْلِيَّةَ أَنْ يُضَحَّى بِهَا وَ حَرَّمَ الْجَبَلِيَّةَ.

فَانْصَرَفْتُ إِلَى الرَّجُلِ فَأَخْبَرْتُهُ بِهَذَا الْجَوَابِ.

فَقَالَ: هَذَا شَيْءٌ حَمَلَتْهُ الْإِبِلُ مِنَ الْحِجَازِ.

۱۷- داوود رقی گوید: یکی از خوارج در مورد این آیه از من سؤال کرد که خداوند می فرماید: «از میش یک جفت و از بز یک جفت بگو: (ای محمد! خدا) نرهای آن ها را حرام کرده یا ماده ها؟» «و از شتر یک جفت و از گاو یک جفت» چه چیزی را خدا از آنها حلال و چه چه چیزی را حرام کرده است؟

من پاسخی نداشتم از این رو در موسم حج به خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم درحالی که این موضوع را بازگو کردم.

فرمود: به راستی که خداوند عزوجل برای قربانی در منا میش و بز اهلی را حلال کرد و میش و بز کوهی را حرام فرمود.

و اما آیه دیگر که می فرماید: «از شتر یک جفت و از گاو یک جفت» منظور این است که خدای تعالی در قربانی شترهای عربی را حلال کرده و شترهای خراسانی را حرام و گاو اهلی را حلال کرد و گاو وحشی را حرام.

وقتی از مراسم حج برگشتم نزد آن مرد خارجی رفتم و این جواب را به او گفتم.

گفت: این پاسخ به وسیله شتر از حجاز (یعنی از امام صادق علیه السلام) آمده است.

ص: ٤٥٥

بخش صدو هشتادو دوم

اشاره

(۱۸۲)

بَابُ الْهَدْيِ يُنْتَجُ أَوْ يُحْلَبُ أَوْ يُرْكَبُ.

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (لَكُمْ فِيها مَنَافِعُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى).

قَالَ: إِنِ احْتَاجَ إِلَى ظَهْرِهَا رَكِبَهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَعْنُفَ عَلَيْهَا، وَ إِنْ كَانَ لَهَا لَبَنٌ حَلَبَهَا حِلَاباً لا يَنْهَكُهَا.

٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنْ نُتِجَتْ بَدَنَتَكَ فَاحْلُبْهَا مَا لَا يُضِرُّ بِوَلَدِهَا ثُمَّ انْحَرْهُمَا جَمِيعاً.

قُلْتُ: أَشْرَبُ مِنْ لَبَنِهَا وَ أَسْقِي؟

قَالَ: نَعَمْ.

حکم قربانی زائو، شیرده یا بارکش

١- ابو صباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «برای شما در شتران هدی منفعت هایی تا وقت معین است» پرسیدم؟

فرمود: اگر نیاز داشت سوار می شود بی آن که آزارش دهد و اگر شیر داشت چندان می دو شد که آن را لاغر نکند.

٢- سلیمان بن خالد گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هر گاه شتر قربانی زایید شیر آن را بدوش به گونه ای که به بچه اش ضرر نرسد، آن گاه هر دو را نحر کن.

گفتم: می توانم از شیر آن بخورم و به دیگران بخورانم؟

فرمود: آری.

ص: ٤٥٦

وَ قَالَ: إِنّ عَلِيّاً أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام كَانَ إِذَا رَأَى أُناساً يَمْشُونَ قَدْ جَهَدَهُمُ الْمَشْيُ حَمَلَهُمْ عَلَى بُدْنِهِ.

وَ قَالَ: إِنْ ضَلّتْ رَاحِلَةُ الرّجُل أَوْ هَلَكَتْ وَ مَعَهُ هَدْيٌ فَلْيَرْكَبْ عَلَى هَدْيِهِ.

٣- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَدَنَةِ تُنْتَجُ أَ نَحْلُبُهَا؟

قَالَ: احْلُبْهَا حَلْباً غَيْرَ مُضِرٍّ بِالْوَلَدِ ثُمّ انْحَرْهُمَا جَمِيعاً.

قُلْتُ: يَشْرَبُ مِنْ لَبَنِهَا؟

قَالَ: نَعَمْ وَ يَسْقِي إِنْ شَاءَ.

فرمود: به راستی هرگاه امیرمؤمنان علی علیه السلام میدید که مردمان پیاده راه می روند و خسته شده اند آنها را بر شتر سوار می کرد.

فرمود: هرگاه شتر سواری مردی گم شد یا از بین رفت و با او شتر قربانی است می تواند بر آن سوار شود.

٣- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم آیا می توان شتر قربانی را دوشید؟

فرمود: آن را به گونه ای بدوش که به بچه اش ضرر نرسد، آن هر دو را نحر کن.

عرض کردم: می توانم از شیرش بخورم؟

فرمود: آری، اگر خواستی می توانی به دیگران هم بدهی.

ص: ۴۵۷

بخش صدو هشتادو سوم

اشاره

(۱۸۳)

بَابُ الْهَدْيِ يَعْطَبُ أَوْ يَهْلِكُ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَالْأَكْلِ مِنْهُ.

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

كُلُّ مَنْ سَاقَ هَدْياً تَطَوُّعاً فَعَطِبَ هَدْيُهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ يَنْحَرُهُ وَ يَأْخُذُ نَعْلَ التَّقْلِيدِ فَيَغْمِسُهَا فِي الدَّمِ وَ يَضْرِبُ بِهِ صَفْحَةَ سَنَامِهِ وَ لَا بَدَلَ عَلَيْهِ وَ مَا كَانَ مِنْ جَزَاءِ صَيْدٍ أَوْ نَذْرٍ فَعَطِبَ فَعَلَ مِثْلَ ذَلِكَ، وَ عَلَيْهِ الْبَدَلُ وَ كُلُّ شَيْءٍ إِذَا دَخَلَ الْحَرَمَ فَعَطِبٌ فَلا بَدَلَ عَلَى صَاحِبِهِ تَطَوُّعاً أَوْ غَيْرَهُ.

۲- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

حکم شتر قربانی که از راه رفتن بازماند، یا پیش از رسیدن به قربانگاه و نحر آن بمیرد

۱- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه به عنوان مستحبی شتر قربانی آورد و از راه باز ماند می تواند آن را نحر کند و نعل گردن او را گرفته و خون آلود کرده و به پهلوی کوهان آن می زند (که علامت قربانی باشد) و نیازی به عوض ندارد و اگر قربانی باز مانده عنوان کفاره شکار و یا نذر باشد بایستی همان گونه انجام دهد و همانند آن را نحر کند و اگر قربانی که به حرم رسید و از بقیه راه باز ماند عوض بر عهده صاحبش نیست، خواه به عنوان مستحبی باشد یا موارد دیگر.

۲- معاوية بن عمار گويد:

ص: ٤٥٨

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى أَضْحِيّةً فَمَاتَتْ أَوْ سُرِقَتْ قَبْلَ أَنْ يَذْبَحَهَا.

فَقَالَ: لا بَأْسَ وَإِنْ أَبْدَلَهَا فَهُوَ أَفْضَلُ وَ إِنْ لَمْ يَشْتَرِ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

۳- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَن الْبَدَنَةِ يُهْدِيهَا الرّجُلُ فَتَكْسَرُ أَوْ تَهْلِكُ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ هَدْياً مَضْمُوناً، فَإِنّ عَلَيْهِ مَكَانَهُ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ مَضْمُوناً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ؟

قُلْتُ: أَوَ يَأْكُلُ مِنْهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

از امام صادق عليه السلام پرسيدم كسى كه قربانى خريده و پيش از آن كه قربانى نمايد مرد يا به سرقت رفت (چه حكمى دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد و اگر عوض آن را به جا بیاورد بهتر است و اگر نخرید چیزی بر عهده او نیست.

راوی گوید:

از امام صادق علیه السلام در مورد شتر قربانی که شکستگی پیدا می کند و یا می میرد پرسیدم؟

فرمود: اگر قربانی ضمانت آور باشد عوض آن بر ذمه اوست و اگر ضمانت آور نباشد، چیزی بر ذمه او نیست.

گفتم: آیا می توان از گوشت آن خورد؟

فرمود: آری.

٤ - حلبی گوید: -

ص: ٤٥٩

سَأَلْتُهُ عَنِ الْهَدْيِ الْوَاجِبِ إِذَا أَصَابَهُ كَسْرٌ أَوْ عَطَبٌ أَيَبِيعُهُ صَاحِبُهُ وَ يَسْتَعِينُ بِثَمَنِهِ عَلَى هَدْيٍ آخَرَ؟

قَالَ: يَبِيعُهُ وَ يَتَصَدَّقُ بِثَمَنِهِ وَ يُهْدِي هَدْياً آخَرَ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

إِذَا وَجَدَ الرَّجُلُ هَدْياً ضَالاً فَلْيُعَرِّفْهُ يَوْمَ النَّحْرِ وَ الْيَوْمَ الثَّانِيَ وَ الْيَوْمَ الثَّالِثَ، ثُمَّ يَذْبَحُهُ عَنْ صَاحِبِهِ عَشِيَّةَ يَوْمِ الثَّالِثِ.

وَ قَالَ فِي الرَّجُلِ يَبْعَثُ بِالْهَدَيِ الْوَاجِبِ فَيَهْلِكُ الْهَدْيُ فِي الطَّرِيقِ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ وَ لَيْسَ لَهُ سَعَةُ أَنْ يُهْدِي.

فَقَالَ: اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ يَعْلَمُ أَنَّهُ إِذَا سَأَلَ أُعْطِيَ.

٦- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

از امام صادق علیه السلام درباره قربانی واجبی که پایش شکسته و یا از راه رفتن در ماند پرسیدم، آیا صاحبش می تواند آن را فروخته و با مبلغ آن قربانی دیگری بخرد؟

فرمود: آن را بفروشد و مبلغ آن را صدقه دهد و قربانی دیگری بخرد.

٥- محمد بن مسلم گوید: امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

هرگاه کسی قربانی گم شده ای را یافت باید روز دهم، یازدهم و دوازدهم فریاد زند. سپس غروب روز سوم آن را از جانب صاحبش ذبح کند.

حضرتش در مورد کسی که به وسیلهٔ او قربانی واجب فرستاده می شود پس در راه پیش از رسیدن از بین میرود و او را امکان عوض قربانی نیست فرمود:

خدای سبحان به پذیرش عذر او شایسته تر است مگر که بداند به هنگام درخواست بر می گرداند.

٦- عبدالرحمان بن حجاج گوید:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى هَدْياً لِمُتْعَتِهِ فَأَتَى بِهِ أَهْلَهُ وَ رَبَطَهُ ثُمَّ انْحَلَّ وَ هَلَكَ هَلْ يُجْزِئُهُ أَوْ يُعِيدُ؟

قَالَ: لا يُجْزِئُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَا قُوَّةَ بِهِ عَلَيْهِ.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى كَبْشاً فَهَلَكَ مِنْهُ.

قَالَ: يَشْتَرِي مَكَانَهُ آخَرَ.

قُلْتُ: فَإِنِ اشْتَرَى مَكَانَهُ آخَرَ ثُمَّ وَجَدَ الْأَوَّلَ.

قَالَ: إِنْ كَانَا جَمِيعاً قَائِمَيْنِ فَلْيَذْبَحِ الْأَوَّلَ وَلْيَبِعِ الآخَرَ وَ إِنْ شَاءَ ذَبَحَهُ، وَإِنْ كَانَ قَدْ ذَبَحَ الآخَرَ فَلْيَذْبَحِ الْأَوَّلَ مَعَهُ.

٨- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

از امام کاظم علیه السلام پرسیدم کسی برای حج تمتع قربانی خرید و آن را به خانه اش آورد و نزد خانواده اش (آشناهایش) برد و پایش را بست ولی حیوان رها شد و از بین رفت، آیا از او کفایت می کند یا دوباره بخرد؟

فرمود: او را کفایت نمی کند مگر این که تهیه قربانی امکان نداشته باشد.

٧- ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد کسی که قوچی را خرید و از بین رفت پرسیدم؟

فرمود: به جای آن باید قوچ دیگری را بخرد.

گفتم: اگر به جای آن، قربانی دیگری خرید سپس قربانی اولی پیدا شد چه؟

فرمود: اگر هر دو موجود شدند، اولی را ذبح نموده و دومی را می فروشد و اگر خواست ذبح می کند و اگر خواست دومی را ذبح نماید پس اولی را هم با آن ذبح کند.

۸- منصور بن حازم گوید: -

ص: ٤٦١

فِي الرّجُلِ يَضِلُّ هَدْيُهُ فَيَجِدُهُ رَجُلٌ آخَرُ فَيَنْحَرُهُ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ نَحَرَهُ بِمِنًى فَقَدْ أَجْزَأَ عَنْ صَاحِبِهِ الّذِي ضَلّ مِنْهُ وَ إِنْ كَانَ نَحَرَهُ فِي غَيْرِ مِنًى لَمْ يُجْزِ عَنْ صَاحِبِهِ.

۹- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام:

فِي رَجُلٍ اشْتَرَى هَدْياً فَنَحَرَهُ.

فَمَرّ بِهِ رَجُلٌ فَعَرَفَهُ فَقَالَ: هَذِهِ بَدَنَتِي ضَلّتْ مِنّي بِالْأَمْسِ.

وَ شَهِدَ لَهُ رَجُلَانِ بِذَلِكَ.

فَقَالَ لَهُ: لَحْمُهَا وَ لَا يُجْزِئُ عَنْ وَاحِدٍ مِنْهُمَا.

ثُمّ قَالَ: وَلِذَلِكَ جَرَتِ السُّنّةُ بِإِشْعَارِهَا وَ تَقْلِيدِهَا إِذَا عُرِّفَتْ.

امام صادق علیه السلام دربارۀ کسی که قربانی او گم شده و مرد دیگری آن را پیدا نموده و قربانی نموده فرمود:

اگر در منا قربانی نموده باشد از صاحبش که کم کرده است کفایت می کند و اگر در غیر منا قربانی نموده باشد از جانب صاحبش کفایت نمی کند.

۹- یکی از اصحاب می گوید امام (باقر و یا صادق علیهما السلام) در مورد مردی که شتر قربانی خرید و نحر نمود، پس مردی گذر نمود او را شناخته و گفت: این شتر قربانی من است که دیروز گم گشته است و دو نفر بر آن شهادت داد فرمود:

گوشت آن مال اوست و از هیچ کدام جهت قربانی کفایت نمی کند.

سپس فرمود: و به همین سنت جاری شده که قربانی علامت گذاری شود تا شناخته شود.

ص: ٤٦٢

بخش صدو هشتادو چهارم

اشاره

(١٨٤)

بَابُ الْبَدَنَةِ وَ الْبَقَرَةِ عَنْ كَمْ تُجْزِئُ؟

١- عَلِيٌّ بْنُ اهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم يَذْبَحُ يَوْمَ الْأَضْحَى كَبْشَيْنِ: أَحَدَهُمَا عَنْ نَفْسِهِ وَ الآخَرَ عَمَّنْ لَمْ يَجِدْ مِنْ أُمَّتِهِ. وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَذْبَحُ كَبْشَيْنِ أَحَدَهُمَا عَنْ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَالآخَرَ عَنْ نَفْسِهِ.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ علیه السلام عَنْ قَوْمٍ غَلَتْ عَلَيْهِمُ الْأَضَاحِيُّ وَ هُمْ مُتَمَتِّعُونَ وَ هُمْ مُتَرَافِقُونَ وَ لَيْسُوا بِأَهْلِ بَيْتٍ وَاحِدٍ وَ قَدِ اجْتَمَعُوا فِي مَسِيرِهِمْ وَ مَضْرَبُهُمْ وَاحِدٌ أَلَهُمْ أَنْ يَذْبَحُوا بَقَرَةً؟

فَقَالَ: لا أُحِبُّ ذَلِكَ إِلّا مِنْ ضَرُورَةٍ.

شتر و گاو از قربانی چند نفر کفایت می کند؟

۱- عبدالله بن سنان گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم در روز قربان دو قوچ ذبح می نمود. یکی از جانب خود و دیگر از جانب اُمت خود که قربانی نمی یابند و امیر المؤمنین علیه السلام همواره در روز قربانی دو قوچ قربانی می نمود یکی از جانب رسول خدا صلی الله علیه وسلم و دیگری از جانب خودش.

۲- عبد الرحمان بن حجّاج گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم جمعی که با هم رفیقند حج تمتع می کنند و از یک خانواده نیستند بلکه در راه با هم شده اند و خیمه ایشان هم یکی است قربانی بر آنان گران شده است آیا می توانند همگی یک گاو قربانی نمایند؟

فرمود: آن را دوست ندارم مگر ناچار باشند.

ص: ۴۶۳

۳- عدةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ رَجُلٍ يُسَمّى عِدّةٌ سَوَادَةً قَالَ:

كُنّا جَمَاعَةً بِمِنًى فَعَزّتِ الْأَضَاحِيُّ فَنَظَرْنَا فَإِذَا أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام وَاقِفٌ عَلَى قَطِيعٍ يُسَاوِمُ بِغَنَمٍ وَ يُمَاكِسُهُمْ مِكَاسًا شَدِيداً.

فَوَقَفْنَا نَنْتَظِرُ فَلَمّا فَرَغَ أَقْبَلَ عَلَيْنَا فَقَالَ: أَظُنُّكُمْ قَدْ تَعَجَّبْتُمْ مِنْ مِكَاسِي؟

فَقُلْنَا: نَعَمْ.

فَقَالَ: إِنّ الْمَغْبُونَ لا مَحْمُودٌ وَ لَا مَأْجُورٌ، أَلَكُمْ حَاجَةٌ؟

فَقُلْنَا: نَعَمْ أَصْلَحَكَ اللّهُ إِنّ الْأَضَاحِيّ قَدْ عَزّتْ عَلَيْنَا.

قَالَ: فَاجْتَمِعُوا فَاشْتَرُوا جَزُوراً فِيمَا بَيْنَكُمْ.

قُلْنَا: وَ لَا تَبْلُغُ نَفَقَتُنَا.

۳- سواده گوید با جمعی در منا بودیم که قربانی کمیاب و گران شد و نگاه می کردیم که ناگاه امام صادق علیه السلام را دیدیم که بر سر گله ای ایستاده و گفت و گو می کرد و چانه زیادی می زد. ما درنگ کرده و منتظر شدیم پس چون حضرتش فارغ شد رو به ما کرده و فرمود:

گمان می کنم که شما از چانه زدن من تعجب می کنید؟

گفتیم: آری.

فرمود: شخص مغبون نه ستایش شده و نه اجری دارد آیا کاری دارید؟

گفتیم: آری، خدا کارهای تو را اصلاح نماید همانا قربانی بر ماگران شده است.

فرمود: جمع شوید و یک شتر مابین خودتان بخرید.

گفتیم: هزینه مان نمی رسد.

ص: ٤٦٤

قَالَ: فَاجْتَمِعُوا وَ اشْتَرُوا بَقَرَةً فِيمَا بَيْنَكُمْ فَاذْبَحُوهَا. قُلْنَا: وَ لا تَبْلُغُ نَفَقَتُنَا.

قَالَ: فَاجْتَمِعُوا فَاشْتَرُوا فِيمَا بَيْنَكُمْ شَاةً فَاذْبَحُوهَا فِيمَا بَيْنَكُمْ.

قُلْنَا: تُجْزِئُ عَنْ سَبْعَةٍ؟

قَالَ: نَعَمْ وَ عَنْ سَبْعِينَ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ حُمْرَانَ قَالَ: عَزَّتِ الْبُدْنُ سَنَةً بِمِنًى حَتَّى بَلَغَتِ الْبَدَنَةُ مِائَةَ دِينَارٍ فَسُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ ذلك.

فَقَالَ: اشْتَرَكُوا فِيهَا.

قَالَ: قُلْتُ: كَمْ؟

قَالَ: مَا خَفَّ هُوَ أَفْضَلُ.

فرمود: جمع شوید گاو بخرید.

گفتیم: هزینه مان نمی رسد.

فرمود: جمع شوید و یک گوسفند بخرید و از طرف خودتان ذبح نمایید.

گفتیم: از هفت نفر کفایت می کند؟

فرمود: آری، از هفتاد نفر هم کفایت می کند.

٤- حمران گوید: سالی در منا شتران قربانی گران شد به گونه ای که هر شتر به صد دینار رسید. از امام باقر علیه السلام در این مورد سؤال شد.

فرمود: در آن شریک شوید.

گفتم: چند نفر؟

فرمود: هرچه کمتر باشد آن بهتر است

ص: ٤٦٥

قُلْتُ: عَنْ كَمْ تُجْزِئُ؟

قَالَ: عَنْ سَبْعِينَ.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ قَرْعَةَ عَنْ زَيْدِ بْنِ جَهُم قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: مُتَمَتِّعٌ لَمْ يَجِدْ هَدْياً.

فَقَالَ: أَ مَا كَانَ مَعَهُ دِرْهَمٌ يَأْتِي بِهِ قَوْمَهُ فَيَقُولَ: أَشْرِكُونِي بِهَذَا الدِّرْهَمِ.

بخش صدو هشتادو پنجم

اشاره

(١٨٥)

بَابُ الذَّبْحِ.

١- أَبُو عَلِيَ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ: (فَاذْكُرُوا اسْمَ

الله عَلَيْهَا صَوَافَّ).

گفتم: از چند نفر کفایت می کند؟

فرمود: از هفتاد نفر.

۵- زید بن جهم گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: حج تمتع گزار که نتوانست تنها قربانی کند (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: آیا با او درهمی نبود که به نزد آشنایان خود بیاید و بگوید مرا با این درهم شریک نمایید.

چگونگی ذبح قربانی

۱- عبد الله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل که می فرماید: «نام خدا را درحالی که به صف ایستاده اند بر آنها ببرید».

ص: ٤٦٦

قَالَ: ذَلِكَ حِينَ تَصُفُ لِلنّحْرِ تَرْبِطُ يَدَيْهَا مَا بَيْنَ الْخُفِّ إِلَى الرُّكْبَةِ وَ وُجُوبُ جُنُوبِهَا إِذَا وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام كَيْفَ تُنْحَرُ الْبَدَنَةُ؟

فَقَالَ: تُنْحَرُ وَ هِيَ قَائِمَةٌ مِنْ قِبَلِ الْيَمِينِ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: النّحْرُ فِي اللّبّةِ وَ الذّبْحُ فِي الْحَلْقِ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

لا يَذْبَحْ لَكَ الْيَهُودِيُّ وَ لا النَّصْرَانِيُّ أَضْحِيَّتَكَ، فَإِنْ كَانَتِ امْرَأَةً فَلْتَذْبَحْ لِنَفْسِهَا وَ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَ تَقُولُ: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ».

فرمود: آن هنگام که برای قربانی صف می کشند در دو دست آن را میان سر دست تا زانو می بندند و افتادن پهلوهایشان آن گاه خود بعد از نحر بر زمین می افتند.

۲- ابو صباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چگونه شتر نحر می شود؟

فرمود: درحالی که ایستاده است از طرف راست نحر می شود.

۳- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نحر از بالای سینه و ذبح از حلق است.

٤- حلبی گوید: نباید یهودی و مسیحی قربانی تو را ذبح کند و اگر زن باشد بر خود ذبح کند و قربانی را رو به قبله نموده و می گویی: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ».

٥- وَ عَنْهُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ يَجْعَلُ السِّكِّينَ فِي يَدِ الصَّبِيِّ، ثُمَّ يَقْبِضُ الرَّجُلُ عَلَى يَدِ الصَّبِيِّ فَيَذْبَحُ.

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

إِذَا اشْتَرَيْتَ هَدْيَكَ فَاسْتَقْبِلْ بِهِ الْقِبْلَةَ وَ انْحَرْهُ أَوِ اذْبَحْهُ وَ قُلْ:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَ لَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ. اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

ثُمَّ أَمِرَ السِّكِّينَ وَ لا تَنْخَعْهَا حَتَّى تَمُوتَ.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

۵- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: على بن الحسين عليهما السلام همواره چاقو را در دست كودک قرار می داد سپس شخصی دست بچه را گرفته و حيوان را ذبح می نمود.

٦- صفوان و ابن عمير گويند: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون قربانی خود را خريدی آن را رو به قبله كن و نحر و يا ذبح كن و بگو:

«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».

سپس چاقو را بكش و نخاع آن را پيش از رگ نبر تا بميرد.

٧- جميل گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

تَبْدَأُ بِمِنًى بِالذَّبْحِ قَبْلَ الْحَلْقِ، وَ فِي الْعَقِيقَةِ بِالْحَلْقِ قَبْلَ الذَّبْحِ.

٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي هَاشِم الْبَجَلِي عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام وَ هُوَ يَنْحَرُ بَدَنَتَهُ مَعْقُولَةً يَدُهَا الْيُسْرَى ثُمَّ يَقُومُ مِنْ جَانِبِ يَدِهَا الْيُمْنَى وَ يَقُولُ:

«بِسْمِ اللّهِ وَ اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ لَكَ. اللّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنِّي».

ثُمَّ يَطْعُنُ فِي لَبَّتِهَا. ثُمَّ يُخْرِجُ السِّكِّينَ بِيَدِهِ، فَإِذَا وَجَبَتْ قَطَعَ مَوْضِعَ الذَّبْحِ بِيَدِهِ.

بخش صدو هشتادو ششم

اشاره

(١٨٦)

بَابُ الْأَكْلِ مِنَ الْهَدْيِ الْوَاجِبِ وَ الصَّدَقَةِ مِنْهَا وَإِخْرَاجِهِ مِنْ مِنًى.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِالله عليه السلام قَالَ:

اعمال منا را با ذبح پیش از تراشیدن سر آغاز می کنی و در عقیقه تراشیدن سر کودک را پیش از ذبح انجام می دهی.

٨- ابو خدیجه گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که شتر قربانی خود را نحر می کند که دست چپ او را بسته و در سمت راست آن ایستاده و می فرمود:

«بسْمِ اللّهِ وَاللّهُ أَكْبَرُ اللّهُمَّ هَذَا مِنْكَ وَ لَكَ. اللّهُمَّ تَقَبَّلْهُ مِنِّي».

بعد با دست خود بر بالای سینه آن ضربه می زد و چون بر زمین افتاد با دست خود او را ذبح نمود.

خوردن از قربانی واجب و صدقه دادن آن و بیرون بردن آن ازمنا

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

ص: ٤٦٩

أَمَرَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم حِينَ نَحَرَ أَنْ تُؤْخَذَ مِنْ كُلِّ بَدَنَةٍ حُذْوَةٌ مِنْ لَحْمِهَا، ثُمّ تُطْرَحَ فِي بُرْمَةٍ ثُمّ تُطْبَخَ وَ أَكَلَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ عَلِيٌّ عليه السلام مِنْهَا وَحَسَوَا مِنْ مَرَقِهَا.

۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللّهِ تَعَالَى: (فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُها).

قَالَ: إِذَا وَقَعَتْ عَلَى الْأَرْضِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَ الْمُعْتَرّ.

قَالَ: الْقَانِعُ الّذِي يَرْضَى بِمَا أَعْطَيْتَهُ وَ لا يَسْخَطُ، وَ لَا يَكْلَحُ وَ لَا يَلْوِي شِدْقَهُ غَضَباً، وَ الْمُعْتَرُّ الْمَارُّ بِكَ لِتَطْعِمَهُ.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصّبّاحِ الْكِنَانِيّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ لُحُومِ الْأَضَاحِيّ.

فَقَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام يَتَصَدّقَانِ بِثُلُثٍ عَلَى جِيرَانِهِمْ وَ ثُلُثٍ عَلَى السّؤَالِ، وَ ثُلُثٌ يُمْسِكُونَهُ لِأَهْلِ الْبَيْتِ.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم قربانی خود را نحر نمود امر فرمود که تکه ای از گوشت هر شتر قربانی در ظرف سنگی قرار گرفت آن گاه که پخته شد رسول خدا صلی الله علیه وسلم و علی علیه السلام از آن خوردند و از آب گوشت آشامیدند.

۲- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای متعال که می فرماید: «پس چون گوشت پهلوهای شتر قربانی بر زمین افتاد» فرمود: هرگاه بر زمین افتاد، پس از آن بخورید و بر قانع و آزرده بخورانید.

فرمود: قانع کسی است که هرچه دادی راضی می شود و خشمگین نمی شود و روی در هم نمی کشد و دهن کجی نمی کند و معتر کسی است که از کنار بر تو می گذرد تا اطعامش نمایی.

۳- ابو صباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد گوشت قربانی پرسیدم.

فرمود: همواره علی بن الحسین علیهما السلام و امام باقر علیه السلام یک سوم آن را بر همسایگان خود صدقه می دادند، یک سوم آن را بر سؤال کنندگان و یک سوم آن را بر اهل خانه نگه می داشتند.

ص: ۴۷۰

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ جَمِيعاً عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ:

سَأَلْتُ لا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْهَدْيِ مَا يَأْكُلُ مِنْهُ الَّذِي يُهْدِيهِ فِي مُنْعَتِهِ وَ غَيْرِ ذلك.

فَقَالَ: كَمَا يَأْكُلُ مِنْ هَدْيِهِ.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ فِدَاءِ الصَّيْدِ يَأْكُلُ صَاحِبُهُ مِنْ لَحْمِهِ.

فَقَالَ: يَأْكُلُ مِنْ أُضْحِيَّتِهِ وَ يَتَصَدَّقُ بِالْفِدَاءِ.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللّهِ عَزّوَجَلّ: (فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُها فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرّ).

٤- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم چه مقدار از قربانی که در حج تمتع و یا غیر آن ذبح می شود می توان خورند؟

فرمود: آن مقدار که از قربانی او می خورند.

٥- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که کفاره شکار بر عهده دارد می تواند از گوشت آن بخورد؟

فرمود: از گوشت قربانی می خورد و کفاره را صدقه می دهد.

٦- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای متعال که می فرماید: «پس چون پهلوهای آنها بر زمین افتد به قانع و عبورکننده بخورانید».

ص: ٤٧١

قَالَ: الْقَانِعُ الّذِي يَقْنَعُ بِمَا أَعْطَيْتَهُ، وَ الْمُعْتَرُّ الّذِي يَعْتَرِيكَ، وَ السّائِلُ الّذِي يَسْأَلُكَ فِي يَدَيْهِ وَ الْبَائِسُ هُوَ الْفَقِيرُ.

٧- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ ابِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ إِخْرَاجَ لُحُومِ الْأَضَاحِيّ مِنْ مِنّي.

فَقَالَ: كُنّا نَقُولُ: لَا يُخْرَجْ مِنْهَا شَيْءٌ لِحَاجَةِ النّاسِ إِلَيْهِ، فَأَمّا الْيَوْمَ فَقَدْ كَثُرَ النّاسُ فَلَا بَأْسَ بِإِخْرَاجِهِ.

٨- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَهْدَى هَدْياً فَانْكَسَرَ.

فَقَالَ: إِنْ كَانَ مَضْمُونَا - وَ الْمَضْمُونُ مَا كَانَ فِي يَمِينٍ يَعْنِي نَذْراً أَوْ جَزَاءً - فَعَلَيْهِ فِدَاؤُهُ.

فرمود: قانع کسی است که هرچه دادی راضی و قانع می شود و معتر کسی است که از کنار تو می گذرد تا اطعامش نمایی و سائل کسی است که با دست از تو درخواست می کند و بائس همان فقیر است.

٧- محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد بیرون بردن گوشت قربانی از منا پرسیدم.

فرمود: ما پیش تر می گفتیم چیزی از آن جا بیرون نرود چرا که مردم به آن احتیاج دارند و اما امروز مردم زیاد شده اند بیرون بردنش ایرادی ندارد.

٨- ابو بصیر گوید: از امام علیه السلام پرسیدم کسی که قربانی به کعبه داد پس پای او شکست.

فرمود: اگر مضمون بود - و مضمون آن است که برای قسم و یا کفاره باشد - بر اوست که عوض آن را بدهد.

ص: ٤٧٢

قُلْتُ: أَ يَأْكُلُ مِنْهُ؟

فَقَالَ: لا، إِنَّمَا هُوَ لِلْمَسَاكِينِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ مَضْمُونَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

قُلْتُ: أَ يَأْكُلُ مِنْهُ؟

قَالَ: يَأْكُلُ مِنْهُ.

وَ رُوِيَ أَيْضاً: أَنَّهُ يَأْكُلُ مِنْهُ مَضْمُوناً كَانَ أَوْ غَيْرَ مَضْمُونٍ.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ مَوْلًى لِأَبِي عَبْدِ الله عليه السلام قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام دَعَا بِبَدَنَةٍ فَنَحَرَهَا، فَلَمّا ضَرَبَ الْجَزّارُونَ عَرَاقِيبَهَا فَوَقَعَتْ إِلَى الْأَرْضِ وَ كَشَفُوا شَيْئاً عَنْ سَنَامِهَا.

قَالَ: اقْطَعُوا وَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا، فَإِنّ اللّهَ عَزّوَجَلّ يَقُولُ: (فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا).

گفتم: آیا می تواند از آن بخورد؟

فرمود: نه، زیرا آن مال مساکین است و اگر مضمون نباشد چیزی بر ذمه او نیست.

گفتم: آیا می تواند از آن بخورد؟

فرمود: می تواند از آن بخورد.

هم چنین روایت شده خواه مضمون و یا غیر مضمون باشد می تواند از آن بخورد.

۹- غلام امام صادق علیه السلام گوید: امام کاظم علیه السلام را دیدم که شتر قربانی خود را خواست پس نحر نمود و هنگامی که سلاخان پاهای آن را زدند و بر زمین افتاد و مقداری از پهلوی او را کندند.

فرمود: ببرید و از آن بخورید و اطعام کنید، زیرا خداوند عزوجل می فرماید: «چون پهلوهایشان بر زمین افتاد پس از آن بخورید و اطعام کنید».

١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام قَالا:

نَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم عَنْ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ بَعْدَ ثَلَاثٍ، ثُمَّ أَذِنَ فِيهَا وَ قَالَ: كُلُوا مِنْ لُحُومِ الْأَضَاحِيِّ بَعْدَ ثَلَاثٍ وَ ادَّخِرُوا.

بخش صدو هشتادو هفتم

اشاره

(١٨٧)

بَابُ جُلُودِ الْهَدْيِ.

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم أَنْ يُعْطَى الْجَزَّارُ مِنْ جُلُودِ الْهَدْيِ وَأَجْلَالِهَا شَيْئاً.

٢- وَ فِي رِوَايَةِ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

١٠- حنان بن سدير از امام باقر عليه السلام و ابو صباح از امام صادق عليه السلام نقل می کنند که آن بزرگواران فرمودند:

رسول خدا صلى الله عليه وسلم به بيرون بردن گوشت قربانى را (از منا) بعد از سه روز نهى فرمودند، سپس در آن اجازه داد و فرمود بعد از سه روز از گوشت قربانى بخوريد و ذخيره نماييد.

پوست قربانی

۱- حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم نهی کرد که پوست و رانداز قربانی به سلاخ داده شود.

۲- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: ٤٧٤

يُنْتَفَعُ بِجِلْدِ الْأُضْحِيّةِ وَ يُشْتَرَى بِهِ الْمَتَاعُ وَإِنْ تُصُدّقَ بِهِ فَهُوَ أَفْضَلُ.

وَ قَالَ: نَحَرَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم بَدَنَةً وَ لَمْ يُعْطِ الْجَزّارِينَ جُلُودَهَا وَ لَا قَلَائِدَهَا وَ لَا جِلَالَهَا، وَ لَكِنْ تَصَدّقَ بِهِ وَ لا تُعْطِ السّلاحَ مِنْهَا شَيْئاً، وَ لَكِنْ أَعْطِهِ مِنْ غَيْرِ ذَلِكَ.

بخش صدو هشتادو هشتم

اشاره

(۱۸۸)

بَابُ الْحَلْقِ وَ التّقْصِير.

۱- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي شِبْلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: إِنّ الْمُؤْمِنَ إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ بِمِنًى ثُمّ دَفَنَهُ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكُلّ شَعْرَةٍ لَهَا لِسَانٌ طَلْقٌ تُلَبّي بِاسْمِ صَاحِبِهَا.

۲- عِدّةَ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُفَضّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

می توان از پوست قربانی استفاده کرد و با آن کالایی خرید و اگر آن صدقه داده شود، بهتر است.

و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم شتری را قربانی کرد و پوست و قلاده و رواندازآن را به سلاخ ها نداد ولی آن را صدقه نمود و چیزی از آن بر سلاخ نده، چیز دیگری به او بده.

تراشیدن سر و کوتاه نمودن مو و ناخن

۱- ابی شبل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه مؤمن سرش را در منا بتراشد سپس آن را دفن کند روز قیامت درحالی می آید که هر موی او به زبان گویایی به نام او لبیک گوید.

۲- ابان بن تغلب گوید:

ص: ۴۷۵

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: لِلرّجُلِ أَنْ يَغْسِلَ رَأْسَهُ بِالْخِطْمِي قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَهُ؟

قَالَ: يُقَصِّرُ وَ يَغْسِلُهُ.

۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْن عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

كَانَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم يَوْمَ النّحْرِ يَحْلِقُ رَأْسَهُ وَ يُقَلِّمُ أَظْفَارَهُ وَ يَأْخُذُ مِنْ شَارِبِهِ وَمِنْ أَطْرَافِ لِحْيَتِهِ.

٤- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیهما السلام قَالَ:

إِذَا اشْتَرَيْتَ أَضْحِيّتَكَ وَ وَزَنْتَ ثَمَنَهَا وَصَارَتْ فِي رَحْلِكَ فَقَدْ بَلَغَ الْهَدْيُ مَحِلّهُ، فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَحْلِقَ فَاحْلِقْ.

۵- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ:

به امام صادق علیه السلام گفتم: مرد می تواند پیش از تراشیدن سر خود را با خطمی بشوید؟

فرمود: تقصیر نموده و بشوید.

۳- عبدالرحمان ابی عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم در روز قربان سرش را می تراشید، ناخن می گرفت و از سبیل ها و اطراف محاسنش را کوتاه می کرد.

٤- علی بن ابی حمزه گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

چون قربانی خود را خریدی و مبلغ آن را دادی و در وسایل سفرت قرار گرفت پس قربانی به محل خود رسیده است. پس اگر دوست داشتی سر بتراشی پس بتراش.

٥- ابوبصیر گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَهِلَ أَنْ يُقَصِّرَ مِنْ رَأْسِهِ أَوْ يَحْلِقَ حَتّٰى ارْتَحَلَ مِنْ مِنًى.

قَالَ: فَلْيَرْجِعْ إِلَى مِنًى حَتّٰى يَحْلِقَ بِهَا شَعْرَهُ أَوْ يُقَصِّرَ وَ عَلَى الصَّرُورَةِ أَنْ يَحْلِقَ.

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ علیه السلام قَالَ:

يَنْبَغِي لِلصَّرُورَةِ أَنْ يَحْلِقَ وَإِنْ كَانَ قَدْ حَجَّ فَإِنْ شَاءَ قَصَّرَ وَ إِنْ شَاءَ حَلَقَ.

قَالَ: وَإِذَا لَبَّدَ شَعْرَهُ أَوْ عَقَصَهُ، فَإِنَّ عَلَيْهِ الْحَلْقَ وَ لَيْسَ لَهُ التَّقْصِيرُ.

۷- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ علیه السلام قَالَ:

عَلَى الصَّرُورَةِ أَنْ يَحْلِقَ رَأْسَهُ وَ لا يُقَصِّرَ، وَإِنَّمَا التَّقْصِيرُ لِمَنْ حَجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ.

٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

از امام علیه السلام پرسیدم مردی از روی ناآگاهی سرش را کوتاه نکرد یا نتراشید تا از منا کوچ کرد (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: باید به منا برگردد تا آن جا مویش را بتراشد و یا کوتاه کند و کسی که برای اولین بار به حج آمده باید سرش را بتراشد.

٦- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود کسی که برای اولین بار به حج آمده بهتر است سرش را بتراشد و اگر پیش تر حج انجام داده اگر بخواهد کوتاه می کند و بخواهد سرش را می تراشد.

فرمود: و اگر موهایش بهم پیوسته و یا بافته باشند باید سرش را بتراشید و نباید تقصیر نماید.

٧- نظیر این روایت را ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

٨- ابو صباح کنانی گوید: -

ص: ٤٧٧

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُقَصِّرَ مِنْ شَعْرِهِ وَ هُوَ حَاجٌّ حَتَّى ارْتَحَلَ مِنْ مِنًى.

قَالَ: مَا يُعْجِبُنِي أَنْ يُلْقِيَ شَعْرَهُ إِلَّا بِمِنًى.

وَ قَالَ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ : ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ قَالَ: هُوَ الْحَلْقُ وَ مَا فِي جِلْدِ الْإِنْسَانِ.

٩- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُل يَحْلِقُ رَأْسَهُ بِمَكَّةَ.

قَالَ: يَرُدُّ الشَّعْرَ إِلَى مِنًى.

١٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِى عليهم السلام قَالَ:

السُّنَّةُ فِي الْحَلْقِ أَنْ يَبْلُغَ العَظْمَيْنِ.

١١- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی فراموش کرد که از مویش کوتاه کند تا از منا کوچ کرد (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: خوش ندارم که مویش را در غیر منا بریزد.

حضرتش در مورد گفتار خدای عزوجل که می فرماید: «سپس آلودگی خودشان بریزند» فرمود: منظور از آن تراشیدن و از بین بردن آن چه در بدن انسان (از آلودگی بدن چرک و مو) است.

٩- حفص بن بختری گوید: امام صادق علیه السلام درباره مردی که سرش را در مکه تراشیده بود فرمود: باید مو را به منا برگرداند.

١٠- غیاث بن ابراهیم گوید: امام صادق از پدران بزرگوارش از حضرت علی علیهم السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

سنت در سر تراشیدن سر این است که تراشیدن تا پشت استخوان گوش برسد.

۱۱- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۴۷۸

تُقَصِّرُ الْمَرْأَةُ مِنْ شَعْرِهَا لِعُمْرَتِهَا قَدْرَ أَنْمُلَةٍ.

۱۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام: إِنّا حِينَ نَفَرْنَا مِنْ مِنّي أَقَمْنَا أَيّامًا ثُمّ حَلَقْتُ رَأْسِي طَلَبَ التّلَذّذِ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ.

فَقَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام إِذَا خَرَجَ مِنْ مَكّةَ فَأُتِيَ بِثِيَابِهِ حَلَقَ رَأْسَهُ.

قَالَ: وَ قَالَ فِي قَوْلِ اللّهِ عَزّوَجَلّ: (ثُمّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ).

قَالَ: التّفَثُ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَ طَرْحُ الْوَسَخِ وَ طَرْحُ الْإِحْرَامِ.

۱۳- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَاسِينَ الضّرِيرِ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ:

أَنّ رَجُلاً مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ قَدِمَ حَاجّاً وَ كَانَ أَقْرَعَ الرّأْسِ لَا يُحْسِنُ أَنْ يُلَبّيَ فَاسْتَفْتِيَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فَأَمَرَ أَنْ يُلَبّى عَنْهُ وَ يُمَرّ الْمُوسَى عَلَى رَأْسِهِ، فَإِنّ ذَلِكَ يُجْزِئُ عَنْهُ.

زن برای بیرون آمدن از عمره به اندازه بند انگشت از موی خود کوتاه می کند.

۱۲- ابن ابو نصر گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: هنگامی که از منا کوچ کردیم مدتی (در مکه) ماندیم، سپس برای خوش آمد سرم را تراشیدم ولی از دلم چیزی (پشیمانی) خطور کرد؟

فرمود: امام کاظم علیه السلام همواره هرگاه از مکه بیرون می رفت لباس هایش را می آوردند سرش را می تراشید.

راوی گوید: امام علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل که می فرماید: «آن گاه آلودگی های خود را فرو ریزند و به نذرهایشان وفا کنند» فرمود:

منظور از آلودگی چیدن ناخن و برطرف کردن کثافت و بیرون رفتن از احرام است.

۱۳- زراره گوید: مردی از مردم خراسان به حج آمده بود، او کچل بود و خوب نمی توانست لبیک بگوید. در این مورد از امام صادق علیه السلام استفتا نمودند.

حضرتش امر فرمود که از عوض او لبیک گویند و تیغ را بر سر او بکشند، چرا که همان برای او کفایت می کند.

ص: ۴۷۹

بخش صدو هشتادو نهم

اشاره

(۱۸۹)

بَابُ مَنْ قَدَّمَ شَيْئاً أَوْ أَخَرَهُ مِنْ مَنَاسِكِهِ.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ.

قَالَ: لا يَنْبَغِي إِلّا أَنْ يَكُونَ نَاسِياً.

ثُمّ قَالَ: إِنّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم أَتَاهُ أُنَاسٌ يَوْمَ النّحْرِ.

فَقَالَ: بَعْضُهُمْ: يَا رَسُولَ اللّهِ! إِنّي حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَذْبَحَ.

وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَرْمِيَ فَلَمْ يَتْرُكُوا شَيْئاً كَانَ يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُؤَخِّرُو إِلّا قَدّمُوهُ.

فَقَالَ: لَا حَرَجَ.

۲- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ:

حکم کسی که در انجام مناسک بخشی را تقدیم نماید

۱- جمیل بن دراج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که پیش از تراشیدن سرش بیت را زیارت نماید (چه حکمی دارد؟).

فرمود: چنین عملی جایز نیست مگر این که فراموش کند.

آن گاه فرمود: گروهی در روز قربان خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم شرفیاب شدند یکی گفت: ای رسول خدا! من پیش از این که قربانی کنم سرم را تراشیدم.

دیگری گفت: من پیش از رمی سرم را تراشیدم و چیزی را که بر آنها سزاوار بود فرو گذار نکردند مگر این که پس و پیش انداختند.

فرمود: ایرادی نیست.

۲- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: -

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرِ الثّانِي عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنّ رَجُلاً مِنْ أَصْحَابِنَا رَمَى الْجَمْرَةَ يَوْمَ النّحْرِ وَ حَلَقَ قَبْلَ أَنْ يَذْبَحَ.

فَقَالَ: إِنّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم لَمّا كَانَ يَوْمُ النّحْرِ أَتَاهُ طَوَائِفُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللّهِ ذَبَحْنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ نَرْمِيَ وَ حَلَقْنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذْبَحَ وَ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمّا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُقَدّمُوهُ إِلّا أَخَرُوهُ وَ لا شَيْءٌ مِمّا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يُؤَخّرُوهُ إِلّا قَدّمُوهُ.

فَقَالَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم: لا حَرَجَ لَا حَرَج.

٣- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيّوبَ الْخَزّازِ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي رَجُلٍ زَارَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ:

فَقَالَ: إِنْ كَانَ زَارَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ وَ هُوَ عَالِمٌ أَنّ ذَلِكَ لَا يَنْبَغِي لَهُ فَإِنّ عَلَيْهِ دَمَ شَاةٍ.

به امام جواد علیه السلام گفتم قربانت گردم! مردی از رفیقانمان در روز قربان رمی جمره نمود و پیش از قربانی سر خود تراشید.

حضرتش در پاسخ نظیر روایت پیشین را بیان فرمود.

٣- محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام درباره مردی که پیش از تراشیدن سر، کعبه را زیارت نماید، پرسیدم.

فرمود: اگر آگاهانه چنین نموده بر او سزاوار نیست پس بر ذمه او قربانی گوسفند است.

ص: ٤٨١

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

فِي رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَذْبَحَ بِمِنًى حَتَّى زَارَ الْبَيْتَ فَاشْتَرَى بِمَكَّةَ ثُمَّ ذَبَحَ.

قَالَ: لَا بَأْسَ قَدْ أَجْزَأَ عَنْهُ.

بخش صدو نودم

اشاره

(۱۹۰)

بَابُ مَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ مِنَ الرِّبَاسِ وَ الطِّيبِ إِذَا حَلَقَ قَبْلَ أَنْ يَزُورَ.

۱- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَزُورَ الْبَيْتَ يَطْلِيهِ بِالْحِنَّاءِ.

قَالَ: نَعَمْ الْحِنَّاءُ وَ الثِّيَابُ وَ الطِّيبُ وَكُلُّ شَيْءٍ إِلَّا النِّسَاءَ رَدَّدَهَا عَلَيَّ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً.

٤- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام درباره مردى كه فراموش نمود كه در منا قربانى ذبح كند تا اين كه وارد مسجد شد و بيت را زيارت نموده و در مكه قربانى خريد و آن را ذبح نمود. فرمود:

ايرادى ندارد او را كفايت مى كند.

مواردی که برای مرد پس از تراشیدن سر پیش از زیارت بیت از لباس و عطر حلال می شود

۱- سعيد بن يسار گويد از امام صادق عليه السلام پرسيدم كسى كه حج تمتع انجام مى دهد هرگاه سرش را تراشيد پيش از اين كه بيت را زيارت نمايد، مى تواند حنا بمالد؟

فرمود: آرى مى تواند از حنا، لباس و عطر استفاده كند، جز ارتباط با زنان.

حضرتش این سخن را دوبار و یا سه بار برای من تکرار فرمود.

ص: ۴۸۲

قَالَ: وَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَن علیه السلام عَنْهَا.

فَقَالَ: نَعَمْ الْحِنَّاءُ وَ الثِّيَابُ وَ الطِّيبُ وَكُلُّ شَيْءٍ إِلَّا النِّسَاءَ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ: الْمُتَمَتِّعُ يُغَطِّي رَأْسَهُ إِذَا حَلَقَ؟

فَقَالَ: يَا بُنَيَّ حَلْقُ رَأْسِهِ أَعْظَمُ مِنْ تَغْطِيَتِهِ إِيَّاهُ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ يُونُسَ مَوْلَى عَلِيِّ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام بَعْدَ مَا ذَبَحَ حَلَقَ ثُمَّ ضَمَّدَ رَأْسَهُ بِمِسْكٍ وَ زَارَ الْبَيْتَ وَ عَلَيْهِ قَمِيصُ وَكَانَ مُتَمَتِّعاً.

عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ نَحْوَهُ.

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

راوی گوید: از امام کاظم علیه السلام در این مورد پرسیدم حضرتش همان گونه پاسخ فرمود.

۲- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که حج تمتع انجام می دهد وقتی که سرش را تراشید سرش را می پوشاند؟

فرمود: ای فرزندم تراشیدن سر مهمتر از پوشانیدن آن است.

۳- ابو ایوب خزاز گوید:

امام کاظم علیه السلام را دیدم که بعد آن که قربانی نمود و سرش را تراشید. آن گاه سر خود را با مشک ضماد نمود (و با پارچه ای بست) و بیت را زیارت نمود. حضرتش پیراهن بر تن داشت و در حال انجام حج تمتع بود.

٤ - عبدالرحمان بن حجاج گوید:

ص: ٤٨٣

وُلِدَ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام مَوْلُودٌ بِمِنّى فَأَرْسَلَ إِلَيْنَا يَوْمَ النّحْرِ بِخَبِيصٍ فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَكُنّا قَدْ خَلَقْنَا.

قَالَ عَبْدُ الرّحْمَانِ: فَأَكَلْتُ أَنَا وَ أَبَى الْكَاهِلِيّ وَ مُرَازِمٌ أَنْ يَأْكُلَا وَ قَالا: لَمْ نَزُرِ الْبَيْتَ.

فَسَمِعَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام كَلَامَنَا، فَقَالَ لِمُصَادِفٍ - وَ كَانَ هُوَ الرّسُولُ الّذِي جَاءَنَا به -: في أَيّ شَيْءٍ كَانُوا يَتَكَلّمُونَ؟

قَالَ: أَكَلَ عَبْدُ الرّحْمَانِ وَأَبَى الآخَرَانِ وَ قَالا: لَمْ نَزُرْ بَعْدُ.

فَقَالَ: أَصَابَ عَبْدُ الرّحْمَانِ.

ثُمّ قَالَ: أَ مَا يَذْكُرُ حِينَ أُوتِينَا بِهِ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ، فَأَكَلْتُ أَنَا مِنْهُ وَأَبَى عَبْدُ اللّهِ أَخِي أَنْ يَأْكُلَ مِنْهُ، فَلَمّا جَاءَ أَبِي حَرّشَهُ عَلَيّ فَقَالَ: يَا أَبَهُ إِنّ مُوسَى أَكَلَ خَبِيصاً فِيهِ زَعْفَرَانٌ وَ لَمْ يَزُرْ بَعْدُ.

فَقَالَ أَبِي: هُوَ أَفْقَهُ مِنْكَ، أَلَيْسَ قَدْ خَلَقْتُمْ رُءُوسَكُمْ؟

٥- صَفْوَانُ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

برای امام کاظم علیه السلام در منا فرزندی به دنیا آمد آن حضرت در روز قربان برای ما حلوای زعفرانی فرستاد، ما سرمان را تراشیده بودیم.

عبدالرحمان گوید: من از آن حلوا خوردم، ولی کاهلی و مرازم نخوردند و گفتند که هنوز بیت را زیارت ننموده ایم.

گفت و گوی ما به گوش مبارک امام کاظم علیه السلام رسید، به مصادف - که حلوا را توسط او فرستاده بود - فرمود در چه چیز سخن می گویند؟ گفت: عبدالرحمان از حلوا خورد و آن دو امتناع کردند و گفتند: هنوز زیارت نکرده ایم.

فرمود: عبدالرحمان درست عمل نمود.

سپس فرمود: آیا به یاد نمی آوری که در هم چون روزی برای ما حلوای زعفرانی آوردند پس من از آن حلوا خوردم و برادرم عبدالله خودداری کرد که از آن بخورد. وقتی پدرم آمد آن حضرت را بر من به خشم آورد و گفت: ای پدر موسی از حلوای زعفرانی میل کرد و هنوز بیت را زیارت ننموده بود.

پدرم فرمود: او از تو داناتر و فقیه تر است، مگر سرتان را نتراشیده اید؟!

۵- اسحاق بن عمار گوید: -

ص: ٤٨٤

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ علیه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ مَا يَحِلُّ لَهُ؟

فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ إِلّا النِّسَاءَ.

بخش صدو نودو یکم

اشاره

بَابُ صَوْمِ الْمُتَمَتِّعِ إِذَا لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُتَمَتِّعِ لا يَجِدُ الْهَدْيَ.

قَالَ: يَصُومُ قَبْلَ التَّرْوِيَةِ بِيَوْمٍ وَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ.

قُلْتُ: فَإِنَّهُ قَدِمَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ؟

قَالَ: يَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ بَعْدَ التَّشْرِيقِ.

قُلْتُ: لَمْ يُقِمْ عَلَيْهِ جَمَّالُهُ.

از امام کاظم علیه السلام پرسیدم کسی که حج تمتع انجام می دهد وقتی سرش را تراشید چه چیزی بر او حلال است؟

فرمود: همه چیزهایی که به جهت احرام حرام بود، برای او حلال است مگر نزدیکی با زنان.

حکم روزه کسی که حج تمتع انجام می دهد در ازای نبود قربانی

۱- رفاعة بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می دهد اگر قربانی نیافت (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: یک روز پیش از ترویه (روز هشتم ذی حجه)، روز ترویه و روز عرفه روزه می گیرد.

گفتم او روز ترویه وارد (منا) شد؟

فرمود: سه روز بعد از تشریق (ایام بودن در منا) روزه بگیرد.

گفتم: مسؤول کاروان برای او درنگ نکرد.

ص: ۴۸۵

قَالَ: يَصُومُ يَوْمَ الْحَصْبَةِ وَ بَعْدَهُ يَوْمَيْنِ.

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الْحَصْبَةُ؟

قَالَ: يَوْمُ نَفْرِهِ.

قُلْتُ: يَصُومُ وَ هُوَ مُسَافِرٌ؟

قَالَ: نَعَمْ، أَلَيْسَ هُوَ يَوْمَ عَرَفَةَ مُسَافِراً؟! إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ نَقُولُ: ذَلِكَ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (فَصِيامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ) يَقُولُ: فِي ذِي الْحِجَّةِ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام أَنَّهُ قَالَ:

مَنْ لَمْ يَجِدْ هَدْياً وَ أَحَبَّ أَنْ يُقَدِّمَ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامِ فِي أَوَّلِ الْعَشْرِ فَلَا بَأْسَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُتَمَتِّعٍ لَمْ يَجِدْ هَدْياً.

فرمود: روز حصبه روزه و دو روز بعد از آن، روزه می گیرد.

گفتم: حصبه چیست؟

فرمود: روز کوچ کردن (از منا).

گفتم: در حال سفر روزه می گیرد؟

فرمود: آری، مگر او در روز عرفه مسافر نیست؟! ما اهل بیت آن را از گفتار خداوند عزوجل می گوییم: «سه روز روزه در ایام حج» که در ذی حجه قرار دارد.

۲ زراره گوید: امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) فرمود:

هرکه قربانی نیافت و خواست سه روز روزه را پیشتر در اول دهه ذیحجه بگیرد ایرادی ندارد.

۳- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که برای حج تمتع آمده، اگر قربانی نیابد (چه وظیفه ای دارد؟).

ص: ٤٨٦

قَالَ: يَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ يَوْماً قَبْلَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ فَاتَهُ ذَلِكَ؟

قَالَ: يَتَسَحَّرُ لَيْلَةَ الْحَصْبَةِ وَيَصُومُ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ يَوْمَيْنِ بَعْدَهُ.

قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يُقِمْ عَلَيْهِ جَمّالُهُ أَ يَصُومُهَا فِي الطَّرِيقِ؟

قَالَ: إِنْ شَاءَ صَامَهَا فِي الطَّرِيقِ وَ إِنْ شَاءَ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ.

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُتَمَتِّع يَدْخُلُ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ لَيْسَ مَعَهُ هَدْي.

قَالَ: فَلَا يَصُومُ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ لا يَوْمَ عَرَفَةَ وَ يَتَسَحَّرُ لَيْلَةَ الْحَصْبَةِ فَيُصْبِحُ صَائِماً وَ هُوَ يَوْمُ النَّفْرِ وَ يَصُومُ يَوْمَيْنِ بَعْدَهُ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

فرمود: سه روز در ایام حج که روز هفتم روز هشتم و روز عرفه است روزه می گیرد.

گوید :گفتم: اگر روزه آن سه روز از او فوت شد؟

فرمود: شب حصبه (کوچ از منا) سحرس خورده آن روز و دو روز بعد از آن را روزه می گیرد.

گفتم: اگر مسؤول کاروان درنگ نکرد آیا در راه روزه بگیرد؟

فرمود: اگر خواست در راه روز می گیرد و اگر خواست هنگامی که به نزد خانواده اش رسید روزه می گیرد.

٤- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که حج تمتع انجام می دهد که روز هشتم ذی حجه وارد شد و امکان قربانی نداشت؟

فرمود: آن روز و روز عرفه را روزه نمی گیرد و شب حصبه - که روز کوچ از منا است - سحری خورده و روزه می گیرد و دو روز بعد از آن را نیز روزه می گیرد.

٥- یکی از اصحاب ما گوید:

قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فِي عَيْبَتِهِ ثِيَابٌ لَهُ يَبِيعُ مِنْ ثِيَابِهِ وَ يَشْتَرِي هَدْيَهُ.

قَالَ: لا، هَذَا يَتَزَيَّنُ بِهِ الْمُؤْمِنُ، يَصُومُ وَ لا يَأْخُذُ شَيْئاً مِنْ ثِيَابِهِ.

٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فِي مُتَمَتِّعٍ يَجِدُ الثَّمَنَ وَ لا يَجِدُ الْغَنَمَ.

قَالَ: يُخَلِّفُ الثَّمَنَ عِنْدَ بَعْضِ أَهْلِ مَكَّةَ وَ يَأْمُرُ مَنْ يَشْتَرِي لَهُ وَ يَذْبَحُ عَنْهُ وَ هُوَ يُجْزِئُ عَنْهُ، فَإِنْ مَضَى ذُو الْحِجَّةِ أَخَّرَ ذَلِكَ إِلَى قَابِلٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ.

٧- أبو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يَحْيَى الْأَزْرَقِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ مُتَمَتِّعٍ كَانَ مَعَهُ ثَمَنُ هَدْيٍ وَ هُوَ يَجِدُ بِمِثْلِ ذَلِكَ الَّذِي مَعَهُ هَدْياً فَلَمْ يَزَلْ يَتَوَانَى وَ يُؤَخِّرُ ذَلِكَ حَتّى إِذَا كَانَ آخِرُ النَّهَارِ غَلَتِ الْغَنَمُ فَلَمْ يَقْدِرْ أَنْ يَشْتَرِيَ بِالَّذِي مَعَهُ هَدْياً.

به امام رضا علیه السلام گفتم: مردی عمره تمتع حج انجام می دهد و در چمدانش لباس دارد، (می تواند) از لباسش بفروشد و قربانی بخرد؟

فرمود: نه، مؤمن با این لباس آراسته می شود روزه می گیرد و چیزی از لباسش بر نمی دارد.

٦- حریز گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که حج تمتع انجام می دهد که پول دارد، ولی گوسفند پیدا نمی کند فرمود:

پول را در نزد یکی از اهل مکه می گذارد و به او دستور می دهد که از جانب وی گوسفند بخرد و از عوض او ذبح شود و همان از او کفایت می کند و اگر ماه ذی حجه گذشت آن را تا ذی حجه سال آینده به تأخیر می اندازد.

۷- یحیی ارزق گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می دهد، او مبلغ قربانی را دارد، و او به اندازه آن که دارد، قربانی می یابد ولی سستی می کند و آن را به تأخیر می اندازد تا آن که آخر روز، گوسفند گران می شود و با آن مبلغی که دارد نمی تواند قربانی بخرد (چه وظیفه ای دارد؟).

ص: ۴۸۸

قَالَ: یَصُومُ ثَلَاثَةَ أَیّامٍ بَعْدَ أَیّامِ التّشْرِیقِ.

۸- عدة مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ عَنْ أَبِي بَصِیرٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَمَتّعَ فَلَمْ یَجِدْ هَدْیاً فَصَامَ الثّلَاثَةَ الْأَیّامِ فَلَمّا قَضَی نُسُکَهُ بَدَا لَهُ أَنْ یُقِیمَ بِمَکّةَ.

قَالَ: یَنْتَظِرُ مَقْدَمَ أَهْلِ بِلَادِهِ فَإِذَا ظَنّ أَنّهُمْ قَدْ دَخَلُوا فَلْیَصُم السّبْعَةَ الْأَیّامِ.

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ عَنْ أَبِي بَصِیرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام، قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَمَتّعَ فَلَمْ یَجِدْ مَا یُهْدِي بِهِ حَتّی إِذَا کَانَ یَوْمُ النّفْرِ وَجَدَ ثَمَنَ شَاةٍ أَ یَذْبَحُ أَوْ یَصُومُ؟

قَالَ: بَلْ یَصُومُ، فَإِنّ أَیّامَ الذّبْحِ قَدْ مَضَتْ.

۱۰- عَلِيٌ بْنُ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَیْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِي عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

فرمود: روز بعد از ایام تشریق (ایام) بودن در منا) را روزه می گیرد.

۸- ابوبصیر گوید: از امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم مردی که حج تمتع انجام می دهد و امکان قربانی ندارد، پس سه روز روزه می گیرد چون مناسکی تمام شد کاری پیش می آید که در مکه می ماند؟

فرمود: منتظر می شود تا رسید اهل شهرش پس چون گمان نمود که رسیدند پس هفت روز روزه می گیرد.

۹- ابو بصیر گوید: از امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم از مردی که حج تمتع می کند و امکان قربانی نداشت تا روز رفتن شد مبلغ گوسفند را به دست آورد آیا قربانی کند یا روزه بگیرد؟

فرمود: بلکه روزه بگیرد، زیرا ایام قربانی گوسفند است.

۱۰- منصور گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ لَمْ يَصُمْ فِي ذِي الْحِجَّةِ حَتَّى يُهَلَّ هِلَالُ الْمُحَرَّمِ فَعَلَيْهِ دَمُ شَاةٍ وَ لَيْسَ لَهُ صَوْمٌ وَ يَذْبَحُهُ بِمِنًى.

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بَحْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ مُتَمَتِّعٍ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ ثُمَّ أَصَابَ هَدْياً يَوْمَ خَرَجَ مِنْ مِنًى.

قَالَ: أَجْزَأَهُ صِيَامُهُ.

۱۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ هَدْيٌ لِمُتْعَتِهِ فَلْيَصُمْ عَنْهُ وَلِيُّهُ.

۱۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عليه السلام:

هركه در ذی حجه روزه نگرفت تا هلال محرم نمودار شد پس بر ذمه او قربانی است که (سال آینده) در منا انجام دهد و بر او روزه نیست.

۱۱- حماد بن عثمان گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کسی که حج تمتع انجام می دهد که سه روز ایام حج روزه گرفت، پس روز خروج از منا قربانی به دست آورد.

فرمود: روزه اش کفایت می کند.

۱۲- معاوية بن عمّار (که از راویان امام صادق علیه السلام است) گوید: حضرتش فرمود:

هركه بمیرد و برای قربانی حج تمتّع قربانی نداشته باشد پس ولی او از جانب وی روزه بگیرد.

۱۳- حلبی گوید: -

ص: ۴۹۰

أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ يَتَمَتَّعُ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ هَدْيٌ فَصَامَ ثَلَاثَةَ أَيّامٍ فِي الْحَجِّ ثُمّ مَاتَ بَعْدَ مَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ قَبْلَ أَنْ يَصُومَ السّبْعَةَ الْأَيّامِ أَ عَلَى وَلِيِّهِ أَنّ يَقْضِيَ عَنْهُ؟

قَالَ: مَا أَرَى عَلَيْهِ قَضَاءً.

۱۴- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْن خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ تَمَتّعَ وَ لَيْسَ مَعَهُ مَا يَشْتَرِي بِهِ هَدْياً فَلَمّا أَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيّامٍ فِي الْحَجِّ أَيْسَرَ، أَ يَشْتَرِي هَدْياً، فَيَنْحَرُهُ أَوْ يَدَعُ ذَلِكَ وَ يَصُومُ سَبْعَةَ أَيّامٍ إِذَا رَجَعَ إِلَى أَهْلِهِ؟

قَالَ: يَشْتَرِي هَدْياً فَيَنْحَرُهُ وَ يَكُونُ صِيَامُهُ الَّذِي صَامَهُ نَافِلَةٌ لَهُ.

١٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ فِي قَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ: (فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ).

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: کسی که حج و عمره تمتع انجام می دهد و قربانی ندارد، در ایام حج، سه روز روزه گرفت و بعد از این که نزد خانواده اش رسید و پیش از این که هفت روز، روزه بگیرد از دنیا رفت آیا بر ذمه ولی اوست که از جانب او قضا کند؟

فرمود: به نظر من انجام هیچ قضائی بر او نیست.

١٤- عقبة بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی که حج تمتع انجام می دهد و با او چیزی نیست که قربانی بخرد، پس چون سه روز روزه می گیرد امکان پیدا می کند، آیا قربانی بخرد و نحر کند یا آن را رها کرده چون به وطنش برگشت هفت روز روزه بگیرد؟

فرمود: قربانی می خرد و نحر می کند و روزه ای که گرفته برای او به عنوان نافله محسوب می شود.

١٥- علی بن ابراهیم از پدرش در روایت مرفوعه ای نقل می کند که حضرتش در مورد گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «پس هرکه قربانی نیافت پس سه روز روزه در ایام حج و هفت روز چون برگشتید روزه بگیرد که آن ده روز کامل است».

ص: ٤٩١

قَالَ: كَمَالُهَا كَمَالُ الْأُضْحِيّةِ.

١٦- بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللّهِ الْكَرْخِي قَالَ:

قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام: الْمُتَمَتِّعُ يَقْدَمُ وَلَيْسَ مَعَهُ هَدْيٌ أَ يَصُومُ مَا لَمْ يَجِبْ عَلَيْهِ؟

قَالَ: يَصْبِرُ إِلَى يَوْمِ النَّحْرِ، فَإِنْ لَمْ يُصِبْ فَهُوَ مِمَّنْ لَمْ يَجِدْ.

بخش صدو نودو دوم

اشاره

(۱۹۲)

بَابُ الزِّيَارَةِ وَ الْغُسْلِ فِيهَا.

۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِذٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْغُسْلِ إِذَا زَارَ الْبَيْتَ مِنْ مِنًى.

فَقَالَ: أَنَا أَغْتَسِلُ مِنْ مِنًى ثُمَّ أَزُورُ الْبَيْتَ.

فرمود: کامل بودن آن کامل بودن قربانی است.

۱۶- احمد بن عبدالله کرخی گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: کسی که حج تمتع انجام می دهد و با او قربانی نیست آیا روزه بگیرد که بر او واجب نیست؟

فرمود: تا روز قربانی درنگ می کند اگر نتوانست پس او کسی است که قربانی نیافته است.

زیارت بیت و غسل آن

۱- حسین بن ابی اعلا گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد غسل زیارت کعبه پرسیدم که چون از منا روانه زیارت بیت شود انجام دهد؟

فرمود: من در منا غسل می کنم آن گاه بیت را زیارت می کنم.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَن عليه السلام: عَنْ غُسْل الزِّيَارَةِ يَغْتَسِلُ الرَّجُلُ بِاللَّيْلِ وَ يَزُورُ فِي اللَّيْلِ بعسل وَاحِدٍ أَ يُجركة ذلك؟

قَالَ: يُجْزِئُهُ مَا لَمْ يُحْدِثُ مَا يُوجِبُ وُضُوءاً، فَإِنْ أَحْدَثَ فَلْيَعِدْ غُسْلَهُ بِاللَّيْلِ.

٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِاللَّهِ عليه السلام قَالَ:

يَنْبَغِي لِلْمُتَمَتِّعِ أَنْ يَزُورَ الْبَيْتَ يَوْمَ النَّحْرِ، أَوْ مِنْ لَيْلَتِهِ وَ لَا يُؤَخِّرَ ذَلِكَ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي زِيَارَةِ الْبَيْتِ يَوْمَ النَّحْرِ.

٢- اسحاق بن عمار گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد غسل زیارت پرسیدم که انسان شب هنگام یک غسل می کند و هنگام شب زیارت می کند آیا کفایت می کند؟

فرمود: از او کفایت می کند مادامی که کاری از او صادر نشود که موجب وضو شود و اگر کاری حادث شد پس شب هنگام غسلش را اعاده نماید.

٣- حلبی گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

برای کسی که حج تمتع انجام می دهد شایسته است که بیت را روز قربان یا در شب آن زیارت کند و آن را به تأخیر نیندازد.

٤- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام در مورد زیارت بیت در روز قربان فرمود:

قَالَ: زُرْهُ فَإِنْ شُغِلْتَ فَلَا يَضُرُّكَ أَنْ تَزُورَ الْبَيْتَ مِنَ الْغَدِ وَ لَا تُؤَخِّرْهُ أَنْ تَزُورَ مِنْ يَوْمِكَ، فَإِنَّهُ يُكْرَهُ لِلْمُتَمَتِّعِ أَنْ يُؤَخِّرَهُ وَ مُوَسَّعٌ لِلْمُفْرِدِ أَنْ يُؤَخِّرَهُ فَإِذَا أَتَيْتَ الْبَيْتَ يَوْمَ النَّحْرِ ، فَقُمْتَ عَلَى بَابِ الْمَسْجِدِ قُلْتَ:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمْهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَؤُمُّ طَاعَتَكَ مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدَرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

ثُمَّ تَأْتِي الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَتَسْتَلِمُهُ وَ تُقَبِّلُهُ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاسْتَلِمْهُ بِيَدِكَ وَ قَبِّلْ يَدَكَ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاسْتَقْبِلْهُ وَ كَبِّرْ، وَ قُلْ كَمَا قُلْتَ حِينَ طُفْتَ بِالْبَيْتِ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ ثُمَّ طُفْ بِالْبَيْتِ سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ كَمَا وَصَفْتُ لَكَ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ ثُمَّ صَلِّ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام رَكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِيهِمَا بِ- (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) وَ (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ).

بیت را (در روز قربان) زیارت کن و اگر کار داشتی به تو ضرر نمی رساند که فردا بیت را زیارت کنی و آن را از همان روز به تأخیر مینداز زیرا برای کسی که حج تمتع انجام می دهد مکروه است که آن را به تأخیر بیندازد و بر حج مفرد گذار اجازه داده شد که آن را به تأخیر بیندازد. پس هرگاه در روز قربان نزد بیت آمدی، درب مسجد می ایستی و می گویی:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمْهُ لِي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الذَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَ أَنْ تَرْجِعَنِي بِحَاجَتِي.

اللّهُمّ إِنّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بَلَدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَومُ طَاعَتَكَ مُتّبِعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدَرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِكَ».

سپس کنار حجر الاسود می آیی و آن را استلام نموده و میبوسی و اگر نتوانستی با دستت استلام کن و آن را ببوس و اگر نتوانستی رو به روی آن بایست و «الله اکبر» بگو و دعایی را که موقع طواف در روزی که به کعبه آمدی بخوان و هفت شوط طواف بیت انجام بده، چنان چه روز آمدن به مکه بر تو توصیف نمودم، سپس دو رکعت نماز در پشت مقام ابراهیم علیه السلام بگزار که در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره کافرون را می خوانی.

ص: ٤٩٤

ثُمّ ارْجِعْ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ، فَقَبلْهُ إِنِ اسْتَطَعْتَ وَ اسْتَقْبِلْهُ وَ كَبّرْ ثُمّ اخْرُجْ إِلَى الصّفَا فَاصْعَدْ عَلَيْهِ وَ اصْنَعْ كَمَا صَنَعْتَ يَوْمَ دَخَلْتَ مَكّةَ.

ثُمّ انْتِ الْمَرْوَةَ فَاصْعَدْ عَلَيْهَا وَ طُفْ بَيْنَهُمَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ تَبْدَأُ بِالصّفَا وَ تَخْتِمُ بِالْمَرْوَةِ، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَقَدْ أَحْلَلْتَ مِنْ كُلّ شَيْءٍ أَحْرَمْتَ مِنْهُ إِلّا النِّسَاءَ. ثُمّ ارْجِعْ إِلَى الْبَيْتِ وَ طُفْ بِهِ أُسْبُوعاً آخَرَ ثُمّ صَلّ رَكْعَتَيْنِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام ثُمّ أَحْلَلْتَ مِنْ كُلّ شَيْءٍ وَ فَرَغْتَ مِنْ حَجّكَ كُلِّهِ وَ كُلّ شَيْءٍ أَحْرَمْتَ مِنْهُ.

٥- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَمّنْ ذَكَرَهُ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ مُتَمَتّعٌ زَارَ الْبَيْتَ فَطَافَ طَوَافَ الْحَجّ ثُمّ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ ثُمّ سَعَى.

فَقَالَ: لا يَكُونُ السّعْيُ إِلّا قَبْلَ طَوَافِ النِّسَاءِ.

فَقُلْتُ: عَلَيْهِ شَيْءٌ؟

فَقَالَ: لا يَكُونُ السَّعْيُ إِلّا قَبْلَ طَوَافِ النِّسَاءِ.

آن گاه به کنار حجر الاسود برگرد اگر توانستی آن را ببوس و رو به روی آن بایست «الله اکبر» بگو، سپس بالای صفا برو و اعمالی را که روز آمدن به مکه انجام دادی، انجام بده.

سپس به طرف مروه برو و بالای صعود کن و هفت بار مابین آنها سعی کن که از صفا شروع نموده و در مروه تمام نمایی چون این اعمال را انجام دادی همه چیزی که بر تو حرام بود، بر خود حلال نمودی جز زنان.

سپس به طرف بیت برو و هفت شوط آن را طواف کن سپس دو رکعت نزد مقام ابراهیم علیه السلام نمازگزار با انجام این اعمال همه چیز - که بر تو حرام بوده - بر تو حلال شده و از کل حج فارغ گشته ای.

۵- راوی گوید: به امام هادی علیه السلام گفتم: قربانت گردم! حج تمتع گزار بیت را زیارت نمود و طواف حج کرد آن گاه طواف نساء نمود سپس سعی نمود.

فرمود: سعی جز قبل از طواف نمی شود.

گفتم: بر ذمه او چیزی است؟

فرمود: سعی صورت نمی گیرد مگر پیش از طواف نساء.

ص: ۴۹۵

بخش صدو نودو سوم

اشاره

(۱۹۳)

بَابُ طَوَافِ النِّسَاءِ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْن زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْن مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَ لْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ).

قَالَ: طَوَافُ الْفَرِيضَةِ طَوَافُ النِّسَاءِ.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْن مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَلْيُوفُوا نُنُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ).

قَالَ: طَوَافُ النِّسَاءِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

طواف نساء

۱- احمد بن محمد گوید: امام کاظم علیه السلام در مورد تفسیر گفتار خداوند عزوجل که می فرماید:

«باید برگِرد بیت عتیق طواف کنند». فرمود:

منظور طواف واجب و طواف نساء است.

۲- حماد بن عثمان گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «باید به نذرهایشان وفا نموده و برگِرد بیت عتیق طواف کنند». فرمود:

منظور طواف نساء است.

۳- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ٤٩٦

لَوْ لا مَا مَنّ اللّهُ عَزّوَجَلّ عَلَى النّاسِ مِنْ طَوَافِ النِّسَاءِ لَرَجَعَ الرّجُلُ إِلَى أَهْلِهِ وَ لَيْسَ يَحِلُّ لَهُ أَهْلُهُ.

٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ بْنِ يَقْطِينِ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيّ بْنِ يَقْطِين قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَن علیه السلام عَن الْخِصْيَانِ وَ الْمَرْأَةِ الْكَبِيرَةِ أَ عَلَيْهِمْ طَوَافُ النِّسَاءِ؟

قَالَ: نَعَمْ، عَلَيْهِمُ الطّوَافُ كُلِّهِمْ.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: رَجُلٌ نَسِيَ طَوَافَ النِّسَاءِ حَتّى دَخَلَ أَهْلَهُ.

قَالَ: لا تَحِلُّ لَهُ النِّسَاءُ حَتّى يَزُورَ الْبَيْتَ.

وَ قَالَ: يَأْمُرُ أَنْ يُقْضَى عَنْهُ إِنْ لَمْ يَحُجّ، فَإِنْ تُوُفّيَ قَبْلَ أَنْ يُطَافَ عَنْهُ فَلْيَقْضِ عَنْهُ وَلِيُّهُ أَوْ غَيْرُهُ.

اگر نبود که خداوند عزوجل به مردم (شیعیان) به انجام طواف نساء منت نهاد، مرد درحالی به طرف همسرش بر می گشت که بر او حلال نبود.

٤- حسین بن علی بن یقطین گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم آیا طواف نساء به فرد اخته شده و پیرزن واجب است؟

فرمود: آری، بر همه آنها طواف نساء است.

۵- معاوية بن عمار گويد به امام صادق عليه السلام گفتم: مردى طواف نساء را فراموش كرد و نزد خانواده خود رفت، (چه حكمى دارد؟).

فرمود: زنان بر او حلال نيستند تا بيت را زيارت كند.

و فرمود: اگر خود به حج نرود دستور می دهد كه از جانب او طواف را به جا می آورند و اگر پيش از طواف بميرد ولی او يا ديگرى از جانب او طواف را به جا می آورند.

ص: ۴۹۷

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُتَمَتِّعَةِ تَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ لِلْحَجِّ ثُمَّ تَرْجِعُ إِلَى مِنًى قَبْلَ أَنْ تَطُوفَ بِالْبَيْتِ.

فَقَالَ: أَلَيْسَ تَزُورُ الْبَيْتَ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: فَلْتَطفْ.

٧- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْحَجِّ وَ طَوَافَ النِّسَاءِ قَبْلَ أَنْ يَسْعَى بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ.

فَقَالَ: لا يَضُرُّهُ يَطُوفُ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَدْ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَدْ فَرَغَ مِنْ حَجِّهِ.

٦- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم زن حج تمتع گزاری بیت را طواف نمود و سعی صفا و مروه را انجام داد آن گاه پیش از طواف بیت به منا برگشت.

فرمود: آیا بیت را (بعد از منا) زیارت نمی کند؟

گفتم: آری.

فرمود: پس باید طواف نساء کند.

سماعة گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: مردی طواف حج و طواف نساء را پیش از سعی صفا و مروه انجام داد؟

فرمود: به او ضرر نمی رساند سعی صفا و مروه نماید که از حج فارغ شود.

ص: ٤٩٨

بخش صدو نودو چهارم

اشاره

(١٩٤)

بَابُ مَنْ بَاتَ عَنْ مِنًى فِي لَيَالِيهَا.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْن شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

لا تَبِتْ لَيَالِيَ التَّشْرِيقِ إِلّا بِمِنًى فَإِنْ بِتّ فِي غَيْرِهَا فَعَلَيْكَ دَمٌ وَ إِنْ خَرَجْتَ أَوّلَ اللّيْلِ فَلَا يَنْتَصِفْ لَكَ اللّيْلُ إِلّا وَ أَنْتَ بِمِنًى إِلّا أَنْ يَكُونَ شُغُلُكَ بِنُسُكِكَ أَوْ قَدْ خَرَجْتَ مِنْ مَكّةَ، وَإِنْ خَرَجْتَ نِصْفَ اللّيْلِ فَلَا يَضُرُّكَ أَنْ تُصْبِحَ بِغَيْرِهَا.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ زَارَ عِشَاءً فَلَمْ يَزَلْ فِي طَوَافِهِ وَ دُعَائِهِ وَ فِي السّعْيِ بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ حَتّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ.

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ كَانَ فِي طَاعَةِ اللّهِ.

حکم کسی که شب هنگام در منا بیتوته کند

۱- معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: شب های تشریق (یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) جز در منا نمان و اگر در غیر آن ماندی بر ذمه تو قربانی است و اگر شب اول بیرون رفتی تا نصف شب نشده برگرد مگر این که کار تو در مورد مناسکت باشد که از مکه بیرون رفته باشی و اگر نصف شب بیرون رفته باشی ایراد ندارد که در غیر آن جا صبح کنی.

گوید: از حضرتش پرسیدم: مردی شب هنگام وقت خفتن بیت را زیارت نمود و پیوسته در طواف و دعا و سعی بین صفا و مروه بود تا صبح شد.

فرمود: بر او ایرادی نیست او در اطاعت خداوند بود.

ص: ۴۹۹

۲- أَبُو عَلِيّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنِ الزّيَارَةِ مِنْ مِنًى.

قَالَ: إِنْ زَارَ بِالنَّهَارِ أَوْ عِشَاءً فَلَا يَنْفَجِرِ الْفَجْرُ إِلَّا وَ هُوَ بِمِنًى وَإِنْ زَارَ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَأَسْحَرَ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَنْفَجِرَ الْفَجْرُ وَ هُوَ بِمَكَّةَ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا فِي رَجُل زَارَ الْبَيْتَ فَنَامَ فِي الطَّرِيقِ.

قَالَ: إِنْ بَاتَ بِمَكَّةَ فَعَلَيْهِ دَمٌ وَ إِنْ كَانَ قَدْ خَرَجَ مِنْهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ وَ لَوْ أَصْبَحَ دُونَ مِنًى.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الرَّجُلِ يَزُورُ فَيَنَامُ دُونَ مِنًى.

قَالَ: إِذَا جَازَ عَقَبَةَ الْمَدَنِيِّينَ فَلَا بَأْسَ أَنْ يَنَامَ.

۲- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد رفتن برای طواف زیارت از منا پرسیدم.

فرمود: اگر فردی روز و یا موقع خفتن به زیارت برود تا طلوع فجر نشده باید در منا باشد و اگر بعد از نصف شب به زیارت رفت و سحر شد، ایرادی ندارد که در طلوع فجر در مکه باشد.

۳- یکی از اصحاب ما گوید حضرتش در مورد مردی که در راه (مکه به منا) خوابید فرمود:

اگر شب در مکه ماند (شب یازدهم ذیحجه) بر ذمه او قربانی است و اگر از مکه (به طرف منا) بیرون رفته چیزی بر ذمه او نیست، گرچه در غیر منا صبح کند.

در روایت دیگری آمده است امام صادق علیه السلام در مورد کسی که خانه کعبه را زیارت می کند و در غیر منا می خوابد فرمود:

اگر از عقبه مدنی ها بگذرد ایرادی برای خوابیدنش نیست.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا زَارَ الْحَاجُ مِنْ مِنًى فَخَرَجَ مِنْ مَكَّةَ فَجَاوَزَ بُيُوتَ مَكَّةَ فَنَامَ ثُمَّ أَصْبَحَ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ مِنًى فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

لا تَدْخُلُوا مَنَازِلَكُمْ بِمَكَّةَ إِذَا زُرْتُمْ يَعْنِي أَهْلَ مَكَّةَ.

بخش صدو نودو پنجم

اشاره

(١٩٥)

بَابُ إِتْيَانِ مَكَّةَ بَعْدَ الزِّيَارَةِ لِلطَّوَافِ.

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثٍ الْمُرَادِي قَالَ:

٤ - هشام بن حكم گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: حاجى كه از منا بيرون رفت و بيت را زيارت نمود و از خانه هاى مكه بيرون رفت و خوابيد آن گاه پيش از آمدن به منا صبح شد، چيزى بر عهده او نيست.

٥- راوى گويد: امام صادق عليه السلام براى مردم مكه فرمود:

آن گاه كه كعبه را زيارت نموديد به خانه هايتان نرويد.

آمدن (از منا) به مكه بعد از زيارت طواف

١- ليث مرادى گويد: -

ص: ٥٠١

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الرّجُلِ يَأْتِي مَكّةَ أَيّامَ مِنًى بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنْ زِيَارَةِ الْبَيْتِ فَيَطُوفُ بِالْبَيْتِ تَطَوّعاً.

فَقَالَ: الْمُقَامُ بِمِنًى أَفْضَلُ وَ أَحَبُّ إِلَيّ.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَال:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الزّيَارَةِ بَعْدَ زِيَارَةِ الْحَجّ فِي أَيّامِ التّشْرِيقِ.

فَقَالَ: لا.

بخش صدو نودو ششم

اشاره

(١٩٦)

بَابُ التّكْبِيرِ أَيّامَ التّشْرِيقِ.

١- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

از امام صادق عليه السلام پرسيدم: انسان مى تواند بعد از زيارت كعبه دوباره از منا به مكه بيايد طواف مستحبى انجام دهد؟

فرمود: به نظر من ماندن در منا بهتر و افضل است.

۲- عیص بن قاسم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد زیارت دوباره بعد از زیارت حج در ایام تشریق (روز یازدهم، دوازدهم و سیزدهم) پرسیدم.

فرمود: نه (انجام ندهید).

تکبیر در ایام تشریق

۱- محمد بن مسلم گوید: -

ص: ۵۰۲

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللّهِ عَزّوَجَلّ: (وَاذْكُرُوا اللّهَ فِي أَيّامٍ مَعْدُودَاتٍ).

قَالَ: التّكْبِيرُ فِي أَيّامِ التّشْرِيقِ مِنْ صَلَاةِ الظّهْرِ مِنْ يَوْمِ النّحْرِ إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ مِنْ يَوْمِ الثّالِثِ وَ فِي الْأَمْصَارِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ، فَإِذَا نَفَرَ بَعْدَ الْأُولَى أَمْسَكَ أَهْلُ الْأَمْصَارِ وَ مَنْ أَقَامَ بِمِنّى فَصَلّى بِهَا الظّهْرَ وَ الْعَصْرَ فَلْيُكَبّرْ.

۲- حَمّادُ بْنُ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: التّكْبِيرُ فِي أَيّامِ التّشْرِيقِ فِي دُبُرِ الصّلَوَاتِ.

فَقَالَ: التّكْبِيرُ بِمِنّى فِي دُبُرِ خَمْسَةَ عَشَرَ صَلَاةً وَ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ فِي دُبُرِ عَشْرِ صَلَوَاتٍ وَ أَوّلُ التّكْبِيرِ فِي دُبُرِ صَلَاةِ الظّهْرِ يَوْمَ النّحْرِ يَقُولُ فِيهِ: «اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَ اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

وَ إِنّمَا جُعِلَ فِي سَائِرِ الْأَمْصَارِ فِي دُبُرِ عَشْرِ صَلَوَاتٍ، لِأَنّهُ إِذَا نَفَرَ النّاسُ فِي النّفْرِ الْأَوّلِ أَمْسَكَ أَهْلُ الْأَمْصَارِ عَنِ التّكْبِيرِ وَ كَبّرَ أَهْلُ مِنّي مَا دَامُوا بِمِنّي إِلَى النّفْرِ الْأَخِيرِ.

از امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «خدا را یاد کنید در روزهای چند شمرده شده» پرسیدم؟

فرمود: تکبیر در ایام تشریق از نماز ظهر روز قربان آغاز می شود و تا نماز صبح روز سوم سیزدهم پایان می یابد و در مناطق دیگر بعد از ده نماز است و چون بعد از نماز اولی (صبح روز دوازدهم) اهل شهرها بیرون روند تکبیر را قطع می کنند و هرکه در منا ماند، نماز ظهر و عصر را آنجا خواند پس باید تکبیر گوید.

۲- زراره گوید به امام باقر علیه السلام گفتم: تکبیر در ایام تشریق بعد از نمازهاست؟

فرمود: تکبیر در منا بعد از پانزده نماز است و در سایر شهرها بعد از ده نماز است، اولین تکبیر بعد از نماز ظهر روز قربان است که می گوید:

«الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله و الله اکبر، الله أکبر، ولله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا، الله اکبر علی ما رزقنا من بهمة الانعام».

همانا تکبیر در سایر شهرها بعد از ده نماز قرار داده شده زیرا هنگامی که اولین گروه مردم در کوچ اول حرکت کردند مردم شهرها از تکبیر باز می ایستند و اهل منا مادامی که در منا هستند تکبیر می گویند تا آخرین گروه کوچ نمایند.

ص: ۵۰۳

۳- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ

مَعْدُودَاتٍ).

قَالَ: هِيَ أَيّامُ التّشْرِيقِ، كَانُوا إِذَا أَقَامُوا بِمِنّى بَعْدَ النّحْرِ تَفَاخَرُوا. فَقَالَ الرّجُلُ مِنْهُمْ: كَانَ أَبِي يَفْعَلُ كَذَا وَكَذَا.

فَقَالَ اللّهُ جَلّ ثَنَاؤُهُ: (فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدّ ذِكْراً).

قَالَ: وَ التّكْبِيرُ: «اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَ اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

التّكْبِيرُ أَيّامَ التّشْرِيقِ مِنْ صَلَاةِ الظّهْرِ يَوْمَ النّحْرِ إِلَى صَلَاةِ الْعَصْرِ مِنْ آخِرِ أَيّامِ التّشْرِيقِ، إِنْ أَنْتَ أَقَمْتَ بِمِنّي، وَ إِنْ أَنْتَ خَرَجْتَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ التّكْبِيرُ وَ التّكْبِيرُ أَنْ تَقُولَ:

۳- منصور بن حازم گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «خدا را یاد کنید در روزهای چند شمرده شد» فرمود:

منظور ایام تشریق است مردم بعد از قربان در منا اقامت می کردند و به یکدیگر فخر می نمودند. یکی از آنها می گفت پدرم چنین و چنان می کرد. پس خدای جل ثناؤه فرمود: «هرگاه از عرفات کوچ کردید خدا را یاد کنید همانند یاد نمودن پدرانتان یا بیشتر از آنان».

فرمود: تکبیر این گونه است: «اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَ اللهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ».

٤- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

تکبیر در ایام تشریق از نماز ظهر روز قربان تا نماز عصر آخر روز تشریق است اگر در منا باشی و اگر بیرون رفتی بر تو تکبیر نیست و تکبیر این گونه است که بگویی: -

«اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَ اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا».

۵- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ فَاتَتْهُ رَكْعَةٌ مَعَ الْإِمَامِ مِنَ الصّلَاةِ أَيّامَ التّشْرِيقِ.

قَالَ: يُتِمّ صَلَاتَهُ ثُمّ يُكَبّرُ.

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنِ التّكْبِيرِ بَعْدَ كُلّ صَلَاةٍ.

فَقَالَ: كَمْ شِئْتَ إِنّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مُوَقّتٌ يَعْنِي فِي الْكَلَامِ.

بخش صدو نودو هفتم

اشاره

(۱۹۷)

بَابُ الصّلَاةِ فِي مَسْجِدِ مِنًى وَ مَنْ يَجِبُ عَلَيْهِ التّقْصِيرُ وَ التّمَامُ بِمِنًى.

۱- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِالله عليه السلام قَالَ:

«اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَ اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ وَ لِلّهِ الْحَمْدُ اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا».

۵- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم: کسی که در روزهای تشریق یک رکعت از نماز جماعت از او فوت شد (چه وظیفه ای دارد؟).

فرمود: نماز را تمام می کند سپس تکبیر می گوید.

گوید: از امام علیه السلام در مورد عدد تکبیر بعد از هر نماز پرسیدم.

فرمود: هر چقدر خواستی بگو، عدد معینی ندارد.

نماز در مسجد منا و حکم کسی که درمنا نماز قصر و تمام بر او واجب است

۱- معاوية بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۵۰۵

إِنّ أَهْلَ مَكّةَ إِذَا زَارُوا الْبَيْتَ وَ دَخَلُوا مَنَازِلَهُمْ أَتَمّوا وَ إِذَا لَمْ يَدْخُلُوا مَنَازِلَهُمْ قَصّرُوا.

۲- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِنّ أَهْلَ مَكّةَ إِذَا خَرَجُوا حُجّاجاً قَصّرُوا وَ إِذَا زَارُوا وَ رَجَعُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ أَتَمّوا.

۳- عَلِيّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

حَجّ النّبِيّ صلی الله علیه وسلم فَأَقَامَ بِمِنًى ثَلَاثاً يُصَلّي رَكْعَتَيْنِ.

ثُمّ صَنَعَ ذَلِكَ أَبُو بَكْرٍ وَ صَنَعَ ذَلِكَ عُمَرُ، ثُمّ صَنَعَ ذَلِكَ عُثْمَانُ سِتّةَ سِنِينَ، ثُمّ أَكْمَلَهَا عُثْمَانُ أَرْبَعاً، فَصَلّى الظُّهْرَ أَرْبَعاً ثُمّ تَمارَضَ لِيَشُدّ بِذَلِكَ بِدْعَتَهُ. فَقَالَ لِلْمُؤَذِّنِ: اذْهَبْ إِلَى عَلِيّ. فَقُلْ لَهُ: فَلْيُصَلِّ بِالنّاسِ الْعَصْرَ.

هرگاه مردم مکه طواف زیارت کنند و داخل خانه هایشان شوند نماز را تمام می خوانند و چون داخل نشدند قصر می خوانند.

۲- نظیر این روایت را حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

۳- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه وسلم حج نمود و سه روز در منا ماند و نمازها را دو رکعتی خواند.

ابوبکر و عمر نیز چنین نمودند و عثمان هم شش سال چنین نمود سپس عثمان چهار رکعتی کامل خواند پس نماز ظهر را چهار رکعت خواند و خود را به بیماری زد تا بدعتش محکم شود آن گاه به مؤذن گفت: به سوی علی برو و به او بگو که نماز عصر را با مردم بخواند.

ص: ۵۰۶

فَأَتَى الْمُؤَذِّنُ عَلِيّاً علیه السلام. فَقَالَ لَهُ: إِنّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (!!) عُثْمَانَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُصَلِّيَ بِالنّاسِ الْعَصْرَ.

فَقَالَ: إِذَنْ لا أُصَلِّي إِلّا رَكْعَتَيْنِ كَمَا صَلّى رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم:

فَذَهَبَ الْمُؤَذِّنُ فَأَخْبَرَ عُثْمَانَ بِمَا قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام.

فَقَالَ: اذْهَبْ إِلَيْهِ، فَقُلْ لَهُ: إِنّكَ لَسْتَ مِنْ هَذَا فِي شَيْءٍ اذْهَبْ فَصَلِّ كَمَا تُؤْمَرُ.

قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام: لا وَ اللّهِ، لا أَفْعَلُ.

فَخَرَجَ عُثْمَانُ فَصَلّى بِهِمْ أَرْبَعاً، فَلَمّا كَانَ فِي خِلَافَةِ مُعَاوِيَةَ وَ اجْتَمَعَ النّاسُ عَلَيْهِ وَ قُتِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام حَجّ مُعَاوِيَةُ فَصَلّى بِالنّاسِ بِمِنًى رَكْعَتَيْنِ الظُّهْرَ ثُمّ سَلّمَ، فَنَظَرَتْ بَنُو أُمَيّةَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ ثَقِيفٌ وَ مَنْ كَانَ مِنْ شِيعَةِ عُثْمَانَ، ثُمّ قَالُوا: قَدْ قَضَى عَلَى صَاحِبِكُمْ وَ خَالَفَ وَ أَشْمَتَ بِهِ عَدُوّهُ.

فَقَامُوا فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا: أَتَدْرِي مَا صَنَعْتَ؟ مَا زِدْتَ عَلَى أَنْ قَضَيْتَ عَلَى صَاحِبِنَا وَ أَشْمَتْ بِهِ عَدُوّهُ وَ رَغِبْتَ عَنْ صَنِيعِهِ وَ سُنّتِهِ.

مؤذن نزد علی علیه السلام آمد و گفت امیرالمؤمنین (!!) عثمان به تو امر می کند که نماز عصر را با مردم بخوانی.

فرمود: من نمی خوانم مگر دو رکعت چنان چه رسول خدا صلی الله علیه وسلم خواند.

مؤذن برگشته و آن چه که علی علیه السلام فرموده بود به عثمان بازگو کرد.

عثمان گفت: برو نزد او و بگو تو در این کار اختیار نداری برو چنان چه امر شدی بخوان.

علی علیه السلام فرمود: نه به خدا سوگند! انجام نمی دهم.

عثمان بیرون آمد و چهار رکعت نماز با مردم خواند آن گاه که خلافت معاویه فرا رسید و مردم بر گرد او اجتماع نمودند و امیرالمؤمنین علیه السلام کشته شد معاویه به حج رفت و در منا با مردم دو دو رکعت نماز خواند و سلام داد.

بنو امیه، مردم ثقیف و پیروان عثمان بر همدیگر نگاه کردند و گفتند: علیه صاحب شما (عثمان) حکم نموده و مخالفت کرد و او را دشمن شاد نمود. آن گاه نزد معاویه رفتند و گفتند: دانستی چه کردی؟ علیه صاحب ما (عثمان) حکم نمودی، دشمنش را شاد کردی و از کرده و سنت او رو گردان شدی.

فَقَالَ: وَيْلَكُمْ أَ مَا تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم صَلّى فِي هَذَا الْمَكَانِ رَكْعَتَيْنِ وَ أَبو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ صَلّى صَاحِبُكُمْ سِتّ سِنِينَ كَذَلِكَ، فَتَأْمُرُونِّي أَنْ أَدَعَ سُنّةَ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ مَا صَنَعَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ عُثْمَانُ قَبْلَ أَنْ يُحْدِثَ.

فَقَالُوا: لا وَ اللّهِ، مَا نَرْضَى عَنْكَ إِلّا بِذَلِكَ.

قَالَ: فَأَقِيلُوا، فَإِنِّي مُشَفِّعُكُمْ وَ رَاجِعٌ إِلَى سُنّةِ صَاحِبِكُمْ فَصَلّى الْعَصْرَ أَرْبَعاً فَلَمْ يَزَلِ الْخُلَفَاءُ وَ الْأَمَرَاءُ عَلَى ذَلِكَ إِلَى الْيَوْمِ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

صَلِّ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَ هُوَ مَسْجِدُ مِنًى، وَ كَانَ مَسْجِدُ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم عَلَى عَهْدِهِ عِنْدَ الْمَنَارَةِ الّتِي فِي وَسَطِ الْمَسْجِدِ وَ فَوْقُهَا إِلَى الْقِبْلَةِ نَحْواً مِنْ ثَلَاثِينَ ذِرَاعاً وَ عَنْ يَمِينِهَا وَ عَنْ يَسَارِهَا وَ خَلْفِهَا نَحْواً مِنْ ذَلِكَ.

گفت: وای بر شما آیا نمی دانید که رسول خدا صلی الله علیه وسلم، ابوبکر و عمر در این مکان دو رکعت نماز خواندند و عمر و صاحب شما (عثمان) شش سال چنین نمود. به من دستور می دهید که سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم، ابوبکر، عمر و عثمان - پیش از بدعتش - را رها نمایم؟!

گفتند: نه، به خدا سوگند! از تو راضی نمی شویم مگر به همان (که عثمان خوانده است).

گفت: مرا ناکرده انگارید من درخواست شما را قبول نمودم و به سنت صاحب شما بر می گردم. پس هنگام عصر را چهار رکعت نماز خواند و پس از او پیوسته خلفا و امیران تا امروز بر آن طریقت بودند.

٤- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در مسجد خیف – که مسجد منا است – نماز بخوان همواره مسجد رسول خدا صلی الله علیه وسلم یه در زمان خود نزد مناره ای بود که در وسط مسجد قرار دارد که بالای آن نزدیک به سی زراع از هر سمت بود به سوی قبله می باشد.

ص: ۵۰۸

فَقَالَ: فَتَحَرّ ذَلِكَ ، فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ يَكُونَ مُصَلّاكَ فِيهِ فَافْعَلْ، فَإِنَّهُ قَدْ صَلّى فِيهِ أَلْفُ نَبِي، وَ إِنَّمَا سُمِّيَ الْخَيْفَ لِأَنَّهُ مُرْتَفِعٌ عَنِ الْوَادِي وَ مَا ارْتَفَعَ عَنْهُ يُسَمّى خَيْفاً.

۵- معَاوِيَةُ بْنُ عَمّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: إِنّ أَهْلَ مَكّةَ يُتِمُّونَ الصّلَاةَ بِعَرَفَاتٍ.

فَقَالَ: وَيْلَهُمْ – أَوْ وَيْحَهُمْ – وَأَيُّ سَفَرٍ أَشَدُّ مِنْهُ؟! لَا يُتِمُّ.

٦- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

صَلِّ سِتّ رَكَعَاتٍ فِي مَسْجِدِ مِنًى فِي أَصْلِ الصّوْمَعَةِ.

بخش صدو نودو هشتم

اشاره

(۱۹۸)

بَابُ النّفْرِ مِنْ مِنًى الْأَوّلِ وَالآخِرِ.

۱- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ النّعْمَانِ عَنْ أَبِي أَيّوبَ قَالَ:

فرمود: آن جا را برای نماز انتخاب کن و اگر توانستی که محل نمازت آنجا باشد انجام بده چرا که هزار پیامبر در آن جا نمازگزارده اند و بدان علت خیف نامیده شد چون بلندتر از وادی است و هرچه بلندتر از آن باشد خیف نامیده می شود.

۵- معاوية بن عمار گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: مردم مكه نماز را در عرفات تمام می خوانند.

فرمود: وای بر آنها! کدام سفر مشکل تر از آن است؟ تمام خوانده نمی شود.

٦- علی بن ابی حمزه گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

شش رکعت نماز در مسجد منا در خود صومه (نزدیک مناره مسجد) بخوان.

حکم کوچ از منا؛ کوچ اول و کوچ دوم

١- ابو ايوب گويد: -

ص: ٥٠٩

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: إِنّا نُرِيدُ أَنْ نَتَعَجّلَ السّيْرَ وَ كَانَتْ لَيْلَةُ النّفْرِ حِينَ سَأَلْتُهُ فَأَيّ سَاعَةٍ تَنْفِرُ؟

فَقَالَ لِي: أَمّا الْيَوْمَ الثّانِي فَلَا تَنْفِرْ حَتّى تَزُولَ الشّمْسُ وَ كَانَتْ لَيْلَةُ النّفْرِ. وَ أَمّا الْيَوْمَ الثّالِثَ فَإِذَا ابْيَضّتِ الشّمْسُ فَانْفِرْ عَلَى بَرَكَةِ اللّهِ، فَإِنّ اللّهَ جَلّ ثَنَاؤُهُ يَقُولُ:

(فَمَنْ تَعَجّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ فَلَوْ سَكَتَ لَمْ يَبْقَ أَحَدٌ إِلّا تَعَجّلَ، وَ لَكِنّهُ قَالَ: وَ مَنْ تَأَخّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ).

٢- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ أَ يُقَدِّمُ الرَّجُلُ رَحْلَهُ وَ ثَقَلَهُ قَبْلَ النَّفْرِ؟

فَقَالَ: لا، أَ مَا يَخَافُ الَّذِي يُقَدِّمُ ثَقَلَهُ أَنْ يَحْبِسَهُ اللَّهُ تَعَالَى؟

قَالَ: وَ لَكِنْ يُخَلِّفُ مِنْهُ مَا شَاءَ لَا يَدْخُلُ مَكَّةَ.

قُلْتُ: أَ فَأَتَعَجَّلُ مِنَ النِّسْيَانِ أَقْضِي مَنَاسِكِي وَ أَنَا أُبَادِرُ بِهِ إِهْلَالاً وَ إِحْلَالاً؟

قَالَ: فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

به امام صادق علیه السلام در شب دوازدهم گفتم می خواهیم زودتر کوچ کنیم در کدام ساعت کوچ کنیم؟

فرمود: روز دوم (دوازدهم) تا ظهر نشده کوچ نکن که شب کوچ بود و روز سوم (سیزدهم) چون آفتاب روشن شد به برکت خدا کوچ کن زیرا خداوند متعال می فرماید: «هرکه در دو روز شتاب نمود گناهی بر او نیست و هرکه تأخیر نمود بر او گناهی نیست».

اگر قسمت دوم آیه را نمی فرمود کسی نمی ماند مگر این که باید عجله می نمود، ولی فرمود: «هرکه تأخیر نمود بر او گناهی نیست».

۲- ابان بن تغلب گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: آیا انسان می تواند بار و متاع خود را پیش از کوچ کردن از منا پیش بفرستد؟

فرمود: نه، آیا کسی که بارش را زود می فرستد نمی ترسد که خداوند او را باز دارد؟

فرمود: ولی آن چه خواست باقی می گذارد که مکه نبرد.

گفتم: آیا می توانم برخی از اعمال را - از جهت احرام را حلال - از روی ترس با شتاب به جا آورم؟

فرمود: ایرادی ندارد.

ص: ۵۱۰

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَنْفِرَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَيْسَ لَكَ أَنْ تَنْفِرَ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ وَإِنْ تَأَخَّرْتَ إِلَى آخِرِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ وَ هُوَ يَوْمُ النَّفْرِ الْأَخِيرِ، فَلَا عَلَيْكَ أَيَّ سَاعَةٍ نَفَرْتَ وَ رَمَيْتَ قَبْلَ الزَّوَالِ أَوْ بَعْدَهُ، فَإِذَا نَفَرْتَ وَ انْتَهَيْتَ إِلَى الْحَصْبَةِ وَ الْبَطْحَاءُ فَشِئْتَ أَنْ تَنْزِلَ قَلِيلاً، فَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي علیه السلام يَنْزِلُهَا، ثُمَّ يَحْمِلُ فَيَدْخُلُ مَكَّةَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنَامَ بِهَا.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

مَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا يَنْفِرْ حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ، فَإِنْ أَدْرَكَهُ الْمَسَاءُ بَاتَ وَ لَمْ يَنفر.

۳- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه خواستی روز دوازدهم از مناکوچ کنی نباید کوچ کنی تا ظهر شود، و اگر خواستی تا آخر روزهای تشریق (سیزدهم) که آن کوچ آخری است درنگ کنی بر تو چیزی نیست که هر ساعتی خواستی کوچ می کنی و پیش از ظهر و یا بعد از آن رمی می نمایی.

و هرگاه به سرزمین سنگریزه که همان ابطح است رسیدی و خواستی کمی فرود آی، زیرا امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم علیه السلام همواره در آن جا فرود می آمد آن گاه وسایلش را بار میزد بدون این که بخوابد وارد مکه می شد.

٤- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هركه در روز دوازدهم شتاب نمايد پس تا ظهر نشده كوچ نكند و اگر شب فرا رسيد بماند و كوچ نكند.

ص: ۵۱۱

۵- عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

يُصَلِّى الْإِمَامُ الظُّهْرَ يَوْمَ النَّفْرِ بِمَكَّةَ.

٦- عَلِيّ بْنَ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ أَنْ يَنْفِرَ الرَّجُلُ فِي النَّفْرِ الْأَوَّلِ ثُمّ يُقِيمُ بِمَكَّةَ.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا نَفَرْتَ فِي النَّفْرِ الْأَوَّلِ فَإِنْ شِئْتَ أَنْ تُقِيمَ بِمَكَّةَ وَ تَبِيتَ بِهَا فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ.

قَالَ: وَ قَالَ: إِذَا جَاءَ اللَّيْلُ بَعْدَ النَّفْرِ الْأَوَّلِ فَبِتْ بِمِنًى، وَ لَيْسَ لَكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا حَتّى تُصْبِحَ.

٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ قَالَ:

۵- حلبى گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

امام نماز ظهر را در روز كوچ در مكه مى خواند.

٦- جميل بن درّاج گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

ايرادى ندارد كه انسان در كوچ اول برود و در مكه بماند.

۷- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

چون در كوچ اول رفتى و خواستى در مكه بمانى و شب را سپرى كنى ايرادى ندارد.

و گويد: حضرتش فرمود: چون بعد از كوچ اول شب فرا رسيد و در منا ماندى نمى توانى بيرون روى مگر صبح شود.

۸- ايوب بن نوح گويد:

ص: ۵۱۲

كَتَبْتُ إِلَيْهِ: إِنّ أَصْحَابَنَا قَدِ اخْتَلَفُوا عَلَيْنَا، فَقَالَ بَعْضُهُمْ: إِنّ النّفْرَ يَوْمَ الْأَخِيرِ بَعْدَ الزّوَالِ أَفْضَلُ.

وَ قَالَ بَعْضُهُمْ: قَبْلَ الزّوَالِ.

فَكَتَبَ: أَ مَا عَلِمْتَ أَنّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم صَلّى الظّهْرَ وَ الْعَصْرَ بِمَكّةَ وَ لا يَكُونُ ذَلِكَ إِلّا وَ قَدْ نَفَرَ قَبْلَ الزّوَالِ.

۹- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبّاسِ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَسْبَاطِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ أَبِي زَيْنَبَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ: لَوْ كَانَ لِي طَرِيقٌ إِلَى مَنْزِلِي مِنْ مِنًى مَا دَخَلْتُ مَكّةَ.

۱۰- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيّ بْنِ مُحَمّدٍ الْقَاسَانِيّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلَ رَجُلٌ أَبِي بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنَ الْمَوْقِفِ. فَقَالَ: أَ تَرَى يُخَيّبُ اللّهُ هَذَا الْخَلْقَ كُلّهُ؟

طی نامه ای به امام علیه السلام نوشتم اصحابمان را در مسأله ای اختلاف نمودند؛ بعضی گوید: کوچ آخر بعد از ظهر بهتر است و بعضی گوید: پیش از ظهر.

حضرتش در پاسخ نوشت آیا می دانی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم نماز ظهر و عصر را در مکه خواند و آن هم نمی شود مگر پیش از ظهر کوچ کرده باشد.

۹- اسحاق بن عمار گوید:

امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم علیه السلام می فرمود:

اگر از منا راهی به خانه ام داشتم وارد مکه نمی شدم.

۱۰- سفیان بن عیینه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مردی بعد از بازگشت پدرم از موقف (عرفات) پرسید آیا به نظر شما خداوند همه این مردم را ناامید خواهد کرد؟

ص: ۵۱۳

فَقَالَ أَبِي مَا وَقَفَ بِهَذَا الْمَوْقِفِ أَحَدٌ إِلّا غَفَرَ اللّهُ لَهُ مُؤْمِناً كَانَ أَوْ كَافِراً، إِلّا أَنَّهُمْ فِي مَغْفِرَتِهِمْ عَلَى ثَلَاثِ مَنَازِلَ: مُؤْمِنٌ غَفَرَ اللّهُ لَهُ مَا تَقَدّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخّرَ أَعْتَقَهُ مِنَ النّارِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزّوَجَلّ: (رَبّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النّارِ أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمّا كَسَبُوا وَ اللّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ).

وَ مِنْهُمْ مَنْ غَفَرَ اللّهُ لَهُ مَا تَقَدّمَ مِنْ ذَنْبِهِ. وَ قِيلَ لَهُ: أَحْسِنُ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِكَ، وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزّوَجَلّ: (فَمَنْ تَعَجّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ) يَعْنِي: مَنْ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَمْضِي فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتّقَى الْكَبَائِرَ.

وَأَمّا الْعَامّةُ فَيَقُولُونَ: فَمَنْ تَعَجّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ يَعْنِي فِي النّفْرِ الْأَوّلِ وَ مَنْ تَأَخّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ يَعْنِي لِمَنِ اتّقَى الصّيْدَأَ فَتَرَى أَنّ الصّيْدَ يُحَرّمُهُ اللّهُ بَعْدَ مَا أَحَلّهُ فِي قَوْلِهِ عَزّوَجَلّ: (وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا).

پدرم فرمود: هرکه در این موقف بایستد خداوند او را بیامرزد مؤمن باشد یا کافر مگر این که آمرزش آنها بر سه قسم است:

مؤمنی است که خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد و از آتش رهایش می کند که همان گفتار خداوند عزوجل است که می فرماید: «پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطاکن و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نگاه دار. آنها از کار خود بهره ای دارند و خداوند سریع الحساب است».

و کسی که خداوند گناهان گذشته اش را بیامرزد و به او گفته می شود در باقی مانده عمرت نیکی کن و آن هم قول خداوند عزوجل است: «پس هرکه در دو روز پیش از انجام مناسک شتاب کند گناهی ندارد و هرکه در دو روز به تأخیر اندازد بر او گناهی نیست».

یعنی کسی که پیش از انجام آن بمیرد گناهی بر او نیست و هرکه از گناهان بزرگ بپرهیزد و عملش را به تأخیر بیندازد گناهی بر او نیست ولی اهل سنت می گویند هرکه در کوچ اول تعجیل کند، گناهی ندارد و هر که تأخیر بیندازد یعنی از شکار بپرهیزد گناهی ندارد. آیا چنین می پنداری که خداوند شکار را بعد از حلال کردنش حرام می کند، آن جا که می فرماید: «چون از احرام بیرون آمدید پس شکار کنید».

ص: ٥١٤

وَ فِي تَفْسِيرِ الْعَامّةِ مَعْنَاهُ وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاتّقُوا الصّيْدَ.

وَ كَافِرٌ وَقَفَ هَذَا الْمَوْقِفَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ إِنْ تَابَ مِنَ الشِّرْكِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ، وَ إِنْ لَمْ يَتُبْ وَفَّاهُ أَجْرَهُ وَ لَمْ يَحْرِمْهُ أَجْرَ هَذَا الْمَوْقِفِ. وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لا يُبْخَسُونَ * أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ إِلّا النّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ).

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَتَى النِّسَاءَ فِي إِحْرَامِهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَنْ يَنْفِرَ فِي النَّفْرِ الْأَوَّلِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: الصَّيْدُ أَيْضاً.

۱۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ نَجِيحٍ الرَّمَّاحِ قَالَ:

و در تفسیر اهل تسنن آمده است چون از احرام بیرون آمدید از شکار بپرهیزید.

و قسم سوم کافر است که در این موقف برای زینت دنیایش می ایستد که خداوند گناهان گذشته او را بیامرزد؛ اگر در باقی مانده عمرش از شرک توبه کند و اگر توبه نکرد خداوند پاداش او را وفا کرده و از پاداش این موقف او را محروم نمی سازد، بیان آن گفتار خداوند عزوجل است: «کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را می خواهند نتیجه اعمال آنها را در همین دنیا به طور کامل می دهیم و چیزی از آنها کم نخواهد شد (ولی) اینان در جهان آخرت جز آتش سهمی ندارند و آن چه در دنیا انجام دادند باطل و بی اثر خواهد بود».

۱۱- محمد بن مستنیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه در حال احرام به نزد زنان رود نمی تواند در کوچ اول، کوچ کند.

و در روایتی دیگر آمده است: صید نیز چنین است.

۱۲- اسماعیل بن نجیح رماح گوید: -

ص: ۵۱۵

كُنّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام بِمِنًى لَيْلَةٌ مِنَ اللّيَالِي فَقَالَ: مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ فِي (فَمَنْ تَعَجّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخّرَ فَلا إِثْمَ عَلَيْهِ).

قُلْنَا: مَا نَدْرِي.

قَالَ: بَلَى يَقُولُونَ: مَنْ تَعَجّلَ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَةِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخّرَ مِنْ أَهْلِ الْحَضَرِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ لَيْسَ كَمَا يَقُولُونَ، قَالَ اللّهُ جَلّ ثَنَاؤُهُ: (فَمَنْ تَعَجّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ)، أَلا لا إِثْمَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَأَخّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ أَلَا لَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتّقَى، إِنّمَا هِيَ لَكُمْ وَ النّاسُ سَوَادٌ وَ أَنْتُمُ الْحَاجّ.

بخش صدو نودو نهم

اشاره

(۱۹۹)

بَابُ نُزُولِ الْحَصْبَةِ.

۱- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام أَنّهُ سُئِلَ عَنِ الْحَصْبَةِ.

شبی از شب ها در منا نزد امام صادق علیه السلام بودیم فرمود: این ها (اهل تسنن) در مورد آیه که می فرماید: «هرکه در آن دو روز شتاب کند گناهی برای او نیست و هرکه به تأخیر انداخت گناهی برای او نیست» چه می گویند؟

گفتیم: نمی دانیم.

فرمود: آری، می گویند: هرکه از اهل بادیه در روز دوازدهم کوچ کرد گناهی بر او نیست و هرکه از اهل مکه کوچ را به تأخیر انداخت گناهی بر او نیست.

ولی چنان چه آنها می گویند نیست خداوند متعال می فرماید: «هرکه در آن دو روز شتاب کند گناهی بر او نیست» آگاه باشید که گناهی بر او نیست و هرکه به تأخیر اندازد، هان که بر آن که تقوا پیشه کند گناهی نیست همانا آن حکم مخصوص شما (شیعیان) است و مردم (اهل تسنن) سیاهی هستند و شما (شیعیان) حاجی هستید.

فرود آمدن در زمین سنگریزه

۱- ابی مریم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد حصبه (زمین سنگریزه) سؤال شد.

ص: ۵۱۶

فَقَالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام يَنزِلُ الْأَبْطَحَ قَلِيلاً ثُمّ يَجِيءُ وَ يَدْخُلُ الْبَيُوتَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنَامَ بِالْأَبْطَحِ.

فَقُلْتُ لَهُ: أَ رَأَيْتَ إِنْ تَعَجّلَ فِي يَوْمَيْنِ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ عَلَيْهِ أَنْ يُحَصّبَ؟

قَالَ: لا.

بخش دویستم

اشاره

(۲۰۰)

بَابُ إِتْمَامِ الصّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ.

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بن أبي نَصْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَيْبَةَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنْ إِتْمَامِ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ.

لَا فَكَتَبَ إِلَيَّ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم يُحِبُّ إِكْثَارَ الصَّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَأَكْثِرْ فِيهِمَا وَأَتِمَّ.

فرمود: پدرم علیه السلام همواره در ابطح فرود می آمد، سپس می آمد و وارد خانه های مکه می شد بدون این که در ابطح بخوابد.

گفتم: به نظر شما کسی که در روز دوازدهم برای رفتن عجله نماید اگر از اهل یمن باشد می تواند در سرزمین سنگریزه فرود آید؟

فرمود: نه.

اتمام نماز در حرم مکه و مدینه

١- ابراهیم بن شیبه گوید: نامه ای خدمت امام جواد علیه السلام نوشتم و در مورد اتمام نماز در حرمین پرسیدم؟

آن حضرت در پاسخ نوشت رسول خدا صلی الله علیه وسلم دوست می داشت که در حرمین نماز بیشتر خوانده شود پس در آنها نماز بسیار بگزار و به صورت تمام بخوان.

ص: ٥١٧

٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ إِتْمَامِ الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ فِي الْحَرَمَيْنِ.

فَقَالَ: أَتِمّهَا وَ لَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً.

٣- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنِ التَّقْصِيرِ بِمَكَّةَ.

فَقَالَ: أَتِمّ وَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ إِلّا أَنِّي أُحِبُّ لَكَ مَا أُحِبُّ لِنَفْسِي.

٤- يُونُسُ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عليه السلام عَنْ إِتْمَامِ الصّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ.

فَقَالَ: أُحِبُّ لَكَ مَا أُحِبُّ لِنَفْسِي أَتِمَ الصّلَاةَ.

٥- يُونُسُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

أَنّ مِنَ الْمَذْ خُورِ الْإِتْمَامَ فِي الْحَرَمَيْنِ.

٢- عثمان بن عیسی گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد تمام نماز و گرفتن روز در حرمین پرسیدم.

فرمود: نماز را تمام بخوان گرچه یک نماز باشد.

٣- علی بن یقطین گوید: از امام کاظم علیه السلام در مورد نماز قصر در مکه پرسیدم.

فرمود: نماز را تمام بخوان و این واجب نیست مگر این که آن چه را که من برای خود دوست دارم برای تو نیز دوست می دارم.

٤- نظیر این روایت را زیاد بن مروان نیز از امام کاظم علیه السلام نقل می کند.

۵- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: از موارد ذخيره (براى روز قيامت) تمام خواندن نماز در حرمين است.

ص: ۵۱۸

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: إِنَّا إِذَا دَخَلْنَا مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ نُتِمُ أَوْ نَقْصُرُ؟

قَالَ: إِنْ قَصَرْتَ فَذَاكَ وَ إِنْ أَتْمَمْتَ فَهُوَ خَيْرٌ يَزْدَادُ.

٧- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ عليه السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي عليه السلام يَرَى لِهَذَيْنِ الْحَرَمَيْنِ مَا لَا يَرَاهُ لِغَيْرِهِمَا وَ يَقُولُ: إِنَّ الْإِتْمَامَ فِيهِمَا مِنَ الْأَمْرِ الْمَذْخُورِ.

٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ:

٦- حسين بن مختار گويد: به امام كاظم عليه السلام گفتم: هنگامى كه ما وارد مكه مى شويم نماز را تمام بخوانيم يا قصر؟

فرمود: مى توانى قصر بخوانى و اگر تمام بخوانى خيرى است كه فزونى يافته است.

٧- مسمع گويد: امام كاظم عليه السلام فرمود:

پدرم عليه السلام همواره به اين دو حرم ارزشى قائل بود كه به غير آنها قائل نبود و مى فرمود:

تمام خواندن نماز در آنها از ثواب های ذخیره برای قیامت است.

علی بن مهزیار گوید:

ص: ۵۱۹

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: أَنّ الرِّوَايَةَ قَدِ اخْتَلَفَتْ عَنْ آبَائِكَ عليهم السلام فِي الْإِنْمَامِ وَالتَّقْصِيرِ فِي الْحَرَمَيْنِ فَمِنْهَا بِأَنْ يُتِمّ الصّلَاةَ وَ لَوْ صَلَاةً وَاحِدَةً، وَ مِنْهَا أَنْ يُقَصِّرَ -ا لَمْ يَنْوِ مُقَامَ عَشَرَةِ أَيّامٍ وَ لَمْ أَزَلْ عَلَى الْإِنْمَام فِيهَا إِلَى أَنْ صَدَرْنَا فِي حَجّنَا فِي عَامِنَا هَذَا، فَإِنّ فُقَهَاءَ أَصْحَابِنَا أَشَارُوا عَلَيّ بِالتَّقَصِيرِ إِذْ كُنْتُ لا أَنْوِي مُقَامَ عَشَرَةِ أَيّامٍ فَصِرْتُ إِلَى التّقْصِيرِ وَ قَدْ ضِقْتُ بِذَلِكَ حَتّى أَعْرِفَ رَأْيَكَ.

فَكَتَبَ إِلَيّ بِخَطّهِ: قَدْ عَلِمْتَ يَرْحَمُكَ اللّهُ فَضْلَ الصّلَاةِ فِي الْحَرَمَيْنِ عَلَى غَيْرِهِمَا، فَإِنّي أُحِبّ لَكَ إِذَا دَخَلْتَهُمَا أَنْ لا تَقْصُرَ وَ تُكْثِرَ فِيهِمَا الصّلَاةَ.

فَقُلْتُ لَهُ: بَعْدَ ذَلِكَ بِسَنَتَيْنِ مُشَافَهَةٌ إِنّي كَتَبْتُ إِلَيْكَ بِكَذَا وَ أَجَبْتَنِي بِكَذَا.

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقُلْتُ: أَيّ شَيْءٍ تَعْنِي بِالْحَرَمَيْنِ؟

فَقَالَ: مَكّةَ وَ الْمَدِينَةَ.

به خدمت امام جواد علیه السلام طی نامه ای نوشتم که روایات از پدران شما علیهم السلام در اتمام و تقصیر نماز در حرمین گوناگون نقل شده است؛ برخی گوید. نماز تمام خوانده می شود، گرچه یک نماز باشد و برخی گوید مادامی که ده روز قصد اقامه نکنی نماز قصر است و من همیشه نمازها را امسال در حج خود در تمام خوانده ام و فقهای اصحابمان به من اشاره نمودند که قصر بخوانم چون قصد اقامه ده روز ننموده بودم پس قصر خواندم. من از این جهت دلتنگ هستم تا نظر شما را بدانم.

حضرتش با دستخط خود نوشت خدا تو را رحمت !کند از فضیلت نماز در حرمین را نسبت به جاهای دیگر آگاهی داری و من دوست دارم تو آن گاه که وارد آن دو حرم شدی نماز را قصر نخوانی و در آن جاها نماز زیاد بخوانی.

دو سال بعد حضرتش را دیدم و به او گفتم به شما نامه نوشتم و چنین جواب دادی.

فرمود: آری.

گفتم: مراد شما از حرمین کجاست؟

فرمود: مکه و مدینه است.

ص: ۵۲۰

بخش دویست و یکم

اشاره

(۲۰۱)

بَابُ فَضْلِ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ أَفْضَلِ بُقْعَةٍ فِيهِ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام عَنْ أَفْضَلِ مَوْضِعٍ فِي الْمَسْجِدِ يُصَلَّى فِيهِ.

قَالَ: الْحَطِيمُ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ وَ بَابِ الْبَيْتِ.

قُلْتُ: وَ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ فِي الْفَضْلِ؟

فَذَكَرَ أَنَّهُ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام.

قُلْتُ: ثُمَّ الَّذِي يَلِيهِ فِي الْفَضْلِ؟

قَالَ: فِي الْحِجْرِ.

قُلْتُ: ثُمَّ الَّذِي يَلِي ذَلِكَ؟

فضیلت نماز در مسجد الحرام وبهترین بقعه آن

۱- حسن بن جهم گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: بهترین جای مسجد الحرام که در آن نماز خوانده می شود کجاست؟

فرمود: حطیم که میان حجر الاسود و در بیت است.

گفتم: بعد از آن کجا بهتر است؟

فرمود: نزد مقام ابراهیم علیه السلام.

گفتم: بعد از آن کجا بهتر است؟

فرمود: حجر (اسماعیل علیه السلام).

گفتم: بعد از آن کجاست؟

ص: ۵۲۱

قَالَ: كُلَّمَا دَنَا مِنَ الْبَيْتِ.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزّازِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: الصّلَاةُ فِي الْحَرَمِ كُلِّهِ سَوَاءٌ؟

فَقَالَ: يَا أَبَا عُبَيْدَةَ مَا الصّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كُلِّهِ سَوَاءٌ فَكَيْفَ يَكُونُ فِي الْحَرَمِ كُلِّهِ سَوَاءٌ؟

قُلْتُ: فَأَيُّ بِقَاعِهِ أَفْضَلُ.

قَالَ: مَا بَيْنَ الْبَابِ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَد.

٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنْ يُونُسَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الْمُلْتَزَم لِأَيّ شَيْءٍ يُلْتَزَمُ وَ أَيُّ شَيْءٍ يُذْكَرُ فِيهِ؟

فَقَالَ: عِنْدَهُ نَهَرٌ مِنْ أَنْهَارِ الْجَنّةِ تُلْقَى فِيهِ أَعْمَالُ الْعِبَادِ عِنْدَ كُلّ خَمِيسٍ.

فرمود: هرجا که نزدیک بیت باشد.

٢- ابو عبیده گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: نماز در همه جای مسجد مساوی است؟

فرمود: ای ابا عبیده! نماز در همه جای مسجد الحرام مساوی نیست. چگونه همه جای حرم مساوی می شود؟

گفتم: پس کدام بقعه آن بهتر است؟

فرمود: میان در بیت تا حجر الاسود.

۳- یونس گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد ملتزم (جایی در دیوار پشت کعبه نزدیک رکن یمانی است) پرسیدم که برای چه به آغوش گرفته می شود؟ و چه چیز در آن گفته می شود؟

فرمود: نزد آن چشمه ای از چشمه های بهشت است که در هر روز پنجشنبه اعمال بندگان به آن ریخته می شود.

ص: ۵۲۲

٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَم عَنِ الْكَاهِلِيِّ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فَقَالَ:

أَكْثِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، أَمَا إِنَّ لِكُلِّ عَبْدٍ رِزْقاً يُجَازُ إِلَيْهِ جَوْزاً.

٥- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ صَامِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ:

الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ آبَائِهِ علیه السلام قَالَ:

الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ.

٧- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: أَقُومُ أُصَلِّي بِمَكَّةَ وَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ يَدَيَّ جَالِسَةٌ أَوْ مَارَّةٌ.

٤- کاهلی گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام (در مکه و یا مسجد الحرام) بودیم.

فرمود: در این مسجد نماز بسیار بخوانید و فراوان دعا کنید آگاه باشید که برای هر بنده ای نصیبی است که داده می شود.

۵- صامت گوید: امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

٦- نظیر این روایت را سکونی از امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند.

۷- معاویة بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: در مسجد الحرام بر می خیزم و نماز می خوانم درحالی که زن در مقابل من نشسته و یا تردد می کند (چه حکمی دارد؟).

ص: ۵۲۳

فَقَالَ: لا بَأْسَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ بَكَّةَ، لِأَنَّهَا تَبْكُ فِيهَا الرِّجَالُ وَ النِّسَاءُ.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاجٍ قَالَ:

قَالَ لَهُ الطَّيّارُ - وَأَنَا حَاضِرٌ -: هَذَا الَّذِي زِيدَ هُوَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟

فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّهُمْ لَمْ يَبْلُغُوا بَعْدُ مَسْجِدَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ علیهما السلام.

۹- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي بِمَكَّةَ يَجْعَلُ الْمَقَامَ خَلْفَ ظَهْرِهِ وَ هُوَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ يُصَلِّي حَيْثُ شَاءَ مِنَ الْمَسْجِدِ بَيْنَ يَدَيِ الْمَقَامِ، أَوْ خَلْفَهُ وَأَفْضَلُهُ الْحَظِيمُ وَ الْحِجْرُ وَ عِنْدَ الْمَقَامِ وَ الْحَظِيمُ حِذَاءَ الْبَابِ.

۱۰- فَضَالَةُ بْنُ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

كَانَ حَقُّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام بِمَكَّةَ مَا بَيْنَ الْحَزْوَرَةِ إِلَى المَسْعَى، فَذَلِكَ الَّذِي كَانَ خَطَّهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام يَعْنِي الْمَسْجِدَ.

فرمود: ایرادی ندارد چرا که بدان جهت بکه نامیده شد که در آن مردان و زنان ازدحام می نمایند.

جمیل بن درّاج گوید: من حاضر بودم که طیار به حضرتش گفت: این همان بخشی از مسجد است (که در زمان بنی امیه) اضافه شد؟

فرمود: آری، زیرا آنها هنوز به مسجد ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام نرسیده اند.

۹- زراره گوید: از امام علیه السلام پرسیدم: مردی که در مکه نماز می خواند و مقام ابراهیم علیه السلام را پشت سر قرار می دهد که رو به قبله است (او چه حکمی دارد؟).

فرمود: ایرادی ندارد هرجای مسجد خواست پیش روی مقام یا پشت نماز بخواند، بهترین جای آن حطیم حجر اسماعیل و نزد مقام ابراهیم است و حطیم روبه روی درب کعبه است.

۱۰- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حق ابراهیم علیه السلام در مکه از حزوره تا مسعی بود این همان علامت و خطی بوده که ابراهیم علیه السلام برای مسجد کشیده بود.

ص: ٥٢٤

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي جَمَاعَةٍ فِي مَنْزِلِهِ بِمَكَّةَ أَفْضَلُ أَوْ وَحْدَهُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؟

فَقَالَ: وَحْدَهُ.

١٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحَظِيمِ.

فَقَالَ: هُوَ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَبَيْنَ الْبَابِ.

وَ سَأَلْتُهُ لِمَ سُمِّيَ الْحَطِيمَ؟

فَقَالَ: لِأَنَّ النَّاسَ يَحْطِمُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً هُنَاكَ.

١١- محمد بن ابی نصر گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: مردی در مکه در خانه خود با جماعت نماز بخواند بهتر است و یا تنها در مسجد الحرام؟

فرمود: تنها (در مسجد الحرام).

١٢- معاویة بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد حطیم پرسیدم؟

فرمود: میان حجر الاسود و در بیت است.

پرسیدم: چرا حطیم نامیده شد؟

فرمود: زیرا مردم در آن جا پهلو به پهلوی می باشند.

بخش دویست و دوم

اشاره

(٢٠٢)

بَابُ دُخُولِ الْكَعْبَةِ.

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَلِيّ بْنِ خَالِدٍ عَمّنْ حَدّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ: الدّاخِلُ الْكَعْبَةَ يَدْخُلُ وَ اللّهُ رَاضٍ عَنْهُ وَ يَخْرُجُ عُطُلاً مِنَ الذّنُوبِ.

٢- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنِ ابْنِ الْقَدّاحِ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ دُخُولِ الْكَعْبَةِ.

قَالَ: الدّخُولُ فِيهَا دُخُولٌ فِي رَحْمَةِ اللّهِ، وَ الْخُرُوجُ مِنْهَا خُرُوجٌ مِنَ الذّنُوبِ مَعْصُومٌ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ مَغْفُورٌ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِهِ.

ورود به کعبه

١- راوی گوید: امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود:

داخل شونده به کعبه داخل می شود درحالی که خدا از او راضی است و بیرون می آید درحالی که از گناه تهی است.

٢- ابن دراج از امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می کند که از حضرتش در مورد داخل شدن به کعبه پرسیدم.

فرمود: داخل شدن در آن، دخول در رحمت خدا و خروج از آن، خارج شدن از گناهان است و در باقیمانده عمرش معصوم و از گناهان آینده اش آمرزیده شده است.

٣- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْر عَنْ مُعَاوِيَةَ بْن عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَرَدْتَ دُخُولَ الْكَعْبَةِ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا وَ لَا تَدْخُلْهَا بِحِذَاءٍ وَ تَقُولُ: إِذَا دَخَلْتَ: «اللّهُمّ إِنّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً فَآمِنّي مِنْ عَذَابِ النّارِ». ثُمّ تُصَلّي رَكْعَتَيْنِ بَيْنَ الْأَسْطُوَانَتَيْنِ عَلَى الرّخَامَةِ الْحَمْرَاءِ تَقْرَأُ فِي الرّكْعَةِ الأولى حم السّجْدَةَ وَ فِي الثّانِيَةِ عَدَدَ آيَاتِهَا مِنَ الْقُرْآنِ وَ تُصَلّي فِي زَوَايَاهُ وَ تَقُولُ:

«اللّهُمّ مَنْ تَهَيّأَ أَوْ تَعَبّا أَوْ أَعَدّ أو اسْتَعَدّ لِوِفَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيّدِي تَهْيِئَتِي وَ تَعْبِئَتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ فَلَا تُخَيّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلُ وَ لا يَنْقُصُهُ نَائِلُ فَإِنّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنّي أَتَيْتُكَ مُقِرّاً بِالظّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنّهُ لَا حُجّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَنِي بِرَغْبَتِي وَ لا تَرُدّنِي مَجْبُوهَا مَمْنُوعاً وَ لا خَائِباً يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِيَ الذّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ».

٣- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هرگاه خواستى داخل كعبه شوى غسل كن و با نعلين داخل مشو و چون داخل شدى مى گويى: «اللّهُمّ إِنّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً فَآمِنّي مِنْ عَذَابِ النّارِ».

سپس دو ركعت نماز بين دوستون در كعبه و بر روى سنگ سرخ بخوان كه در ركعت اول سوره حم سجده و در ركعت دوم به تعداد آيات آن از قرآن ميخوانى و در گوشه هاى كعبه نماز مى خوانى و مى گويى:

«اللّهُمّ مَنْ تَهَيّأَ أَوْ تَعَبّأَ أَوْ أَعَدّ أو اسْتَعَدّ لِوِ فَادَةٍ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ فَإِلَيْكَ يَا سَيّدِي تَهْيِئَتِي وَ تَعْبِئَتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ فَلَا تُخَيّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنّي أَتَيْتُكَ مُقِرّاً بِالظّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنّهُ لا حُجّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ، فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَنِي بِرَغْبَتِي وَ لا تَرُدّنِي مَجْبُوهَا مَمْنُوعاً وَ لا خَائِباً يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذّنْبَ الْعَظِيمَ لَا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ».

ص: ٥٢٧

قَالَ: وَ لا تَدْخُلْهَا بِحِذَاءٍ وَ لا تَبْزُقْ فِيهَا وَ لا تَمْتَخِطْ فِيهَا وَ لَمْ يَدْخُلْهَا رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم إِلّا يَوْمَ فَتْح مَكّةَ.

٤- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللهِ عليه السلام وَ ذَكَرْتُ الصّلَاةَ فِي الْكَعْبَةِ.

قَالَ: بَيْنَ الْعَمُودَيْن تَقُومُ عَلَى الْبَلَاطَةِ الْحَمْرَاءِ، فَإِنّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم صَلّى عَلَيْهَا ثُمّ أَقْبَلَ عَلَى أَرْكَانِ الْبَيْتِ وَ كَبّرَ إِلَى كُلّ رُكْنٍ مِنْهُ.

٥- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ:

رَأَيْتُ الْعَبْدَ الصّالِحَ عليه السلام دَخَلَ الْكَعْبَةَ فَصَلّى رَكْعَتَيْنِ عَلَى الرّخَامَةِ الْحَمْرَاءِ ثُمّ قَامَ فَاسْتَقْبَلَ الْحَائِطَ بَيْنَ الرّكْنِ الْيَمَانِيّ وَ الْغَرْبِيّ، فَوَقَعَ يَدُهُ عَلَيْهِ وَ لَزِقَ بِهِ وَ دَعَا، ثُمّ تَحَوّلَ إِلَى الرّكْنِ الْيَمَانِيّ فَلَصِقَ بِهِ وَ دَعَا ثُمّ أَتَى الرّكْنَ الْغَرْبِيّ ثُمّ خَرَجَ.

فرمود و با نعلین داخل کعبه مشو و آن جا آب دهان و بینی نینداز و رسول خدا صلی الله علیه وسلمداخل کعبه نشد مگر در روز فتح مکه.

٤- حسین بن ابی علاء گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد نماز در درون کعبه پرسیدم؟

فرمود: در میان دو ستون بر روی سنگ سرخ می ایستی، زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم بر روی آن نماز خواند. آن گاه به ارکان آن رو کرد و در هر رکنی تکبیر گفت.

٥- معاویة بن عمار گوی: امام کاظم علیه السلام را دیدم وارد کعبه شد و روی سنگ سرخ دو رکعت نماز گزارد، سپس برخاست و رو به دیوار میان رکن یمانی و رکن غربی کرد و دست بر آن نهاد و به آن چسبید و دعا نمود آن گاه به سوی رکن یمانی آمده و به آن چسبید و دعا کرد سپس به رکن غربی آمد آنگاه بیرون رفت.

ص: ٥٢٨

٦- وَ عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النِّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

لا بُدّ لِلصّرُورَةِ أَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ قَبْلَ أَنْ يَرْجِعَ، فَإِذَا دَخَلْتَهُ فَادْخُلْهُ بِسَكِينَةٍ وَ وَقَارٍ ثُمّ انْتِ كُلّ زَاوِيَةٍ مِنْ زَوَايَاهُ ثُمّ قُلِ:

«اللّهُمّ إِنّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً فَآمِنّي مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

وَ صَلِّ بَيْنَ الْعَمُودَيْنِ اللّذَيْنِ يَلِيَانِ عَلَى الرّحَامَةِ الْحَمْرَاءِ، وَ إِنْ كَثُرَ النّاسُ فَاسْتَقْبِلْ كُلّ زَاوِيَةٍ فِي مَقَامِكَ حَيْثُ صَلّيْتَ وَادْعُ اللّهَ وَاسْأَلْهُ.

٧- وَ عَنْهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام وَ هُوَ خَارِجٌ مِنَ الْكَعْبَةِ وَ هُوَ يَقُولُ: «اللّهُ أَكْبَرُ اللّهُ أَكْبَرُ» حَتّى قَالَهَا ثَلَاثاً.

ثُمّ قَالَ: «اللّهُمّ لَا تُجْهِدْ بَلَاءَنَا رَبّنَا وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنّكَ أَنْتَ الضّارُّ النّافِعُ».

ثُمّ هَبَطَ فَصَلّى إِلَى جَانِبِ الدّرَجَةِ جَعَلَ الدّرَجَةَ عَنْ يَسَارِهِ مُسْتَقْبِلَ الْكَعْبَةِ لَيْسَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ أَحَدٌ ثُمّ خَرَجَ إِلَى مَنْزِلِهِ.

٦- سعيد اعرج گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

ناگزير بايستى حاجى در سفر اول پيش از مراجعت وارد بيت شود. هرگاه وارد بيت شدى با آرامش و وقار داخل شو و به گوشه هاى آن گاه بگو: «اللّهُمّ إِنّكَ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً فَآمِنّي مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ». و ميان دو ستون كه نزديک سنگ سرخ است نماز گزار و اگر مردم بسيار شد از آن جا كه ايستاده اى و نماز مى خوانى رو به هر زاويه كن و خدا را بخوان و از او درخواست كن.

٧- عبد الله بن سنان گويد: از امام صادق عليه السلام به هنگام بيرون آمدن از كعبه شنيدم كه سه مرتبه مى فرمود: «الله اكبر الله اكبر».

سپس فرمود: «اللّهُمّ لا تُجْهِدْ بَلَاءَنَا رَبّنَا وَ لا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنّكَ أَنْتَ الضّارُّ النّافِعُ».

آن گاه پايين آمد و كناره پله ايستاد و آن را در سمت چپ خود قرار داد و رو به كعبه نماز خواند كه در وسط كسى نبود سپس به سوى خانه اش حركت كرد.

ص: ٥٢٩

٨- وَ عَنْهُ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ هَمّامٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام: دَخَلَ النّبِيُّ صلى الله عليه وسلم الْكَعْبَةَ فَصَلّى فِي زَوَايَاهَا الْأَرْبَعِ صَلّى فِي كُلّ زَاوِيَةٍ رَكْعَتَيْنِ.

٩- وَ عَنْهُ عَن ابْن فَضّالٍ عَنْ يُونُسَ بْن يَعْقُوبَ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَدْ دَخَلَ الْكَعْبَةَ، ثُمّ أَرَادَ بَيْنَ الْعَمُودَيْنِ فَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَصَلّى دُونَهُ ثُمّ خَرَجَ فَمَضَى حَتّى خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ.

١٠- وَ عَنْهُ عَن ابْن فَضّالٍ عَنْ يُونُسَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: إِذَا دَخَلْتُ الْكَعْبَةَ كَيْفَ أَصْنَعُ؟

قَالَ: خُذْ بِحَلْقَتَي الْبَابِ إِذَا دَخَلْتَ ثُمّ امْضِ حَتّى تَأْتِيَ الْعَمُودَيْنِ، فَصَلّ عَلَى الرّخَامَةِ الْحَمْرَاءِ، ثُمّ إِذَا خَرَجْتَ مِنَ الْبَيْتِ فَنَزَلْتَ مِنَ الدّرَجَةِ فَصَلّ عَنْ يَمِينِكَ رَكْعَتَيْنِ.

٨- اسماعیل بن همام گوید: امام رضا علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد کعبه شد و در هر گوشه آن دو رکعت نماز گزارد.

٩- یونس بن یعقوب گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که داخل کعبه شد سپس خواست بین دو ستون نماز گزارد نتوانست از این رو نزدیک آن نماز گزارد، سپس خارج شد تا از مسجدالحرام بیرون رفت.

١٠- یونس گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: وقتی داخل کعبه شدم چه کنم؟

فرمود: چون داخل کعبه شدی دو حلقه در را بگیر بعد برو تا نزد دو ستون اول برسی، پس به روی سنگ سرخ نماز گزار پس چون از بیت بیرون آمدی و از پله پایین آمدی پس در جانب دست راست خود دو رکعت نماز گزار.

ص: ٥٣٠

١١- وَ عَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ فِي دُعَاءِ الْوَلَدِ قَالَ:

أَفِضْ عَلَيْكَ دَلْوا مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ ثُمّ ادْخُلِ الْبَيْتَ، فَإِذَا قُمْتَ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ فَخُذْ بِحَلْقَةِ الْبَابِ ثُمّ قُلِ:

«اللّهُمّ إِنّ الْبَيْتَ بَيْتُكَ وَ الْعَبْدَ عَبْدُكَ وَ قَدْ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً فَآمِنّي مِنْ عَذَابِكَ وَ أَجِرْنِي مِنْ سَخَطِكَ».

ثُمّ ادْخُلِ الْبَيْتَ فَصَلّ عَلَى الرّخَامَةِ الْحَمْرَاءِ رَكْعَتَيْنِ، ثُمّ قُمْ إِلَى الْأَسْطُوَانَةِ الّتِي بِحِذَاءِ الْحَجَرِ وَ أَلْصِقْ بِهَا صَدْرَكَ ثُمّ قُلْ:

«يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا مَاجِدُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ يَا عَزِيزُ يَا حَكِيمُ لا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرّيّةً طَيّبَةً إِنّكَ سَمِيعُ الدّعَاءِ».

ثُمّ دُرْ بِالْأُسْطُوَانَةِ فَأَلْصِقْ بِهَا ظَهْرَكَ وَ بَطْنَكَ وَ تَدْعُو بِهَذَا الدّعَاءِ فَإِنْ يُرِدِ اللّهُ شَيْئاً كَانَ.

۱۱- معاوية بن عمار گويد: حضرتش در مورد دعای فرزند خواستن فرمود:

بر سر خود سطلی از آب زمزم بريز، پس داخل كعبه شو، چون كنار در كعبه ايستادی حلقه در را بگير سپس بگو: «اللّهُمّ إِنّ الْبَيْتَ بَيْتُكَ وَ الْعَبْدَ عَبْدُكَ وَ قَدْ قُلْتَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً فَآمِنّي مِنْ عَذَابِكَ وَ أَجِرْنِي مِنْ سَخَطِكَ».

آنگاه داخل كعبه شو به روی سنگ سرخ دو ركعت نمازگزار.

پس كنار ستونی كه مقابل حجر اسماعيل است بايست و سينه ات را به آن بچسبان سپس بگو:

«يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا مَاجِدُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ يَا عَزِيزُ يَا حَكِيمُ لا تَذَرْنِي فَرْداً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرّيّةً طَيّبَةً إِنّكَ سَمِيعُ الدّعَاءِ».

سپس به آن ستون دور زده و پشت و شكم خود را به آن بچسبان و همين دعا را بخوان پس اگر خدا چيزی را خواست، می شود.

بخش دویست و سوم

اشاره

(۲۰۳)

بَابُ وَدَاعِ الْبَيْتِ.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ وَ تَأْتِيَ أَهْلَكَ فَوَدِّعِ الْبَيْتَ وَ طُفْ بِالْبَيْتِ أُسْبُوعاً وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَسْتَلِمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ الرُّكْنَ الْيَمَانِيَّ فِي كُلِّ شَوْطٍ فَافْعَلْ وَ إِلَّا فَافْتَتِحْ بِهِ وَ اخْتِمْ بِهِ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ ذَلِكَ فَمُوَسَّعٌ عَلَيْكَ.

لَا ثُمَّ تَأْتِي الْمُسْتَجَارَ فَتَصْنَعُ عِنْدَهُ كَمَا صَنَعْتَ يَوْمَ قَدِمْتَ مَكَّةَ وَ تَخَيَّرُ لِنَفْسِكَ مِنَ الدُّعَاءِ.

ثُمَّ اسْتَلِمِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ ثُمَّ أَلْصِقْ بَطْنَكَ بِالْبَيْتِ تَضَعُ يَدَكَ عَلَى الْحَجَرِ وَ الْأُخْرَى مِمَّا يَلِي الْبَابَ وَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم ثُمَّ قُلِ:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِينِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ».

وداع با کعبه

۱- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه خواستى از مكه به سوى وطنت بروى، پس بيت را وداع كرده و هفت شوط به آن طواف كن و اگر توانستى در هر شوط به حجر الاسود و ركن يمانى دست بزنى اين كار را انجام بده وگرنه از (حجر الاسود) شروع كن و به آن به پايان برسان و اگر آن را هم نتوانستى ايرادى ندارد.

سپس کنار مستجار بیا و کنار آن همان اعمالی را که در روز ورود به مکه انجام دادی انجام می دهی و برای خود دعا کن.

سپس حجر الاسود را استلام کن، آن گاه شکمت را به کعبه بچسبان که یک دستت در حجر الاسود و دست دیگرت نزدیک در کعبه باشد و حمد و ثنای خدا کن و درود بر پیامبر صلی الله علیه وسلم بفرست آن گاه بگو: «اللّهُمّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيّكَ وَ أَمِينِكَ وَ حَبِيبِكَ وَ نَجِيّكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

ص: ۵۳۲

اللّهُمّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ وَ أُوذِيَ فِي جَنْبِكَ وَ عَبَدَكَ حَتّى أَتَاهُ الْيَقِينُ.

اللّهُمّ اقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الرّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ.

اللّهُمّ إِنْ أَمَتّنِي فَاغْفِرْ لِي وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ اللّهُمّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ.

اللّهُمّ إِنّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَى دَوَابّكَ وَ سَيّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتّى أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَ أَمْنَكَ وَ قَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَازْدَدْ عَنّي رِضًا وَ قَرّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى وَ لا تُبَاعِدْنِي وَ إِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنَ الآنَ فَاغْفِرْ لِي قَبْلَ أَنْ تَنْأَى عَنْ بَيْتِكَ دَارِي فَهَذَا أَوَانُ انْصِرَافِي إِنْ كُنْتَ أَذِنْتَ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَ لَا عَنْ بَيْتِكَ وَ لا مُسْتَبْدِل بِكَ وَ لا بِهِ.

اللّهُمّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي حَتّى تُبَلّغَنِي أَهْلِي فَإِذَا بَلّغْتَنِي أَهْلِي فَاكْفِنِي مَئُونَةَ عِبَادِكَ وَ عِيَالِي فَإِنّكَ وَلِيّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ مِنّي».

اللّهُمّ كَمَا بَلَغَ رِسالاتِكَ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَ صَدَعَ بِأَمْرِكَ وَ أُوذِيَ فِي جَنْبِكَ وَ عَبَدَكَ حَتّى أَتَاهُ الْيَقِينُ.

اللّهُمّ اقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَةِ وَ الرّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ.

اللّهُمّ إِنْ أَمَتّنِي فَاغْفِرْلِي وَ إِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ اللّهُمّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ.

اللّهُمّ إِنّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ حَمَلْتَنِي عَلَى دَوَابّكَ وَ سَيّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتّى أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَ أَمْنَكَ وَ قَدْ كَانَ فِي حُسْنِ ظَنّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي ذُنُوبِي فَازْدَدْ عَنّي رِضًا وَ قَرّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى وَ لا تُبَاعِدْنِي وَ إِنْ كُنْتَ لَمْ تَغْفِرْ لِي فَمِنَ الآنَ فَاغْفِرْ لِي قَبْلَ أَنْ تَنْأَى عَنْ بَيْتِكَ دَارِي فَهَذَا أَوَانُ انْصِرَافِي إِنْ كُنْتَ أَذِنْتَ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَ لَا عَنْ بَيْتِكَ وَ لَا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ وَ لَا بِهِ.

اللّهُمّ احْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي حَتّى تُبَلّغَنِي أَهْلِي فَإِذَا بَلّغْتَنِي أَهْلِي فَاكْفِنِي مَئُونَةَ عِبَادِكَ وَ عِيَالِي فَإِنّكَ وَلِيّ ذَلِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ مِنّي».

ص: ٥٣٣

ثُمّ انْتِ زَمْزَمَ فَاشْرَبْ مِنْ مَائِهَا ثُمّ اخْرُجْ وَ قُلْ: «آئِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبّنَا حَامِدُونَ إِلَى رَبّنَا رَاغِبُونَ إِلَى اللّهِ رَاجِعُونَ إِنْ شَاءَ اللّهُ».

قَالَ: وَ إِنّ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام لَمّا وَدّعَهَا وَأَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ خَرّ سَاجِداً عِنْدَ بَابِ الْمَسْجِدِ طَوِيلاً ثُمّ قَامَ فَخَرَجَ.

٢- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام وَدّعَ الْبَيْتَ فَلَمّا أَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْ بَابِ الْمَسْجِدِ خَرّ سَاجِداً ثُمّ قَامَ فَاسْتَقْبَلَ الْكَعْبَةَ فَقَالَ: «اللّهُمّ إِنّي أَنْقَلِبُ عَلَى أَلّا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ».

٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْن مُحَمَّدٍ وَ أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ الْكُوفِيّ عَنْ عَلِيّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرِ الثَّانِيَ علیه السلام فِي سَنَةِ خَمْسٍ وَ عِشْرِينَ وَ مِائَتَيْنِ وَدَّعَ الْبَيْتَ بَعْدَ ارْتِفَاعِ الشَّمْسِ وَ طَافَ بِالْبَيْتِ يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ الْيَمَانِيّ فِي كُلِّ شَوْطٍ، فَلَمَّا كَانَ فِي الشَّوَطِ السَّابع اسْتَلَمَهُ وَ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ وَ مَسَحَ بِيَدِهِ ثُمّ مَسَحَ وَجْهَهُ بِيَدِهِ ثُمّ أَتَى الْمَقَامَ فَصَلّى خَلْفَهُ رَكْعَتَيْنِ ثُمّ خَرَجَ إِلَى دُبُرِ الْكَعْبَةِ إِلَى الْمُلْتَزَمِ فَالْتَزَمَ الْبَيْتَ وَ كَشَفَ التَّوْبَ عَنْ بَطْنِهِ.

سپس به کنار زمزم بیا و از آب آن بیاشام آن گاه بیرون رو و بگو: «آئِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ إِلَى اللّهِ رَاجِعُونَ إِنْ شَاءَ اللّهُ».

راوی گوید: هنگامی که امام صادق علیه السلام خواست بیت را وداع کند و از مسجد الحرام بیرون رود کنار در مسجد به سجده افتاد و سجده طولانی نمود، سپس برخاست و بیرون رفت.

٢- ابراهیم بن ابی محمود گوید: امام رضا علیه السلام را دیدم که بیت را وداع نمود. هنگامی که خواست از در مسجد الحرام بیرون رود به سجده افتاد آن گاه برخاست و رو به کعبه نمود و عرضه داشت: «اللّهُمّ إِنّي أَنْقَلِبُ عَلَى أَلّا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ».

٣- علی بن مهزیار گوید:

در سال دویست و بیست و پنج امام جواد علیه السلام را دیدم که بعد از بلند شدن آفتاب بیت را این گونه وداع نمود که به طواف بیت مشغول شد و در هر شوط رکن یمانی را استلام کرد و چون شوط هفتم شد رکن یمانی و حجر الاسود را استلام نمود و به آن دست مالید و به صورت خود کشید سپس به کنار مقام ابراهیم علیه السلام آمد و پشت آن دو رکعت نماز گزارد آن گاه به پشت کعبه نزد ملتزم رفت و بیت را به آغوش کشید و لباسش را از شکمش کنار زد.

ص: ٥٣٤

ثُمّ وَقَفَ عَلَيْهِ طَوِيلاً يَدْعُو ثُمّ خَرَجَ مِنْ بَابِ الْحَنّاطِينَ وَ تَوَجّهَ.

قَالَ: فَرَأَيْتُهُ فِي سَنَةِ سَبْعَ عَشْرَةَ وَ مِائَتَيْنِ وَدَّعَ الْبَيْتَ لَيْلاً يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ الْيَمَانِي وَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فِي كُلِّ شَوْطٍ، فَلَمَّا كَانَ فِی الشَّوْطِ السّابعِ الْتَزَمَ الْبَيْتَ فِي دُبُرِ الْكَعْبَةِ قَرِيباً مِنَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ وَ فَوْقَ الْحَجَرِ الْمُسْتَطِيلِ وَ كَشَفَ التَّوْبَ عَنْ بَطْنِهِ.

ثُمَّ أَتَى الْحَجَرَ فَقَبَّلَهُ وَ مَسَحَهُ وَ خَرَجَ إِلَى الْمَقَامِ فَصَلَّى خَلْفَهُ، ثُمَّ مَضَى وَ لَمْ يَعُدْ إِلَى الْبَيْتِ وَ كَانَ وُقُوفُهُ عَلَى الْمُلْتَزَمِ بِقَدْرِ مَا طَافَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا سَبْعَةَ أَشْوَاطٍ وَ بَعْضُهُمْ ثَمَانِيَةً.

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هُوَ ذَا أَخْرُجُ جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمِنْ أَيْنَ أُوَدِّعُ الْبَيْتَ؟

قَالَ: تَأْتِي الْمُسْتَجَارَ بَيْنَ الْحَجَرِ وَ الْبَابِ فَتُوَدِّعُهُ مِنْ ثَمَّ، ثُمَّ تَخْرُجُ فَتَشْرَبُ مِنْ زَمْزَمَ ثُمَّ تَمْضِي.

آن گاه در آن جا مدت طولانی ایستاد و دعا نمود سپس از در گندم فروشان بیرون رفت و به مسیر خود رو آورد.

راوی گوید: حضرتش را در سال دویست و هفده نیز دیده بودم که شب هنگام بیت را وداع نمود و در هر شوط طوافش رکن یمانی و حجر الاسود را استلام نمود. چون شوط هفتم را نمود بیت را از دیوار پشت نزد رکن یمانی و بالای سنگ مستطیل به آغوش گرفت و لباسش را از شکمش کنار زد.

سپس به حجر الاسود آمد و آن را بوسید و به آن دست مالید و به مقام ابراهیم علیه السلام رفت و پشت آن نماز گزارد سپس رفت و دیگر به بیت برنگشت ماندن آن حضرت در ملتزم به اندازه ماندن بعض اصحابمان در هفت طواف و یا هشت طواف بود.

٤- ابو اسماعیل گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: سؤال من این است که وقتی از مکه بیرون می روم - قربانت گردم! - از کجا بیت را وداع کنم؟

فرمود: نزد مستجار - که میان حجر الاسود و در کعبه است - می آیی و از آن جا بیت را وداع می کنی، سپس کنار چاه زمزم می روی و از آب آن می نوشی بعد می روی.

ص: ۵۳۵

فَقُلْتُ: أَصُبُّ عَلَى رَأْسِي؟

فَقَالَ: لَا تَقْرَبِ الصَّبَّ.

۵- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ النَّهْدِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ قُثَمَ بْنِ كَعْبٍ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّكَ لَتُدْمِنُ الْحَجَّ؟

قُلْتُ: أَجَلْ

قَالَ: فَلْيَكُنْ آخِرُ عَهْدِكَ بِالْبَيْتِ أَنْ تَضَعَ يَدَكَ عَلَى الْبَابِ وَ تَقُولَ: «الْمِسْكِينُ عَلَى بَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ».

بخش دویست و چهارم

اشاره

(۲۰۴)

بَابُ مَا يُسْتَحَبُّ مِنَ الصَّدَقَةِ عِنْدَ الْخُرُوجِ مِنْ مَكَّةَ.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ:

گفتم: می توانم از آب آن به سرم بریزم؟

فرمود: نریز.

۵- قثم بن کعب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: تو همه ساله به حج می روی؟

گفتم: آری.

فرمود: پس آخرین عهد تو با بیت این گونه باشد که دست خود را بر در بگذاری و

بگویی: «الْمِسْكِينُ عَلَى بَابِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ».

استحباب صدقه به هنگام خروج از مکه

۱- معاوية بن عمار و حفص بن بختری گویند: امام صادق علیه السلام فرمود: -

ص: ۵۳۶

يَنْبَغِي لِلْحَاجِّ إِذَا قَضَى نُسُكَهُ وَأَرَادَ أَنْ يَخْرُجَ أَنْ يَبْتَاعَ بِدِرْهَم تَمْراً يَتَصَدَّقُ بِهِ فَيَكُونُ كَفَّارَةً لِمَا لَعَلَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ فِي حَجِّهِ مِنْ حَكٍّ أَوْ قَمْلَةٍ سَقَطَتْ أَوْ نَحْو ذَلِكَ.

۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أبو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَكَّةَ فَاشْتَرِ بِدِرْهَم تَمْرًا فَتَصَدَّقْ بِهِ قَبْضَةٌ قَبْضَةً فَيَكُونَ لِكُلِّ مَا كَانَ مِنْكَ فِي إِحْرَامِكَ وَ مَا كَانَ مِنْكَ بِمَكَّةَ.

بخش دویست و پنجم

اشاره

(۲۰۵)

بَابُ مَا يُجْزِئُ مِنَ الْعُمْرَةِ الْمَفْرُوضَةِ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا اسْتَمْتَعَ الرَّجُلُ بِالْعُمْرَةِ فَقَدْ قَضَى مَا عَلَيْهِ مِنْ فَرِيضَةِ الْعُمْرَةِ.

برای حاجی شایسته است که هرگاه مناسکش را به آخر رسانید و خواست (به وطنش) برود یک درهم خرما بخرد و آن را صدقه دهد تا کفاره مواردی از قبیل خاراندن بدن یا انداختن شپش یا نظیر آن باشد شاید اشکالی در حج او نماید.

۲- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه خواستی از مکه خارج شوی یک درهم خرما بخر و مشت مشت آن را صدقه بده تا کفاره ای باشد بر آن چه از تو در حال احرام صادر شده و کارهایی که از تو در مکه سر زده است.

آن چه از عمره فریضه کفایت می کند

۱- حلبی گوید امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که انسان از عمره حج بهره مند شد در واقع عمره فریضه را به جا آورده است.

ص: ۵۳۷

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْعُمْرَةِ أَ وَاجِبَةٌ هِيَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قُلْتُ: فَمَنْ تَمَتَّعَ يُجْزِئُ عَنْهُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

بخش دویست و ششم

اشاره

(٢٠٦)

بَابُ الْعُمْرَةِ الْمَبْتُولَةِ.

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِنَّ عَلِيّاً عليه السلام كَانَ يَقُولُ: فِي كُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ.

٢- أبو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذّانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

فِي كِتَابِ عَلِيّ عليه السلام: فِي كُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ.

احمد بن محمد بن ابی نصر گوید از امام رضا علیه السلام می پرسیدم: آیا عمره واجب است؟

فرمود: آری.

٢- گفتم: پس هرکه عمره تمتع انجام داد از او کفایت می کند؟

فرمود: آری.

انجام عمره مفرده

۱- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

علی علیه السلام می فرمود: انجام عمره در هر ماه است.

۲- نظیر این روایت را عبدالرحمان بن حجّاج از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

ص: ۵۳۸

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ مَكّةَ فِي السّنَةِ الْمَرّةَ أَوِ الْمَرّتَيْنِ أَوِ الْأَرْبَعَةَ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قَالَ: إِذَا دَخَلَ فَلْيَدْخُلْ مُلَبِّياً وَإِذَا خَرَجَ فَلْيَخْرُجْ مُحِلّا.

قَالَ: وَلِكُلِّ شَهْرٍ عُمْرَةٌ.

فَقُلْتُ: يَكُونُ أَقَلّ.

قَالَ: لِكُلِّ عَشَرَةِ أَيّامٍ عُمْرَةٌ.

ثُمّ قَالَ: وَ حَقّكَ لَقَدْ كَانَ فِي عَامِي هَذِهِ السّنَةِ سِتُّ عُمَر.

قُلْتُ: لِمَ ذَاكَ؟

فَقَالَ: كُنْتُ مَعَ مُحَمّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بِالطّائِفِ فَكَانَ كُلّمَا دَخَلَ دَخَلْتُ مَعَهُ.

۳- علی بن ابی حمزه گوید از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کسی در سال یک یا دو و یا چهار مرتبه وارد مکه می شود چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: لبیک گوید و به هنگام خروج از احرام خارج شود.

فرمود: هر ماه یک عمره دارد.

گفتم: کمتر هم می شود؟

فرمود: برای هر ده روز، یک عمره ای است. آن گاه فرمود :به حقی که تو بر آن اعتقاد داری سوگند! من امسال شش عمره انجام دادم.

گفتم: برای چه؟

فرمود: در طائف با محمد بن ابراهیم بودم و هروقت وارد مکه می شد، من هم با او وارد می شدم.

ص: ۵۳۹

بخش دویست و هفتم

اشاره

(۲۰۷)

بَابُ الْعُمْرَةِ الْمَبْتُولَةِ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ الْمُفْرَدَةِ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ.

۲- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

لا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ الْمُفْرَدَةِ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ ثُمَّ يَرْجِعُ إِلَى أَهْلِهِ إِنْ شَاءَ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُمَرَ الْيَمَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ فِي أَشْهُرِ الْحَجِّ مُعْتَمِراً ثُمَّ رَجَعَ إِلَى بِلَادِهِ.

انجام عمره مفرده در ماه های حج (شوال، ذی قعده و ذی حجه)

۱- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ایرادی ندارد کسی عمره مفرده را در ماه های حج انجام دهد، آن گاه به سوی خانواده اش برگردد.

۲- نظیر همین روایت یک بار دیگر عبدالله سنان از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

۳- ابراهیم بن عمر یمانی گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مردی در ماه های حج عمره رفت سپس به شهر خود برگشت (چگونه است؟).

ص: ۵۴۰

قَالَ: لا بَأْسَ ، وَإِنْ حَجَّ فِي عَامِهِ ذَلِكَ وَ أَفْرَدَ الْحَجَّ فَلَيْسَ عَلَيْهِ دَمٌ. فَإِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِي علیهما السلام خَرَجَ قَبْلَ التَّرْوِيَةِ بِيَوْمٍ إِلَى الْعِرَاقِ وَ قَدْ كَانَ دَخَلَ مُعْتَمِراً.

۴- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مِنْ أَيْنَ افْتَرَقَ الْمُتَمَتِّعُ وَ الْمُعْتَمِرُ؟

فَقَالَ: إِنّ الْمُتَمَتِّعَ مُرْتَبِطٌ بِالْحَج وَالْمُعْتَمِرَ إِذَا فَرَغَ مِنْهَا ذَهَبَ حَيْثُ شَاءَ.

وَ قَدِ اعْتَمَرَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِي عليهما السلام فِي ذِي الْحِجّةِ، ثُمّ رَاحَ يَوْمَ التّرْوِيَةِ إِلَى اقِ وَ النّاسُ يَرُوحُونَ إِلَى مِنّي، وَ لا بَأْسَ بِالْعُمْرَةِ فِي ذِي الْحِجّةِ لِمَنْ لا يُرِيدُ الْحَجّ.

فرمود: ایرادی ندارد و اگر در آن سال حج انجام داد حج مفرد انجام دهد بر او قربانی نیست، زیرا امام حسین بن علی علیهما السلام یک روز پیش از ترویه (روز هشتم) به سوی عراق حرکت کرد درحالی که با عمره داخل مکه شده بود.

٤- معاویة بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: فرق کسی که حج تمتع انجام می دهد با کسی که عمره انجام می دهد چیست؟

فرمود: کسی که حج تمتع انجام می دهد متصل به حج است و کسی که عمره انجام می دهد چون از آن فارغ شد هرجا خواست می رود و امام حسین بن علی علیهما السلام در ذی حجه عمره انجام داد و روز ترویه به سوی عراق حرکت کرد که مردم به سوی منا می رفتند و ایرادی ندارد کسی که قصد انجام حج ندارد در ذی حجه عمره انجام دهد.

بخش دویست و هشتم

اشاره

(٢٠٨)

بَابُ الشُّهُورِ الّتِي تُسْتَحَبُّ فِيهَا الْعُمْرَةُ وَ مَنْ أَحْرَمَ فِي شَهْرٍ وَأَحَلّ فِي آخَرَ

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِالْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: بَلَغَنَا أَنَّ عُمْرَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً.

فَقَالَ: إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي امْرَأَةٍ وَعَدَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم.

فَقَالَ لَهَا: اعْتَمِرِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَهِيَ لَكِ حَجَّةٌ.

٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ قَالَ:

ماه هایی که انجام عمره مفرده در آن مستحب است و حکم کسی که در ماهی به آن محرم شده و در ماه دیگر از احرام بیرون آمده است

١- ولید بن صبیح گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: به ما روایت شده که انجام عمره در ماه رمضان برابر حج است.

فرمود: آن در مورد زنی بود که رسول خدا صلی الله علیه وسلم به او وعده داد و فرمود: در ماه رمضان عمره به جا آور که آن برای تو حج محسوب می شود.

٢- علی بن حدید گوید:

كُنتُ مُقِيماً بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ سَنَةَ ثَلَاثَ عَشْرَةَ وَ مِائَتَيْنِ فَلَمّا قَرُبَ الْفِطْرُ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجُ فِي عُمْرَةِ شَهْرِ رَمَضَانَ أَفْضَلُ أَوْ أُقِيمُ حَتّى يَنْقَضِيَ الشَّهْرُ وَ أُتِمّ صَوْمِي؟

فَكَتَبَ إِلَيّ كِتَابَاً قَرَأْتُهُ بِخَطّهِ: سَأَلْتَ رَحِمَكَ اللّهُ عَنْ أَيُّ الْعُمْرَةِ أَفْضَلُ ؟! عُمْرَةً شَهْرٍ رَمَضَانَ أَفْضَلُ يَرْحَمُكَ اللّهُ.

٣- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عِيسَى الْفَرّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَهَلّ بِالْعُمْرَةِ فِي رَجَبٍ وَ أَحَلّ فِي غَيْرِهِ كَانَتْ عُمْرَتُهُ لِرَجَبٍ، وَإِذَا أَهَلّ فِي غَيْرِ رَجَبٍ وَ طَافَ فِي رَجَبٍ فَعُمْرَتُهُ لِرَجَبٍ.

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ:

در سال دویست و سیزده در مدینه بودم هنگامی که عید فطر نزدیک شد نامه ای به خدمت امام جواد علیه السلام نوشتم و پرسیدم که برای عمره ماه رمضان خارج شوم بهتر است یا بمانم تا ماه پایان یابد و روزه ام را به پایان برسانم؟

حضرتش در جواب نامه ای نوشت که دست نوشت آن حضرت را خواندم: خداوند تو را رحمت کند! پرسیدی که کدام عمره بهتر است؟ عمره ماه رمضان بهتر است خداوند تو را رحمت کند.

٣- عیسی فراء گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه کسی در ماه رجب محرم به عمره شود و در ماه دیگر از احرام بیرون آید عمره ماه رجب محسوب می شود و چون در غیر ماه رجب محرم به عمره شود و در ماه رجب طواف عمره کند پس عمره او برای ماه رجب محسوب می شود.

٤- حماد بن عثمان گوید: -

كَانَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام إِذَا أَرَادَ الْعُمْرَةَ انْتَظَرَ إِلَى صَبِيحَةِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ مِنْ شَهْرٍ رَمَضَانَ، ثُمَّ يَخْرُجُ مُهِلًّا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِي عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ فِي رَجُلٍ أَحْرَمَ فِي شَهْرٍ وَ أَحَلَّ فِي آخَرَ.

فَقَالَ: يُكْتَبُ لَهُ فِي الَّذِي قَدْ نَوَى أَوْ يُكْتَبُ لَهُ فِي أَفْضَلِهِمَا.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام قَالَ:

الْمُعْتَمِرُ يَعْتَمِرُ فِي أَيِّ شُهُورِ السَّنَةِ شَاءَ وَ أَفْضَلُ الْعُمْرَةِ عُمْرَةٌ رَجَبٍ.

٧- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: الْعُمْرَةُ بَعْدَ الْحَجِّ؟

قَالَ: إِذَا أَمْكَنَ الْمُوسَى مِنَ الرَّأْسِ.

هرگاه امام صادق عليه السلام می خواست عمره انجام دهد تا صبح روز بیست و سوم ماه رمضان درنگ می کرد سپس در آن روز با احرام از مدینه خارج می شد.

٥- عبدالرحمان بن حجّاج گوید: امام صادق عليه السلام دربارۀ کسی در ماهی محرم شود و در ماه دیگر از احرام بیرون رود فرمود:

برای او آن چه قصد نموده نوشته می شود و یا بهترین آنها نوشته می شود.

٦- معاوية بن عمار گوید: امام صادق عليه السلام فرمود:

عمره کننده در هر ماه که خواست می تواند عمره به جا آورد و بهترین عمره، عمره رجب است.

۷- عبدالرحمان بن ابی عبدالله گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: عمره مفرد بعد از حج چه وقتی انجام می گیرد؟

فرمود آن گاه که انسان بتواند سرش را بتراشد.

ص: ٥٤٤

بخش دویست و نهم

اشارة

(۲۰۹)

بَابُ قَطْعِ تَلْبِيَةِ الْمُحْرِمِ وَ مَا عَلَيْهِ مِنَ الْعَمَلِ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: يَقْطَعُ صَاحِبُ الْعُمْرَةِ الْمُفْرَدَةِ التَّلْبِيَةَ إِذَا وَضَعَتِ الْإِبِلُ أَخْفَافَهَا فِي الْحَرَمِ.

۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

يُقْطَعُ تَلْبِيَةُ الْمُعْتَمِرِ إِذَا دَخَلَ الْحَرَمَ.

۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

مَنِ اعْتَمَرَ مِنَ التَّنْعِيمِ فَلَا يَقْطَعِ التَّلْبِيَةَ حَتَّى يَنْظُرَ إِلَى الْمَسْجِدِ.

٤- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرَ علیه السلام يَقُولُ:

حکم قطع لبیک گفتن محرم و اعمال واجب بر او

۱- مرازم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که عمره مفرد انجام می دهد هرگاه شتر او پا به حرم گذاشت لبیک گفتن را قطع کند.

۲- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که عمره کننده وارد حرم شد لبیک گفتن قطع می شود.

۳- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که عمره مفرد انجام می دهد چون از تنعیم گذشت لبیک گفتن را قطع نکند تا به مسجد نگاه کند.

٤- زراره گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:

ص: ٥٤٥

إِذَا قَدِمَ الْمُعْتَمِرُ مَكَّةَ وَطَافَ وَسَعَى، فَإِنْ شَاءَ فَلْيَمْضِ عَلَى رَاحِلَتِهِ وَلْيَلْحَقْ بِأَهْلِهِ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

الْعُمْرَةُ الْمَبْتُولَةُ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ بِالصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ، ثُمَّ يَحِلُّ فَإِنْ شَاءَ أَنْ يَرْتَحِلَ مِنْ سَاعَتِهِ ارْتَحَلَ.

٦- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

فِي الرّجُلِ يَجِيءُ مُعْتَمِراً عُمْرَةً مَبْتُولَةٌ.

قَالَ: يُجْزِئُهُ إِذَا طَافَ بِالْبَيْتِ وَ سَعَى بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ، وَ حَلَقَ أَنْ يَطُوفَ طَوَافاً وَاحِداً بِالْبَيْتِ، وَ مَنْ شَاءَ أَنْ يُقَصِّرَ قَصّرَ.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عُمَرَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

المُعْتَمِرُ يَطُوفُ وَ يَسْعَى وَ يَحْلِقُ.

هرگاه کسی که عمره مفرده انجام می دهد وارد مکه شد و طواف و سعی نمود، اگر خواست می تواند بر مرکبش سوار شود و به نزد اهلش برود.

٥- ابو بصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که عمره مفرده انجام می دهد می تواند بیت را طواف کند و سعی صفا و مروه انجام دهد و اگر خواست می تواند در همان ساعت کوچ کند.

٦- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام در مورد مردی که برای انجام عمره مفرده می آید فرمود:

هنگامی که طواف بیت و سعی صفا و مروه نمود و سرش را تراشید از او کفایت می کند که یک طواف به بیت کند و اگر خواست می تواند تقصیر کند.

۷- عمر، یا راوی دیگری گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که عمره انجام می دهد می تواند طواف نماید، سعی کند و حلق نماید؟

ص: ٥٤٦

قَالَ: وَ لا بُدّ لَهُ بَعْدَ الْحَلْقِ مِنْ طَوَافٍ آخَرَ.

٨- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ رِيَاحٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ مُفْرِدِ الْعُمْرَةِ عَلَيْهِ طَوَافُ النِّسَاءِ؟

قَالَ: نَعَمْ.

٩- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى قَالَ:

كَتَبَ أَبُو الْقَاسِمِ مُخَلَّدُ بْنُ مُوسَى الرَّازِيُّ إِلَى الرَّجُلِ علیه السلام يَسْأَلُهُ عَنِ الْعُمْرَةِ الْمَبْتُولَةِ هَلْ عَلَى صَاحِبِهَا طَوَافُ النِّسَاءِ وَ الْعُمْرَةِ الَّتِي يُتَمَتَّعُ بِهَا إِلَى الْحَجِّ؟

فَكَتَبَ: أَمَّا الْعُمْرَةُ الْمَبْتُولَةُ فَعَلَى صَاحِبِهَا طَوَافُ النِّسَاءِ، وَأَمَّا الَّتِي يُتَمَتَّعُ بِهَا إِلَى الْحَجِّ فَلَيْسَ عَلَى صَاحِبِهَا طَوَافُ النِّسَاءِ.

فرمود: او باید پس از حلق طواف دیگری انجام دهد.

٨- اسماعیل بن ریاح گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم کسی که از عمره مفرده انجام می دهد آیا طواف نساء نیز باید انجام دهد؟

فرمود: آری.

۹- محمد بن عیسی گوید: ابوالقاسم مخلد بن موسی رازی نامه ای به مردی (امام علیه السلام) نوشت و از حضرتش پرسید: آیا کسی که عمره مفرده انجام می دهد و کسی که عمره تمتّع به حج انجام می دهد باید طواف نساء نماید؟

در جواب نوشت: در مورد کسی که عمره مفرده انجام می دهد انجام طواف نساء لازم است و اما کسی که عمره تمتع به حج انجام می دهد انجام طواف نساء لازم نیست.

ص: ۵۴۷

بخش دویست و دهم

اشاره

(۲۱۰)

بَابُ الْمُعْتَمِرِ يَطَأُ أَهْلَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ وَ الْكَفّارَةِ فِي ذَلِكَ.

۱ - عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَلِي عَنْ جَعْفَر علیه السلام:

فِي رَجُلٍ اعْتَمَرَ عُمْرَةً مُفْرَدَةً فَوَطِئَ أَهْلَهُ وَ هُوَ مُحْرِمٌ قَبْلَ أَنْ يَفْرُغَ مِنْ طَوَافِهِ وَ سَعيه.

قَالَ: عَلَيْهِ بَدَنَةٌ لِفَسَادِ عُمْرَتِهِ وَ عَلَيْهِ أَنْ يُقِيمَ بِمَكّةَ حَتّى يَدْخُلَ شَهْرٌ آخَرُ، فَيَخْرُجَ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاقِيتِ فَيُحْرِمَ مِنْهُ ثُمّ يَعْتَمِرَ.

۲- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْن زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبِ عَنْ عَلِيّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ مِسْمَع عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فِي الرّجُلِ يَعْتَمِرُ عُمْرَةً مُفْرَدَةً وَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ ثُمّ يَغْشَى أَهْلَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْعَى بَيْنَ الصّفَا وَ الْمَرْوَةِ.

حکم کسی که در حال احرام به عمره با همسرش نزدیکی می کند و کفاره آن

۱- احمد بن ابو علی گوید: امام باقر علیه السلام در مورد کسی که محرم به احرام عمره مفرد است و در حال احرام پیش از این که طواف و سعی خود به پایان برساند با همسر خود نزدیکی می کند فرمود:

قربانی یک شتر بر ذمه اوست چرا که عمره او باطل شده است و بر او لازم است که تا ماه دیگر در مکه بماند و به یکی مواقیت برود و از آن جا محرم شود آن گاه عمره را انجام دهد.

۲- مسمع گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که عمره مفرده به جا می آورد و طواف فریضه بیت را می نماید آن گاه پیش از سعی بین صفا و مروه با همسرش نزدیکی می کند فرمود:

ص: ۵۴۸

قَالَ: قَدْ أَفْسَدَ عُمْرَتَهُ وَ عَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَ يُقِيمُ بِمَكَّةَ مُحِلًّا حَتّٰى يَخْرُجَ الشَّهْرُ الَّذِي اعْتَمَرَ فِيهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْوَقْتِ الَّذِي وَقَّتَهُ رَسُولُ اللّٰهِ صلی الله علیه وسلم لِأَهْلِ بِلَادِهِ فَيُحْرِمُ مِنْهُ وَ يَعْتَمِرُ.

۳- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قَالَ:

مَنْ جَاءَ بِهَدْيٍ فِي عُمْرَةٍ فِي غَيْرِ حَجَ فَلْيَنْحَرْهُ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ رَأْسَهُ.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّٰارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّٰهِ علیه السلام قَالَ:

الْمُعْتَمِرُ إِذَا سَاقَ الْهَدْيَ يَحْلِقُ قَبْلَ أَنْ يَذْبَحَ.

۵- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّٰارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ علیه السلام:

مَنْ سَاقَ هَدْياً فِي عُمْرَةٍ فَلْيَنْحَرْهُ قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ وَ مَنْ سَاقَ هَدْياً وَ هُوَ مُعْتَمِرٌ نَحَرَ هَدْيَهُ بِالْمَنْحَرِ وَ هُوَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ وَهِيَ الْحَزْوَرَةُ.

عمره خود را باطل نموده است و بر ذمه او قربانی یک شتر است. او باید از احرام بیرون آید و در مکه بماند تا ماهی که در آن عمره به جا آورده تمام شود، سپس به یکی از میقات هایی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم برای اهل مکه تعیین نمود برود از آن جا محرم شود و عمره به جا می آورد.

زراره :گوید امام علیه السلام فرمود:

هرکه شتر قربانی را در عمره غیر حج بیاورد بایستی پیش از تراشیدن سرش آن را نحر کند.

٤- نظیر این روایت را معاویة بن عمّار از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

٥- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه در عمره خود شتر قربانی آورد، بایستی پیش از تراشیدن سر در حال احرام آن را نحر کند و هرکه در حال انجام عمره قربانی بیاورد باید آن را در منحر - که میان صفا و مروه و همان حزوره است - نحر کند.

ص: ٥٤٩

قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ كَفّارَةِ الْعُمْرَةِ أَيْنَ تَكُونُ؟

فَقَالَ: بِمَكّةَ إِلّا أَنْ يُؤَخِّرَهَا إِلَى الْحَجِّ فَيَكُونَ بِمِنّي وَ تَعْجِيلُهَا أَفْضَلُ وَ أَحَبُّ إِلَيّ.

بخش دویست و یازدهم

اشاره

بَابُ الرَّجُلِ يَبْعَثُ بِالْهَدْيِ تَطَوُّعاً وَ يُقِيمُ فِي أَهْلِهِ.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْن مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ بَعَثَ بِهَدْيِ مَعَ قَوْمٍ وَ وَاعَدَهُمْ يَوْمَ يُقَلِّدُونَ فِيهِ هَدْيَهُمْ وَ يُحْرِمُونَ فِيهِ.

فَقَالَ: يَحْرُمُ عَلَيْهِ مَا يَحْرُمُ عَلَى الْمُحْرِمِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي وَاعَدَهُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ.

راوی گوید: از آن حضرت در مورد کفاره عمره پرسیدم که کجا انجام داده می شود؟

فرمود: در مکه مگر این که آن را به خاطر حج به تأخیر اندازد که در این صورت در منا خواهد بود و به نظر من تعجیل آن افضل و بهتر است.

حکم کسی که به عنوان مستحب شتر قربانی می فرستد و خود نزد خانواده اش می ماند

۱- ابی صباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی که با گروهی قربانی خود را فرستاد و با آنها وعده کرد که در جایی که محرم می شوند آن را علامت گذاری کنند.

فرمود: در آن روزی که وعده کرده آن چه بر محرم حرام می شود بر او حرام خواهد بود تا قربانی به جای خود (مکه یا منا) برسد.

ص: ۵۵۰

فَقُلْتُ: أَ رَأَيْتَ إِنْ أَخْلَفُوا فِي مِيعَادِهِمْ وَأَبْطَئُوا فِي السَّيْرِ عَلَيْهِ جُنَاحٌ فِي الْيَوْمِ الَّذِي وَاعَدَهُمْ؟

قَالَ: لا، وَ يَحِلُّ فِي الْيَوْمِ الَّذِي وَاعَدَهُمْ.

۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ سَلَمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَبْعَثُ بِهَدْيِهِ ثُمَّ يُمْسِكُ عَمَّا يُمْسِكُ عَنْهُ الْمُحْرِمُ غَيْرَ أَنَّهُ لَا يُلَبِّي وَ يُوَاعِدُهُمْ يَوْمَ يُنْحَرُ فِيهِ بَدَنَةٌ فَيَحِلُّ.

۳- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَبْعَثُ بِالْهَدْيِ تَطَوُّعاً لَيْسَ بِوَاجِبٍ.

قَالَ: يُوَاعِدُ أَصْحَابَهُ يَوْماً فَيُقَلِّدُونَهُ، فَإِذَا كَانَتْ تِلْكَ السَّاعَةُ اجْتَنَبَ عَمَّا يَجْتَنِبُ الْمُحْرِمُ إِلَى يَوْمِ النَّحْرِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ النَّحْرِ أَجْزَأَ عَنْهُ.

پس گفتم: به نظر شما اگر در وعده هایشان تخلف کردند و در رفتن درنگ نمودند بر کسی که آن روز را وعده کرده گناه است؟

فرمود: نه در روزی که با آنها وعده نموده است از احرام بیرون می رود.

۲- سلمه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

علی علیه السلام همواره قربانی خود را می فرستاد پس به اندازه ای که محرم درنگ می کند درنگ می کرد مگر این که لبیک نمی گفت و روز قربانی را با آنها وعده گذاشت و از احرام بیرون می آمد.

۳- معاوية بن عمار گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم مردى با گروهى قربانى خود را به عنوان مستحبى فرستاد (چه وظيفه اى دارد؟). فرمود: با يارانش روزى را كه وعده مى كند و آنها قربانى او را علامت گذارى مى كنند.

پس هرگاه آن روز موعود فرا رسيد از تا روز قربان چيزهايى كه بر محرم حرام است اجتناب مى كند، چون روز قربانى فرا رسيد از او كفايت مى كند.

ص: ۵۵۱

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ:

إِنَّ مُرَاداً بَعَثَ بِبَدَنَةٍ وَ أَمَرَ أَنْ تُقَلَّدَ وَ تُشْعَرَ فِي يَوْمِ كَذَا وَكَذَا، فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّمَا يَنْبَغِي أَنْ لا يَلْبَسَ الثِّيَابَ.

فَبَعَثَنِي إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِالْحِيرَةِ فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ مُرَاداً صَنَعَ كَذَا وَكَذَا وَإِنَّهُ لا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَتْرُكَ الثِّيَابَ لِمَكَانِ زِيَادٍ.

فَقَالَ: مُرْهُ أَنْ يَلْبَسَ الثِّيَابَ وَلْيَذْبَحْ بَقَرَةً يَوْمَ الْأَضْحَى عَنْ نَفْسِهِ.

بخش دويست و دوازدهم

اشاره

(۲۱۲)

بَابُ النَّوَادِرِ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَصْرَمَ بْنِ حَوْشَبٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عبد اللَّهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ:

أَوْدِيَةُ الْحَرَمِ تَسِيلَ فِي الْحِلِّ وَ أَوْدِيَةُ الْحِلِّ لَا تَسِيلُ فِي الْحَرَمِ.

٤- هارون بن خارجه گوید: مراد شتری را برای قربانی فرستاد و دستور داد که در فلان روزی علامت گذاری شود پس به او گفتم شایسته است که لباس نپوشد.

او مرا خدمت امام صادق علیه السلام در حیره فرستاد به آن حضرت گفتم که مراد چنین و چنان نمود در حالی که در بیشتر جاها نمی تواند لباس را رها نماید. فرمود به او بگو لباس بپوشید و روز قربان یک گاو از جانب خود ذبح کند.

چند روایت نکته دار

١- عیسی بن عبدالله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: سیلاب های حرم مکه بیرون حرم ریخته می شود و سیلاب های غیر حرم در حرم ریخته نمی شود.

ص: ٥٥٢

٢- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ فِي نَاحِيَةٍ مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ قَوْمٌ يُلَبُّونَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ.

فَقَالَ: أَ تَرَى هَؤُلاءِ الَّذِينَ يُلَبُّونَ؟ وَ اللّهِ، لَأَصْوَاتُهُمْ أَبْغَضُ إِلَى اللّهِ مِنْ أَصْوَاتِ الحمير.

٣- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ لَبّى بِحَجّةٍ أَوْ عُمْرَةٍ وَ لَيْسَ يُرِيدُ الْحَجّ.

قَالَ: لَيْسَ بِشَيْءٍ وَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَفْعَلَ.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي عبداللّٰهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ فِي هَؤُلاءِ الَّذِينَ يُفْرِدُونَ الْحَجّ:

إِذَا قَدِمُوا مَكَّةَ وَ طَافُوا بِالْبَيْتِ أَحَلُّوا وَ إِذَا لَبَّوْا أَحْرَمُوا فَلَا يَزَالُ يُحِلُّ وَ يَعْقِدُ وَ إِ حَتّى يَخْرُجَ إِلَى مِنّي بِلَا حَجّ وَ لَا عُمْرَةٍ.

٢- ابان بن تغلب :گوید با امام باقر و در مسجد الحرام بودم که مردم دور کعبه لبیک می گفتند.

فرمود: آیا این ها (مخالفان) را که لبیک می گویند می بینی؟! به خدا سوگند! صدای آنها نزد خداوند از صدای الاغ بدتر است.

٣- حلبی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم کسی در حج و عمره لبیک می گوید ولی قصد حج ننموده است.

فرمود: چیزی نیست و شایسته نیست که چنین کند.

٤- عمر بن اذینه گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسانی که حج افراد انجام می دهند فرمود:

آن گاه که به مکه می رسند بیت را طواف نموده و از احرام بیرون شوند و چون لبیک می گویند محرم شوند آنان پیوسته محل و محرم می شوند تا بدون حج و عمره به منا می روند.

ص: ٥٥٣

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبّاسِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ بْنِ يَقْطِينِ عَنْ حَفْصِ الْمُؤَذِّنِ قَالَ:

حَجّ إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيّ بِالنّاسِ سَنَةَ أَرْبَعِينَ وَ مِائَةٍ، فَسَقَطَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ علیه السلام عَنْ بَغْلَتِهِ فَوَقَفَ عَلَيْهِ إِسْمَاعِيلُ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: سِرْ فَإِنّ الْإِمَامَ لَا يَقِفُ.

٦- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْن مُسْكَانَةُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَرِي قَالَ:

قُلْتُ لَهُ: مَا تَقُولُ فِي الْمُقَامِ بِمِنّى بَعْدَ مَا يَنْفِرُ النّاسُ؟

قَالَ: إِذَا قَضَى نُسُكَهُ فَلْيُقِمْ مَا شَاءَ وَلْيَذْهَبْ حَيْثُ شَاءَ.

٧- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سَأَلَهُ رَجُلٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مَنْ أَعْظَمُ النّاسِ وِزْراً؟

٥- حفص مؤذن گويد: در سال يكصد و چهلم اسماعيل بن على مردم را به سفر حج برد. در اين سفر امام صادق عليه السلام از استرش افتاد اسماعيل نزد آن حضرت ماند.

امام صادق عليه السلام به او فرمود: برو كه امام (امير كاروان) توقف نمى كند.

٦- حسن بن سرّى گويد: به امام عليه السلام گفتم: نظر شما در مورد ماندن در منا بعد از كوچ كردن مردم چيست؟

فرمود: چون مناسک را انجام داد هرچه خواست مى ماند و هرجا خواست مى رود.

٧- يكى از اصحاب ما گويد: مردى در مسجد الحرام از امام صادق عليه السلام پرسيد چه كسى گناهش از همه مردم بزرگتر است؟

فَقَالَ: مَنْ يَقِفُ بِهَذَيْنِ الْمَوْقِفَيْنِ عَرَفَةَ وَ الْمُزْدَلِفَةِ وَ سَعَى بَيْنَ هَذَيْنِ الْجَبَلَيْنِ ثُمَّ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ وَ صَلَّى خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام. ثُمَّ قَالَ فِي نَفْسِهِ أَوْ ظَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَغْفِرْ لَهُ فَهُوَ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ وِزْراً.

۸- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

كُنَّا عِنْدَهُ فَذَكَرُوا الْمَاءَ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَ ثِقْلَهُ.

فَقَالَ: الْمَاءُ لا يَنْقُلُ إِلَّا أَنْ يَنْفَرِدَ بِهِ الْجَمَلُ فَلَا يَكُونَ عَلَيْهِ إِلَّا الْمَاءُ.

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ السِّنْدِيِّ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عليهما السلام قَالَ:

مَنْ حَجَّ ثَلَاثَ سِنِينَ مُتَوَالِيَةٌ ثُمَّ حَجَّ أَوْ لَمْ يَحُجَّ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مُدْمِنِ الْحَجِّ.

وَ رُوِيَ أَنَّ مُدْمِنَ الْحَجِّ الَّذِي إِذَا وَجَدَ الْحَجَّ حَجَّ، كَمَا أَنَّ مُدْمِنَ الْخَمْرِ الَّذِي إِذَا وَجَدَهُ شَرِبَهُ.

فرمود: هركه در اين دو موقف عرفه و مزدلفه توقف كند و بين اين دو كوه صفا و مروه سعى نمايد و اين بيت را طواف كند و پشت مقام ابراهيم عليه السلام نماز گزارد سپس در دل خود گويد و يا گمان كند كه خداوند او را نيامرزيده است پس او بزرگ ترين مردم از نظر گناه است.

۸- صالح بن سندى از بعضى بزرگان نقل مى كند كه گويد خدمت امام صادق عليه السلام بوديم كه سخن از سنگينى آب راه مكه شد.

فرمود: آب سنگين نمى شود مگر بار شتر تنها آب باشد.

۹- فضيل بن يسار گويد امام (باقر و يا امام صادق عليهما السلام) فرمود:

هرکه سه سال پی در پی به حج رود سپس حج انجام دهد و یا انجام ندهد او به منزله دائم الحج است.

در روایت دیگری آمده است دائم الحج کسی است که هرگاه امکان حج یافت، به حج رود چنان چه دائم الخمر کسی است که آن گاه که شراب یافت می آشامد.

ص: ۵۵۵

۱۰- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

مَنْ رَكِبَ رَاحِلَةً فَلْيُوصِ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ الْغُشَانِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ الْأَشَلِّ بَيَّاعِ الْأَنْمَاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

كَانَتْ قُرَيْشٌ تُلَطِّخُ الْأَصْنَامَ الَّتِي كَانَتْ حَوْلَ الْكَعْبَةِ بِالْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ وَ كَانَ يَغُوثُ قِبَالَ الْبَابِ وَكَانَ يَعُوقُ عَنْ يَمِينِ الْكَعْبَةِ، وَكَانَ نَسْرٌ عَنْ يَسَارِهَا وَكَانُوا إِذَا دَخَلُوا خَرُّوا سُجَّداً لِيَغُوثَ وَ لا يَنْحَنُونَ ثُمَّ يَسْتَدِيرُونَ بِحِيَالِهِمْ إِلَى يَعُوقَ ثُمَّ يَسْتَدِيرُونَ بِحِيَالِهِمْ إِلَى نَسْرٍ، ثُمَّ يُلَبُونَ فَيَقُولُونَ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شريك هُوَ لَكَ تَمْلِكُهُ وَ مَا مَلَكَ».

قَالَ: فَبَعَثَ اللَّهُ ذُبَاباً أَخْضَرَ، لَهُ أَرْبَعَةُ أَجْنِحَةٍ فَلَمْ يَبْقَ مِنْ ذَلِكَ الْمِسْكِ وَ الْعَنْبَرِ شَيْئاً إِلَّا أَكَلَهُ، وَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَاباً وَ لَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئاً لا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطالب والمطلوب).

۱۰- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه سوار مرکب شد باید وصیت کند.

۱۱- عبدالرحمان بن اشل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

قریش به بت هایی که دور کعبه بودند مسک و عنبر می مالیدند و بت یغوث برابر در (کعبه) بود و بت یعوق سمت راست کعبه بود و بت نسر سمت چپ آن بود. هنگامی که وارد مسجد می شدند برای یغوث به سجده می افتادند بدون این که خم شوند سپس به سوی یعوق دور می زدند آن گاه سوی نصر دور می زدند، سپس لبیک می گفتند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكَ تَمْلِكُهُ وَ مَا مَلَكَ».

حضرتش فرمود: در این هنگام خداوند مگس سبز رنگی را که چهار بال داشت فرستاد که همه مشک ها و عنبرها را خورد و خداوند تعالی این آیه را نازل فرمود که:

«ای مردم! مثلی زده شد، پس به به آن گوش فرا دهید به راستی کسانی که غیر خدا را می خوانند؛ توانایی آفرینش مگسی را ندارند گرچه همه دست به دست هم دهند و اگر مگس چیزی از آنها را بگیرد نمی توانند از آن بستانند چرا که گیرنده و آن که دنبال می شود هر دو ناتوانند».

ص: ٥٥٦

١٢- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

لا يَلِي الْمَوْسِمَ مَكِّيٌّ.

١٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ كَلُّوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام:

أَنَّ عَلِيّاً صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَكْرَهُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ عَلَى الْإِبِلِ الْجَلالَاتِ.

١٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ شِيرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

كَتَبْتُ إِلَيْهِ أَسْأَلُهُ عَنِ الْمَيِّتِ يَمُوتُ بِعَرَفَاتٍ يُدْفَنُ بِعَرَفَاتٍ أَوْ يُنْقَلُ إِلَى الْحَرَمِ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟

فَكَتَبَ: يُحْمَلُ إِلَى الْحَرَمِ وَ يُدْفَنُ فَهُوَ أَفْضَلُ.

۱۲- عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مردم مکه نباید در مراسم حج جایی از حجاج را اشغال کنند.

۱۳- اسحاق بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام از پدرانش روایت می کند که حضرتش فرمود:

علی علیه السلام مکروه می داشت که انسان با شتر نجاست خوار به سوی حج و عمره برود.

١٤- علی بن سلیمان گوید: طی نامه ای به خدمت امام علیه السلام نوشتم: کسی که در عرفات بمیرد آیا در عرفات دفن شود یا به حرم آورده شود، کدامیک بهتر است؟

در جواب نوشت او را به حرم آورده و آنجا دفن شود که آن بهتر است.

ص: ۵۵۷

١٥- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ فِي قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ: (ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ).

قَالَ: هُوَ مَا يَكُونُ مِنَ الرَّجُلِ فِي إِحْرَامِهِ، فَإِذَا دَخَلَ مَكَّةَ فَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ طَيِّبٍ كَانَ ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِذَلِكَ الَّذِي كَانَ مِنْهُ.

١٦- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ وُهَيْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ رَدَّ الْبَيْتَ الْحَرَامَ إِلَى أَسَاسِهِ وَ مَسْجِدَ الرَّسُولِ إِلَى أَسَاسِهِ وَ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ إِلَى أَسَاسِهِ.

وَ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ: إِلَى مَوْضِعِ التَّمَّارِينَ مِنَ الْمَسْجِدِ.

۱۷- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الحَمِيدِ قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَنْ خَرَجَ مِنَ الْحَرَمَيْنِ بَعْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ نُودِيَ مِنْ خَلْفِهِ: لَا صَحِبَكَ اللَّهُ.

۱۵- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «آن گاه باید آلودگی هایشان را برطرف سازند» فرمود: منظور مواردی است که در حال احرام از انسان سر می زند پس چون وارد مکه شد سخن نیکو گوید که کفاره آن چیزی باشد که از او سر زده بود.

۱٦- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی هنگامی که قائم علیه السلام قیام کند بیت الحرام، مسجد الرسول و مسجد کوفه را بر بنای اصلی خودشان باز می گرداند.

ابو بصیر گوید: تا بازار خرما فروشان جزو مسجد بود.

۱۷- عبدالحمید گوید: از امام علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرکه بعد از بالا آمدن آفتاب پیش از این که نماز ظهر و عصر را بخواند از حرمین (حرم مکه و مدینه) بیرون رود، از پشت سر او ندا می شود خدا تو را همراهی نکند.

ص: ۵۵۸

۱۸- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ بُنَانِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ جَارِيَتَهُ هَدْياً لِلْكَعْبَةِ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

فَقَالَ: إِنّ أَبِي أَتَاهُ رَجُلٌ قَدْ جَعَلَ جَارِيَتَهُ هَدْياً لِلْكَعْبَةِ.

فَقَالَ لَهُ: قَوْمِ الْجَارِيَةَ - أَوْ بِعْهَا - ثُمّ مُرْ مُنَادِياً يَقُومُ عَلَى الْحِجْرِ، فَيُنَادِي: أَلا مَنْ قَصُرَتْ بِهِ نَفَقَتُهُ، أَوْ قُطِعَ بِهِ، أَوْ نَفِدَ طَعَامُهُ فَلْيَأْتِ فَلَانَ بْنَ فُلَانٍ، وَ مُرْهُ أَنْ يُعْطِيَ أَوّلاً فَأَوّلاً حَتّى يَنْفَدَ ثَمَنُ الْجَارِيَةِ.

١٩- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَبْدِ اللّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

فِي الْمَرْأَةِ تَلِدُ يَوْمَ عَرَفَةَ كَيْفَ تَصْنَعُ بِوَلَدِهَا؟ أَ يُطَافُ عَنْهُ أَمْ كَيْفَ يُصْنَعُ بِهِ؟

قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

١٨- علی بن جعفر علیه السلام گوید: از برادرم امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کسی که کنیز خود را به کعبه هدیه می کند چه وظیفه ای دارد؟

فرمود: مردی پیش پدرم علیه السلام آمد، او کنیزش را به کعبه هدیه نموده بود، پدرم علیه السلام به او فرمود: کنیز را قیمت کن یا او را بفروش سپس به جارچی بگو در حجر اسماعیل فریاد زند: آگاه باشید هرکه مخارجش کم، یا تمام شده، یا طعامش تمام شده نزد فلانی فرزند فلانی بیاید. آن گاه به او دستور بده به هر کدام مبلغی بدهد تا آن مبلغ تمام شود.

١٩ - عقبة بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام (پرسیدم) زنی در روز عرفه زاییده با فرزندش چه وظیفه ای دارد؟ آیا از جانب او طواف می کند؟

فرمود چیزی بر او نیست.

٢٠- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! كَانَ عِنْدِي كَبْشٌ سَمِينٌ لِأُضَحِّيَ بِهِ فَلَمَّا أَخَذْتُهُ وَأَضْجَعْتُهُ نَظَرَ إِلَى فَرَحِمْتُهُ وَ رَقَقْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ إِنِّي ذَبَحْتُهُ.

قَالَ: فَقَالَ لِي: مَا كُنْتُ أُحِبُّ لَكَ أَنْ تَفْعَلَ لا تُرَبِّيَنَّ شَيْئاً مِنْ هَذَا ثُمَّ تَذْبَحُهُ.

٢١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَّامٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ بَكْرِ بْنِ عِصَامٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ:

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ لِي عَلَى رَجُلٍ مَالٌ قَدْ خِفْتُ تَوَاهُ فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ ذَلِكَ.

فَقَالَ لِي: إِذَا صِرْتَ بِمَكَّةَ فَطُفْ عَنْ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ طَوَافاً وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ عَنْهُ وَطُفْ عَنْ أَبِي طَالِبٍ طَوَافاً وَ صَلِّ عَنْهُ رَكْعَتَيْنِ وَ طُفْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ طَوَافاً وَ صَلِّ عَنْهُ رَكْعَتَيْنِ وَ طُفْ عَنْ آمِنَةَ طَوَافاً وَصَلِّ عَنْهَا رَكْعَتَيْنِ وَ طُفْ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ طَوَافاً، وَصَلِّ عَنْهَا رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ ادْعُ أَنْ يُرَدَّ عَلَيْكَ مَالُكَ.

٢٠- محمد بن فضیل گوید: به امام کاظم علیه السلام گفتم: قربانت گردم! نزد من قوچ فربهی برای قربانی بود هنگامی که او را گرفتم و برای ذبح خوابانیدم به من نگاه کرد و بر او دلم سوخت و اشکم جاری شد، سپس او را ذبح نمودم.

حضرتش به من فرمود: دوست نداشتم این کار را بکنی چیزی که خود پرورش دادی او را ذبح کنی.

٢١- داوود رقی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام وارد شدم که نزد مرد مالی داشتم که می ترسیدم از بین برود پس از آن به حضرتش شکایت کردم

به من فرمود: چون به مکه رفتی از جانب عبدالمطلب علیه السلام طواف کن و دو رکعت نماز گزار و از طرف ابو طالب علیه السلام طواف کن و دو رکعت نمازگزار و از طرف عبدالله علیه السلام

طواف کن و دو رکعت نماز گزار و از طرف آمنه علیها السلام طواف کن و دو رکعت نماز گزار و از طرف

فاطمه بنت اسد علیها السلام طواف کن و دو رکعت نمازگزار سپس دعا کن که مالت برای تو برگردد.

ص: ۵۶۰

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ ثُمّ خَرَجْتُ مِنْ بَابِ الصّفَا وَ إِذَا غَرِيمِي وَاقِفٌ يَقُولُ: يَا دَاوُدُ حَبَسْتَنِي تَعَالَ اقْبِضْ مَالَكَ.

۲۲- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْن عُمَرَ قَالَ:

كُنّا بِمَكّةَ فَأَصَابَنَا غَلَاءٌ مِنَ الْأَضَاحِي فَاشْتَرَيْنَا بِدِينَارٍ ثُمّ بِدِينَارَيْنِ ثُمّ لَمْ نَجِدْ بِقَلِيلٍ وَ لا كَثِيرٍ، فَرَقَعَ هِشَامٌ الْمُكَارِي رُقْعَةً إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام وَ أَخْبَرَهُ بِمَا اشْتَرَيْنَا ثُمّ لَمْ نَجِدْ بِقَلِيلٍ وَ لا كَثِيرٍ.

فَوَقّعَ: انْظُرُوا الثّمَنَ الْأَوّلَ وَ الثّانِيَ وَ الثّالِثَ ثُمّ تَصَدّقُوا بِمِثْلِ ثُلُثِهِ.

۲۳- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ وَ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: فِي الرّجُلِ يَحُجّ عَنْ آخَرَ فَاجْتَرَحَ فِي حَجّهِ شَيْئًا يَلْزَمُهُ فِيهِ الْحَجّ مِنْ قَابِلٍ أَوْ كَفّارَة.

قَالَ: هِيَ لِلْأَوّلِ تَامّةٌ وَ عَلَى هَذَا مَا اجْتَرَحَ.

گوید: من این دستورالعمل را انجام دادم آن گاه از در صفا بیرون رفتم، ناگاه دیدم بدهکارم ایستاده و می گوید: ای داوود! مرا در انتظار گذارده ای بیا مالت را بگیر.

۲۴- عبدالله بن عمر گوید: در مکه بودیم که هنگام قربانی که نرخ قربانی از یک دینار به دو دینار افزایش یافت و قربانی به قیمت کمتر یافت نشد هشام مکاری طی نامه ای این خبر را به خدمت امام کاظم علیه السلام نوشت.

حضرتش در جواب نوشت: قیمت اول، دوم و سوم را محاسبه کنید سپس به اندازهٔ یک سوم آن صدقه دهد.

۲۳- اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام در مورد کسی که از جانب دیگری حج انجام می دهد و چیزی خلافی در حج می کند که بر او حج در سال آینده و یا کفاره لازم می شود فرمود:

آن حج برای شخص اول کامل است و بر ذمه کسی که خلاف نموده است می باشد.

ص: ۵۶۱

۲۴- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ صَالِحِ بْنِ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ فَقَالَ: إِنِّي أَهْدَيْتُ جَارِيَةً إِلَى الْكَعْبَةِ فَأُعْطِيتُ خَمْسَمِائَةِ دِينَارٍ فَمَا تَرَى؟

قَالَ: بِعْهَا ثُمَّ خُذْ ثَمَنَهَا ثُمَّ قُمْ عَلَى هَذَا الْحَائِطِ ؛ حَائِطِ الْحِجْرِ ثُمَّ نَادِ وَأَعْطِ كُلَّ مُنْقَطَعٍ بِهِ وَكُلَّ مُحْتَاجٍ مِنَ الْحَاجِّ.

۲۵- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ وَ الْحَجَّالِ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ عَبْدِ الْخَالِقِ الصَّيْقَلِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عزوجل: (وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِناً).

فَقَالَ: لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ مَا سَأَلَنِي أَحَدٌ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ. قَالَ: مَنْ أَمَّ هَذَا الْبَيْتَ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ الْبَيْتُ الَّذِي أَمَرَهُ اللَّهُ عزوجل بِهِ وَ عَرَفَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَقَّ مَعْرِفَتِنَا كَانَ آمِناً فِي الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ.

٢٤- ابان گوید: امام کاظم علیه السلام: از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

مردی خدمت امام باقر علیه السلام آمد و گفت: من کنیزی را که پانصد دینار خریده ام به کعبه هدیه نمودم چگونه کنم؟

فرمود: آن را بفروش مبلغ آن را بگیر و بر این دیوار حجر بایست سپس نداده و به هر حاجی که مخارجش تمام شده و یا محتاج است بده.

٢٥- عبدالخالق صیقل گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «و هرکه داخل آن (خانه خدا) شد در امان خواهد بود» پرسیدم.

فرمود: از چیزی پرسیدی که کسی جز آنکه خداست از آن نپرسیده است. هرکه این بیت را قصد کرد و دانست که آن خانه ای است که خداوند به آن امر فرموده و ما اهل بیت را به حق شناخت در دنیا و جهان آخرت در ایمن خواهد بود.

ص: ٥٦٢

٢٦- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا إِذَا قَدِمْنَا مَكَّةَ ذَهَبَ أَصْحَابُنَا يَطُوفُونَ وَ يَتْرُكُونِّي أَحْفَظُ مَتَاعَهُمْ.

قَالَ: أَنْتَ أَعْظَمُهُمْ أَجْراً.

٢٧- بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ قَالَ:

زَامَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ مُصَادِفٍ فَلَمَّا دَخَلْنَا الْمَدِينَةَ اغْتَلَلْتُ فَكَانَ يَمْضِي إِلَى الْمَسْجِدِ وَ يَدَعُنِي وَحْدِي ، فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَى مُصَادِفٍ.

فَأَخْبَرَ بِهِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ قُعُودُكَ عِنْدَهُ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي الْمَسْجِدِ.

٢٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَرِيرِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْحَصِيرَةِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ:

كُنْتُ دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عليه السلام الْكَعْبَةَ فَصَلَّى عَلَى الرُّخَامَةِ الْحَمْرَاءِ بَيْنَ الْعَمُودَيْنِ.

٢٦- اسماعیل بن خثعمی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: وقتی ما به مکه می آییم اصحابمان به طواف می روند و مرا برای محافظت کنار اساسشان می گذارند.

فرمود: اجر تو بیش از آنهاست.

٢٧- مرازم بن حکیم گوید: با محمد بن مصادف هم کجاوه شدم، چون به مدینه وارد شدیم من مریض شدم او به مسجد می رفت و مرا تنها می گذارد، من از این جهت به پدرش مصادف شکایت کردم و آن را به امام صادق خبر داد.

پس حضرتش به پسر مصادف پیام فرستاد که نشستن تو نزد مرازم بهتر از نماز تو در مسجد است.

٢٨- حارث بن حصیره اسدی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

با پدرم علیه السلام داخل کعبه شدم حضرتش بر روی سنگ سرخ میان دو ستون نمازگزارد.

فَقَالَ: فِي

هَذَا الْمَوْضِع تَعَاقَدَ الْقَوْمُ إِنْ مَاتَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم أَوْ قُتِلَ أَلّا يَرُدُّوا هَذَا الْأَمْرَ فِي أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ بَيْتِهِ أَبَداً.

قَالَ: قُلْتُ: وَ مَنْ كَانَ؟

قَالَ: كَانَ الْأَوَّلُ وَ الثّانِي وَ أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرّاحِ وَ سَالِمُ بْنُ الْحَبِيبَةِ.

۲۹- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام عَنْ إِسَافٍ وَنَائِلَةَ وَ عِبَادَةِ قُرَيْشٍ لَهُمَا.

فَقَالَ: نَعَمْ كَانَا شَابَّيْنِ صَبِيحَيْنِ وَ كَانَ بِأَحَدِهِمَا تَأْنِيثٌ وَكَانَا يَطُوفَانِ بِالْبَيْتِ فَصَادَفَا مِنَ الْبَيْتِ خَلْوَةً، فَأَرَادَ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَفَعَلَ فَمَسَخَهُمَا اللّهُ. فَقَالَتْ قُرَيْشٌ: لَوْ لا أَنَّ اللّهَ رَضِيَ أَنْ يُعْبَدَ هَذَانِ مَعَهُ مَا حَوّلَهُمَا عَنْ حَالِهِمَا.

۳۰- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ:

آن گاه فرمود: در این جا آن منافقان با یکدیگر پیمان بستند که اگر رسول خدا صلی الله علیه وسلم مرد و یا کشته شد هرگز این امر امامت را به هیچ یک از اهل بیت او بر نگردانند.

گوید: گفتم: آنها چه کسانی بودند؟

فرمود: اولی (ابوبکر)، دومی (عمر) ابو عبیدة بن جرّاح وسالم بن حبیبه.

۲۹- مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: از امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد اساف و نائله و پرستش قریش نسبت به آنها پرسیده شد.

فرمود: آری، دو جوان خوشرو بودند که یکی آنها آلت زنانه داشت. آنها بیت را طواف می نمودند وقتی آن را خلوت دیدند و یکی به رفیقش قصد بد نمود و با او عمل بد کرد.

خداوند هردو را مسخ نمود. قریش گفتند: اگر خدا از این ها راضی نبود که این دو با او پرستش نشوند شکلشان را تغییر نمی داد (!!).

۳۰- حسین بن یزید گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

ص: ٥٦٤

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ: وَ قَدْ قَالَ لَهُ أَبُو حَنِيفَةَ: عَجِبَ النّاسُ مِنْكَ أَمْسِ وَ أَنْتَ بِعَرَفَةَ تُمَاكِسُ بِبُدْنِكَ أَشَدّ مِكَاساً يَكُونُ.

قَالَ: فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: وَ مَا لِلّهِ مِنَ الرّضَا أَنْ أُغْبَنَ فِي مَالِي؟

قَالَ: فَقَالَ أَبُو حَنِيفَةَ: لا وَ اللّهِ مَا لِلّهِ فِي هَذَا مِنَ الرِّضَا قَلِيلٌ وَ لا كَثِيرٌ وَ مَا نَجِيتُكَ بِشَيْءٍ إِلّا جِئْتَنَا بِمَا لا مَخْرَجَ لَنَا مِنْهُ.

۳۱- سَهْلٌ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

لا يَنبَغِي لِأَحَدٍ أَنْ يَحْتَبِيَ قُبَالَةَ الْكَعْبَةِ.

۳۲- سَهْلٌ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبّاسِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

شَكَتِ الْكَعْبَةُ إِلَى اللّهِ عَزّ وَ جَلّ مَا تَلْقَى مِنْ أَنْفَاسِ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَأَوْحَى اللّهُ إِلَيْهَا: قِرّي كَعْبَةُ، فَإِنّي مُبْدِلُكِ بِهِمْ قَوْماً يَتَنَظّفُونَ بِقُضْبَانِ الشّجَرِ. فَلَمّا بَعَثَ اللّهُ مُحَمّداً لله صلى الله عليه وسلم أَوْ حَى إِلَيْهِ مَعَ جَبْرَئِيلَ علیه السلام بِالسّوَاكِ وَ الْخِلَالِ.

ابو حنیفه به او گفت: دیروز مردم از تو تعجب کردند که در عرفه جهت خرید قربانی شتر خود چانه سختی می زدی.

گوید: امام صادق علیه السلام به او فرمود: خداوند راضی نیست که در مالم مغبون باشم.

ابو حنیفه گفت: نه، به خدا سوگند! خداوند راضی نیست نه در اندک و نه در بسیاری، ما نیز نزد تو نمی آییم مگر در مورد چیزی که راه جواب نداریم.

۳۱- عبدالله بن سنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

شایسته نیست انسان در مقابل کعبه روی دو پا بنشیند.

۳۲- پدر حنان گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

کعبه در مورد (بوی بد) نفس های مشرکین به خداوند متعال شکوه نمود.

خداوند به او وحی فرستاد: ای کعبه! آرام باش من عوض آنها جمعی را به نزد تو خواهم فرستاد که دهان های خود را با شاخه های درختان پاکیزه می کنند.

هنگامی که خداوند حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را مبعوث فرمود با جبرئیل به او وحی نمود که مسواک کنند و خلال نمایند.

ص: ٥٦٥

٣٣ - عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

قُلْتُ: نَكُونُ بِمَكَّةَ أَوْ بِالْمَدِينَةِ أَوِ الْحِيرَةِ أَوِ الْمَوَاضِعِ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا الْفَضْلُ فَرُبَّمَا خَرَجَ الرَّجُلُ يَتَوَضَّأُ فَيَجِيءُ آخَرُ فَيَصِيرُ مَكَانَهُ.

قَالَ: مَنْ سَبَقَ إِلَى مَوْضِعٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ يَوْمَهُ وَ لَيْلَتَهُ.

٣٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَنْ أَمَاطَ أَذًى عَنْ طَرِيقِ مَكَّةَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً، وَ مَنْ كَتَبَ لَهُ حَسَنَةٌ لَمْ يُعَذِّبْهُ. ٣٥

٣٥- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

لا يَزَالُ الْعَبْدُ فِي حَدِّ الطَّوَافِ بِالْكَعْبَةِ مَا دَامَ حَلْقُ الرَّأْسِ عَلَيْهِ.

٣٣- راوی گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: در مسجد مکه، مسجد مدینه، کربلا (حایر حسین علیه السلام) و یا جایی که امید ثواب دارد می باشیم گاهی فردی برای وضو بیرون می رود و فرد دیگری می آید و جای او می نشیند؟

فرمود: هرکس جایی را زودتر گرفت او به آن جا در همان شبانه روز شایسته تر است.

٣٤- اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس مانعی را از راه مکه بردارد خداوند حسنه ای را بر او می نویسد و به هرکس که خدا حسنه نوشت عذابش نمی کند.

٣٥- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

پیوسته بنده در حد (و پاداش) کعبه طواف است مادامی که هنوز سرش را نتراشیده باشد.

٣٦- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ التَّيْمُلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَانَ أَيَّامُ الْمَوْسِمِ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَلَائِكَةٌ فِي صُوَرِ الآدَمِيِّينَ يَشْتَرُونَ مَتَاعَ الْحَاجِّ وَ التِّجَّارِ. قُلْتُ: فَمَا يَصْنَعُونَ بِهِ؟

قَالَ: يُلْقُونَهُ فِي الْبَحْرِ.

٣٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ:

يَوْمُ الْأَضْحَى فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُصَامُ فِيهِ وَ يَوْمُ الْعَاشُورَاءِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُفْطَرُ فيه.

٣٦- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که روزهای موسم حج شود خداوند و فرشتگانی به شکل آدمیان می فرستد که اجناس حاجیان و تجار را می خرند.

گفتم: آنها را چه می کنند؟

فرمود: به دریا می ریزند.

٣٧- حسین بن مسلم گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

روز عید قربان موافق روزی است که در اول ماه رمضان روز گرفته می شود و روز عاشورا موافق روزی است که در آن افطار می شود.

بخش های مربوط به زیارت ها (۵۶۸- ۶۵۶)

بخش یکم

اشاره

أَبْوَابُ الزِّيَارَاتِ

(۱)

بَابُ زِيَارَةِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم مُتَعَمِّداً؟

فَقَالَ: لَهُ الْجَنَّةُ.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: إِنَّ زِيَارَةَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم وَ زِيَارَةَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلامتَعْدِلُ حَجَّةً مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبَانٍ عَنِ السَّدُوسِيِّ عَنْ أَبِي عبد اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم:

زیارت پیامبر گرامی صلی الله علیه واله وسلم

۱- ابن ابی نجران گوید: به امام باقر علیه السلام گفتم: قربانت گردم! کسی که از روی آگاهی به زیارت رسول خدا صلی الله علیه وسلم مشرف شود چه پاداشی دارد؟

فرمود: بهشت برای اوست.

۲- فضیل بن یسار گوید: حضرتش فرمود: هرکه قبر رسول خدا صلی الله علیه وسلم قبور شهدای احد و قبر امام حسین علیه السلام زیارت نماید پاداشی برابر حج با رسول خدا صلی الله علیه وسلم دارد.

۳- سدوسی گوید امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: -

ص: ٥٦٨

مَنْ أَتَانِي زَائِراً كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْمُعَلّى أَبِي شِهَابٍ قَالَ:

قَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام لِرَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم: يَا أَبَتَاهُ مَا لِمَنْ زَارَكَ؟

فَقَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم: يَا بُنَيّ ! مَنْ زَارَنِي حَيّاً أَوْ مَيْتاً، أَوْ زَارَ أَبَاكَ، أَوْ زَارَ أَخَاكَ أَوْ زَارَكَ كَانَ حَقّاً عَلَيّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أُخَلّصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ.

٥- عَلِيٌّ بْنُ مُحَمّدِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدّيْلَمِيّ عَنْ أَبِي حَجَر الْأَسْلَمِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم:

مَنْ أَتَى مَكّةَ حَاجّاً وَ لَمْ يَزُرْنِي إِلَى الْمَدِينَةِ جَفَوْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ أَتَانِي زَائِراً وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي، وَ مَنْ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي وَجَبَتْ لَهُ الْجَنّةُ، وَ مَنْ مَاتَ فِي أَحَدِ الْحَرَمَيْنِ مَكّةَ وَ الْمَدِينَةِ لَمْ يُعْرَضْ وَ لَمْ يُحَاسَبْ، وَ مَنْ مَاتَ مُهَاجِراً إِلَى اللّهِ عزوجل حُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ أَصْحَابِ بَدْرٍ.

هرکس برای زیارت من بیاید روز قیامت شفیع او خواهم شد.

٤ - معلی ابی شهاب گوید: امام حسین علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه وسلم عرضه داشت: ای پدر! پاداش کسی که تو را زیارت نماید چیست؟

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: ای پسرم! هرکس مرا در دوران زندگیم یا پس از مرگم زیارت کند، یا پدرت یا برادرت یا تو را زیارت نماید بر عهده من است که او رادر روز قیامت زیارت نموده و از گناهانش خلاص نمایم.

٥- ابی حجر اسلمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

هرکس برای انجام حج به مکه برود و در مدینه مرا زیارت ننماید او را در روز قیامت رها خواهم نمود.

و هرکس به زیارت من بیاید شفاعت من بر او واجب می شود و به هر کسی که شفاعت من واجب شد بهشت بر او واجب می شود و هرکس در یکی از حرم های مکه و مدینه بمیرد بر او تعرّض و حساب نمی شود و هرکس به هنگام مهاجرت به سوی خداوند متعال بمیرد خداوند روز قیامت او را با شهدای بدر محشور خواهد فرمود.

ص: ٥٦٩

بخش دوم

اشاره

(٢)

بَابُ إِتْبَاعِ الْحَجِّ بِالزِّيَارَةِ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَر علیه السلام قَالَ:

إِنَّمَا أُمِرَ النَّاسُ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُونَا فَيُخْبِرُونَا بِوَلَايَتِهِمْ وَ يَعْرِضُوا عَلَيْنَا نَصْرَهُمْ.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ.

۳- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطِ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَسَارٍ قَالَ: حَجَجْنَا فَمَرَرْنَا بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام.

پیوست حج به زیارت

۱- زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

همانا مردم مأمور شدند که مکه بیایند و این سنگ ها را طواف کنند، آن گاه به سوی ما آیند و ولایتشان را بر ما گزارش نمایند و یاریشان را بر ما عرضه نمایند.

۲- جابر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

کامل شدن حج با ملاقات امام است.

۳ـ یحیی بن یسار گوید: پس از مراسم حج خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدیم.

ص: ۵۷۰

فَقَالَ: حَاجُ بَيْتِ اللَّهِ وَ زُوَّارُ قَبْرِ نَبِيِّهِ صلی الله علیه وسلم وَ شِيعَةُ آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام هَنِيئًا لَكُمْ.

٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ زِيَادٍ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ذَرِيحَ الْمُحَارِبِيِّ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي فِي كِتَابِهِ بِأَمْرٍ فَأُحِبُّ أَنْ أَعْمَلَهُ.

قَالَ: وَ مَا ذَاكَ؟

قُلْتُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: (ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ).

قَالَ: «لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ»: لِقَاءُ الْإِمَام «وَ لِيُوفُوا نُذُورَهُمْ» تِلْكَ الْمَنَاسِكَ.

قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ: فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَوْلُ اللَّهِ عزوجل: (ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ).

قَالَ: أَخْذُ الشَّارِبِ، وَ قَصُّ الْأَظْفَارِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ.

قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ ذَرِيحَ الْمُحَارِبِيِّ حَدَّثَنِي عَنْكَ بِأَنَّكَ قُلْتَ لَهُ: «لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» لِقَاءُ الْإِمَامِ «وَ لْيُوفُوا نُذُورَهُمْ» تِلْكَ الْمَنَاسِكَ.

فرمود: (ای) حاجیان بیت الله و زایران قبر پیامبرش صلی الله علیه وسلم و ای شیعیان آل محمد علیهم السلام! بر شما گوارا باد!

٤- ذریح محاربی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: خداوند در کتابش به من امری فرموده من دوست دارم که آن را عمل نمایم.

فرمود: آن چیست؟

گفتم: گفتار خداوند عزوجل که می فرماید: «آن گاه آلودگی هایشان را برطرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند».

فرمود: منظور از «برطرف سازی آلودگی ها» ملاقات با امام است و منظور از «وفای به نذر» انجام مناسک حج است.

عبدالله بن سنان گوید: پس از آن من به خدمت امام صادق علیه السلام رفتم و گفتم: قربانت گردم منظور از این آیه چیست؟

فرمود: منظور کوتاه کردن شارب، چیدن ناخن و همانند آن است.

گوید :گفتم: فدایت شوم! ذریح محاربی از شما به من حدیث نمود که به او فرمودید منظور از «برطرف سازی آلودگی ها» ملاقات با امام است و منظور از «وفای به نذر» انجام مناسک حج است.

ص: ۵۷۱

فَقَالَ: صَدَقَ ذَرِيحٌ وَ صَدَقْتَ إِنّ لِلْقُرْآنِ ظَاهِراً وَ بَاطِناً، وَ مَنْ يَحْتَمِلُ مَا يَحْتَمِلُ ذَرِيحٌ.

بخش سوم

اشاره

(۳)

بَابُ فَضْلِ الرُّجُوعِ إِلَى الْمَدِينَةِ.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنّى عَنْ سَدِيرٍ عَنْ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ:

ابْدَءُوا بِمَكّةَ وَ اخْتِمُوا بِنَا.

۲- عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام أَبْدَأُ بِالْمَدِينَةِ أَوْ بِمَكَّةَ؟

قَالَ: ابْدَأْ بِمَكَّةَ وَ اخْتِمْ بِالْمَدِينَةِ، فَإِنَّهُ أَفْضَلُ.

فرمود: ذریح راست گفته و تو هم راست ،گفتی چرا که همانا برای قرآن ظاهر و باطنی است و چه کسی می تواند همانند ذریح آن را تحمل کند؟!

فضیلت بازگشت به مدینه

۱- سدیر گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: حج را با مکه آغاز کنید و با زیارت ما به پایان برسانید.

۲- ابی عبدالله گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم سفر حج را با مدینه آغاز کنم یا مکه؟

فرمود: با مکه آغاز کن و با مدینه به پایان برسان، چرا که این بهتر است.

ص: ۵۷۲

بخش چهارم

اشاره

(٤)

بَابُ دُخُولِ الْمَدِينَةِ وَ زِيَارَةِ النَّبِيِّ صلی الله علیه وسلم وَالدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا أَوْ حِينَ تَدْخُلُهَا ثُمّ تَأْتِي قَبْرَ النّبِيّ صلى الله عليه وسلم ثُمّ تَقُومُ فَتَسَلّمُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم ثُمّ تَقُومُ عِنْدَ الْأَسْطُوَانَةِ الْمُقَدّمَةِ مِنْ جَانِبِ الْقَبْرِ الْأَيْمَنِ عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ عِنْدَ زَاوِيَةِ الْقَبْرِ وَأَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْسَرُ إِلَى جَانِبِ الْقَبْرِ وَ مَنْكِبُكَ الْأَيْمَنُ مِمّا يَلِي الْمِنْبَرَ، فَإِنّهُ مَوْضِعُ رَأْسِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ تَقُولُ:

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنّكَ رَسُولُ اللّهِ وَ أَشْهَدُ أَنّكَ مُحَمّدُ بْنُ عَبْدِ اللّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ بَلّغْتَ رِسَالَاتِ رَبّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمّتِكَ وَ -

ورود به مدینه، زیارت پیامبر صلی الله علیه واله وسلم و دعا نزد بارگاه آن حضرت

۱- معاویة بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که وارد مدینه شدی پیش از ورود و یا به هنگام ورود غسل کن آن گاه کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم بیا، سپس بایست و بر رسول خدا صلی الله علیه وسلم سلام کن، آن گاه نزد ستون اول که در سمت راست بخش بالای سر در گوشه آن رو به قبله که شانه چپت به طرف قبر باشد و شانه راستش به طرف منبر - که موضع سر مبارک رسول خدا صلی الله علیه وسلم است - می ایستی و می گویی: «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلّا اللّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنّكَ رَسُولُ اللّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنّكَ مُحَمّدُ بْنُ عَبْدِ اللّهِ، وَ أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ بَلّغْتَ رِسَالَاتِ رَبّكَ وَ نَصَحْتَ لِأُمّتِكَ -

ص: ۵۷۳

جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ عَبَدْتَ اللّهَ مُخْلِصاً حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَدّيْتَ الّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقّ وَ أَنّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلُظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلّغَ اللّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلّ الْمُكْرَمِينَ، الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشّرْكِ وَ الضّلَالَةِ.

اللّهُمّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ و صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصّالِحِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَهْلِ السّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَ مَنْ سَبّحَ لَكَ يَا رَبّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوّلِينَ وَ الآخِرِينَ عَلَى مُحَمّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيّكَ وَ خَاصّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللّهُمّ أَعْطِهِ الدّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنّةِ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوّلُونَ وَ الآخِرُونَ.

اللّهُمّ إِنّكَ قُلْتَ وَ لَوْ أَنّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرّسُولُ لَوَجَدُوا اللّهَ تَوّاباً رَحِيماً، وَ إِنّي أَتَيْتُ نَبِيّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَ إِنّي أَتَوَجّهُ بِكَ إِلَى اللّهِ رَبِّي وَ رَبّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي».

جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ عَبَدْتَ اللّهَ مُخْلِصاً حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَدّيْتَ الّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقّ وَ أَنّكَ قَدْ رَوفّتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، فَبَلَغَ اللّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلّ الْمُكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشّرْكِ وَ الضّلَالَةِ.

اللّهُمّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرّبِينَ وَ عِبَادِكَ الصّالِحِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَهْلِ السّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَ مَنْ سَبّحَ لَكَ يَا رَبّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوّلِينَ وَالآخِرِينَ عَلَى مُحَمّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيّكَ وَ أَمِينِكَ وَ نَجِيّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيّكَ وَ خَاصّتِكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللّهُمّ أَعْطِهِ الدّرَجَةَ وَ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنّةِ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوّلُونَ وَالآخِرُونَ.

اللّهُمّ إِنّكَ قُلْتَ وَ لَوْ أَنّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرّسُولُ لَوَجَدُوا اللّهَ تَوّاباً رَحِيماً، وَ إِنّي أَتَيْتُ نَبِيّكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَ إِنّي أَتَوَجّهُ بِكَ إِلَى اللّهِ رَبِّي وَ رَبّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي».

وَإِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ فَاجْعَلْ قَبْرَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم خَلْفَ كَتِفَيْكَ وَ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَارْفَعْ يَدَيْكَ، وَاسْأَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّكَ أَحْرَى أَنْ تُقْضَى إِنْ شَاءَ اللّٰهُ.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ:

كَانَ أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام يَقِفُ عَلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم فَيُسَلِّمُ عَلَيْهِ وَ يَشْهَدُ لَهُ بِالْبَلَاغِ وَ يَدْعُو بِمَا حَضَرَهُ ثُمَّ يُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْمَرْوَةِ الْخَضْرَاءِ الدِّقِيقَةِ الْعَرْضِ مِمَّا يَلِي الْقَبْرَ وَ يَلْتَزِقُ بِالْقَبْرِ وَ يُسْدُ ظَهْرَهُ إِلَى الْقَبْرِ وَ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَيَقُولُ:

«اللّٰهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَ الْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وسلم اسْتَقْبَلْتُ.

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو وَ لا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرّ مَا أَحْذَرُ عَلَيْهَا وَ أَصْبَحَتِ الأُمُورُ بِيَدِكَ فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ.

و اگر حاجتی داری قبر آن حضرت را پشت شانه هایت قرار ده ورو به قبله شو و دست هایت را بلند کن و حاجت خود را بخواه که شایسته است که ان شاءالله حاجت تو برآورده شود.

٢- علی بن جعفر علیه السلام گوید: امام کاظم علیه السلام از پدرش از جد بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که حضرتش فرمود:

امام سجاد علیه السلام همواره کنار قبر پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم می ایستاد بر او سلام می کرد و در مورد رساندن پیام های الهی توسط آن حضرت گواهی می داد و آن چه می خواست دعا می کرد. سپس بر سنگ سبز نازک پهنی که در پهلوی قبر بود تکیه می داد و خود را به قبر می چسبانید

و رو به قبله می نمود و می فرمود: «اللّهُمّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَ الْقِبْلَةَ الّتِي رَضِيتَ لِمُحَمّدٍ صلى الله عليه وسلم اسْتَقْبَلْتُ.

اللّهُمّ إِنّي أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو وَ لا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرّ مَا أَحْذَرُ عَلَيْهَا وَ أَصْبَحَتِ الْأُمُورُ بِيَدِكَ فَلَا فَقِيرَ أَفْقَرُ مِنّي إِنّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ.

ص: ٥٧٥

اللّهُمّ ارْدُدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَإِنّهُ لَا رَادّ لِفَضْلِكَ.

اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدّلَ اسْمِي أَوْ تُغَيّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنّي.

اللهم كَرَمنی بِالتّقْوَی وَ جَلْنِي بِالنّعَمِ وَ اغْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ».

٣- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: كَيْفَ السّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم عِنْدَ قَبْرِهِ؟

فَقَالَ: قُل:

السّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللّهِ، أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ عَبَدْتَهُ حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيا عَنْ أُمّتِهِ.

اللّهُمّ صَلّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

٤- أَبُو عَلِيّ الْأَشْعَرِيّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي الْكُوفِيّ عَنْ عَلِيّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ حَمّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ:

اللّهُمّ ارْدُدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَإِنّهُ لا رَادّ لِفَضْلِكَ.

اللّهُمّ إِنّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي.

اللّهُمّ كَرِّمْنِي بِالتّقْوَى وَ جَعَلْنِي بِالنِّعَمِ وَ اغْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ».

۳- احمد بن محمد بن ابی نصر گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: چگونه به رسول خدا صلی الله علیه وسلم کنار قبرش سلام دهیم؟

فرمود: بگو: «السّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللّهِ، السّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللّهِ، أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ عَبَدْتَهُ حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًا عَنْ أُمّتِهِ.

اللّهُمّ صَلِّ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

٤- محمد بن مسعود گوید: -

ص: ٥٧٦

رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام انْتَهَى إِلَى قَبْرِ النّبِيّ صلی الله علیه وسلم فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهِ وَ قَالَ:

«أَسْأَلُ اللّهَ الّذِي اجْتَبَاكَ وَ اخْتَارَكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ أَنْ يُصَلّيَ عَلَيْكَ».

ثُمّ قَالَ: إِنّ اللّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلّونَ عَلَى النّبِيّ يَا أَيُّهَا الّذِينَ آمَنُوا صَلّوا عَلَيْهِ وَ سَلّمُوا تَسْلِيماً.

۵- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ حَمّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمّارٍ:

أَنّ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ لَهُمْ: مُرّوا بِالْمَدِينَةِ فَسَلّمُوا عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم مِنْ قَرِيبٍ وَ إِنْ كَانَتِ الصّلَاةُ تَبْلُغُهُ مِنْ بَعِيدٍ.

٦- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْمَمَرّ فِي مُؤَخَّرِ مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم وَ لا أُسَلِّمُ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه وسلم فَقَالَ: لَمْ يَكُنْ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام يَصْنَعُ ذَلِكَ.

امام صادق علیه السلام را دیدم آن گاه که به کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم رسید، دست مبارک خود روی آن نهاد و فرمود: «أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَ اخْتَارَكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ».

آن گاه این آیه را قرائت فرمود: «که به راستی خدا و فرشتگان بر پیامبر درود می فرستد ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود وسلام کامل بفرستید».

٥- اسحاق بن عمّار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

به شهر مدینه سفر نمایید و از نزدیک به رسول خدا صلی الله علیه وسلم سلام کنید، اگرچه از دور هم به آن حضرت سلام می رسد.

٦- صفوان بن یحیی گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: از بخش آخر مسجد رسول خدا صلی الله علیه وسلم عبور کردم و به حضرتش سلام نکردم.

فرمود: امام کاظم علیه السلام چنین نمی نمود.

ص: ٥٧٧

قُلْتُ: فَيَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيُسَلِّمُ مِنْ بَعِيدٍ لَا يَدْنُو مِنَ الْقَبْرِ.

فَقَالَ: لا.

قَالَ: سَلِّمْ عَلَيْهِ حِينَ تَدْخُلُ وَ حِينَ تَخْرُجُ وَ مِنْ بَعِيدٍ.

٧- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

صَلُّوا إِلَى جَانِبِ قَبْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم وَ إِنْ كَانَتْ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِينَ تَبْلُغُهُ أَيْنَمَا كَانُوا.

٨- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

حَضَرْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام وَهَارُونَ الْخَلِيفَةَ وَ عِيسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ جَعْفَرَ بْنَ يَحْيَى بِالْمَدِينَةِ، قَدْ جَاءُوا إِلَى قَبْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم.

فَقَالَ هَارُونُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: تَقَدَّمْ.

فَأَبَى، فَتَقَدَّمَ هَارُونُ، فَسَلَّمَ وَقَامَ نَاحِيَةٌ وَ قَالَ عِيسَى بْنُ جَعْفَرٍ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: تَقَدَّمْ.

گفتم: پس وارد مسجد می شوم و از دور سلام می دهم و نزدیک قبر نمی شوم.

فرمود: نه (چنین مکن) فرمود: در هنگام ورود و خروج و از دور به حضرتش سلام بده.

٧- معاوية بن وهب گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم به حضرتش درود بفرستید گرچه درود مؤمنان از هرجا که باشند به حضرتش می رسد.

٨- یکی از اصحاب ما گوید:

در حضور امام کاظم علیه السلام بودم که هارون خلیفهٔ عباسی عیسی بن جعفر و جعفر بن یحیی نیز در مدینه بودند، آنها کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند. هارون به امام کاظم علیه السلام گفت: بفرمایید!

حضرتش جلو نرفت.

هارون جلو رفت و به پیامبر سلام داد و در گوشه ای ایستاد عیسی به امام کاظم علیه السلام گفت: بفرمایید!.

ص: ۵۷۸

فَأَبَى فَتَقَدَّمَ عِيسَى فَسَلَّمَ وَ وَقَفَ مَعَ هَارُونَ.

فَقَالَ جَعْفَرٌ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام: تَقَدَّمْ.

فَأَبَى فَتَقَدَّمَ جَعْفَرٌ: فَسَلَّمَ وَوَقَفَ مَعَ هَارُونَ.

وَ تَقَدَّمَ أَبُو الْحَسَنِ فَقَالَ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَهْ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اصْطَفَاكَ وَ اجْتَبَاكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ».

فَقَالَ هَارُونُ لِعِيسَى: سَمِعْتَ مَا قَالَ؟

قَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ هَارُونُ: أَشْهَدُ أَنَّهُ أَبُوهُ حَقّاً.

بخش پنجم

اشاره

(۵)

بَابُ الْمِنْبَرِ وَ الرَّوْضَةِ وَ مَقَامِ النَّبِيِّ صلی الله علیه وسلم.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

حضرتش جلو نرفت.

عیسی جلو رفت و سلام داد و نزد هارون ایستاد.

جعفر به امام کاظم علیه السلام گفت: بفرمایید!

حضرتش جلو نرفت جعفر جلو رفت و سلام داد و با هارون ایستاد.

آن گاه امام کاظم علیه السلام جلو رفت و این گونه سلام داد: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَهْ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي اصْطَفَاكَ وَ اجْتَبَاكَ وَ هَدَاكَ وَ هَدَى بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ».

هارون به عیسی گفت: شنیدی چگونه سلام داد؟ گفت: آری.

هارون گفت: گواهی می دهم که او به راستی پدر اوست.

منبر، روضه و جایگاه پیامبر صلی الله علیه واله وسلم

١- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

ص: ٥٧٩

إِذَا فَرَغْتَ مِنَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم فَائْتِ الْمِنْبَرَ فَامْسَحْهُ بِيَدِكَ وَ خُذْ بِرُمَّانَتَيْهِ وَ هُمَا السُّفْلَاوَانِ وَ امْسَحْ عَيْنَيْكَ وَ وَجْهَكَ بِهِ، فَإِنَّهُ يُقَالُ: إِنَّهُ شِفَاءُ الْعَيْنِ.

وَقُمْ عِنْدَهُ فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ أَثْنِ عَلَيْهِ وَ سَلْ حَاجَتَكَ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم قَالَ: «مَا بَيْنَ مِنْبَرِي وَ بَيْتِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ» وَ التُّرْعَةُ هِيَ الْبَابُ الصَّغِيرُ

ثُمّ تَأْتِي مَقَامَ النّبِيّ صلى الله عليه وسلم فَتُصَلّي فِيهِ مَا بَدَا لَكَ، فَإِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَصَلّ عَلَى النّبِيّ صلى الله عليه وسلم وَ إِذَا خَرَجْتَ فَاصْنَعْ مِثْلَ ذَلِكَ وَ أَكْثِرْ مِنَ الصّلَاةِ فِي مَسْجِدِ الرّسُولِ صلى الله عليه وسلم.

۲- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام يَقُولُ:

لَمّا كَانَ سَنَةُ إِحْدَى وَ أَرْبَعِينَ أَرَادَ مُعَاوِيَةُ الْحَجّ فَأَرْسَلَ نَجّارًا وَ أَرْسَلَ بِالآلَةِ، وَكَتَبَ إِلَى صَاحِبِ الْمَدِينَةِ أَنْ يَقْلَعَ مِنْبَرَ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ يَجْعَلُوهُ عَلَى قَدْرِ مِنْبَرِهِ بِالشّامِ، فَلَمّا نَهَضُوا لِيَقْلَعُوهُ انْكَسَفَتِ الشّمْسُ وَ زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ فَكَفُّوا وَ كَتَبُوا بِذَلِكَ إِلَى مُعَاوِيَةَ.

هرگاه کنار قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم دعایت پایان یافت به طرف منبر برو و دست خود را به آن بمال و دو گردی آن را - که مانند انار و در پایین است - بگیر و به چشمان وصورتت بمال، زیرا گفته می شود که آن شفای چشم است. آن گاه کنارش بایست و خدا را ستایش کن و او را ثناگوی و حاجت خود را بخواه زیرا که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

«میان منبر و خانه من بوستانی از بوستان های بهشتی است و منبر من، دریچه ای از دریچه های بهشتی است».

سپس به جانب جایگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم برو و هرچه خواستی نمازگزار، چون داخل مسجد شدی بر پیامبر صلی الله علیه وسلم درود بفرست و چون بیرون رفتی درود بر حضرتش بفرست و در مسجد رسول صلی الله علیه وسلم نماز بسیار بخوان.

۲- معاویة بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

آن گاه که سال چهل و یک فرا رسید و معاویه تصمیم گرفت در مراسم حج شرکت کند نجاری را با وسایل نجاری به مدینه فرستاد و به حاکم مدینه نوشت: منبر رسول خدا صلی الله علیه وسلم را تخریب و همانند منبرش در شام قرار ده.

وقتی حاکم خواست این حکم را عملی کند آفتاب گرفت و زمین لرزید. آنها از این کار دست کشیدند و این قضیه را طی نامه ای به معاویه گزارش دادند.

ص: ۵۸۰

فَكَتَبَ عَلَيْهِمْ يَعْزِمُ عَلَيْهِمْ لَمّا فَعَلُوهُ، فَفَعَلُوا ذَلِكَ، فَمِنْبَرُ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم الْمَدْخَلُ الّذِي رَأَيْتَ.

۳- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم:

مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنّةِ وَ مِنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرَعِ الْجَنّةِ وَ قَوَائِمُ مِنْبَرِي رُبّتْ فِي الْجَنّةِ.

قَالَ: قُلْتُ: هِيَ رَوْضَةُ الْيَوْمِ؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنّهُ لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ لَرَأَيْتُمْ.

٤- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ حَدّ مَسْجِدِ الرّسُولِ صلی الله علیه وسلم.

معاویه در پاسخ تأکید نمود که این حکم را انجام دهند.

آنان حکم او را اجرا کردند اکنون منبر رسول خدا صلی الله علیه وسلم در موضعی است که می بینی.

۳- ابی بکر حضرمی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم می فرمود:

میان خانه و منبر من بوستانی از بوستان های بهشت است و منبر من بر دریچه ای از دریچه های بهشت است و پایه های منبر من از بهشت نمو کرده است.

گوید: گفتم: آن جا امروزه هم بوستان است؟

فرمود: آری، اگر پرده برداشته شود، خواهید دید.

٤- محمد بن مسلم گوید: از امام (باقر و یا امام صادق علیهما السلام) پرسیدم: مساحت مسجد رسول صلی الله علیه وسلم چقدر است؟

ص: ۵۸۱

فَقَالَ: الْأَسْطُوَانَةُ الَّتِي عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ إِلَى الْأَسْطُوَانَتَيْنِ مِنْ وَرَاءِ الْمِنْبَرِ عَنْ يَمِينِ الْقِبْلَةِ وَ كَانَ مِنْ وَرَاءِ الْمِنْبَرِ طَرِيقٌ تَمُرُّ فِيهِ الشَّاةُ وَ يَمُرُّ الرَّجُلُ مُنْحَرِفاً، وَ كَانَ سَاحَةُ الْمَسْجِدِ مِنَ الْبَلَاطِ إِلَى الصَّحْنِ.

۵- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَمَّا يَقُولُ النَّاسُ فِي الرَّوْضَةِ.

فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وسلم: «فِيمَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ».

فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَا حَدُّ الرَّوْضَةِ؟

فَقَالَ: بُعْدُ أَرْبَعِ أَسَاطِينَ مِنَ الْمِنْبَرِ إِلَى الظُّلَلِ.

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مِنَ الصَّحْنِ فِيهَا شَيْءٌ.

قَالَ: لا.

فرمود: از ستون نزد بالا سر قبر تا دو ستون از پشت منبر از سمت راست قبله و پشت منبر راه باریکی بود که فقط گوسفند می توانست عبور کند و انسان و هم می توانست به صورت خمیده رد شود و فضای مسجد از محل سنگ فرش بلاط تا صحن بود.

۵- مرازم گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد سخنانی که مردم درباره روضه می گویند پرسیدم.

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

میان خانه و منبر من بوستانی از بوستان های بهشت است منبر من بر دریچه از دریچه های بهشت است.

گفتم: فدایت گردم مساحت روضه چقدر است؟

فرمود: به اندازۀ چهار ستون از منبر تا سایه بان ها.

گفتم: قربانت گردم! آیا چیزی از صحن در روضه قرار گرفته است؟

فرمود: نه.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النِّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

حَدُّ الرَّوْضَةِ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وسلم إِلَى طَرَفِ الظُّلَالِ، وَ حَدُّ الْمَسْجِدِ إِلَى الْأُسْطُوَانَتَيْنِ عَنْ يَمِينِ الْمِنْبَرِ إِلَى الطَّرِيقِ مِمَّا يَلِي سُوقَ اللَّيْلِ.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كَمْ كَانَ مَسْجِدُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم؟

قَالَ: كَانَ ثَلَاثَةَ آلَافٍ وَ سِتِّمِائَةِ ذِرَاعٍ مُكَسَّراً.

٨- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: هَلْ قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم: «مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ»؟

٦- ابو بصير گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

مساحت روضه در مسجد رسول الله صلى الله عليه وسلم (از ديوار قبلى ميان منبر و خانه) تا طرف سايه بان ها است و مساحت مسجد از خانه حضرت تا دو ستون از سمت راست منبر راهى كه متصل به بازار الليل است، مى باشد.

٧- عبدالاعلى مولى آل سام گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: مساحت مسجد رسول خدا صلى الله عليه وسلم چه اندازه بود؟

فرمود: سه هزار و ششصد ذراع مكسر بود.

۸- معاوية بن وهب گويد: به امام صادق عليه السلام گفتم: آيا رسول خدا صلى الله عليه وسلم فرمود كه: «ميان خانه و منبر من بوستانى از بوستان هاى بهشت است»؟

ص: ۵۸۳

فَقَالَ: نَعَمْ.

وَقَالَ: بَيْتُ عَلِي وَ فَاطِمَةَ عليهما السلام مَا بَيْنَ الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم إِلَى الْبَابِ الَّذِي يُحَاذِي الزُّقَاقَ إِلَى الْبَقِيعِ.

قَالَ: فَلَوْ دَخَلْتَ مِنْ ذَلِكَ الْبَابِ وَ الْحَائِطُ مَكَانَهُ أَصَابَ مَنْكِبَكَ الْأَيْسَرَ.

ثُمَّ سَمَّى سَائِرَ الْبُيُوتِ وَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: «الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَهُوَ أَفْضَلُ».

۹- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيَ الْوَشَّاءِ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سَالِم قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

إِذَا دَخَلْتَ مِنْ بَابِ الْبَقِيع فَبَيْتُ عَلِيّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى يَسَارِكَ قَدْرَ مَمَرِّ عَنْزٍ مِنَ الْبَابِ وَ هُوَ إِلَى جَانِبِ بَيْتِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وسلم وَ بَابَاهُمَا جَمِيعاً مَقْرُونَانِ.

۱۰- سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم:

فرمود: آرى.

و فرمود: خانه علی و فاطمه علیهما السلام میان خانه ای که پیامبر صلی الله علیه وسلم بود تا دری که مقابل کوچه بقیع است قرار داشت.

فرمود: اگر از آن در وارد شوی و دیوار جای خود باشد به شانه چپ تو اصابت خواهد کرد. آن گاه دیگر خانه ها را نام برد و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: نماز در مسجد من برابر هزار نماز در غیر آن است جز مسجد الحرام. پس آن بهتر است.

۹- قاسم بن سالم گوید: از امام صادق صلی الله علیه وسلم شنیدم که می فرمود:

هرگاه از در بقیع وارد شدی خانۀ علی صلوات الله علیه سمت چپ تو قرار می گیرد به اندازه ای که ماده ای رد شود و آن کنار خانه رسول خدا صلی الله علیه وسلم است و درهای هردو به هم نزدیکند.

۱۰- نظیر این روایت را جمیل بن درّاج نیز از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

ص: ۵۸٤

«مَا بَيْنَ مِنْبَرِي وَ بُيُوتِي رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنْبَرِي عَلَى تُرْعَةٍ مِنْ تُرَعِ الْجَنَّةِ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ».

قَالَ جَمِيلٌ: قُلْتُ لَهُ: بُيُوتُ النَّبِيِّ صلی الله علیه وسلم وَبَيْتُ عَلِيّ علیه السلام مِنْهَا؟

قَالَ: نَعَمْ وَ أَفْضَلُ.

۱۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ:

الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلی الله علیه وسلم تَعْدِلُ عَشَرَةَ آلَافِ صَلَاةٍ.

١٢- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ السَّرَّاجِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي الصَّامِتِ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم تَعْدِلُ بِعَشَرَةِ آلَافِ صَلَاةٍ.

١٣- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ:

در پایان آن می افزاید: به حضرتش گفتم خانه پیامبر صلی الله علیه وسلم و خانه علی علیه السلام از مسجد (و باغ بهشتی) است؟

فرمود: آری و برتر است.

١١- هارون بن خارجه گوید: حضرتش فرمود:

نماز در مسجد رسول خدا صلی الله علیه وسلم برابر ده هزار نماز است.

١٢- نظیر این روایت را ابی صامت نیز از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

١٣- یونس بن یعقوب گوید: -

ص: ٥٨٥

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: الصَّلَاةُ فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ أَفْضَلُ أَوْ فِي الرَّوْضَةِ؟

قَالَ: فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ عليها السلام.

١٤- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبَی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: الصّلَاةُ فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ علیها السلام مِثْلُ الصّلَاةِ فِي الرّوْضَةِ؟

قَالَ: وَأَفْضَلُ.

بخش ششم

اشاره

(٦)

بَابُ مَقَامِ جَبْرَئِيلَ علیه السلام.

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ جَمِيعاً قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

انْتِ مَقَامَ جَبْرَئِيلَ وَ هُوَ تَحْتَ الْمِيزَابِ، فَإِنّهُ كَانَ مَقَامَهُ إِذَا اسْتَأْذَنَ عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم وَ قُلْ:

به امام صادق علیه السلام گفتم: نماز در خانه فاطمه علیها السلام بهتر است یا در روضه (مابین قبر و منبر)؟

فرمود: خانه فاطمه علیها السلام .

١٤- جمیل بن درّاج گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: نماز در خانه فاطمه علیها السلام مانند نماز در روضه است؟

فرمود: و برتر از آن است.

جایگاه جبرئیل علیه السلام

١- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

به مقام جبرئيل عليه السلام كه زير ناودان است برو، زيرا كه آن جا جايگاه او بود، آن گاه كه می خواست از رسول خدا صلى الله عليه وسلم اجازه بگيرد و بگو:

ص: ٥٨٦

«أَيْ جَوَادُ أَيْ كَرِيمُ أَيْ قَرِيبُ أَيْ بَعِيدُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرُدّ عَلَيّ نِعْمَتَكَ».

قَالَ: وَ ذَلِكَ مَقَامٌ لا تَدْعُو فِيهِ حَائِضٌ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ، ثُمّ تَدْعُو بِدُعَاءِ الدّمِ إِلّا رَأَتِ الطّهْرَ إِنْ شَاءَ اللّهُ.

بخش هفتم

اشاره

(٧)

بَابُ فَضْلِ الْمُقَامِ بِالْمَدِينَةِ وَ الصّوْمِ وَالِاعْتِكَافِ عِنْدَ الْأَسَاطِينِ.

١- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ ابْنِ فَضّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْم قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام أَيّمَا أَفْضَلُ الْمُقَامُ بِمَكّةَ أَوْ بِالْمَدِينَةِ؟

فَقَالَ: أَيّ شَيْءٍ تَقُولُ أَنْتَ؟

قَالَ: فَقُلْتُ: وَ مَا قَوْلِي مَعَ قَوْلِكَ.

قَالَ: إِنّ قَوْلَكَ يَرُدّكَ إِلَى قَوْلِي.

«أَيْ جَوَادُ أَيْ كَرِيمُ أَيْ قَرِيبُ أَيْ بَعِيدُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ».

فرمود: و آن جایی است که اگر زن حائض رو به قبله دعای قطع خونریزی کند، دعایش مستجاب می شود و پاک می شود ان شاء الله.

فضیلت اقامت در مدینه، و اعتکاف نزد ستون ها

۱- حسن بن جهم گوید: از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: کدام یک بهتر است اقامت در مکه یا در مدینه؟

فرمود: تو چه می گویی؟

گوید: گفتم: سخنی در برابر سخن شما ندارم.

فرمود: همانا سخن تو از سخن ماست.

ص: ۵۸۷

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: أَمَّا أَنَا فَأَزْعُمُ أَنَّ الْمُقَامَ بِالْمَدِينَةِ أَفْضَلُ مِنَ الْمُقَامِ بِمَكَّةَ.

قَالَ: فَقَالَ: أَمَا لَئِنْ قُلْتَ ذَلِكَ، لَقَدْ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام ذَاكَ يَوْمَ فِطْرٍ، وَ جَاءَ إِلَى رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم فَسَلَّمَ عَلَيْهِ فِي الْمَسْجِدِ. ثُمَّ قَالَ: قَدْ فَضَلْنَا النَّاسَ الْيَوْمَ بِسَلَامِنَا عَلَى رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم.

۲- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ:

دَخَلْتُ أَنَا وَ عَمَّارٌ وَ جَمَاعَةٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام بِالْمَدِينَةِ، فَقَالَ: مَا مُقَامُكُمْ؟

فَقَالَ: عَمّارٌ قَدْ سَرّحْنَا ظَهْرَنَا وَ أَمَرْنَا أَنْ نُؤْتَى بِهِ إِلَى خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً.

فَقَالَ: أَصَبْتُمُ الْمُقَامَ فِي بَلَدِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ الصّلَاةَ فِي مَسْجِدِهِ وَ اعْمَلُوا لآخِرَتِكُمْ وَأَكْثِرُوا لِأَنْفُسِكُمْ إِنّ الرّجُلَ قَدْ يَكُونُ كَيْساً فِي الدُّنْيَا فَيُقَالُ: مَا أَكْيَسَ فُلاناً، وَ إِنّمَا الْكَيْسُ كَيْسُ الآخِرَةِ.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ عَمْرٍو الزّيّاتِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

گويد: به حضرتش گفتم من گمان می کنم که اقامت در مدينه بهتر از اقامت در مكه باشد.

گويد: فرمود: آگاه باش! اگر تو چنين گفتی البته اين سخن را امام صادق عليه السلام در روز فطر فرمود و به كنار قبر رسول خدا صلی الله عليه وسلم آمد و در مسجد بر او سلام داد.

سپس فرمود: امروز ما به جهت سلام بر رسول خدا صلی الله عليه وسلم نسبت به مردم برتری داده شده ايم.

۲- مرازم گويد: منٍ، عمّار و عده ای در مدينه به خدمت امام صادق عليه السلام شرفياب شديم.

حضرتش فرمود: چقدر در مدينه می مانيد؟

عمار گفت: مركب خود را به چرا فرستاديم و گفتيم تا پانزده روز ديگر بياورند.

فرمود: شما ماندن در شهر رسول خدا صلی الله عليه وسلم و نماز در مسجدش را دريافتيد، برای آخرت خود عمل نماييد و برای خودتان بسيار توشه برداريد گاهی فردی از كارهای دنيايی زيركی می كند گفته می شود فلانی زيرک است درحالی كه زيركی، فقط در كارهای جهان آخرت است.

۳- محمد بن عمرو زيات گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

مَنْ مَاتَ فِي الْمَدِينَةِ بَعَثَهُ اللّهُ فِي الآمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْهُمْ يَحْيَى بْنُ حَبِيبٍ وَ أَبُو عُبَيْدَةَ الْحَذّاءُ وَ عَبْدُ الرّحْمَانِ بْنُ الْحَجّاج.

٤- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمّادٍ عَنِ الْحَلَبِيّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُقِيمَ ثَلَاثَةَ أَيّامِ الْأَرْبِعَاءَ وَ الخَمِيسَ وَ الجُمُعَةَ فَصَلّ مَا بَيْنَ الْقَبْرِ وَ الْمِنْبَرِ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ عِنْدَ الْأَسْطُوَانَةِ الّتِي تَلِي الْقَبْرَ فَتَدْعُو اللّهَ عِنْدَهَا، وَ تَسْأَلُهُ كُلّ حَاجَةٍ تُرِيدُهَا فِي آخِرَةٍ أَوْ دُنْيَا وَ الْيَوْمَ الثّانِيَ عِنْدَ أَسْطُوَانَةِ التّوْبَةِ، وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عِنْدَ مَقَامِ النّبِيّ صلى الله عليه وسلم مُقَابِلَ الْأَسْطُوَانَةِ الْكَثِيرَةِ الْخَلُوقِ، فَتَدْعُو اللّهَ عِنْدَهُنّ لِكُلّ حَاجَةٍ وَ تَصُومُ تِلْكَ الثّلَاثَةَ الْأَيّامِ.

٥- ابْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

صُم الْأَرْبِعَاءَ وَ الْخَمِيسَ وَ الْجُمُعَةَ، وَصَلّ لَيْلَةَ الْأَرْبِعَاءِ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ عِنْدَ الأُسْطُوَانَةِ الّتِي تَلِي رَأْسَ النّبِيّ صلى الله عليه وسلم وَ لَيْلَةَ الْخَمِيسِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ عِنْدَ أُسْطُوَانَةِ أَبِي لُبَابَةَ وَ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عِنْدَ الْأَسْطُوَانَةِ الّتِي تَلِي مَقَامَ النّبِيّ صلى الله عليه وسلم وَادْعُ بِهَذَا الدّعَاءِ لِحَاجَتِكَ وَ هُوَ:

هرکس در مدینه بمیرد خداوند او را در روز قیامت جزو ایمن شدگان بر می انگیزاند که یحیی بن حبیب، ابو عبید حذاء و عبدالرحمان بن حجاج از این گروهند.

٤- حلبی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که وارد مسجد پیامبر شدی اگر توانستی سه روز روزهای چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه را بمان پس در روز چهارشنبه میان قبر و منبر نزد ستونی که نزدیک قبر است نمازگزار و خدا را بخوان و هر حاجتی که برای جهان آخرت یا دنیا داری بخواه و روز دوم کنار ستون توبه و روز جمعه کنار محراب که جایگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم برابر ستون «کثیرة الخلوق» خدا را می خوانی و حاجت خود را می خواهی و این سه روز را روزه می گیری.

۵- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

روزهای چهارشنبه پنجشنبه و جمعه را روزه بگير و شب چهارشنبه و روز چهارشنبه نزد ستونی كه نزديک بالای سر پيامبر صلی الله عليه وسلم است نمازگزار و شب پنجشنبه و روز پنجشنبه نزد ستون ابو لبابه و شب جمعه و روز جمعه نزد ستونی كه نزديک مقام پيامبر صلی الله عليه وسلم است و برای حاجت خود اين دعا را بخوان:

ص: ۵۸۹

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعِزّتِكَ وَ قُوّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

بخش هشتم

اشاره

(۸)

بَابُ زِيَارَةِ مَنْ بِالْبَقِيعِ عليهم السلام.

۱- إِذَا أَتَيْتَ الْقَبْرَ الّذِي بِالْبَقِيعِ فَاجْعَلْهُ بَيْنَ يَدَيْكَ ثُمّ تَقُولُ:

«السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَئِمّةَ الْهُدَى السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التّقْوَى السّلَامُ عَلَيْكُمُ الْحُجّةَ عَلَى أَهْلِ الدّنْيَا، السّلَامُ عَلَيْكُمُ الْقُوّامَ فِي الْبَرِيّةِ بِالْقِسْطِ السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصّفْوَةِ، السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النّجْوَى.

أَشْهَدُ أَنّكُمْ قَدْ بَلّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللّهِ وَ كُذّبْتُمْ وَ أُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَوْتُمْ وَ

أَشْهَدُ أَنّكُمُ الْأَئِمّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيّونَ، وَ أَنّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَ أَنّ قَوْلَكُمُ الصّدْقُ.

«اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ بِعِزّتِكَ وَقُوّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ جَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ أَنْ تُصَلّيَ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا» (به جای کذا و کذا حاجت خود را بخواه).

زیارت ائمه ی بقیع علیهم السلام

۱- هرگاه به قبرستان بقیع آمدی آن را مقابل خود قرار ده سپس بگو: «السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَئِمّةَ الْهُدَى السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التّقْوَى السّلَامُ عَلَيْكُمُ الْحُجّةَ عَلَى أَهْلِ الدّنْيَا السّلَامُ عَلَيْكُمُ الْقُوّامَ فِي الْبَرِيّةِ بِالْقِسْطِ السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصّفْوَةِ السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النّجْوَى.

أَشْهَدُ أَنّكُمْ قَدْ بَلّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللّهِ وَ كُذّبْتُمْ وَ أُسِيءَ إِلَيْكُمْ فَعَفَوْتُمْ وَأَشْهَدُ أَنّكُمُ الْأَئِمّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيّونَ، وَ أَنّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ، وَ أَنّ قَوْلَكُمُ الصّدْقُ.

ص: ۵۹۰

وَ أَنّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَ أَنّكُمْ دَعَائِمُ الدّينِ، وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ، وَ لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللّهِ يَنْسَخُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلّ مُطَهّرٍ وَ يَنْقُلُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُطَهّرَاتِ لَمْ تُدَنّسْكُمُ الْجَاهِلِيّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرَكْ فِيكُمْ فِتَنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَ طَابَ مَنْبِتُكُمْ، مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيّانُ الدّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفّارَةً لِذُنُوبِنَا إِذَا اخْتَارَكُمْ لَنَا وَطَيّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنّ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَا يَتِكُمْ وَكُنّا عِنْدَهُ مُسَمّيْنَ بِفَضْلِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيّاكُمْ.

وَ هَذَا مَقَامُ مَنْ أَسْرَفَ وَ أَخْطَأَ وَ اسْتَكَانَ وَ أَقَرّ بِمَا جَنَى وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكَى مِنَ الرّدَى فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذَا رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدّنْيَا وَ اتّخَذُوا آيَاتِ اللّهِ هُزُواً وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لا يَسْهُو وَ دَائِمٌ لا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنّ بِمَا وَفّقْتَنِي وَ عَرّفْتَنِي مِمّا ائْتَمَنْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدّ عَنْهُمْ عِبَادُكَ وَ جَهِلُوا مَعْرِفَتَهُمْ وَ اسْتَخَفُوا بِحَقّهِمْ وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُمْ فَكَانَتِ الْمِنّةُ مِنْكَ عَلَيّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ. فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ

عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُوراً مَكْتُوباً وَ لا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ»، وَادْعُ لِنَفْسِكَ بِمَا أَحْبَبْتَ.

وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَ أَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ، وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ وَ لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللّهِ يَنْسَخُكُمْ فِي أَصْلَابٍ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَ يَنْقُلُكُمْ فِي أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدَنِّسْكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرَكْ فِيكُمْ فِتَنُ الْأَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَ طَابَ مَنْبِتُكُمْ، مَنّ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيّانُ الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفّارَةً لِذُنُوبِنَا إِذَا اخْتَارَكُمْ لَنَا وَ طَيّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنّ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَ كُنّا عِنْدَهُ مُسَمّيْنَ بِفَضْلِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنَا إِيّاكُمْ.

وَ هَذَا مَقَامُ مَنْ أَسْرَفَ وَ أَخْطَأَ وَ اسْتَكَانَ وَ أَقَرّ بِمَا جَنَى وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكَى مِنَ الرّدَى فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذَا رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ اتّخَذُوا آيَاتِ اللّهِ هُزُواً وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لا يَسْهُو وَ دَائِمٌ لا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنُّ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرّفْتَنِي مِمّا ائْتَمَنْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدّ عَنْهُمْ عِبَادُكَ وَ جَهِلُوا مَعْرِفَتَهُمْ وَ اسْتَخَفُّوا بِحَقّهِمْ وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُمْ فَكَانَتِ الْمِنّةُ مِنْكَ عَلَيّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ.

فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُوراً مَكْتُوباً وَ لا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ» و آن چه دوست دارى براى خودت دعا بكن.

ص: ۵۹۱

بخش نهم

اشاره

(۹)

بَابُ إِثْيَانِ الْمَشَاهِدِ وَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ جَمِيعاً عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

لا تَدَعْ إِتْيَانَ الْمَشَاهِدِ كُلِّهَا؛ مَسْجِدِ قُبَاءَ، فَإِنَّهُ الْمَسْجِدُ الَّذِي أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ، وَ مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ، وَ مَسْجِدِ الْفَضِيخِ، وَ قُبُورِ الشُّهَدَاءِ، وَ مَسْجِدِ الْأَحْزَابِ، وَهُوَ مَسْجِدُ الْفَتْحِ.

قَالَ: وَ بَلَغَنَا أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم كَانَ إِذَا أَتَى قُبُورَ الشُّهَدَاءِ قَالَ:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ».

وَ لْيَكُنْ فِيمَا تَقُولُ عِنْدَ مَسْجِدِ الْفَتْحِ:

زیارت مشاهد و قبور شهدا

١- معاوية بن عمار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

برای زیارت همه مشاهد برو از جمله مسجد قبا مسجدی که از آغاز برای تقوا بنا شده، غرفه ماریه مادر ابراهیم، مسجد فضیح، قبور شهدای احد، مسجد احزاب که همان مسجد فتح است.

فرمود: به ما روایت شده که هر گاه پیامبر صلی الله علیه وسلم به کنار قبور شهدا می آمد می فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ».

و در مسجد فتح این گونه بگو: -

ص: ٥٩٢

«يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ هَمِّي وَ غَمِّي وَ كَرْبِي كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ».

٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْن خَالِدٍ قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّا نَأْتِي الْمَسَاجِدَ الَّتِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ فَبِأَيِّهَا أَبْدَأُ؟

فَقَالَ: ابْدَأْ بِقَبَاءِ فَصَلِّ فِيهِ وَ أَكْثِرْ، فَإِنَّهُ أَوَّلُ مَسْجِدٍ صَلَّى فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم هَذِهِ الْعَرْصَةِ، ثُمَّ انْتِ مَشْرَبَةَ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ فَصَلِّ فِيهَا، وَ هِيَ مَسْكَنُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم وَ مُصَلَّاهُ، ثُمَّ تَأْتِي مَسْجِدَ الْفَضِيحَ فَتُصَلِّي فِيهِ فَقَدْ صَلَّى فِيهِ نَبِيُّكَ، فَإِذَا قَضَيْتَ هَذَا الْجَانِبَ أَتَيْتَ جَانِبَ أُحُدٍ فَبَدَأْتَ بِالْمَسْجِدِ الَّذِي دُونَ الْحَرَّةِ فَصَلَّيْتَ فِيهِ، ثُمَّ مَرَرْتَ بِقَبْرِ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَسَلَّمْتَ عَلَيْهِ، ثُمَّ مَرَرْتَ بِقُبُورِ الشُّهَدَاءِ فَقُمْتَ عِنْدَهُمْ فَقُلْتَ:

«يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اكْشِفْ هَمِّي وَ غَمِّي وَ كَرْبِي كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هَذَا الْمَكَانِ».

٢- عقبة بن خالد گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم: ما براى ديدن به مساجد اطراف مدينه مى رويم از كدام آنها شروع كنم؟

فرمود: از مسجد قبا شروع كن در آن جا نماز بگزار، زيرا آن نخستين مسجدى است كه رسول خدا صلى الله عليه وسلم از اين همه عرصه در آن نماز خواند.

سپس به غرفه مادر ابراهيم برو در آن نيز نماز بگزار و آن محل سكونت و نماز رسول خدا صلى الله عليه وسلم بود.

آن گاه به مسجد فضيح برو و در آن نماز بگزار كه پيامبرت در آن نماز گزارد. وقتى اين طرف را تمام نمودى به جانب اُحد مى روى و از مسجدى كه نزديک سنگستان است در آن نماز مى گزارى، سپس به قبر حمزه فرزند عبد المطلب عليهما السلام مى روى، بر او سلام مى نمايى آن گاه به قبور شهدا مى روى و نزد آنها ايستاده مى گويى:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ إِنَّا بِكُمْ لاحِقُونَ» ثُمَّ تَأْتِي الْمَسْجِدَ الَّذِي كَانَ فِي الْمَكَانِ الْوَاسِعَ إِلَى جَنْبِ الْجَبَلِ عَنْ يَمِينِكَ حِينَ تَدْخُلُ أُحَداً فَتَصَلِّي فِيهِ فَعِنْدَهُ خَرَجَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم إِلَى أُحُدٍ حِينَ لَقِيَ الْمُشْرِكِينَ فَلَمْ يَبْرَحُوا حَتَّى حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَصَلَّى فِيهِ.

ثُمَّ مُرَّ أَيْضاً حَتَّى تَرْجِعَ فَتُصَلِّيَ عِنْدَ قُبورِ الشُّهَدَاءِ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكَ، ثُمَّ امْضِ عَلَى وَجْهِكَ حَتَّى تَأْتِيَ مَسْجِدَ الْأَحْزَابِ فَتُصَلِّيَ فِيهِ وَ تَدْعُوَ اللَّهَ فِيهِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم دَعَا فِيهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ وَ قَالَ:

«يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا مُغِيثَ الْمَهْمُومِينَ اكْشِفْ هَمِّي وَ كَرْبِي وَ غَمِّي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي».

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتَهُ يَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ إِنَّا بِكُمْ لاحِقُونَ».

سپس به مسجدی می آیی که به هنگام ورود تو به احد در سمت راست تو در جای وسیع کنار کوه قرار گرفته است و در آن نماز می خوانی.

پیامبر صلی الله علیه وسلم به هنگام رو در رو با مشرکان از همان جا به سوی احد خارج شد، پس درنگ نکردند تا وقت نماز فرا رسید پس در آن نماز خواند.

آن گاه بگذر تا به نزد قبور شهدا برگردی و نماز فریضه بخوانی. آن گاه به راه خود ادامه ده تا به مسجد احزاب بیایی و در آن نماز می گزاری و خدا را فرا می خوانی زیرا رسول خدا صلی الله علیه وسلم در جنگ احزاب در آن مسجد دعا کرد و فرمود:

«يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا مُغِيثَ الْمَهْمُومِينَ اكْشِفْ هَمِّي وَ كَرْبِي وَ غَمِّي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي».

۳- هشام بن سالم گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه می فرمود:

ص: ۵۹۴

عَاشَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام بَعْدَ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم خَمْسَةٌ وَ سَبْعِينَ يَوْماً ، لَمْ تُرَ كَاشِرَةٌ وَ لَا ضَاحِكَةٌ، تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمْعَةٍ مَرَّتَيْنِ الْإِثْنَيْنِ وَ الْخَمِيسَ فَتَقُولُ: هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ هَاهُنَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى أَبَانٌ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: أَنَّهَا كَانَتْ تُصَلّى هُنَاكَ وَ تَدْعُو حَتّى مَاتَتْ عليها السلام.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ لَيْثٍ الْمُرَادِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام عَنْ مَسْجِدِ الْفَضِيحَ لِمَ سُمِّيَ مَسْجِدَ الْفَضِيخِ؟

فَقَالَ: لِنَخْلٍ يُسَمّى الْفَضِيخَ، فَلِذَلِكَ سُمِّيَ مَسْجِدَ الْفَضِيحَ.

٤- أَبُو عَلِيّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيُّ قَالَ، -

فاطمه عليها السلام بعد از رسول خدا صلى الله عليه وسلم هفتاد و پنج روز زندگی نمود و خوشحال و خندان ديده نشد.

آن حضرت در هر هفته دو بار روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زيارت قبور شهدا می آمد و می فرمود: اين جا جايگاه رسول خدا صلى الله عليه وسلم بود و اين جا، جايگاه مشركين.

و در روایت دیگری آمده است: امام صادق علیه السلام فرمود:

حضرت فاطمه علیها السلام در آن جا نماز می خواند و دعا می کرد تا این که از دنیا رفت.

٤- لیث مرادی گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مسجد فضیح پرسیدم که چرا مسجد فضیح نامیده شده است؟

فرمود: به جهت درخت خرمایی به نام فضیح در آن جا بود که به آن سبب مسجد فضیح نامیده شد.

٥- حلبی گوید:

ص: ٥٩٥

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: هَلْ أَتَيْتُمْ مَسْجِدَ قُبَاءَ أَوْ مَسْجِدَ الفَضِيخِ أَوْ مَشْرَبَةَ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَمْ يَبْقَ مِنْ آثَارِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه وسلم شَيْءٌ إِلّا وَ قَدْ غُيِّرَ غَيْرَ هَذَا.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعِيدٍ عن الْحَسَنِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمّارِ بْنِ مُوسَى قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام مَسْجِدَ الْفَضِيخِ.

فَقَالَ: يَا عَمّارُ! تَرَى هَذِهِ الْوَهْدَةَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: كَانَتِ امْرَأَةُ جَعْفَرٍ الّتِي خَلَفَ عَلَيْهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَاعِدَةٌ فِي هَذَا الْمَوْضِعِ وَ مَعَهَا ابْنَاهَا مِنْ جَعْفَرٍ، فَبَكَتْ فَقَالَ لَهَا ابْنَاهَا: مَا يُبْكِيكِ يَا أُمّهُ؟

قَالَتْ: بَكَيْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.

امام صادق عليه السلام فرمود: آيا به مسجد قبا يا مسجد فضيح يا غرفه اُم ابراهيم رفته ايد؟

گفتم: آرى.

فرمود: آگاه باشيد چيزى از آثار رسول خدا صلى الله عليه وسلم نماند مگر اين كه تغييرها داده شد جز اين اثر.

۷- عمار بن موسى گويد: من و امام صادق عليه السلام وارد مسجد فضيح شديم، فرمود: اى عمار! آيا اين زمين پست را مى بينى؟

گفتم: آرى.

فرمود: زن جعفر طيار بعد از او همسر اميرالمؤمنين عليه السلام شد، در همين جا با دو پسر جعفر نشسته بودند او گريه كرد پسرهايش به وى گفتند: براى چه گريه ميكنى اى مادر؟

گفت: براى اميرالمؤمنين عليه السلام گريه مى كنم.

ص: ۵۹۶

فَقَالَا لَهَا: تَبْكِينَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ لَا تَبْكِينَ لِأَبِينَا؟

قَالَتْ: لَيْسَ هَذَا هَكَذَا، وَلَكِنْ ذَكَرْتُ حَدِيثاً حَدَّثَنِي بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي هَذَا الْمَوْضِعِ فَأَبْكَانِي.

قَالا: وَ مَا هُوَ؟

قَالَتْ: كُنْتُ أَنَا وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، فَقَالَ لِي: تَرَيْنَ هَذِهِ الْوَهْدَةَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ.

قَالَ: كُنْتُ أَنَا وَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم قَاعِدَيْنِ فِيهَا إِذْ وَضَعَ رَأْسَهُ فِي حَجْرِي ثُمّ خَفَقَ حَتّى غَطّوَ حَضَرَتْ صَلَاةُ الْعَصْرِ، فَكَرِهْتُ أَنْ أُحَرّكَ رَأْسَهُ عَنْ فَخِذِي فَأَكُونَ قَدْ آذَيْتُ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم حَتّى ذَهَبَ الْوَقْتُ وَفَاتَتْ.

فَانْتَبَهَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم فَقَالَ: يَا عَلِيُّ ! صَلّيْتَ؟

قلت: لا.

به او گفتند: برای امیر المؤمنین علیه السلام گریه می کنی و به پدر ما گریه نمی کنی؟

گفت: چنین نیست ولی بیاد قصه ای افتادم که امیرالمؤمنین علیه السلام در اینجا برای من نقل فرمود.

گفتند: کدام قصه؟

گفت: من و امیرالمؤمنین علیه السلام در همین مسجد بودیم آن حضرت به من فرمود: این زمین پست را می بینی؟

گفتم: آری.

فرمود: من و رسول خدا صلی الله علیه وسلم در همین جا نشسته بودیم که سرش را به دامن نهاد سپس خواب سنگینی نمود وقتی نماز عصر فرا رسید، نخواستم سر مبارکش را از دامن خود بردارم که رسول خدا صلی الله علیه وسلم را آزار نمایم وقت نماز گذشت و نماز فوت شد.

رسول خدا صلی الله علیه وسلم بیدار شد فرمود: ای علی! نماز گزاردی؟

گفتم: نه.

قَالَ: وَ لِمَ ذَلِكَ؟

قُلْتُ: كَرِهْتُ أَنْ أُوذِيَكَ.

قَالَ: فَقَامَ وَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ مَدّ يَدَيْهِ كِلْتَيْهِمَا وَ قَالَ: «اللّهُمّ رُدّ الشّمْسَ إِلَى وَقْتِهَا حَتّى يُصَلّيَ عَلِيٌّ».

فَرَجَعَتِ الشّمْسُ إِلَى وَقْتِ الصّلَاةِ حَتّى صَلّيْتُ الْعَصْرَ، ثُمّ انْقَضّتْ انْقِضَاضَ الْكَوْكَبِ.

بخش دهم

اشاره

(۱۰)

بَابُ وَدَاعِ قَبْرِ النّبِيّ صلى الله عليه وسلم.

۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

فرمود: چرا؟

گفتم: نخواستم شما را آزار نمایم.

پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم هم برخاست و رو به قبله نمود و هردو دستش را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا! آفتاب را به وقت نماز عصر برگردان تا علی نماز گزارد.

در این هنگام آفتاب به وقت نماز عصر برگشت و من نماز خواندم، سپس با شتاب به سان فرو رفتن ستارگان فرو رفت.

وداع با قبر پیامبر صلی الله علیه واله وسلم

۱- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: -

ص: ۵۹۸

إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ مِنَ الْمَدِينَةِ فَاغْتَسِلْ ثُمَّ انْتِ قَبْرَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم بَعْدَ مَا تَفْرُغُ مِنْ حَوَائِجِكَ وَ اصْنَعْ مِثْلَ مَا صَنَعْتَ عِنْدَ دُخُولِكَ وَ قُلْ: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ».

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ وَدَاعِ قَبْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم.

قَالَ: تَقُولُ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ لا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

بخش یازدهم

اشاره

(۱۱)

بَابُ تَحْرِيمِ الْمَدِينَةِ.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ حَسَّانَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام:

هرگاه خواستی از مدينه خارج شوی غسل کن و کنار قبر پيامبر صلی الله عليه وسلم برو و اعمالی را که به هنگام ورود انجام دادی، انجام بده و بگو:

«اللّهُمّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيّكَ، فَإِنْ تَوَفّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لا إِلَهَ إِلّا أَنْتَ وَ أَنّ مُحَمّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ».

۲- یونس بن یعقوب گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد وداع قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدم.

فرمود: بگو: «صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ السّلَامُ عَلَيْكَ لا جَعَلَهُ اللّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

حرمت مدینه

۱- حسّان بن مهران گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: -

ص: ۵۹۹

مَكّةُ حَرَمُ اللّهِ، وَ الْمَدِينَةُ حَرَمُ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه وسلم، وَ الْكُوفَةُ حَرَمِي لَا يُرِيدُهَا جَبّارٌ بِحَادِثَةٍ إِلّا قَصَمَهُ اللّهُ.

۲- حُمَيْدُ بْنُ زِيَادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي الْعَبّاسِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: حَرّمَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم الْمَدِينَةَ؟

قَالَ: نَعَمْ حَرّمَ بَرِيداً فِي بَرِيدٍ غَضَاهَا.

قَالَ: قُلْتُ: صَيْدَهَا.

قَالَ: لا، يَكْذِبُ النّاسُ.

٣- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْن مُسْكَانَ عَنِ الْحَسَنِ الصَّيْقَلِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: كُنْتُ عِنْدَ زِيَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ عِنْدَهُ رَبِيعَةُ الرَّأْي.

فَقَالَ زِيَادٌ: مَا الَّذِي حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم مِنَ الْمَدِينَةِ؟

مکه حرم خدا، مدینه حرم رسول خدا صلی الله علیه وسلم وکوفه حرم من است. هر ستمگری که قصد سوء به آن داشته باشد خداوند او را شکست می دهد.

٢- ابو العباس گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا رسول خدا علیه السلام مدینه را حرم قرار داد؟

فرمود: آری، پیامبر صلی الله علیه وسلم چهار فرسخ در چهار فرسخ درختان آن را حرم قرار داد.

گوید: گفتم: آیا شکار آن را نیز حرام قرار داد؟

فرمود: نه، مردم (مخالفان) دروغ می گویند.

٣- حسن صیقل گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نزد زیاد بن عبدالله (حاکم مدینه) بودم که ربیعة الرّأی نیز (که از اهل رأی است) نزد او بود. زیاد پرسید: چه بخشی از مدینه را رسول خدا صلی الله علیه وسلم حرم قرار داد؟

فَقَالَ لَهُ: بَرِيدٌ فِي بَرِيدٍ.

فَقَالَ لِرَبِيعَةَ: وَكَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم أَمْيَالٌ؟

فَسَكَتَ وَ لَمْ يُجِبْهُ، فَأَقْبَلَ عَلَيّ زِيَادٌ فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ! مَا تَقُولُ أَنْتَ؟

فَقُلْتُ: حَرّمَ رَسُولُ اللّهِ صلى الله عليه وسلم مِنَ الْمَدِينَةِ مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا.

قَالَ: وَ مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا؟

قُلْتُ: مَا أَحَاطَتْ بِهِ الْحِرَارُ.

قَالَ: وَ مَا حَرّمَ مِنَ الشّجَرِ؟

قُلْتُ: مِنْ عَيْرٍ إِلَى وَعَيْرٍ؟

قَالَ صَفْوَانُ: قَالَ ابْنُ مُسْكَانَ قَالَ الْحَسَنُ: فَسَأَلَهُ إِنْسَانٌ وَ أَنَا جَالِسٌ فَقَالَ لَهُ: وَ مَا بَيْنَ لابَتَيْهَا؟

فَقَالَ: مَا بَيْنَ الصّوْرَيْنِ إِلَى النّبِيّةِ.

٤- وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

ربیعه گفت: چهار فرسخ در چهار فرسخ.

زیاد به ربیعه گفت: در زمان رسول خدا صلی الله علیه وسلم میل بود (نه فرسخ).

ربیعه ساکت شد و جواب نداد زیاد رو به من کرد و گفت: ای ابو عبدالله! تو چه می گویی؟

گفتم: رسول خدا صلی الله علیه وسلم از مدینه آن چه را که میان دو سنگستان است حرم قرار داد.

گفت: میان دو سنگستان کجاست؟

گفتم: مناطقی از سنگستان که حوالی مدینه در برگرفته است.

گفت: از درختان چه بخشی را حرام نموده است؟

گفتم: از کوه غیر تا کوه و عیر.

صفوان گوید: ابن مسکان گفت: حسن گفت: من در حضور امام علیه السلام بودم که شخصی پرسید: ما بین دو سنگستان کجاست؟

فرمود: آن چه میان دو صور از سمت چپ مدینه تا تنیه الوداع - که سمت جنوب است - می باشد.

٤- ابوبصیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

حَدٌّ مَا حَرّمَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم مِنَ الْمَدِينَةِ مِنْ ذُبَابٍ إِلَى وَاقِمِ وَ الْعُرَيْضِ وَ النّقْبِ مِنْ قِبَلِ مَكّةَ.

٥- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبُ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم:

إِنّ مَكّةَ حَرَمُ اللّهِ حَرّمَهَا إِبْرَاهِيمُ علیه السلام وَ إِنّ الْمَدِينَةَ حَرَمِي مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا حَرَمٌ لَا يُعْضَدُ شَجَرُهَا وَ هُوَ مَا بَيْنَ ظِلّ عَائِرٍ إِلَى ظِلّ وَعَيْرٍ وَ لَيْسَ صَيْدُهَا كَصَيْدِ مَكّةَ يُؤْكَلُ هَذَا وَ لَا يُؤْكَلُ ذَلِكَ وَ هُوَ بَرِيدٌ.

٦- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرّاج قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه وسلم.

مَنْ أَحْدَثَ بِالْمَدِينَةِ حَدَثًا أَوْ آوَى مُحْدِثاً فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللّهِ.

قُلْتُ: وَ مَا الْحَدَثُ؟

قَالَ: الْقَتْلُ.

مساحت بخشی از مدینه که رسول خدا صلی الله علیه وسلم حرم قرار داده از کوه ذباب تا واقم و بیابان عریض و نقیب از سمت مکه است.

۵- معاویة بن عمار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: مکه حرم خداست که ابراهیم آن را حرم قرار داد. مدینه حرم من است که میان دو سنگستان آن حرم من است، درختان خودروی آن بریده نمی شود که در پایه کوه عائر تا کوه پایه کوه و عیر است. البته صید مدینه همانند صید مکه نیست که این خورده می شود و آن خورده نمی شود و این یک فرسخ است.

٦- جمیل بن دراج گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

هرکس در مدینه حادثه ای انجام دهد و یا آن که حادثه گر را پناه دهد پس لعنت خدا بر او باد.

گفتم: حادثه چیست؟

فرمود: کشتن فردی است.

ص: ٦٠٢

بخش دوازدهم

اشاره

(۱۲)

بَابُ مُعَرّسِ النّبِيّ صلى الله عليه وسلم.

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام:

إِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ مَكّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ وَ انْتَهَيْتَ إِلَى ذِي الْحُلَيْفَةِ وَ أَنْتَ رَاجِعٌ إِلَى الْمَدِينَةِ مِنْ مَكّةَ فَانْتِ مُعَرّسَ النّبِيّ صلى الله عليه وسلم فَإِنْ كُنْتَ فِي وَقْتِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ، أَوْ نَافِلَةٍ فَصَلّ فِيهِ، وَ إِنْ كَانَ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ فَانْزِلْ فِيهِ قَلِيلاً، فَإِنّ رَسُولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم قَدْ كَانَ يُعَرّسُ فِيهِ وَ يُصَلّي.

٢- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَجّالِ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ عَلِيّ بْنِ أَسْبَاطِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا:

أَنّهُ لَمْ يُعَرّسْ فَأَمَرَهُ الرّضَا عليه السلام أَنْ يَنْصَرِفَ فَيُعَرّسَ.

استراحتگاه پیامبر صلی الله علیه واله وسلم

١- معاوية بن عمّار گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هر گاه از مكه به مدينه برگشتى و در حال برگشت به مدينه از مكه به ذوالحليفه رسيدى، به استراحتگاه پيامبر صلى الله عليه وسلم برو. پس اگر در وقت نماز واجب يا نافله باشى نماز به جا آور و اگر وقت نماز نباشد اندكى در آن جا فرود آى، زيرا رسول خدا صلى الله عليه وسلم آن جا

استراحت نموده و نماز مى گزارد.

٢- على بن اسباط گويد: يكى اصحاب ما در آن جا استراحت نكرد.

امام رضا عليه السلام به او امر فرمود كه برگردد و در آن جا استراحت نمايد.

أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِي الْكُوفِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْفُضَيْلَ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ جَمَّالَنَا مَرَّ بِنَا وَلَمْ يَنْزِلِ الْمُعَرَّسَ.

فَقَالَ: لا بُدَّ أَنْ تَرْجِعُوا إِلَيْهِ ، فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ.

٤- وَ عَنْهُ عَن ابْنِ فَضَّالِ قَالَ:

عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطِ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام - وَ نَحْنُ نَسْمَعُ -: إِنَّا لَمْ نَكُنْ عَرَّمْنَا فَأَخْبَرَنَا ابْنُ الْقَاسِمِ بْنِ الْفُضَيْلِ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ عَرَّسَ وَ أَنَّهُ سَأَلَكَ فَأَمَرْتَهُ بِالْعَوْدِ إِلَى الْمُعَرَّسِ فَيُعَرِّسُ فِيهِ.

فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ لَهُ: فَإِنَّا انْصَرَفْنَا فَعَرَّسْنَا فَأَيَّ شَيْءٍ نَصْنَعُ؟

قَالَ: تُصَلِّي فِيهِ وَ تَضْطَجِعُ، وَكَانَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يُصَلِّي بَعْدَ الْعَتَمَةِ فِيهِ.

فَقَالَ لَهُ مُحَمَّدٌ: فَإِنْ مَرَّ بِهِ فِي غَيْرِ وَقْتِ صَلَاةٍ مَكْتُوبَةٍ. قَالَ: بَعْدَ الْعَصْرِ.

٣- محمد بن قاسم بن فضيل گويد: به امام رضا عليه السلام گفتم: قربانت گردم! شتربان ما، ما را عبور داد و در معرس فرود نياورد.

فرمود: ناچاريد كه به آن جا بازگرديد.

پس من به آن جا برگشتم.

٤- ابن فال گوید: علی بن اسباط به امام رضا علیه السلام گفت: ما در آن جا استراحت نکردیم و محمد بن قاسم بن فضیل هم به ما خبر داده که او در آن جا استراحت نکرده بود و او از شما پرسید پس امر فرمودید که برگردد و در آن جا استراحت نماید.

فرمود: آری.

پس به حضرتش گفتم ما بر می گردیم و استراحت می کنیم چه وظیفه ای داریم؟

فرمود: در آن جا نماز می گزاری و می خوابی امام کاظم علیه السلام همواره در آن جا بعد از نماز خفتن نماز می گزارد.

پس محمد (بن قاسم بن فضیل) به امام رضا علیه السلام گفت: اگر در غیر وقت نماز واجب - یعنی بعد از عصر - از آنجا عبور شود چه وظیفه داریم؟

ص: ٦٠٤

قَالَ: سُئِلَ أَبُو الْحَسَن علیه السلام عَنْ ذَا.

فَقَالَ: مَا رُخِّصَ فِي هَذَا إِلّا فِي رَكْعَتَي الطّوَافِ، فَإِنّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِي علیهما السلام فَعَلَهُ.

وَ قَالَ: يُقِيمُ حَتّى يَدْخُلَ وَقْتُ الصّلَاةِ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! فَمَنْ مَرّ بِهِ بِلَيْل أَوْ نَهَارٍ يُعَرّسُ فِيهِ أَوْ إِنّمَا التّعْرِيسُ بِاللّيْل.

فَقَالَ: إِنْ مَرّ بِهِ بِلَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ فَلْيُعَرّسْ فِيهِ.

بخش سیزدهم

اشاره

(۱۳)

بَابُ مَسْجِدِ غَدِيرِ خُم.

۱- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

امام علیه السلام فرمود: از امام کاظم علیه السلام در این مورد پرسیده شد.

فرمود: چنین اجازه ای داده نشده مگر در دو رکعت طواف، زیرا امام حسن بن علی علیهما السلامآن را انجام داد.

و فرمود: صبر کنید تا وقت نماز فرا رسد.

گفتم: قربانت گردم! هرکه شب و یا روز از آن عبور کند باید استراحت کند یا استراحت فقط در شب است؟

فرمود: اگر در شب یا روز از آن عبور کند باید استراحت کند.

مسجد غدیر خم

۱- عبد الرحمان بن حجاج گوید: -

ص: ۶۰۵

سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ علیه السلام عَنِ الصَّلَاةِ فِي مَسْجِدِ غَدِيرِ خُمَ بِالنَّهَارِ وَ أَنَا مُسَافِرٌ.

فَقَالَ: صَلِّ فِيهِ، فَإِنَّ فِيهِ فَضْلاً وَ قَدْ كَانَ أَبِي علیه السلام يَأْمُرُ بِذَلِكَ.

٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجّالِ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَسّانَ الْجَمّالَ قَالَ:

حَمَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكّةَ، فَلَمّا انْتَهَيْنَا إِلَى مَسْجِدِ الْغَدِيرِ نَظَرَ إِلَى مَيْسَرَةِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ: ذَلِكَ مَوْضِعُ قَدَمِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم حَيْثُ قَالَ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلاهُ».

ثُمّ نَظَرَ إِلَى الْجَانِبِ الآخَرِ فَقَالَ ذَلِكَ مَوْضِعُ فُسْطَاطِ أَبِي فَلَانٍ وَ فَلَانٍ وَ سَالِمٍ مَوْلَى أَبِي حُذَيْفَةَ وَ أَبِي عُبَيْدَةَ الْجَرّاحِ، فَلَمّا أَنْ رَأَوْهُ رَافِعًا يَدَيْهِ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ : انْظُرُوا إِلَى عَيْنَيْهِ تَدُورُ، كَأَنَّهُمَا عَيْنَا مَجْنُونٍ (!!).

فَنَزَلَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام بِهَذِهِ الآيَةِ: (وَ إِنْ يَكَادُ الّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنّهُ تَجنُونٌ وَمَا هُوَ إِلّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ).

از امام کاظم علیه السلام در مورد نماز خواندن در مسجد غدیرخم در روز و در حال سفر پرسیدم.

فرمود: در آن مسجد نماز بگزار، زیرا که دارای فضیلت است و پدر بزرگوارم به آن امر می فرمود.

۲- حسّان جمال گوید: امام صادق علیه السلام را از مدینه به مکه بردم، چون به مسجد غدیر رسیدیم به سمت چپ مسجد نگاه کرد و فرمود آنجا جای پای رسول خدا صلی الله علیه وسلم است، موقعی که فرمود:

«هرکه را من مولایم پس علی مولای اوست».

سپس به سمت دیگر مسجد نگاه کرد و فرمود آن جا جای چادر ابا فلان و فلان (ابابکر و عمر)، سالم مولی ابی حذیفه و ابی عبیده جرّاح است. هنگامی دیدند پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم دستانش را بلند کرده به یکدیگر گفتند به چشمانش نگاه کنید که همانند دیوانگان می چرخد (!!).

در این هنگام جبرئیل علیه السلام با این آیه فرود آمد که نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می شنوند با چشم زخم تو را از بین ببرند و می گویند او دیوانه است. درحالی که این (قرآن) جز مایهٔ بیداری برای جهانیان نیست.

ص: ٦٠٦

٣- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

يُسْتَحَبُّ الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ الْغَدِيرِ، لِأَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه وسلم أَقَامَ فِيهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ هو موضع أظهر الله عَزوَجل فيه الحق.

بخش چهاردهم

اشاره

(١٤)

بَاب [النوادر].

١- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ زِيَادِ بْنِ أَبِي الْحَلَّالِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

مَا مِنْ نَبِيٍّ وَ لَا وَصِيِّ نَبِيٍّ يَبْقَى فِي الْأَرْضِ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ حَتَّى تُرْفَعَ رُوحُهُ وَ عَظْمُهُ وَ لَحْمُهُ إِلَى السَّمَاءِ، وَ إِنَّمَا تُؤْتَى مَوَاضِعُ آثَارِهِمْ وَ يُبَلِّغُونَهُمْ مِنْ بَعِيدٍ السَّلَامَ وَ يَسْمَعُونَهُمْ فِي مَوَاضِعِ آثَارِهِمْ مِنْ قَرِيبٍ.

٣- ابان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

خواندن نماز در مسجد غدیر خم مستحب است، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم در آن جا امیر مؤمنان علی علیه السلام را به خلافت نصب.

فرمود: آن جایی است که خدای عزوجل در آن حق را ظاهر فرمود.

[چند روایت نکته دار]

۱- زیاد بن ابی حلال گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ پیامبر و وصی پیامبری نیست که پس از مرگ سه روز بیش تر در زمین بماند تا روح استخوان و گوشت او را به آسمان بالا می برند و زائران به زیارت مواضع آثارشان می آیند و از دور برایشان سلام می رسانند و سلام را از نزدیک از مواضع آثارشان به ایشان می شنوانند.

ص: ۶۰۷

۲- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْوَشَّاءِ قَالَ:

سَمِعْتُ الرِّضَا علیه السلام يَقُولُ:

إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْداً فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصْدِيقاً بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَئِمَّتُهُمْ شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي هَاشِمٍ الْجَعْفَرِيِّ قَالَ:

بَعَثَ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فِي مَرَضِهِ وَ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ حَمْزَةَ فَسَبَقَنِي إِلَيْهِ مُحَمَّدُ بْنُ حَمْزَةَ وَ أَخْبَرَنِي مُحَمَّدٌ مَا زَالَ يَقُولُ: ابْعَثُوا إِلَى الْحَيْرِ ابْعَثُوا إِلَى الْحَيْرِ.

فَقُلْتُ لِمُحَمَّدٍ: أَلا قُلْتَ لَهُ: أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْحَيْرِ؟

ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْهِ وَ قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَنَا أَذْهَبُ إِلَى الْحَيْرِ.

فَقَالَ: انْظُرُوا فِي ذَاكَ.

ثُمّ قَالَ لِي: إِنّ مُحَمّداً لَيْسَ لَهُ سِرٌّ مِنْ زَيْدِ بْنِ عَلِي، وَ أَنَا أَكْرَهُ أَنْ يَسْمَعَ ذَلِكَ.

۲- حسن بن وشاء گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

برای هر امامی بر عهده اولیا و شیعیاش پیمانی است و از تمام و کامل بودن وفای به عهد و بهتر ادا نمودن آن زیارت قبور آن بزرگواران است پس هرکس با میل و رغبت آنها را زیارت نماید و مواردی را که آنها رغبت دارند قبول نماید ائمهٔ ایشان در روز قیامت شفیعانشان خواهند بود.

۳- ابوهاشم جعفری گوید: امام هادی علیه السلام در بستر بیماری بود، فردی را به سوی من و محمد بن حمزه فرستاد که قاصد پیش از من محمد بن حمزه به خدمتش رسید وقتی بیرون آمد به من خبر داد که امام پیوسته می فرمود: کسی را به کربلا بفرستید و کسی را به کربلا بفرستید.

به محمد گفتم: آیا به آن حضرت نگفتی که من به کربلا می روم؟

پس خدمت حضرتش رفتم و گفتم: قربانت گردم! من به کربلا می روم.

فرمود: در این مورد فکر کنید.

آن گاه به من فرمود: محمد رازدار از زید بن علی نیست و من نمی خواهم که این مطلب را بشنود.

ص: ۶۰۸

قَالَ: فَذَكَرْتُ ذَلِكَ لِعَلِيّ بْنِ بِلَالٍ. فَقَالَ: مَا كَانَ يَصْنَعُ بِالْخَيْرِ وَ هُوَ الْخَيْرُ.

فَقَدِمْتُ العَسْكَرَ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ، فَقَالَ لِي: اجْلِسْ حِينَ أَرَدْتُ الْقِيَامَ.

فَلَمّا رَأَيْتُهُ أَيْسَ بِي ذَكَرْتُ لَهُ قَوْلَ عَلِيّ بْنِ بِلَالٍ؟!

فَقَالَ لِي: أَلا قُلْتَ لَهُ: إِنّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه وسلم كَانَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَ يُقَبّلُ الْحَجَرَ وَ حُرْمَةُ النّبِيّ وَ الْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ مِنْ حُرْمَةِ الْبَيْتِ، وَ أَمَرَهُ اللّهُ عَزّوَجَلّ أَنْ يَقِفَ بِعَرَفَةَ، وَإِنّمَا هِيَ مَوَاطِنُ يُحِبُّ اللّهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا، فَأَنَا أُحِبُّ أَنْ يُدْعَى اللّهُ لِي حَيْثُ يُحِبُّ اللّهُ أَنْ يُدْعَى فِيهَا.

وَ ذَكَرَ عَنْهُ أَنّهُ قَالَ: وَ لَمْ أَحْفَظْ عَنْهُ.

قَالَ: إِنّمَا هَذِهِ مَوَاضِعُ يُحِبُّ اللّهُ أَنْ يُتَعَبّدَ لَهُ فِيهَا، فَأَنَا أُحِبُّ أَنْ يُدْعَى لِي حَيْثُ يُحِبُّ اللّهُ أَنْ يُعْبَدَ هَلّا قُلْتَ لَهُ: كَذَا [وَكَذَا]؟

قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَوْ كُنْتُ أُحْسِنُ مِثْلَ هَذَا لَمْ أَرُدّ الْأَمْرَ عَلَيْكَ. هَذِهِ أَلْفَاظُ أَبِي هَاشِمٍ لَيْسَتْ أَلْفَاظَهُ.

راوی گوید: من این مطلب را به علی بن بلال گفتم.

گفت: او با حیره چه کار دارد؟ خود حیره است.

پس داخل لشکر سامرا شدم و خدمت حضرتش رسیدم وقتی خواستم برخیزم فرمود: بنشین.

چون انس آن حضرت را بر خود دیدم گفتار علی بن بلال را بیان نمودم.

فرمود: به او نگفتی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم بیت را طواف می نمود، حجر الاسود را می بوسید. مگر نه این است که حرمت پیامبر و مؤمن بزرگتر از حرمت کعبه است و خداوند عزوجل به او امر فرموده که در عرفه توقف نماید و همانا آنها جاهایی هستند که خداوند دوست دارد که در آنها یاد شود. من دوست دارم که از خدا بر من در جایی دعا کنند که خدا دوست دارد در آنجا خوانده شود.

حضرتش مطالبی فرمود که در یادم نماند فرمود: این مواضع (قبور ائمه علیهم السلام) از جایگاه هایی هستند که خدا دوست دارد که در آنجا عبادت شود. پس من هم دوست دارم که بر من در جایی دعا شود که خدا دوست دارد در آنجا عبادت شود. آیا به او چنین و چنان نگفتی؟

گوید: گفتم قربانت گردم! اگر مانند این مطالب خوب می دانستم جریان را به میان نمی آوردم. این سخنان از زبان ابوهاشم است سخنان آن حضرت نیست.

ص: ۶۰۹

بخش پانزدهم

اشاره

(۱۵)

بَابُ مَا يُقَالُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الصَّادِقِ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ علیه السلام قَالَ: يَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ، صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَ أَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَ جَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ، جِئْتُكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، وَ مَنْ ظَلَمَكَ أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ لِي ذُنُوباً كَثِيرَةً فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَحْمُوداً مَعْلُوماً وَ إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهاً وَ شَفَاعَةً وَ قَدْ قَالَ تَعَالَى: (وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لَمَنِ ارْتَضَى)».

مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّازِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام مِثْلَهُ.

اعمالی که در بارگاه امیر المؤمنین علیه السلام انجام می شود

۱- راوی گوید: امام هادی علیه السلام فرمود آن گاه که کنار قبر امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرار گرفتی این گونه می گویی: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقَّهُ، صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَ أَنْتَ شَهِيدٌ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، وَ جَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ، جِئْتُكَ عارفاً بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، وَ مَنْ ظَلَمَكَ أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ الله.

يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنَّ لِي ذُنُوباً كَثِيرَةً فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَحْمُوداً مَعْلُوماً وَ إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهاً وَ شَفَاعَةً وَ قَدْ قَالَ تَعَالَى: (وَ لا يَشْفَعُونَ إِلَّا لَمَنِ ارْتَضى)».

ص: ٦١٠

بخش شانزدهم

اشاره

(١٦)

دُعَاءً آخَرُ عِنْدَ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.

١- تَقُولُ:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ صَاحِبَ الْعَصَا وَ الْمِيسَمِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ شَاهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَمِينُهُ عَلَى عِلْمِهِ وَ خَازِنُ سِرِّهِ وَ مَوْضِعُ حِكْمَتِهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ صلى الله عليه وسلم.

دعایی دیگر در کنار قبر امیرمؤمنان علی علیه السلام

۱- [در کنار قبر مطهر امیر مؤمنان علی علیه السلام این گونه زیارت می کنی و] می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللّٰهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَصَاحِبَ الْعَصَا وَ الْمِيسَمِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحَبْلُ الْمَتِينُ وَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ شَاهِدُهُ عَلَى عِبَادِهِ وَ أَمِينُهُ عَلَى عِلْمِهِ وَ خَازِنُ سِرِّهِ وَ مَوْضِعُ حِكْمَتِهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ اللّٰهُ صلى الله عليه وسلم.

وَ أَشْهَدُ أَنّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَ كُلّ دَاعٍ مَنْصُوبٍ دُونَكَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ، أَنْتَ أَوّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوّلُ مَغْصُوبٍ حَقُّهُ. فَصَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ لَعَنَ اللّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ اعْتَدَى عَلَيْكَ وَ صَدّ عَنْكَ لَعْناً كَثِيراً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرّبٍ وَ كُلُّ نَبِيّ مُرْسَلٍ، وَ كُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ مُمْتَحَنٍ.

صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ صَلّى اللّهُ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ.

أَشْهَدُ أَنّكَ عَبْدُ اللّهِ وَ أَمِينُهُ بَلّغْتَ نَاصِحاً وَ أَدّيْتَ أَميناً وَ قُتِلْتَ صِدّيقاً وَ مَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْثِرْ عَمّى عَلَى هُدًى وَ لَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٌّ إِلَى بَاطِلٍ.

أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصّلَاةَ وَآتَيْتَ الزّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتّبَعْتَ الرّسُولَ، وَ نَصَحْتَ لِلْأُمّةِ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقّ تِلَاوَتِهِ، وَ جَاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقّ جِهَادِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ.

أَشْهَدُ أَنّكَ كُنْتَ عَلَى بَيّنَةٍ مِنْ رَبّكَ، وَ دَعَوْتَ إِلَيْهِ عَلَى بَصِيرَةٍ، وَ بَلّغْتَ مَا أُمِرْتَ بِهِ، وَ قُمْتَ بِحَقّ اللّهِ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَا مُوهِنٍ.

وَ أَشْهَدُ أَنّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَ كُلّ دَاعٍ مَنْصُوبٍ دُونَكَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ أَنْتَ أَوّلُ مَظْلُومٍ وَ أَوّلُ مَغْصُوبٍ حَقُّهُ. فَصَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ لَعَنَ اللّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ اعْتَدَى عَلَيْكَ وَ صَدّ عَنْكَ لَعْناً كَثِيراً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرّبٍ وَ كُلُّ نَبِيّ مُرْسَلٍ، وَ كُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ مُمْتَحَنٍ.

صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ صَلّى اللّهُ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ.

أَشْهَدُ أَنّكَ عَبْدُ اللّهِ وَ أَمِينُهُ بَلّغْتَ نَاصِحاً وَ أَدّيْتَ أَميناً وَ قُتِلْتَ صِدّيقاً وَ مَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْثِرْ عَمّى عَلَى هُدًى وَ لَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٌّ إِلَى بَاطِلٍ. أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصّلَاةَ وَآتَيْتَ الزّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتّبَعْتَ الرّسُولَ وَ نَصَحْتَ لِلْأُمّةِ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقّ تِلَاوَتِهِ، وَ جَاهَدْتَ فِي اللّهِ حَقّ جِهَادِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ، وَ دَعَوْتَ إِلَيْهِ عَلَى بَصِيرَةٍ، وَ بَلَّغْتَ مَا أُمِرْتَ بِهِ، وَ قُمْتَ بِحَقِّ اللّهِ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَا مُوهِنٍ.

ص: ٦١٢

فَصَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ صَلَاةٌ مُتَّبَعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً يَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً لا انْقِطَاعَ لَهَا وَ لا أَمَدَ وَ لا أَجَلَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، وَ جَزَاكَ اللّهُ مِنْ صِدِّيقٍ خَيْراً عَنْ رَعِيَّتِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ، وَ أَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَ إِلَيْكَ وَ أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثَ النُّبُوَّةِ عِندك.

فَصَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً، وَ عَذَّبَ اللّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ.

أَتَيْتُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَارِفاً بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ. بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَتَيْتُكَ عَائِذاً بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ زَائِراً أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ، فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، أَتَيْتُكَ هَارِباً مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، أَتَيْتُكَ وَافِداً لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدَ رَبِّي.

فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، فَإِنَّ لِي ذُنُوباً كَثِيرَةً، وَ إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّهِ مَقَاماً مَعْلُوماً وَ جَاهاً عَظِيماً وَ شَأْناً كَبِيراً وَ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَ قَدْ قَالَ اللّهُ عزوَجل: (وَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لَمَنِ ارْتَضَى).

فَصَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ صَلَاةَ مُتَّبَعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً يَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً لا انْقِطَاعَ لَهَا وَ لَا أَمَدَ وَ لَا أَجَلَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وَ جَزَاكَ اللّهُ مِنْ صِدِّيقَ خَيْراً عَنْ رَعِيَّتِهِ.

أَشْهَدُ أَنَّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ ، وَ أَنَّ الْحَقَّ مَعَكَ وَإِلَيْكَ وَ أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثَ النُّبُوَّةِ عِنْدَكَ.

فَصَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً، وَ عَذَّبَ اللهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ.

أَتَيْتُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَارِفاً بِحَقِّكَ مُسْتَبْصِراً بِشَأْنِكَ، مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَتَيْتُكَ عَائِذاً بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، أَتَيْتُكَ زَائِراً أَبْتَغِي بِزِيَارَتِكَ، فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، أَتَيْتُكَ هَارِباً مِنْ ذُنُوبِيَ الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، أَتَيْتُكَ وَافِداً لِعَظِيمِ حَالِكَ وَ مَنْزِلَتِكَ عِنْدَ رَبِّي.

فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ، فَإِنَّ فِي ذُنُوباً كَثِيرَةً، وَ إِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَاماً مَعْلُوماً وَ جَاهاً عَظِيماً وَ شَأْناً كبيراً وَ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عزوجل: (وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لَمَنِ ارْتَضَى).

ص: ٦١٣

اللَّهُمَّ رَبَّ الْأَرْبَابِ صَرِيخَ الْأَحْبَابِ إِنِّي عُذْتُ بِأَخِي رَسُولِكَ مَعَاذَا فَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ أَتَوَلَّى آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ، وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَ الْعُزَّى».

بخش هفدهم

اشاره

(١٧)

بَابُ مَوْضِعِ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

١- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ يَزِيدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ طَلْحَةَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام - وَ هُوَ بِالْحِيرَةِ -: أَ مَا تُرِيدُ مَا وَعَدْتُكَ؟

قُلْتُ: بَلَى يَعْنِي الذَّهَابَ إِلَى قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

قَالَ: فَرَكِبَ وَ رَكِبَ إِسْمَاعِيلُ وَ رَكِبْتُ مَعَهُمَا حَتّى إِذَا جَازَ النُّوَيّةَ، وَ كَانَ بَيْنَ الْحِيرَةِ وَ النّجَفِ عِنْدَ ذَكَوَاتٍ بِيضٍ نَزَلَ وَ نَزَلَ إِسْمَاعِيلُ وَ نَزَلْتُ مَعَهُمَا، فَصَلّى وَ صَلّى إِسْمَاعِيلُ وَ صَلّيْتُ. فَقَالَ لِإِسْمَاعِيلَ: قُمْ فَسَلّمْ عَلَى جَدّكَ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

اللّهُمّ رَبّ الْأَرْبَابِ صَرِيخَ الْأَحْبَابِ إِنّي عُذْتُ بِأَخِي رَسُولِكَ مَعَاذَا فَفُكّ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ، آمَنْتُ بِاللّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَ أَتَوَلّى آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلّيْتُ بِهِ أَوّلَكُمْ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ وَ اللّاتِ وَ الْعُزّى».

جایگاه سر مبارک امام حسین علیه السلام

۱- یزید بن عمر بن طلحه گوید: امام صادق علیه السلام در کربلا به من فرمود: آیا موضوعی را که به تو وعده دادم نمی خواهی؟

گفتم: آری، یعنی رفتن به سوی قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بود.

گوید: پس حضرتش سوار بر مرکب شد و اسماعیل نیز پسرش سوار شد و من هم با آنها سوار بر مرکب شدم تا آن که از منطقه ثویه گذشت که بین کربلا و نجف است و در نزد تل سنگ های سرخ مایل به سفیدی فرود آمد و اسماعیل نیز فرود آمد و من هم با ایشان فرود آمدم. حضرتش در آن جا نماز گزارد و اسماعیل نیز نمازگزارد و من هم نماز گزاردم.

آن گاه به اسماعیل فرمود: برخیز و به خدمت جد بزرگوارت امام حسین علیه السلام سلام کن.

ص: ٦١٤

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَ لَيْسَ الْحُسَيْنُ عليه السلام بِكَرْبَلَاءَ.

فَقَالَ: نَعَمْ، وَ لَكِنْ لَمّا حُمِلَ رَأْسُهُ إِلَى الشّامِ سَرَقَهُ مَوْلًى لَنَا، فَدَفَنَهُ بِجَنْبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.

٢- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنِ الْحَسَنِ الْخَزَّازِ عَنِ الْوَشَّاءِ أَبِي الْفَرَجِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، فَمَرَّ بِظَهْرِ الْكُوفَةِ، فَنَزَلَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ تَقَدَّمَ قَلِيلاً فَصَلَّى رَكْعَتَيْن ثُمَّ سَارَ قَلِيلاً فَنَزَلَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ.

ثُمَّ قَالَ: هَذَا مَوْضِعُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ الْمَوْضِعَيْنِ اللَّذَيْنِ صَلَّيْتَ فِيهِمَا؟

قَالَ: مَوْضِعُ رَأْسِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَمَوْضِعُ مَنْزِلِ الْقَائِمِ عليه السلام.

گفتم: قربانت گردم! آیا امام حسین علیه السلام در کربلا نیست؟

فرمود: آری، ولی آن گاه که سر مبارکش به شام برده می شد یکی از دوستانمان او را سرقت نمود و در کنار امیرالمؤمنین علیه السلام دفن کرد.

٢- ابان بن تغلب گوید: همراه امام صادق علیه السلام بودم که از پشت کوفه گذشت. آن گاه فرود آمد و دو رکعت نماز گزارد سپس مقداری پیش رفت و دو رکعت نماز خواند آن گاه مقداری سواره رفت سپس از مرکب فرود آمد دو رکعت نماز به جا آورد.

سپس فرمود: این جا محل قبر امیر المؤمنین علیه السلام است.

گفتم: قربانت شوم! آن دو جایی که نماز خواندی کجا بودند؟

فرمود: محل سر مبارک امام حسین علیه السلام و محل منزل قائم علیه السلام است.

بخش هیجدهم

اشاره

(۱۸)

بَابُ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِي عليهما السلام.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ نُعَيْمَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ يُونُسَ الْكَنَاسِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا أَتَيْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَانْتِ الْفُرَاتَ وَ اغْتَسِلْ بِحِيَالِ قَبْرِهِ وَ تَوَجّهْ إِلَيْهِ وَعَلَيْكَ السّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ حَتّى تَدْخُلَ إِلَى الْقَبْرِ مِنَ الْجَانِبِ الشّرْقِيّ وَ قُلْ حِينَ تَدْخُلُهُ:

«السّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّهِ الْمُنْزَلِينَ السّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّهِ الْمُرْدِفِينَ، السّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّهِ الْمُسَوّمِينَ السّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّهِ الّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَرَمِ مُقِيمُونَ».

فَإِذَا اسْتَقْبَلْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقُلِ: «السّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَى أَمِينِ اللّهِ عَلَى رُسُلِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ وَ الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

زیارت قبر امام حسین بن علی علیهما السلام

۱- یونس کناسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه کنار قبر امام حسین علیه السلام آمدی پس به رود فرات برو و مقابل قبرش غسل کن و با آرامش و وقار رو به حرم امام حسین علیه السلام کند تا از طرف شرقی وارد حرم شو به هنگام ورد

بگو: «السّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّهِ الْمُنْزَلِينَ السّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّهِ الْمُرْدِفِينَ، السّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّهِ الْمُسَوّمِينَ السّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللّهِ الّذِينَ هُمْ فِي هَذَا الْحَرَمِ مُقِيمُونَ».

چون مقابل قبر امام حسین علیه السلام ایستادی بگو: «السّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَى أَمِينِ اللّهِ عَلَى رُسُلِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ وَ الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

ص: ٦١٦

ثُمّ تَقُولُ: «اللّهُمّ صَلّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ الّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالاتِكَ وَ دَيّانِ الدّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ السّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

اللّهُمّ صَلّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَ ابْنِ الّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسالاتِكَ وَ دَيّانِ الدّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ».

ثُمّ تُصَلّي عَلَى الْحُسَيْنِ وَ سَائِرِ الْأَئِمّةِ عليهم السلام كَمَا صَلّيْتَ وَ سَلّمْتَ عَلَى الْحَسَنِ عليه السلام ثُمّ تَأْتِي قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَتَقُولُ:

«السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ، أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ بَلّغْتَ عَنِ اللّهِ عَزّ وَ جَلّ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَ لَمْ تَخْشَ أَحَداً غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبَدْتَهُ صَادِقاً حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ.

آن گاه می گویی: «اللّهُمّ صَلّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدِكَ وَ أَخِي رَسُولِكَ الّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَ دَيّانِ الدّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَ السّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

اللّهُمّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍ عَبْدِكَ وَ ابْنِ الّذِي انْتَجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَ جَعَلْتَهُ هَادِياً لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَ الدّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالَاتِكَ وَ دَيّانِ الدّينِ بِعَدْلِكَ وَ فَصْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْقِكَ وَ الْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ السّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

سپس به امام حسین و دیگر امامان علیهم السلام درود می فرستی، آن سان که بر امام حسین علیه السلام درود و سلام فرستادی، آن گاه کنار قبر امام حسین علیه السلام می آیی و می گویی:

«السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ، أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ بَلّغْتَ عَنِ اللّهِ عَزّ وَ جَلّ مَا أُمِرْتَ بِهِ وَ لَمْ تَخْشَ أَحَداً غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبَدْتَهُ صَادِقاً حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ.

ص: ٦١٧

أَشْهَدُ أَنّكَ كَلِمَةُ التّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجّةُ عَلَى مَنْ يَبْقَى وَ مَنْ تَحْتَ الثّرَى.

أَشْهَدُ أَنّ ذَلِكَ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى وَ ذَلِكَ لَكُمْ فَاتِحَ فِيمَا بَقِيَ، أَشْهَدُ أَنّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ طَيّبَةٌ طَابَتْ وَ طَهُرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مَنَا مِنَ اللّهِ وَ رَحْمَةً، وَأُشْهِدُ اللّهَ وَ أُشْهِدُكُمْ أَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعُ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَاتِمَةِ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ، وَأَسْأَلُ اللّهَ الْبَرّ الرّحِيمَ أَنْ يُتِمّ ذَلِكَ لِي أَشْهَدُ أَنّكُمْ قَدْ بَلّغْتُمْ عَنِ اللّهِ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ لَنْ تَخْشَوْا أَحَداً غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبَدْتُمُوهُ حَتّى أَتَاكُمُ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ وَ لَعَنَ اللّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ وَ لَعَنَ اللّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ مِنْهُمْ فَرَضِيَ بِهِ.

أَشْهَدُ أَنّ الّذِينَ انْتَهَدُوا حُرْمَتَكُمْ وَ سَفَكُوا دَمَكُمْ مَلْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النّبِيّ الأُمّيّ صلى الله عليه وسلم».

ثُمّ تَقُولُ: «اللّهُمّ الْعَنِ الّذِينَ بَدّلُوا نِعْمَتَكَ وَ خَالَفُوا مِلّتَكَ وَ رَغِبُوا عَنْ أَمْرِكَ وَ اتّهَمُوا رَسُولَكَ وَ صَدّوا عَنْ سَبِيلِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى مَنْ يَبْقَى وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى.

أَشْهَدُ أَنَّ ذَلِكَ سَابِقٌ فِيمَا مَضَى وَ ذَلِكَ لَكُمْ فَاتِحَ فِيمَا بَقِيَ، أَشْهَدُ أَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ طَيِّبَةً طَابَتْ وَ طَهُرَتْ هِيَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ مَنّا مِنَ اللّهِ وَ رَحْمَةً وَ أُشْهِدُ اللّهَ وَ أُشْهِدُكُمْ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ فِي ذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَاتِمَةِ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ، وَ أَسْأَلُ اللّهَ الْبَرّ الرّحِيمَ أَنْ يُتِمّ ذَلِكَ لِي أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلّغْتُمْ عَنِ اللّهِ مَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ لَنْ تَخْشَوْا أَحَداً غَيْرَهُ وَ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِهِ وَ عَبَدْتُمُوهُ حَتّى أَتَاكُمُ الْيَقِينُ، لَعَنَ اللّهُ مَنْ قَتَلَكُمْ وَ لَعَنَ اللّهُ مَنْ أَمَرَ بِهِ وَ لَعَنَ اللّهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ مِنْهُمْ فَرَضِيَ بِهِ.

أَشْهَدُ أَنّ الّذِينَ انْتَهَكُوا حُرْمَتَكُمْ وَ سَفَكُوا دَمَكُمْ مَنْعُونُونَ عَلَى لِسَانِ النّبِيّ الْأُمّيّ صلى الله عليه وسلم».

آن گاه می گویی: «اللّهُمّ الْعَنِ الّذِينَ بَدّلُوا نِعْمَتَكَ وَ خَالَفُوا مِلّتَكَ وَ رَغِبُوا عَنْ أَمْرِكَ وَ اتّهَمُوا رَسُولَكَ وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ.

ص: ٦١٨

اللّهُمّ احْشُ قُبُورَهُمْ نَاراً وَ أَجْوَافَهُمْ نَاراً وَ احْشُرْهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ إِلَى جَهَنّمَ زُرْقاً.

اللّهُمّ الْعَنْهُمْ لَعْناً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرّبٍ وَ كُلُّ نَبِي مُرْسَلٍ وَ كُلُّ عَبْدٍ مُؤْمِنِ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ.

اللّهُمّ الْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسِرّ السّرّ وَ فِي ظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ.

اللّهُمّ الْعَنْ جَوَابِيتَ هَذِهِ الْأُمّةِ وَالْعَنْ طَوَاغِيتَهَا وَ الْعَنْ فَرَاعِنَتَهَا وَ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ، وَ عَذّبْهُمْ عَذَاباً لا تُعَذّبُ بِهِ أَحَداً مِنَ الْعَالَمِينَ.

اللّهُمّ اجْعَلْنَا مِمّنْ يَنْصُرُهُ وَ تَنْتَصِرُ بِهِ وَ تَمُنّ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدّنْيَا وَالآخِرَةِ».

ثُمّ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ فَقُلْ: «صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ أَشْهَدُ أَنّكَ عَبْدُ اللّهِ وَأَمِينُهُ بَلّغْتَ نَاصِحاً وَ أَدّيْتَ أَمِيناً وَقُتِلْتَ صِدّيقاً وَمَضَيْتَ عَلَى يَقِينٍ لَمْ تُؤْثِرْ عَمّى عَلَى هُدًى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٌّ إِلَى بَاطِلٍ.

أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصّلَاةَ وَآتَيْتَ الزّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتّبَعْتَ

الرّسُولَ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقّ تِلَاوَتِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً، وَ جَزَاكَ اللّهُ مِنْ صِدّيقٍ خَيْراً عَنْ رَعِيّتِكَ.

اللّهُمّ احْشُ قُبُورَهُمْ نَاراً وَ أَجْوَافَهُمْ نَاراً وَ احْشُرْهُمْ وَأَشْيَاعَهُمْ إِلَى جَهَنّمَ زُرْقاً.

اللّهُمّ الْعَنْهُمْ لَعْناً يَلْعَنُهُمْ بِهِ كُلٌّ مَلَكٍ مُقَرّبٍ وَ كُلٌّ نَبِي مُرْسَلٍ وَ كُلٌّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ اللّهُمّ الْعَنْهُمْ فِي مُسْتَسِيّ السّرّ وَ فِي ظَاهِرِ الْعَلَانِيَةِ.

اللّهُمّ الْعَنْ جَوَابِيتَ هَذِهِ الْأُمّةِ وَ الْعَنْ طَوَاغِيتَهَا وَالْعَنْ فَرَاعِنَتَهَا وَ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ وَ عَذّبْهُمْ عَذَاباً لا تُعَذّبُ بِهِ أَحداً مِنَ الْعَالَمِينَ.

اللّهُمّ اجْعَلْنَا مِمّنْ يَنْصُرُهُ وَ تَنْتَصِرُ بِهِ وَ تَمُنٌّ عَلَيْهِ بِنَصْرِكَ لِدِينِكَ فِي الدّنْيَا وَ الآخِرَةِ».

سپس بالای سر حضرتش بنشین و بگو: «صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ أَشْهَدُ أَنّكَ عَبْدُ اللّهِ وَ أَمِينُهُ بَلّغْتَ نَاصحاً وَأَدّيْتَ أَمِيناً وَقُتِلْتَ صِدّيقاً وَمَضَيْتَ عَلَى يَقِين لَمْ تُؤْثِرْ عَمَى عَلَى هُدًى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٌّ إِلَى بَاطِلٍ. أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصّلَاةَ وَآتَيْتَ الزّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتّبَعْتَ الرّسُولَ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقّ تِلَاوَتِهِ وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً، وَ جَزَاكَ اللّهُ مِنْ صِدّيقٍ خَيْرًا عَنْ رَعِيّتِكَ.

ص: ٦١٩

وَ أَشْهَدُ أَنّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَ أَنّ الْحَقّ مَعَكَ، وَ إِلَيْكَ وَأَنْتَ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثَ النّبُوّةِ عِنْدَكَ وَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً. أَشْهَدُ أَنّكَ صِدّيقُ اللّهِ وَ حُجّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ أَشْهَدُ

أَنَّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَ كُلّ دَاعٍ مَنْصُوبٍ غَيْرَكَ فَهُوَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ». ثُمّ تَحَوّلُ عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَ تَخَيّرُ مِنَ الدُّعَاءِ وَ تَدْعُو لِنَفْسِكَ، ثُمّ تَحَوّلُ عِنْدَ رَأْسِ عَلِيّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام وَ تَقُولُ:

«سَلَامُ اللّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ. يَا مَوْلايَ وَ ابْنَ مَوْلايَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكَ صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَ عِتْرَةِ آبَائِكَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ الّذِينَ أَذْهَبَ اللّهُ عَنْهُمُ الرّجْسَ وَطَهّرَهُمْ تَطْهِيراً».

ثُمّ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ وَ تُسَلّمُ عَلَيْهِمْ وَ تَقُولُ:

وَ أَشْهَدُ أَنّ الْجِهَادَ مَعَكَ جِهَادٌ وَ أَنّ الْحَقّ مَعَكَ، وَإِلَيْكَ وَ أَنْتَ أَهْلُهُ وَ مَعْدِنُهُ وَ مِيرَاثَ النُّبُوّةِ عِنْدَكَ وَ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِكَ صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً

أَشْهَدُ أَنّكَ صِدّيقُ اللّهِ وَ حُجّتُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنّ دَعْوَتَكَ حَقٌّ وَ كُلّ دَاعٍ مَنْصُوبٍ غَيْرَكَ فَهُوَ بَاطِلٌ مَدْحُوضٌ وَ أَشْهَدُ أَنّ اللّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ».

آن گاه به طرف پایین پای حضرتش میروی و هرچه خواستی برای خود دعا می کنی.

سپس به طرف بالای سر علی بن الحسین علیهما السلام می روی و می گویی:

«سَلَامُ اللّهِ وَ سَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ. يَا مَوْلايَ وَ ابْنَ مَوْلايَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكَ صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ وَ عِتْرَةِ آبَائِكَ الْأَخْيَارِ الْأَبْرَارِ الّذِينَ أَذْهَبَ اللّهُ عَنْهُمْ الرّجْسَ وَ طَهّرَهُمْ تَطْهِيراً».

آن گاه کنار قبور شهدا می آیی و بر آنان سلام می کنی و می گویی: -

«السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرّبّانِيُّونَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، وَ نَحْنُ لَكُمْ خَلَفٌ وَ أَنْصَارٌ، أَشْهَدُ أَنّكُمْ أَنْصَارُ اللّهِ وَ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، فَإِنّكُمْ أَنْصَارُ اللّهِ كَمَا قَالَ اللّهُ عَزّوَجَلّ: (وَكَأَيّنْ مِنْ نَبِيّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبْتُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِما أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا) وَ مَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكَنْتُمْ حَتّى لَقِيتُمُ اللّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقّ وَ نُصْرَةِ كَلِمَةِ اللّهِ التّامّةِ صَلّى اللّهُ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً.

أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللّهِ الّذِي لا خُلْفَ لَهُ إِنّهُ لا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَ اللّهُ مُدْرِكٌ لَكُمْ بِثَارِ مَا وَعَدَكُمْ أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، أَنْتُمُ السّابِقُونَ وَ الْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ.

أَشْهَدُ أَنّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وسلم وَ ابْنِ رَسُولِ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً.

الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ وَأَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ».

ثُمّ تَرْجِعُ إِلَى الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:

«السّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرّبّانِيُّونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ، وَ نَحْنُ لَكُمْ خَلَفٌ وَ أَنْصَارٌ، أَشْهَدُ أَنّكُمْ أَنْصَارُ اللّهِ وَ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، فَإِنّكُمْ أَنْصَارُ اللّهِ كَمَا قَالَ اللّهُ عَزّ وَ جَلّ: (وَكَأَيّنْ مِنْ نَبِيّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبّيّونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِما أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا) وَ مَا ضَعُفْتُمْ وَ مَا اسْتَكَنْتُمْ حَتّى لَقِيتُمُ اللّهَ عَلَى سَبِيلِ الْحَقّ وَ نُصْرَةِ كَلِمَةِ اللّهِ التّامّةِ صَلّى اللّهُ عَلَى أَزْوَاجِكُمْ وَ أَبْدَانِكُمْ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً.

أَبْشِرُوا بِمَوْعِدِ اللّهِ الّذِي لا خُلْفَ لَهُ إِنّهُ لا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَ اللّهُ مُدْرِكَ لَكُمْ بِثَارِ مَا وَعَدَكُمْ أَنْتُمْ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ، أَنْتُمُ السّابِقُونَ وَالْمُهَاجِرُونَ وَالْأَنْصَارُ.

أَشْهَدُ أَنّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللّهِ صلى الله عليه وسلم وَ ابْنِ رَسُولِ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً.

الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ وَأَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ».

آن گاه کنار قبر امام حسین علیه السلام بر می گردی و می گویی: -

ص: ٦٢١

«أَتَيْتُكَ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللّهِ وَ ابْنَ رَسُولِهِ، وَ إِنّي بِكَ عَارِفٌ وَ بِحَقّكَ مُقِرٌّ بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرٌ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ عَارِفٌ بِالْهُدَى الّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمّي وَ نَفْسِي.

اللّهُمّ إِنّي أُصَلّي عَلَيْهِ كَمَا صَلّيْتَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَ رَسُولُكَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَاةً مُتَتَابِعَةً مّتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً تَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً لا انْقِطَاعَ لَهَا وَ لا أَمَدَ، وَ لا أَجَلَ فِي مَحْضَرِنَا هَذَا وَ إِذَا غِبْنَا وَ شَهِدْنَا وَالسّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُوَدّعَهُ فَقُل:

«السّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، أَسْتَوْدِعُكَ اللّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السّلَامَ آمَنّا بِاللّهِ وَ بالرّسُولِ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهِ وَ اتّبَعْنَا الرّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشّاهِدِينَ.

اللّهُمّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّا وَ مِنْهُ.

اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْفَعَنَا بِحُبّهِ.

اللّهُمّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ وَ تَقْتُلُ بِهِ عَدُوّكَ وَ تُبِيرُ بِهِ مَنْ نَصَبَ حَرْباً لآلِ مُحَمّدٍ فَإِنّكَ وَعَدْتَ ذَلِكَ وَ أَنْتَ لا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ السّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

«أَتَيْتُكَ يَا حَبِيبَ رَسُولِ اللّهِ وَ ابْنَ رَسُولِهِ، وَ إِنّي بِكَ عَارِفٌ وَ بِحَقّكَ مُقِرٌّ بِفَضْلِكَ مُسْتَبْصِرٌ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ عَارِفٌ بِالْهُدَى الّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمّي وَ نَفْسِي.

اللّهُمّ إِنّي أُصَلّي عَلَيْهِ كَمَا صَلّيْتَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَ رَسُولُكَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَاةً مُتَتَابِعَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَرَادِفَةً تَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضاً لا انْقِطَاعَ لَهَا وَ لا أَمَدَ، وَ لا أَجَلَ فِي مَحْضَرِنَا هَذَا وَ إِذَا غِبْنَا وَ شَهِدْنَا وَالسّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

و هرگاه خواستی آن حضرت را وداع کنی پس بگو: «السّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَسْتَوْدِعُكَ اللّهَ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكَ السّلَامَ آمَنّا بِاللّهِ وَ بِالرّسُولِ وَ بِمَا جِئْتَ بِهِ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهِ وَ اتّبَعْنَا الرّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشّاهِدِينَ.

اللّهُمّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّا وَ مِنْهُ.

اللّهُمّ إِنّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْفَعَنَا بِحُبّهِ.

اللّهُمّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً تَنْصُرُ بِهِ دِينَكَ وَ تَقْتُلُ بِهِ عَدُوّكَ وَ تُبِيرُ بِهِ مَنْ نَصَبَ حَرْباً لآلِ مُحَمّدٍ فَإِنّكَ وَعَدْتَ ذَلِكَ وَ أَنْتَ لا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ السّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ.

ص: ٦٢٢

أَشْهَدُ أَنّكُمْ شُهَدَاءُ نُجَبَاءُ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً».

٢- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ تُوَيْرٍ قَالَ:

كُنْتُ أَنَا وَ يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ وَ الْمُفَضّلُ بْنُ عُمَرَ وَأَبُو سَلَمَةَ السّرّاجُ جُلُوساً عِنْدَ عَبْدِ اللّهِ عليه السلام وَكَانَ الْمُتَكَلّمُ مِنّا يُونُسَ، وَكَانَ أَكْبَرَنَا سِنّاً فَقَالَ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَحْضُرُ مَجْلِسَ هَؤُلاءِ الْقَوْمِ يَعْنِي وُلْدَ الْعَبّاسِ فَمَا أَقُولُ؟

فَقَالَ: إِذَا حَضَرْتَ فَذَ كَرْتَنَا فَقُل:

«اللّهُمّ أَرِنَا الرّخَاءَ وَ السُّرُورَ، فَإِنّكَ تَأْتِي عَلَى مَا تُرِيدُ».

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنّي كَثِيراً مَا أَذْكُرُ الْحُسَيْنَ عليه السلام فَأَيّ شَيْءٍ أَقُولُ؟

فَقَالَ: قُلْ: «صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ» تُعِيدُ ذَلِكَ ثَلَاثاً، فَإِنّ السّلَامَ يَصِلُ إِلَيْهِ مِنْ قَرِيبٍ وَ مِنْ بَعِيدٍ.

أَشْهَدُ أَنّكُمْ شُهَدَاءُ نُجَبَاءُ جَاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللّهِ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً».

۲- حسین بن ثویر گوید: من یونس بن ظبیان مفضّل بن عمر و ابو سلمه سراج در خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودیم سخنگوی ما یونس بود که از ما بزرگتر بود. پس او به حضرت گفت: قربانت گردم! من در مجلس این قوم - یعنی فرزندان عباس - حاضر می شوم چه بگویم؟

فرمود: آن گاه که در محافل آنها حاضر شدی و ما را یاد کردی پس بگو: «اللّهُمّ أَرِنَا الرّخَاءَ وَ السُّرُورَ، فَإِنّكَ تَأْتِي عَلَى مَا تُرِيدُ».

عرض کردم: قربانت گردم! من بیشتر اوقات امام حسین علیه السلام را به یاد می آورم در این هنگام چه بگویم.

فرمود: بگو: «صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ» این عبارت را سه بار تکرار کن، چراکه از دور و نزدیک سلام به آن حضرت می رسد.

ص: ۶۲۳

ثُمّ قَالَ: إِنّ أَبَا عَبْدِ اللّهِ الْحُسَيْنَ عليه السلام لَمّا قَضَى بَكَتْ عَلَيْهِ السّمَاوَاتُ السّبْعُ وَالْأَرَضُونَ السّبْعُ وَ مَا فِيهِنّ وَ مَا بَيْنَهُنّ وَ مَنْ يَنْقَلِبُ فِي الْجَنّةِ وَ النّارِ مِنْ خَلْقِ رَبّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى بَكَى عَلَى أَبِي عَبْدِ اللّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِلّا ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ لَمْ تَبْكِ عَلَيْهِ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ مَا هَذِهِ الثَّلَاثَةُ الْأَشْيَاءِ؟

قَالَ: لَمْ تَبْكِ عَلَيْهِ الْبَصْرَةُ وَ لا دِمَشْقُ وَ لا آل عُثْمَانَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللّهِ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَزُورَهُ فَكَيْفَ أَقُولُ؟ وَ كَيْفَ أَصْنَعُ؟

قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فَاغْتَسِلْ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ، ثُمّ الْبَسْ ثِيَابَكَ الطّاهِرَةَ ثُمّ امْشِ حَافِياً فَإِنّكَ فِي حَرَمٍ مِنْ حَرَمِ اللّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ وَ عَلَيْكَ بِالتّكْبِيرِ وَ التّهْلِيلِ وَ التّسْبِيحِ وَ التّحْمِيدِ وَ التّعْظِيمِ لِلّهِ عَزّوَجَلّ كَثِيراً وَ الصّلَاةِ عَلَى مُحَمّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ حَتّى تَصِيرَ إِلَى بَابِ الْحَيْرِ.

ثُمّ تَقُولُ:

آن گاه فرمود: هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید آسمان های هفتگانه و زمین هفتگانه و آن چه در آنها و در بین آنهاست و همه مخلوقات آفریدگار ما که در بهشت و دوزخند و آن چه دیده شود و آن چه دیده نشود به اباعبدالله الحسین علیه السلام گریستند جز سه چیز که به آن حضرت گریه نکرد.

گفتم: قربانت گردم! آن سه چیز کدامند؟

فرمود: بصره، دمشق و آل عثمان، لعنت خدا بر آنها باد به آن حضرت گریه نکرد.

گفتم: قربانت گردم! من می خواهم آن حضرت را زیارت نمایم چه بگویم و چگونه زیارت نمایم؟

فرمود: آن گاه که کنار قبر امام حسین علیه السلام رفتی پس در کنار رود فرات غسل کن بعد از آن لباس های پاکیزه ات را بپوش پس پا برهنه برو، زیراکه تو در حرمی از حرم های خدا و حرم رسول او هستی و بر تو باد به تکبیر، لا اله الا الله، سبحان الله و الحمد لله گفتن و خداوند عزوجل را بسیار با عظمت و بزرگی یاد کنی و درود بر محمد و آل محمد علیهم السلام و خاندان آن حضرت بفرستی تا به در آستانه امام حسین علیه السلام برسی، سپس می گویی: -

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللّهِ وَزُوّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللّهِ».

ثُمّ اخْطُ عَشْرَ خُطُوَاتٍ، ثُمّ قِفْ وَ كَبِّرْ ثَلَاثِينَ تَكْبِيرَةً، ثُمّ امْشِ إِلَيْهِ حَتّى تَأْتِيَهُ مِنْ قِبَلِ وَجْهِهِ فَاسْتَقْبِلْ وَجْهَكَ بِوَجْهِهِ وَ تَجْعَلُ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كَتِفَيْكَ، ثُمّ قُل:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللّهِ وَ ابْنَ قَتِيلِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَتْرَ اللّهِ الْمَوْتُورَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

أَشْهَدُ أَنّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ، وَ اقْشَعَرّتْ لَهُ أَظِلّةُ الْعَرْشِ وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَ بَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ السَّبْعُ وَ مَا فِيهِنّ وَ مَا بَيْنَهُنّ وَ مَنْ يَتَقَلّبُ فِي الْجَنّةِ وَ النّارِ مِنْ خَلْق رَبّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى.

أَشْهَدُ أَنّكَ حُجّةُ اللّهِ وَ ابْنُ حُجّتِهِ وَ أَشْهَدُ أَنّكَ قَتِيلُ اللّهِ وَ ابْنُ قَتِيلِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنّكَ ثَائِرُ اللّهِ وَ ابْنُ ثَائِرِهِ وَ أَشْهَدُ أَنّكَ وَتْرُ اللّهِ الْمَوْتُورُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

وَأَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ بَلّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَيْتَ وَ أَوْفَيْتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ مَضَيْتَ لِلّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهَداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجّةَ اللّهِ وَ ابْنَ حُجّتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللّهِ وَ زُوّارَ قَبْرِ ابْنِ نَبِيِّ اللّهِ».

آن گاه ده گام بردار، سپس بایست و سی مرتبه تکبیر بگو، آن گاه حرکت کن تا از رو به رو وارد حرم شو و رو به روی حضرتش بایست و قبله را بین دو کتفت قرار بده، آن گاه بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ اللّهِ وَ ابْنَ قَتِيلِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَتْرَ اللّهِ الْمَوْتُورَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

أَشْهَدُ أَنّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ، وَ اقْشَعَرَتْ لَهُ أَظِلّةُ الْعَرْشِ وَ بَكَى لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ، وَ بَكَتْ لَهُ السّمَاوَاتُ السّبْعُ وَالْأَرَضُونَ السّبْعُ وَ مَا فِيهِنّ وَ مَا بَيْنَهُنّ وَ مَنْ يَتَقَلّبُ فِى الْجَنّةِ وَ النّارِ مِنْ خَلْقِ رَبّنَا وَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى.

أَشْهَدُ أَنّكَ حُجّةُ اللهِ وَ ابْنُ حُجّتِهِ وَ أشهَدُ أَنّكَ قَتِيلُ اللّهِ وَ ابْنُ قَتِيلِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنّكَ ثَائِرُ اللّهِ وَ ابْنُ ثَائِرِهِ وَ أَشْهَدُ أَنّكَ وَتْرُ اللّهِ الْمَوْتُورُ فِي السّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

وَ أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ بَلّغْتَ وَ نَصَحْتَ وَ وَفَيْتَ وَ أَوْفَيْتَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ مَضَيْتَ لِلّذِي كُنْتَ عَلَيْهِ شَهِيداً وَ مُسْتَشْهداً وَ شَاهِداً وَ مَشْهُوداً.

ص: ٦٢٥

أَنَا عَبْدُ اللّهِ وَ مَوْلَاكَ وَ فِي طَاعَتِكَ وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ أَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللّهِ وَ ثَبَاتَ الْقَدَمِ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْكَ، وَ السّبِيلَ الّذِي لا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنَ الدّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الّتِي أُمِرْتَ بِهَا.

مَنْ أَرَادَ اللّهَ بَدَأَ بِكُمْ، بِكُمْ يُبَيّنُ اللّهُ الْكَذِبَ وَ بِكُمْ يُبَاعِدُ اللّهُ الزّمَانَ الْكَلِبَ، وَبِكُمْ فَتَحَ اللّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللّهُ وَبِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ بِكُمْ يُثْبِتُ وَ بِكُمْ يَفُكُّ الذّلّ مِنْ رِقَابِنَا، وَ بِكُمْ يُدْرِكُ اللّهُ تِرَةَ كُلّ مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ بِهَا، وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا، وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللّهُ الْكَرْبَ، وَ بِكُمْ يُنَزّلُ اللّهُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ تَسِيخُ الْأَرْضُ الّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةُ الرّبّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَ الصّادِرُ عَمّا فَصَلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ لُعِنَتْ أُمّةً قَتَلَتْكُمْ، وَ أُمّةً خَالَفَتْكُمْ وَ أُمّةً جَحَدَتْ وَلا يَتَكُمْ، وَ أُمّةً ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَ أُمّةٌ شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ.

الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي جَعَلَ النّارَ مَثْوَاهُمْ وَ بِئْسَ ورْدُ الْوَارِدِينَ، وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ.

أَنَا عَبْدُ اللّهِ وَ مَوْلاكَ وَ فِي طَاعَتِكَ وَ الْوَافِدُ إِلَيْكَ أَلْتَمِسُ كَمَالَ الْمَنْزِلَةِ عِنْدَ اللّهِ وَثَبَاتَ الْقَدَم فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْكَ، وَ السّبِيلَ الّذِي لا يُخْتَلَجُ دُونَكَ مِنَ الدُّخُولِ فِي كَفَالَتِكَ الّتِي أُمِرْتَ بِهَا.

مَنْ أَرَادَ اللّهَ بَدَأَ بِكُمْ، بِكُمْ يُبَيّنُ اللّهُ الْكَذِبَ، وَبِكُمْ يُبَاعِدُ اللّهُ الزّمَانَ الْكَلِبَ، وَ بِكُمْ فَتَحَ اللّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللّهُ، وَبِكُمْ يَمْحُو مَا يَشَاءُ وَ بِكُمْ يُثْبِتُ وَ بِكُمْ يَفُلُّ الذّلّ مِنْ رِقَابِنَا، وَ بِكُمْ يُدْرِكُ اللّهُ تِرَةَ كُلّ مُؤْمِنٍ يُطْلَبُ بِهَا، وَ بِكُمْ تُنْبِتُ الأَرْضُ أَشْجَارَهَا، وَ بِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ أَثْمَارَهَا، وَ بِكُمْ تُنْزِلُ السّمَاءُ قَطْرَهَا وَ رِزْقَهَا وَ بِكُمْ يَكْشِفُ اللّهُ الْكَرْبَ، وَبِكُمْ يُنَزّلُ اللّهُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ تَسِيخُ الأَرْضُ الّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَ تَسْتَقِرّ جِبَالُهَا عَنْ مَرَاسِيهَا إِرَادَةُ الرّبّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَالصّادِرُ عَمّا فَصَلَ مِنْ أَحْكامِ الْعِبَادِ لُعِنَتْ أُمّةٌ قَتَلَتْكُمْ، وَ أُمّةً خَالَفَتْكُمْ وَ أُمّةٌ جَحَدَتْ وَلايَتَكُمْ، وَ أُمّةً ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ، وَ أُمّةً شَهِدَتْ وَ لَمْ تُسْتَشْهَدْ.

الْحَمْدُ لِلّهِ الّذِي جَعَلَ النّارَ مَثْوَاهُمْ وَ بِئْسَ وِرْدُ الْوَارِدِينَ، وَ بِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبّ الْعَالَمِينَ، وَصَلّى اللّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ.

ص: ٦٢٦

أَنَا إِلَى اللّهِ مِمّنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ». ثَلاثاً.

ثُمّ تَقُومُ فَتَأْتِي ابْنَهُ عَلِيّاً عليه السلام وَ هُوَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ فَتَقُولُ:

«السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ، السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ، صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ لَعَنَ اللّهُ مَنْ قَتَلَكَ».

تَقُولُهَا ثَلَاثاً.

«أَنَا إِلَى اللّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ» ثَلَاثاً.

ثُمّ تَقُومُ فَتُومِنُ بِيَدِكَ إِلَى الشُّهَدَاءِ وَ تَقُولُ:

«السّلَامُ عَلَيْكُمْ» ثَلَاثاً «فُزْتُمْ وَ اللّهِ فُزْتُمْ وَ اللّهِ فَلَيْتَ أَنّي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً».

ثُمّ تَدُورُ فَتَجْعَلُ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام بَيْنَ يَدَيْكَ، فَصَلِّ سِتّ رَكَعَاتٍ وَ قَدْ تَمّتْ زِيَارَتُكَ فَإِنْ شِئْتَ فَانْصَرِفْ.

۳- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ عليه السلام قَالَ:

وسه مرتبه می گویی: «أَنَا إِلَى اللّهِ مِمّنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ».

آن گاه به کنار فرزندش علی علیه السلام می آیی که نزد پایین پای حضرتش قرار دارد و می گویی: «السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ، السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَةَ، صَلّى اللّهُ عَلَيْكَ لَعَنَ اللّهُ مَنْ قَتَلَكَ».

و سه مرتبه می گویی: «أنا إِلَى اللّهِ مِنْهُمْ بَرِيء».

آن گاه بر می خیزی و با دست خود به جانب شهدا اشاره می کنی و سه مرتبه می گویی: «السلام علیکم» [بعد می گویی:] «قُزْتُمْ وَ اللّهِ فُزْتُمْ وَ اللّهِ فَلَيْتَ أَنّي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً».

آن گاه دور می زنی و قبر امام حسین علیه السلام پیش روی خود قرار می دهی. پس شش رکعت نماز بخوان که در واقع زیارت تو پایان یافته است پس اگر خواستی می توانی برگردی

۳- یکی از اصحاب ما گوید: امام هادی علیه السلام فرمود:

تَقُولُ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْن عليه السلام:

«السّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجّةَ اللّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ، السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيّ الْمُرْتَضَى السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزّهْرَاءِ.

أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصّلَاةَ وَآتَيْتَ الزّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّهِ حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. فَصَلّى اللّهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَ مَيّتاً».

ثُمّ تَضَعُ خَدّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْقَبْرِ وَ قُلْ:

«أَشْهَدُ أَنّكَ عَلَى بَيّنَةٍ مِنْ رَبّكَ جِئْتُ مُقِرّاً بِالذّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ».

ثُمّ اذْكُرِ الْأَئِمّةَ بِأَسْمَائِهِمْ وَاحِداً وَاحِداً وَ قُلْ:

«أَشْهَدُ أَنّكُمْ حُجّةُ اللّهِ».

ثُمّ قُلْ: «اكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقاً وَعَهْداً أَنّي أَتَيْتُكَ أُجَدّدُ الْمِيثَاقَ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبّكَ إِنّكَ أَنْتَ الشاهد».

در نزد بالای سر امام حسین علیه السلام می گویی:

«السّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللّهِ ، السّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجّةَ اللّهِ فِي أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ السّلَامُ عَلَيْكَ

يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيّ الْمُرْتَضَى السّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزّهْرَاءِ.

أَشْهَدُ أَنّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصّلَاةَ وَآتَيْتَ الزّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّهِ حَتّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. فَصَلّى اللّهُ عَلَيْكَ حَيّاً وَ مَيّتاً».

آن گاه گونه راستت را بر روی قبر مطهر بگذار و بگو: «أَشْهَدُ أَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ جِئْتُ مُقِرّاً بِالذُّنُوبِ لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّهِ».

سپس ائمه علیهم السلام را یکی یکی با نام هایشان یاد کن و بگو: «أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حُجَّةُ اللّهِ».

آن گاه بگو: «اكْتُبْ لِي عِنْدَكَ مِيثَاقاً وَ عَهْداً أَنِّي أَتَيْتُكَ أُجَدِّدُ الْمِيثَاقَ فَاشْهَدْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ إِنَّكَ أَنْتَ الشَّاهِدُ».

ص: ٦٢٨

مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازُ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام مِثْلَهُ.

٤- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ زَيْدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا فَرَغْتَ مِنَ السَّلَامِ عَلَى الشُّهَدَاءِ فَانْتِ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فَاجْعَلْهُ بَيْنَ يَدَيْكَ، ثُمَّ تُصَلِّي مَا بَدَا لَكَ.

بخش نوزدهم

اشاره

(١٩)

بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام وَ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي علیه السلام وَ مَا يُجْزِئُ مِنَ الْقَوْلِ عِنْدَ كُلِّهِمْ علیهم السلام.

١- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازُ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ: تَقُولُ بِبَغْدَادَ:

٤- حسن بن عطیه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

آن گاه از سلام شهدا فارغ شدی پس کنار قبر امام حسین علیه السلام بیا و قبر را پیش روی خود قرار ده و هرچه خواستی نماز بگزار.

اعمال کنار قبر امام کاظم و امام جواد علیهما السلام زیاراتی که در بارگاه امامان علیهم السلام کفایت می کند

١- راوی گوید: امام هادی علیه السلام فرمود:

در بغداد (در بارگاه کاظمین علیهما السلام) می گویی: -

ص: ٦٢٩

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَا لِلَّهِ فِي شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ عَارِفاً بِحَقِّكَ مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ».

وَ ادْعُ اللَّهَ وَ سَلْ حَاجَتَكَ.

قَالَ: وَ تُسَلِّمُ بِهَذَا عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام.

٢- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سُئِلَ أَبِيهِ عليه السلام عَنْ إِتْيَانِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

فَقَالَ: صَلُّوا فِي الْمَسَاجِدِ حَوْلَهُ وَ يُجْزِئُ فِي الْمَوَاضِعِ كُلِّهَا أَنْ تَقُولَ:

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَائِهِ السَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللَّهِ وَأَحِبّائِهِ السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَى مَحَالُّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِنِ ذِكْرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُظَاهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقِرّينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُمَحّصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَدِلّاءِ عَلَى اللَّهِ.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجّةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَدَا لِلَّهِ فِي شَأْنِهِ، أَتَيْتُكَ عَارِفاً بِحَقّكَ مُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ، فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبّكَ».

و خدا را بخوان و حاجت خود را بخواه.

فرمود همین گونه به امام جواد علیه السلام نیز سلام می دهی.

۲- علی بن حسان گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

از پدر بزرگوارم علیه السلام در مورد زیارت قبر امام حسین علیه السلام سؤال شد.

فرمود: در مساجد پیرامون بارگاه حضرتش نماز بخوانید و کافی است که در همه مواضع آن بگویی:

«السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ أَصْفِيَائِهِ السَّلَامُ عَلَى أُمَنَاءِ اللَّهِ وَ أَحِبّائِهِ السَّلَامُ عَلَى أَنْصَارِ اللَّهِ وَ خُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَى مَحَالُّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مَسَاكِنِ ذِكْرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُظَاهِرِي أَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُسْتَقِرّينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُمَحّصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَدِلّاءِ عَلَى اللَّهِ.

السّلَامُ عَلَى الّذِينَ مَنْ وَالاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللّهَ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللّهَ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّهَ وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللّهَ وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّهِ، وَ مَنْ تَخَلّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّى مِنَ اللّهِ:

أُشْهِدُ اللّهَ أَنّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ لَعَنَ اللّهُ عَدُوّ آلِ مُحَمّدٍ مِنَ الْجِنّ وَالْإِنْسِ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللّهِ مِنْهُمْ وَ صَلّى اللّهُ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ».

هَذَا يُجْزِئُ فِي الزّيَارَاتِ كُلِّهَا، وَ تُكْثِرُ مِنَ الصّلَاةِ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ، وَ تُسَمّي وَاحِداً وَاحِداً بِأَسْمَائِهِمْ، وَ تَبرَأُ إِلَى اللّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ، وَ تَخْتَارُ لِنَفْسِكَ مِنَ الدّعَاءِ مَا أَحْبَبْتَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ.

السّلَامُ عَلَى الّذِينَ مَنْ وَالاهُمْ فَقَدْ وَالَى اللّهَ وَ مَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللّهَ، وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّهَ، وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللّهَ وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّهِ وَ مَنْ تَخَلّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّى مِنَ اللّهِ:

أُشْهِدُ اللّهَ أَنّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمْتُمْ، وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبْتُمْ مُؤْمِنٌ بِسِرّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ، مُفَوّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ لَعَنَ اللّهُ عَدُوّ آلِ مُحَمّدٍ مِنَ الْجِنّ وَالْإِنْسِ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللّهِ مِنْهُمْ وَ صَلّى اللّهُ عَلَى مُحَمّدٍ وَ آلِهِ».

این زیارت در همهٔ زیارتگاه ها کافی است و بر محمّد وآل محمد علیهم السلام بیشتر صلوات بفرست و هریک را با نام های مبارکشان نام ببر و از دشمنانشان به خدا دوری جوی وهر دعایی که دوست داری برای خود و زنان و مردان مؤمن بخوان.

ص: ۶۳۱

بخش بیستم

اشاره

(٢٠)

بَابُ فَضْلِ الزِّيَارَاتِ وَ ثَوَابِهَا.

١- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ : مَا لِمَنْ زَارَ أَحَداً مِنْكُمْ؟

قَالَ: كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم.

٢- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم:

يَا عَلِيُّ ! مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي أَوْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِكَ، أَوْ زَارَ ابْنَيْكَ فِي حَيَاتِهِمَا أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِمَا ضَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا وَ شَدَائِدِهَا حَتَّى أُصَيِّرَهُ مَعِي فِي دَرَجَتِي.

فضیلت زیارت ها و ثواب آنها

١- زید شحام گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: پاداش کسی که یکی از شما را زیارت کند چیست؟

فرمود: به سان کسی است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم را زیارت نماید.

٢- محمد بن علی در روایت مرفوعه ای گوید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود:

ای علی! هر کس مرا در دوران زنده بودنم و یا بعد از مرگم یا تو را در دوران زنده بودنت و یا پس از مرگت و یا دو فرزندت را در دوران زنده بودنشان و یا پس از مرگشان زیارت کند بر او ضمانت می

کنم که در روز قیامت از موارد هولناک و سختی های آن رهایش نمایم تا او را در درجه ومقام خود قرار دهم.

ص: ۶۳۲

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْيَمَانِيِّ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ يُونُسَ بْنِ أَبِي وَهْبٍ الْقَصْرِيِّ قَالَ:

دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَتَيْتُكَ وَ لَمْ أَزُرْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام.

قَالَ: بِئْسَ مَا صَنَعْتَ ؟! لَوْ لا أَنَّكَ مِنْ شِيعَتِنَا مَا نَظَرْتُ إِلَيْكَ، أَلَا تَزُورُ مَنْ يَزُورُهُ اللَّهُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَ يَزُورُهُ الْأَنْبِيَاءُ وَ يَزُورُهُ الْمُؤْمِنُونَ؟!

قُلْتُ: جعلْتُ فدَاكَ! مَا عَلِمْتُ ذَلِكَ.

قَالَ: اعْلَمْ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأَئِمَّةِ كُلِّهِمْ، وَ لَهُ ثَوَابُ أَعْمَالِهِمْ وَ عَلَى قَدْرِ أَعْمَالِهِمْ فُضِّلُوا.

۳- ابو وهب قصری گوید: وارد مدینه شده و به خدمت امام صادق علیه السلام شرف یاب شدم و گفتم: قربانت شوم! خدمت شما آمدم درحالی که امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت نکردم.

فرمود: چه کار بدی انجام دادی؟! اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی کردم. آیا زیارت نکردی کسی را که خدا با فرشتگان او را زیارت می نمایند، پیامبران او را زیارت می کنند و مؤمنین او را زیارت می کنند؟

گفتم: قربانت شوم! از این موضوع اطلاع نداشتم.

فرمود: بدان که امیرالمؤمنین علیه السلام در پیشگاه خدا از همه امامان افضل و برتر است و پاداش اعمال آنها برای اوست و آنها به مقدار اعمالشان فضیلت و برتری دارند.

ص: ۶۳۳

بخش بیست و یکم

اشاره

(۲۱)

بَابُ فَضْلِ زِيَارَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرٍ الدَّهَانِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: رُبَّمَا فَاتَنِي الْحَجُّ فَأُعَرِّفُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام.

فَقَالَ: أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرًا أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِشْرِينَ حَجَّةً وَ عِشْرِينَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مَقْبُولاتٍ، وَ عِشْرِينَ حَجَّةً وَ عُمْرَةً مَعَ نَبِي مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ، وَ مَنْ أَتَاهُ فِي يَوْمِ عِيدٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَبَّةٍ وَ مِائَةَ عُمْرَةٍ وَ مِائَةَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: كَيْفَ لِي بِمِثْلِ الْمَوْقِفِ؟

فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام

۱- بشیر دهان گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: گاهی انجام حج از دست من می رود پس نزد قبر امام حسین علیه السلام اعمال روز عرفه را به جا می آورم.

فرمود: کار خوبی می کنی ای بشیر! هر مؤمنی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام در غیر روز عید با شناخت حق او بیاید خدا برای او بیست حج و بیست عمره نیکوی قبول شده و بیست حج و عمره با پیامبر مرسل یا امام عادل می نویسد.

و هرکس در روز عید به زیارت او بیاید خداوند برای او صد حج، صد عمره و صد جنگ در رکاب پیامبر مرسل یا امام عادل می نویسد.

گوید: عرض کردم: چگونه در همچو جایگاهی (این همه پاداش) است؟

ص: ٦٣٤

قَالَ: فَنَظَرَ إِلَيّ شِبْهَ الْمُغْضَبِ. ثُمّ قَالَ لِي: يَا بَشِيرًا إِنّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَوْمَ عَرَفَةَ وَ اغْتَسَلَ مِنَ الْفُرَاتِ ثُمّ تَوَجّهَ إِلَيْهِ كَتَبَ اللّهُ لَهُ بِكُلّ خُطْوَةٍ ليلا حَجّةٌ بِمَنَاسِكِهَا. وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلّا قَالَ: وَ غَزْوَةً.

٢- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْن مُحَمّدِ بْن عِيسَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ زَيْدٍ الشّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام قَالَ:

زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام تَعْدِلُ عِشْرِينَ حَجّةً وَ أَفْضَلُ وَ مِنْ عِشْرِينَ عُمْرَةً وَ حَجَة.

٣- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ:

كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فَمَرّ قَوْمٌ عَلَى حَمِيرٍ فَقَالَ: أَيْنَ يُرِيدُ هَؤُلاءِ؟

قُلْتُ: قُبُورَ الشّهَدَاءِ.

قَالَ: فَمَا يَمْنَعُهُمْ مِنْ زِيَارَةِ الشّهِيدِ الْغَرِيبِ؟

گوید: حضرتش به من همانند غضبناک نگاه کرد سپس فرمود: ای بشیر! همانا هرگاه مؤمن روز عرفه به کنار قبر امام حسین علیه السلام آمد و در فرات غسل نمود. آن گاه متوجه آن حضرت شود خدا به هرگام او یک حج با مناسکش می نویسد.

راوی گوید: ندانستم که حضرتش، انجام یک جنگ را هم فرمود.

۲- زید شحام گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

زیارت قبر امام حسین علیه السلام برابر بیست حج و بهتر از بیست عمره و حج است.

۳- یزید بن عبدالملک گوید خدمت امام صادق علیه السلام بودم که عده ای با الاغ از آنجا گذشتند.

فرمود: اینها به کجا می روند؟

گفتم: به قبور شهدا (ی احد).

فرمود: پس چه چیزی را از زیارت شهید غریب (کربلا) باز می دارد؟

ص: ۶۳۵

فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ زِيَارَتُهُ وَاجِبَةٌ؟

قَالَ: زِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِنْ حَبّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ عُمْرَةٍ وَحَجّةٍ ، حَتّى عَدّ عِشْرِينَ حَجّةٌ وَ عُمْرَةً.

ثُمّ قَالَ: مَقْبُولاتٍ مَبْرُورَاتٍ.

قَالَ: فَوَ اللّهِ، مَا قُمْتُ حَتّى أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: إِنّي قَدْ حَجَجْتُ تِسْعَ عَشْرَةَ حَجّةً فَادْعُ اللّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي تَمَامَ الْعِشْرِينَ حَجّةٌ.

قَالَ: هَلْ زُرْتَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

قَالَ: لا.

قَالَ: لَزِيَارَتُهُ خَيْرٌ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةً.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْمَدَائِنِي قَالَ:

پس مردی از اهل عراق گفت: زیارت آن حضرت واجب است؟

فرمود: زیارت او بهتر از حج و عمره و عمره و حج است.

حضرتش تا بیست بار حج و عمره را شمرد. سپس فرمود: (حج و عمره) قبول شده و نیکو.

راوی گوید: به خدا سوگند! از جایم برنخاستم تا آن که مردی آمد و به حضرتش گفت: من نوزده بار حج نموده ام از خدا بخواه که بیست بار حج را روزیم فرماید.

فرمود: آیا قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کرده ای؟

گفت: نه.

فرمود زیارت آن حضرت از بیست حج بهتر است.

٤- ابو سعید مدائنی گوید: -

دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَنْتِ (١) قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟

قَالَ: نَعَمْ يَا أَبَا سَعِيدٍ فَانْتِ قَبْرَ ابْنِ رَسُولِ اللهِ صلى الله عليه وسلم أَطْيَبِ الطَّيِّبِينَ وَ الطَّاهِرِينَ وَ أَبَرِّ الْأَبْرَارِ، فَإِذَا زُرْتَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَكَ بِهِ خَمْسَةٌ وَ عِشْرِينَ حَجَّةٌ.

٥- مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْن سِنَانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ صَالِحٍ النِّيلِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام:

مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مَنْ أَعْتَقَ أَلْفَ نَسَمَةٍ، وَ كَمَنْ حَمَلَ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ مُسْرَجَةٍ مُلْجَمَةٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

خدمت امام صادق عليه السلام وارد شدم به آن حضرت گفتم: قربانت گردم به زيارت قبر امام حسين عليه السلام بروم؟

فرمود: آرى اى ابو سعيد! به زيارت قبر امام حسين عليه السلام برو كه خوشبوترين خوشبويان، پاكيزه ترين پاكيزگان و نيكوترين نيكويان است. پس هرگاه آن حضرت را زيارت نمودى خدا براى تو بيست و پنج حج مى نويسد.

٥- صالح نيلى گويد: امام صادق عليه السلام فرمود:

هركس به زيارت قبر امام حسين عليه السلام با شناخت مقام او برود خدا براى او پاداش كسى را مى نويسد كه هزار بنده آزاد كرده و همانند كسى است كه هزار اسب زين و لگام شده در راه خدا حمل كند.

٦- هارون بن خارجه گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه مى فرمود:

١- اصل «أَنْتِ» «أء تی» بوده که به جهت کثرت استعمال «أنتِ» شده است.

وَكَّلَ اللّٰهُ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَرْبَعَةَ آلافِ مَلَكٍ شُعْثٍ غُبْرٍ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ شَيَّعُوهُ حَتّٰى يُبْلِغُوهُ مَأْمَنَهُ، وَإِذْ مَرِضَ عَادُوهُ عُدْوَةً وَعَشِيَّةٌ، وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

٧- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُوسَى بْنِ سَعْدَانَ عَنْ عَبْدِ اللّٰهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عليه السلام:

إِنَّ أَرْبَعَةَ آلافِ مَلَكٍ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام شُعْثٍ غَيْرِ يَبْكُونَهُ إِلَى الْقِيَامَةِ يَوْمِ رَئِيسُهُمْ مَلَكُ يُقَالُ لَهُ: مَنْصُورٌ ، فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلّا اسْتَقْبَلُوهُ وَ لَا يُوَدِّعُهُ مُوَدِّعٌ إِلّا شَيَّعُوهُ وَ لا مَرِضَ إِلّا عَادُوهُ، وَ لا يَمُوتُ إِلّا صَلّوْا عَلَى جِنَازَتِهِ، وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

٨- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ مُثَنّى الْحَنّاطِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عليه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ اللّٰهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

خداوند چهار هزار فرشته را به قبر و بارگاه امام حسین علیه السلام موکل نموده که پژمرده و ژولیده و غبار آلودند. آنان تا روز قیامت بر او گریه می کنند. پس هرکس آن حضرت را با شناخت مقامش زیارت نماید فرشتگان او را مشایعت می کنند تا به جایگاه امن خود برسانند و اگر زایر بیمار شود صبح و شام عیادتش می کنند و اگر بمیرد به تشییع جنازه اش حاضر می شوند و تا روز قیامت بر او استغفار می کنند.

ابان بن تغلب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

کنار قبر و بارگاه امام حسین علیه السلام چهار هزار فرشته ژولیده مو و غبارآلود وجود دارد، آنها تا روز قیامت بر آن حضرت گریه می کنند رئیس آنها فرشته ای است که منصور نامیده می شود. زایری که آن حضرت را زیارت می کند به استقبال او می روند و هرکه آن حضرت را وداع می کند او را مشایعت می نمایند و اگر زایری او را عیادت می کنند و اگر زایری بمیرد به جنازه او نماز می گزارند و پس از مرگش بر او استغفار می کنند.

مثنی الحنّاط گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

هرکس با آشنایی به مقام امام حسین علیه السلام به زیارت آن حضرت برود خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.

ص: ۶۳۸

۹- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْخَيْبَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام:

أَدْنَى مَا يُتَابُ بِهِ زَائِرُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بِشَطِّ الْفُرَاتِ إِذَا عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ وَوَلايَتَهُ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

۱۰- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ غَسَّانَ الْبَصْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

مَنْ أَتَى قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

۱۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَ غَيْرُهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ جَمِيعاً عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ غَسَّانَ الْبَصْرِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ قَالَ:

اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام فَقِيلَ لِي: ادْخُلْ.

۹- حسین بن محمد گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

زایری که با شناخت حق و حرمت و ولایت امام حسین علیه السلام آن حضرت را در کنار فرات زیارت کند، کمترین پاداشی که به او داده می شود این است که گناهان گذشته و آینده او آمرزیده می شود.

۱۰- مثنی الحناط گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود:

هرکس آشنایی به مقام امام حسین علیه السلام به زیارتش برود خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.

۱۱- معاویة بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام اجازه ورود خواستم، پس به من گفته شد: وارد شو.

ص: ۶۳۹

فَدَخَلْتُ فَوَجَدْتُهُ فِي مُصَلّاهُ مُصَلّاهُ فِي بَيْتِهِ، فَجَلَسْتُ حَتّى قَضَى صَلَاتَهُ فَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ يُنَاجِي رَبّهُ وَ يَقُولُ: «يَا مَنْ خَصّنَا بِالْكَرَامَةِ وَ خَصّنَا بِالْوَصِيّةِ، وَ وَعَدَنَا الشّفَاعَةَ، وَ أَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ، وَ جَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهْوِي إِلَيْنَا اغْفِرْ لِي وَ لِإِخْوَانِي وَ لِزُوّارِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام الّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَأَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بِرّنَا وَ رَجَاءَ لِمَا عِنْدَكَ فِي صِلَتِنَا وَ سُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَى نَبِيّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ إِجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَ غَيْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوّنَا أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ فَكَافِهِمْ عَنّا بِالرّضْوَانِ، وَاكْلَاهُمْ بِاللّيْلِ وَالنّهَارِ وَاخْلُفْ عَلَى أَهَالِيهِمْ وَأَوْلادِهِمُ الّذِينَ خُلّفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلَفِ وَ اصْحَبْهُمْ، وَاكْفِهِمْ شَرّ كُلّ جَبّارٍ عَنِيدٍ وَ كُلّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ شَدِيدٍ وَ شَرّ شَيَاطِينِ الإِنْسِ وَالْجِنّ، وَ أَعْطِهِمْ أَفْضَلَ مَا أَمّلُوا مِنْكَ فِي غُرْبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَائِهِمْ وَ مَا آثَرُونَا بِهِ عَلَى أَبْنَائِهِمْ وَ أَهَالِيهِمْ وَقَرَابَاتِهِمْ.

اللّهُمّ إِنّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ خُرُوجَهُمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّخُوصِ إِلَيْنَا وَ خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا، فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الّتِي قَدْ غَيّرَتْهَا الشّمْسُ وَارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الّتِي تَقَلّبَتْ عَلَى حُفْرَةِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام، وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَارْحَمْ تِلْكَ الْقُلُوبَ الّتِي جَزِعَتْ وَ احْتَرَقَتْ لَنَا، وَ ارْحَمِ الصّرْخَةَ الّتِي كَانَتْ لَنَا.

پس وارد شدم دیدم حضرتش در جایگاه نماز خانه اش مشغول نماز است نشستم نمازش تمام شد و شنیدم که با پروردگارش مناجات می کند و می فرماید: «يَا مَنْ خَصّنَا بِالْكَرَامَةِ وَ خَصّنَا بِالْوَصِيّةِ، وَوَعَدَنَا الشّفَاعَةَ، وَ أَعْطَانَا عِلْمَ مَا مَضَى وَ مَا بَقِيَ، وَ جَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النّاسِ تَهْوِي إِلَيْنَا اغْفِرْ لِي وَلِإِخْوَانِي وَلِزُوّارِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ الْحُسَيْنِ عليه السلام الّذِينَ أَنْفَقُوا أَمْوَالَهُمْ وَ أَشْخَصُوا أَبْدَانَهُمْ رَغْبَةً فِي بِرّنَا وَ رَجَاءَ لِمَا عِنْدَكَ فِي صِلَتِنَا وَ سُرُوراً أَدْخَلُوهُ عَلَى نَبِيّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ إِجَابَةً مِنْهُمْ لِأَمْرِنَا وَ غَيْظاً أَدْخَلُوهُ عَلَى عَدُوّنَا أَرَادُوا بِذَلِكَ رِضَاكَ فَكَافِهِمْ عَنّا بِالرّضْوَانِ، وَ اكْلَاهُمْ بِاللّيْلِ وَ النّهَارِ وَاخْلُفْ عَلَى أَهَالِيهِمْ وَأَوْلادِهِمُ الّذِينَ خُلّفُوا بِأَحْسَنِ الْخَلَفِ وَ اصْحَبْهُمْ، وَ اكْفِهِمْ شَرّ كُلّ جَبّارٍ عَنِيدٍ وَ كُلّ ضَعِيفٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ شَدِيدٍ وَ شَرّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنّ، وَ أَعْطِهِمْ أَفْضَلَ مَا أَمّلُوا مِنْكَ فِي غُرْبَتِهِمْ عَنْ أَوْطَانِهِمْ وَ مَا آثَرُونَا بِهِ عَلَى أَبْنَائِهِمْ وَ أَهَالِيهِمْ وَقَرَابَاتِهِمْ.

اللّهُمّ إِنّ أَعْدَاءَنَا عَابُوا عَلَيْهِمْ خُرُوجَهُمْ فَلَمْ يَنْهَهُمْ ذَلِكَ عَنِ الشُّخُوصِ إِلَيْنَا وَ خِلَافاً مِنْهُمْ عَلَى مَنْ خَالَفَنَا، فَارْحَمْ تِلْكَ الْوُجُوهَ الّتِي قَدْ غَيّرَتْهَا الشّمْسُ وَ ارْحَمْ تِلْكَ الْخُدُودَ الّتِي تَقَلّبَتْ عَلَى حُفْرَةِ أَبِي عَبْدِ الله الا ، وَارْحَمْ تِلْكَ الْأَعْيُنَ الّتِي جَرَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا وَارْحَمْ تِلْكَ القُلُوبَ الّتِي جَزِعَتْ وَ احْتَرَقَتْ لَنَا وَارْحَم الصّرْخَةَ الّتِي كَانَتْ لَنَا.

ص: ٦٤٠

اللّهُمّ إِنّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الْأَنْفُسَ وَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ حَتّى نُوَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ».

فَمَا زَالَ وَ هُوَ سَاجِدٌ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ، فَلَمّا انْصَرَفَ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَوْ أَنّ هَذَا الّذِي سَمِعْتُ مِنْكَ كَانَ لِمَنْ لا يَعْرِفُ اللّهَ لَظَنَنْتُ أَنّ النّارَ لَا تَطْعَمُ مِنْهُ شَيْئاً وَ اللّهِ لَقَدْ تَمَنّيْتُ أَنْ كُنْتُ زُرْتُهُ وَ لَمْ أَحُجّ.

فَقَالَ لِي: مَا أَقْرَبَكَ مِنْهُ؟ فَمَا الّذِي يَمْنَعُكَ مِنْ إِتْيَانِهِ؟

ثُمّ قَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ! لِمَ تَدَعُ ذَلِكَ؟

قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَمْ أَدْرِ أَنّ الْأَمْرَ يَبْلُغُ هَذَا كُلّهُ؟

قَالَ: يَا مُعَاوِيَةُ! مَنْ يَدْعُو لِزُوّارِهِ فِي السّمَاءِ أَكْثَرُ مِمّنْ يَدْعُو لَهُمْ فِي الْأَرْضِ.

اللّهُمّ إِنّي أَسْتَوْدِعُكَ تِلْكَ الأَنْفُسَ وَ تِلْكَ الْأَبْدَانَ حَتّى نُوَافِيَهُمْ عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَ الْعَطَشِ».

حضرتش پیوسته در سجده بود و این دعا را می خواند وقتی نمازش پایان یافت، عرض کردم: قربانت گردم! اگر این دعایی را که از شما شنیدم در حق کسی بود که خدا را نمی شناسد یقین می کردم که شعله آتشی او را نخواهد سوزانید به خدا سوگند! آرزو کردم که امام حسین علیه السلام را زیارت می کردم ولی حج انجام نمی دادم.

فرمود: تو چقدر به آن حضرت نزدیکی؟ برای چه او را زیارت نمیکنی؟

سپس فرمود: ای معاویه! چرا آن را رها کردی؟

گفتم: قربانت گردم! چنین همهٔ این مطالب را نمی دانستم.

فرمود: ای معاویه! کسانی که زایران آن حضرت در آسمان دعا می کنند بیشتر از کسانی است که در زمین آنها را دعا می کنند.

بخش بیست و دوم

اشاره

(۲۲)

بَابُ فَضْلِ زِيَارَةِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام.

۱- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّيِّ قَالَ: قَالَ الرِّضَا عليه السلام:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عليه السلام بِبَغْدَادَ كَمَنْ زَارَ قَبْرَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم وَ قَبْرَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَّا أَنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَضْلَهُمَا.

۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ:

سَأَلْتُهُ عَنْ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام مِثْلُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟

قَالَ: نَعَمْ.

۳- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ حَمْدَانَ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحُضَيْنِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ:

فضیلت زیارت امام کاظم علیه السلام

۱- حسین بن محمد قمی گوید: امام رضا علیه السلام فرمود:

هرکه قبر پدر بزرگوارم علیه السلام را در بغداد زیارت کند همانند کسی است که قبر رسول خدا صلی الله علیه وسلم و قبر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را زیارت نموده باشد مگر این که رسول خدا صلی الله علیه وسلم و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما فضیلتي نسبت به خود دارند.

۲- حسن بن علی وشاء گوید از امام رضا علیه السلام پرسیدم: زیارت قبر امام کاظم علیه السلام همانند زیارت قبر امام حسین علیه السلام است؟

فرمود: آری.

۳- ابراهیم بن عقبه گوید:

ص: ٦٤٢

كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ علیه السلام أَسْأَلُهُ عَنْ زِيَارَةِ أَبِي عَبْدِ اللّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ عَنْ زِيَارَةِ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام وَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَجْمَعِينَ.

فَكَتَبَ إِلَيّ: أَبُو عَبْدِ اللّهِ الْمُقَدّمُ وَهَذَا أَجْمَعُ وَأَعْظَمُ أَجْراً.

بخش بیست و سوم

اشاره

(۲۳)

بَابُ فَضْلِ زِيَارَةِ أَبِي الْحَسَنِ الرّضَا علیه السلام.

۱- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيّ بْنِ مَهْزِيَارَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: جُعِلْتُ فِدَاكَ زِيَارَةُ الرّضَا علیه السلام أَفْضَلُ أَمْ زِيَارَةُ أَبِي عَبْدِ اللّهِ الْحُسَيْنِ علیه السلام؟

فَقَالَ: زِيَارَةُ أَبِي أَفْضَلُ، وَ ذَلِكَ أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللّهِ علیه السلام يَزُورُهُ كُلُّ النّاسِ وَ أَبِي لَا يَزُورُهُ إِلّا الْخَوَاصُّ مِنَ الشّيعَةِ.

۲- أَبُو عَلِيّ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيّ الْكُوفِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ:

نامه ای به امام هادی علیه السلام می نوشتم و از زیارت امام کاظم و امام جواد علیهما السلام پرسیدم.

حضرتش در پاسخ من نوشت: زیارت امام حسین علیه السلام مقدم است، و این هم در برگیرنده آنها و هم از نظر پاداشی بزرگتر است.

فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام

۱- علی بن مهزیار گوید: به امام جواد علیه السلام گفتم: قربانت گردم! زیارت امام رضا علیه السلام برتر است یا زیارت امام حسین علیه السلام؟

فرمود: زیارت پدرم برتر است زیرا امام حسین علیه السلام را همه مردم زیارت می کنند، ولی پدرم را زیارت نمی کنند جز خواص شیعه.

۲- محمد بن سلیمان گوید: -

ص: ۶۴۳

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ حَجّ حَجّةَ الْإِسْلَامِ فَدَخَلَ مُتَمَتّعًا بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجّ، فَأَعَانَهُ اللّهُ عَلَى عُمْرَتِهِ وَ حَجّهِ ثُمّ أَتَى الْمَدِينَةَ فَسَلّمَ عَلَى النّبِيّ صلی الله علیه وسلم ثُمّ أَتَاكَ عَارِفاً بِحَقّكَ يَعْلَمُ أَنّكَ حُجّةُ اللّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ بَابُهُ الّذِي يُؤْتَى مِنْهُ، فَسَلّمَ عَلَيْكَ، ثُمّ أَتَى أَبَا عَبْدِ اللّهِ الْحُسَيْنَ علیه السلام فَسَلّمَ عَلَيْهِ ، ثُمّ أَتَى بَغْدَادَ وَ سَلّمَ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام، ثُمّ انْصَرَفَ إِلَى بِلَادِهِ.

فَلَمّا كَانَ فِي وَقْتِ الْحَجِّ رَزَقَهُ اللّهُ الْحَجّ فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ هَذَا الّذِي قَدْ حَجّ حَجّةَ الْإِسْلَامِ يَرْجِعُ أَيْضاً فَيَحُجُ أَوْ يَخْرُجُ إِلَى خُرَاسَانَ إِلَى أَبِيكَ عَلِيّ بْنِ مُوسَى عليهما السلام فَيُسَلِّمُ عَلَيْهِ؟

قَالَ: لا، بَلْ يَأْتِي خُرَاسَانَ فَيُسَلِّمُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَفْضَلُ، وَ لْيَكُنْ ذَلِكَ فِي رَجَبٍ وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ تَفْعَلُوا فِي هَذَا الْيَوْمِ، فَإِنّ عَلَيْنَا وَ عَلَيْكُمْ مِنَ السّلْطَانِ شُنْعَةٌ.

۳- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام - أَوْ حُكِيَ لِي عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام الشّكُ مِنْ عَلِيّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ - قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام:

از امام جواد علیه السلام پرسیدم: کسی که حَجّة الاسلام را انجام داد و متمتع به عمره حج شد و خدا او را به عمره و حج یاری نمود. بعد از آن به مدینه آمد و بر پیامبر صلی الله علیه وسلم سلام نمود، و سپس خدمت شما آمد درحالی که آشنا به حق شماست و می داند که شما حجّت خدا بر خلق هستی و همان بابی هستی که مردم به سوی آن می روند. پس به شما سلام داد. آن گاه کنار قبر امام حسین علیه السلام آمد و بر آن حضرت سلام داد، سپس به بغداد رفت و بر امام کاظم علیه السلام سلام داد، سپس به شهر خود رفت.

هنگامی که وقت حج فرا رسید خدا بر او حج روزی کرد بنا بر این کدام یک برتر است این که حَجّة الاسلام را انجام داده باز به حج برگردد و آن را انجام دهد و یا به خراسان برود و بر پدر بزرگوارت امام رضا علیه السلام سلام دهد؟

فرمود: نه، بلکه به خراسان بیاید و به امام رضا علیه السلام سلام دهد برتر است و این هم در ماه رجب باشد و برای شما سزاوار نیست که در این روز (ایام حج) این کار را انجام دهید زیرا برای ما و شما از طرف سلطان ترس و وحشت است.

حمدان بن اسحاق گوید: از امام جواد علیه السلام شنیدم - یا راوی برای من نقل کرد تردید از علی بن ابراهیم است - که فرمود:

ص: ٦٤٤

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي علیه السلام بِطُوسَ غَفَرَ اللّٰهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ.

قَالَ: فَحَجَجْتُ بَعْدَ الزِّيَارَةِ فَلَقِيتُ أَيُّوبَ بْنَ نُوحٍ فَقَالَ لِي: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي علیه السلام:

مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بِطُوسَ علیه السلام غَفَرَ اللّٰهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ بَنَى اللّٰهُ لَهُ مِنْبَراً فِي حِذَاءِ مِنْبَرِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه وسلم وَ عَلِي علیه السلام حَتّٰى يَفْرُغَ اللّٰهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ.

فَرَأَيْتُهُ وَ قَدْ زَارَ فَقَالَ: جِئْتُ أَطْلُبُ الْمِنْبَرَ.

٤- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ سَعِيدٍ الْمَكِّيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ سُلَيْمَانَ الْمَازِنِي عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام قَالَ:

مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي عَلِي كَانَ لَهُ عِنْدَ اللّٰهِ كَسَبْعِينَ حَجَّةً مَبْرُورَةً.

قَالَ: قُلْتُ: سَبْعِينَ حَجَّةً؟

قَالَ: نَعَمْ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةٍ.

قَالَ: قُلْتُ: سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةٍ؟

هرکس قبر پدرم علیه السلام را در طوس زیارت نماید خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد.

راوی گوید: پس از زیارت آن حضرت به حج مشرف شدم و با ایوب بن نوح ملاقات کردم. وی گفت امام جواد علیه السلام فرمود:

هرکس قبر پدرم علیه السلام را در طوس زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد و برای او منبری در برابر حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و حضرت علی علیه السلام می سازد تا از حسابرسی آفریدگان پایان یابد.

پس او را دیدم که به زیارت آن حضرت مشرف شد، آن گاه گفت: آمدم تا منبر را تحویل بگیرم.

٤- یحیی بن سلیمان مازنی گوید: امام کاظم علیه السلام فرمود: هرکس قبر فرزندم علی را زیارت کند برای او در پیشگاه خدا همانند هفتاد حج نیکو است.

عرض کردم: هفتاد حج؟

فرمود: آری، و هفتاد هزار حج.

عرض کردم: هفتاد هزار حج؟

ص: ٦٤٥

قَالَ: رُبّ حَجّةٍ لا تُقْبَلُ مَنْ زَارَهُ وَبَاتَ عِنْدَهُ لَيْلَةً كَانَ كَمَنْ زَارَ اللّهَ فِي عَرْشِهِ.

قَالَ: نَعَمْ، إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كَانَ عَلَى عَرْشِ الرّحْمَانِ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوّلِينَ وَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الآخِرِينَ. فَأَمّا الْأَرْبَعَةُ الّذِينَ هُمْ مِنَ الْأَوّلِينَ فَنُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَعِيسَى علیهم السلام، وَأَمّا الْأَرْبَعَةُ مِنَ الآخِرِينَ فَمُحَمّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ صَلَوَاتُ الله علیهم. ثُمّ يُمَدُّ الْمِضْمَارُ فَيَقْعُدُ مَعَنَا مَنْ زَارَ قُبُورَ الْأَئِمّةِ علیهم السلام إِلّا أَنّ أَعْلَاهُمْ دَرَجَةً وَأَقْرَبَهُمْ حَبْوَةً زُوّارُ قَبْرِ وَلَدِي عَلِي علیه السلام.

٥- عِدّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْن زِيَادٍ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ زَيْدٍ الشّحّامِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه وسلم؟

قَالَ: كَمَنْ زَارَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ.

قَالَ: قُلْتُ: فَمَا لِمَنْ زَارَ أَحَداً مِنْكُمْ؟

قَالَ: كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم.

فرمود: چه بسا که حجی مورد پذیرش قرار نمی گیرد هر کس او را زیارت کند و شبی را در نزد او بیتوته کند به سان کسی است که خداوند را در عرش زیارت کرده است.

فرمود: آری، آن گاه که روز قیامت فرا رسد بر عرش خدای رحمان چهار تن از پیشینیان و چهار تن از پسینیان خوهد بود چهار تن از پیشینیان عبارتند از نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام و چهار تن از پسینیان عبارتند از: حضرت محمد، حضرت علی، حضرت امام حسن

و حضرت امام حسین علیهم السلام آن گاه جایگاه آماده می شود و زایران قبور ائمه علیهم السلام با ما می نشینند با این تفاوت که بالاترین درجه و نزدیک ترین هدیه از آن زایران قبر فرزندم علی علیه السلام است.

۵- زید شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم پاداش زایر رسول خدا صلی الله علیه وسلم چیست؟

فرمود: به سان کسی است که خداوند متعال را در بالای عرش زیارت کرده است.

عرض کردم: پاداش کسی که یکی از شما امامان علیهم السلام را زیارت کند چیست؟

فرمود: به سان کسی که پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم را زیارت کرده باشد.

ص: ٦٤٦

بخش بیست و چهارم

اشاره

(٢٤)

بَابُ.

١- عَلِيٌّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ وَ غَيْرُهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلَّادٍ الْقَلَانِسِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

مَكَّةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليهما السلام الصَّلَاةُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدِّرْهَمُ فِيهَا بِمِائَةِ أَلْفِ دِرْهَم وَ الْمَدِينَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا الصَّلَاةُ فِيهَا بِعَشَرَةِ آلافِ صَلَاةٍ وَ الدِّرْهَمُ فِيهَا بِعَشَرَةِ آلافِ دِرْهَم وَ الْكُوفَةُ حَرَمُ اللَّهِ وَ حَرَمُ رَسُولِهِ وَ حَرَمُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام الصَّلَاةُ فِيهَا بِأَلْفِ صَلَاةٍ وَ الدِّرْهَمُ فِيهَا بِأَلْفِ دِرْهَم.

٢- مُحَمَّدُ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ:

[نماز در حرم های چهارگانه]

١- خلاد قلانسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

مکه حرم خدا و رسول او و امیرالمؤمنین علیهما السلام است. یک نماز در آن برابر صد هزار نماز است و یک درهم (انفاق) در آن برابر صد هزار درهم است و مدینه حرم خدا و رسول او و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما است. یک نماز در آن برابر ده هزار نماز و یک درهم در آن برابر ده هزار درهم است و کوفه حرم خدا و رسول او و امیرالمؤمنین علیهما السلام است. یک نماز در آن برابر هزار نماز و یک درهم در آن برابر هزار درهم است.

٢- ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: -

تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ ؛ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وسلم وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

٣- عَلِيٌّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مَنْ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ:

تَتِمُ الصَّلَاةُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وسلم وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

٤- أَبُو عَلِي الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ: حُسَيْنٌ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وسلم وَ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

نماز در چهار جا تمام خوانده می شود در مسجد الحرام، مسجد الرسول صلى الله عليه وسلم، مسجد کوفه وحرم امام حسین صلوات الله علیه.

٣- نظیر این روایت را حذیفة بن منصور از امام صادق علیه السلام نقل می کند.

٤- یکی از اصحاب ما به نام حسین گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

در سه جا نماز تمام خوانده می شود مسجد الحرام، مسجد الرسول صلى الله عليه وسلم. وکنار قبر امام حسین علیه السلام.

٥- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ خَادِمِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْقَمِّي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

تَتِمُّ الصَّلَاةُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صلى الله عليه وسلم وَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ حَرَمِ الْحُسَيْنِ عليه السلام.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي شِبْل قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؟

قَالَ: نَعَمْ، زُرِ الطَّيِّبَ وَأَتِمّ الصَّلَاةَ فِيهِ.

قُلْتُ: فَإِنّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَرَوْنَ التَّقْصِيرَ.

قَالَ: إِنَّمَا يَفْعَلُ ذَلِكَ الضَّعَفَةُ.

٥- عبدالحمید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

نماز در چهار جا تمام خوانده می شود مسجدالحرام، مسجد الرسول، مسجد کوفه و حرم امام حسین علیه السلام.

٦- ابو شبل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: قبر امام حسین علیه السلام را زیارت بنمایم؟ فرمود: آری، پاکیزه زیارت کن و نماز را در آنجا تمام گزار.

گفتم: بعضی از اصحاب ما نظرشان به قصر است.

فرمود: این حکم را فقط ضعفا و ناتوانان انجام می دهند.

بخش بیست و پنجم

اشاره

(۲۵)

بَابُ النَّوَادِر.

۱- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ رَوَاهُ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

إِذَا بَعُدَتْ بِأَحَدِكُمُ الشُّقَّةُ وَ نَاتْ بِهِ الدَّارُ فَلْيَعْلُ أَعْلَى مَنْزِلِهِ وَ لْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَلْيُومِ بِالسَّلَامِ إِلَى قُبُورِنَا، فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَيْنَا.

۲- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَزُرْهُ وَ أَنْتَ حَزِينٌ مَكْرُوبٌ شَعِثٌ مُغْبَرٌ جَائِعٌ عَطْشَانُ، وَ سَلْهُ الْحَوَائِجَ وَ انْصَرِفْ عَنْهُ وَ لَا تَتَّخِذْهُ وَطَناً.

۳- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ كَرَّامٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ:

چند روایت نکته دار

۱- راوی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه مسافت زیارت ما برای یکی از شما دور شد و خانه اش با ما فاصله زیادی داشت پس بر بالاترین جای منزلش برود و دو رکعت نماز گزارد و به سلام به قبور ما اشاره کند، زیرا همان برای ما می رسد.

۲- یکی از اصحاب ما گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هرگاه خواستی امام حسین علیه السلام را زیارت کنی پس آن حضرت را با حال حزن و غصه و ژولیده و غبار آلود گرسنه و تشنه زیارت کن و حاجت های خود را بخواه آن گاه برگرد و آن جا را وطن نگیر.

۳- ابن ابی یعفور گوید: -

ص: ۶۵۰

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام: يَأْخُذُ الْإِنْسَانُ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَيَنْتَفِعُ بِهِ وَيَأْخُذُ غَيْرُهُ وَ لا يَنْتَفِعُ بِهِ.

فَقَالَ: لا وَ اللّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلّا هُوَا مَا يَأْخُذُهُ أَحَدٌ وَ هُوَ يَرَى أَنّ اللّهَ يَنْفَعُهُ بِهِ إِلّا نَفَعَهُ بِهِ.

٤- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِقٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ الرّبِيعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قالَ:

إِنّ عِنْدَ رَأْسِ الْحُسَيْنِ علیه السلام لَتَرْبَةٌ حَمْرَاءَ فِيهَا شِفَاءٌ مِنْ كُلّ دَاءٍ إِلّا السّامَ.

قَالَ: فَأَتَيْنَا الْقَبْرَ بَعْدَ مَا سَمِعْنَا هَذَا الْحَدِيثَ فَاحْتَفَرْنَا عِنْدَ رَأْسِ الْقَبْرِ، فَلَمّا حَفَرْنَا قَدْرَ ذِرَاعٍ ابْتَدَرَتْ عَلَيْنَا مِنْ رَأْسِ الْقَبْرِ مِثْلُ السّهْلَةِ حَمْرَاءَ قَدْرَ الدّرْهَم فَحَمَلْنَاهَا إِلَى الْكُوفَةِ فَمَزَجْنَاهُ وَأَقْبَلْنَا نُعْطِي النّاسَ يَتَدَاوَوْنَ بِهَا.

٥- أَحْمَدُ بْنُ مُحَمّدٍ عَنْ رِزْقِ اللّهِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عُمَرَ السّرّاحِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ:

به امام صادق علیه السلام گفتم: شخصی از خاک قبر امام حسین علیه السلام بر می دارد پس از آن نفع می برد و دیگری بر می دارد ولی از آن نفع نمی برد.

فرمود: نه، به خدایی که معبودی جز او نیست سوگند! کسی آن را بر نمی دارد که بداند که خداوند با آن نفع می رساند مگر این که به او نفع می رساند.

٤- یونس بن ربیع گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

به راستی نزد سر امام حسین علیه السلام خاک سرخی است که در آن شفای هر بیماری است مگر مرگ.

راوی گوید: ما بعد از شنیدن این حدیث نزد سر قبر را کندیم، وقتی به اندازه یک زراع کندیم از سمت سر قبر همانند ماسه سرخ به اندازه درهم آشکار شد، پس آن را به کوفه بردیم و با موادی مخلوط نمودیم و به مردم دادیم که با آن مداوا می کنند.

٥- سلیمان بن عمر سراج از یکی از اصحابمان این گونه نقل می کند: -

ص: ٦٥١

یوخَذُ طِینُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ علیه السلام مِنْ عِنْدِ الْقَبْرِ عَلَی سَبْعِینَ ذِرَاعاً.

٦- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَمِعْتُهُ یَقُولُ:

لِمَوْضِعِ قَبْرِ الْحُسَیْنِ علیه السلام حُرْمَةٌ مَعْلُومَةٌ مَنْ عَرَفَهَا وَ اسْتَجَارَ بِهَا أُجِیرَ.

قُلْتُ: صِفْ لِي مَوْضِعَهَا.

قَالَ: امْسَحْ مِنْ مَوْضِعِ قَبْرِهِ الْیَوْمَ خَمْسَةٌ وَ عِشْرِینَ ذِرَاعاً مِنْ قُدَّامِهِ وَ خَمْسَةٌ وَعِشْرِینَ ذِرَاعاً عِنْدَ رَأْسِهِ وَ خَمْسَةٌ وَ عِشْرِینَ ذِرَاعاً مِنْ نَاحِیَةِ رِجْلَیْهِ وَ خَمْسَةً وَ عِشْرِینَ ذِرَاعاً مِنْ خَلْفِهِ وَ مَوْضِعُ قَبْرِهِ مِنْ یَوْمَ دُفِنَ رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنْهُ مِعْرَاجٌ یُعْرَجُ مِنْهُ بِأَعْمَالِ زُوَّارِهِ إِلَی السَّمَاءِ وَ لَیْسَ مِنْ مَلَكٍ وَ لَا نَبِیّ

فِي السَّمَاوَاتِ إِلَّا وَهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ أَنْ يَأْذَنَ لَهُمْ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَفَوْجٌ يَنْزِلُ وَ فَوْجٌ يَعْرُجُ.

٧- عَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ:

خاک قبر امام حسین علیه السلام از هفتاد زراعی قبر برداشته می شود.

٦- اسحاق بن عمّار گوید: از (امام علیه السلام) شنیدم که می فرمود:

برای محل قبر امام حسین علیه السلام حرمت مشخصی است، هرکس آن حرمت را بشناسد و به وسیله آن پناه بخواهد پناه داده می شود.

گفتم: آن جایگاه را برای من توصیف بفرمایید؟

فرمود: از محل قبر امروزی آن حضرت بیست و پنج زراع، از پیش روی آن بیست و پنج زراع از بالای سر و بیست و پنج ،زراع از طرف پایین پا و بیست و پنج زراع و از پشت قبر بیست و پنج زراع متر کنید محل قبر آن حضرت روزی که دفن شد بوستانی از بوستان های بهشت است و عروج از آن جاست که اعمال زوّارش از آنجا تا آسمان بالا می رود و هر فرشته و پیامبری که در آسمان ها است از خدا می خواهند که به آنها اجازه داده شود که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کنند. پس گروهی فرود می آیند و گروه دیگر بالا می روند.

٧- علی بن محمد در روایت مرفوعه ای گوید: حضرتش فرمود:

الْخَتْمُ عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام أَنْ يُقْرَأَ عَلَيْهِ (إِنّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ).

وَ رُوِيَ: إِذَا أَخَذْتَهُ فَقُلْ:

«بِسْمِ اللّهِ اللّهُمّ بِحَقّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الطّاهِرَةِ وَ بِحَقّ الْبُقْعَةِ الطّيّبَةِ وَ بِحَقّ الْوَصِيّ الّذِي تُوَارِيهِ وَ بِحَقّ جَدّهِ وَ أَبِيهِ وَ أُمّهِ وَ أَخِيهِ وَ الْمَلَائِكَةِ الّذِينَ يَحُفُونَ بِهِ وَ الْمَلَائِكَةِ الْعُكُوفِ عَلَى قَبْرِ وَلِيّكَ يَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اجْعَلْ لِي فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلّ دَاءٍ وَ أَمَانَا مِنْ كُلّ خَوْفٍ وَ عِزّاً مِنْ كُلّ ذُلّ وَ أَوْسِعْ بِهِ عَلَيّ فِي رِزْقِي وَ أَصِحَ بِهِ جِسْمِي».

٨- مُحَمّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطّابِ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ الْخَطّابِ عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ مُحَمّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مِسْمَع عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرّحْمَانِ عَنْ حَنَانٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ عليه السلام: يَا سَدِيرًا تَزُورُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلّ يَوْمٍ؟

قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ! لا .

قَالَ: فَمَا أَجْفَاكُمْ.

خاک مهر برداشتن از قبر امام حسین علیه السلام این است که بر آن سوره قدر خوانده شود. و روایت شده است هرگاه از خاک قبر برداشتی بگو: «بِسْمِ اللّهِ اللّهُمّ بِحَقّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الطّاهِرَةِ وَ بِحَقّ الْبُقْعَةِ الطّيّبَةِ وَ بِحَقّ الْوَصِيّ الّذِي تُوَارِيهِ وَ بِحَقّ جَدّهِ وَ أَبِيهِ وَ أُمّهِ وَ أَخِيهِ وَ الْمَلَائِكَةِ الّذِينَ يَحْفُونَ بِهِ وَ الْمَلَائِكَةِ الْعُكُوفِ عَلَى قَبْرِ وَلِيّكَ يَنْتَظِرُونَ نَصْرَهُ صَلّى اللّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اجْعَلْ لِي فِيهِ شِفَاءً مِنْ كُلّ دَاءٍ وَ أَماناً مِنْ كُلّ خَوْفٍ وَ عِزّاً مِنْ كُلّ ذَلِ وَ أَوْسِعْ بِهِ عَلَيّ فِي رِزْقِي وَ أَصِحَ بِهِ جِسْمِي».

٨- پدر حنان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ای سدیر! قبر امام حسین علیه السلام را در هر روز زیارت می کنی؟

گفتم: قربانت گردم! نه.

فرمود: پس شما چه جفاکارید.

قَالَ: فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ جُمْعَةٍ؟

قُلْتُ: لا.

قَالَ: فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ شَهْرٍ؟

قلت: لا.

قَالَ: فَتَزُورُونَهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ؟

قُلْتُ: قَدْ يَكُونُ ذَلِكَ.

قَالَ: يَا سَدِيرًا مَا أَجْفَاكُمْ لِلْحُسَيْنِ عليه السلام: أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ لِلّهِ عَزّ وَ جَلّ أَلْفَيْ أَلْفِ مَلَكٍ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَ وَ يَزُورُونَ لا يَفْتُرُونَ وَ مَا عَلَيْكَ يَا سَدِيرُ أَنْ تَزُورَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِي كُلِّ جُمْعَةٍ خَمْسَ مَرّاتٍ وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرّةٌ.

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! إِنّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ فَرَاسِخَ كَثِيرَةٌ.

فَقَالَ لِي: اصْعَدْ فَوْقَ سَطْحِكَ ثُمّ تَلْتَفِتُ يُمْنَةٌ وَ يُسْرَةً ثُمّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ إِلَى السّمَاءِ، ثُمّ انْحُ نَحْوَ الْقَبْرِ وَ تَقُولُ:

فرمود: در هر هفته زيارت می کنی؟

گفتم: نه.

فرمود: آن حضرت را در هر ماه زيارت می کنی؟

گفتم: نه.

فرمود: در هر سال زیارت می کنی؟

گفتم: گاهی می شود.

فرمود: ای سدیر! شما نسبت به امام حسین علیه السلام چه جفاکارید ؟!

آیا نمی دانی که برای خداوند عزوجل دو میلیون فرشته است که ژولیده و غبارآلودند و بر آن حضرت گریه می کنند و حضرتش را زیارت می کنند و سستی نمی ورزند. ای سدیر! برای چه در هر هفته پنج بار و در هر روز یک بار را زیارت نمی کنی.

گفتم: قربانت گردم! میان ما و او فرسنگ های بسیاری فاصله است.

حضرتش به من فرمود: بالای سمت بام خانه ات برو، سپس به سمت راست و چپ نگاه کن. آن گاه سرت را به طرف آسمان بلند کن سپس به سوی قبر رو کن و بگو: -

ص: ٦٥٤

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

تُكْتَبُ لَكَ زَوْرَةٌ وَ الزَّوْرَةُ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ.

قَالَ سَدِيرٌ: فَرُبَّمَا فَعَلْتُ فِي الشَّهْرِ أَكْثَرَ مِنْ عِشْرِينَ مَرَّةً.

٩- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ:

إِذَا كَانَ النِّصْفُ مِنْ شَعْبَانَ نَادَى مُنَادٍ مِنَ الْأُفُقِ الْأَعْلَى أَلَا زَائِرِي قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام ارْجِعُوا مَغْفُوراً لَكُمْ وَ ثَوَابُكُمْ عَلَى رَبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وسلم نَبِيِّكُمْ.

تَمَّ كِتَابُ الْحَجِّ مِنَ «الْكَافِي» وَ يَتْلُوهُ كِتَابُ الْجِهَادِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ».

با انجام این عمل برای تو پاداش زیارت امام حسین علیه السلام نوشته می شود که پاداش زیارت امام حسین علیه السلام پاداش یک حج و یک عمره است.

سدیر گوید: گاهی من در یک ماه بیش از بیست بار این عمل را انجام می دادم.

۹- هارون بن خارجه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که نیمه ماه شعبان فرا رسد منادی از بالای آسمان صدا زند: ای زایران قبر امام حسین علیه السلام برگردید که آمرزیده شده اید و پاداش شما به عهده پروردگارتان و حضرت محمد صلی الله علیه وسلم پیامبرتان است.

سپاس خدا را که کتاب حج از کتاب شریف «کافی» پایان یافت و در پی آن کتاب جهاد آغاز خواهد شد.